

صاحب امتیاز: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

مدیر مسئول: بابک نگاهداری

سر دبیر: حسن سبحانی

مدیر داخلی: سیدمحمد خوئی

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

ابراهیم بیگزاده (استاد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی)

محمدسعید جبل‌عاملی (استاد دانشکده مهندسی صنایع دانشگاه علم و صنعت ایران)

علی جهان (دانشیار مهندسی صنایع دانشگاه آزاد اسلامی سمنان)

پرویز داودی (استاد دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی)

علیرضا راهایی (استاد دانشکده مهندسی عمران و محیط زیست دانشگاه صنعتی امیرکبیر)

حسن سبحانی (استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران)

محمدجواد شریف‌زاده (دانشیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام‌صادق (ع))

احمدحسین شریفی (استاد گروه فلسفه مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام‌خمینی (ره))

محمدحسن صادقی‌مقدم (استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)

علی طیب‌نیا (استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران)

علی غلامی (دانشیار دانشکده معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام‌صادق (ع))

الیاس نادران (دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران)

محمد صادق نصرالهی (دانشیار دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام‌صادق (ع))

داوران این شماره: علیرضا آرش‌پور، محمود ابوالقاسمی، وکیل احمدی، سیدمحمد اعرابی، حسین افراسیابی، سیدعلیرضا افشانی، قنبر امیرنژاد، هادی امیری، باقر انصاری، محمدحسین ایمانی خوشخو، رافیک باغومیان، فرامرز باقرآبادی، سجاد برخوردار، دورباش، فرخنده جبل‌عاملی، مهرزاد حمیدی، علی‌عباس حیاتی، محمد خیبری، اسماعیل رحیمی‌نژاد، مهدی رزم‌آهنگ، سیدعلی روحانی، مرتضی رجوعی، حسن سبحانی، حمید سپهردوست، محسن شاطریان، سعید شیرکوند، محمدجلال عباسی شوازی، مریم السادات قریشی خوراسگانی، زهرا کریمی موغاری، امیرحسین محمودی، حسین محمودیان، مهدی مجیدپور، مهدی مرتضوی، علیرضا معطوفی، فرشاد مومنی، مهدی مهدوی‌زاهد، محسن مهرارا، محمد میرزایی، میثم نعمت‌الهی، پیمان نمایان، ناصر یارمحمدیان

این فصلنامه به استناد نامه شماره ۹۵۸-۳/۲۷ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۲۴ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دارای درجه علمی پژوهشی است.

این فصلنامه در پایگاه‌های زیر نمایه می‌شود:

پایگاه استنادی علوم جهان اسلام

مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی

بانک اطلاعات نشریات کشور

پایگاه مجلات تخصصی نور

وی‌راستار: شیوا امین اسکندری

صفحه آرا: بهمن سرداری

www.isc.gov.ir (ISC)

www.sid.ir

www.magiran.com

www.noormags.ir

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی)، پلاک ۸۰۲

صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵

دفتر فصلنامه (پرستو اجاقیان):

دورنگار:

امور مشترکین:

۰۲۱-۷۵۱۸۳۲۸۳

۰۲۱-۷۵۱۸۳۱۸۶

۰۲۱-۷۵۱۸۳۱۴۹

nashr.majles.ir

mrcmag@majlis.ir

rc.majlis.ir

□ نقل مطالب مندرج در فصلنامه با ذکر مأخذ آزاد است.

□ مسئولیت صحت اطلاعات مندرج در مقالات به عهده نویسندگان است.

ویژگی‌های یک مقاله راهبردی علمی

از منظر هیئت تحریریه فصلنامه مجلس و راهبرد، مقاله راهبردی علمی حداقل یکی از ویژگی‌های ذیل را دارد:

۱. حاوی یافته‌های جدید علمی حاصل از طرح‌های پژوهشی، رساله‌های تحقیقاتی و سایر تولیدات پژوهشی اعم از پژوهش‌های بنیادی، کاربردی، توسعه‌ای، تحلیلی، انتقادی، نقد و بررسی علمی کتاب، همراه با ارائه نظریه یا روش جدید در راستای حل مسائل کشور با دو ویژگی اصالت و ابداع.

۲. دربردارنده تحلیل علمی از موضوع مورد تحقیق و ارائه راهکارهایی برای فائق آمدن بر مشکلات و کاهش آسیب‌ها و تهدیدهای ناشی از معضلات جامعه.

۳. دارای توصیه سیاستی روشن و دقیق درباره خلأها، ابهامات و تعارضات در حوزه‌های سیاستگذاری عمومی کشور و چالش‌های کلان فراروی آن و همچنین آینده‌نگاری برای تصمیم‌سازان ذی‌ربط.

۴. دارای مضامین و محتوای عمدتاً بین‌رشته‌ای با عنایت به مرتبط بودن وجوه متعدد مسائل و مشکلات با عرصه‌های مختلف داخلی و بین‌المللی حیات سیاسی کشور.

فهرست مطالب

درس‌هایی از خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی در ایران؛ مطالعه موردی شرکت‌های قطارهای مسافربری رجا، ایران ایرتور، کشت و صنعت هفت تپه و آلومینیوم المهدی ۵
علی نصیری‌اقدم، علی جعفری شهرستانی، الهام غلامی و زینب پیروزراهی

ارائه الگوی ارزشیابی حکمرانی اقتصادی در ایران با استفاده از شاخص‌های ارزشیابی بین‌المللی ۴۷
غلامرضا توکلی، امین معینیان، احد رضایان قیه‌باشی و احسان طهماسب

سازمان تأمین اجتماعی و چالش‌های فعالان کسب‌وکار ۸۷
محمد رضا مالکی و یاسر باقری

الزامات استقرار نظام تضمین کیفیت در آموزش عالی و پژوهش ایران ۱۲۳
مهدی مهدی

تجزیه سهم عوامل مؤثر بر سالخوردگی جمعیت در ایران با استفاده از رویکرد ارزش شیپلی ۱۵۹
رضا معبودی، محمدحسن فطرس و زینب دره نظری

محک عوامل رافع مسئولیت کیفری در سنجه عدالت ۱۹۹
احمد حاجی ده‌آبادی و احمد رحیمی

تحلیل ابعاد حقوقی قرارداد تأمین محتوا و خدمات دیجیتال با تأکید بر حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان ۲۲۹
سجاد جان محمدی، رحمت‌اله جان محمدی و مینا حسینی

نهاد اجتماع به‌مثابه سازمان‌دهی اقتصادی ورای دوگانه بازار و دولت ۲۵۹
سیدمحمد حسینی فرد، ابوالقاسم توحیدی‌نیا و الیاس نادران

۲۹۵..... بررسی روند تولیدات علمی در روش تصمیم‌گیری جمعی در پایگاه وب‌آوساینس
سیدمحسن میرباقری، عطاءاله رفیعی آتانی و محمدرضا پارسا نژاد

۳۳۳ ماهیت‌شناسی حقوقی بستر رودخانه و جرائم ناشی از واگذاری آن
رسول احمدزاده، زهرا مشایخی و رحیم‌گل زاده

بررسی تأثیر سیاست‌های کلان اقتصادی و نوسان آنها بر ساختار سرمایه شرکت‌های پذیرفته
شده در بورس اوراق بهادار تهران.....۳۶۵
مهدی خرم‌آبادی

واکاوی اهداف مشارکت عمومی - خصوصی در زمینه بناهای تاریخی شهری (یک مطالعه
چند موردی).....۴۰۵
ندا زرنیدیان، محمدرضا فرزین و علی‌اصغر شالبافیان

۴۳۵..... شناسایی و رتبه‌بندی موانع مشارکت مردم و نخبگان در نظام قضایی
حمیدرضا نعمت‌الهی، مصطفی ملکی، مهدی عبدالحمید و معصومه سروندی

مطالعه تأثیر میزان دین‌داری بر احساس امنیت اجتماعی: فراتحلیل پژوهش‌ها در بازه زمانی
۱۳۸۷ الی ۱۴۰۰.....۴۷۵
طاها عشایری، طاهره جهان‌پرور، حسین مؤمنی و فائزه رقمی

۵۱۱..... مفهوم‌پردازی تحرک بدنی در کتاب‌های درسی مقاطع پایه نوآموزان کم‌توان ذهنی
سعید یوسفی و زهرا اصغری

درس‌هایی از خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی در ایران؛ مطالعه موردی شرکت‌های قطارهای مسافربری رجا، ایران ایرتور، کشت و صنعت هفت تپه و آلومینیوم المهدی

علی نصیری اقدم^{*}، علی جعفری شهرستانی^{**}، الهام غلامی^{***} و زینب پیروززاهی^{****}

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۵	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۷	شماره صفحه: ۴۵-۵
-------------------	--------------------------	-------------------------	------------------

هدف از این مقاله ارزیابی درس‌های خصوصی‌سازی در ایران است. برای این منظور، از روش مطالعه موردی استفاده شده و چهار شرکت «قطارهای مسافربری رجا»، «ایران ایرتور»، «کشت و صنعت هفت‌تپه» و «آلومینیوم المهدی» مورد بررسی قرار گرفته است. ایده اصلی مطالعه این است که گذار به نظام بازار فرایندی سیستمی است و قابل تقلیل به واگذاری مالکیت از شرکت‌های مادر تخصصی دولتی به مالکان غیردولتی نیست. دلالت یافته‌های پژوهش برای موفقیت خصوصی‌سازی این است که: ۱. در طبقه‌بندی شرکت‌های دولتی توجه به ماهیت و کارکردهای شرکت مهم‌تر از قرار داشتن یا نداشتن نام شرکت یا فعالیت آن در صدر اصل چهارم و چهارم قانون اساسی است؛ ۲. همکاری سازمان خصوصی‌سازی و شرکت‌های مادر تخصصی ذی‌ربط بهتر از تقابلی است که در قالب بند «۱» ماده (۱۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم و چهارم قانون اساسی پیش‌بینی شده است؛ ۳. «افزایش تعهدات شرکت‌ها» در مرحله واگذاری (نظیر تحمیل نیروی کار به شرکت) باید جرم‌نگاری شود؛ ۴. هیئت واگذاری به فصل الخطاب واگذاری‌ها ارتقای جایگاه پیدا کند و ۵. در شیوه‌های اجرایی واگذاری (نظیر صدور واگذاری مصوبه قبل از قیمت‌گذاری، صدور فراخوان واگذاری بدون حصول اطمینان از شفافیت صورت‌های مالی، عدم احراز اهلیت حرفه‌ای برای مدیران شرکت‌های استراتژیک و بزرگ مقیاس که به صورت بلوکی واگذار می‌شوند) بازنگری شود. **کلیدواژه‌ها: شرکت‌های دولتی؛ خصوصی‌سازی؛ گذار به نظام بازار؛ اصل چهارم و چهارم قانون اساسی؛ موردکاوی**

* دانشیار دانشکده علوم اقتصادی، دانشگاه علامه طباطبائی (ره) (نویسنده مسئول)؛ Email: alin110@atu.ac.ir

** دانش‌آموخته دکتری توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی، دانشکده علوم اقتصادی، دانشگاه علامه طباطبائی (ره)؛

Email: a.j.shahrestani@gmail.com

*** دانش‌آموخته دکتری اقتصاد، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران؛

Email: gholami.e@mefa.gov.ir

**** دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشکده علوم اقتصادی، دانشگاه علامه طباطبائی (ره)؛

Email: z_piroozrahi@atu.ac.ir

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال سی و یکم، شماره یکصد و هجدهم، تابستان ۱۴۰۳

doi:10.22034/MR-2023.5407. 5162

معمولاً دوران مدیریت رؤسای سازمان خصوصی‌سازی کوتاه بوده و برای هر کدام از آنها یا اعضای هیئت عامل سازمان کم‌وبیش پرونده‌هایی در دادگاه تشکیل شده است. تعداد شرکت‌هایی که نهادهای نظارتی خواستار لغو واگذاری آنها هستند و به دولت بازگردانده شده‌اند رو به ازدیاد است (تعداد این قبیل شرکت‌ها از ۲۰ شرکت فراتر رفته است). دولت دوازدهم در واکنش به نقدهایی که علیه خصوصی‌سازی بلوکی وارد شد، رو به خصوصی‌سازی انبوه و خرد کردن سهام آورد؛ البته متهم به این شد که بدون واگذاری مدیریت شرکت‌های مشمول واگذاری، برای جبران کسری بودجه اقدام به این کار کرده است. همچنین بخش خصوصی هم معتقد است اغلب خصوصی‌سازی‌ها، از نوع واگذاری به نهادهای عمومی غیردولتی بوده است.

برای تحلیل این اخبار، چهار شرکت واگذار شده که کم‌وبیش دارای حاشیه‌های بسیار بوده‌اند به‌عنوان موضوع مورد پژوهش انتخاب شده است تا از رهگذر مورد پژوهشی گامی برای شناخت بهتر و عمیق‌تر موضوع برداشته شود.

یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که مسائل خصوصی‌سازی قابل تقلیل به سطح اجرای سیاست‌ها نیست. اغلب مسائل ریشه در سطح فهم خصوصی‌سازی و معادل ساختن آن با «انتقال حداکثری مالکیت» دارد. تا زمانی که خصوصی‌سازی معادل فروش یا تهاتر دارایی‌های شرکت‌های دولتی تلقی شود، مشکلات پیش‌گفته اجتناب‌ناپذیر است. گذار به اقتصاد بازار یک گذار نظام‌مند (سیستماتیک) از یک نظام متمرکز به یک نظام غیرمتمرکز است. فهم خصوصی‌سازی به‌عنوان یکی از اجزای فرایند گذار، آن را از یک سیاست نقطه‌ای (که در یک لحظه از زمان با فروش سهام شرکت‌ها رخ می‌دهد) به سیاستی فرایندی تبدیل می‌کند که موفقیت آن در

۱. این مقاله برگرفته از پژوهشی است با همین عنوان که به سفارش مرکز پژوهش‌های اتاق ایران انجام شده است.

گرونی طراحی مناسب، منظور نمودن ارتباط آن با سایر اجزای این فرایند، لحاظ تقدم و تأخر زمانی و بسیاری از موضوع‌های دیگر است.

برای تبیین موضوع و ارائه یافته‌ها، پژوهش به این ترتیب سازمان‌دهی شده است: پس از مقدمه به ترتیب مبانی نظری و روش پژوهش مورد مذاقه قرار می‌گیرد. در مبانی نظری توجه ویژه به بخشی از ادبیات می‌شود که درصدد تبیین عوامل موفقیت و شکست خصوصی‌سازی است و در بخش روش پژوهش، روش مورد کاوی و چگونگی کاربرد آن در این مطالعه، به اختصار تشریح خواهد شد. سپس، به‌طور خیلی خلاصه وقایع مرتبط با واگذاری هریک از چهار شرکت مورد مطالعه توصیف و درس‌های آن استخراج می‌شود. در بخش چهارم درس‌های مذکور در قالب مسائل پیش، حین و پس از واگذاری، طبقه‌بندی و مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و در بخش پایانی، نتایج مطرح می‌شود.

۱. مبانی نظری و پیشینه تجربی

خصوصی‌سازی نوعاً به‌مثابه انتقال مالکیت بنگاه‌های دولتی از بخش عمومی به بخش خصوصی تعریف شده است (نگاه کنید به اوگورجی^۱ (۱۹۹۵) و کمیجانی (۱۳۸۲)). در مقابل، این دیدگاه مطرح است که خصوصی‌سازی نه یکی از اجزای جداگانه برای گذار سریع به اقتصاد بازار، بلکه جزئی از یک فرایند نظام‌مند برای به اجرا درآوردن نظم بازار است. اگرچه در نگاه اول، اصلاحات مکمل خصوصی‌سازی نظیر آزادسازی قیمت‌ها، آزادسازی تجارت و تسهیل ورود به بازار مطرح است (Adeyemo and Salami, 2008)، در نگاه دوم توجه عمیق‌تری به درهم‌تنیدگی اصلاحات مختلف، تقدم رقابت بر واگذاری مالکیت و همچنین، نقش ویژه دولت

1. Ugorji

توانمند در موفقیت اصلاحات وجود دارد. این نکات در موج دوم خصوصی سازی مورد توجه قرار گرفته است (خاندوزی، ۱۳۹۷).

اگر نگاهی سیستمی و فرایندی به خصوصی سازی وجود داشته باشد نمی توان شرکت های دولتی را به مثابه زائده ای در بدن دولت و اقتصاد دانست بلکه باید آن را به عنوان جزئی در هم تنیده از نظام اقتصادی موجود تلقی کرد. گاهی شرکت دولتی جزئی لاینفک از نظام حکمرانی اقتصادی است که در بستر تاریخی و بنا بر بعضی صلاحیدهای مدیریتی به شکل شرکت درآمدی است. گاهی وظایف شرکت را دارد، ولی در جایی فعالیت می کند که هیچ بخش خصوصی ای حاضر به ارائه خدمت در آنجا نیست. گاهی انحصارگر بازار است ولی تنظیم گری که روابط درون بازار را به قاعده نظم در آورد وجود خارجی ندارد و خود این شرکت نقش تنظیم گر و قاعده گذار را هم بازی می کند (مثل شرکت راه آهن جمهوری اسلامی ایران). خلاصه کلام اینکه همه شرکت های دولتی از یک سنخ نیستند و در یک بستر مشابه بازاری و رقابتی فعالیت نمی کنند بنابراین نمی توان برخورد یکسانی با تمام آنها داشت. برخورد مشابه با این موجودیت های به غایت نامشابه، متضمن شکست در خصوصی سازی است.

آرارال^۱ (۲۰۰۹) ظرفیت نهادهای سیاسی، ساختار صنعت و بازار، شرایط بنگاه مورد واگذاری و ویژگی بازیگران را از جمله عناصر محوری تأثیرگذار بر سازوکارهای خصوصی سازی در کشورها عنوان می کند. در اجرای سیاست خصوصی سازی بازیگرانی چون شرکت های مادر تخصصی دولتی به عنوان مالک شرکت های مشمول واگذاری، بخش غیردولتی به عنوان خریداران یا سرمایه گذاران، مجری سیاست خصوصی سازی، نهادهای دخیل در فرایند خصوصی سازی و همچنین ذی نفعان منطقه ای، سیاسی و ... ایفای نقش می کنند و برآیند اثرگذاری این عوامل در بستر نهادی واگذاری،

1. Araral

موفقیت یا شکست خصوصی‌سازی را رقم می‌زند.

دولت توانمند که خود برآیندی از نیروهای ناهمگن است نقش بسزایی در موفقیت خصوصی‌سازی دارد؛ یعنی برخلاف تصور رایج که ارتقای عملکرد حکمران دولتی را رهایی از شرکت‌های دولتی می‌داند، در نگاه مورد پذیرش این مقاله، موفقیت در واگذاری شرکت‌های دولت و ساماندهی مجدد آنها در گرو وجود یک ساختار نهادی توانمند در اجرای خصوصی‌سازی است که البته این موضوع به‌هیچ‌عنوان قابل تقلیل به سازمانی نظیر سازمان خصوصی‌سازی نیست.

دولت توانمند و حامی اجرای موفق سیاست خصوصی‌سازی ویژگی‌هایی دارد. یکی اینکه در انتخاب شرکت‌ها برای واگذاری و در انتخاب روش واگذاری تقدم و تأخر اهداف را در نظر می‌گیرد. برای مثال، اگر هدف کسب درآمد و احیاناً حفظ محبوبیت سیاسی سرلوحه کار دولت قرار گیرد ممکن است هدف ارتقای کارایی نادیده گرفته شود. تجربه کشور مکزیک نشان می‌دهد که در فرایند خصوصی‌سازی، واگذاری بنگاه‌های سودده در اولویت قرار گرفت و دولت به‌جای تلاش برای دستیابی به حداکثر کارایی اقتصادی، به دنبال کسب حداکثر درآمد و اعتبار نزد شهروندان بود (D'Souza, Megginson and Nash, 2005؛ جاشی، ۱۳۸۵). همین‌طور نصیری‌اقدم و آقاجانی (۱۳۹۶) بحث مشابهی را از عملکرد خصوصی‌سازی در ایران مستند کرده‌اند. دولت توانمند متناسب با ساختار بازار وظایف تنظیم‌گری را برعهده می‌گیرد. اینتریلیگیتور^۱ (۱۳۸۲) و تعدادی دیگر از اقتصاددانان مشهور، در نامه‌ای خطاب به یلتسین یادآوری می‌کنند که جوهر نظام بازار رقابت است نه مالکیت خصوصی. با فروش انحصارات و انحصارات طبیعی، بدون وجود تنظیم‌گر بخشی که اطمینان دهد قواعد بازی رعایت می‌شود، نتیجه‌ای حاصل نخواهد شد، جز تبدیل انحصار دولتی به

انحصار غیردولتی. در خصوصی‌سازی‌هایی که یک شرکت در یک بازار به همراه سایر رقبا فعالیت دارد، ایجاد رژیم تنظیم‌گر اهمیت کمتری دارد، اما در خصوصی‌سازی‌هایی که مستلزم ایجاد یک بازار جدید است و بخشی از زنجیره ارزش مورد نظر، موضوع انحصار طبیعی است، تنظیم‌گری نقش حائز اهمیتی دارد (Parker, 2004).

علاوه بر این، یکی دیگر از ویژگی‌های دولت توانمند این است که قدرت نهادی و سیاستی لازم را برای نظارت بر فرایند خصوصی‌سازی دارد. در اغلب مواقع، سیاست محرک خصوصی‌سازی است. این موضوع بر اینکه چه چیزی، چگونه و به چه کسی واگذار شود تأثیر می‌گذارد. گاهی بخش خصوصی در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه نمی‌توانند یا نمی‌خواهند تأمین مالی پروژه‌هایی را که نیازمند سرمایه‌گذاری‌های عظیم هستند (مانند زیرساخت‌ها) برعهده گیرند. بنابراین، ضروری است دولت حتی پس از خصوصی‌سازی در ریسک‌ها سهیم شود و به توسعه ظرفیت کارآفرینی بپردازد. در اینجا نظارت موضوعیتی دوچندان پیدا می‌کند؛ چراکه در این نوع مداخله‌های اجتناب‌ناپذیر احتمال فساد وجود دارد.

البته، صرف وجود یک ساختار نظارتی، تضمین‌کننده موفقیت خصوصی‌سازی نیست؛ زیرا شکست نظارتی می‌تواند خود نتیجه شکست نهادی (ساختارهای ضعیف ایجاد انگیزه) یا شکست سیاستی باشد. از این منظر ظرفیت نهادی و سیاستی دولت نیز نقش حائز اهمیتی در کارآمدی نظارت ایفا می‌کند (تان، ۱۳۹۳).

در کنار دولت توانمند، وجود بخش خصوصی توانمند نیز حائز اهمیت است. بخش خصوصی شامل همه بازیگرانی می‌شود که به‌عنوان سرمایه‌گذار وارد خرید شرکت می‌شوند. لازمه یک واگذاری موفق وجود بخش خصوصی با انگیزه و توانمند از نظر مالی، مدیریتی و کارآفرینی است. از آنجا که هدف بخش خصوصی سودآوری است، تناسب بین ریسک و بازده مؤلفه حائز اهمیت برای مشارکت بخش خصوصی

در خرید شرکت مشمول واگذاری است. در غیر این صورت، بخش خصوصی بدون وجود ضمانت‌های دولت برای تأمین وام‌های بلندمدت و تخفیف‌های مالیاتی در تأمین مالی پروژه‌های پرهزینه و بلندمدت با دشواری‌های عظیمی مواجه می‌شود. همچنین، بنا بر تجربه کشورها، اجرای خصوصی‌سازی مستلزم خلق سرمایه‌گذار قبل از واگذاری است (همان). ضمن اینکه، حتی با وجود چنین خریدارانی، موفقیت‌آمیز بودن واگذاری به دلیل تعارض منافع بین خریداران ممکن است تحت‌الشعاع قرار گیرد. همچنین، بخش خصوصی که در نقش خریدار قرار می‌گیرد ممکن است کاملاً خصوصی نباشد یا وابستگی‌های سیاسی به نهادهای حاکمیتی داشته باشد. از این رو، ساختار مالکیت خریدار می‌تواند در تحقق اهداف خصوصی‌سازی تأثیرگذار باشد.

در مطالعاتی که به آسیب‌شناسی خصوصی‌سازی در ایران پرداخته‌اند به موضوع‌های مختلفی برای موفقیت و شکست اشاره شده است. این مطالعات نوعاً به روش کیفی و با استفاده از نظر خبرگان انجام شده است و دلایل عدیده‌ای برای تبیین عملکرد خصوصی‌سازی مطرح شده؛ به نحوی که دسته‌بندی و اولویت‌بندی آنها را دشوار کرده است که با کمی تسامح می‌توان دلایل مذکور را در چند دسته کلی جای داد:

۱. **محیط نهادی و سیاستی خصوصی‌سازی**: برای نمونه جعفرپور (۱۳۹۹) به «نامساعد بودن فضای کسب‌وکار» و «تلاطم محیط سیاسی»؛ طاهری عطار، پورا احمدی و قاسمعلی (۱۳۹۸) به «بی‌انضباطی سیاست‌های مالی دولت» و «محیط غیررقابتی»؛ پورا احمدی، مختاریان‌پور و حسنقلی‌پور یاسوری (۱۳۹۷) به «بی‌انضباطی سیاست‌های مالی دولت»، «محیط غیررقابتی» و «دخالتمندی بیش از اندازه دولت در اقتصاد» و احمدوند (۱۳۹۲) به «عدم وجود فضای کسب‌وکار مناسب» اشاره کرده‌اند.

۲. **فرایند خصوصی‌سازی**: در این زمینه به «ناهماهنگی لازم بین نهادها

و دستگاه‌های ذی‌ربط» (احمدوند، ۱۳۹۲)، «سازوکار ناکارآمد و غیراصولی واگذاری» (پورا احمدی، مختاریان پور و حسنقلی پور یاسوری (۱۳۹۷)؛ طاهری عطار، پورا احمدی و قاسمعلی (۱۳۹۸))، «عدم توجه به متغیرهای زمینه‌ای»، «ساختار نامتوازن هیئت واگذاری» و «فقدان کارایی شورای عالی اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی» (جعفرپور، ۱۳۹۹) اشاره شده است.

۳. **ساختار شرکت‌های مشمول واگذاری**: منظور از ساختار نامناسب برای واگذاری شرکت‌های دولتی این است که گاهی بیش از ۵۰ درصد سرمایه، زیان انباشته دارند، بیش از اندازه نیروی انسانی دارند و گاهی هنوز یک پروژه‌اند و به یک شرکت تبدیل نشده‌اند و نظایر آن (جعفرپور، ۱۳۹۹؛ احمدوند، ۱۳۹۲).

۴. **آمادگی بخش خصوصی**: در این محور به مواردی چون «محدودیت‌های مالی و مدیریتی بخش‌های غیردولتی» (احمدوند، ۱۳۹۲)، «ضعف ساختاری و قدرت و انگیزه کم بخش خصوصی» (پورا احمدی، مختاریان پور و حسنقلی پور یاسوری (۱۳۹۷)؛ طاهری عطار، پورا احمدی و قاسمعلی (۱۳۹۸)) و «عدم الزام خریداران به سرمایه‌گذاری جدید و ارتقای کارایی» (جعفرپور، ۱۳۹۹) اشاره شده است.

در این مطالعه این یافته‌ها نیز مطمح نظر قرار گرفته و در مرور شواهد مربوط به مورد کاوی‌ها، حسب مورد به این محورها توجه شده است. اگرچه گاهی برداشت و نوع نگاه این مقاله لزوماً با دیدگاه محققان پیشین تفاوت‌هایی دارد.

۲. روش تحقیق: مورد پژوهی

در پژوهش حاضر پرسش محوری ناظر بر چرایی رخ داده‌ها در فرایند واگذاری

شرکت‌های دولتی و چگونگی استفاده از درس‌های آن است. وقتی پرسش از چرایی و چگونگی است یکی از استراتژی‌های تحقیق مناسب مورد پژوهی یا مورد کاوی است (کی‌بین، ۱۳۷۸: ۱۵). مورد پژوهی به ما اجازه می‌دهد که از انتزاع بیش از حد دوری کنیم و واقعیت‌های مرتبط را نادیده نگیریم. همچنین گاهی پدیده مورد مطالعه به راحتی از زمینه‌ای که در آن قرار گرفته قابل تشخیص نیست؛ در این مواقع چاره‌ای جز استفاده از مورد کاوی نیست (همان).

برای اجرای مطالعه موردی، ابتدا پرسش محوری تحقیق - که در بالا به آن اشاره شد - تعیین و سپس مراحل زیر که اجزای مهم طرح تحقیق هستند، مرحله به مرحله پیگیری شد:

- **تعیین قضایای تحقیق:** نگاه رایج به خصوصی‌سازی انتقال مالکیت

شرکت‌های دولتی از دولت به بخش خصوصی است. انتظار نظری این است که با انتقال مالکیت، انگیزه مالکان شرکت در جهت بهره‌برداری هر چه بهتر از دارایی‌های شرکت تقویت شود و از این رهگذر عملکرد شرکت‌ها بهبود یابد. در این نگاه، معمولاً وجود یک بخش خصوصی توانمند پیش فرض است و عمده مشکلات خصوصی‌سازی منسوب به کارگزاران دولتی است که عدم واگذاری شرکت‌های دولتی یا واگذاری آنها به زیرمجموعه‌های دولتی و حاکمیتی منافع آنها را بهتر تأمین می‌کند.

در این تحقیق با پذیرش رویکرد نهادی، به این دیدگاه تقلیل‌گرایانه بسنده نشده، خصوصی‌سازی به مثابه فرایندی گذار نظام‌مند از یک اقتصاد دولتی به یک اقتصاد بازار-مبنا تلقی شده است. یک بعد از این دیدگاه همان است که در نامه پیش‌گفته اقتصاددانان به بوریس یلتسین مطرح شده است: عصاره بازار، انتقال صرف مالکیت از یک بخش به بخش دیگر نیست بلکه «رقابت» است (اینتریلیگیتور، ۱۳۸۲) در واقع،

از نظر ایشان تنها با تقویت رقابت، کارایی حاصل می‌شود و انتقال مالکیت هم در چنین فضایی می‌تواند مؤثر واقع شود.

با این حال، دیدگاه نهادی از این فراتر رفته، وجود و تقویت رقابت را یکی از مؤلفه‌های مهم سیستم بازار-مبنا می‌داند، نه همه آن را؛ ضمن اینکه خود ایجاد رقابت مستلزم وجود دولت توانمند است. بدون وجود دولت توانمند، شکل‌گیری بازار رقابتی و بخش خصوصی توانمند اگر غیرممکن نباشد، صرفاً یک استثناست. خط راهنمای ما در این پژوهش شناسایی و احصای مشکلات و گذاری‌ها از منظر توانمندی‌های دولت و ساختار بازار است.

- **تعیین واحد تحلیل** : واحد تحلیل در این مطالعه «خصوصی‌سازی چهار شرکت دولتی در ایران» است. با این توضیح که شرکت‌های مورد مطالعه به خودی خود واحد تحلیل نیستند. اگرچه خصوصی‌سازی در مورد هر یک از شرکت‌های چهارگانه رخ داده، ولی ما در بررسی خود فقط به نهادها و ساختارها درون مرزهای یک شرکت توجه نخواهیم کرد. از نگاه روشی، اگر هر فرایند خصوصی‌سازی را به‌عنوان یک واحد تحلیل در نظر بگیریم، مطالعه شرکت محدود به مرزهای درون شرکت نخواهد شد و شامل محیط نهادی و ترتیبات نهادی نیز خواهد بود. بنابراین سطح تحلیل در این مطالعه صرفاً یک سطح یا شاخص خرد همچون شاخص‌های عملکرد شرکت‌ها در دوران پیش و پس از واگذاری نیست.

- **تعیین تعداد موردکاوی‌ها** : در این تحقیق ما از موردپژوهی چندگانه به‌جای موردپژوهی یگانه استفاده می‌کنیم. موردپژوهی چندگانه نه با منطق نمونه‌گیری که با منطق تکرار قابل توجیه است. در این منطق، اولین معیار انتخاب این است که هر موردی، باید -قبل از انتخاب مورد نهایی- نشان‌دهنده

نتایج مثال‌زدنی^۱ از پدیده مورد نظر باشد (کی‌بین، ۱۳۸۷). در این پژوهش، معیارهای دیگری علاوه بر منطق پیش‌گفته در انتخاب شرکت‌ها مطرح‌نظر قرار گرفته است:

- شرکت‌های مورد مطالعه از نظر مقیاس و ساختار بازاری که در آن فعالیت می‌کنند، اهمیت معنادار دارند.
- صنایعی که شرکت‌های مورد مطالعه در آن فعالند، بسیار با اهمیت هستند.
- واگذاری این شرکت‌ها از جمله موارد معروف و بحث‌برانگیزی است که انتقادات، تحلیل‌ها و پیگیری‌های بسیاری در فضای رسانه‌ای و سیاسی ایران به راه انداخته است.
- یکی از شروط مهم در انتخاب شرکت مورد مطالعه، امکان‌سنجی جمع‌آوری اطلاعات است. به دلیل بزرگ بودن و اهمیت این شرکت‌ها، امکان جمع‌آوری اطلاعات بهتر فراهم است؛ اگرچه دستیابی به اطلاعات درونی شرکت‌های غیربورسی همواره مشکل است.
- یکی دیگر از معیارهای مطرح شده «داشتن تنوع لازم» است. از این نظر شرکت‌های مورد بررسی با قرار داشتن در صنایع، بازار و جغرافیای متفاوت می‌توانند این تنوع را تأمین کنند و به مطالعه جامعیت بخشند.
- **جمع‌آوری داده‌ها:** در این پژوهش برای بالا بردن اعتبارسازه سعی شده از منابع اطلاعاتی مختلفی استفاده شود؛ به این معنا که هم‌زمان از صورت‌های مالی منتشر شده، مصوبات مراجع قانونی ذی‌ربط، مکاتبات، اسناد و آگهی‌های واگذاری و مطالب رسانه‌ای بهره گرفته شده است.

علاوه بر این، تا جای ممکن با افراد مرتبط مصاحبه‌های عمیق انجام شده و از هریک متناسب با مسئولیت‌شان سؤال‌ها پرسیده شده است تا ابهام‌های موجود به حداقل ممکن کاهش یابد. جمع این داده‌ها می‌تواند اطمینان بالایی ایجاد کند که محقق براساس قضاوت ذهنی خود به گردآوری اطلاعات نپرداخته است.

- تحلیل موردی و تحلیل میان‌موردی: بعد از جمع‌آوری و جمع‌بندی داده‌ها و اطلاعات هر مورد، نوبت به تحلیل میان‌موردی می‌رسد. به عبارت ساده تحلیل میان‌موردی یافته‌ها به معنی مقایسه شباهت‌ها و تفاوت‌های یافته‌ها حاصل از موردهای بررسی شده است. بنابراین، برای تحلیل میان‌موردی فرایند خصوصی‌سازی در چهار شرکت مطالعه شده، ابتدا فرایند واگذاری و مسائل پیش و پس از آن در هریک از شرکت‌ها مورد مطالعه قرار می‌گیرد و سپس، شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود میان مدل‌های پیشنهادی چهار شرکت و دلایل آنها به‌طور تفصیلی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. درواقع در این مرحله، پژوهشگر به دنبال استخراج نقاط مشترک بین داستان خصوصی‌سازی هریک از چهار شرکت مورد بررسی خواهد بود.

۳. نتایج موردکاوی‌ها

در این مطالعه واگذاری چهار شرکت «قطارهای مسافربری رجا»، «ایران ایرتور»، «کشت و صنعت هفت‌تپه» و «آلومینیوم المهدی» موردکاوی شده است. در این قسمت ابتدا به‌صورت خلاصه نکات مهم واگذاری هریک از شرکت‌ها مرور می‌شود و سپس، یافته‌های آنها مقایسه و جمع‌بندی می‌شود.

۳-۱. شرکت قطارهای مسافربری رجا

شرکت راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران تا ابتدای دهه ۱۳۷۰ شرکتی یکپارچه بود که به تنهایی همه امور مربوط به حمل‌ونقل ریلی را مدیریت می‌کرد. از ابتدای دهه ۱۳۷۰ با هدف چابک‌سازی شرکت و تمرکز حرفه‌ای بر مأموریت‌های حاکمیتی، شرکت‌های تراورس، بالاست و رجا، با مالکیت ۱۰۰ درصدی شرکت راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران از این شرکت جدا شدند. شرکت قطارهای مسافری رجا بازوی تخصصی شرکت راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران در زمینه مسافری بود و چند کارکرد اساسی در صنعت ریلی داشت:

- اولین و مهم‌ترین وظیفه‌اش تنظیم‌گری و سیاستگذاری در صنعت حمل‌ونقل ریلی مسافری بود. در این چارچوب، عهده‌دار اجرای طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای دولت در زمینه تأمین واگن و لکوموتیو و متولی قیمت‌گذاری بلیت مسافری بود.
- دومین وظیفه‌اش توسعه بخش خصوصی بود به‌نحوی که در سال‌های منتهی به واگذاری، بسیاری از واگن‌ها و مسیرهای خود را به شرکت‌های غیردولتی واگذار کرده بود.
- سومین وظیفه‌اش تأمین خدمات حمل‌ونقل ارزان‌قیمت به مسافران در مناطق کمتر توسعه‌یافته کشور و همچنین در مسیرهای حومه‌ای بود. اگرچه تردد در مسیرهای تکلیفی و مسیرهای حومه‌ای (که به‌ناچار هر دو در قیمتی زیر هزینه تمام شده انجام می‌شود) از نظر حسابداری نتیجه‌ای جز زیان برای شرکت نداشت ولی برای سیاستگذار اهمیت داشت و حاضر بود برای تردد در این مسیرها یارانه کمک زیان پرداخت کند.

شرکت رجا در سال ۱۳۸۸ (سال واگذاری)، ۶۴ درصد از واگن‌های فعال و ۶۲

درصد از سالن‌های مسافری را در اختیار داشت و سهمش از جابه‌جایی مسافر ۷۰ درصد بود (سالنامه آماری صنعت حمل‌ونقل ریلی، ۱۳۸۹). این شرکت در تاریخ ۱۳۸۸/۱۲/۲۶ به موجب تصمیم‌نامه هیئت وزیران^۱ به شماره ۱/۲۶۱۹۲۲/۴۴۳۰، در قالب یک مصوبه جمعی به همراه ۱۸ شرکت دیگر و بدون قیمت‌گذاری و بدون روشن کردن سیاهه اموال و دارایی‌ها و بدهی‌های شرکت به سازمان تأمین اجتماعی واگذار شد. در خصوص این واگذاری چند نکته حائز اهمیت است:

۱. **اهمیت زمینه:** یک سؤال مهم این است که آیا شرکت رجا پس از واگذاری به بخش غیردولتی حداکثرکننده سود، همچنان می‌توانست کارکردهای سه‌گانه فوق را ایفا کند. امروز به سه دلیل واقعیت-مبنا می‌دانیم که چنین نشده است: اول اینکه شرکت راه آهن جمهوری اسلامی ایران در عمل به توسعه اداری خود مجبور شد و معاونت مسافری را درون خود توسعه داد تا خلأ پیش آمده در اثر واگذاری رجا را پر کند، اگرچه نیروهای تخصصی این کار در شرکت رجا باقی ماندند. دوم اینکه دولت به استناد بند «پ» ماده (۵۲) قانون برنامه ششم توسعه، در ۲۳ اسفند سال ۱۳۹۹ اساسنامه شرکتی حمل‌ونقل ریلی مسافری حومه‌ای (سهامی خاص) را به‌عنوان یک شرکت دولتی تصویب کرد^۲ تا خلأ ناشی از واگذاری شرکت رجا در ارائه خدمات به مناطق حومه‌ای را پر کند. سوم اینکه عملاً پس از واگذاری رجا، نه‌تنها کارکرد رجا در توسعه بخش خصوصی متوقف شد بلکه توسعه خود رجا هم محدود شد و عملاً واگن جدیدی وارد خط نشد جز آنچه پیش‌تر سفارش خرید آن در قالب طرح تملک دارایی‌های

۱. دولت موظف است رونوشتی از مصوبات خود را به مراجع قانونی ذی‌ربط و از جمله هیئت تطبیق مقررات با قوانین مجلس شورای اسلامی ارسال کند. در مورد این مصوبه قاعده مذکور رعایت نشده است و لذا قانونی بودن آن مورد تأیید یا رد هیئت مذکور قرار نگرفته است. در آن سالها به این گونه مصوبات، به‌جای تصویب‌نامه، تصمیم‌نامه گفته می‌شد که وجه تمایز پیش گفته در مورد آنها روشن باشد.

۲. تصویب‌نامه ۱۵۲۶۲۰/ت/۵۵۲۵۹ مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۳.

سرمایه‌ای داده شده بود.

۲. **نقش تنظیم‌گر مستقل ریلی** : صنعت حمل‌ونقل ریلی در قسمت زیرساخت، صنعتی انحصاری است. ساختار هزینه‌های تأمین زیرساخت طوری است که عملاً بیش از یک شرکت نمی‌تواند در این زمینه فعالیت کند. شرکت‌های خدمات‌رسان در صورتی می‌توانند به شکل رقابتی فعالیت کنند که دسترسی به زیرساخت برای ایشان در شرایط مساوی برقرار باشد و پارامترهای تصمیم‌گیری در اختیار داشته باشند. برای این منظور باید نهاد تنظیم‌گر شرایط دسترسی رقابتی به زیرساخت را برای شرکت‌های خدماتی فراهم کند.

در ایران نهاد تنظیم‌گر در بخش ریلی وجود ندارد و عملاً این امور برعهده شرکت راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران است. این شرکت بسیاری از پارامترهای تصمیم‌گیری شرکت‌های خدمات‌رسان را در اختیار دارد به این معنا که تعیین محدودیت‌های قیمت بلیت، تعیین مسیر، واگذاری لوکوموتیو، تعیین زمان حرکت و غیره برعهده شرکت مذکور است (مصاحبه با آقای رجبی، مدیر عامل شرکت رجا، ۱۳۹۹).^۱

سؤال قابل طرح این است که آیا واگذاری شرکت رجا به بخش غیردولتی در حالی که بالادست آن (زیرساخت) موضوع انحصار طبیعی است و تنظیم‌گری آن بدون نهاد تنظیم‌گر مستقل انجام می‌شود، تا چه حد می‌تواند به ارتقای کارایی منجر شود.

۳. **سودآوری شرکت و تعهدات معتبر** : شرکت رجا به دلیل نقش خود در ارائه خدمات ارزان‌قیمت به مسیرهای حومه‌ای و تکلیفی، شرکتی اساساً زیان‌ده است و خصوصی‌سازی آن مستلزم ایجاد بستر مناسب برای خروج از مسیرهای تکلیفی یا ارائه پارانه دولت برای جبران زیان مربوطه است. امری که با توجه به عدم ارائه جایگزین برای ارائه خدمات در این حوزه توسط دولت و تداوم اجبار

۱ . مصاحبه‌ها را تیم تحقیقاتی پژوهش انجام داده‌اند.

رجا به خدمت‌رسانی، به‌رغم تحمیل زیان به این شرکت، محقق نشده است. این در حالی است که شرکتی که واگذار می‌شود باید ماهیتاً توانایی سودآوری داشته باشد؛ چراکه هدف سازمان تأمین اجتماعی، به‌عنوان مالک جدید شرکت، کسب سود است. تعارض اهداف شرکت با اهداف مالک جدید آن مشکلات زیادی را پیش روی شرکت قرار داده است؛ به‌نحوی که وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در مقاطعی از زمان به این جمع‌بندی می‌رسد که شرکت را به دولت بازگرداند و از دولت بخواهد مصوبه واگذاری را لغو کند.

موفقیت خصوصی‌سازی منوط به وجود «تعهد معتبر» است. در صورتی که مقرر باشد هر شرکت دولتی پس از واگذاری همچنان تکالیف دولتی را انجام دهد و متحمل هزینه شود، دولت باید متعهد باشد که هزینه مذکور را پیش‌بینی و پرداخت کند. در غیر این صورت، احتمال شکست واگذاری زیاد است.

۴. فرایندهای خصوصی‌سازی: تصمیم به واگذاری شرکت رجا سیاسی و

در راستای رد دیون دولت به سازمان تأمین اجتماعی بود و فرایندهای معمول کارشناسی را طی نکرد. همین امر نیز به طولانی شدن واگذاری قطعی و به درازا کشیدن قیمت‌گذاری نهایی آن تا سال ۱۳۹۵ منجر شد. از این‌رو در فاصله سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۵ عملاً وضعیت شرکت از نظر مالی نامعلوم بود و حتی تا سال ۱۳۹۲ مجمع عمومی شرکت تشکیل نشد (مصاحبه با آقای فرهمند، قائم‌مقام شرکت رجا، سال ۱۳۹۹). این در حالی است که شفافیت حساب‌های مالی شرکت و مشخص بودن دارایی‌ها و بدهی‌های مربوط از پیش‌شرط‌های اصلی واگذاری است. درس دیگر واگذاری، پیروی از فرایند بوروکراتیک و کارشناسی واگذاری شرکت‌ها شرط لازم (و نه کافی) موفقیت خصوصی‌سازی است و امور مربوط نباید به مرحله پس از تصمیم‌گیری در خصوص واگذاری موکول شود.

۵. **مجری طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای**: رجا تا پیش از واگذاری مجری طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای دولت در زمینه حمل‌ونقل مسافری ریلی (به‌طور مشخص تأمین سالن‌های مسافری) بود. اگرچه مالکیت طرح‌های مذکور در اختیار شرکت راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران بود اما مجری و بهره‌بردار آنها، شرکت رجا بود و در مناسبات مالی، واگذاری خطوط و مسیرها، ضمانت وام‌های خارجی و داخلی، تبادلات حقوقی و معاملات با سایر شرکت‌ها از جمله خرید واگن، به‌عنوان نماینده راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران عمل می‌کرد. با واگذاری رجا به سازمان تأمین اجتماعی، دارایی‌هایی که در فهرست اموال این شرکت بود از جمله طرح‌های عمرانی به مالکیت سازمان مذکور درآمد، اما شرکت راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران نیز ادعای مالکیت بخشی از واگن‌ها را داشت که تأمین اعتبار شده ولی تحویل داده نشده بودند. این موضوع بلا تکلیفی‌های متعددی ایجاد کرد: اول اینکه برای تأمین مالی واگن‌ها اعتبار فروش از کشور چین دریافت شده بود و ساینشور چین آن را ضمانت کرده بود. طرف ایرانی ساینشور، بانک ملی ایران بود که به ضمانت سازمان برنامه و بودجه کشور، بازپرداخت اعتبار را تعهد کرده بود. شرکت رجا هم به‌عنوان بهره‌بردار به بازپرداخت اعتبار دریافتی مکلف بود؛ اما بعد از واگذاری شرکت رجا به سازمان تأمین اجتماعی، آن هم بدون قیمت‌گذاری و بدون روشن کردن تعهدات طرفین، شرکت رجا از بازپرداخت اقساط اعتبار دریافتی سر باز می‌زد و شرکت راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران هم واگنی نداشت تا از محل بهره‌برداری از آن اقساط مربوط را پرداخت کند. درنهایت بانک ملی اقساط را پرداخت و از دولت (به اعتبار ضمانت‌نامه سازمان برنامه و بودجه کشور) طلبکار شد. دوم اینکه رجا به‌عنوان یک شرکت غیردولتی دیگر نمی‌توانست مجری

طرح تملک دارایی‌های سرمایه‌ای دولت باشد؛ حال آن‌که ثبت سفارش و سایر مدارک به نام شرکت رجا بود و از این‌رو ترخیص واگن‌های جدید از گمرک با تأخیر مواجه شد. سوم اینکه به‌رغم تعیین تکلیف انجام شده در خصوص قیمت واگذاری رجا در سال ۱۳۹۵ هنوز هم مشکل تعیین مالک واگن‌های مذکور به قوت خود باقی است.

۶. **اهلیت حرفه‌ای مالک جدید شرکت** : در زمان واگذاری رجا، سازمان تأمین اجتماعی فاقد تجربه در زمینه مسافربری ریلی بود و تا مدت‌ها نمی‌دانست که باید آن را در قالب کدام‌یک از هلدینگ‌های خود اداره کند تا در نهایت به هلدینگ گردشگری منتقل شد. این موضوع اداره شرکت را تا مدتی با چالش مواجه کرد. بنابراین می‌توان گفت اگر بنگاه مشمول واگذاری، کارکردهای اقتصادی یا اجتماعی خاصی دارد، ارائه خدمات مذکور باید از مؤلفه‌های تابع هدف خریدار جدید شرکت باشد (مصاحبه با آقای شالبافیان، مدیر عامل هلدینگ گردشگری سازمان تأمین اجتماعی، سال ۱۳۹۹).

۲-۳. شرکت ایران ایرتور

شرکت ایران ایرتور به شرکت تعاونی کارکنان ایران‌ایر تعلق داشت و ارتباطات وثیق و درهم‌تنیده‌ای با شرکت مذکور داشت که در نوبت اول به شرکت هسپار از زیرمجموعه‌های وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و دو شرکت دیگر واگذار شد. مالکان مذکور عملکردی بسیار ضعیف در اداره شرکت از خود نشان دادند به‌نحوی که سهم شرکت از بازار از ۱۳/۸ درصد در زمان واگذاری به ۷/۱ درصد در زمان واگذاری مجدد شرکت کاهش یافت و اندازه ناوگان شرکت از نه فروند به پنج فروند کاهش پیدا کرد و میزان تأخیر در پروازها به بیش از ۶۰ درصد افزایش یافت (سالنامه‌های سازمان هواپیمایی کشوری) و همچنین، از عهده پرداخت اقساط واگذاری به دولت برنیامدند.

سازمان خصوصی‌سازی در واکنش به عدم پرداخت اقساط، مجدداً شرکت را وارد فهرست واگذاری کرد و بدون قیمت‌گذاری جدید و با هدف وصول طلب دولت بابت اقساط باقی مانده، شرکت را به مزایده گذاشت. این بار شرکت را یک شخص حقیقی به نام مجید شکاری خرید. خریدار اول در انتقال شرکت به خریدار خصوصی بسیار مقاومت کرد و اختلال‌های زیادی ایجاد کرد (مصاحبه با آقای ضرغامی، مرداد ۱۳۹۹؛ و آقای شکاری، خریدار دوم شرکت، خرداد ۱۳۹۹) که بخشی از آنها با مداخله وزرای ذی‌ربط برطرف شد.

خریدار دوم که سابقه مدیریت در هواپیمایی ترکیه‌ای (ترکیش ایرلاین) داشت، در مجموع عملکرد خوبی از خود نشان داد. با این حال، مخالفان این واگذاری مداخله‌های زیادی در فرایند واگذاری کردند و با طرح ادعاهای عدیده کار را بر خریدار حقیقی خصوصی بسیار دشوار کردند. در مورد این واگذاری خاص می‌توان به نکات زیر اشاره کرد.

۱. **اصلاح ساختار:** شرکت ایران ایرتور شرکتی زیان‌ده بود که زمین‌گیر شدن هواپیماهایش از یک‌سو و ساختار نامناسب نیروی انسانی‌اش از سوی دیگر، عملاً شرکت را زمین‌گیر کرده بود. هیئت واگذاری در تاریخ‌های ۱۳۸۶/۵/۲۲، ۱۳۸۸/۱۲/۱۵، ۱۳۸۸/۱۲/۲۲، ۱۳۸۹/۵/۹ و ۱۳۸۹/۷/۱۰ تصویب کرده بود که یا ساختار شرکت اصلاح شود یا شرکت وارد فرایند انحلال شود. با وجود تأکید قوانین و مقررات مربوط (ماده ۲۹) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم و چهارم قانون اساسی و آیین‌نامه آن) و همچنین، تصویب لزوم اصلاح ساختار شرکت پیش از واگذاری، عملاً اصلاح ساختاری انجام نگرفت و اصلاح ساختار برعهده خریداران پس از واگذاری گذاشته شد. زمان مناسب برای انجام اصلاح ساختار یکی از مهم‌ترین پرسش‌های مطرح در هر واگذاری است.

خریدار اول که از پشتوانه نظامی و دولتی هم برخوردار بود عملاً موفق به این کار

نشود و شرکت را بدتر از گذشته به خریدار بعدی تحویل داد. خریدار دوم شرکت را در مسیر اصلاح ساختار برد و توانست عملکرد شرکت را بهبود بخشد (افزایش سهم بازار به ۹/۶ درصد، افزایش تعداد ناوگان به ۱۲ فروند، کاهش ۵۰ درصدی تأخیرها به گزارش سالنامه‌های سازمان هواپیمایی کشوری و بهبود کارایی و بهره‌وری به گزارش رئیس دیوان محاسبات کل کشور در سال ۱۳۹۹). این نکته محل بحث است که آیا این عملکرد یک استثناست یا یک قاعده. مخصوصاً اگر به این موضوع توجه کنیم که انتقال مالکیت از بخش دولتی به بخش خصوصی باعث می‌شود معیارهای به اجرا گذاردن مقررات بیمه‌ای، قوانین کار و ... تسهیل شود و راه‌های گذار به شرایط سالم سخت‌تر گردد.

۲. **اهلیت خریدار**: وجه ممیز خریدار دوم شرکت ایران ایرتور توان مالی و حرفه‌ای مالک جدید بود. اگرچه مسئله مالکیت جدای از مسئله مدیریت است و اهلیت حرفه‌ای مربوط به مدیران شرکت است نه به مالکان آن، وقتی هر شرکت بزرگ مقیاس به صورتی بلوکی واگذار می‌شود، مالک باید توانایی تخصصی انتخاب مدیران حرفه‌ای را داشته باشد. نکته دیگر این است که در این صنعت تنظیم‌گر بخشی (سازمان هواپیمایی کشوری) وجود دارد و از حداقل‌های لازم مدیران برای اداره شرکت حصول اطمینان می‌کند.

۳. **عدم شفافیت صورت‌های مالی**: در مورد شرکت ایران ایرتور این نکته وجود داشت که در زمان واگذاری، صورت دقیق بدهی‌ها و دارایی‌های شرکت مشخص نبود و لذا ارزش واقعی شرکت به میزان چشمگیری کمتر از ارزش قابل استنباط از صورت‌های مالی شرکت بود؛ خریدار دوم پس از واگذاری، از یک طرف با مقادیر بسیاری بدهی به شرکت‌های ارائه‌کننده خدمات هوایی و ... مواجه شد و از طرف دیگر تملک بخشی از دارایی‌های تأیید شده در صورت‌های مالی (از جمله

یک فروند هواپیمای توپولف، ساختمان اداری مرکزی شرکت و ... از وی سلب گردید، درحالی‌که هزینه‌های آن برعهده وی گزارده شده بود (مصاحبه با آقای ضرغامی، مرداد ۱۳۹۹ و آقای شکاری، خریدار دوم شرکت، خرداد ۱۳۹۹).

۴. **تحمیل شرایط جدید ورای شرایط واگذاری:** علاوه بر مشکلات مربوط

به عدم دقت صورت‌های مالی، در مرحله قبل از واگذاری دوم، تعهدات جدیدی (ازجمله قراردادهای سه‌ساله با برخی از کارکنان)، خارج از شرایط واگذاری خریدار اول بر خریدار جدید تحمیل کرد (همان). این موضوع اداره هر شرکتی را با دشواری‌های بسیار مواجه می‌کند. این پدیده‌ای است که در بسیاری از شرکت‌های دولتی رخ داده است و اگر بانیان آن با واکنش حقوقی مناسب مواجه نشوند، خصوصی‌سازی هیچگاه با موفقیت انجام نمی‌شود.

۵. **قدرت اجرایی سازمان خصوصی‌سازی:** سازمان خصوصی‌سازی از اقتدار

کافی برای تحویل به‌موقع و در چارچوب قرارداد خرید شرکت به مالک جدید برخوردار نبود. تأخیر در تحویل شرکت به خریدار جدید و تحمیل شرایطی که ورای شرایط واگذاری بود (نظیر صرف‌نظر کردن از بخشی از مایملک شرکت و عدم تعیین تکلیف توپولوف‌های به نام شرکت و در اختیار وزارت دفاع)، خسارت سنگینی را به خریدار تحمیل کرد (همان). به‌نظر می‌رسد فرایند فعلی خصوصی‌سازی فاقد نهاد تصمیم‌گیرنده نهایی است و باید اقتدار لازم به هیئت واگذاری به‌عنوان آخرین مرجع و فصل‌الخطاب نهایی داده شود و هرگونه اعتراض به تصمیمات آن صرفاً در مرجع تخصصی حل اختلاف برای یک بار قابل طرح باشد و اعتراض مشمول مرور زمان باشد.

۶. **فروش شرکت به وکالت از خریدار اول:** مبنای اقتصادی قیمت‌گذاری

در واگذاری دوم شرکت مشخص نبود. درواقع، دولت در واگذاری دوم صرفاً به

دنبال تحصیل مانده مطالبات خود براساس واگذاری اول بود و عملاً قیمت گذاری براساس وضعیت شرکت در واگذاری اول صورت گرفته بود و تحولات رخ داده در سال‌های بهره‌برداری (۱۳۹۴-۱۳۹۰) و تغییرات ارزش شرکت مورد توجه واقع نشده بود. حال آنکه وقتی خریداران یک شرکت از عهده تعهدات خود برنمی‌آیند و مقرر می‌شود که سهام شرکت به خریدار جدید فروخته شود، لازم است قیمت گذاری جدید انجام شود، چه با انتقال سهام به دولت، چه بدون انتقال سهام به دولت و فروش مستقیم و وکالتی سهام به خریدار جدید.

۷. **واگذاری دوم ایران ایر تور** : در واگذاری دوم ایران ایر تور، تقابل نماینده مردم مشهد (مرکز عملیات پروازی سابق این شرکت) با نمایندگان مردم تبریز (زادگاه خریدار جدید و مرکز بلیت‌فروشی شرکت پس از واگذاری دوم) و همچنین پشتیبانی وی از ابطال مزایده در سال ۱۳۹۴ و واگذاری ایران ایر تور به شرکت تکا (واقع در مشهد) حواشی زیادی را برای این واگذاری و فعالیت شرکت به وجود آورد که از زاویه اقتصاد سیاسی قابل توجه است.

۳-۳. شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه

شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه در سال ۱۳۴۰ با هدف تأمین نیاز کشور به شکر و در چارچوب سیاست‌های جایگزینی واردات به بهره‌برداری رسید (ابتهاج، ۱۳۷۰: ۵۱۱-۵۰۷). برای تملک زمین‌های این شرکت که به اقوامی در استان خوزستان متعلق بود کشمکش‌های زیادی ایجاد شد. از زمان تأسیس تا سال ۱۳۸۴، دولت با خرید تضمینی محصول شرکت (شکر) و محدود کردن واردات شکر حمایتی معنادار از شرکت به عمل آورده بود. محدود شدن سیاست خرید تضمینی و کاهش حقوق گمرکی واردات شکر، این شرکت را با دشواری‌های زیادی مواجه کرد و به تدریج زیان‌ده شد. با خصوصی سازی شرکت در سال ۱۳۹۴، زیان‌دهی و مشکلات

ساختاری شرکت علاج نشد و شرکت دوباره در سال ۱۳۹۹ به دامن دولت بازگشت. نکات مهم این واگذاری را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

۱. اصلاح ساختار پیش از واگذاری: این شرکت در زمان واگذاری با زیان

انباشته‌ای حدود ۱/۸ برابر سرمایه خود مواجه بود و لذا براساس ماده (۱۴۱) قانون تجارت عملاً ورشکسته بود.^۱ در چارچوب قانون، اصلاح ساختار شرکت به تصویب هیئت واگذاری رسیده بود و برنامه نوسازی و تعدیل نیروی انسانی آغاز و ۱۰۰۰ نفر از نیروی انسانی شرکت تعدیل شده بود (مصاحبه با آقای ضرغامی، شهریورماه ۱۳۹۹ و مصاحبه با آقای اسدیگی، رئیس هیئت‌مدیره شرکت کشت و صنعت هفت‌تپه در دوره بعد از واگذاری، شهریورماه ۱۴۰۰). با این حال، فرایند بازسازی متوقف و شرکت وارد فرایند خصوصی‌سازی شد. نکته مهم این است که بین زمان واگذاری تا زمان تحویل شرکت به خریدار، با فشار مسئولان استانی و با وعده حمایت از مالکان، ۱۸۰۰ نفر از کارگران در دو مرحله به استخدام شرکت درآمدند. مالکان جدید در مواجهه با این شرایط یا باید پا پس می‌کشیدند یا برای این تعداد نیروی کار، در طول سال شغل ایجاد می‌کردند (همان). گزینه دوم انتخاب شد و با استقراض منابع مالی و تأسیس شرکت‌های اقماری مختلف به فعالیت شرکت تنوع بخشیدند که همین موضوع دستمایه انتقادهای مختلف به ایشان شد مبنی بر اینکه، کاربری شرکت در حال تغییر است، خریدار آن در زمره بدهکاران بزرگ بانکی قرار دارد و نظایر آن.

۱. ماده (۱۴۱) قانون تجارت: «اگر بر اثر زیان‌های وارده حداقل نصف سرمایه شرکت از بین برود، هیئت‌مدیره مکلف است بلافاصله مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام را دعوت نماید تا موضوع انحلال یا بقاء شرکت مورد شور و رأی واقع شود. هرگاه مجمع مزبور رأی به انحلال ندهد باید در همان جلسه و با رعایت مقررات ماده (۶) این قانون سرمایه شرکت را به مبلغ سرمایه موجود کاهش دهد. در صورتی که هیئت‌مدیره برخلاف این ماده به دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده مبادرت ننماید و یا مجمعی که دعوت می‌شود نتواند مطابق مقررات قانونی منعقد گردد، هر ذی‌نفع می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه صلاحیت‌دار درخواست نماید.»

۲. **اهلیت خریداران**: اهلیت خریداران در مورد این شرکت هم محل بحث بود؛ هم از حیث اینکه خریداران بسیار کم سن و سال بودند و هم اینکه تجربه اداره شرکتی در این مقیاس را نداشتند. باین حال، در عمل از بهترین متخصصان نیشکر کشور برای مدیریت شرکت استفاده شد (به کارگیری مدیر عامل سابق شرکت توسعه نیشکر با بیش از ۳۰ سال سابقه) و در مقطعی از زمان و تا پیش از وقوع سیل فروردین ۱۳۹۹ نیز توسعه بسیاری در میزان برداشت از مزارع به عمل آمد (همان). ضمن اینکه خانواده خریدار، مالک ۲۲ واحد صنعتی مرتبط (تولید نئوپان) بودند و به هیچ وجه با شرکت و تولید بیگانه نبودند. این مشاهده به ما نشان می‌دهد که در مورد اهلیت حرفه‌ای و تخصصی، آنچه اهمیت دارد اهلیت حرفه‌ای مدیران شرکت است، و نه لزوماً مالکان آن.

۳. **نیروی انسانی**: عدم شفافیت وضعیت نیروی انسانی شرکت در زمان واگذاری از مهم‌ترین مناقشه‌های خصوصی سازی این شرکت است. یک منشأ آن اختلاف در خصوص کارگران فصلی شرکت است که عملاً در صورت‌های مالی شرکت ثبت نشده است؛ در حالی که خریدار در اسناد تعداد کارگران را ۵۷۰۰ نفر اعلام کرده است، مدیران سابق شرکت این آمار را جعلی و انتشار آن را با هدف دریافت وام و برخی مزایا دانسته و مجموع پرسنل شرکت را ۳۷۰۰ نفر می‌دانند (مصاحبه با آقای کاظمی، مدیرعامل شرکت کشت و صنعت هفت تپه در زمان واگذاری، مهر ۱۳۹۹).

۴. **التهابات کارگری**: در میان مطالب و مصاحبه‌های منتشر شده در رسانه‌ها، فضای عدم اطمینان میان جامعه کارگری و مدیران شرکت مشهود به نظر می‌رسد. این فضای عدم اطمینان معلول دو عامل اساسی است: اول عدم اطمینان جامعه کارگری شرکت به بخش خصوصی هم در حوزه نظام تصمیم‌گیری و هم

مدیریت منابع انسانی به دلیل سابقه طولانی تسلط مدیریت دولتی و واهمه از عدم پرداخت مطالبات کارگران بخش خصوصی، و دوم عدم اطمینان ناشی از غیربومی بودن خریدار به دلیل نقش و جایگاه شرکت در منطقه جغرافیایی و در میان مردم بومی.

۵. **وابستگی اقتصادی**: وابستگی اقتصادی و معیشتی مردم شوش به شرکت مذکور، به گسترش ابعاد بحران در این واگذاری منجر شد. بخشی از این همبستگی را باید ناشی از ویژگی‌های فضایی شرکت هفت‌تپه در کنار شهر شوش و نیز وزن نسبی شاغلان این شرکت در کل اهالی این شهر دانست؛ بافت اقتصادی شوش به‌عنوان یک شهر صنعتی-کشاورزی با مجتمع نیشکر هفت‌تپه گره خورده است. غالب ساکنان شهر، یا از شاغلان این مجتمع هستند یا خویشاوندی نزدیک با شاغلان دارند. علاوه بر آن، معاش جمع زیادی از کاسبان خرده‌پا در شوش به اشتغال کارگران هفت‌تپه وابسته است و همین عامل نیز به خودی خود عامل عینی ایجاد همگرایی میان این گروه‌های اجتماعی مختلف است. مورد شرکت نیشکر هفت‌تپه، این نکته را گوشزد می‌کند که باید در واگذاری‌ها، مسائل اجتماعی و اقتصاد سیاسی واگذاری و تبعات آن را به‌دقت بررسی کرد و مورد توجه قرار داد. اینکه در این شرایط، چگونه باید با جامعه محلی تعامل کرد و از میان روش‌های خصوصی‌سازی کدام روش را برگزید، محل بحث است.

۳-۴. واگذاری شرکت آلومینیوم المهدی و طرح هرمزال

شرکت آلومینیوم المهدی به همراه طرح هرمزال، بعد از شرکت ایرالکو، دومین شرکت تولید آلومینیوم در کشور بود و بیش از نیمی از ظرفیت اسمی تولید آلومینیوم کشور را در اختیار داشت که در سال ۱۳۹۳ واگذار شد. در مورد این شرکت نکات

ذیل درخور توجه است که چه بسا می‌توانست باعث بازنگری در فرایند خصوصی‌سازی شرکت شود:

اول اینکه، تصمیم‌گیری اجرای این طرح به اواخر دهه ۱۳۶۰ برمی‌گردد. مطابق طرح اولیه بنا بود کارخانه‌ای با ظرفیت ۲۲۰ هزار تن با یک نیروگاه اختصاصی احداث شود ولی تأمین مالی خارجی آن با مشکل مواجه شد، سرمایه‌گذار خارجی آن مهدی التاجر از سرمایه‌گذاری در این طرح عقب‌نشینی کرد و طرح در دو فاز ۱۱۰ هزار تنی بدون نیروگاه اختصاصی اجرا شد (صادقی، ۱۳۷۹) و برای اجرای آن که مشمول مرور زمان هم شد، در چندین نوبت وام گرفته شد و انباشت اقساط این وام‌ها در طولانی‌مدت، شرکت را مقروض کرد.^۱

دوم اینکه، تولید آلومینیوم کاملاً وابسته به تأمین پایدار برق است؛ چراکه بسته به نوع فناوری، بین ۲۵ تا ۴۰ درصد هزینه تمام شده آلومینیوم مربوط به برق مورد استفاده آن است. به همین دلیل از ابتدا تصمیم به احداث نیروگاه اختصاصی بود که محقق نشد و شرکت را به شبکه انتقال برق بندر عباس وابسته کرد؛ حال آنکه این شبکه ظرفیت تغذیه شرکت را نداشت و باعث از دست رفتن مزیت رقابتی شرکت می‌شد^۲ (هفته‌نامه آلومینیوم، ۱۳۸۹/۸/۲۴).

سوم اینکه، فناوری مورد استفاده در این شرکت، برای تولید یک کیلوگرم آلومینیوم ۱۷ کیلو وات ساعت برق مصرف می‌کند که نسبت به میانگین جهانی ۳ کیلو وات

۱. بر مبنای صورت‌های مالی سال ۱۳۹۲، شرکت آلومینیوم المهدی، قبل از واگذاری، به تنهایی (بدون لحاظ بدهی‌ها و تسهیلات ارزی طرح هرمزال)، ۱,۸۰۸,۷۰۸ میلیون ریال، مانده بدهی ریالی و ۵۱,۸۷۴ میلیون یورو، مانده بدهی ارزی داشت.

۲. در این باره مهدی قدمی (مدیرعامل وقت شرکت در زمان واگذاری به بخش خصوصی) در مصاحبه با تیم تحقیق (۱۳۹۹/۴/۷) می‌گوید:

«شبکه انتقال برق بندرعباس هم ظرفیت لازم برای انتقال برق و تغذیه شرکت برای تولید در ظرفیت اسمی را ندارد. خطوط انتقال برق به گونه‌ای است که سرریز مازاد برق در جاهای دیگر را نمی‌تواند وارد شبکه کند و به المهدی بدهد. بنابراین برق سراسری هیچ وقت نمی‌تواند این ظرفیت را پر کند و احداث نیروگاه اختصاصی ضروری به نظر می‌رسد.»

ساعت بیشتر است (خبرگزاری اقتصادنیوز، ۱۳۹۳/۶/۳۰).

و بالاخره اینکه، این صنعت به‌شدت به مواد اولیه آلومینا به‌عنوان یک سنگ معدنی وابسته است و در کشور ذخایر کافی برای تغذیه شرکت آلومینیوم المهدی و طرح هرمزال، علاوه بر ایراکو، وجود نداشت و ندارد و برای پشتیبانی از کارخانجات تولید آلومینیوم کشور، پنج ششم از آلومینای مورد نیاز باید از خارج کشور وارد می‌شد (هفته‌نامه آلومینیوم، ۱۳۹۹/۳/۱۰). در حالی که هنگام برنامه‌ریزی برای احداث این شرکت، سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران (ایمیدرو) برای دریافت امتیاز استخراج آلومینا از یک کشور آفریقایی طرحی داشت که در نهایت به بهره‌برداری نرسید.

شرکت آلومینیوم المهدی به موجب یک مصوبه جمعی و در قالب رد دین، در سال ۱۳۹۱ به صندوق بازنشستگی کارکنان فولاد واگذار شد^۱ و سپس با تغییر دولت وقت در سال ۱۳۹۲، اقاله شد.^۲ البته باید به این نکته اشاره کرد که واگذاری اول بدون قیمت‌گذاری، بدون روشن کردن سیاهه اموال و بدون تصویب صورت‌های مالی مصوب شده بود و بقای مصوبه می‌توانست در اجرا به مشکلات عدیده‌ای دامن زند، نظیر آنچه در سایر واگذاری‌های مشابه دیده شد (نمونه آن واگذاری شرکت رجاست). با استقرار دولت یازدهم، شرکت مذکور مجدداً در فهرست واگذاری قرار گرفت و در سال ۱۳۹۳ به شرکت فروآلیاژ گنو واگذار شد ولی این واگذاری هم بنا به دلایلی که خواهد آمد موفق نشد و سازمان خصوصی‌سازی سهام شرکت را به وکالت از شرکت فروآلیاژ گنو به مپنا واگذار کرد (حسینی، ۱۳۹۷؛ سازمان خصوصی‌سازی، ۱۳۹۸). واگذاری اخیر هم در قالب رد دین دولت به یکی از شرکت‌های بخش عمومی

۱. تصویب‌نامه به شماره ۴۵۴۵۲/ت/۱۴۱۵۹۸ هـ مورخ ۱۳۹۱/۰۷/۲۲.

۲. تصویب‌نامه به شماره ۴۹۵۵۸/هـ مورخ ۱۳۹۲/۰۷/۲۸.

انجام شد تا قائله واگذاری شرکت به بخش خصوصی ختم شود. اما چرا واگذاری به مالک خصوصی (واگذاری دوم) دوام نیاورد و با هزینه‌های بسیار شرکت به دامن بخش عمومی بازگشت. در این خصوص به چند محور می‌توان اشاره کرد:

۱. **اهمیت زمینه:** شرکت در حالی به مرحله واگذاری رسید که در مورد تأمین برق آن تعیین تکلیف نشده بود؛ وابستگی به مواد اولیه و مشخصاً آلومینا تدبیر نشده بود؛ با سرمایه‌گذار خارجی شرکت (تاجر المهدی) و مالکیت زمین کارخانه‌ها تعیین تکلیف نشده بود و بدهی خارجی طرح هرزال در جریان بازپرداخت بود که ضامن آن شرکت مادر تخصصی ایمیدرو بود و در خصوص نحوه بازپرداخت بدهی‌های مذکور در دوره بعد از واگذاری تدبیر نشده بود. سایه این مسائل زمینه‌ای پس از واگذاری روی شرکت باقی ماند کما اینکه پیش از واگذاری هم بود؛ با این تفاوت که حالا یک مالک قدرتمند و بانفوذ در مراجع تصمیم‌گیری (یعنی ایمیدرو)، جای خود را به یک شرکت کوچک با مالکی حقیقی داده بود که قدرت چانه‌زنی چندانی نداشت.

۲. **شفافیت سیاهه اموال و صورت‌های مالی:** صورت‌های مالی و سیاهه اموال شرکت المهدی و طرح هرزال که اساس قیمت‌گذاری مجتمع آلومینیوم المهدی-هرزال بودند، درست تنظیم نشد و همین موضوع سرآغاز اختلاف بین وزارت صنعت، معدن و تجارت و وزارت امور اقتصادی و دارایی^۱ و همچنین ورود نهادهای نظارتی بود.^۲ در این فرایند برخی از دارایی‌های شرکت در فرایند قیمت‌گذاری محاسبه نشد، یا به این دلیل که در صورت‌های مالی منعکس نشده بود (نظیر

۱. مهدی کرباسیان در مصاحبه با تیم تحقیق (۱۳۹۹/۳/۲۵) می‌گوید: «من شخصاً با آقای پوری‌حسینی تماس گرفته، خواستار توقف مزایده و بازدید کارشناسان از مجتمع، و بررسی اسناد و مدارک شدم».

۲. سازمان بازرسی طی نامه شماره ۱۶۳۵۳۹ مورخ ۱۳۹۴/۰۸/۲۳ به رئیس‌جمهور، گزارش مبسوط و مستندی را درباره نحوه واگذاری دو مجتمع آلومینیوم المهدی و هرزال ارائه کرد. اواخر سال ۱۳۹۷ نیز، در گزارش دیوان محاسبات در قالب گزارش تفریح بودجه ۱۳۹۶، یکی از نمونه‌های مورد اشاره از واگذاری‌های غیرقانونی، آلومینیوم المهدی-هرزال بود.

شمش‌های آلومینیوم متعلق به طرح هرمزال)^۱ یا برخی از دارایی‌ها کمتر از حد ارزش گذاری شده بود (از جمله ضایعات آند)^۲، یا به این دلیل که برخی از دارایی‌ها با سرعت غیر معمولی مستهلک شده بودند (دیگ‌های آلومینیوم‌سازی).

۳. نظارت دقیق بر فرایندهای واگذاری: در مورد قیمت گذاری مجتمع

المهدی، کارشناسان رسمی به وظایف خود در حیطة رؤیت مجموعه و بررسی اسناد و مدارک دارایی‌های آن عمل نکردند و حتی برخی از آنها برای قیمت‌گذاری به مجتمع مراجعه نکردند و سازمان خصوصی‌سازی نیز از انجام دقیق وظایف اطمینان حاصل نکرد و همین دست‌مایه زیر سؤال بردن کل فرایند واگذاری شد. براساس مصاحبه‌های انجام شده، عدم بازدید از مجتمع المهدی و هرمزال در فرایند قیمت‌گذاری، در جلسه هیئت واگذاری (که به این منظور تشکیل شده بود) مورد تأیید قرار گرفت.

۴. حل و فصل مسائل حقوقی مجتمع: برای احداث طرح هرمزال تسهیلات

ارزی از خارج کشور دریافت شده بود و ایمیدرو تضامین لازم را ارائه کرده بود. هنگام فروش طرح به بخش خصوصی این تضامین همچنان برعهده ایمیدرو بود ولی تسهیلات را خریدار باید پس می‌داد. کوتاهی خریدار در تأدیه اقساط تسهیلات مذکور باعث شد تسهیلاتی از بانک صنعت و معدن دریافت و بدهی اعتباردهنده خارجی تسویه شود و اقساط آن را خریدار شرکت پرداخت کند که این اقساط نیز پرداخت نشد. همچنین وضعیت مالکیت زمین در حاله‌ای از ابهام

۱. بابک ضرغامی در مصاحبه با تیم تحقیق (۱۳۹۹/۶/۲): «شمش‌های آلومینیوم متعلق به هرمزال بود و چون قرار بود هرمزال به صورت طرح -و نه شرکت- واگذار شود و از طرفی قیمت‌گذاری محصول به دلیل تغییرات روزانه قیمت آن امکان‌پذیر نبود، در ارزش‌گذاری مجتمع نادیده گرفته شدند».

۲. در کارشناسی اول از دارایی‌های شرکت، تنها ۳۵۰۰ تن از آن - برابر با رقم قید شده در صورت مالی - به حساب آورده شد؛ اما در کارشناسی دوم، مقدار واقعی آنها حدود ۱۴۰ هزار تن اعلام شد. قدمی در مصاحبه با تیم تحقیق علت این عدم ثبت را این‌گونه بیان می‌کند: «این آندهای سوخته یک دوره‌ای اصلاً ارزش نداشتند و ضایعات محسوب می‌شدند در دفاتر ثبت نشدند».

بود و به شرکت منتقل نشده بود.^۱ علاوه بر این، تعداد کارگران پیمانی شاغل در شرکت در قرارداد واگذاری ذکر نشده بود و بعد از واگذاری، خریدار خصوصی با مسائل کارگری برای حفظ نیروی کار مواجه شد.^۲

۵. لزوم همکاری دستگاه اجرایی واگذارنده و دستگاه مجری واگذاری:

مطابق با بند «۱» ماده (۱۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم، از زمان تصویب فهرست بنگاه‌ها توسط هیئت واگذاری باید «کلیه حقوق مرتبط با اعمال مالکیت بنگاه‌ها به وزارت امور اقتصادی و دارایی منتقل شود». در این چارچوب، ترکیب اعضای مجمع شرکت را هیئت واگذاری تعیین خواهد کرد و در عین حال اداره امور شرکت در مجموعه مادر تخصصی، در اینجا ایمیدرو در وزارت صمت، باقی خواهد ماند. بند قانونی مذکور با هدف تقویت دستگاه مجری خصوصی‌سازی، لزوم همکاری شرکت مادر تخصصی مربوط را نادیده گرفته است و همین موضوع فرایند واگذاری را دچار مشکل کرده است. در فرایند واگذاری این شرکت، در مواردی مانند تبدیل طرح هرمزال به شرکت، تعیین تکلیف اختلاف‌ها با مهدی التاجر، خارج کردن شمش‌های آلومینیوم تولید شده از کارخانه و پیگیری در خصوص انتقال مالکیت زمین‌های در اختیار شرکت، هماهنگی صورت نپذیرفته و از این بابت، دعاوی، بلا تکلیفی و هزینه‌هایی به

۱. شواهد نشان می‌دهد که زمین مجتمع در ارزش‌گذاری اول احتمالاً بدون سند شناسایی شده و ارزش آن صفر قیمت‌گذاری شده است. طبق صورت‌های مالی سال ۱۳۹۱ شرکت، زمین شرکت که کارخانه و سایر تأسیسات و تجهیزات جنبی روی آن احداث شده یا در حال احداث است، به شرکت آلومینیوم ایران تعلق داشته و از تاریخ ۱۳۷۴/۱/۱ به مدت سی سال به صورت اجاره به شرکت واگذار شده است. در سال ۱۳۸۷ ایمیدرو و کالتنامه بلاعزلی از شرکت آلومینیوم ایران برای فراهم کردن شرایط فروش و انتقال مالکیت زمین مذکور دریافت کرده است. بعد از قرارداد الحاقی و لحاظ ارزش زمین، در گزارش سازمان خصوصی‌سازی در خصوص واگذاری مجتمع المهدی-هرمزال آمده است که انتقالی صورت نگرفته و ایمیدرو تنها «متعهد» به انتقال مالکیت عرصه شرکت به خریدار شده است. در آخرین صورت مالی در دسترس (صورت مالی ۱۳۹۶) همچنان مالکیت زمین شرکت برای ایرالکو ذکر شده است.

۲. به قراردادهای واگذاری شرکت المهدی و هرمزال و دو مصاحبه علیمحمدی با ماین‌نیوز؛ ۱۳۹۵/۰۲/۲۳ و جاسم جادری با روزنامه صمت، ۱۳۹۵/۴/۱۳ مراجعه شود.

طرفین درگیر در امر واگذاری تحمیل شده است.

۶. **واگذاری هر مزال به صورت یک طرح:** بخش بزرگی از مسائل واگذاری مجتمع (مانند مسئله شمش‌ها، بدهی خارجی و انتقال تضامین)، به دلیل واگذاری هر مزال به صورت طرح و دارایی بود. اگر هر مزال به صورت یک شرکت مجزا یا به عنوان یک خط تولید در دل المهدی واگذار می‌شد، شاید دیگر به تعیین تکلیف جداگانه شمش‌های آن و دعوا در خصوص بدهی‌های طرح^۱ نیاز نبود.

۷. **قیمت‌گذاری مجتمع در سال ۱۳۹۷:** در جریان واگذاری مجدد مجتمع در سال ۱۳۹۷، سازمان خصوصی‌سازی بدون قیمت‌گذاری مجدد و در قالب فروش و کالتهی، مجتمع را به مینا واگذار کرد. در واقع، سازمان خصوصی‌سازی در واگذاری دوم صرفاً به دنبال تحصیل مانده مطالبات خود بود و عملاً قیمت‌گذاری براساس وضعیت شرکت در واگذاری سال ۱۳۹۳ صورت گرفته و تحولات رخ داده در سال‌های بهره‌برداری خریدار مذکور و تغییرات ارزش شرکت مورد توجه واقع نشده است. این امر می‌تواند منشأ فساد، زیان دولت یا خریدار قبلی شرکت باشد (مشابه واگذاری دوم ایران ایرتور).

بخش خصوصی هم در این زمینه بی‌تقصیر نبود. به بهانه اینکه به درآمد ارزی نیاز دارد، بعد از تحویل شرکت، شمش‌های آلومینیوم را در بورس کالا عرضه نکرد (مطابق آمار فصلی عرضه محصولات شرکت در بورس کالا) که این موضوع به ورود شورای رقابت به موضوع منجر شد (مصوبه جلسه ۳۳۹ شورا)، شمش‌های آلومینیوم موجود در طرح هر مزال را که در قیمت‌گذاری لحاظ نشده بود، به ایمیدرو تحویل

۱. عدم لحاظ بدهی‌های طرح هر مزال مورد ادعای خریدار بود؛ طبق صورت‌جلسه منتشر شده با سربرگ سازمان خصوصی‌سازی، در جلسه‌ای با حضور نمایندگان خریدار، سازمان خصوصی‌سازی و ایمیدرو در تاریخ ۱۳۹۴/۸/۲۰، در مورد اعاده موجودی شمش و مقدار مواد اولیه، نماینده خریدار مدعی بود که «چنانچه تعهدات طرح هر مزال از آنچه به عنوان موجودی شمش آلومینیوم در واگذاری محاسبه شده است، کسر شود و مازادی وجود داشته باشد خریدار آماده انتقال آن به ایمیدرو خواهد بود».

نداد و اقساط تسهیلات ارزی را پرداخت نکرد (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۷/۱۰/۲۶).

۴. تجزیه و تحلیل درس‌های خصوصی‌سازی

می‌توان درس‌های حاصل از مطالعه واگذاری چهار شرکت منتخب را به تفکیک مراحل قبل، حین و پس از واگذاری دسته‌بندی کرد و از آنها برای بازنگری در قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی و چگونگی اجرای آن استفاده کرد. در ادامه این قسمت بر مبنای این دسته‌بندی، نکات برجسته واگذاری‌ها تجزیه و تحلیل می‌شود.

۱-۴. پیش از واگذاری

اغلب مسائل یا انتقادهای (مربوط یا نامربوط) پس از واگذاری، ریشه در جایی از مراحل پیش از واگذاری یا حین آن دارد. از نظر قانونی، مهم‌ترین نکته پیش از واگذاری نحوه انتخاب شرکت برای واگذاری، قرار دادن نام آن در فهرست و زمان‌بندی واگذاری است. در قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی تقسیم‌بندی شرکت‌ها به صورت شکلی و قالبی پیش‌بینی شده است: اگر در صدر اصل چهل و چهارم نامی از فعالیت شرکت برده نشده باشد، شرکت در گروه یک قرار می‌گیرد و باید تا سال پایانی برنامه چهارم واگذاری آن انجام می‌شد و اگر نام فعالیت شرکت در صدر اصل چهل و چهارم باشد هم باید ۸۰ درصد از سهم بازار را دولت واگذار کند (که می‌تواند شامل واگذاری ۱۰۰ درصد از سهام یک شرکت و حفظ ۱۰۰ درصد از سهام یک شرکت دیگر در همان بازار باشد)، مگر اینکه به استناد قانون از واگذاری مستثنی شده باشد (گروه ۳). البته به استناد بند «ب» ماده (۱۳) قانون مذکور، شرکت‌های فرعی عملیاتی شرکت‌های دولتی هم می‌توانند در مالکیت دولت بمانند که به این استناد تعدادی از شرکت‌های گروه یک از شمول واگذاری خارج شده‌اند.

اگر شرکت‌های دولتی را به‌عنوان موجودی زنده بشناسیم و بپذیریم که این موجودات زنده به طرق و با فلسفه متفاوتی تأسیس شده‌اند؛ مسیرهای متفاوتی را از بدو تأسیس تاکنون سپری کرده‌اند و از حیث رقابت یا انحصار، تجارت با خارج، وجود یا عدم وجود نهاد تنظیم‌گر، یارانه‌ای بودن یا نبودن، مقیاس فعالیت و به تبع آن داشتن یا نداشتن مسائل اقتصادی (سود و زیان) و اجتماعی (کارگری) و همچنین کارکرد درخصوص شرکت مادر تخصصی ذی‌ربط، در بازارها و شرایط مختلفی زیست می‌کنند. آنگاه این پرسش به ذهن خطور می‌کند که آیا با همه اینها می‌توان به یک روش و به شیوه قالبی پیش‌گفته برخورد کرد. براساس مطالعات موردی، پاسخ اجمالی به این سؤال منفی است.

وضعیت مالی شرکت در انتخاب نهایی شرکت برای واگذاری بسیار حائز اهمیت است. شرکت‌های مورد بررسی در این مطالعه، تقریباً همگی در مقطع واگذاری زیان‌ده بودند و زیان آنها بیش از سرمایه شرکت بود و براساس ماده (۱۴۱) قانون تجارت مصوب سال ۱۳۴۷، ورشکسته محسوب می‌شدند یا باید با تشکیل مجمع فوق‌العاده کاهش سرمایه می‌دادند که عملاً به‌دلیل فراتر رفتن زیان از سرمایه شرکت امکان آن وجود نداشت یا باید درخواست انحلال آنها داده می‌شد که در عمل مسیر دوم هم ممکن نبود چون چنین شرکت‌های بااهمیتی را دولت‌ها اجازه نمی‌دهند ورشکست شوند. تنها راه چاره ارجاع به قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم قانون اساسی و طی کردن فرایند اصلاح ساختار بود که معمولاً به‌دلیل هزینه‌های آن یا اصلاح ساختار پذیرفته نمی‌شد یا پذیرفته می‌شد و اجرایی نمی‌شد.

معمولاً با این امید که بخش خصوصی بانگیزه می‌آید و اصلاح ساختار را انجام می‌دهد شرکت‌های زیان‌ده واگذار شدند و مشکل بر مشکلات افزوده شد. نه به این دلیل که بخش خصوصی انگیزه ندارد بلکه به این دلیل که قیمت‌گذاری شرکت

زیان‌ده خود یک معضل است. شرکتی که ارزش بدهی‌هایش بیش از دارایی‌هایش است و سودآور نیست (زیان‌ده است) به چه طریق باید قیمت‌گذاری شود؛ اگر قیمت کم گذاشته شود که بخش خصوصی انگیزه خرید پیدا کند متهم به فساد می‌شود و اگر قیمت زیاد گذاشته شود کسی شرکت را نمی‌خرد. در تمام موارد قیمت‌گذاری این مسئله بوده و مخالفان معمولاً بدون توجه به تعهدات شرکت‌ها و صرفاً با برجسته ساختن ارزش دارایی‌ها، خریداران شرکت و سازمان خصوصی‌سازی را مورد انتقاد قرار داده‌اند.

نکته دیگر در انتخاب شرکت برای واگذاری، وجود یا عدم طرح است. دو شرکت رجا و آلومینیوم المهدی درگیر اجرای طرح بودند. طرح تملک دارایی سرمایه‌ای رجا برای تهیه واگن از خارج در نیمه راه خود بود و بخشی از واگن‌ها هنوز تحویل گرفته نشده بود و تعهدات طرح بازپرداخت نشده بود و ضامن تعهدات هم سازمان برنامه و بودجه کشور بود. طرح هرمزال هم که ناظر بر اضافه شدن یک خط تولید ۱۱۰ هزار تنی به مجموعه بود هنوز در مالکیت المهدی نبود و از محل اعتبارات ایمیدرو توسعه یافته بود و ضامن بازپرداخت تعهدات آن نیز ایمیدرو بود. این موضوع هم در مورد مالکیت اموال طرح (مثلاً واگن‌های تحویل نشده)، هم در مورد مسئولیت بازپرداخت تعهدات و بدهی‌های طرح و ضامن تعهدات آن و هم در مورد قیمت‌گذاری طرح مسئله ایجاد کرد و هریک از واگذاری‌ها را با یک‌سری مشکلات مواجه کرد.

آخرین نکته در مرحله پیش از واگذاری مسئله پیوند با جامعه محلی است. هرچه پیوند یک شرکت با جامعه محلی بیشتر باشد و مردم آن منطقه، شرکت یا زمین‌ها را متعلق به خود و اشتغال در آن را سهم خود از منابع ملی تلقی کنند، خصوصی‌سازی دشوارتر است. مردم محلی نوعاً اطمینان دارند تا وقتی شرکت دولتی باشد اشتغال آن برقرار است و پس از واگذاری، دیگر چنین اطمینانی وجود ندارد. از این رو با یک

جرقه و حرکت کوچک ممکن است التهابات فراوانی در منطقه ایجاد شود و مجدداً شرکت به دامن دولت بازگردد.

۲-۴. حین واگذاری

در حین واگذاری شرکت باید به چند نکته اشاره کرد که بخشی از آن به قانون و بخش دیگر به اجرا و تعارض منافع برمی‌گردد. اولین نکته تحمیل کردن نیروی انسانی مازاد به شرکت یا اصلاح نوع قرارداد آنها در حین واگذاری است. گزافه نیست اگر گفته شود واگذاری شرکت هفت‌تپه سرنوشت دیگری داشت اگر مسئولان امنیتی و استانی، آن تعداد نیروی کار را به شرکت تحمیل نمی‌کردند و خریدار آن وادار به ریسک‌پذیری بیش از حد نمی‌شد. مشابه همین داستان، اگرچه با درجه‌ای کمتر، در مورد ایران ایرتور رخ داده است. باید قانون به‌نحوی اصلاح شود که جز با تصویب هیئت واگذاری امکان تغییر نوع قرارداد نیروی کار وجود نداشته باشد.

مسئله بعد شفاف‌سازی صورت‌های مالی و قیمت‌گذاری است. در اغلب شرکت‌های مورد مطالعه سیاهه اموال و صورت‌های مالی دارای ابهام است و بر قیمت‌گذاری آنها سایه افکننده و واگذاری آنها را با چالش مواجه کرده است. شرکت قطارهای مسافربری رجا که در فرایندی سیاسی واگذار شد تا سال‌ها پس از صدور مصوبه واگذاری نه معلوم بود چه اموالی واگذار شده و نه به چه قیمتی واگذار شده است. شرکت ایران ایرتور نیز براساس یک سیاهه اموال و تعهداتی به مزایده گذاشته شد که بین این اموال و تعهدات و آنچه درنهایت به خریدار تحویل داده شد فاصله بسیار بود به‌طوری‌که بخشی از دارایی‌ها تحویل داده نشد و برخی از تعهدات تحمیل شد که در مزایده اسمی از آنها وجود نداشت. به جرئت می‌توان ادعا کرد که اگر قیمت‌گذاری به خوبی انجام می‌شد بسیاری از مناقشه‌های بعدی راه به‌جایی نمی‌برد و سرنوشت خصوصی‌سازی عوض می‌شد.

مسئله دیگر همکاری بین دستگاه مجری خصوصی سازی و دستگاه ذی ربط دولتی اداره کننده شرکت دولتی است. قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی بر مبنای نوعی عدم اعتماد میان این دو دستگاه نوشته شده است و فرض آن این بوده که مدیران دولتی شرکت‌های دولتی مانع اصلی خصوصی سازی هستند و باید از زمان قرار گرفتن شرکت در فهرست واگذاری، از ایشان سلب اختیار شود و حقوق مالکانه به وزارت امور اقتصادی و دارایی منتقل شود، فارغ از اینکه آیا وزارت مذکور از عهده چنین مسئولیتی برمی آید یا خیر. همکاری و هماهنگی دستگاه‌های اجرایی در چارچوب قواعدی مشخص می‌تواند چاره این مسائل باشد نه استقلال در تصمیم‌گیری و اجرا.

اهلیت دیگر موضوعی است که در حین واگذاری ایجاد مسئله کرده است. سازمان خصوصی سازی بر اساس قانون به احراز اهلیت عام خریدار مبنی بر نداشتن بدهی معوق به سیستم بانکی، نداشتن بدهی به سازمان خصوصی سازی و نظایر آن مکلف است و به این تکلیف خود عمل کرده است. در مورد اهلیت تخصصی این ایده وجود دارد که با جدا شدن مالکیت از مدیریت لزومی ندارد اهلیت حرفه‌ای و تخصصی خریدار احراز شود. اهلیت حرفه‌ای را باید مدیران داشته باشند. از طرفی مقررات حاکم به سازمان خصوصی سازی اختیار داده است که در مورد شرکت‌های استراتژیک به طور خاص رفتار کند و مجوزهای لازم را برای اهلیت خاص بگیرد که در مواردی سازمان خصوصی سازی به این تشخیص نرسیده و از اختیار خود استفاده نکرده است.

۳-۴. پس از واگذاری

در دوره پس از واگذاری هم چند نکته مهم مطرح است؛ اول اینکه اگر به هر دلیلی اختلافی ظاهر شد چه کسی مرجع نهایی است؛ مثلاً اگر نقدی در خصوص قیمت گذاری یا اهلیت خریدار وارد شد، کدام مرجع باید به قائله رسیدگی کند. اگرچه

در قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی «هیئت داور» برای این منظور پیش‌بینی شده است ولی معمولاً نماینده‌های مجلس شورای اسلامی در استان محل واگذاری و نهادهای نظارتی مکرر در مکرر اصرار بر لغو واگذاری می‌کنند و هیچ نقطه پایانی بر اعتراضات وجود ندارد. اگر چنین نقطه اتکایی وجود نداشته باشد امیدی به موفقیت خصوصی‌سازی‌ها نیست.

نکته دوم پاسخگو کردن منتقدان خصوصی‌سازی است. برای مثال، اگر کسی می‌گوید فلان خریدار پول‌های شرکت را از حساب‌های شرکت خارج می‌کند باید برای آن سند و مدرک ارائه کند؛ در غیر این صورت پذیرای احکام قضایی مربوط به ایراد اتهام بلامحل باشد. در مورد ایران ایرتور، هفت‌تپه و آلومینیوم المهدی شاهد انبوهی از اطلاعات و اتهام‌های بی‌پایه بوده‌ایم که با هیچ مجازاتی مواجه نشده و درعین حال خللی جدی در تداوم واگذاری‌ها ایجاد کرده است.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

خصوصی‌سازی پارادایمی است که جوهره آن «انتقال مالکیت از بخش دولتی به بخش خصوصی برای ارتقای بهره‌وری» است. تصور نهفته در این اندیشه، این است که برای دستیابی به سطوح بالاتر بهره‌وری به اصلاح انگیزه‌ها نیاز است و این مالکیت خصوصی است که انگیزه بهره‌برداری بهینه از منابع را به عوامل اقتصادی می‌دهد. دنیای پارادایم خصوصی‌سازی دنیایی عاری از نهاد است. گویی شرکت در وضعیتی ایدئال کار می‌کند و عملکرد بهینه آن به میل و اراده مالک است. اگرچه در بسته‌های سیاستی تعدیل ساختاری نوعاً به سایر سیاست‌ها هم اشاره می‌شود اما سایر سیاست‌ها هم یکی از مسائل را در دنیایی عاری از نهاد و بدون ارتباط سیستمی و در جهانی غیرپیچیده تصور می‌کند که می‌توان آنها را به راحتی اجرا کرد.

جدا شدن یک شرکت از بدنه دولت از یک سو مستلزم دست شستن از قواعد دولتی، استخدام دولتی، تأمین مالی دولتی، روابط اجتماعی با پشتوانه حمایت دولتی و مانند آن است و از سوی دیگر، مستلزم ایجاد شرایط فعالیت در دنیای جدید است. اگر بناست قاعده، رقابت باشد و اتکای به دولت نباشد باید قواعد حاکم بر نیروی کار نیز به طور متناسب اصلاح شود؛ نباید از مالک خصوصی شرکت انتظار داشت که کارکردهای پیش از واگذاری را ایفا کند؛ نمی‌توان به قاعده زمان دولتی بودن انتظار داشت شرکت آماده پذیرش قیمت‌های دولتی، تکالیف دولتی، تنظیم‌گری سنتی و ... باشد. این گذار از یک سیستم به سیستم دیگر است؛ نه گذار از یک ساختار مالکیت به یک ساختار دیگر.

با چنین دیدگاهی در این مقاله تجربه واگذاری چهار شرکت «قطارهای مسافری رجا»، «ایران ایرتور»، «کشت و صنعت هفت‌تپه» و «آلومینیوم المهدی» مورد بررسی قرار گرفت و درس‌های حاصل از آن به طور خلاصه مطرح شد.

منابع و مأخذ

۱. ابتهاج، ابوالحسن (۱۳۷۰). *خاطرات*، به کوشش علیرضا عروزی، شرکت کتاب، چاپ لندن.
۲. احمدوند، محمدرحیم (۱۳۹۲). «واکاوی عملکرد خصوصی‌سازی در ایران»، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، ویژه‌نامه کارنامه اقتصادی دولت، سال اول، ش ۲.
۳. اینتریلیگیتور، مایکل (۱۳۸۲). «یک سیاست اقتصادی جدید برای روسیه» در کتاب دولت، فساد و فرصت‌های اجتماعی، ترجمه حسین راغفر، تهران، انتشارات نقش و نگار.
۴. پوراحمدی، معین، مجید مختاریان پور و طهمورث حسنقلی پور یاسوری (۱۳۹۷). «آسیب‌شناسی اجرای خط‌مشی‌های خصوصی‌سازی در ایران»، مدیریت دولتی، دوره ۱۰، ش ۳.
۵. تان، جف (۱۳۹۳). *خصوصی‌سازی در مالزی نظارت، رانت‌جویی و شکست سیاستی*، ترجمه محمد صفار، چاپ اول، تهران، انتشارات تهران.
۶. جاشی، گوپا (۱۳۸۵). *خصوصی‌سازی در جنوب آسیا: حداقل نمودن پیامدهای منفی اجتماعی ناشی از تغییر ساختار*، ترجمه معاونت مطالعات و ارزیابی سازمان خصوصی‌سازی، انتشارات سازمان خصوصی‌سازی.
۷. جعفرپور، محمود (۱۳۹۹). «آسیب‌شناسی خصوصی‌سازی در ایران»، بررسی‌های بازرگانی، ش ۱۰۴.
۸. حسینی، سیدمحمد (۱۳۹۷). «جزئیات واگذاری آلومینیوم المهدی و طرح هرمزال به مپنا»، تارنمای سازمان خصوصی‌سازی.
۹. خاندوزی، سیداحسان (۱۳۹۷). *درس‌های آخرین موج خصوصی‌سازی*، چاپ اول، تهران، انتشارات آماره.
۱۰. خبرگزاری اقتصادنیوز (۱۳۹۳/۰۶/۳۰). <https://eghtesadnews.com/fa/tiny/news-104565>.
۱۱. خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۷/۱۰/۲۶). «اسناد جدید فساد در خصوصی‌سازی آلومینیوم المهدی و هرمزال» <https://tn.ai/1922480>
۱۲. سازمان خصوصی‌سازی (۱۳۹۸). «فرایند واگذاری شرکت آلومینیوم المهدی و طرح هرمزال».

بازیابی از سازمان خصوصی سازی: <http://ipo.ir>

۱۳. سالنامه آماری صنعت حمل و نقل ریلی (۱۳۸۹). شرکت حمل و نقل ریلی راه آهن جمهوری اسلامی ایران.

۱۴. سالنامه آماری صنعت هوانوردی، سازمان هواپیمایی کشوری.

۱۵. صادقی، محمدباقر (۱۳۷۹). «تکمیل طرح المهدی راهی به سوی صادرات آلومینیوم است»، بررسی های بازرگانی، ش ۱۵۵.

۱۶. طاهری عطار، غزاله، معین پوراحمدی و قاسمعلی جمالی (۱۳۹۸). «اولویت بندی معیارهای تأثیرگذار بر بازدارندگی اجرای خط‌مشی‌های خصوصی سازی در ایران»، مطالعات مدیریتی دولتی ایران، دوره ۲، ش ۴، پیاپی ۶.

۱۷. کمیجانی، اکبر (۱۳۸۲). *ارزیابی عملکرد خصوصی سازی در ایران*، چاپ اول، تهران، وزارت امور اقتصادی و دارایی - معاونت امور اقتصادی.

۱۸. کی‌بین، رابرت (۱۳۷۸). *طرح تحقیق و روش های مورد پژوهی*، ترجمه هوشنگ ناییبی، تهران، مؤسسه فرهنگی آینده پویان تهران.

۱۹. ----- (۱۳۸۷). *کاربرد تحقیق موردی*، ترجمه سیدمحمد اعرابی، محمد رحمانی و روح اله سهرابی، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی.

۲۰. مصاحبه محمد علیمحمدی با ماین نیوز (۱۳۹۵/۰۲/۲۳). «قاطعانه به کارم در آلومینیوم المهدی هر مزال ادامه می دهیم» www.akhbaremadan.ir/fa/doc/news/32222

۲۱. مصاحبه جاسم جادری با روزنامه صمت (۱۳۹۵/۴/۱۳)،

www.smtnews.ir/mine/mine-states/21534

۲۲. نصیری اقدم، علی و احسان آقاجانی (۱۳۹۶). «تعارض بین کارایی در خصوصی سازی با هدف تعقیب کسب درآمد»، مجلس و راهبرد، سال بیست و چهارم، ش ۹۲.

۲۳. هفته‌نامه آلومینیوم (۱۳۸۹/۸/۲۴). «تهدید کمبود برق برای صنایع آلومینیوم کشور»، ش ۴۱۳،

<http://magiran.com/p769128>

۲۴. _____ (۱۳۹۹/۳/۱۰). «گذشت ۳ دهه از آغاز یک همکاری ناتمام؛ پروژه بوکسیت

ایران در گینه، این بار با غریب‌پور»، ش ۸۰۴، <http://magiran.com/p2152060>

25. Adeyemo, D.O. and Adeleke Salami (2008). "Review of Privatization and Public Enterprises Reform in Nigeria", *Contemporary Management Research Pages*, Vol. 4, No. 4.

26. Araral, Eduardo (2009). "Privatization and Regulation of Public Services: A Framework for Institutional Analysis", *Policy and Society*, 27(3).

27. D'Souza, J., W. Megginson and R. Nash (2005). "Effect of Institutional and Firm-specific Characteristics on Post-privatization Performance: Evidence from Developed Countries", *Journal of Corporate Finance*, 11(5).

28. Parker, D. (2004). "The UK's Privatisation Experiment: The Passage of Time Permits a Sober Assessment", *Cesifo Working Paper*, No. 1126.

29. Ugorji, E.C. (1995). "Privatization / Commercialization of State-owned Enterprises in Nigeria: Strategies for Improving the Performance of the Economy", *Comparative Political Studies*, 27(4).

30. Walters, A. (1988). "Privatization and Structural Adjustment in the Arab Countries", Editor: Saïd El-naggar, *Privatization and Structural Adjustment in the Arab Countries*, Papers Presented at a Seminar held in Abu Dhabi, United Arab Emirates.

ارائه الگوی ارزشیابی حکمرانی اقتصادی در ایران با استفاده از شاخص‌های ارزشیابی بین‌المللی

غلامرضا توکلی،^{*} امین معینیان،^{**} احد رضایان قیه‌باشی^{***} و احسان طهماسب^{****}

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۱	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۲	شماره صفحه: ۴۷-۸۶
-------------------	--------------------------	-------------------------	-------------------

حکمرانی اقتصادی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های جهت‌دهی دولت‌ها به زندگی شهروندان بوده است. از یک سو سنجش میزان موفقیت دولت‌ها و سنجش مؤلفه‌های اقتصادی در بستر نهادی در هر کشور با توجه به اقتضات سیاسی و اجتماعی معطوف به آن باید صورت پذیرد و از سوی دیگر، وجود اشتراکات متعدد در مباحث اقتصادی موجب شده برای برآورد عملکرد بتوان از سنجه‌های رایج در شاخص‌های بین‌المللی برای ارزشیابی عملکرد اقتصادی استفاده کرد. از این رو، در این پژوهش با بررسی شاخص‌های معتبر و چندوجهی ارزشیابی عملکرد بین‌المللی، با الهام از الگوی مطالعات موردی چندگانه و نظر خبرگان پژوهش، چهار شاخص ارزشیابی رفاه و کامیابی لگاتوم، سهولت کسب‌وکار، رقابت‌پذیری و حاکمیت قانون از میان ۱۳ شاخص ابتدایی، انتخاب و مورد مطالعه دقیق قرار گرفته و ارکان اقتصادی این شاخص‌ها بررسی شده است. با استفاده از خروجی این مرحله و در فاز کمی این پژوهش، بر مبنای نتایج فاز کیفی، با استفاده از مدل معاملات ساختاری در نرم‌افزار *Lisrel* ارتباط و اهمیت سنجه‌های معطوف به اهداف راهبردی ایران از منظر خبرگان تحقیق از میان شاخص‌های مذکور استخراج و کشف شد. بر این اساس، الگوی ارزشیابی حکمرانی اقتصادی در پنج محور اصلی شامل کیفیت اقتصادی، زیرساخت‌های اقتصادی، محیط سرمایه‌گذاری، شرایط کسب‌وکار و بازار در ۲۰ رکن طراحی شده است. در انتها به مدل اصلی پژوهش برای پیشبرد سیاست‌های اقتصادی خواهیم رسید که به چهار پیشنهاد اجرایی برای سیاستگذاری منجر شده است.

کلیدواژه‌ها: ارزشیابی؛ حکمرانی اقتصادی؛ شاخص‌های اقتصادی؛ شاخص رفاه؛ شاخص رقابت‌پذیری

Email: tavakoli45@gmail.com

* دانشیار دانشکده مدیریت، دانشگاه صنعتی مالک اشتر؛

Email: amin.moeinian@hec.ca

** دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد مالی، دانشگاه مونترال، مونترال کانادا؛

*** استادیار آینده‌پژوهی، دانشکده حکمرانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛

Email: ahad.rezayan@ut.ac.ir

**** دانشجوی کارشناسی ارشد آینده‌پژوهی، دانشکده حکمرانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران؛

Email: ehsantahmaseb@ut.ac.ir

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال سی و یکم، شماره یکصد و هجدهم، تابستان ۱۴۰۳

doi: 10.22034/MR-2024.5489-5228

مقدمه

ارزیابی سیاست‌های عمومی، مقایسه اهداف پیش‌بینی شده برای سیاست و نتایج حاصل از آن است که با مراجع دولتی یا غیردولتی انجام می‌شود. طرح ارزشیابی عملکرد و ساخت واقعیت آینده در سیستم‌های اجتماعی آینده به‌طور مستمر، تحت تأثیر افکار، اندیشه‌ها، آرا و دیدگاه‌های ما، در حال ساخته شدن است؛ به‌طوری‌که می‌توان چنین ادعا کرد: «آنچه امروز طراحی می‌شود، واقعیت‌های فردای جامعه را می‌سازد» (پورعزت، ۱۳۹۶: ۱۱). در رویکرد فلسفی به «ارزشیابی برنامه ارزشیابی»، پرسش از چیستی و چرایی آن مطرح می‌شود. این پرسش‌ها ذهن ما را به فلسفه وجودی «طرح ارزشیابی» رهنمون می‌شود. در اینجا قابل تأمل است که گاهی این تصور بر ارزشیابان مستولی می‌شود که من ارزشیابی می‌کنم، پس هستم؛ این طرز تفکر، ارزشیابی را از «وسیله‌ای برای نیل به هدف، به هدفی برای توجیه حضور در اداره یا سازمان یا اجتماع» تبدیل می‌کند. درحالی‌که ماهیت ابزاری ارزشیابی به‌مثابه «وسیله‌ای برای آگاهی از وضعیت عملکرد و بهبود مستمر آن»، ماهیتی ارزشمند است که برای ارزشیابی عملکرد، شأنی کارکردی ایجاد می‌کند. برای مثال، مطابق با نظر بیرو آلن (۱۳۹۶) فشارهای مستمر برای بهبود پاسخگویی و «افزایش ارزش پول»، حکومت‌ها را در همه سطوح، مجبور کرده است تا ضمن تشخیص نیاز برای سنجش عملکرد برنامه‌ها به‌طور جدی‌تری به مقوله ارزشیابی عملکرد برنامه‌ها و خط‌مشی‌های خود توجه کنند.

در نتیجه، اهمیت ارزشیابی عملکرد، نه از حیث استانداردهای از پیش تعیین شده، بلکه از حیث تأثیر بر بهبود مستمر در زمینه دستیابی به موفقیت، مدنظر قرار می‌گیرد. در این باره، تأکید می‌شود که هدف اصلی ارزشیابی، باید درگیر کردن و برانگیختن کارکنان مورد ارزشیابی باشد (De Toni and Tonchia, 2001: 48).

در منطق سازمانی نیز ارزشیابی عملکرد، غالباً در سازمان‌ها به‌مثابه مبنایی برای تصمیم‌گیری اداری در مواردی نظیر ارتقای کارکنان، انتقال و تخصیص پاداش‌های مالی، بهبود مهارت‌های کارکنان، تشخیص نیازهای آموزشی و ارائه بازخورد عملکرد به آنان، مدنظر قرار می‌گیرد (Descotiis and Petit, 1978: 635). به‌طور کلی، می‌توان گفت فلسفه اصلی ارزشیابی عملکرد در بخش عمومی آن است که حکومت‌ها نیز باید مانند سازمان‌های بخش خصوصی، به نتایج مثبت دست یابند. این نکته باید به‌مثابه وظیفه اصلی و هدف عمده هر سازمان در بخش عمومی، مدنظر قرار گیرد؛ زیرا بدون شک، پرسش درباره ماهیت عملکرد حکومت، کاری منطقی، سودمند و ضروری است؛ به‌ویژه تأکید می‌شود که پاسخگو ساختن حکومت باید به‌گونه‌ای انجام شود که شهروندان مطمئن شوند حکومت، مالیات‌های آنها را از روی بصیرت و آگاهی و به‌طور کارآمد، صرف می‌کند (Gault et al, 2011:136-137).

در ارزشیابی عملکرد حکومت‌ها در عرصه اقتصادی، متغیرهای گوناگونی وجود دارد که هرکدام نشان‌دهنده نوع خاصی از سیاست و ارزشیابی‌کننده آن است. این شاخص‌ها با استفاده از متغیرهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی سعی در ارائه تصویری جامع از عملکرد کشورها در حوزه‌های متفاوت دارند. از طرفی، با توجه به تفاوت‌های ساختاری، روش‌شناختی و هستی‌شناسانه این شاخص‌ها در کنار تفاوت بستر نهادی کشورهای متفاوت و همچنین، تمرکز هر شاخص بر بخش خاصی از عملکرد کشورها، ارائه مدلی جامع برای سنجش حکمرانی اقتصادی در ایران که متناسب با اهداف راهبردی این کشور باشد حائز اهمیت تلقی می‌شود. بنابراین با توجه به تئوری ساخت اجتماعی واقعیت آینده، تأکید می‌شود آنچه مورد ارزشیابی قرار می‌گیرد، وضع‌کننده و ترسیم‌گر آینده مطلوب بوده و از این‌رو، برای ساخت آینده‌ای بهتر باید طرح ارزشیابی مسنجم و هدف‌داری را تعیین کرد. از این حیث، پژوهش به‌دنبال ارائه

چارچوب اولیه برای ارزشیابی حکمرانی اقتصادی با استفاده از شاخص‌های چندبعدی بین‌المللی است.

در این پژوهش ابتدا با الهام گرفتن از رویکرد مطالعه موردی چندگانه، ابتدا از بین ۱۱ شاخص بین‌المللی منتخب حوزه‌های مختلف، با مصاحبه اولیه با خبرگان حوزه و با در نظر گرفتن معیارهای انتخاب شاخص، چهار شاخص رفاه و کامیابی لگاتوم، شاخص رقابت‌پذیری، شاخص حاکمیت قانون و شاخص سهولت کسب‌وکار به‌عنوان نمونه‌های این پژوهش مورد انتخاب واقع شدند. در ادامه، با استفاده از متدولوژی مطرح شده در رویکرد نظریه‌پردازی استفهام توسط آیزنهاور، تحلیل‌های درون‌موردی و بین‌موردی صورت گرفت. پس از انجام تحلیل‌های مورد نظر، گزاره‌های اولیه حاصل از کدگذاری سیستماتیک شاخص‌ها، خبرگان حوزه با استفاده از پرسشنامه و روش معادلات ساختاری، مسیربندی و وزن‌دهی شدند. در نهایت، مدل به‌دست آمده از شاخص‌های منتخب در ارزشیابی حکمرانی اقتصادی در ایران، قابل‌ارائه است.

۱. ادبیات موضوعی تحقیق

ویلیامسون^۱ (۱۹۹۵) حکمرانی اقتصادی را این‌گونه تفسیر کرد: حکمرانی اقتصادی، اصولاً شیوه نظم خصوصی دوجانبه است، به‌نحوی که طرفین تحت قوانین آن، به‌گونه‌ای فعال به مبادله با نظم خوب و قابل‌اجرا مشغول هستند. در واقع تمایزی است بین بی‌قانونی که در آن دولت حمایت محدود یا غیرقابل‌اعتمادی را برای دارایی‌ها و قراردادهای ارائه می‌کند و قانونمندی که در آن دولت متعهد به حمایت از اموال اجرای قراردادهای به‌صورت اصولی و مناسب است. اولین مورد عمدتاً به اقتصادهای بدوی در حال گذار و دومین مورد از ویژگی‌های مرتبط با دمکراسی غربی

1. Williamson

است. همچنین بارو^۱ (۱۹۹۹)، در تحقیق خود با استفاده از داده‌های پانل متشکل از حدود ۱۰۰ کشور از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ به این نتیجه رسید که رابطه U شکل معکوس بین رشد اقتصادی و اندازه‌گیری مستمر دموکراسی وجود دارد. به نحوی که برای یک سطح اولیه معین از تولید ناخالص داخلی سرانه واقعی، نرخ رشد با افزایش تحصیلات اولیه و امید به زندگی، باروری کمتر، مصرف کمتر دولت، حفظ بهتر حاکمیت قانون، تورم کمتر و بهبود شرایط تجارت افزایش می‌یابد. برای مقادیر داده شده این متغیرها و سایر متغیرها، رشد با سطح اولیه تولید ناخالص داخلی سرانه واقعی رابطه منفی دارد. آزادی سیاسی تنها تأثیر ضعیفی بر رشد دارد، اما نشانه‌هایی از یک رابطه غیرخطی وجود دارد. در سطوح پایین حقوق سیاسی، گسترش این حقوق باعث تحریک رشد اقتصادی می‌شود. با این حال، هنگامی که میزان متوسطی از دموکراسی به دست آمد، گسترش بیشتر رشد کاهنده دارد. با توجه به تأثیر دموکراسی و رشد اقتصادی در مقالات دیگر حاکمیت اقتصادی دولت بررسی شده است.

جانسون، مک‌میلیان و ودراف^۲ (۲۰۰۲)، در بررسی حاکمیت دولتی از منظر روابط اجتماعی، پژوهشی را با یافته‌های یک نظرسنجی در اقتصادهای سوسیالیستی سابق ارائه و تحلیل کردند که طبق آن ارتباط بین حاکمیت رسمی و غیررسمی حتی بدون پشتیبانی از سوی دادگاه‌ها و با اعتماد دوجانبه می‌تواند ایجاد شود. اگر دادگاه‌ها بهتر کار کنند، به احتمال زیاد به مشتریان جدید اعتبار داده می‌شود، اما اثربخشی دادگاه‌ها تا حد زیادی برای عملکرد روابط اجتماعی ایجاد شده بی‌ربط دیده شد. ویلیامسون (۲۰۰۵) در مقاله دیگری بیان داشت حاکمیت اقتصادی با مطالعه نظم خوب و ترتیبات قابل اجراست. این موضوع مؤسسه‌ها و سازمان‌هایی را شامل می‌شود که با

1. Barro

2. Johnson, McMillan and Woodruff

اجرای قراردادهای و سازمان‌دهی اقدام‌های جمعی برای فراهم‌کردن زیرساخت قوانین، مقررات و گردآوری اطلاعاتی مبادلات اقتصادی را با پشتیبانی از حقوق مالکیت حمایت می‌کنند. برای ارائه امکان‌سنجی یا بررسی کارآمدی حاکمیت اقتصادی؛ تعامل بین بازیگران مختلف اقتصادی، فردی و شرکتی مورد نیاز است. اقتصادها در زمان‌های مختلف از نهادهای مختلفی برای انجام این وظایف استفاده کرده‌اند و با درجات مختلف به بررسی حاکمیت اقتصادی و قیاس نهادها با هم پرداخته‌اند. مطالعات مدل‌های نظری و تجربی و همچنین موردی، عملکرد مؤسسه‌های مختلف را تحت شرایط گوناگون شامل شده است از نحوه ارتباط آنها با یکدیگر، چگونگی تکامل آنها طی زمان و اینکه چگونه انتقال از یکی به دیگری به‌عنوان ماهیت و دامنه فعالیت اقتصادی رخ می‌دهد. با مطالعه حاکمیت اقتصادی می‌توان حال مفهوم حکمرانی اقتصادی و فرایندهای آن را درک کرد که طی مقاله‌ای دیکزیت^۱ (۲۰۰۸)، بیان داشت حکمرانی اقتصادی شامل فرایندهایی است که از فعالیت‌های اقتصادی با حمایت از حقوق مالکیت، اجرای قراردادهای و اقدام جمعی برای تأمین فیزیکی و سازمانی مناسب زیرساخت حمایت می‌کند. این فرایندها در نهادهای رسمی و دوستانه و غیررسمی شکل می‌گیرند. حوزه حاکمیت اقتصادی عملکرد مؤسسه‌های مختلف در شرایط مختلف، تکامل این نهادها و انتقال از مجموعه‌ای از نهادها به مجموعه‌ای دیگر را مورد مطالعه و قیاس قرار می‌دهد. اما درخصوص حاکمیت شرکتی و دولتی که مورد هدف است آن، لی و یو (۲۰۱۸) تحقیقات کاملی انجام داده‌اند به‌طوری‌که تفاوت مدل‌های حاکمیت شرکتی را می‌توان در تمرکز آنها بر عوامل مختلف مشاهده کرد. آنها داده‌های مربوط به هزینه‌های تحقیق و توسعه و شبکه‌های اجرایی را مورد بررسی قرار دادند که دارای اعضای مدیریت مشترک در شرکت‌های سهام A در

1. Dixit

چین از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۰ هستند. همچنین همراه با داده‌های حاکمیت شرکتی و دولت، به‌طور تجربی تأثیر حاکمیت دولت را مورد آزمایش قرار دادند و نشان دادند کارایی حاکمیت دولت در محل استقرار شرکت، تعیین‌کننده میزان کارایی تخصیص منابع است که محدودیت‌های اساسی در تحقیق و توسعه شرکت‌ها را ایجاد می‌کند. آزمایش‌های بیشتر نشان دادند که در مقایسه با شرکت‌های غیردولتی، شرکت‌های دولتی از نظر سیاست، مالیات، فناوری و رقابت با محدودیت‌ها و فشارهای نسبتاً ضعیف‌تری مواجه‌اند؛ بنابراین آنها هیچ وابستگی آشکاری به کیفیت حاکمیت دولت و انتشار اطلاعات شبکه‌های اجرایی نشان نمی‌دهند. یافته‌های این مطالعه به ما کمک می‌کند تا نقش سیستم‌های غیررسمی را در اقتصاد اجتماعی، مانند شبکه‌های ارتباطی و سرمایه اجتماعی، در زمینه توسعه اقتصادی چین درک کنیم (ارتباط حاکمیت دولتی، شبکه‌های اجرایی). با مطالعه حاکمیت دولتی، آن، لی و یو (۲۰۱۸) تأثیر کمک اقتصادی سیاسی حاکمیت را مورد بررسی قرار دادند. آنها دریافتند که شبکه اجرایی بزرگ‌تر و حاکمیت دولتی بالاتر به کارآمدی سرمایه‌گذاری شرکت‌ها منجر می‌شود. علاوه بر این، نهاد غیررسمی - شبکه اجرایی، نه تنها راهی مؤثر برای کاهش محدودیت‌های مالی است، بلکه می‌تواند مشکل سرمایه‌گذاری کم را نیز حل کند. در حالی که بهبود حکمرانی دولت محلی می‌تواند حفاظت نهادی را فراهم کند، همچنین برای مهار رفتار سرمایه‌گذاری بیش از حد مساعدتر خواهد بود. حاکمیت نه تنها می‌تواند شرکت‌ها را برای بهبود کارایی سرمایه‌گذاری ارتقا دهد، بلکه تضمین مهمی برای رشد اقتصادی کلان پایدار است. شولتز^۱ و همکاران (۲۰۲۴)، در پژوهشی با تمرکز بر تغییرات رویه‌ای که چارچوب حاکمیت اقتصادی جدید اتحادیه اروپا^۲

1. Schultz

2. New Economic Governance (NEG)

در تصمیم‌گیری بودجه ملی ایجاد کرده است، با تکیه بر چارچوب انواع دمکراسی، تفاوت‌های تجربی و وضوح مفهومی به «مشروعیت عملیاتی» و اجزای آن (باز بودن، فراگیری، شفافیت و مسئولیت‌پذیری) پرداخته‌اند. مطالعات موردی دقیق اتریش، ایتالیا و پرتغال پس از بحران نشان می‌دهد که اتحادیه اروپا دسترسی به تصمیم‌گیری بودجه ملی و بررسی دقیق اجرایی را بهبود می‌بخشد، در حالی که پیچیدگی بیش از حد پاشنه آشیل قوانین مالی اتحادیه اروپا باقی مانده است. آنها اظهار داشته‌اند که این تغییرات رویه‌ای بسیار معنادار است و نباید در بحث‌های پس از بحران درباره دمکراسی اتحادیه اروپا نادیده گرفته شوند.

رحمان و عالم^۱ (۲۰۲۲)، در مطالعه‌ای نشان دادند رشد اقتصادی انرژی‌های تجدیدپذیر، حکمرانی خوب و شهرنشینی تأثیرات مثبتی بر امید به زندگی دارند. با ۱٪ افزایش این متغیرها، امید به زندگی به ترتیب ۰/۰۰۹٪، ۰/۰۷۰٪، ۰/۰۲۲٪، ۰/۱۰۷٪ افزایش می‌یابد. در حالی که آلودگی محیطی با کشش ۰/۰۱۵ بر امید به زندگی تأثیر منفی دارد. آزمون علیت پانل دومیترسکو هورلین^۲ یک ارتباط علی بین متغیرهای انتخاب شده و امید به زندگی را شناسایی می‌کند. همچنین آنها تأثیر تصمیمات حمایت و نتیجه آن را در بعد اقتصادی بررسی و رتبه‌بندی کرده‌اند. حیدری و علی‌نژاد (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر متغیر نهادی حاکمیت قانون بر رشد اقتصادی کشورهای دی هشت (D8) طی دوره زمانی ۲۰۱۲-۱۹۹۶ با استفاده از مدل رگرسیون انتقال ملایم تابلویی (PSTR) پرداختند.

نتایج حاصل از برآورد مدل، با رد فرضیه خطی بودن، یک مدل دو رژیم با حد آستانه ۰/۵۱۱- را برای شاخص حاکمیت قانون پیشنهاد می‌کند. نتایج مطالعه حاکی

1. Rahman and Alam
2. Dumitrescu Hurlin

از تأثیرگذاری مثبت شاخص حاکمیت قانون بر رشد اقتصادی، البته با شدت بیشتر در رژیم دوم است. همچنین متغیرهای مخارج تحصیل و صادرات مواد خام کشاورزی در رژیم اول تأثیر منفی و در رژیم دوم تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی دارند. در کشور ایران سال‌هاست اقتصاد برپایه نفت است و باید این حقیقت سیاسی را در کشورهای منطقه مورد مطالعه قرار داد. مروی سماورچی و همکاران (۱۳۹۵) به مقایسه جایگاه ایران با کشورهای منطقه غرب آسیا از جهت حکمرانی اقتصادی بین‌المللی پرداختند. رتبه‌بندی کشورهای منطقه در موضوع حکمرانی اقتصادی بین‌المللی، نشان می‌دهد نفت هنوز عنصر تأثیرگذار در اقتصاد غرب آسیاست. بزرگ‌ترین صادرکنندگان نفت، بالاترین رتبه‌های حکمرانی اقتصادی را کسب کرده‌اند. این امر نشان می‌دهد به‌رغم همه ادعاها مبنی بر کاهش نقش نفت در جهان با انرژی‌های نو یا نفت‌های جایگزین، منطقه غرب آسیا هنوز مسئول تأمین انرژی اقتصاد جهانی است. پنج کشور اول در رتبه‌بندی نهایی، پنج کشور اول در جذب سرمایه‌گذاری خارجی در منطقه نیز است. این امر رابطه دوسویه سرمایه‌گذاری خارجی و حکمرانی اقتصادی بین‌المللی را نشان می‌دهد. نیک‌کار (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای به برخی الگوها و پارادایم‌هایی اشاره کرد که پیرامون نقش دولت‌ها، حاکمیت‌ها و مدیریت اقتصاد شهری است و نتیجه گرفت اقتصاد شهری تابعی است از برآیند و خروجی رفتارهای سیاسی، اقتصادی، حاکمیت و توانمندی‌ها و ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی شهروندان که بدون توجه به ویژگی‌های منطقه شهری و حوزه نفوذ آن و عملکرد سیاسی، اقتصادی حاکمیت، در سطح ملی و منطقه‌ای، برنامه‌ریزی و توسعه امکان‌پذیر نخواهد بود.

۲. شاخص‌های ارزشیابی عملکرد اقتصادی

۱. **شاخص رفاه لگاتوم**: شاخص کامیابی و رفاه که در این گزارش براساس متدولوژی مؤسسه لگاتوم اندازه‌گیری و تحلیل می‌شود، نگرشی منحصر به فرد در مورد شکل‌گیری و چگونگی کامیابی و رفاه در سراسر دنیا ارائه می‌دهد. این شاخص از آن جهت منحصر به فرد است که تنها اندازه‌گیری جهانی است که هم براساس درآمد و هم خوشبختی است.

تجزیه و تحلیل اقتصادسنجی ارائه شده ۲۹۴ متغیر را شناسایی کرده است که در ۶۶ زیرشاخص کلی در ۱۲ رکن اصلی گسترش یافته است. از طریق این فرایند ما قادر به شناسایی و تجزیه و تحلیل عوامل خاصی هستیم که به رفاه هر کشور کمک می‌کند. این ۱۲ رکن عبارتند از: شاخص‌های مربوط به کیفیت اقتصادی، آموزش، شرایط بخش خصوصی، حکمرانی، بهداشت، محیط سرمایه‌گذاری، شرایط زندگی، دسترسی به بازار و زیرساخت، محیط زیست، آزادی فردی، ایمنی و امنیت و سرمایه اجتماعی.

۲. **شاخص حاکمیت قانون**: بانک جهانی در تعریف خود هدف حاکمیت قانون را محدود کردن قدرت دولت و محافظت از حقوق شهروندان در مقابل سوءاستفاده یا استفاده خودسرانه دولت از قدرتش دانسته است. به عقیده سامتی و زنگنه (۱۳۹۷) حاکمیت قانون نه تنها فقط قواعد و مقررات است که قانون وضع می‌کند، بلکه به عنوان تضمینی برای آزادی، حقوق بشر و رفتاری یکسان با شهروندان در برابر قانون به شمار می‌رود.

از دیدگاه بهروزی و همکاران (۱۳۹۸) تعریف سازمان ملل از حاکمیت قانون به اصول حاکمیت که در آن همه افراد و نهادهای خصوصی و دولتی (از جمله خود دولت) در برابر قوانین پاسخگو باشند، اشاره کرده است: یعنی قوانینی که به طور عمومی منتشر شده، به صورت مساوی اجرا و مستقل حکم می‌شوند و نیز با حقوق بشر بین‌الملل سازگار هستند. مؤلفه‌های سنجش این شاخص، شامل اعتماد مردم

به قوانین، قابلیت پیش‌بینی دستگاه قضایی، وجود جرائم سازمان‌یافته و احتمال کامیابی در شکایت علیه دولت قانون است.

از نگاه پروژه عدالت جهانی حاکمیت قانون شامل یک سیستم بادوام از قوانین، نهادها، هنجارها و تعهد جامعه است که چهاراصل جهانی زیر را فراهم می‌کند:

۱. مسئولیت‌پذیری،

۲. قوانین شفاف،

۳. دولت باز،

۴. رویه حل اختلاف قابل دسترسی و بی‌طرفانه.

۳. **شاخص سهولت کسب‌وکار**: با توجه به نظر خبرگان و در نظر گرفتن

دو نوع کاربر اصلی این شاخص که سیاست‌گذاران و محققان است؛ سهولت کسب‌وکار ابزاری است که دولت‌ها می‌توانند برای طراحی سیاست‌های نظارتی مناسب در تجارت استفاده کنند. با این وجود دامنه داده‌های این شاخص محدود است و باید با منابع اطلاعاتی دیگر تکمیل شود. شاخص انجام کسب‌وکار براساس ۱۰ زیرشاخص، محاسبه می‌شود. این شاخص نشان‌دهنده سهولت و مناسب بودن هر کشور برای انجام فعالیت‌های اقتصادی و تجاری است. شاخص‌های مزبور نه تنها منعکس‌کننده فضای فعلی کسب‌وکار در کشور است؛ بلکه برای سرمایه‌گذاران خارجی به‌عنوان شاخصی مهم و تعیین‌کننده در اقدام به سرمایه‌گذاری است. بنابراین هدف کشور بهبود وضعیت سرمایه‌گذاری و ارتقای پارامترهای جاذب سرمایه‌گذاران خارجی است (احمدی و هیبتی، ۱۳۸۷). طبق آخرین گزارش بانک جهانی پیرامون موضوع شاخص آسانی انجام کسب‌وکار در سال ۲۰۲۰، جمهوری اسلامی ایران از میان ۱۹۰ کشور رتبه ۱۲۷ را به‌دست آورده و نیوزیلند، سنگاپور، هنگ‌کنگ، دانمارک، کره جنوبی و آمریکا، شش کشور نخست این شاخص در جهان هستند.

در این گزارش مقرراتی که ۱۰ مرحله از عمر یک کسب‌وکار (از زمان شکل‌گیری تا انحلال) را متأثر می‌سازد به شرح ذیل مورد ارزیابی و مقایسه قرار می‌گیرد:

۱. شروع کسب‌وکار: بررسی هزینه، زمان و میزان حداقل سرمایه مورد نیاز برای ثبت یک شرکت با مسئولیت محدود،

۲. جواز ساخت: فراگردها، زمان و هزینه تکمیل تشریفات ایجاد یک انبار به‌همراه کنترل کیفیت و مکانیسم‌های ایمنی در سیستم جواز ساخت،

۳. دسترسی به برق: هزینه و زمان و فراگرد اتصال به منبع برق، قابل‌اتکا بودن تأمین برق و شفافیت تعرفه‌های برق،

۴. ثبت دارایی: فراگرد، زمان، هزینه و کیفیت ثبت یک دارایی،

۵. دریافت اعتبار: قوانین وثیقه‌گذاری و سیستم‌های اطلاعات اعتباری،

۶. حمایت از سرمایه‌گذاران اقلیت: حقوق سرمایه‌گذاران اقلیت در تراکنش‌های طرف حساب و حکمرانی شرکتی،

۷. پرداخت مالیات: پرداخت‌ها، زمان و کل مالیات مشمول شده و میزان مشارکت بنگاه در تعامل با مقررات مالیاتی از جمله فرایندهای ارسال مدارک،

۸. تجارت فرامرزی: زمان و هزینه صادرات یک محصول با مزیت نسبی و واردات قطعات،

۹. اجرای قراردادهای: زمان و هزینه حل‌وفصل اختلاف‌های تجاری و فرایند قضایی،

۱۰. قرارداد با دولت: زمان و فراگرد برنده شدن یک مناقصه دولتی و چارچوب مقررات تدارکات دولت.

۴. شاخص رقابت‌پذیری: شاخص رقابت‌پذیری جهانی، براساس گزارش

رقابت‌پذیری مجمع جهانی اقتصاد به‌دست می‌آید. از نگاه این نهاد، رقابت

عبارت است از مجموعه عوامل، سیاست‌ها و نهادهایی که سطح بهره‌وری را تعیین می‌کنند و سطح بهره‌وری بیانگر سطح رفاه پایدار شهروندان جامعه است. همچنین، رقابت‌پذیر بودن به معنای امکان به‌دست آوردن موقعیت مناسب و پایدار در بازارهای بین‌المللی تعریف می‌شود. از نظر سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه، توانایی یک کشور در تولید کالاها و خدمات برای ارائه در بازارهای بین‌المللی از مهم‌ترین ابعاد رقابت‌پذیری است. از دیدگاهی دیگر، رقابت‌پذیری راهیابی کالاها و خدمات تولید شده داخلی به بازارهای بین‌المللی است. همچنین رقابت‌پذیری توانایی یک اقتصاد برای ثابت نگه داشتن سهم خود در بازار فعالیت تعریف شده است و در تمامی این تعاریف، مفهوم رقابت‌پذیری به‌عنوان دستیابی به جایگاه مناسب در بازارهای بین‌المللی برای محصولات تولیدی کشور، مورد توجه قرار گرفته است (وقفی، ۱۳۹۸). ایران نیز طی چهار سال گذشته از طریق مرکز تحقیقات و مطالعات اقتصادی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران در این خصوص با این مجمع همکاری می‌کند (میراحسنی، ۱۳۹۵).

شاخص رقابت‌پذیری کشورها در محدوده ارقام ۱ تا ۷ به‌طور کمی محاسبه می‌شود؛ بر این اساس هرچه شاخص به رقم ۷ نزدیک‌تر باشد قدرت رقابت‌پذیری کشور بیشتر است. این شاخص ترکیبی است از ۱۲ مؤلفه که هر یک از ارکان بین ۴ تا ۲۱ متغیر دارند؛ بنابراین آنچه به‌عنوان شاخص رقابت‌پذیری جهانی^۱ منتشر می‌شود دربرگیرنده ۱۱۴ متغیر در مورد هر کشور است که به جزئیات اقتصادی، اجتماعی و بهداشتی پرداخته و برآیند آن به شاخص رقابت‌پذیری جهانی منجر می‌شود. این ارکان در چهار دسته اساسی به‌صورت زیر آمده‌اند:

۱. توانمندسازی محیط: این رکن شامل مؤلفه‌هایی چون نهادهای زیرساخت، پذیرش فناوری اطلاعات و ارتباطات و نیز ثبات اقتصاد کلان است.
۲. سرمایه انسانی: این رکن مؤلفه‌های سلامت و مهارت‌ها را می‌سنجد.
۳. بازارها: این رکن بازار محصول، بازار نیروی کار، اندازه بازار و سیستم مالی را مورد بررسی قرار می‌دهد.
۴. اکوسیستم نوآوری: این رکن مؤلفه‌های پویایی کسب و کار و قابلیت نوآوری را می‌سنجد.

۳. روش تحقیق

دانایی فرد، الوانی و آذر (۱۳۹۱) مدل پیاز پژوهش را براساس مدل ساندرز و همکاران با اندکی تفاوت مطرح کرده‌اند که این مدل درحقیقت فرایندهای انجام پژوهش را نشان می‌دهد. براساس این مدل هر پژوهش از لایه‌های مختلفی تشکیل می‌شود که هر لایه متأثر از لایه بالاتر است. درحقیقت بنا به این مدل، فلسفه و جهان‌بینی پژوهشگر، پایه و اساس پژوهش را شکل می‌دهد، چراکه هر یک از مراحل بعدی پژوهش از انتخاب رویکرد پژوهش تا جمع‌آوری و تحلیل داده براساس جهان‌بینی و نگرش پژوهشگر صورت می‌گیرد. از این رو، پژوهشگران باید در ابتدای هر کار پژوهشی، مبنای فلسفی کار و نوع نگرش و جهان‌بینی خود را مشخص سازند. این مطالعه نیز به لحاظ فلسفه پژوهش در پارادایم پراگماتیستی، به لحاظ ماهیت، توسعه‌ای، با رهیافتی استقرایی و تطبیقی است که از داده‌های کیفی و کمی استفاده کرده و با استفاده از استراتژی مطالعه موردی چندگانه در فاز کیفی و معادلات ساختاری در فاز کمی به ارائه چارچوب اولیه ارزشیابی حکمرانی اقتصادی در ایران پرداخته است.

در ادامه چارچوب کلی مقاله براساس روش تحقیق آورده شده است.

شکل ۱. چارچوب کلی مقاله



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

در فاز کیفی با استفاده از روش مطالعه موردی چندگانه، ابتدا چارچوب کلی تحقیق تدوین شده است. در جدول زیر، مراحل استراتژی مطالعه چندموردی با رویکرد آیزنهارد برای تئوری‌پردازی و همچنین اقدام‌های انجام گرفته در این پژوهش متناسب با آن آمده است.

جدول ۱. فرایند ایجاد نظریه با استفاده از تحقیق مطالعه موردی

ردیف	مرحله	فعالیت	منطق	اقدام انجام شده در این پژوهش
۱	آغاز	تعریف سؤال تحقیق	تلاش‌ها را متمرکز می‌کند.	تعریف سؤال اصلی تحقیق در آغاز
		امکان وجود سازه‌های از پیش تعریف شده	اتصال بهتری با داده‌های زمینه‌ای مربوط به سازه‌های معیار ایجاد می‌کند.	طراحی یک چارچوب مفهومی اولیه که مفاهیم اصلی مورد توجه مدل‌های ارزشیابی و سیاست و پارادایم‌های اقتصادی را مشخص می‌کند.
۲	انتخاب موردها	نه نظریه و نه فرضیه	انعطاف‌پذیری نظری را حفظ می‌کند.	اگرچه متدولوژی‌ها و مدل‌های موجود در ادبیات مرور شد، اما هیچ کدام صرفاً برای پیشنهاد مکانیسم و چارچوب نظری ارائه نشد.
		جامعه مشخص	پراکندگی بیرونی را محدود کرده و اعتبار بیرونی تحقیق را افزایش می‌دهد.	جامعه تحقیق، به مدل‌های ارزشیابی و پارادایم‌های اقتصادی متداول در دنیا محدود شد تا نتایج تحقیق قابلیت تعمیم‌پذیری بالاتری داشته باشد. ویژگی مشترک جامعه تحقیق، این است که تمامی پارادایم‌ها و مدل‌های مورد ارزشیابی در عمل استفاده شده و نتایج استفاده از هر کدام مشخص است.
		نمونه‌گیری نظری	تلاش‌ها را بر موردهای مفید از نظر تئوریک متمرکز می‌کند، یعنی آن موردهایی که با پر کردن دسته‌های مفهومی، نظریه را تکرار یا توسعه می‌دهند.	پیش از نمونه‌گیری، ارزیابی‌های ابتدایی، بررسی شد. نمونه‌های انتخابی، از منظر تفکرات فلسفی، گرایش‌های سیاسی و پارادایم‌های اقتصادی و سیاسی حاکم و همچنین برای ارزیابی سیاست در سطح کشورها دارای پیشینه نهادی و شرایط اقتصادی، با یکدیگر متفاوت بودند. نمونه‌های انتخابی، با یکدیگر متفاوت بودند. همچنین برای اینکه نتایج به‌طور «شفاف، قابل مشاهده» شوند، از «نمونه‌گیری قطبی» استفاده شد؛ به این معنا که بر تصمیمات اثربخش و غیراثربخش تمرکز شد.

ردیف	مرحله	فعالیت	منطق	اقدام انجام شده در این پژوهش
۳	به کارگیری ابزار و پروتکل‌ها	روش‌های چندگانه گردآوری داده‌ها	تقویت غنای داده‌های نظریه ^۱ با استفاده از «زاویه‌بندی» ^۲ وقایع.	اسناد از منابع مختلف مورد بررسی قرار گرفته است و همچنین در ارزشیابی مدل‌ها شرایط مختلف و گاهی متضاد کشورها مورد تحلیل قرار گرفته است تا داده‌های جمع‌آوری شده نتایج بهتری را حاصل کند. همچنین مصاحبه‌ها با افراد مختلف هر مورد شامل سطوح مختلف و با تخصص‌های مورد نیاز انجام گرفت تا از زوایای مختلف به موضوع پرداخته شود.
		ترکیب داده‌های کیفی و کمی	دیدگاه هم‌افزایانه به وقایع.	مطالعه اسناد و متون منتشر شده هم در خصوص مدل‌های ارزیابی سیاست و هم استفاده در فنون کمی در مرحله پایانی برای اعتبارسنجی مدل در این پژوهش مدنظر بوده است.
۴	ورود به میدان تحقیق	انجام توأمان فرایند گردآوری و تحلیل داده‌ها	تحلیل را سرعت می‌بخشد و تعدیل‌های مفیدی برای گردآوری داده‌ها ایجاد می‌کند.	جستجو و گردآوری داده‌ها به صورت هم‌زمان انجام گرفته و محققان از مشورت با صاحب‌نظران این حوزه و تحلیل‌گران مسائل کشورها و شاخص‌های منتخب نیز بهره برده‌اند.
		روش‌های منعطف و فرصت‌شناسانه گردآوری داده‌ها	به محققان اجازه می‌دهد که از مضامین پدیدارشنونده و ویژگی‌های منحصر به فرد موردها، بهره‌برداری کنند.	محققان این پژوهش خود را به داده‌های اسناد محدود نکرده و از تحلیل خبرگان و دانش ضمنی برای تفسیر و تحلیل بهتر داده‌ها استفاده کرده‌اند.

1. Grounding of Theory
2. Triangulation

ردیف	مرحله	فعالیت	منطق	اقدام انجام شده در این پژوهش
۵	تحلیل داده‌ها	تحلیل درون‌موردی ^۱ و تولید نظریه اولیه.	ایجاد آشنایی با داده‌ها و تولید نظریه اولیه.	ابتدا یک‌یک موردها به‌عنوان واحدهای تحلیل مستقل، مورد بررسی قرار گرفتند تا تصویر منسجمی از هر یک از آنها براساس مؤلفه‌های تحقیق ایجاد شود. بدین‌وسیله، نوشتارهایی ^۲ با تجمیع همه داده‌های هر مورد، نگاشته و در گزارش‌ها، ارائه شده است.
		جستجوی الگوهای بین‌موردی ^۳ با استفاده از فن‌های افتراقی (واگرایی) ^۴	اجبار محققان به نگاه فراتر از تأثیرگذاری‌های اولیه و دیدن وقایع از منظره‌ای متعدد.	با استفاده از فن انتخاب دسته‌ها یا ابعادی که در داخل یک گروه (مورد) مشابه بوده ^۵ و در میان سایر گروه‌ها (موردها) متفاوت بودند، سازه‌ها شناسایی شده و روابط ابتدایی پیش‌بینی شده در آنها، در موارد دیگر نیز بررسی و حذف یا تأیید شد.
۶	شکل‌دهی فرضیات	جدول‌سازی مکرر (رفت‌وبرگشتی) ^۶ شواهد مربوط با هر سازه	توصیف، اعتبار (روایی) و قابلیت اندازه‌گیری سازه‌ها را تقویت می‌کند.	یک جدول حاوی همه گزاره‌های پیشنهادی یا فرضیه‌های به‌دست آمده، منتخبی از گزاره‌ها و بررسی آنها در موردهای مختلف است.
		منطق تکرار و نه نمونه‌گیری، در میان موردها	نظریه را تأیید کرده، توسعه می‌دهد و تقویت می‌کند.	ستون «رخداد مشترک» ^۷ در جدول فرضیات
		جستجوی وقایعی برای «چرایی» پشت روابط	اعتبار درونی ایجاد می‌کند.	ارائه منتخبی از گزاره‌های اسناد درباره هر گزاره پیشنهادی در جدول

1. Within-Case Analysis
2. Write-Ups
3. Cross-Case
4. Divergent
5. Within Group Similarities
6. Intergroup Differences
7. Iterative Tabulation
8. Co-occurrence

ردیف	مرحله	فعالیت	منطق	اقدام انجام شده در این پژوهش
۷	دستیابی به نتیجه نهایی ^۱	اشباع نظری در زمان ممکن	پایان فرایند زمانی که بهبود نهایی ^۲ ، اندک شود.	مدل پیشنهادی توضیحات نوشتاری گزاره‌های پیشنهادی و پاسخ به سؤال‌های تحقیق

Source: Eisenhardt, 1989.

همچنین گفتنی است تمامی اطلاعات جمع‌آوری شده محققان این پژوهش در پایگاه داده‌ای در نرم‌افزار اکسل کدگذاری و دسته‌بندی شده است. از این‌رو، تمامی مراحل دستیابی به چارچوب اولیه و تحلیل موردها قابل بررسی است. پس از استخراج مدل به دست آمده از مطالعه موردی چندگانه، از روش‌های کمی با ماهیت و محتوای توصیفی علی استفاده شده است. در تحقیقات توصیفی محقق به دنبال چگونه بودن موضوع است و می‌خواهد بداند پدیده، متغیر، شیء یا مطلب، چگونه است. تحقیقات علی معمولاً از نوع هدف کاربردی هستند و نتایج آنها برای جلوگیری از تکرار حوادث و وقایع نامطلوب، یا توسعه وقایع و حوادث مطلوب مورد استفاده قرار می‌گیرد. تحقیقات علی از جهاتی به تحقیقات تاریخی شباهت دارد؛ زیرا محقق باید اسناد و مدارک را جمع‌آوری و واقعه را بازسازی کند تا بتواند علت یا علل را تشخیص دهد (خلیلی شورینی و جبارزاده پرنق، ۱۳۹۵). در این بخش از تحقیق، انجام پژوهش در چارچوب استدالات قیاسی - استقرایی صورت گرفته است. بدین ترتیب که مبانی نظری و پیشینه پژوهش از راه مطالعات کتابخانه‌ای، مقالات و سایت‌ها و نهایتاً مدل به دست آمده با مطالعه موردی چندگانه، در قالب قیاسی و گردآوری اطلاعات برای تأیید و رد فرضیه‌ها به صورت استقرایی انجام گرفته است.

توجه به اختلاف‌ها و تشابهات در پدیده‌های مختلف از خصایص فطری انسان است.

1. Closure

2. Marginal Improvement

اصولاً انسان علاقه‌مند است که این تشابهات و اختلاف‌ها را کشف و برحسب نوع اطلاعات آنها را طبقه‌بندی کند. این طبقه‌بندی، در شناخت واقعیات به انسان کمک می‌کند و وی را از اغتشاش فکری بازمی‌دارد (خلیلی شورینی و جبارزاده پرنق، ۱۳۹۵). بدون طبقه‌بندی امکان اینکه فکر را در مسیر معینی به کار اندازیم، میسر نیست. اطلاعات جمع‌آوری شده در این پژوهش را می‌توان برحسب سن، سابقه کار حرفه‌ای، تحصیلات و رده شغلی فعالیت طبقه‌بندی کرد و همچنین به منظور بررسی و تدوین مبانی نظری، ادبیات موضوعی و پیشینه پژوهش از روش اسنادی استفاده شده است. در این روش، مقالات و کتب موجود در زمینه پژوهش مورد مطالعه و ارزیابی قرار گرفته و با ذکر منبع مربوطه از بررسی‌های این کتب و مقالات استفاده شده است.

از آنجاکه متغیر، مستقل (سنجه‌های اقتصادی) است به منظور ارزشیابی سیاست‌ها براساس مدل‌های فوق و به منظور یکسان‌سازی مقیاس اعداد متغیر وابسته با متغیرهای مستقل که برگرفته از داده‌های پرسشنامه‌ای با طیف لیکرت ۷ گزینه است، مطابق با رویکرد هنشر^۱ (۲۰۰۴)، داده‌های به دست آمده به عنوان خروجی متغیر برای هر رکن در هریک از طبقات در سطح نمونه، به صورت اعداد از ۱ الی ۷ کدگذاری خواهند شد. همچنین از آنجاکه در تجزیه و تحلیل‌ها و مدل‌های رگرسیون رایج در حوزه مطالعات علوم انسانی تا حد بسیار زیادی خطای اندازه‌گیری متغیرهای توضیحی نادیده گرفته می‌شود و تعیین، اندازه‌گیری و شناخت اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای توضیحی موجود در یک مدل برای پژوهشگر به آسانی امکان‌پذیر نیست و به نوعی نحوه رابطه متغیرهای مستقل با یکدیگر و با متغیر وابسته به صورت واضح، مشخص نیست (ابارشی و حسینی، ۱۳۹۱: ۲۸۶) برای فاز کمی نهایتاً از رویکرد معادلات ساختاری و نرم‌افزار Lisrel نسخه ۸,۸ استفاده خواهد شد.

۴. یافته‌ها

۴-۱. تحلیل بین‌موردی

هدف از تحلیل بین‌موردی، اجبار محقق به نگاه فراتر از تأثیرگذاری‌های اولیه و دیدن وقایع از دریچه‌های متعددی است. بدین‌منظور با استفاده از روش انتخاب دسته‌ها یا ابعادی که در یک گروه (مورد) مشابه بوده^۱ و در میان سایر گروه‌ها (موردها) متفاوت^۲ بودند، سازه‌های شناسایی شده و روابط ابتدایی پیش‌بینی شده در آنها، در موارد دیگر نیز بررسی شده و حذف یا تأیید شد. در جدول زیر خلاصه و مقایسه‌ای از تعداد متغیرهای مورد سنجش در این پژوهش ارائه می‌شود.

جدول ۲. تعداد متغیرهای مورد سنجش

حوزه سیاستی	ارکان سنجش	حاکمیت قانون	رقابت‌پذیری	سهولت کسب‌وکار	لگاتوم	مجموع
اقتصادی	اجرای قراردادهای			۱۴		۱۴
اقتصادی	اکوسیستم نوآوری		۲۶			۲۶
اقتصادی	الزام‌آوری مقررات	۵				۵
اقتصادی	بازارها		۴۱			۴۱
اقتصادی	توانمندسازی محیط		۵			۵
اقتصادی	حمایت از کسب‌وکار			۷۷		۷۷
اقتصادی	دسترسی به بازارها و زیرساخت‌ها				۳۰	۳۰
اقتصادی	رفع ورشکستگی			۱۳		۱۳
اقتصادی	شرایط کسب‌وکارها				۲۱	۲۱
اقتصادی	شروع کسب‌وکار			۸۹		۸۹

1. Within Group Similarities
2. Intergroup Differences

حوزه سیاستی	ارکان سنجش	حاکمیت قانون	رقابت پذیری	سهولت کسب و کار	لگاتوم	مجموع
اقتصادی	کیفیت اقتصادی				۱۹	۱۹
اقتصادی	محیط سرمایه گذاری				۲۸	۲۸
سیاسی	آزادی های فردی				۲۷	۲۷
سیاسی	حقوق بنیادین	۸				۸
سیاسی	حکمرانی				۳۰	۳۰
سیاسی	حکومت باز	۴				۴
سیاسی	عدالت مدنی	۷				۷
سیاسی	عدم فساد	۴				۴
سیاسی	محدودیت در قدرت حکومت	۶				۶
سیاسی	نظم و امنیت	۳			۲۱	۲۴
اجتماعی	آموزش				۱۸	۱۸
اجتماعی	بهداشت				۲۹	۲۹
اجتماعی	توانمندسازی محیط		۶۱			۶۱
اجتماعی	سرمایه اجتماعی				۱۷	۱۷
اجتماعی	سرمایه انسانی		۱۶			۱۶
اجتماعی	شرایط زندگی				۳۰	۳۰
اجتماعی	عدالت کیفری	۷				۷
اجتماعی	محیط زیست				۲۴	۲۴
مجموع		۴۴	۱۴۹	۱۹۳	۲۹۴	۶۸۰

مأخذ: یافته های تحقیق.

با توجه به کدگذاری ها در خصوص متغیرهای عنوان شده، ارزشیابی حوزه اقتصادی در ۴ نمونه یادشده، از مجموع متغیرهای مورد سنجش، ۲۰ متغیر به عنوان تم های فرعی مورد سنجش به دست آمده و مورد سنجش قرار گرفته اند. این تم های فرعی در جدول زیر قابل نمایش است:

جدول ۳. تم‌های فرعی

نام اختصاری در نرم‌افزار	تم فرعی
fineco	اکوسیستم تأمین مالی
procmp	بهره‌وری و رقابت
finres	پایداری سیستم مالی
dyneco	پویایی اقتصادی
staeco	ثبات اقتصاد کلان
pright	حقوق مالکیت
invsup	حمایت از سرمایه‌گذاری
fid	سرمایه‌گذاری خارجی
hr	سرمایه انسانی
brda	اداره امور گمرکی و مرزی
mrkacc	دسترسی به بازارها (اینترنتی)
pmark	بازار محصولات و خدمات
lmark	بازار نیروی کار
infin	دسترسی به زیرساخت‌ها و بازارها
finmark	بازارهای مالی
firsts	منابع اولیه
cinf	الزام‌آوری قراردادهای
rinf	الزام‌آوری قوانین و مقررات
intcomp	انحصارزدایی و مانع‌زدایی
innov	نوآوری

مأخذ: همان.

در ادامه با توجه به کدگذاری انجام شده از ترکیب تم‌های فرعی، تم‌های اصلی شکل گرفت که در جدول ۴ ذکر شده است.

جدول ۴. تم‌های اصلی

تم اصلی اختصاری	تم اصلی	تم فرعی	تم فرعی اختصاری
ecoqual	کیفیت اقتصادی	اکوسیستم تأمین مالی	fineco
		بهره‌وری و رقابت	procmp
		پایداری سیستم مالی	finres
		پویایی اقتصادی	dyneco
		ثبات اقتصاد کلان	staeco
		سرمایه انسانی	hr
invenv	محیط سرمایه‌گذاری	حقوق مالکیت	pright
		حمایت از سرمایه‌گذاری	invsup
		سرمایه‌گذاری خارجی	fid
infra	زیرساخت‌های اقتصادی	اداره امور گمرکی و مرزی	brda
		دسترسی به بازارها (اینترنتی)	mrkacc
		دسترسی به زیرساخت‌ها و بازارها	infm
		منابع اولیه	firsts
market	بازارها	بازار محصولات و خدمات	pmark
		بازار نیروی کار	lmark
		بازارهای مالی	finmark
buscond	شرایط کسب‌وکارها	الزام‌آوری قراردادهای	cinf
		الزام‌آوری قوانین و مقررات	rinf
		انحصارزدایی و مانع‌زدایی	intcomp
		نوآوری	innov

مأخذ: همان.

با تشکیل تم‌های اصلی حاصل از کدگذاری متغیرهای اقتصادی مورد سنجش در شاخص‌های منتخب دنیا، پرسشنامه‌ای در این خصوص شکل گرفته که به بررسی اهمیت و روابط هریک از متغیرها می‌پردازد که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

در این مرحله براساس نتایج تحلیل‌های درون‌موردی و بین‌موردی، فرضیات اولیه را بررسی کرده و گزاره‌های مرتبط با هر فرضیه یا گزاره پیشنهادی ارائه می‌شود. دلیل استفاده از لفظ فرضیه، مطابقت دقیق مراحل تحقیق با فرایند ارائه شده آیزنهارد است، لیکن به این موضوع نیز توجه شده است که این فرضیات با فرضیاتی که در پژوهش‌های کمی به آنها می‌پردازیم، کمی متفاوت است، از این جهت از لفظ گزاره‌های پیشنهادی استفاده می‌شود. بررسی نقل‌قول‌های موافق و مخالف در موردهای مختلف، ورودی مرحله بعدی نظریه‌پردازی را ایجاد می‌کند. ممکن است برخی از فرضیات در این مرحله حذف شده باشد.

در این مرحله با استفاده از پرسشنامه ایجاد شده، میزان اهمیت هریک از تم‌های فرعی را با سنجه‌های منتخب هر کدام در شاخص‌های نمونه‌ها مورد سنجش قرار داده و در ادامه نتایج حاصل از پرسشنامه را به‌استحضار می‌رساند. این پرسشنامه را ۱۱۷ نفر از خبرگان حوزه اقتصادی با تقسیم‌بندی براساس سابقه کار در حوزه تخصص خود و براساس نمونه‌گیری غیرتصادفی هدفمند تقسیم و تکمیل کرده‌اند.

۲-۴. آمار توصیفی

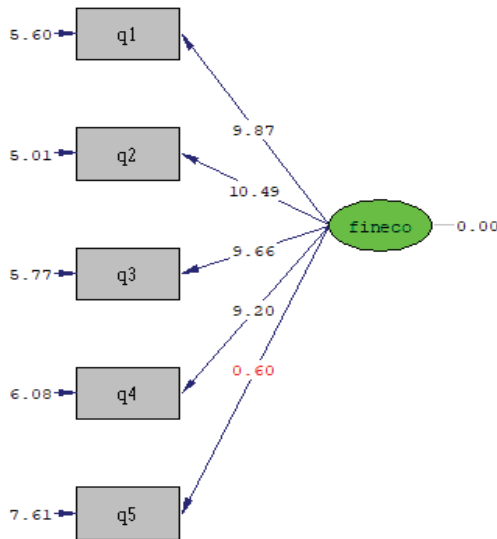
جدول ۵. آمار توصیفی

مجموع	کمتر از ۵ سال سابقه	بین ۵ تا ۱۰ سال سابقه	بین ۱۰ تا ۲۰ سال سابقه	بیش از ۲۰ سال سابقه	تحصیلات
۶۷	۱۸	۲۱	۸	۲۰	دکتری
۵۰	۲۴	۲۲	۳	۱	کارشناسی‌ارشد
۱۱۷	۴۲	۴۳	۱۱	۲۱	مجموع

مأخذ: همان.

با استفاده از نرم افزار لیزرل، ضرایب مسیر و مقدار آماره تی استیودنت در هر یک از تم‌های فرعی حساب شده است که برای مثال ارتباط یک تم فرعی و سنجه‌ها در شکل زیر قابل بررسی است.

شکل ۲. مثال تی استیودنت



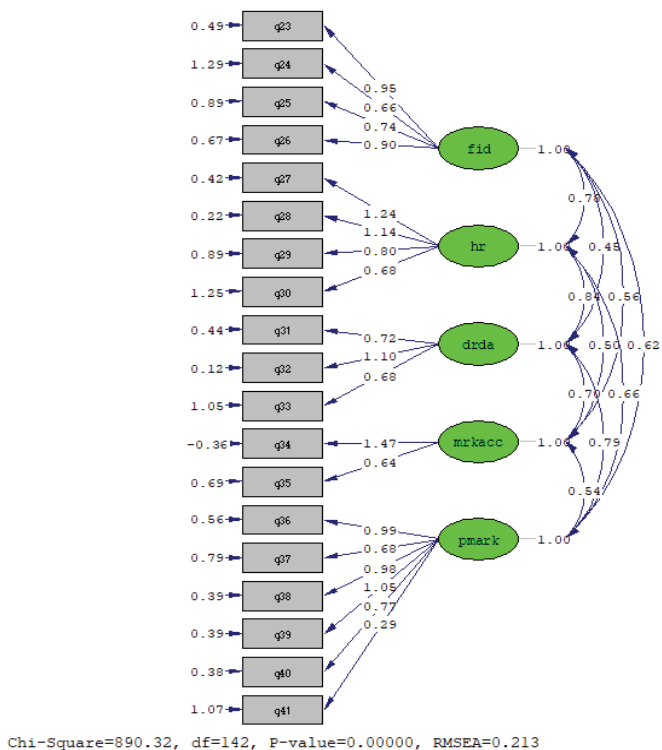
Chi-Square=63.22, df=5, P-value=0.00000, RMSEA=0.317

مأخذ: همان.

۳-۴. ارتباطات میان تم‌های فرعی با هم و سنجه‌ها

همچنین با استفاده از نرم‌افزار مقادیر ضرایب مسیر و مقدار آماره تی استیودنت بین هر یک از تم‌های فرعی با هم و نیز با سنجه‌های موردنظر حساب شده است که برای مثال ارتباط چند تم فرعی با سنجه‌ها و با هم در شکل زیر قابل بررسی است.

شکل ۳. ارتباط تم‌های فرعی

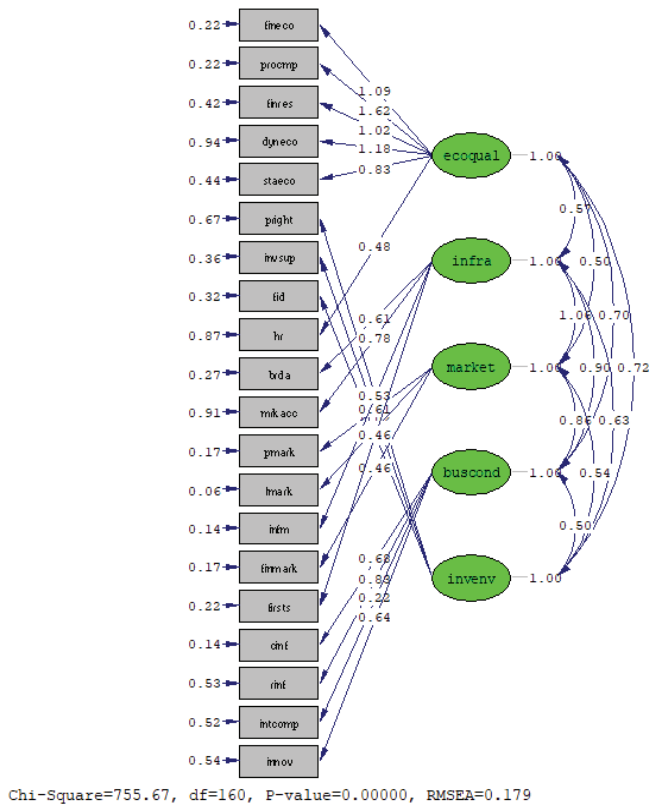


مأخذ: همان.

۴-۴. ارتباطات میان تم‌های فرعی و اصلی

همچنین با استفاده از نرم‌افزار مقادیر ضرایب مسیر و مقدار آماره تی استیودنت بین هریک از تم‌های فرعی و اصلی حساب شده است که در شکل زیر قابل بررسی است.

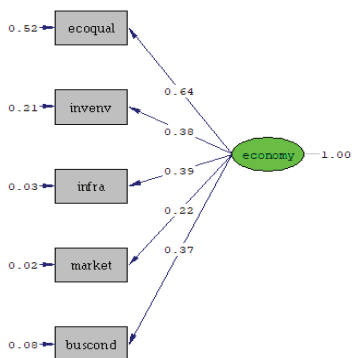
شکل ۴. ارتباط تم‌های فرعی و اصلی



مأخذ: همان.

در نهایت در هر مرحله با در نظر گرفتن ضرایب اصلی ارتباط میان آنها با ارزشیابی سیاست‌های حوزه اقتصادی وزن هریک از تم‌های اصلی نیز مشخص شد.

شکل ۵. وزن تم‌های اصلی



Chi-Square=51.88, df=5, P-value=0.00000, RMSEA=0.264

مأخذ: همان.

جدول ۶. طرح نهایی

مقدار آماره تی- استیودنت	ضرایب مسیر	مسیرها		
۰/۵۲	۰/۶۴	ارزشیابی اقتصادی		کیفیت اقتصادی
۰/۲۱	۰/۳۸	ارزشیابی اقتصادی		محیط سرمایه‌گذاری
۰/۰۳	۰/۳۹	ارزشیابی اقتصادی		زیرساخت‌های اقتصادی
۰/۰۲	۰/۲۲	ارزشیابی اقتصادی		بازارها
۰/۰۸	۰/۳۷	ارزشیابی اقتصادی		شرایط کسب و کارها

مأخذ: همان.

۴-۵. مدل نهایی

با توجه به روش تحقیق مورد استفاده، گزاره‌های پیشنهادی تحقیق را می‌توان یافته‌های این پژوهش دانست که برای تشریح بهتر از مدل‌های گرافیکی نیز بهره

برده شده است. در ادامه گزاره‌های پیشنهادی (گزاره پیشنهادی‌های) این پژوهش قابل بررسی است، این گزاره‌ها را می‌توان خروجی این پژوهش دانست:

۱. در ارزشیابی سیاست‌های اقتصادی، حوزه ارزشیابی سیاست‌های معطوف به کیفیت اقتصادی مهم‌ترین حوزه است (ضریب مسیر ۰/۶۴).

۲. ارزشیابی در حوزه کیفیت اقتصادی شامل ارزشیابی پویایی اقتصادی، اکوسیستم تأمین مالی، پایداری مالی، ثبات اقتصاد کلان، بهره‌وری و رقابت و سرمایه انسانی است.

۳. در ارزشیابی سیاست‌های اقتصادی پس از کیفیت اقتصادی مهم‌ترین حوزه ارزشیابی سیاست‌های معطوف به زیرساخت‌های اقتصادی است (ضریب مسیر ۰/۳۹).

۴. ارزشیابی در حوزه زیرساخت‌های اقتصادی شامل ارزشیابی در نحوه دسترسی به بازارها، منابع اولیه، دسترسی به زیرساخت‌ها و بازارها و اداره امور گمرکی و مرزی است.

۵. پس از کیفیت اقتصادی و زیرساخت‌های اقتصادی، ارزشیابی محیط سرمایه‌گذاری بیشترین اهمیت را در سیاست‌های اقتصادی دارد (ضریب مسیر ۰/۳۸).

۶. ارزشیابی در حوزه محیط سرمایه‌گذاری شامل ارزشیابی حمایت از سرمایه‌گذاری، حقوق مالکیت و سرمایه‌گذاری خارجی است.

۷. ارزشیابی سیاست‌های اقتصادی در حوزه شرایط کسب‌وکارها نیز باید صورت گیرد (ضریب مسیر ۰/۳۷).

۸. ارزشیابی در حوزه شرایط کسب‌وکارها شامل الزام‌آوری قوانین و مقررات، الزام‌آوری قراردادهای، نوآوری و انحصارزدایی و مانع‌زدایی است.

۹. ارزشیابی سیاست‌های اقتصادی در حوزه بازارها نیز باید صورت گیرد (ضریب مسیر ۰/۲۲).

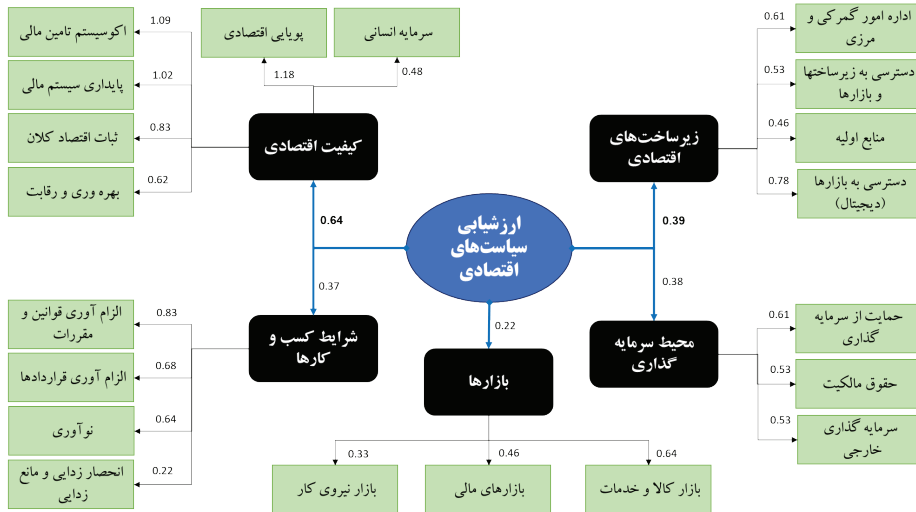
۱۰. ارزشیابی در حوزه بازارها شامل الزام‌آوری بر نتایج و عملکرد بازار کالا و خدمات، بازارهای مالی و بازار نیروی کار است.

جدول ۷. ارزشیابی اقتصادی

کل	ضریب مسیبر اصلی	اصلی	ضریب مسیبر فرعی	فرعی
ارزشیابی اقتصادی	۰/۶۴	کیفیت اقتصادی	۱/۱۸	پویایی اقتصادی
			۱/۰۹	اکوسیستم تأمین مالی
			۱/۰۲	پایداری سیستم مالی
			۰/۸۳	ثبات اقتصاد کلان
			۰/۶۲	بهره‌وری و رقابت
			۰/۴۸	سرمایه انسانی
	۰/۳۹	زیرساخت‌های اقتصادی	۰/۷۸	دسترسی به بازارها (اینترنتی)
			۰/۶۱	اداره امور گمرکی و مرزی
			۰/۵۳	دسترسی به زیرساخت‌ها و بازارها
			۰/۴۶	منابع اولیه
	۰/۳۸	محیط سرمایه‌گذاری	۰/۶۱	حمایت از سرمایه‌گذاری
			۰/۵۳	حقوق مالکیت
			۰/۵۳	سرمایه‌گذاری خارجی
	۰/۳۷	شرایط کسب و کارها	۰/۸۳	الزام‌آوری قوانین و مقررات
			۰/۶۸	الزام‌آوری قراردادها
			۰/۶۴	نوآوری
			۰/۲۲	انحصارزدایی و مانع‌زدایی
	۰/۲۲	بازارها	۰/۶۱	بازار کالا و خدمات
۰/۴۶			بازارهای مالی	
۰/۳۳			بازار نیروی کار	

در نهایت مدل زیر را می‌توان به‌عنوان مدل اصلی پژوهش در نظر گرفت.

شکل ۶. مدل اصلی



مأخذ: همان.

۴-۶. ملاحظات و پیشنهادهای اجرایی

براساس نتایج به‌دست آمده از این تحقیق، می‌توان پیشنهادهای مهمی را به نهادهای قانونی، سیاستگذار و اجرایی ارائه کرد که امید است مورد توجه قرار گیرد:

- به رسمیت شناختن ارزشیابی‌های بین‌المللی و برآوردهای اقتصادی صورت گرفته؛ با توجه به نتایج فاز کمی معلوم شد هیچ‌کدام از گویه‌های مورد سنجش در برآوردهای بین‌المللی برای ایران، معناداری خود را از دست نداد و تنها اولویت‌بندی آنها تغییر یافت. از این‌رو می‌توان نتیجه گرفت که با توجه به ارزشیابی صورت گرفته در این تحقیق، تنها اولویت‌بندی جدید را برای تدوین برنامه‌های اقتصادی و سیاست‌های مرتبط در نظر گرفت.

۲. ایجاد عزم ملی برای ارزشیابی عملکرد: از آنجاکه در نتایج تحقیق قابل

مشاهده‌است، بخش‌های مختلف در حوزه اقتصاد مورد سنجش است و با توجه به اولویت‌بندی صورت گرفته، تمامی ارکان سیاستی، اجرایی و حتی قضایی در کشور برای ارزشیابی‌های مختلف باید مشارکت فعال داشته باشند.

۳. ایجاد یک سیستم مدیریت دانش: از آنجاکه سیاستگذاری در سیستم‌های اجتماعی بسیار دشوار و پویاست، لزوم شناسایی مواردی که قبلاً شناسایی نشده‌اند، تأکید شده است؛ محقق در اندیشه ایجاد سیستمی یادگیرنده بوده و تأکید می‌کند که ارزشیابی سیاست‌های اقتصادی باید به‌عنوان فرایندی تکاملی در نظر گرفته شود. همان‌طور که اشاره شد، درس‌هایی که از ارزیابی اولیه ریسک آموخته می‌شود ممکن است به‌عنوان اطلاعات برای مراحل بعدی یا مبنایی برای ارزیابی‌های آینده کمک کند و همچنین ممکن است عامل تعیین‌کننده توالی ارزیابی و به‌روز نگه‌داشتن آن باشد.

۴. تدوین سایر استراتژی‌های ملی و گنجاندن آنها در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه: با توجه به ارزشیابی اقتصادی صورت گرفته در این پژوهش نیازمند است تا سایر حوزه‌های اجتماعی و سیاستی نیز مورد پژوهش دقیق قرار گرفته و برنامه ارزشیابی تمامی حوزه‌ها مدون و در برنامه‌های توسعه پنج‌ساله به‌عنوان سند بالادستی مورد توجه قرار گیرد.

۵. جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و پیشنهاد

در این پژوهش بررسی حکمرانی اقتصادی با توجه به چهار شاخص انجام شده است که نتایج تحلیل نشان می‌دهد حکمرانی اقتصادی تأثیر چشمگیری بر عملکرد اقتصادی کشور دارد و با توجه به مدل اصلی ارزشیابی سیاست‌های اقتصادی که از نظر خبرگان و کمک نرم‌افزار نگاشته شد، کیفیت اقتصادی بیشترین ضریب را به‌دست

آورد که خود شامل عوامل فرعی دیگری می‌شود. با توجه به نتایج، پیشنهادهای سیاستی برای پیشبرد اهداف توصیه شده است. برقراری حکمرانی اقتصادی قوی و مؤثر می‌تواند عملکرد اقتصادی کشور را تسریع کند و این پژوهش می‌تواند به سیاستگذاران و تصمیم‌گیران کمک کند تا با شناخت و رتبه‌بندی عوامل نام برده تصمیمات مفیدتری گرفته شود تا حکمرانی اقتصادی به نتیجه مطلوب رسد.

پیشنهادها برای پژوهش‌های آتی

براساس محدودیت‌ها و یافته‌های این تحقیق، پیشنهادهای زیر برای پژوهش‌های آتی، ارائه می‌شود:

- تکمیل گزاره‌های پیشنهادی در این تحقیق: برخی گزاره‌های یادشده در این پژوهش نیازمند تکمیل هستند که عمدتاً به مشارکت‌کنندگان و نحوه هماهنگی دقیق آنها در ایران مربوط است که این امر نیازمند مطالعه دقیق کیفی مانند مصاحبه عمیق با ذی‌نفعان و مطالعات کمی است. از این‌رو، ادامه دادن این پژوهش در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی ضروری است.
- مصاحبه با ذی‌نفعان: مصاحبه عمیق با ذی‌نفعان یادشده در این پژوهش از جمله موارد بسیار مهمی است که در این پژوهش انجام نشده است و در صورت انجام غنای این تحقیق، موضوع بسیار زیاد خواهد شد و نقاط ضعف و ریسک‌های احتمالی پژوهش را کم می‌کند.
- انجام تحقیق در کشور دیگر، به‌خصوص کشورهایی که مشابهت‌هایی با ایران دارند: به دلیل محدودیت پژوهشگر در مطالعه اسناد، چهار نمونه انتخاب شدند. پیشنهاد می‌شود همین پژوهش روی چهار نمونه دیگر نیز انجام شود.
- پژوهش عمیق و جزئی‌تر روی ارزیابی‌های با جزئیات بیشتر سایر نهادهای بین‌المللی: با توجه به اهمیت ارزیابی‌های متقابل و تأثیر آن در ادراک کشورها

- از وضعیت اقتصادی در هر کشور، پژوهش در زمینه ارزیابی‌های متقابل بسیار ضروری بوده و درس‌های خوبی برای سایر حوزه‌های ارزشیابی دارد.
- انجام مطالعات طولی روی کشورها: مطالعه وضعیت کشورها از منظر شاخص‌های گوناگون به‌دست آمده در این تحقیق و سایر پژوهش‌ها در گذر زمان و به‌صورت تاریخی، می‌تواند ابعاد جدید و جالبی از پویایی‌های ارزشیابی اقتصادی به‌دست دهد.
 - مطالعات بیشتر در خصوص ویژگی‌های محیطی: به‌نظر می‌رسد نقش و تأثیر ویژگی‌های محیطی و به‌طور خاص محیط اقتصادی - سیاسی - اجتماعی ایران که ابهام و نوسان‌های محیطی شدیدی دارند، بتواند بینش بهتر و اقتضایی‌تری در تأثیر مؤلفه‌های ساختاری بر اجرای ارزیابی اقتصادی دهد.

منابع و مآخذ

۱. ابارشی، احمد و سید یعقوب حسینی (۱۳۹۱). مدل‌سازی معادلات ساختاری، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.
۲. احمدی، موسی و فرشاد هیبتی (۱۳۸۷). «بررسی تکنیک‌های تأمین مالی پروژه محور در تأمین مالی اسلامی»، پژوهشنامه اقتصادی، ۹ (۳۴).
۳. الوانی، سیدمهدی (۱۳۹۱). مدیریت عمومی، تهران، نشر نی.
۴. الوانی، سیدمهدی و فتاح شریف‌زاده (۱۳۹۴). فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی، دانشگاه علامه طباطبایی.
۵. بازرگان، عباس (۱۳۸۷). مقدمه‌ای بر روش تحقیق کیفی و آمیخته، تهران، انتشارات دیدار.
۶. بهروزی، محمد، مسعود پورکیانی، مژگان درخشان و مهدی محمدباقری (۱۳۹۸). «بررسی رابطه شاخص‌های کیفیت و حاکمیت قانون و کنترل فساد بر شاخص رفاه لگاتوم»، مطالعات راهبردی بسیج، ۲۲ (۸۵)، <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=563140>
۷. بیرو، آلن (۱۳۹۶). درآمدی بر دارالمعارف علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران، نشر کیهان.
۸. پورعزت، علی اصغر (۱۳۹۶). ارزشیابی عملکرد دولت و حکومت، تهران، انتشارات سمت.
۹. حیدری، حسن و رقیه علی‌نژاد (۱۳۹۳). «بررسی تأثیر متغیر نهادی حاکمیت قانون بر رشد اقتصادی در هشت کشور بزرگ اسلامی»، دانشنامه حقوق اقتصادی، ۲۱ (۵).
۱۰. خدمتی، ابوطالبی و همکاران (۱۳۸۱). مدیریت علوی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۱. خلیلی شورینی، سهراب و اصغر جبارزاده پرنق (۱۳۶۵). «بررسی میزان همسویی راهبرد منابع انسانی با راهبرد کسب‌وکار»، پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی، سال هشتم، ش ۱.
۱۲. دانایی‌فرد، حسن، سیدمهدی الوانی و عادل آذر (۱۳۹۱). روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع، تهران، نشر اشراقی، صفار.
۱۳. رهنورد، فرج‌اله (۱۳۹۰). «الگوی مدیریت دولتی برای تحقق حاکمیت تراز چشم‌انداز ۱۴۰۴»، چشم‌انداز مدیریت دولتی، ۲ (۶)، <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=186432>

۱۴. ژید، شارل و شارل ریست (۱۳۷۰). تاریخ عقاید اقتصادی: از فیزیوکرات‌ها تا استوارت میل، ترجمه کریم سنجابی، تهران، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱۵. سامتی، مرتضی و احسان زنگنه (۱۳۹۷). «اثر روابط متقابل اجتماعی بر سطح تمکین مؤدبان مالیاتی»، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، دوره ۲۶، ش ۸۶.

۱۶. سامتی، مرتضی، همایون رنجبر و فضیلت محسنی (۱۳۹۰). «تحلیل تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی (مطالعه موردی: کشورهای جنوب شرقی آسیا (ASEAN))»، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۱(۴)، <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=166252>

۱۷. شعبان‌زاده، سامان (۱۳۹۳). «شاخص‌سازی متغیرهای اقتصادی با مبانی اقتصاد مقاومتی در ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام‌نور واحد بابل.

۱۸. فولادیان، مجید، زینب فاطمی امین و محمد غفاری‌زاده (۱۳۸۷). «مبنای تئوریک دولت رفاه از دیدگاه پوپر (بررسی بنیان‌های فلسفی و نحوه شکل‌گیری و عملکرد دولت رفاه از دیدگاه کارل پوپر)»، علوم اجتماعی (دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد)، ۵ (۱)، <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=128047>

۱۹. قاسمی، محمد (۱۳۹۴). «شناسایی و اولویت‌بندی موانع اجرای خط‌مشی عمومی (مورد مطالعه: قانون مدیریت خدمات کشوری)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت دولتی گرایش مدیریت نیروی انسانی، تهران، دانشگاه شاهد، دانشکده علوم انسانی.

۲۰. کارنیک، اجیت (۱۳۷۹). «نظریه‌های دخالت دولت»، ترجمه محمدرضا رستمیان، روش‌شناسی علوم انسانی، ش ۲۳.

۲۱. کتابی، احمد (۱۳۷۴). «جمعیت، مروری بر نظریه مالتوس»، مجله گزارش، ش ۵۳.

۲۲. محمدی، محسن، رضا واعظی و فتاح شریف‌زاده (۱۳۹۴). «شناسایی و اولویت‌بندی الگوهای ارزیابی خط‌مشی عمومی»، فصلنامه انجمن علوم مدیریت ایران، ۱۰ (۴۰).

۲۳. مروی سماورچی، علی، صادق بختیاری، همایون رنجبر و سعید دایی‌کریم‌زاده (۱۳۹۵). «مقایسه جایگاه ایران با کشورهای منطقه غرب آسیا از جهت مشارکت در حکمرانی اقتصادی بین‌المللی»، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال نوزدهم، ش ۷۲.

۲۴. میراحسنی، منیرالسادات (۱۳۹۵). «چشم‌انداز اقتصاد ایران در سال‌های پس از تحریم براساس گزارش صندوق بین‌المللی پول»، *مجله اقتصادی-ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی*، ۱۶ (۱).
۲۵. نصیری، محمد (۱۴۰۰). «روزگار مرکانتیلیسم به سر آمده است»، *مجله آنلاین حوزه اندیشه (بورژوا)*، سال هشتم، ش ۱، <https://bourgeois.ir/?p=2019>
۲۶. نیک‌کار، سعید (۱۳۹۷). «دولت، حاکمیت و مدیریت اقتصاد شهری»، سومین همایش بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی، <https://civilica.com/doc/787483>
۲۷. هاشمی، محمدصادق (۱۳۹۸). «طراحی مدل حاکمیت شرکتی بانک‌های ایرانی پذیرفته شده در بورس با رویکرد رفتاری»، پایان‌نامه دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران.
۲۸. وقفی، سیدحسام (۱۳۹۸). «کاربرد الگوریتم هوش مصنوعی در پیش‌بینی ورشستگی با استفاده از متغیرهای کلان اقتصادی و حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران»، نشریه *تصمیم‌گیری و تحقیق در عملیات*، دوره ۴، ویژه‌نامه ۱.
29. Alkin, M.C., C.A. Christie and A.T. Vo (2012). *Evaluation Theory. Evaluation Roots: A Wider Perspective of Theorists, Views and Influences*, Thousand Oak, CA: SAGE.
30. An, Z., D. Li and J. Yu (2018). "Earnings Management, Capital Structure, and the Role of Institutional Environments", *Journal of Banking and Finance*, 68.
31. Anderson, C.W. (1979). "The Place of Principles in Policy Analysis", *American Political Science Review*, 73(3).
32. Anderson, J.E. (1984). *Public Policy and Politics in America*, Harcourt Brace.
33. Attride-Stirling, J. (2001). "Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research", *Qualitative Research*, 1(3).
34. Barro, R. (1999). *Determinants of Economic Growth: A Cross-Country Empirical Study*, Cambridge, MA: MIT Press.
35. Boulding, K. (1956). "General Systemes Theory—the Skelton of Science", *Management Science*, 2.
36. Braun, V. and V. Clarke (2006). "Using Thematic Analysis in Psychology", *Qualitative Research in Psychology*, 3.
37. Brewer, G.D. and P. DeLeon (1983). *The Foundations of Policy Analysis*, Dorsey Pr.
38. Certo, S. (2000). *Modern Management: Diversity, Quality, Ethics and the Global Environment*, New Jersey, Prentice Hall.
39. Charmaz, K. (2014). *Constructing Grounded Theory*, Sage.

40. Cole, G. (2004). *Management Theory and Practic*, London, Prentice Hall.
41. Csehi, R. and D.F. Schulz (2022). "The EU's New Economic Governance Framework and Budgetary Decision-Making in the Member States: Boon or Bane for Throughput Legitimacy?", *Journal of Common Market Studies*, Vol. 60, No. 1.
42. De Toni, A. and S. Tonchia (2001). "Performance Measurement Systems-Models, Characteristics and Measures", *International Journal of Operations & Production Management*.
43. Descotiis, T. and A. Petit (1978). "The Performance Appraisal Process: A Model and Some Testable Propositions", *Acad Manage Rev*, 3 (3).
44. Dixit, A. (2008). "Economic Governance", Princeton, NJ: Princeton University Press.
45. Dixit, A. (2004). "Lawlessness and Economics: Alternative Modes of Governance", Princeton, NJ: Princeton University Press.
46. Dror, Y. (1967). "Policy analysts: A New Professional Role in Government Service", *Public Administration Review*.
47. Dubrin, A. (2012). *Essential of Management*, Mason, Cengage Learning.
48. Dye, T.R (1992). *Understanding Public Policy*, Prentice Hall Englewood Cliffs, New Jersey.
49. Eisenhardt, K.M. (1989). "Building Theories from Case Study Research", *The Academy of Management Review*, 14(4).
50. Eisenhardt, K.M. and M.E. Graebner (2007). "Theory Building from Cases: Opportunities and Challenges", *Academy of Management Journal*, 50(1).
51. Gault, G., etal. (2011). "Outbreak of Haemolytic Uraemic Syndrome and Bloody Diarrhoea Due to Escherichia Coli O104: H4, South-West France", *Eurosurveillance*, Vol. 16, Iss. 26.
52. Hensher, D.A. (2004). "Bus Transport: Economics, Policy and Planning", *Elsevier*, Vol. 18, No. 1.
53. Index (2021a). *Legatum Prosperity*, Legatum Prosperity Index 2020.
54. Index (2021b). *World Bank*, Ease of doing Business Index 2020.
55. Index (2021c). *World Justice Project*, WJP Rule of Law Index 2020.
56. Jin, X. and J. Yu (2018). "Government Governance, Executive Networks and Corporate Investment Efficiency", *China Finance Review International*, Vol. 8.
57. Jin, X., G. Lei and J. Yu (2016). "Government Governance, Executive Networks and Enterprise R&D Expenditure", *China Journal of Accounting Research*, Vol. 9, Iss. 1.
58. Johnson, S., J. McMillan and C. Woodruff (2002). "Courts and Relational

- Contracts”, *Journal of Law, Economics and Organization*, 18.
59. Langley, A. and C. Abdallah (2011). “Templates and Turns in Qualitative Studies of Strategy and Management”, *Building Methodological Bridges*, 6, [https://doi.org/10.1108/S1479-8387\(2011\)0000006007](https://doi.org/10.1108/S1479-8387(2011)0000006007)
60. Lasswell, H. D. (1971). *A Pre-view of Policy Sciences*, Elsevier Publishing Company.
61. Lincoln, Y.S., E.G. Guba and J.J. Pilotta (1985). “Naturalistic Inquiry: Beverly Hills”, CA: Sage Publications, (Cloth). *International Journal of Intercultural Relations*, 9(4). [https://doi.org/https://doi.org/10.1016/0147-1767\(85\)90062-8](https://doi.org/https://doi.org/10.1016/0147-1767(85)90062-8)
62. Pugh, D. and D. Hickson (2007). *Writers of Organization*, Sage Publication Inc.
63. Rahman, M.M. and K. Alam (2022). “Life Expectancy in the Anzus-Benelux Countries: The Role of Renewable Energy, Environmental Pollution, Economic Growth and Good Governance”, *Renewable Energy*, Vol. 190.
64. Schultz, F.C., V. Valentinov, J. Kirzherr, R.J. Reinhardt and I. Pies (2024). “Stakeholder Governance to Facilitate Collaboration for a Systemic Circular Economy Transition: A Qualitative Study in the European Chemicals and Plastics Industry”, *Business Strategy and the Environment*, 33(3).
65. Scott, W.R. and G.F. Davis (2015). *Organizations and Organizing: Rational, Natural and Open Systems Perspectives*, Routledge.
66. Smith, K.B. and C.W. Larimer (2016). *The Public Policy Theory Primer*, Westview Press.
67. Stufflebeam, D.L. and C.L.S. Coryn (2014). *Evaluation Theory, Models, and Applications* (Vol. 50), John Wiley and Sons.
68. Williamson, O. (1995). *The Mechanisms of Governance*, New York, Oxford University Press.
69. _____ (2005). “The Economics of Governance”, *American Economic Review*, 95.
70. Worthen, B.R., J.R. Sanders and J.L. Fitzpatrick (1997). “Program Evaluation”, *Alternative Approaches and Practical Guidelines*.
71. Yin, R.K. (2017). *Case Study Research and Applications: Design and Methods*, SAGE Publications.
72. Zeithmal, V., R. Varadarajan and Zeithmal Carl (1988). “The Contingency Approach: its Foundation and Relevance to Theory Building and Research in Marketing”, *European Journal of Marketing*, 22 (7).

سازمان تأمین اجتماعی و چالش‌های فعالان کسب‌وکار

محمد رضا مالکی* و یاسر باقری**

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۷	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۳	شماره صفحه: ۱۲۲-۸۷
-------------------	--------------------------	-------------------------	--------------------

تأمین اجتماعی یکی از دستاوردها و هم‌زمان پیش‌نیازان توسعه است و در عین حال بخش مهمی از بار توسعه اقتصادی بر دوش فعالان کسب‌وکار است. از این رو مشکلات موجود هر دو بخش (تأمین اجتماعی و فعالان کسب‌وکار) را در درازمدت با اختلال مواجه می‌کند و همین موضوع تعامل میان آن دو را در جامعه ضرورت می‌بخشد. هدف از این پژوهش، شناخت چالش‌های موجود در این تعامل با تکیه بر دیدگاه‌های بخش کارفرمایی است. روش‌شناسی پژوهش متکی بر تحلیل محتوای کیفی مصاحبه‌ها با خبرگان حوزه تأمین اجتماعی و فعالان فضای کسب‌وکار است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد چالش‌های مهم تعامل با سازمان تأمین اجتماعی بدین قرار است: ضعف در فرایندهای مربوط به ثبت کارگاه، مشکلات مربوط به ارائه لیست بیمه، ضعف در وحدت رویه و شفافیت در محاسبه نرخ حق بیمه قراردادهای پیمانکاری، ضعف در فرایندها و ساختارهای مربوط به بازرسی از دفاتر، کم‌توجهی شعب سازمان به آرای هیئت‌های بدوی و تجدیدنظر و آرای دیوان عدالت اداری، ضعف در ساختارهای حقوقی، مالی و اداری و فرایند صدور مفاصاحساب. از این رو در بخش راهکارها کوشش شده تا هم عوامل درون‌زا و هم برون‌زا در نظر گرفته شود.

کلیدواژه‌ها: قراردادهای پیمان؛ کارفرمایان؛ سازمان تأمین اجتماعی؛ سه‌جانبه‌گرایی؛ کسب‌وکار

Email: mmaleki51@gmail.com

* پژوهشگر مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (نویسنده مسئول)؛

Email: baghery.yaser@ut.ac.ir

** استادیار دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران؛

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال سی و یکم، شماره یکصد و هجدهم، تابستان ۱۴۰۳

doi: 10.22034/MR-2022.5394-5151

مقدمه

یکی از مجادلات مهم تاریخی مدرن، کشمکش میان «نیروی کار» و «سرمایه» بوده است و جریان‌های ایدئولوژیک اقتصاد سیاسی براساس قرابت با یکی از آنها، در ردیف چپ‌گرایان یا راست‌گرایان قرار داده شده‌اند. باین‌حال مجادلات مذکور در قرن بیستم در دولت رفاه، به نوعی آشتی و وفاق انجامیده است (مؤسسه ملی تحقیقات اجتماعی کشور دانمارک، ۱۳۷۹). برآمدن بیمه اجتماعی، در اواخر قرن نوزدهم در آلمان و سپس گسترش آن در قرن بیستم به سایر کشورهای اروپایی به تثبیت همبستگی اجتماعی و سازوکار نهادی این وفاق بدل شد (دونزولو، ۱۳۹۵). اما این نهاد همبسته‌ساز در همان قرن به پدیده‌ای فراگیر در جهان بدل شد و در زمره حقوق بشر قرار گرفت (ملکی، ۱۳۸۴) به طوری که حق تأمین اجتماعی در دو سند مهم حقوق بشر یعنی اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق‌نامه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گنجانده شد (حسینی‌الموسوی، ۱۳۹۰).

باین‌حال این امر به معنای پایان مجادله مذکور نبود و سیطره رویکردهای محافظه‌کارانه در دهه ۱۹۷۰ و نگرانی از پیر شدن جمعیت سبب شد تا در اواخر قرن بیستم مجادله در برابر هزینه‌های رفاهی دولت بالا گیرد و موضوع مستمری‌های اجتماعی و نظام بازنشستگی از موارد مهم در این خصوص مطرح شود. دوره نخست‌وزیری تاچر در بریتانیا این عقب‌نشینی به شکل ملموسی نمایان شد و در سایر کشورها نیز در دهه پایانی قرن بیستم و دهه آغازین قرن بیست‌ویکم تعدیل هزینه‌های نظام بازنشستگی آغاز شد (الکاک، می و راولینگسون، ۱۳۹۸).

در ایران، بیمه اجتماعی پیش از مرحله صنعتی شدن کشور یا گسترش روزافزون کارگران صنعتی، بیشتر تحت تأثیر تعاملات جهانی تشکیل شده است. از تاریخ بیمه اجتماعی کارکنان بخش دولتی که بگذریم، با تصویب قانون کار در دهه ۱۳۲۰ و

هم‌زمان با آغاز برنامه‌های عمرانی کشور، حق کار برای کارگران تا حدی در قالب قانون کار به رسمیت شناخته شد و با تأسیس سازمان بیمه اجتماعی کارگران در دهه ۱۳۳۰، زمینه برخورداری آنان از مزایای رفاهی دوران بازنشستگی فراهم شد (اکبری، ۱۳۹۵). بررسی قانون تأمین اجتماعی (۱۳۵۴) به خوبی نشان می‌دهد که تشکیل سازمان تأمین اجتماعی مبتنی بر بیمه اجتماعی کارگران بوده و تأثیر چشمگیری در قوانین پیشین از جمله قانون بیمه اجتماعی کارگران مصوب ۱۳۳۹ نداشته است.

باین حال با عبور از سال‌های آغازین و کاهش نسبت منابع به مصرف، در پی کاهش نسبت پشتیبانی تأمین اجتماعی (به دلیل بلوغ صندوق و روند طبیعی افزایش تعداد بازنشستگان)، فشارهای مالی بر تأمین اجتماعی، نمایان شد و متعاقب این موضوع افزایش چالش‌های سازمان مذکور در هر دو بخش منابع و مصارف بود. در بخش مصارف با افزایش کسری نقدینگی، پرداخت منظم مستمری بازنشستگی با دشواری روبه‌رو شد و در بخش منابع، از یک سو گرایش به منابع جدید (همچون بیمه‌های خاص و اختیاری) و از سوی دیگر منابع خاص و متمایز مربوط به قراردادهای پیمانکاری سهم مهمی از منابع سازمان تأمین اجتماعی را شکل داد و همین به مجادله جدید منجر شد؛ در این زمینه بسیاری از کارشناسان (در مصاحبه با پژوهشگران حاضر) سهم حق بیمه قراردادهای پیمانکاری از کل منابع سازمان را حدود ۲۵ تا ۳۰ درصد تخمین می‌زنند. به‌طور کلی ماده (۲۸) قانون تأمین اجتماعی منابع درآمد سازمان را شامل حق بیمه، درآمدهای حاصل از وجوه و ذخایر و اموال سازمان، وجوه حاصل از خسارات و جریمه‌های نقدی مقرر در این قانون و کمک‌ها و هدایا بیان می‌دارند.

عمده‌ترین منبع درآمد سازمان مذکور همچنان اخذ حق بیمه از بیمه‌شدگان سازمان است به‌نحوی که در سال ۱۳۹۹ بیش از ۹۳ درصد از مجموع درآمدهای سازمان تأمین اجتماعی از وصول حق بیمه‌ها تأمین شده است (سالنامه آماری سازمان تأمین اجتماعی،

۱۴۰۰). با توجه به تنوع بیمه‌شدگان سازمان و ماهیت شغل آنان سازوکارهای مختلف و متنوعی در اخذ حق بیمه به موجب قوانین و مقررات و بخشنامه‌های اجرایی ذی‌ربط وجود دارد. اما آنچه در یک دهه اخیر به مسئله‌ای پرچالش میان کارفرمایان و سازمان تأمین اجتماعی از یک سو و نظام سیاست‌گذاری از سوی دیگر بدل شده است، نکاتی است که در ماده (۳۸) قانون تأمین اجتماعی بیان شده است: «در مواردی که انجام کار به‌طور مقطعه به اشخاص حقیقی یا حقوقی واگذار می‌شود کارفرما باید در قراردادی که منعقد می‌کند مقطعه کار را متعهد نماید که کارکنان خود همچنین کارکنان مقطعه کاران فرعی را نزد سازمان بیمه نماید و کل حق بیمه را به ترتیب مقرر در ماده (۲۸) این قانون بپردازد. پرداخت پنج درصد بهای کل کار مقطعه کار از طرف کارفرما موکول به ارائه مفصاحساب از طرف سازمان خواهد بود».

قرارداد پیمانکاری در مفهوم وسیع هر قرارداد اجاره شخص برای انجام موضوع معین را شامل می‌شود، از این رو این مفهوم وسیع می‌تواند زمینه تعارض منافع جدی بین بیمه‌گر و بیمه‌پرداز را فراهم کند. ماده (۴۱) نیز بیان می‌دارد: «در مواردی که نوع کار ایجاب کند سازمان می‌تواند به پیشنهاد هیئت‌مدیره و تصویب شورای عالی سازمان نسبت مزد را به کل کار انجام یافته تعیین و حق بیمه متعلق را به همان نسبت مطالبه و وصول نماید». اجرای مواد (۳۸) و (۴۱) و بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های صادره و همچنین نحوه تفسیر و اجرای آنها از سوی شعب سازمان تأمین اجتماعی، همواره محل تعارض و اختلاف نظر بین سازمان، کارفرمایان و نمایندگان کارفرمایی بوده است. بررسی‌ها حکایت از آن دارد که حق بیمه سه میلیون و ۲۹۴ هزار و ۵۹۰ نفر از بیمه‌شدگان سازمان در سال ۱۳۹۹ در قالب قراردادهای پیمان و براساس مواد فوق وصول شده است که حدوداً ۳۱ درصد بیمه‌شدگان اجباری سازمان (سالنامه آماری سازمان تأمین اجتماعی، ۱۴۰۰) و بخش چشمگیری از منابع درآمدی آن را شامل می‌شود.

سازمان تأمین اجتماعی از سال ۲۰۱۸ برای تأمین مالی مصارف مجبور شده است از ذخایر خود برداشت یا از نظام بانکی استقراض کند. پیش‌بینی می‌شود ذخایر سازمان تا سال ۲۰۲۷ به اتمام برسد به طوری که برای ایفای تعهدات خود به کمک دولت نیاز خواهد داشت. پرداخت نشدن مطالبات سازمان و عدم ایفای تعهدات دولت، وابستگی این صندوق را به کمک دولت تسریع کرده است. مشکلات سازمان تأمین اجتماعی در ایجاد تراز منابع و مصارف سبب شده است که اقدام‌های سازمان در برخی موارد در قبال قراردادهای پیمان سخت‌گیرانه و موجب اعتراض کارفرمایان، پیمانکاران و مقاطعه‌کاران شود و برای کسب‌وکار در کشور به‌عنوان مانعی تلقی گردد. تشدید مشکلات مربوط به پایداری مالی سازمان تأمین اجتماعی در سال‌های اخیر از یک‌سو و فشار وارده بر کسب‌وکارهای اقتصادی در فضای تحریم از سوی دیگر، به پیچیدگی و دشواری بهینه‌یابی رابطه میان سازمان تأمین اجتماعی و کارفرمایان دامن زده است. هدف تحقیق حاضر تدقیق اهم چالش‌های تعاملی میان کارفرمایان و سازمان تأمین اجتماعی و زمینه‌سازی برای گفتگو میان ذی‌نفعان در خصوص مسائل ذکر شده است.

بنابراین پژوهش حاضر با وجود اذعان به چالش‌های پایداری مالی سازمان تأمین اجتماعی، اتکای پژوهش را بر بخش کارفرمایی گذارده و می‌کوشد تا در اینجا، مسائل کارفرمایان را مورد بررسی دقیق‌تر قرار دهد تا با شناسایی چالش‌های مذکور، امکان اصلاحات به‌صورت جامع‌تر فراهم شود.

۱. ادبیات تحقیق

تأمین اجتماعی نتیجه تحولات جامعه مدرن است و همواره برای حرکت، اصلاح و کارآمدی، محتاج دانش فنی و اجتماعی حوزه علمی خویش است و مدام در حال تعامل با محیط درونی و بیرونی است. این تعامل مستمر و دائمی و تأثیر محیط

بیرونی بر آن، تأمین اجتماعی را به‌سوی تهیه و اجرای یک برنامه بلندمدت و بهینه رهنمون می‌کند و باید در جهت تجهیز منابع سازمان و وحدت‌بخشیدن به تلاش‌های آن برای نیل به اهداف و رسالت‌های بلندمدت با توجه به امکانات و محدودیت‌های درونی و بیرونی باشد (گیلان، ساروخانی و سیدمیرزایی، ۱۳۹۸). سازمان تأمین اجتماعی با گسترده‌گی عملیاتی، تنوع کارکردها، فعالیت‌ها و حجم فعالیت بسیار در قلمرو اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی کشور ایفاگر نقش بس مهمی است. این سازمان بزرگ طی هر روز و هر ساعت از فعالیت شبانه‌روزی خود دائم در تعامل و ارتباط گسترده با بیمه‌شدگان، بازنشستگان، بیماران، مراکز درمانی طرف قرارداد و واحدهای اقتصادی و ... است (میرزایی، ۱۳۸۴).

سازمان تأمین اجتماعی به لحاظ ماهیت تعهدات و خدمات، سازمان چندجانبه فرابخشی است که با پرداخت حق بیمه کارفرمایان، کارگران و دولت تأمین مالی می‌شود. کارفرمایان با پرداخت بخش چشمگیری از حق بیمه‌ها، نقش اساسی در اداره صندوق تأمین اجتماعی و ایجاد امنیت اقتصادی، شغلی و روانی برای نیروهای مولد دارند. بر این اساس کسب رضایت‌مندی و رفع مشکلات و مسائل این دسته از افراد برای سازمانی که بیشترین منبع دارایی‌اش را متعلق به آنان می‌داند، امری ضروری است (مالکی و همکاران، ۱۳۹۹). سازمان تأمین اجتماعی به‌عنوان یک نهاد بیمه اجتماعی بر اصل «سه‌جانبه‌گرایی»^۱ مبتنی است (International Labour Office, 2018). نقض این اصل علاوه بر بی‌اثر کردن سازوکار گفتگوی اجتماعی میان کارگر- کارفرما که می‌تواند تنش بین آنها را تخفیف دهد، زمینه به حاشیه رفتن سیاستگذاری‌های حافظ منافع کارگران و کارفرمایان را نیز افزایش می‌دهد (میره‌بیگی، ۱۳۹۸). اگرچه سازمان به‌دلیل قوانین حمایت‌کننده موجود از ابزار

متعددی در برابر دو کنشگر اصلی کارگر و کارفرما برخوردار است، با این حال در بیشتر مواقع مواجهه سازمان به نفع کارگران است تا کارفرمایان. بازرسان سازمان به طور مستمر کارفرمایان را رصد می‌کنند و معمولاً بلافاصله بعد از شناسایی عدول از قوانین با آنها برخورد می‌کنند و از ابزارهای کنترل متعددی همچون جریمه‌ها یا بخشودگی‌ها برای کارفرمایان استفاده می‌کنند (تاج مزینانی، غفاری و باقری، ۱۳۹۶). نتایج پژوهش‌های انجام شده حکایت از آن دارد که در ایران زمینه قانونی - سیاسی گفتگوی اجتماعی دمکراتیک شکل نگرفته است و از سوی دیگر برخی اقدام‌های سیاسی، مانند تغییر ترکیب ارکان سازمان، گفتگوی سه‌جانبه را تضعیف کرده است. تغییر ترکیب ارکان سازمان بدون گفتگو و کسب توافق کارگران به خودی خود، اقدامی ناهمسو به گفتگوی اجتماعی بوده است، همچنین پیامد آن، پیدایش عرصه جولان بیشتر برای سیاست‌مدارانی است که سابقه اقدام‌های آنها بیشتر در تخریب نهاد بیمه اجتماعی بوده است (میره‌بیگی، ۱۳۹۸). بنابراین می‌توان گفت تکیه‌گاه اصلی این سازمان مشارکت سه‌جانبه کارفرمایان، بیمه‌شدگان و دولت در تصمیم‌های مختلف سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری‌های کلان و تأمین مالی است. سازمان بین‌المللی ایسا نیز تأکید دارد که حکمرانی شایسته در تأمین اجتماعی در صورت استقلال هیئت امناء، هیئت‌مدیره و مدیرعامل از مداخله سیاسی ممکن است (ایسا، ۱۳۹۷) امری که تحقق آن با تردید جدی مواجه است زیرا طبق نظر کنشگران، سه‌جانبه‌گرایی در ایران با ضعف‌های جدی روبه‌رو است و تا هنگامی که غلبه دولت و محدودسازی و سرکوب فعالیت تشکیلی وجود دارد، پیش‌شرط اساسی سه‌جانبه‌گرایی فراهم نخواهد شد (میره‌بیگی، ۱۳۹۸).

در این میان رفتار اقتصادی بنگاه‌ها و کارفرمایان نیز تأثیر بسیاری بر درآمدهای سازمان دارد. برخی از محققان بر این عقیده‌اند که سازمان در اتخاذ رویه اعمال

ضرایب قراردادهای بیمان کاری موضوع ماده (۳۸) قانون تأمین اجتماعی تحت تأثیر دغدغه تعادل بین بخش درآمدها و هزینه‌های خود بوده است. دغدغه یادشده بسیاری از نگرش‌ها و سیاست‌های زیاده‌خواهانه سازمان در بخش وصول حق بیمه و سیاست‌های ممسکانه را در بخش هزینه موجب شده است. تبعات منفی اقتصادی فراوانی از عملکرد سازمان در بخش بیمان‌ها متوجه جامعه بیمانکاران و بازار پروژه‌ها شده است (طوسی و کاشانی، ۱۳۹۶). شاید بتوان علت اعمال برخی سخت‌گیری‌های سازمان تأمین اجتماعی را در قبال فعالان کسب‌وکار - علاوه بر انگیزه تعادل‌بخشی به منابع و مصارف سازمان - در انگیزه‌های «فرار بیمه‌ای»^۱ فعالان کسب‌وکار ناشی از فشار وارده بر کسب‌وکارهای اقتصادی در فضای تحریم جستجو کرد و درعین حال کاهش نسبت پشتیبانی (نسبت بیمه‌شده به مستمری‌بگیر) که منابع سازمان را به شدت تحدید کرده است. نتایج برخی مطالعات حکایت از آن دارد که بیمانکاران به دلیل عدم گسترش فرهنگ بیمه‌ای در جامعه، حق بیمه‌های پرداختی به سازمان تأمین اجتماعی را نوعی هزینه مازاد برای خود تلقی می‌کنند و از این رو به هر نحوی از انحاء سعی در عدم پرداخت هزینه مذکور دارند (ریاضی، مهدوی ایزدی و چاکرال‌حسینی، ۱۳۸۵). با وجود اینکه در برخی از مواد قانون تأمین اجتماعی (مانند ماده ۵۰، مواد ۳۷ تا ۴۱، مواد ۹۸ و ۱۰۸) و ماده (۱۸۳) قانون کار ضمانت‌های اجرایی مهمی برای وصول حق بیمه اجباری پیش‌بینی شده است، اما عدم استفاده مؤثر از این ضمانت‌ها و کاستی‌های موجود در سایر مواد قانون تأمین اجتماعی، باعث رویه‌های نادرست و برداشت‌های غلط از قوانین شده که به نوبه خود راه‌های زیادی برای فرار از پرداخت حق بیمه ایجاد کرده است (کاویانی، ۱۳۸۶). فرار بیمه‌ای هنگامی رخ می‌دهد که کارگر و کارفرما حق بیمه مورد نظر را یا پرداخت نکنند یا

کمتر از میزان واقعی پرداخت کنند. اگرچه فرار بیمه‌ای علاوه بر کارفرمایان، توسط کارگران و حتی دولت‌ها به جهت عدم توان آنها در پرداخت حق بیمه تأمین اجتماعی کارمندان صورت می‌پذیرد اما در اکثر کشورهای در حال توسعه، بنگاه‌های عمومی^۱ بدترین متخلفان هستند زیرا وخیم‌ترین وضعیت مالی را داشته و در نتیجه بیشترین انگیزه را برای فرار بیمه‌ای دارند (عبداله میلانی و همکاران، ۱۴۰۰).

منچستر^۲ (۱۹۹۹) در مورد پیامدهای اقتصادی فرار بیمه‌ای در تأمین اجتماعی، گیلیون^۳ و همکاران (۲۰۰۰) در مورد علل و روفمن و دمارکو^۴ (۱۹۹۹) در مورد جمع‌آوری متمرکز حق بیمه‌ها به‌عنوان یک راه‌حل اجرایی برای فرار بیمه‌ای مطالعاتی داشته‌اند. فرار بیمه‌ای مشکل کلی است به‌طوری‌که در بعضی کشورها تعداد زیادی از کارگران در طرح‌های رسمی تأمین اجتماعی شرکت نمی‌کنند. این مشکل را گیلیون و همکاران (۲۰۰۰) مورد بحث قرار دادند. در این مطالعه ابتدا به‌طور خلاصه دلایل به‌وجود آمدن فرار بیمه‌ای و سپس به استراتژی کاهش آن پرداخته می‌شود. در ادامه استدلال می‌شود که صرف تمرکز بر ساختار مزایا و حق بیمه‌های تأمین اجتماعی نمی‌تواند باعث حل مشکل شود بلکه ترکیبی از استراتژی‌ها می‌تواند بر کاهش میزان فرار بیمه‌ای مؤثر باشد.

یک نظام تأمین اجتماعی تنها با پشتیبانی بیمه‌گذاران خود می‌تواند به خوبی عمل کند. گسترش پوشش اجباری بیمه‌های اجتماعی برای آن دسته از کارگرانی که ممکن است تمایل به مشارکت در این نظام نداشته باشند یا مشارکت کارایی ندارند، می‌تواند دستاوردهای سیاسی به همراه داشته باشد، اما اگر این مشارکت محقق نشود، می‌تواند

1. Public Enterprises

2. Manchester

3. Gillion

4. Rofman and Demarco

یک نظام را به رسوایی بکشاند. اگر فرار بیمه‌ای متداول شود، نظام اجباری به نظام داوطلبانه تأمین اجتماعی تبدیل خواهد شد (Rofman and Demarco, 1999). در دو دهه گذشته تغییرات و اصلاحات بسیاری در ساختار مؤسسه‌های تأمین اجتماعی در اتحادیه اروپا انجام شده است. هدف کلیدی این اصلاحات را می‌توان تأمین مالی موفق و بدون کسری سیستم‌های نوین تأمین اجتماعی و همچنین جلوگیری از فرارهای بیمه‌ای و مالیاتی دانست. یکی از این اصلاحات، تعامل چشمگیر میان سازمان مالیاتی و تأمین اجتماعی در خصوص وصول ابزار مالی سیستم‌های تأمین اجتماعی به سبب کارکردهای مشترک این دو سازمان و ایجاد «سیستم وصول یکپارچه مالیات‌ها و حق بیمه‌های تأمین اجتماعی» است. عملیات وصول با استفاده از فرم‌های پرداخت یکپارچه برای انواع و میزان مالیات‌ها و حق بیمه تأمین اجتماعی می‌تواند انجام شود. کارایی وصول یکپارچه براساس میزان هماهنگی قوانین تأمین اجتماعی و مالیاتی تعیین شده و ترجیح بر این است که تعریف دستمزدها، زمان‌بندی اظهارنامه‌ها، پرداخت مالیات‌ها و حق بیمه‌های تأمین اجتماعی مشترک و هماهنگ باشد. نتایج مطالعه باکرتزی و همکاران^۱ (۲۰۱۱) نشان از آن دارد که روند همگرایی ازسوی برخی سیستم‌های وصول موازی (همانند آنچه در ایران است) به سیستم‌های تلفیقی (وصول یکپارچه بیمه و مالیات) وجود داشته است، اما هیچ موردی از تبدیل یک سیستم تلفیقی به یک سیستم وصول موازی وجود ندارد. باراند و همکاران^۲ (۲۰۰۴) در مطالعه‌ای که برای صندوق بین‌المللی پول^۳ تحت عنوان «ادغام جمع‌آوری سهم مالیات و تأمین اجتماعی در یک اداره درآمد واحد: تجربه کشورهای اروپای مرکزی و شرقی» انجام داده‌اند به بررسی دقیق سیستم تأمین اجتماعی و سازمان مالیاتی پنج کشور منتخب شامل کشورهای

1. Bakirtzi, Schoukens and Pieters

2. Barrand, Harrison and Ross

3. International Monetary Fund (IMF)

با سابقه طولانی ادغام (انگلستان، سوئد و هلند) و کشورهای با اقتصاد در حال گذار (استونی و مجارستان) با تأکید بر اصلاحات انجام شده در مورد کارکردهای مشترک دو سازمان در فرایند وصول حق بیمه‌های تأمین اجتماعی و مالیات‌ها می‌پردازند و چنین نتیجه‌گیری می‌کنند که لازمه یک سیستم وصول یکپارچه حفظ و دسترسی آسان به داده‌های صحیح، کامل، دقیق، به‌روز و هماهنگ است. در این خصوص مطالعات دیگری انجام شده که نتایج مشابهی با مطالعه صندوق بین‌المللی پول داشته و البته در مواردی به الزامات و چالش‌های احتمالی اجرای سیستم یکپارچه وصول حق بیمه و مالیات پرداخته‌اند (Adam, and Loutzenhiser, 2007; Bakirtzi, Schoukens and Pieters, 2011; Essers and Pennings, 2020; Tepperová, 2019).

بررسی پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که بخش بسیاری از مطالعات انجام شده نهادهایی همچون بانک جهانی،^۱ صندوق بین‌المللی پول و سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۲ عمدتاً بر مدار حفظ ارزش دارایی‌ها و تعهدات و همچنین راهکارهایی برای ارتقای پایداری صندوق‌های بازنشستگی با اعمال اصلاحات پارامتریک در سازمان تأمین اجتماعی تمرکز دارد. در خصوص وصول حق بیمه از فعالان کسب‌وکار که از اصلی‌ترین منابع درآمدی صندوق‌های بازنشستگی تلقی می‌شود همان‌گونه که بیان شد سازوکارها و ساختارهای متفاوتی نظیر «سیستم وصول یکپارچه مالیات و بیمه اجتماعی» در کشورهای توسعه‌یافته وجود دارد که عملاً زمینه تعارضات احتمالی فعالان کسب‌وکار و صندوق‌های بازنشستگی را مرتفع ساخته و از این طریق فرارهای مالیاتی و بیمه‌ای را به حداقل رسانده‌اند. در ایران آنچه از بررسی پیشینه تحقیق با مراجعه به مرکز اسناد و مدارک ایران (ایراندک) و کتابخانه دانشگاه‌ها،

1. World Bank

2. Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)

مؤسسه‌ها، مراکز آموزشی و پژوهشی کشور به‌دست آمده، نشان می‌دهد پژوهشی که به فرایندهای سازمان تأمین اجتماعی با هدف رفع موانع کسب‌وکار در کشور معطوف باشد کمتر انجام شده است، اما تاکنون نشست‌ها و گردهمایی‌های زیادی بین سازمان تأمین اجتماعی و فعالان کسب‌وکار و نهادهای نمایندگی کارفرمایان با هدف رفع تعارضات و گفت‌وگو در مراکز تصمیم‌گیری برگزار شده و نتایج ارزشمندی نیز از این رهگذر حاصل شده است. اما به‌نظر می‌رسد تعارض منافع بین سازمان تأمین اجتماعی و فعالان کسب‌وکار به‌ویژه در فعالیتهای مقاطعه‌کاری همچنان پابرجاست و شاید نتوان نقطه خاتمه‌ای برای آن متصور بود.

علاوه بر مطالعاتی که در بندهای فوق مورد استناد قرار گرفت سایر مطالعات را در این حوزه می‌توان حول چهار محور اصلی پیکربندی کرد. محور اول تحلیل متغیرهای تأثیرگذار بر عملکرد و رضایت کارکنان، ذی‌نفعان سازمان و همچنین ارزیابی عملکرد سازمان و شعب آن که بیشترین مطالعات در این خصوص است (همچون گودرزی (۱۴۰۰)، ملاداوودی و مهتابی (۱۳۹۹)، تاج مزینانی (۱۳۹۸)، غلام ابری (۱۳۹۳)). محور دوم این مطالعات درباره پایداری مالی و شیوه سرمایه‌گذاری سازمان تأمین اجتماعی است (همچون محقق‌زاده و همکاران (۱۳۹۹)، کمالی، جامی و مرادخانی ملال (۱۳۹۸)). محور سوم این مطالعات بر استقلال اداری و مالی سازمان و رعایت اصل سه‌جانبه‌گرایی در سازمان تأکید دارد (همچون عصمتی و کرمی (۱۴۰۰)، میره بیگی (۱۳۹۸)، عصمتی و محبی (۱۳۹۴)، صالحی، خلیق و حیدری (۱۳۹۹)). محور چهارم نیز به مباحث هیئت‌های تشخیص و تجدید نظر وصول مطالبات و دادرسی دعاوی مربوط می‌شود (همچون رضایی‌زاده و رئیسی (۱۴۰۰)، دانش‌ناری (۱۳۹۷)، پرتو و صحرانورد (۱۳۹۵)، الفت‌پور و آدمی (۱۳۹۲)). بدین ترتیب تفاوت اساسی پژوهش حاضر این است که ضمن لحاظ ملاحظات فوق، به چالش‌های کارفرمایی

توجه ویژه‌تری کرده و می‌کوشد تا فراتر از موضوع رضایت و نارضایتی، چالش‌های تعاملی میان سازمان و کارفرمایان را از نظر کارفرمایان (با تأکید بر قراردادهای پیمان) مطرح کند.

۲. روش‌شناسی تحقیق

پژوهش پیش‌رو در حیطه پارادایم تفسیرگرایی تعریف می‌شود و با رویکرد کیفی از نظریه زمینه‌ای استفاده می‌کند. از این‌رو ادراک و شناخت محقق در تحلیل نتایج پژوهش سهم بسزایی داشته است. تحقیق حاضر به دنبال احصای عمده‌ترین مسائل کارفرمایان بخش خصوصی و فعالان کسب‌وکار در مراجعه و مواجهه با سازمان تأمین اجتماعی از منظر شرکای اجتماعی است. در این پژوهش برای دستیابی به داده‌های دقیق‌تر کوشش شده تا منابع متنوعی بررسی شود و اسناد و آمارهای رسمی، مصاحبه انجام شده پژوهشگران این پژوهش و سایر پژوهشگران، مشاهدات میدانی، بخشنامه‌ها، قوانین و مقررات، مستندات شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی مورد توجه قرار گیرد.

روش انجام کار بدین صورت بود که ابتدا مستندات شورای گفتگو (صورت‌جلسات شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸ که گروهی از پژوهشگران به مدیریت یکی از نگارندگان گردآوری و تلخیص کرده بود) مجدداً مورد بررسی قرار گرفت و موارد چالش‌برانگیز کسب‌وکارها در ارتباط با سازمان تأمین اجتماعی استخراج و ارزیابی شد و به‌عنوان مطالعه مقدماتی و بحث با خبرگان مورد استفاده قرار گرفت. در واقع داده‌های گردآوری شده در این قسمت به‌عنوان ورودی پرسش‌ها و شناسایی ابتدایی دغدغه مهم فعالان کسب‌وکار در نظر گرفته شد. سپس در سطح دیگر به مصاحبه‌های کیفی انجام گرفته در دو پژوهش مختلف تاج مزینانی (۱۳۹۸) و مالکی

و همکاران (۱۳۹۹) تحت عنوان «بهبود سازوکارهای سازمان تأمین اجتماعی و رفع موانع کسب و کار» و مکاتبه با مؤسسه‌ها و سازمان‌های ذی‌ربط نظیر مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، اتاق بازرگانی و وزارت امور اقتصادی و دارایی رجوع شد.

تاج مزینانی (۱۳۹۸) در «گزارش سنجش و پایش میزان رضایتمندی و رعایت حقوق کارفرمایان در سازمان تأمین اجتماعی» به دغدغه‌ها و مشکلات کارفرمایان در مواجهه با شعب مختلف سازمان تأمین اجتماعی پرداخته است. به‌طوری‌که ۶۰ مصاحبه کیفی از استان‌های مرکزی (۱ مصاحبه)؛ اصفهان (۳ مصاحبه)؛ خوزستان (۱۰ مصاحبه)؛ آذربایجان شرقی (۳ مصاحبه)؛ خراسان رضوی (۳ مصاحبه)؛ تهران (بخش شرق تهران: ۲ مصاحبه؛ بخش غرب تهران: ۵ مصاحبه و شهرستان‌های تهران: ۱۱ مصاحبه)، فارس (۱۲ مصاحبه)؛ کرمان (۵ مصاحبه) و مازندران (۵ مصاحبه) در اختیار پژوهشگران قرار گرفت. این مصاحبه‌ها با صاحبان کسب و کار و کارشناسان مرتبط با تشکل‌های کارفرمایی انجام شد که در این مطالعه مباحث مختلف مرتبط با مسائل فیزیکی یا خاص شعب کنار گذارده شد و مسائل عمده مرتبط با پرسش‌های پژوهش کدگذاری شد.

مصاحبه در پژوهش دوم (مالکی و همکاران، ۱۳۹۹) با ۲۰ نفر از افراد درگیر در فضای کسب و کار انجام شده است. افرادی که یا خود در کارگاه مسئولیت ارتباط با تأمین اجتماعی را داشته‌اند یا از کیفیت این ارتباط مطلع بوده‌اند و یا مشاور حوزه بیمه‌ای در بخش خصوصی بوده‌اند. داده‌های این مصاحبه نیز با روش تحلیل محتوای کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و از رویکرد میرینگ^۱ (۲۰۰۰) بهره گرفته است که به لحاظ تکنیک انجام کار به روش اشتراوس و کرین^۲ (۱۹۹۸) شبیه است

1. Mayring

2. Strauss and Corbin

و از کدگذاری باز، محوری و گزینشی استفاده می‌کند.

در مرحله بعد برای تکمیل داده‌ها، مصاحبه‌های عمیق مجددی انجام گرفته است تا به اتکای آن ضمن فهم دقیق‌تر مباحث و اتکای بالاتر داده‌ها و کدهای حاصله و تحلیل‌های انجام گرفته، راهکارهایی برای برون‌رفت از چالش‌های وضعیت موجود فراهم آید. برای این مرحله یعنی آسیب‌شناسی نهادها و قوانین و مقررات حاکم و نیز دستیابی به راهکارهای بهینه، کوشش شد تا گروه‌های مختلفی در زمره جامعه آماری این بخش از پژوهش قرار گیرند به طوری که غالباً کارشناسان و مدیران میانی دستگاه‌های متولی، فعالان کسب‌وکار، مدیران اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران و خبرگان اجرایی به‌عنوان مصاحبه‌شونده انتخاب شده‌اند. انتخاب این افراد به صورت هدفمند و از طریق شناخت پژوهشگران به دلیل ارتباط طولانی مدت با کنشگران و خبرگان این حوزه انجام گرفته است؛ در مجموع در این بخش ۳۲ خبره به تدقیق داده‌ها و دستیابی به راهکارها و ۱۲ نفر از آنها نیز به قابلیت اعتماد پژوهش کمک کرده‌اند. از این رو معیار انتخاب این پژوهشگران: اولاً تنوعی از مجموعه دستگاه‌های درگیر در این حوزه است؛ ثانیاً کوشش شد تا افرادی انتخاب شوند که سابقه آشنایی و اشتغال مناسبی در این زمینه داشته باشند و ثالثاً عموم این افراد از سوی سایر کارشناسان درگیر در این حوزه، به‌عنوان افراد مطلع معرفی و توصیه شده‌اند. مشخصات خبرگان و کنشگران به شرح جدول ۱ است.

جدول ۱. فهرست اسامی افراد مورد مصاحبه و خبرگان برای قابلیت اعتماد پژوهش

ردیف	سمت	محل کار	ردیف	سمت	مصاحبه شونده
۱	عضو سابق	اتاق بازرگانی	۱۷	کارشناس	کانون عالی کارفرمایان
۲	کارشناس	هیئت امنای تأمین اجتماعی	۱۸	کارشناس	انجمن صنفی انبوه‌سازان
۳	نایب‌رئیس	کمیسیون مالیات، کار و تأمین اجتماعی	۱۹	مدیر گروه	مؤسسه پژوهش عالی تأمین اجتماعی
۴	مدیر	یک استارت‌آپ اینترنتی	۲۰	مشاور	امور بیمه‌ای شرکت‌های خصوصی
۵	نماینده سابق	در شورای عالی کار (نماینده کارفرمایان)	۲۱	کارشناس	اداره کل بیمه اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
۶	مشاور	امور بیمه‌ای شرکت‌های خصوصی	۲۲	کارشناس	مرکز پژوهش‌های مجلس
۷	کارشناس	کانون عالی کارفرمایان	۲۳	مدیرعامل	یک شرکت فناوری خصوصی
۸	مدیر	امور بیمه‌ای یک شرکت خصوصی	۲۴	مشاور	امور پیمانکاری و انبوه‌سازی
۹	کارشناس	اتاق بازرگانی	۲۵	رئیس	اداره کل امور پیمان‌های تأمین اجتماعی
۱۰	مدیر	اداره کل بیمه اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی	۲۶	مشاور	هیئت‌مدیره سازمان تأمین اجتماعی
۱۱	دبیر کمیسیون	کمیسیون بهبود فضای کسب‌وکار و صنعت اتاق بازرگانی تبریز	۲۷	مدیر	امور بیمه‌ای یک شرکت خصوصی
۱۲	مدیر	یک شرکت دانش‌بنیان	۲۸	کارشناس	مؤسسه پژوهش عالی تأمین اجتماعی

ردیف	سمت	محل کار	ردیف	سمت	مصاحبه‌شونده
۱۳	کارشناس	مرکز پژوهش‌های مجلس	۲۹	مشاور بیمه‌ای	اتاق بازرگانی ایران
۱۴	استاد دانشگاه	عضو هیئت علمی در رشته سیاستگذاری اجتماعی	۳۰	پژوهشگر	حوزه تأمین اجتماعی
۱۵	مدیر مالی	یک شرکت خصوصی	۳۱	کارشناس	اداره کل مطالعات رفاه اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
۱۶	کارشناس	کانون عالی کارفرمایان	۳۲	استاد دانشگاه	عضو هیئت علمی در رشته سیاستگذاری اجتماعی

پس از گفتگو با افراد مذکور کدهای پیشین تصحیح و تدقیق شد و درک بهتری از سازوکارهای معیوب به‌دست آمد و سپس با آنها درباره راهکارهای مواجهه با چالش‌های مذکور بحث و گفتگو صورت گرفت و نتایج آن در قالب راهکارهای مؤثر بر بهبود تعامل و رفع تعارض بخش خصوصی و سازمان تأمین اجتماعی در شکل ۲ نشان داده شده است.

بنابراین درمجموع، پژوهش حاضر سه مرحله دارد که در مرحله نخست، جامعه آماری شامل همه صورت‌جلسات شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸ بوده است که از طریق مطالعه تمام موارد، چالش‌های بخش خصوصی با حوزه تأمین اجتماعی استخراج شد؛ در مرحله دوم، با تحلیل ثانویه متون مختلف مصاحبه‌ها در دو پژوهش مورد مطالعه مجدد مورد تحلیل محتوای کیفی قرار گرفته‌اند. بنابراین جامعه آماری شامل متون مصاحبه‌های انجام گرفته با کارفرمایان و مطلعان کلیدی حوزه کارفرمایی است که شامل دو مجموعه ۶۰ و ۲۰ موردی مصاحبه‌ها بوده است؛ مرحله سوم جامعه آماری شامل نخبگان و مطلعان

کلیدی حوزه کسب‌وکار و تأمین اجتماعی بوده است که نمونه آماری آن شامل ۳۲ نفر بوده است.

در مورد قابلیت اعتماد در این پژوهش (به‌مثابه جایگزینی برای روایی و پایایی در پژوهش‌های اثبات‌گرا) از شیوه گوبا و لینکلن (۱۹۸۲) بهره گرفته است. قابلیت اعتماد، به بیانی ساده، میزانی است که در آن می‌توان به یافته‌های یک تحقیق کیفی متکی بود و به نتایج آنها اعتماد کرد. اعتماد‌پذیری از دیدگاه آنان شامل چهار مؤلفه اصلی است: اول باورپذیری یافته‌ها^۱ به این معنا که برای مخاطب قابل پذیرش باشد که داده‌ها، تحلیل‌ها و یافته‌ها منسجم هستند. محقق از طریق درگیری چندباره با داده‌ها و رجوع کافی به آنها به‌صورتی که همه داده‌های متناقض مورد بررسی قرار گیرند این معیار را رعایت کرد. دوم اطمینان‌پذیری^۲ به این مفهوم که داده‌ها چگونه گردآوری شده و چطور به کار رفته‌اند. محقق برای اطمینان‌پذیری، از روش کنترل اعضا^۳ بهره گرفت به این معنا که مفروضات خود را با دو نفر از افراد مطلع تحت بررسی و کنترل قرار داد. کنترل اعضا در سراسر فرایند گردآوری و تحلیل داده‌ها با هدف تأیید حقیقت یا صحت مشاهدات و تفاسیر پژوهشگر، به کار می‌رود (Depoy and Gitlin, 2005). سوم تأیید‌پذیری^۴ است که در این مرحله محقق باید نشان دهد که یافته‌های آن عملاً و واقعاً مبتنی بر داده‌ها هستند. تأیید‌پذیری با جزئیات روش‌شناسی‌های به کار رفته در تحقیق ارتباط دارد و به این سؤال پاسخ می‌دهد که آیا محقق به اندازه کافی جزئیاتی در اختیار ما گذاشته است که بتوانیم گردآوری و تحلیل داده‌ها را ارزیابی کنیم (محمدپور، ۱۳۹۰). در موضوع حاضر با ارجاع دقیق

-
1. Credibility
 2. Dependability
 3. Member Check
 4. Validation

به اظهارات مصاحبه‌شوندگان در بخش‌های تحلیل داده‌ها و یافته‌ها این معیار برآورد شد. چهارم انتقال‌پذیری^۱ است که شبیه به مفهوم اعتبار بیرونی است و اطمینان از اینکه نتایج یک تحقیق کیفی بتواند به یک محیط متفاوت دیگر نیز منتقل شده و برای یک جمعیت متفاوت به کار رود. ابزار اولیه انتقال‌پذیری استفاده از توصیف مناسب در ارائه همه جزئیات مرتبط با فرایند تحقیق است. بدین ترتیب اعتماد‌پذیری که هر چهار معیار را دربرمی‌گیرد به‌عنوان میزانی تعریف می‌شود که در آن محقق می‌تواند مخاطبان را متقاعد سازد که یافته‌های وی ارزش توجه کردن دارند (همان). همان‌طور که قبلاً مطرح شد، مطلوبیت نتایج تحقیق به محک ۱۲ خبره گذارده شده و پاسخ‌های نسبتاً مشابهی به‌دست آمد. همچنین با مرور چندباره یادداشت‌های مصاحبه انسجام و سازگاری نظر هر کدام از پاسخگویان بررسی شده است. بنابراین، به‌نظر می‌رسد یافته‌های مصاحبه‌ها و تفاسیر آنها با توجه به رعایت موارد تا حد زیادی از اعتبار برخوردارند.

۳. یافته‌های پژوهش

محققان پس از تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌های مختلف موجود و نیز داده‌های گردآوری شده با مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، در مجموع ۱۸۰ کد باز به‌دست آوردند. با تلفیق و ترکیب کدهای مذکور، ۳۳ زیر مقوله اصلی احصا و در مرحله سوم مقولات گزینشی به قرار جدول ۲ حاصل شد.

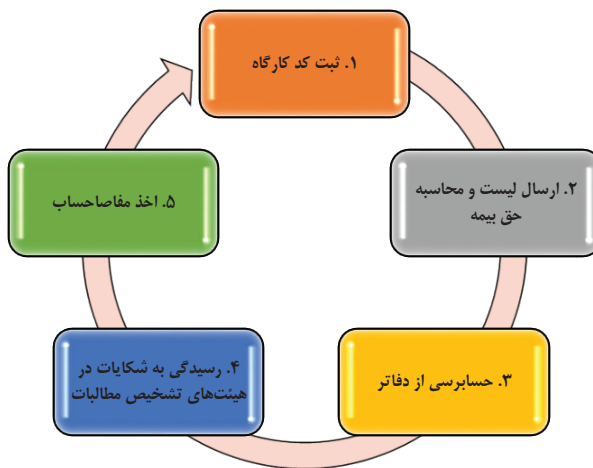
جدول ۲. ارتباط مقولات اصلی زیرمقولات

مقولات گزینشی	زیر مقولات محوری
ضعف در فرایندهای مربوط به ثبت کارگاه و ارسال لیست	<ul style="list-style-type: none"> - زمان بر بودن تشکیل پرونده، اخذ کد کارگاهی و ثبت نام کارگران در سازمان تأمین اجتماعی - تعداد زیاد دفعات پرداخت حق بیمه و ارسال لیست بیمه شدگان (هر ماه یک بار) - سلیقه‌ای عمل کردن کارکنان شعبه و ناآگاهی از مقررات توسط کارمندان به دلیل روابط ناسالم در سیستم - عدم ارائه کد کارگاه به شرکت‌های خارجی که در ایران فعالیت می‌کنند و اکثراً در پروژه‌های نفت و گاز فعالیت دارند، اما نمایندگی ندارند
مشکلات مربوط به ارائه لیست بیمه	<ul style="list-style-type: none"> - لزوم مراجعه حضوری کارفرما (یا نماینده وی) به شعبه برای دریافت نام کاربری و رمز عبور جهت ورود به سامانه ارسال لیست حق بیمه به‌ویژه برای شرکت‌های پیمانکاری - عدم تأیید لیست ارسالی از طرف سامانه به دلیل به‌روز نبودن بانک اطلاعاتی سازمان تأمین اجتماعی در خصوص اطلاعات هویتی بیمه شدگان - عدم اعلام خطای محاسبه حق بیمه در زمان ارسال لیست و اعلام بدهی بعد از ۶ ماه - عدم امکان اصلاح، ویرایش یا حذف لیست ارسالی در صورت بروز خطا از طرف کاربر - عدم طراحی مناسب سامانه، عدم سهولت کار با برنامه و بالا بودن امکان خطای کاربر در تنظیم لیست حق بیمه - ضرورت حضور فیزیکی جهت نام‌نویسی از کارکنان شرکت یا پروژه بعد از ثبت کارگاه
ضعف وحدت رویه و شفافیت در محاسبه نرخ حق بیمه قراردادهای پیمانکاری	<ul style="list-style-type: none"> - برخورد سلیقه‌ای در مسائل مربوط به مشاغل سخت و زیان‌آور و مشمول شدن کارگاه به پرداخت حق بیمه بیشتر توسط کارفرما - اعمال ضریب حق بیمه برای قراردادهای تحقیقاتی و پژوهشی - محاسبه حق بیمه برای مجوزها و نظارت سازمان‌ها (در صورتی که این موارد از پرداخت حق بیمه معاف هستند) - ضعف و عدم شفافیت قوانین مربوط به بخشودگی حق بیمه برای برخی کارآفرینان - پیچیده بودن فرایند محاسباتی - چالش‌های مربوط به نرم‌افزار محاسبه حق بیمه و افزایش دستمزد در سایر سطوح مزدی بدون توجه به توافق کارگر و کارفرما - متفاوت بودن شرایط و ضرایب محاسبه حق بیمه پیمانکاران و قراردادهای مختلف ساخت، پیمانکاری، نصب، پژوهشی و ...

زیر مقولات محوری	مقولات گزینشی
<p>- دفعات زیاد بازرسی از کارگاه‌ها توسط مأموران سازمان تأمین اجتماعی (چند بار در سال) - عدم جبران خسارت وارده به کارفرما در صورت اثبات قصور از سوی سازمان تأمین اجتماعی و پذیرش بی‌قید و شرط گزارش بازرسان توسط سازمان</p>	<p>ضعف در فرایندها و ساختارهای مربوط به بازرسی از دفاتر</p>
<p>- عدم تمکین برخی شعب تأمین اجتماعی به آرای دیوان عدالت اداری - طولانی شدن فرایند رسیدگی به پرونده‌ها در هیئت‌های بدوی و تجدیدنظر - رسیدگی به پرونده‌های شکایت کارفرما از تأمین اجتماعی توسط خود سازمان تأمین اجتماعی در هیئت‌های حل اختلاف - عدم تمکین یا تفسیر مضیق شعب سازمان از آرای هیئت‌های تجدیدنظر به زیان کارفرمایان</p>	<p>عدم وحدت رویه و کم‌توجهی شعب سازمان به آرای هیئت‌های بدوی و تجدیدنظر و آرای دیوان عدالت اداری</p>
<p>- منوط بودن صدور و تمدید کارت بازرگانی به دریافت مفصاحساب بیمه مطابق ماده (۳۷) قانون تأمین اجتماعی که زمینه حسابرسی خارج از قاعده را برای سال‌های گذشته برای سازمان فراهم و همچنین فعالان کسب و کار را با مشکل در فعالیت اقتصادی مواجه می‌سازد - ضعف وحدت رویه محاسبه ضریب حق بیمه توسط شعب سازمان - عدم پذیرش لیست بیمه شرکت‌ها (به دلیل مسدود شدن حساب کاربری ناشی از عدم پرداخت به‌موقع مطالبات سازمان) از جانب سازمان و در نتیجه مشکلات زیادی که در زمینه خدمات تأمین اجتماعی برای پرسنل ایجاد می‌شود - پیچیدگی و عدم شفافیت بخشنامه‌های سازمان تأمین اجتماعی در خصوص صدور مفصاحساب - اعمال سلیقه‌های فردی در محاسبه جرائم پیمانکاری - اخذ تعهد بازرسی ۱۰ ساله از کارفرما در قبال صدور مفصاحساب - طولانی و زمان‌بر بودن فرایند صدور مفصاحساب - مکانیسم نبودن سیستم سازمان تأمین اجتماعی و عدم ارتباط الکترونیک دستگاه‌ها با یکدیگر درباره صدور مفصاحساب - اعمال ماده (۳۸) قانون تأمین اجتماعی برای قراردادهای پیمانکاری تک‌نفره - از بین رفتن سوابق بیمه‌ای اعضای هیئت‌مدیره شرکت‌ها به دلیل طولانی شدن فرایند تجمیع سوابق آنان توسط سازمان تأمین اجتماعی و انعقاد قراردادهای کارفرمایی</p>	<p>ضعف در ساختارهای حقوقی، مالی و اداری فرایند صدور مفصاحساب</p>

در شکل ۱ فرایندهای اداری مرتبط با تعامل کارفرمایان با سازمان تأمین اجتماعی را به صورت چرخه‌ای بررسی کرده است، مرور این فرایند به خوبی می‌تواند وجود چالش‌های مندرج در سایر محورها را نشان دهد؛ چراکه در شرایط کنونی هریک از گام‌های فرایندی زیر با چالش روبه‌رو است. طبق ارزیابی مصاحبه‌شوندگان، به‌ویژه مدیران و کارشناسان فعال در حوزه کارفرمایی، در حال حاضر فرایندها و ساختارهای حقوقی، اداری و مالی سازمان تأمین اجتماعی موانع و مشکلات جدی را پیش روی فعالان کسب‌وکار قرار داده و شیوه عمل و حجم بسیار زیاد بخشنامه‌های تأمین اجتماعی که عملاً موجب سردرگمی کارفرمایان شده؛ فصل‌جدانشدن گزارش‌های موانع کسب‌وکار از سوی فعالان بخش خصوصی و دولتی بوده است.

شکل ۱. فرایندهای سازمان تأمین اجتماعی در خصوص قراردادهای پیمان



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

در ادامه به دو موضوع مرتبط با فرایندهای فوق اشاره می‌شود که دو محور کلیدی از محورهای گزینشی جدول ۲ را تبیین می‌کنند تا تصویر آشکارتری از چالش‌های

تعاملاتی کارفرمایان با سازمان تأمین اجتماعی در حوزه پرمناقشه قراردادهای پیمان ارائه گردد و سپس پیشنهاد پایانی پژوهش به نحو ملموس‌تری تشریح شود.

محور اول - فقدان وحدت رویه و شفافیت در محاسبه نرخ حق بیمه

نحوه محاسبه حق بیمه مقاطعه‌کاران بیشترین مشکلات و مسائل را پیش روی فعالان کسب‌وکار قرار داده است. یکی از فعالان کسب‌وکار، موضوع مذکور را چنین طرح می‌کند: «در حال حاضر ضرایب اعمالی توسط سازمان تأمین اجتماعی مربوط به مصوبه ۱۳۷۰/۱/۲۴ شورای عالی تأمین اجتماعی است که قدمت آن بالغ بر ۲۹ سال پیش است. لذا با توجه به تکنولوژی‌های جدید و ورود کسب‌وکارهای نوین و غیره، تجدیدنظر در نحوه اعمال ضرایب برای محاسبه حق بیمه «مقاطع‌کاران» ضروری به نظر می‌رسد». فعالان کسب‌وکار تصمیم‌گیری‌های مذکور را نامشارکتی می‌دانند و بر این عقیده‌اند که «مصوبات بدون مشارکت ذی‌نفعان تهیه و ابلاغ می‌گردد در حالی که لازم است با هماهنگی و همفکری اتاق بازرگانی، تشکل‌های کارفرمایی به خصوص انجمن‌های پیمانکاران و مشاوران و سازمان برنامه و بودجه کشور منطبق با شرایط روز مورد بازنگری جدی قرار گیرد و بخشنامه‌های سازمان در این زمینه به نحوی ساده و شفاف صادر شود که در اجرای پیمانکاران با واحدهای اجرایی دچار تناقض و اعمال سلیقه شخصی نشوند». از نظر این کنشگران، در محاسبه نرخ حق بیمه شرایط تحریم کشور مورد توجه سازمان قرار نمی‌گیرد: «با توجه به اینکه در سال‌های اخیر فضای کسب‌وکار کشور با تحریم‌های بسیاری مواجه شده است لذا امکان تأمین کالای اختصاصی از طریق LC و سیستم بانکی میسر نبوده و در بسیاری از موارد ورود کالا از روش‌های دیگری انجام شده و در نتیجه امکان بهره‌مندی از بند ۳-۴ بخشنامه ۱۴۱ (موضوع معافیت تجهیزات وارد شده از خارج کشور از شمول حق

بیمه که پیمانکار از طریق گشایش اعتبار اسنادی خرید می‌نماید) موجود نیست». از نظر مصاحبه‌شوندگان موضوع دیگری که در محاسبه حق بیمه مورد کم‌توجهی قرار گرفته است، رابطه قراردادهای اصلی و فرعی (قراردادهایی که بخشی از مصالح از سوی کارفرما تأمین می‌شود) است: «در بعضی موارد در اجرای قراردادهای پیمانکاری، پیمانکار اصلی مصالح پروژه را تأمین نموده و بخش اجرا را به پیمانکار فرعی واگذار می‌کند. در این موارد سازمان تأمین اجتماعی حق بیمه کارکرد پیمانکار فرعی را با ضریب ۰.۱۵٪ به انضمام بیمه بیکاری دریافت نموده و بابت الباقی کارکرد نیز حق بیمه را با اعمال ضریب ۰.۷٪ به انضمام بیمه بیکاری مطالبه می‌نماید که در نتیجه مبلغ حق بیمه دریافتی از مبلغ واقعی حق بیمه قرارداد بسیار بیشتر می‌شود». مشکل دیگر در قراردادهای نگهداری تأسیسات است: «طبق بند «۵» بخشنامه ۱۴/۲ درآمد، در قراردادهای نگهداری تأسیسات با توجه به اینکه از مبالغ پرداختی بابت تأمین ابزار و ماشین‌آلات و ۲۵ درصد مبالغ ناخالص قرارداد به‌صورت کارکرد مکانیکی و الباقی دستمزدی محاسبه می‌شود ولی متأسفانه کارشناسان شعب علی‌رغم اطلاع از این بند، کل مبلغ را با ضریب دستمزدی محاسبه می‌نمایند که نه تنها موجب تضییع حقوق پیمانکاران شده است بلکه پروسه اعتراض و طرح موضوع از طریق هیئت‌های تشخیص مطالبات برای سازمان نیز هزینه‌بر است».

سازوکار مطالبه حق بیمه مشاغل سخت و زیان‌آور از کارفرما نیز موضوع دیگری است که کنشگران مطرح می‌کنند. هرچند این موضوع به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مربوط می‌شود اما از جمله مسائل و مشکلات اصلی مطروحه از سوی کارفرمایان است. «اخیراً برخی از بیمه‌شدگان که در سنوات گذشته در پروژه‌های پیمانکاری شاغل بوده‌اند با استناد به تبصره الحاقی ماده (۷۶) قانون تأمین اجتماعی نسبت به بازنشستگی پیش از موعد به‌دلیل مشاغل سخت و زیان‌آور، اقدام کرده‌اند.

کمیته‌های استانی مشاغل سخت و زیان‌آور بدون حضور کارفرما و دریافت نظرات و سوابق امر درخواست متقاضیان را تأیید می‌کنند و در نتیجه شعب سازمان با استناد به آرای مذکور مبالغی حدود ۰.۸٪ نسبت به آخرین حقوق زمان درخواست و میزان مستمری برقراری برای کل مدت اشتغال بیمه شده در مشاغل سخت و زیان‌آور از کارفرما مطالبه می‌کنند». در برخی موارد نیز خرید تجهیزات در قراردادهای مشمول محاسبه حق بیمه قرار گرفته‌اند: «در سال‌های اخیر اکثر قراردادهای منعقد شده با وزارتخانه‌ها، سازمان‌های دولتی و خصوصی به جهت نوع و ماهیت اجناس مصرفی در پروژه‌ها به صورت PC^۱ (روش تأمین تجهیزات و اجرا) و EPC^۲ (روش مهندسی، تأمین تجهیزات و اجرا) انجام می‌شود که سازمان تأمین اجتماعی طبق بخشنامه شماره ۱۴/۵ که مربوط به حدود ۱۳ سال پیش است منحصراً بعضی از قراردادهای پروژه‌های گازرسانی انتقال نیرو و برق‌رسانی و ساخت و راه‌اندازی تلمبه‌خانه‌های آب و فاضلاب را از شمول پرداخت حق بیمه بابت خرید تجهیزات (p) معاف می‌داند و بقیه قراردادهای به خصوص قراردادهای منعقد شده با وزارت نفت را از شمول بخشنامه خارج دانسته و در نتیجه مشکلاتی را برای پیمانکاران ایجاد کرده است». موضوع دیگر کسر و نگهداشت ۵ درصد کل قرارداد پیمانکار نزد کارفرما تا موقع ارائه مفاسحساب است که موجب کاهش نقدینگی پیمانکار می‌شود: «طبق ماده (۳۸) قانون تأمین اجتماعی از هر پرداخت به پیمانکار، ۰.۵٪ ناخالص کارکرد توسط کارفرما کسر و به انضمام کل آخرین پرداخت، نزد کارفرما نگهداری می‌گردد و پس از ارائه مفاسحساب به پیمانکار مسترد می‌گردد. از طرفی پیمانکار می‌بایست طبق ماده (۲۸) قانون مذکور ۳۰٪ لیست و حق بیمه متعلقه پرسنل شاغل را در موعد مقرر به شعب تأمین اجتماعی

1. Procurement and Construction

2. Engineering, Procurement and Construction

ارسال و پرداخت نماید که این موضوع باعث کاهش نقدینگی و فشار مضاعف جهت پرداخت حق بیمه در موعد قانونی می‌گردد و در حال حاضر اکثر کارفرمایان نیز به جهت نبود نقدینگی آن را در منابع دیگر مصرف و با وجود ارائه مفاصاحساب از طرف پیمانکار ۵٪ مکسوره و آخرین قسط را به راحتی به پیمانکار مسترد نمی‌نماید».

محور دوم- ضعف در فرایندها و ساختارهای مربوط به بازرسی از دفاتر

بازرسی دفاتر قانونی شرکت‌های بخش خصوصی از دیگر محورهای مهم مورد بحث کنشگران فضای کسب و کار بوده است: «سازمان مجاز به بازرسی از دفاتر قانونی پیمانکارانی نیست که حق بیمه کارکنان قرارداد را طبق مواد (۳۸ و ۴۱) قانون تأمین اجتماعی پرداخت می‌نمایند. ولی برخی از شعب سازمان برخلاف مقررات عمل کرده و در صورت مخالفت پیمانکاران در این خصوص با آنها، از هرگونه صدور مفاصاحساب خودداری نموده و این امر موجب عدم تسویه حساب پروژه‌ها در موعد مقرر خواهد شد». یکی از فعالان کسب و کار بر این عقیده است که: «سازمان همه فاکتورهای صادره فعالان اقتصادی که به فروش کالا و خدمات اشتغال دارند را به عنوان کار پیمانکاری تلقی نموده و آنان را مشمول ماده (۳۸) قانون تأمین اجتماعی دانسته در حالی که ماده (۳۸) مقاطعه کاران را مورد خطاب قرار داده است یعنی افرادی که شغل آنان صرفاً پیمانکاری است و نه انعقاد هر قرارداد از سوی هر فعال اقتصادی. برای مثال تولیدکننده یک کالا پیمانکار محسوب نمی‌شود در حالی که ممکن است این تولیدکننده دارای پیمان و یا قرارداد با اشخاص ثالث اعم از قرارداد یا فاکتور باشد. این استنباط نادرست و تعمیم مشاغل پیمانکاری مشمول ماده (۳۸) به انواع پیمان‌ها، مشکلات فراوانی برای فعالان اقتصادی ایجاد کرده است».

عملکرد و آرای هیئت‌های تشخیص مطالبات از دیگر مشکلات و مسائل مطروحه از جانب فعالان کار و کسب است. «بازرسان دفاتر قانونی با نادیده گرفتن نامه مدیرعامل

وقت سازمان به مدیر مؤسسه حسابرسی سازمان تأمین اجتماعی طی نامه شماره ۱۰۰۰/۹۵/۱۲۹ مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۸ مبنی بر غیرمشمول بودن خرید لوازم، مصالح، تجهیزات، ابزارآلات، تابلو برق، خرید ماشین‌آلات، نرم‌افزار، پرداخت در وجه رستوران، خرید و اجاره پهنای باند و ... را اکثراً با تحریف شرح سند از خرید به سفارش ساخت و با درج عین شرح سند، اسناد هزینه‌ای مربوط به اقلام مذکور را در ستون‌های مشمول کسر حق بیمه قرار می‌دهند. بدیهی است کارفرمایان مطابق جدول حقوق قانونی خود، وفق مواد (۴۲) و (۴۳) قانون تأمین اجتماعی به این گونه بدهی‌ها اعتراض و موضوع در هیئت‌های تشخیص مطالبات مطرح می‌گردد، اما از آنجاکه ترکیب هیئت‌ها به گونه‌ای است که اکثریت اعضا از شاغلین سازمان می‌باشند بعضاً بدون توجه به خواسته قانونی کارفرمایان نتیجه منجر به صدور رأی غیرعادلانه می‌گردد».

قبل از ورود به بخش جمع بندی و پیشنهادها، ذکر این نکته ضروری است که این تحقیق با محدودیت‌ها و موانعی نیز مواجه بود. اول اینکه با توجه به مشکل عدم وحدت رویه میان شعب سازمان تأمین اجتماعی در سراسر کشور، دسترسی به داده‌های منطقه‌ای و خاص کسب‌وکارها در مناطق مختلف، نیازمند زمان و هزینه بسیار زیادی است که در مقاله پژوهشی مستقل قابل دستیابی نیست. این موضوع مانع مهمی برای شناخت دقیق چالش‌های موجود در سازوکار میان کسب‌وکارها و سازمان تأمین اجتماعی است. محدودیت دیگر پژوهش مربوط به راهکارهاست؛ راهکارهای مؤثر به بازنگری در سایر خرده نظام‌های موجود مرتبط با تأمین اجتماعی نیاز دارند؛ چراکه هر تغییر در بخشی از این نظام، بر سایر خرده نظام‌ها تأثیر خواهد گذاشت که بحث درباره آن در چارچوب این مطالعه پژوهشی نمی‌گنجد.

۴. جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

براساس یافته‌های پژوهش و نگرش کنشگران و فعالان فضای کسب‌وکار، فرایندهای سازمان تأمین اجتماعی برای اخذ وصول حق بیمه از فعالان کسب‌وکار، کارفرمایان و پیمانکاران، دارای ضعف‌های جدی است و ادامه این وضعیت نه تنها فعالیت‌های اقتصادی و فضای کسب‌وکار را تهدید می‌کند، بلکه در میان مدت و بلندمدت بر منابع سازمان نیز تأثیرگذار است. این وضعیت هم فضای کسب‌وکار و هم سازمان تأمین اجتماعی کشور را تحت تأثیر قرار داده است. این در حالی است که مطابق آنچه در ادبیات پژوهش بیان شد اولاً سازمان تأمین اجتماعی وظیفه مهمی در سهولت فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی کشور دارد و ثانیاً موفقیت و کامیابی آن بیش از همه در گرو رعایت اصل سه‌جانبه‌گرایی است که از یک سو منابع سازمان و از سوی دیگر تعدیل مصارف آن وابسته به رعایت این اصل است. دخیل شدن ذی‌نفعان در تصمیم‌گیری‌ها و ضوابط می‌تواند سازوکارهای معیوب موجود را تا حدی بهبود بخشد. چالش‌های موجود در کشور نیازمند اصلاحات لازم در فرایندها و ساختارهای حقوقی، اداری و مالی سازمان تأمین اجتماعی است تا به تسهیل فضای کسب‌وکار منتهی شود. در صورت عدم تسهیل فرایندها و رفع تعارض‌های بین بخش خصوصی و سازمان تأمین اجتماعی می‌تواند تبدیل به بازی باخت-باخت برای هر دو بازیگر اصلی (دولت و مردم) شود.

البته باید توجه داشت که تأثیرات مشکلات اقتصادی بر منابع سازمان بسیار واضح است اما مجامع کارفرمایی نیز بر این موضوع تأکید دارند که برای عبور از بحران‌ها و جبران کمبودهای مالی لازم است تا فضای کسب‌وکار و تولید در حوزه فعالیت‌های این سازمان به‌نحوی مدیریت و تسهیل شود تا منافع حاصل از افزایش سرمایه‌گذاری و ارزش افزوده حاصل از فعالیت‌های سالم اقتصادی موجب رونق اقتصاد و منتفع

شدن همه ذی‌نفعان و بازیگران این عرصه از جمله سازمان تأمین اجتماعی شود. مجامع کارفرمایی بر این عقیده‌اند که سازمان تأمین اجتماعی برای کاهش مسائل و کمبودهای مالی خود نباید به افزایش فشار بر کارفرمایانی متوسل شود که خود در معضلات اقتصادی گرفتارند و هر روز بر مشکلات و موانع آنان افزوده می‌شود. به تعبیر فرانسیس فوکویاما در کتاب نظم و زوال سیاسی، فشار بر فعالان کسب‌وکار؛ «کشتن مرغ تخم‌طلاست» و در این صورت همه زیان خواهند کرد، زیرا دیگر نه کارفرما و بیمه‌شده‌ای خواهد بود و نه شغل و کار و کسبی که بتوان از او بیمه و مالیات گرفت. انجام اصلاحات ساختاری و نهادی در سازمان تأمین اجتماعی با شنیدن صدای ذی‌نفعان و مشارکت آنان می‌تواند راه‌حل مؤثرتر و سازنده‌تری باشد. اگرچه سازمان تأمین اجتماعی همواره تسهیل فضای کسب‌وکار و شنیدن صدای کارفرمایان را طی سال‌های اخیر از طریق برگزاری نشست‌های مشترک با اتاق بازرگانی ایران و سایر مؤسسه‌ها و نهادهای غیردولتی که از کارفرمایان و صاحبان کسب‌وکار نمایندگی می‌کنند، در دستور کار داشته است اما هنوز برخی مشکلات به قوت خود باقی است و صاحبان کسب‌وکار این مسائل را به‌عنوان موانع پیش‌روی خود در خصوص مسائل مرتبط با سازمان تأمین اجتماعی در حوزه کسب‌وکار قلمداد می‌کنند.

باید توجه داشت که کارفرمایان تنها ذی‌نفعان سازمان تأمین اجتماعی نیستند و رعایت سه‌جانبه‌گرایی نیازمند توجه به مشکلات سایر ذی‌نفعان از جمله کارگران و بازنشستگان نیز خواهد بود. توجه یک‌سویه به منافع گروهی ممکن است به زیان سایر گروه‌ها شود. با این حال، از آنجاکه مسائل سایر گروه‌ها در محدوده پژوهش حاضر قرار ندارند به مسائل و چالش‌های آنها اشاره نشده است.

- پیشنهادها

بسیاری از کنشگران عدم رعایت اصل سه‌جانبه‌گرایی را عامل اصلی عدم رعایت حقوق ذی‌نفعان و شرکای اجتماعی سازمان قلمداد می‌کنند. یکی از مصادیق عدم رعایت اصل سه‌جانبه‌گرایی، عدم توازن در ترکیب اعضای هیئت بدوی و تجدیدنظر موضوع مواد (۴۲ تا ۴۵) قانون تأمین اجتماعی است. می‌توان انتظار داشت که یکی از اصلاحات پیشنهادی مهم باید در همین موضوع معطوف باشد و رعایت سه‌جانبه‌گرایی در اولویت قرار گیرد. طبیعتاً در راستای پیروی از رویکرد سه‌جانبه‌گرایی باید انتظار داشت که شرکا در بزنگاه‌های مختلف از جمله تدوین دستورالعمل‌ها مشارکت داشته باشند.

نباید از نظر دور داشت که عوامل کلیدی دیگری نظیر عدم تحقق کامل نظام چندلایه تأمین اجتماعی در کشور، عدم اصلاح قوانین مربوط به بازنشستگی‌های زودرس، تحمیل تعهدات خارج از اصول بیمه‌ای بر سازمان نظیر همسان‌سازی حقوق بازنشستگان، عدم ایفای تعهدات یا تأدیه بدهی‌های دولت و ... که به تشدید کسری منابع سازمان منجر شده است بر سخت‌گیری سازمان در قبال کسب و کارهای اقتصادی در زمینه وصول حق بیمه مؤثر بوده‌اند. بنابراین علاوه بر تقویت و بهبود ساختارهای حقوقی، اداری و مالی سازمان، اعمال برخی اصلاحات ساختاری و پارامتریک در صندوق‌های بازنشستگی و ایفای به‌موقع تعهدات و تأدیه بدهی‌های دولت نیز در این زمینه مؤثر است. به‌عنوان گام مقدماتی استقرار سیستم‌های تلفیقی (وصول یکپارچه بیمه و مالیات)، ایجاد زیرساخت‌های فناوری برای بارگذاری اطلاعات قراردادهای پیمان قبل از انعقاد قرارداد نهایی با پیمانکار و دسترسی سازمان تأمین اجتماعی به برخی اطلاعات سازمان مالیاتی کشور در مورد قراردادهای پیمان نیز می‌تواند علاوه بر کاهش فرار بیمه‌ای به شفافیت در اطلاعات و رفع مشکلات سازمان در وصول حق بیمه کمک شایان توجهی کند. شکل ۲ اهم راهکارهای درون‌زا و برون‌زای مؤثر بر

تسهیل فضای کسب و کار ناشی از وصول حق بیمه را به تصویر کشیده است.

شکل ۲. راهکارهای مؤثر بر بهبود تعامل و رفع تعارض بخش خصوصی و سازمان تأمین اجتماعی



مأخذ: همان.

توضیحات:

- مواردی که با ستاره (*) نشان داده شده‌اند، بیش از همه متوجه مجلس شورای اسلامی است.
- مواردی که علامت بعلاوه (+) نشان داده شده‌اند، بیش از همه متوجه دولت‌هاست.
- مواردی که هر دو علامت فوق را همراه دارند، پیشنهادی برای هر دو نهاد دولت و مجلس است.
- مواردی که با علامت هشتگ (#) نشان داده شده‌اند، بیش از همه متوجه سازمان تأمین اجتماعی است.

منابع و مآخذ

۱. اکبری، محمدعلی (۱۳۹۵). *رفاه اجتماعی در ایران معاصر*، تهران، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
۲. الفت‌پور، محمدعلی و علی آدمی (۱۳۹۲). «صلاحیت هیئت عمومی و شعب دیوان عدالت اداری (نقد رأی شماره ۲۶۱ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری)»، *دوفصلنامه رویه قضایی*، ش ۳.
۳. الکاکی، پیت، مارگارت می و کارن راولینگسون (۱۳۹۸). *مرجع سیاستگذاری اجتماعی*، تهران، انتشارات امام صادق (ع).
۴. پرتو، حمیدرضا و اسداله صحرانورد (۱۳۹۵). «نحوه محاسبه حق بیمه در قراردادهای پیمانکاری»، *مجله کانون وکلای دادگستری مرکز*، سال شصت‌وهشتم، شماره پیاپی ۲۳۴.
۵. تاج مزینانی، علی‌اکبر، غلامرضا غفاری و یاسر باقری (۱۳۹۶). «کنشگران کلیدی میدان تأمین اجتماعی»، *نشریه علوم اجتماعی*، ش ۷۹.
۶. تاج مزینانی، علی‌اکبر (۱۳۹۸). «گزارش سنجش و پایش میزان رضایتمندی و رعایت حقوق کارفرمایان در سازمان تأمین اجتماعی»، تهران، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
۷. حسینی‌الموسوی، سیدمجتبی (۱۳۹۰). «حق تأمین اجتماعی در اسناد حقوق بشر (جهانی و منطقه‌ای) و سازمان بین‌المللی کار با نگاهی به عملکرد برخی از کشورهای اسلامی»، *حقوق بشر*، سال ششم، ش ۱ (پیاپی ۱۱).
۸. دانش‌ناری، زهرا (۱۳۹۷). «جهت ابطال مصوبات سازمان تأمین اجتماعی در رأی وحدت رویه دیوان عدالت اداری (با تأکید بر حمایت از حقوق تأمین اجتماعی)»، *فصلنامه اندیشه‌های حقوق عمومی*، دوره ۸، ش ۱.
۹. دونزولو، ژاک (۱۳۹۵). *ابداع امر اجتماعی (رساله‌ای درباره افول هیجانات سیاسی)*، ترجمه آرام قریب، تهران، نشر شیرازه.
۱۰. رضایی‌زاده، محمدجواد و محمد رئیس‌ی (۱۴۰۰). «آسیب‌شناسی دادرسی اداری در هیئت‌های تشخیص مطالبات سازمان تأمین اجتماعی و ارائه الگوی مطلوب»، *فصلنامه تعالی حقوق*، سال دوازدهم، ش ۱.

۱۱. ریاضی، محسن، میترا مهدوی ایزدی و کبری چاکرالحسینی (۱۳۸۵). «بررسی قوانین و مقررات سازمان تأمین اجتماعی در ارتباط با پیمانکاران (بررسی مشکلات و چالش‌ها و ارائه راهکارهای لازم برای رفع آنها)»، اولین کنفرانس ملی توسعه نظام پیمانکاری در ساختار صنعتی کشور، دانشگاه صنعتی شریف.
۱۲. رئیس جعفری مطلق، رسول، قهرمان عبدلی، علی نصیری‌اقدم، حسین امیری (۱۳۹۹). «بررسی آثار تغییرات جمعیتی بر پایداری مالی صندوق بازنشستگی با استفاده از مدل نسل‌های همپوشان مبتنی بر رویکرد DSGE»، نشریه علمی پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال بیست‌وهشتم، ش ۹۶.
۱۳. سازمان تأمین اجتماعی (۱۳۹۷). حکمرانی خوب، رهنمودهای اتحادیه بین‌المللی تأمین اجتماعی، اداره کل امور بین‌الملل.
۱۴. سالنامه آماری سازمان تأمین اجتماعی در سال (۱۴۰۰). مرکز فناوری اطلاعات، آمار و محاسبات سازمان تأمین اجتماعی.
۱۵. صالحی، علی‌رضا، جواد خلیق و عقیده حیدری (۱۳۹۹)، «تأثیر سیاست‌های کلان بر استقلال مالی و اداری نهادهای نظام تأمین اجتماعی»، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، دوره ۸، ش ۳۲.
۱۶. طرح اصلاح قانون اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی جمهوری اسلامی ایران و اصلاحات و الحاقات بعدی آن (پاییز ۱۴۰۰).
۱۷. طوسی، عباس و جواد کاشانی (۱۳۹۶). «تحلیل حقوقی - اقتصادی حق بیمه‌های پیمانکاری‌ها؛ نقدی بر رویه سازمان تأمین اجتماعی و دیوان عدالت اداری»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال نوزدهم، ش ۵۵.
۱۸. عبدالله میلانی، مهنوش، آرین دانشمند، سلاله توسلی و مانا شعبانی راد (۱۴۰۰). ارتباط عملکردی بین نظام بیمه‌های اجتماعی و نظام مالیاتی، مؤسسه عالی تأمین اجتماعی.
۱۹. عصمتی، زینب و داوود محبی (۱۳۹۴). «مطالعه تطبیقی نقش و حدود دخالت دولت در سازمان تأمین اجتماعی»، فصلنامه تأمین اجتماعی، سال سیزدهم، ش ۲ (پیاپی ۴۷).
۲۰. عصمتی، زینب و حامد کرمی (۱۴۰۰). «حدود دخالت دولت در سازمان تأمین اجتماعی با تأکید بر استقلال اداری و مالی»، فصلنامه دانش حقوق عمومی، دوره ۱۰، ش ۳۴.

۲۱. غلام ابری، امیر (۱۳۹۳). «ارزیابی کارایی شعب سازمان تأمین اجتماعی استان اصفهان»، مدل‌سازی اقتصادی، (۱)۸ (پیاپی ۲۵).

۲۲. قانون برنامه ششم توسعه مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵، مجلس شورای اسلامی.

۲۳. قانون تأمین اجتماعی و الحاقات و اصلاحات آن.

۲۴. کاویانی، کوروش (۱۳۸۶). «ضمانت اجرای عدم پرداخت حق بیمه در سازمان تأمین اجتماعی و راهکارهای آن»، فصلنامه تأمین اجتماعی، ش ۳۰.

۲۵. کمالی، فهیمه، مجید جامی و بهنام مرادخانی ملال (۱۳۹۸). «بررسی راه‌های تأمین مالی با هدف اصلاح شیوه سرمایه‌گذاری در سازمان تأمین اجتماعی (مطالعه موردی: شهرستان زاهدان)»، فصلنامه مطالعات نوین کاربردی در مدیریت، اقتصاد و حسابداری، سال دوم، ش ۲ (پیاپی ۶).

۲۶. گودرزی، فاطمه (۱۴۰۰). «ترسیم نقشه فازی تعالی سازمانی در سازمان تأمین اجتماعی شعبه ۲۵ با رویکرد جایزه کیفیت اروپا»، فصلنامه رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، سال پنجم، ش ۵۵.

۲۷. گیلان، ام‌البین، باقر ساروخانی و سیدمحمد سیدمیرزایی (۱۳۹۸). «بررسی چشم‌انداز سازمان تأمین اجتماعی ایران با روش سوات «فرصت، تهدید، قوت، ضعف»»، نشریه پژوهش‌های جامعه‌شناسی، سال سیزدهم، ش ۱ و ۲.

۲۸. مالکی محمدرضا و همکاران (۱۳۹۹). «بهبود سازوکارهای سازمان تأمین اجتماعی و رفع موانع کسب‌وکار»، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی.

۲۹. محقق‌زاده، مهرداد، مرجان دامن کشیده، هوشنگ مؤمنی وصالیان، مجید افشاری‌راد و علیرضا دقیقی اصلی (۱۳۹۹). «طراحی مدل پایداری مالی در سازمان تأمین اجتماعی با تمرکز بر اصلاحات پارامتریک»، اقتصاد کاربردی، ۱۰ (۳۴-۳۵).

۳۰. محمدپور، احمد (۱۳۹۰). روش تحقیق کیفی، ضد روش ۱ و ۲، نشر جامعه‌شناسان.

۳۱. ملادودی، علی اصغر و مهناز مهنایی (۱۳۹۹). «بررسی و تحلیل ابعاد سرمایه اجتماعی بر عملکرد کارکنان سازمان تأمین اجتماعی (مطالعه موردی: کارمندان شعب شرق تأمین اجتماعی)»، فصلنامه

- مطالعات کاربردی جدید در مدیریت، اقتصاد و حسابداری، سال سوم، ش ۴.
۳۲. ملکی، روح‌اله (۱۳۸۴). «تأمین اجتماعی به‌عنوان یک حق بشری»، فصلنامه حقوق اساسی، ش ۵.
۳۳. مؤسسه ملی تحقیقات اجتماعی کشور دانمارک (۱۳۷۹). دولت رفاه در اروپا: توسعه یا تعطیل؟، تهران، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
۳۴. میرزایی، داود (۱۳۸۴). «نگاهی به شرایط برنامه استراتژیک سازمان تأمین اجتماعی - برنامه‌ریزی راهبردی در بستری از چالش‌های فرارو»، هفته‌نامه آتیه، ش ۵۴۲.
۳۵. میره‌بیگی، سیدوحید (۱۳۹۸). «بررسی نقص اصول بیمه‌ای سازمان تأمین اجتماعی از منظر کنشگران»، فصلنامه تأمین اجتماعی، ش ۵۳.
36. Adam, S. and G. Loutzenhiser (2007). *Integrating Income Tax and National Insurance: An Interim Report* (No. 07/21), IFS Working.
37. Bakirtzi, E., P. Schoukens and D. Pieters (2011). *Case Studies in Merging the Administrations of Social Security Contribution and Taxation*, European Institute of Social Security (EISS).
38. Barrand, P., G. Harrison and S. Ross (2004). *Integrating Tax and Social Security Contribution Collection Within a Unified Revenue Administration: The Experience of Central and Eastern European Countries*, IMF Working Paper (Washington DC: IMF).
39. Depoy, E. and L. Gitlin (2005). *Introduction to Research :Understanding and Applying Multiple Strategies*, Third Edition, Mosby Press.
40. Essers, G. and F. Pennings (2020). “Gaps in Social Security Protection of Mobile Persons: Options for Filling These Gaps”, *European Journal of Social Security*, 22 (2).
41. Gillion, C., J. Turner, C. Bailey and C. Latulippe (2000). *Social Security Pensions: Development and Reform*, Geneva, Switzerland: International Labour Office.
42. Guba, E. G., and Y.S. Lincoln (1982). “Epistemological and Methodological Bases of Naturalistic Inquiry”, *ECTJ*, 30 (4).
43. <https://www.shenasname.ir/tamin/1155-%D8%A8%D8%AE%D8%B4%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87-14>
44. ILO (2018). “Social Dialogue and Tripartism” (Report VI): https://www.ilo.org/wcmsp5/groups/public/ed_norm/relconf/documents/meetingdocument/wcms_624015.pdfILO

45. International Labour Office (2018). *Social Security: A New Consensus*, Geneva.
46. Manchester, J. (1999). "Compliance in Social Security Systems Around the World", In O.S. Mitchell, R.J. Myers and H. Young (Eds.), *Prospects for Social Security Reform* (pp. 295-312), Philadelphia: University of Pennsylvania Press.
47. Mayring, P. (2000). "Qualitative Content Analysis", *Forum Qualitative Social Research*, 1 (2).
48. Maykut, P. and R. Morehouse (1994). *Beginning Qualitative Research*, London, The Falmer Press.
49. Poverty Reduction and Economic Management Unit (2010). *Integration of Revenue Administration: A Comparative Study of International Experience*, World Bank.
50. Rofman, R. and G. Demarco (1999). "Collecting and Transferring Pension Contributions", World Bank Social Protection Discussion Paper No. 9907. www.worldbank.org/pensions.
51. Strauss, Anselm L. and Juliet M. Corbin (1998). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*, Sage Publications.
52. Tepperová, J. (2019). "Personal Income Tax and Social Security Coordination in Cross-Border Employment—a Case Study of the Czech Republic and Denmark", *European Journal of Social Security*, 21 (1).

الزامات استقرار نظام تضمین کیفیت در آموزش عالی و پژوهش ایران

مهدی مهدی*

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۹	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۳	شماره صفحه: ۱۵۷-۱۲۳
-------------------	--------------------------	-------------------------	---------------------

کیفیت نظام آموزش عالی و پژوهش کشور و ایجاد سازوکارهای لازم برای ارزیابی آن، به‌عنوان یکی از مسائل اصلی این حوزه مطرح است. این پژوهش به‌منظور ارائه راهکارهایی برای اصلاح و تکمیل نظام تضمین کیفیت آموزش عالی و پژوهش کشور با بررسی اقدام‌ها و فعالیت‌های ارزیابی گذشته و تحلیل و آسیب‌شناسی وضعیت موجود انجام گرفته است. همچنین، به‌منظور شناسایی تجارب برتر، مطالعه تطبیقی نظام تضمین کیفیت آموزش عالی و پژوهش بر چهار کشور منتخب آمریکا، فرانسه، چین و ترکیه انجام شد. سپس به مطالعه اسنادی قوانین و اسناد بالادستی این حوزه در کشور پرداخته شد و آسیب‌شناسی از فعالیت‌های ارزیابی انجام شده از سوی نهادهای متولی نظام آموزش عالی و پژوهش کشور صورت گرفت. روایی و پایایی پژوهش با روش بررسی متقابل و نظر متخصصان این حوزه مورد تأیید قرار گرفت و یافته‌های پژوهش ۹ آسیب اصلی را مشخص کرد: پراکندگی فعالیت‌های ارزیابی، دولتی و صوری بودن، ضعف رویکرد علمی و تخصصی، غلبه رویکرد کنترلی، مستمر نبودن ارزیابی‌ها، فردگرایی در ارزیابی‌ها، شفافیت پایین فعالیت‌های ارزیابی، کم‌توجهی به ذی‌نفعان مختلف آموزش عالی و پژوهشی، اثربخشی پایین فعالیت‌های ارزیابی. در پایان، برای رفع آسیب‌های موجود پیشنهادهایی ارائه شده است: ایجاد نهاد ملی تضمین کیفیت آموزش عالی، مشارکت دادن ذی‌نفعان مختلف، تغییر رویکرد از درون‌داده‌محوری به برون‌داده‌محوری، انتشار عمومی نتایج ارزیابی و استفاده از آن به‌عنوان ابزار سیاستی، ایجاد سامانه ملی اطلاعات آموزش عالی و پژوهشی و عضویت در شبکه‌های تضمین کیفیت بین‌المللی.

کلیدواژه‌ها: آموزش عالی؛ تضمین کیفیت؛ اعتبارسنجی؛ رتبه‌بندی

چندین دهه است که مقوله کیفیت و ایجاد سازوکارهای لازم برای ارزیابی^۱ آموزش عالی و پژوهش کشور به‌عنوان یکی از مسائل اصلی این حوزه مطرح بوده است. گسترش مؤسسه‌های آموزش عالی، ذی‌نفعان متنوع و متعددی را پدید آورده که برای آنان، ارزیابی کیفیت آموزش عالی و خدماتی که دانشگاه‌ها ارائه می‌دهند، اهمیت پیدا کرده است (فراستخواه، ۱۳۸۷: ۴۳). فرایند ارزیابی در آموزش عالی، جریان عمومی گردآوری و تنظیم داده‌ها و اطلاعات برای تحلیل نظام‌مند و انتقادی برنامه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی است به‌گونه‌ای که به داوری‌ها و توصیه‌هایی برای ارتقا و تعالی کیفیت منجر شود (Vlăsceanu, Grünberg and Pârlea, 2007). نظارت و ارزیابی در آموزش عالی، از یک‌سو وضعیت مطلوب دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی را بازتاب می‌دهد و از سوی دیگر، وضعیت موجود آنها را با وضعیت مطلوب مقایسه می‌کند. بر این اساس، نظارت و ارزیابی به بهبود مستمر و بالا بردن کیفیت دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی و پژوهشی در راستای تحقق رسالت و هدف‌هایشان یاری می‌رساند (بازرگان و فراستخواه، ۱۳۹۶: ۳).

الگوهای مختلفی برای ارزیابی نظام‌های آموزشی وجود دارد که هاوس (۱۹۸۳) آنها را در قالب هشت الگوی کلی شامل الگوی هدف‌گرا، الگوی مدیریت‌گرا (سیپ)^۲، الگوی هدف آزاد، الگوی مبتنی بر نظر خبرگان، الگوی اعتبارسنجی، الگوی مبتنی بر مدافعه، الگوی اجرای عمل و الگوی طبیعت‌گرایانه یا مشارکتی دسته‌بندی می‌کند (بازرگان، ۱۳۹۷). الگوی رایج برای ارزیابی آموزش عالی در سطح ملی، الگوی اعتبارسنجی است (Kumar, Shukla and Passey, 2020). ارزیابی به سبک

1. Evaluation
2. Cipp

اعتبارسنجی، اغلب به دو ترتیب درونی و بیرونی به اجرا درمی آید؛ ارزیابی درونی فرایند خودارزیابی است و طی آن، یاران و ذی‌نفعان مؤسسه یا برنامه با خودآگاهی و داوطلبانه به قصد انتقاد از خود و اصلاح درون‌زا و بهبود و تعالی، ترتیبات منظمی را فراهم می‌آورند. هدف این ترتیبات، فراهم آوردن سامانه‌ای از داده‌ها و اطلاعات لازم برای تأمل و بازبینی در اهداف، درون‌داد، فرایند و عملکرد خود است (بازرگان و فراستخواه، ۱۳۹۶، ۲۰). پس از تکمیل ارزیابی درونی می‌توان به ارزیابی بیرونی اقدام کرد. ارزیابی بیرونی، فرایندی است که طی آن، یک نهاد تخصصی و حرفه‌ای به دعوت یک برنامه یا مؤسسه‌ای که قبلاً ارزیابی درونی انجام داده و گزارش آن را ارائه کرده است، طبق برنامه و روال مشخصی، محل برنامه یا مؤسسه را بازدید و آن را بررسی و بازبینی می‌کند (Vlăsceanu, Grünberg and Pârlea, 2007).

مجموعه فعالیت‌های مورد نیاز برای ارزیابی کیفیت در نظام‌های آموزش عالی در قالب نظام تضمین کیفیت^۱ سامان پیدا می‌کند. «نظام تضمین کیفیت آموزش عالی»، به سیستم هدفمندی از خط‌مشی‌ها، ساختارها، معیارها، سازوکارها، فرایندها و بازخوردها اطلاق می‌شود که از طریق آن کیفیت آموزش عالی مورد ارزیابی و اعتبارسنجی قرار می‌گیرد و با آن، ذی‌نفعان مختلف نسبت به این کیفیت اطمینان می‌یابند (فراستخواه، بازرگان و لوکس، ۱۳۸۶: ۲). هرچند پیشینه نظام‌های تضمین کیفیت آموزش عالی در برخی از کشورها مانند ایالات متحده به چند ده سال می‌رسد، اما عمدتاً از دهه ۱۹۹۰، ضرورت استقرار این نظام‌ها به صورت فراگیر در کشورهای دیگر مطرح شده به طوری که از سال ۱۹۹۱ نهاد بین‌المللی به نام شبکه بین‌المللی نهادهای تضمین کیفیت در آموزش عالی^۲ تأسیس شده است که در حال

1. Quality Assurance (QA)

2. The International Network for Quality Assurance Agencies in Higher Education (INQAAHE)

حاضر، بیش از ۳۰۰ سازمان فعال در زمینه تضمین کیفیت آموزش عالی عضو آن هستند (INQAAHE, 2021).

در ایران، اولین کوشش برای ارزیابی مستمر آموزش عالی در سال ۱۳۷۵ در آموزش پزشکی انجام گرفت (بازرگان، فتح‌آبادی و عین‌الهی، ۱۳۷۹). این اقدام در سال‌های بعد با انجام مطالعات و پژوهش‌های گسترده به منظور ایجاد زیرساخت‌ها و اجزای نظام تضمین کیفیت در آموزش عالی ایران دنبال شد. فراستخواه، بازرگان و قاضی طباطبایی (۱۳۸۶) نظام‌های تضمین کیفیت آموزش عالی را با هم مقایسه کردند تا از رهگذر شناسایی وجوه اشتراک و افتراق آنان، به رهنمودهایی برای شکل‌گیری مؤلفه‌های مختلف نظام تضمین کیفیت آموزش عالی در ایران دست یابند. محمدی، زمانی‌فر و صادقی مهدی (۱۳۹۵) عنصر داوطلبانه یا اجباری بودن را در نظام‌های تضمین کیفیت مورد بررسی قرار داده‌اند. همچنین، تلاش برای تدوین شاخص‌ها و ابزار ارزیابی و تضمین کیفیت (عباس‌پور، مجتبی‌زاده و اکرادی، ۱۳۹۵)، بررسی الگوهای اعتبارسنجی و تضمین کیفیت آموزش عالی از راه دور (محمدی و همکاران، ۱۳۹۳)، شناسایی عوامل شکل‌دهنده (بهشتی‌راد، اردلان و فراستخواه، ۱۳۹۶) و تأثیرگذار بر الگوی تضمین کیفیت آموزش عالی (مجتبی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷) و بررسی وجود رابطه معنادار میان نظام تضمین کیفیت و توسعه پایدار دانشگاه‌ها (شهامت و خاوری، ۱۴۰۰)، از جمله مطالعاتی بوده‌اند که در ربع قرن گذشته انجام شده است.

با این حال، تاکنون ساختارسازی در سطح ملی برای تضمین کیفیت آموزش عالی ایران به نتیجه نرسیده است (جعفری، علم‌الهدی و مظاهری، ۱۳۹۹) و الزامات قانونی این حوزه برای استقرار نظام یکپارچه پایش و ارزیابی (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹) و ایجاد نهاد ملی مدیریت ارزیابی در نظام آموزش عالی کشور (شورای عالی

انقلاب فرهنگی، (۱۳۸۹) محقق نشده است. از این رو، پژوهش حاضر با هدف شناسایی الزامات استقرار نظام تضمین کیفیت در آموزش عالی ایران انجام گرفت. ارائه الگوی مطلوب ساختار و سطوح نظام تضمین کیفیت، وظایف و اختیارات نهادهای متولی، الزامات کارآمدی و منابع و سازوکار تأمین مالی این نظام از اهداف خرد این پژوهش بودند.

۱. روش پژوهش

در این پژوهش از رویکردهای روش کیفی شامل مطالعه تطبیقی و اسنادی استفاده شده است. در بخش مطالعه تطبیقی، براساس معیارهای ورود^۱ شامل تنوع (متمرکز / غیرمتمرکز و دولتی / غیردولتی بودن)، پیشرو بودن و نزدیکی ساختار سیاسی، چهار کشور شامل آمریکا، فرانسه، چین و ترکیه انتخاب شدند و با بهره‌گیری از الگوی بردی^۲ که شامل مراحل توصیف، تفسیر، همجواری و مقایسه است (آقازاده، ۱۳۸۹)، نظام‌های تضمین کیفیت آموزش عالی کشورهای مزبور مطالعه و دلالت‌های آنها برای زیست‌بوم ایران استخراج شدند. سپس با استفاده از روش مطالعه اسنادی، الزامات قوانین و اسناد بالادستی شامل قوانین برنامه‌های توسعه کشور، قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، قانون تشکیل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، نقشه جامع علمی کشور و سیاست‌های کلی علم و فناوری در جهت ایجاد نظام تضمین کیفیت مطلوب شناسایی شدند و بر این اساس، وضعیت موجود ارزیابی در نظام آموزش عالی کشور مورد آسیب‌شناسی قرار گرفت. در نهایت نیز پیشنهادهای سیاستی و اجرایی برای اصلاح و تکمیل فعالیت‌های ارزیابی کنونی

1. Inclusion Criteria

2. Bereday

و استقرار نظام تضمین کیفیت آموزش عالی ارائه شد. همچنین، برای بررسی روایی و پایایی یافته‌های پژوهش از روش بررسی متقابل^۱ و نظر چهار نفر از متخصصان حوزه مربوطه به‌عنوان ممیزان بیرونی^۲ بهره گرفته شد.

۲. یافته‌ها

۲-۱. مطالعه تطبیقی کشورهای منتخب

به‌منظور استفاده از تجارب برتر به مطالعه تطبیقی نظام تضمین کیفیت آموزش عالی در چهار کشور منتخب پرداخته شد. این کشورها، شامل ایالات متحده به‌عنوان یک نظام غیرمتمرکز و غیردولتی، فرانسه به‌عنوان یک نظام متمرکز، چین به‌عنوان یک الگوی شرقی و در حال توسعه و ترکیه به‌عنوان یکی از کشورهای منطقه دارای زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی مشترک بودند. در جدول ۱، این نظام‌ها، از نظر ساختار، تأمین مالی، سطوح ارزیابی، ترکیب هیئت ارزیاب و پیامدهای ارزیابی با یکدیگر مقایسه شده‌اند.

1. Cross Checking
2. External Audits

جدول ۱. ویژگی‌های نظام ارزیابی آموزش عالی کشورهای منتخب

کشورها	ساختار	تأمین مالی	سطوح ارزیابی	ترکیب هیئت ارزیاب	پیامد ارزیابی	منابع
ایالات متحده آمریکا	غیردولتی غیرمتمرکز	- دولت، - مؤسسه‌های اعتبارسنجی شده، - کمک‌های خیریه	- مؤسسه‌های آموزش عالی - دوره‌های تحصیلی	- همتایان علمی - افرادی از بخش خصوصی	- اطمینان از کیفیت - برخورداری از منابع دولتی - کسب اعتماد بخش خصوصی - تسهیل انتقال بین مؤسسه‌ها برای دانشجویان	Eaton, 2015; Eaton, 2017; فراستخواه، ۱۳۸۸؛ شمس مورکانی و میرزاپور، ۱۳۹۱
فرانسه	دولتی - متمرکز	دولت	- مؤسسه‌های آموزش عالی و پژوهشی - دوره‌ها و مدارک تحصیلی - رویه ارزیابی هیئت علمی	- اشخاص حقوقی دولتی - همتایان علمی - کارشناسان بین‌المللی	- تأیید اعتبار دوره‌ها و مؤسسه‌ها - برخورداری از منابع دولتی	فراستخواه، ۱۳۸۸؛ Hirano, 2012; EURYDICE, 2018
ترکیه	نیمه‌متمرکز	دولت	- مؤسسه‌ها - دوره‌های تحصیلی	- همتایان علمی - متخصصان ارزیابی	- مأموریت‌محوری - برخورداری از منابع دولتی	Yilmaz, 2019; EURYDICE, 2021; HEQCT, 2019
چین	متمرکز دولتی	دولت	- مؤسسه‌ها - دوره‌های تحصیلی - آموزش‌های شغلی	- مرتبه دانشجویی به بالا - متخصصان آموزشی - بازنشسته	- تأمین مالی - رتبه‌بندی مؤسسه‌ها - ایجاد دانشگاه تراز بین‌المللی	Statista, 2021; Wang, 2014; Shuiyun, 2016; Li, 2010

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

نظام تضمین کیفیت آموزش عالی کشورها، با وجود داشتن شباهت‌ها، تفاوت‌هایی نیز با یکدیگر دارند. دلالت‌ها و نکات زیر از مطالعه تطبیقی به‌دست آمده است:

۱. ساختار نظام ارزیابی: ساختار نظام ارزیابی آموزش عالی کشورها، ارتباط

مستقیمی با نوع ساختار حکومت و اداره آنها دارد. در کشورهایی، از جمله آمریکا که ساختار اداری کشور تا حد زیادی غیرمتمرکز است، ارزیابی دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی نیز به صورت غیرمتمرکز و با مشارکت قابل توجه بخش غیردولتی صورت می‌گیرد؛ اما در ساختارهای اداری متمرکز، مانند چین، ارزیابی آموزش عالی به صورت دولتی، دیوان‌سالارانه و سلسله‌مراتبی انجام می‌شود. در مجموع، با توجه به کارآمدی بالاتر ساختار غیرمتمرکز، کشورها به سمت تمرکززدایی حرکت می‌کنند؛ به طوری که در سال‌های اخیر چین و ترکیه از ایجاد و فعالیت سازمان‌های تخصصی و غیردولتی ارزیابی حمایت کرده‌اند.

۲. **تأمین مالی ارزیابی:** در نظام‌های آموزشی عالی که اغلب دانشگاه‌های آن دولتی بوده و نهادهای دولتی مسئولیت ارزیابی را برعهده دارند، طبیعی است که دولت تأمین مالی آن را نیز انجام می‌دهد؛ اما روش‌های تأمین مالی سازمان‌های غیردولتی متنوع بوده و از منابعی همچون حق عضویت یا هزینه اعتبارسنجی مؤسسه‌های آموزش عالی، هدایا و خیریه‌ها و کمک‌های دولتی تشکیل شده است.

۳. **سطوح ارزیابی:** دو سطح متداول ارزیابی آموزش عالی، مؤسسه‌های آموزش عالی و پژوهشی و دوره‌ها یا برنامه‌های تحصیلی هستند. ارزیابی سطح مؤسسه به صورت عمومی را نهادهای ارزیابی ملی یا منطقه‌ای و ارزیابی سطح برنامه‌ها به صورت تخصصی را سازمان‌های تخصصی انجام می‌دهند. علاوه بر اینها، سطوح دیگری نیز برای ارزیابی، مانند واحدهای پژوهشی وابسته به دانشگاه‌ها (در ترکیه)، مقررات و رویه‌ها (فرانسه) یا اعضای هیئت علمی، دانشجویان و تدوین منابع آموزشی (در چین) وجود دارد.

۴. **ترکیب هیئت ارزیابی:** فرایند ارزیابی آموزش عالی اغلب کشورها، مشابه

و ترکیبی از ارزیابی درونی و بیرونی است. مرحله اول ارزیابی، خودارزیابی مؤسسه‌ها یا برنامه‌های تحصیلی است که به صورت خودجوش و داوطلبانه (به جز چین که الزامی است) انجام می‌شود و با بررسی همتایان، بازدید هیئت ارزیاب و تهیه و انتشار عمومی گزارش ارزیابی ادامه پیدا می‌کند. برای جلوگیری از تعارض منافع، در ترکیب هیئت ارزیابی باید ذی‌نفعان مختلف حضور داشته باشند. تعداد اعضای هیئت ارزیابی، ۵ تا ۱۱ نفر است و حضور نماینده نهاد ارزیابی، همتایان علمی (بالاتر از مرتبه دانشیاری)، نماینده‌ای از کارفرمایان بازار کار، نماینده دانشجویان و متخصصان ارزیابی در ترکیب آن می‌تواند اعتبار ارزیابی را افزایش دهد.

۵. **پیامد ارزیابی:** پیامد اصلی ارزیابی، اطمینان یافتن از وجود کیفیت در خدمات مؤسسه‌های آموزش عالی و پژوهشی است که دانشجویان و کارفرمایان را برای استفاده از خدمات آنها مجاب می‌کند، افراد و بنیادهای خصوصی نسبت به انجام کمک‌های مالی ترغیب می‌شوند و توجیه لازم برای تخصیص منابع عمومی فراهم می‌شود. در همه کشورهای بررسی شده، ارزیابی مؤسسه‌ها با تأمین مالی دولتی گره خورده است و برخورداری از بودجه یا حمایت‌های مالی دولتی به شرکت در ارزیابی و کسب عملکرد مورد نظر مشروط شده است. ازجمله پیامدهای دیگر ارزیابی را می‌توان به تأیید اعتبار دوره‌های تحصیلی جاری، مأموریت‌گرایی، توسعه اهداف متنوع و رتبه‌بندی و مقایسه مؤسسه‌ها اشاره کرد.

۲-۲. الزامات قوانین و اسناد بالادستی

اسناد بالادستی و قوانین متعددی در حوزه آموزش عالی و علم و فناوری وجود دارد که الزامات و دلالت‌هایی را برای سروسامان دادن به ارزیابی در این حوزه تعیین کرده‌اند.

در این پژوهش، قوانین برنامه‌های توسعه پنج‌ساله اقتصادی و اجتماعی (پس از انقلاب اسلامی) (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۸، ۱۳۷۳، ۱۳۷۹، ج ۱۳۸۳، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۶)، قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (مجلس شورای اسلامی، ب ۱۳۸۳)، قانون تشکیل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴)، سند نقشه جامع علمی کشور (شورای انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۹) و سیاست‌های کلی علم و فناوری^۱ (۱۳۹۳) مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. خلاصه‌ای از مواد و بندهای مرتبط این قوانین در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. سوابق قانونی ارزیابی آموزش عالی در ایران

ردیف	سیاست / قانون	ماده / بند	متن
۱	برنامه اول توسعه	خط‌مشی‌ها- بند ۳	- گسترش آموزش عالی با توجه کامل به ارتقای کیفی آموزش و انطباق آن با اولویت‌های برنامه، - حداکثر بهره‌برداری از ظرفیت‌های علمی، فنی، تخصصی و تحقیقاتی کشور.
۲	برنامه دوم توسعه	سیاست‌های کلی برنامه	ایجاد نظام ارزشیابی و بازنگری برنامه‌های آموزشی، بهبود شاخص‌های کمی و کیفی و افزایش سهم اعتبارات آموزش عالی.
۳	برنامه سوم توسعه	ماده ۹۹	به‌منظور انسجام بخشیدن به امور اجرایی و سیاست‌گذاری نظام علمی کشور، از ابتدای برنامه سوم توسعه کشور، «وزارت فرهنگ و آموزش عالی» به «وزارت علوم، تحقیقات و فناوری» تغییر نام می‌یابد و وظایف برنامه‌ریزی، حمایت و پشتیبانی، ارزیابی و نظارت، بررسی و تدوین سیاست‌ها و اولویت‌های راهبردی در حوزه‌های تحقیقات و فناوری به وظایف وزارتخانه مذکور افزوده می‌شود.
۴	برنامه چهارم توسعه	ماده ۴۹	ج) ارزیابی مستمر دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و مؤسسات پژوهشی دولتی و خصوصی توسط وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با همکاری انجمن‌های علمی و مداخله براساس آن و سرمایه‌گذاری در علوم منتخب.

1. <https://www.leader.ir/fa/content/12395/www.leader.ir>

الزامات استقرار نظام تضمین کیفیت در آموزش عالی و پژوهش ایران _____ ۱۳۳

ردیف	سیاست / قانون	ماده / بند	متن
		ماده ۱۵	ب) تدوین و ارتقای شاخص‌های کیفی به‌خصوص در رشته‌های علوم انسانی و استقرار نظام جامع نظارت و ارزیابی و رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی براساس شاخص‌های مورد تأیید وزارتخانه‌های مذکور منوط به عدم مغایرت با مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی با هدف ارتقای کیفیت آموزشی و پژوهشی.
۵	برنامه پنجم توسعه	ماده ۱۶	و-۶. استقرار نظام یکپارچه پایش و ارزیابی علم و فناوری کشور تحت نظر شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری با هماهنگی مرکز آمار ایران جهت رصد وضعیت علمی کشور و ارائه گزارش سالانه به کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی.
		ماده ۲۲۴	کلیه دستگاه‌های اجرایی و مراکز تحقیقاتی وابسته به آنها و شرکت‌های دولتی که از اعتبارات بخش تحقیقات کشور استفاده می‌کنند، موظفند این اعتبارات را براساس سیاست‌ها و اولویت‌های تعیین شده توسط شورای عتف هزینه نمایند و هر سه ماه یک‌بار گزارش عملکرد خود را به دبیرخانه شورای عتف ارائه دهند.
۶	برنامه ششم توسعه	ماده ۶۶	هدف‌گذاری و تعیین شاخص برای ارتقای کیفیت آموزش عالی و پژوهش و فناوری شامل: الف) سهم دانشجویان خارجی؛ سهم دانشجویان غیردولتی؛ نسبت دانشجویان به هیئت علمی؛ ب) تعداد دانشجویان؛ نرخ ناخالص ثبت‌نام؛ سهم دانشجویان مقاطع تحصیلی؛ سهم آموزش‌های مهارتی؛ تعداد دانشجویان تحصیلات تکمیلی علوم پایه؛ تعداد دانشگاه‌های در زمره صد دانشگاه برتر آسیا؛ تعداد شعب خارجی دانشگاه‌های کشور؛ ج) رتبه تولید مقاله؛ شاخص هرش در جهان؛ سهم اعتبارات پژوهش دولتی؛ تعداد اختراعات و ابداعات؛ سهم محصولات با فناوری متوسط به بالا؛ تعداد پژوهشگران؛ تعداد نشریات نمایه‌شده بین‌المللی.

ردیف	سیاست / قانون	ماده / بند	متن
۷	قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۸۳)	ماده ۲- مأموریت‌های اصلی و حدود اختیارات	الف- ۱۰. ارزیابی جامع عملکرد نظام ملی علوم، تحقیقات و فناوری شامل پیشرفت‌ها، شناخت موانع و مشکلات و تدوین و ارائه گزارش سالانه.
			ب- ۴. تعیین ضوابط، معیارها و استانداردهای علمی مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی، رشته‌ها و مقاطع تحصیلی با رعایت اصول انعطاف، پویایی، رقابت و نوآوری علمی.
			ب- ۵. نظارت بر فعالیتهای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی کشور.
			ب- ۶. ارزیابی مستمر فعالیت هرگونه واحد آموزش عالی و یا مؤسسه تحقیقاتی (اعم از دولتی و غیردولتی) و جلوگیری از ادامه فعالیت، تعلیق فعالیت و یا انحلال هر یک از آنها در صورت تخلف از ضوابط و یا از دست دادن شرایط ادامه فعالیت براساس اساسنامه‌های مصوب.
			ب- ۱۰. ارزیابی و اعتبارسنجی علمی دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی به صورت مستقیم و یا از طریق حمایت از انجمن‌های مستقل علمی، تخصصی و فرهنگستان‌ها در ارزیابی علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات انتشار نتایج در محافل علمی و ارائه گزارش سالانه به کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی و سایر مراجع ذی صلاح.
			ب- ۱۱. تأیید اساسنامه و صدور مجوز ایجاد یا توسعه هرگونه واحد آموزش عالی یا مؤسسه تحقیقاتی (اعم از دولتی یا غیردولتی)، رشته‌ها و مقاطع تحصیلی.
۸	قانون تشکیل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (۱۳۶۴)	ماده ۲	با تصویب این قانون و تشکیل وزارت بهداشت، آن قسمت از وظایف، اختیارات، امکانات، اعتبارات و تعهدات وزارت فرهنگ و آموزش عالی در زمینه بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به این وزارت منتقل می‌گردد.
		ماده ۳	معاونت پژوهشی این وزارت موظف است نظارت بر پژوهش‌های علمی و هماهنگ ساختن واحدهای تحقیقاتی پزشکی، مؤسسات و واحدهای پژوهشی پزشکی موجود را توسعه داده و تقویت نماید.
		ماده ۶- تبصره ۳	کلیه ضوابط و مقررات آموزشی حاکم بر سایر دانشگاه‌های کشور و اعلام شده از شورای عالی انقلاب و وزارت فرهنگ و آموزش عالی در مورد دانشگاه‌های علوم پزشکی حاکم و جاری خواهد بود.

الزامات استقرار نظام تضمین کیفیت در آموزش عالی و پژوهش ایران _____ ۱۳۵

ردیف	سیاست / قانون	ماده / بند	متن
		ماده ۸	کلیه مؤسسات و واحدهای بهداشتی و درمانی و پزشکی کشور که از طریق بخش خصوصی و غیردولتی در امر بهداشت و درمان فعالیت دارند، باید تحت نظارت و کنترل و برنامه‌ریزی این وزارتخانه قرار گیرند.
۹	نقشه جامع علمی کشور (۱۳۸۹)	راهبرد کلان ۱- راهبرد ملی ۶	اصلاح فرایندها و ساختارهای نظارت و ارزیابی علم، فناوری و نوآوری ملی و تعیین استانداردهای بومی در حوزه علم و فناوری در چارچوب نیازهای اقتصادی و اجتماعی کشور.
		راهبرد کلان ۱- اقدام ملی ۱۱	طراحی نظام کارآمد برای نظارت و ارزیابی و استقرار نظام‌های جامع رتبه‌بندی و تضمین کیفیت نهادهای علمی و فناوری و نوآوری با تأکید بر حفظ حقوق متقاضیان و شفاف‌سازی و رونق بازار عرضه و تقاضا.
		راهبرد کلان ۶- راهبرد ملی ۲	انسجام‌بخشی و تقویت یکپارچگی در سیاستگذاری و نظارت و اعتبارسنجی در نظام آموزش عالی کشور.
		راهبرد کلان ۶- اقدام ملی ۹	ایجاد نهاد ملی مدیریت ارزیابی و اعتبارسنجی و تضمین کیفیت در نظام آموزش عالی تحت نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی.
		راهبرد کلان ۷- اقدام ملی ۱	ارزیابی و دسته‌بندی مؤسسات پژوهشی و تعیین جایگاه تشکیلاتی مناسب آنها بین وزارتخانه‌ها، دستگاه‌های علمی، صنعتی و اجرایی، شفاف‌سازی مأموریت آنها.
		راهبرد کلان ۷- اقدام ملی ۷	لحاظ نمودن میزان رفع نیازهای جامعه در شاخص‌های رتبه‌بندی مراکز تحقیقاتی و دانشگاهی و نظام انگیزشی پژوهشگران و فناوران.
		راهبرد کلان ۹- اقدام ملی ۲۲	مشارکت فعال در تنظیم معیارها و اهداف نظام اعتبارسنجی و رتبه‌بندی مراکز آموزش عالی در منطقه و جهان اسلام.
		۱۰	سیاست‌های کلی علم و فناوری

مأخذ: همان.

با بررسی سوابق قانونی ملاحظه شد که موضوع ارزیابی نظام آموزش عالی و علم و فناوری از حدود دو دهه قبل به عرصه سیاست‌ها و قوانین کشور راه پیدا کرده است. در ابتدا، به اهمیت مسئله ارزیابی در آموزش عالی کشور اذعان شده و بر انجام ارزیابی‌های مستمر دانشگاه‌ها از سوی دستگاه‌های متولی (از جمله وزارت علوم و وزارت بهداشت) تأکید شده است. به مرور زمان، با تقویت گفتمان کیفیت و توسعه ادبیات ارزیابی آموزش عالی، بر جامع‌نگری و غنای قوانین جدید نیز افزوده شده است؛ به طوری که از موضوع‌هایی مانند «تعیین ضوابط، معیارها و استانداردهای علمی»، «استقرار نظام جامع نظارت و ارزیابی و رتبه‌بندی» و «اعتبارسنجی علمی دانشگاه‌ها» سخن به میان آمده است و «ایجاد نهاد ملی مدیریت ارزیابی و اعتبارسنجی و تضمین کیفیت» در نظام آموزش عالی کشور ضروری دانسته شده است. با تلفیق و جمع‌بندی الزامات قوانین و اسناد بالادستی در مورد ارزیابی و تضمین کیفیت در آموزش عالی و علم و فناوری کشور، نکات اساسی زیر به دست می‌آید:

۱. ابعاد و محورهای اصلی نظام ارزیابی و تضمین کیفیت شامل موارد زیر خواهد بود:

- گسترش آموزش عالی و اعطای مجوز ایجاد و توسعه مؤسسه‌ها و رشته‌ها،
- ارزیابی و بازنگری برنامه‌های آموزشی و درسی،
- ارزیابی دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی و پژوهشی (دولتی و خصوصی)،
- تعیین ضوابط، معیارها، شاخص‌ها و استانداردهای کمی و کیفی برای سنجش عملکرد آموزشی، پژوهشی و فناوری،
- رتبه‌بندی مؤسسه‌های آموزش عالی و پژوهش و فناوری.

۲. در خصوص ارزیابی و تضمین کیفیت، قوانین مشابهی برای وزارتخانه‌های علوم و

بهداشت وضع شده است و وظایف مشابهی نسبت به ارزیابی مراکز آموزش عالی و مؤسسه‌های پژوهشی زیر نظر خود دارند؛

۳. بر استفاده و همکاری با انجمن‌های علمی، نهادهای تخصصی و فرهنگستان‌ها در ارزیابی دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی تأکید شده است؛

۴. طبق برنامه پنجم توسعه، استقرار نظام یکپارچه ارزیابی علم و فناوری در کشور باید تحت نظر شورای عتف باشد و نقشه جامع علمی کشور نیز شورای عالی انقلاب فرهنگی را محل ایجاد نهاد ملی مدیریت ارزیابی و تضمین کیفیت تعیین کرده است.

۲-۳. آسیب‌شناسی وضعیت موجود

در نظام آموزش عالی ایران، نهادهای متعددی سیاستگذاری و مدیریت این حوزه را برعهده دارند که مهم‌ترین آنها، شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است. در این قسمت، با بررسی فعالیت‌های ارزیابی نهادهای مزبور، آسیب‌شناسی از وضعیت موجود انجام شده است.

۱. **پراکندگی فعالیت‌های ارزیابی:** فعالیت‌های ارزیابی گسترده‌ای در نظام آموزش عالی و علم و فناوری کشور در حال انجام است. هریک از نهادهای شورای عالی انقلاب فرهنگی (مجلس شورای اسلامی، الف ۱۳۸۳)، سازمان اداری و استخدای، شورای عتف، معاونت علمی و فناوری، وزارت علوم (مرکز نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت، ۱۴۰۰)، وزارت بهداشت (چنگیز و همکاران، ۱۴۰۰) و موارد دیگر، شاخص‌هایی را در زمینه آموزش عالی و پژوهشی تهیه کرده‌اند و مدعی ارزیابی بخش‌هایی از آن هستند. یکی از دلایل این مسئله، وجود دستگاه‌های متولی چندگانه برای سیاستگذاری و مدیریت نظام آموزش عالی و علم و فناوری کشور است به طوری که تفکیک وظایف آنها به وضوح

مشخص نیست. با این حال، می‌توان ساختار منسجمی برای تضمین کیفیت ایجاد کرد و سیاستگذاری و مدیریت تمامی فعالیت‌های ارزیابی را در نهاد ارزیابی واحدی متمرکز ساخت و تقسیم وظایف مناسبی را در سطوح مختلف ارزیابی ایجاد کرد تا دستگاه‌های مختلف بتوانند از نتایج فعالیت‌های یکدیگر بهره‌گیرند.

۲. **دولتی و صوری بودن**: در حال حاضر، تمامی فعالیت‌های ارزیابی آموزش عالی در سطوح مختلف را مراکز دولتی و با رویکرد بالا به پایین انجام می‌دهند. در این حالت، با توجه به اینکه هر دو نظارت‌کننده و نظارت‌شونده وابسته به دولت هستند، انجام نظارت و ارزیابی واقعی، شفاف و منظم دشوار و تا حدی ناممکن است. همچنین، ارزیابی دولتی تأثیر عوامل سیاسی را در مسئله ارزیابی پررنگ می‌سازد، انگیزه کافی برای فعالیت‌های داوطلبانه خودارزیابی، خودتنظیمی و خودحسابرسی ایجاد نمی‌کند و به صوری شدن فرایندها و نتایج ارزیابی منجر می‌شود.

۳. **ضعف رویکرد علمی و تخصصی**: فعالیت‌های ارزیابی آموزش عالی در کشور هنوز با رویکردهای علمی و تخصصی فاصله دارد و نتوانسته تأیید و حمایت صاحب‌نظران این حوزه را به خود جلب کند. فعالیت‌های ارزیابی، از قبیل سیاستگذاری تضمین کیفیت، طراحی سازوکارها و فرایندها، تدوین شاخص‌ها، اجرای ارزیابی، گردآوری اطلاعات، تحلیل و تفسیر نتایج ارزیابی را عمدتاً کارکنان و کارشناسان دولتی بدون مشارکت سازمان‌های حرفه‌ای، متخصصان رشته‌های مختلف و صاحب‌نظران ارزیابی (ملی و بین‌المللی) انجام می‌دهند. به همین دلیل، از لحاظ اعتبار علمی دچار چالش بوده و از کسب مشروعیت در میان جامعه علمی و دانشگاهی ناتوان است.

۴. **غلبه رویکرد کنترلی** : عمده فعالیت‌های ارزیابی، بر ورودی‌ها و فرایندهای نظام آموزش عالی و پژوهشی تمرکز دارند و نسبت به سنجش نتایج و عملکرد آنها، کم‌توجهی وجود دارد. به‌عنوان نمونه در وزارت علوم، آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و فرم‌های زیادی در زمینه آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و اجتماعی، دانشجویی، صنفی و رفاهی و موارد دیگر تهیه و تصویب و به مؤسسه‌های آموزش عالی و پژوهشی ابلاغ شده است که جزئیات این امور را تعیین کرده و الزامات زیادی را به آنها تحمیل می‌کند (معاونت حقوقی و امور مجلس، ۱۴۰۰). غلبه رویکرد کنترلی، ضمن اینکه نوآوری‌ها، طرح‌های تحولی و اقدام‌های درون‌زای مؤسسه‌ها را محدود می‌سازد، به بی‌معنا شدن ارزیابی عملکرد و تقلیل آن به نظارت بر میزان رعایت مقررات و دستورالعمل‌های ابلاغی منجر می‌شود.

۵. **مستمر نبودن ارزیابی‌ها** : اغلب ارزیابی‌های گذشته، فاقد استمرار و برنامه زمانی با ثبات بوده‌اند. ارزیابی کلان و خرد علم و فناوری توسط معاونت فرهنگی و علمی شورای عالی انقلاب فرهنگی از سال ۱۳۸۳ شروع شد (مجلس شورای اسلامی، الف ۱۳۸۳) و بعد از چند مرحله متوقف شده و در دهه اخیر گزارشی را این نهاد منتشر نکرده است. تعداد ارزیابی‌های درونی گروه‌های آموزشی تا سال ۱۳۸۹ روندی صعودی داشته و پس از آن کاهش پیدا کرده است (سازمان سنجش آموزش کشور، ۱۳۹۶). در سال‌های اخیر، مرکز نظارت و ارزیابی وزارت علوم اقدام‌هایی را در زمینه تدوین مقررات و طراحی سازوکارهای ارزیابی انجام داده است (مرکز نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت، ۱۴۰۰)، اما هنوز گزارشی از دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی ارزیابی شده منتشر نکرده است. از طرف دیگر، بخش مهمی از ارزیابی و تضمین کیفیت که باید نسبت به دوره‌ها و برنامه‌های تحصیلی صورت گیرد، تنها به‌شکل پیشینی و در مرحله اعطای مجوز تأسیس

و اخذ دانشجو انجام می‌شود و از بررسی‌های دوره‌ای در راستای اصلاح مستمر آنها متناسب با نیازهای روز غفلت می‌شود.

۶. فردگرایی در ارزیابی‌ها: به‌جز موارد اندکی از فعالیت‌های ارزیابی، مانند

رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی که به کلیت این مؤسسه‌ها مربوط می‌شود (پایگاه استنادی علوم جهان اسلام، ۱۳۹۸)، عمده فعالیت‌های دیگر، واحدهای جزئی و افراد حاضر در این مؤسسه‌ها (اعضای هیئت علمی، کارکنان و دانشجویان) را مورد هدف قرار داده‌اند. رویکرد فعلی ارزیابی‌ها به‌نحوی است که به ایجاد هویت سازمانی و منافع مشترک در میان گروه‌های آموزشی دانشگاه‌ها، گروه‌های پژوهشی مؤسسه‌های پژوهشی و کلیت این مؤسسه‌ها منجر نمی‌شود. هر فردی به‌صورت جداگانه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و احساس مسئولیتی نسبت به جهت‌گیری‌ها و فعالیت‌های کلان مؤسسه ایجاد نمی‌شود. این در حالی است که عملکرد یک مجموعه برابر با مجموع عملکرد یکایک اعضای آن نیست و ارزیابی بیرونی باید از فردگرایی به سطح گروه و سازمان ارتقا یابد.

۷. شفافیت پایین فعالیت‌های ارزیابی: نهادها و سازمان‌هایی که مسئولیت

تضمین کیفیت نظام آموزش عالی و علم و فناوری را برعهده دارند، باید مأموریت‌ها، فرایندها، استانداردها و شاخص‌های ارزیابی روشنی داشته باشند که به‌طور عمومی در اختیار دیگران قرار گیرد. همچنین، گزارش کامل یا خلاصه ارزیابی‌های بیرونی نیز باید به‌صورت عمومی منتشر شده و در اختیار ذی‌نفعان قرار داده شود. در حال حاضر، به‌جز نتایج رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی، گزارش دیگری از ارزیابی‌های بیرونی مؤسسه‌ها و دوره‌های تحصیلی منتشر نمی‌شود و گستره فعالیت‌های ارزیابی و سطح کیفی مؤسسه‌ها و دوره‌ها در حاله‌ای از ابهام قرار دارد.

۸. **کم توجهی به ذی نفعان مختلف**: برای اطمینان از معناداری ارزیابی‌های بیرونی، نهادهای تضمین کیفیت باید اعتماد مؤسسه‌های آموزش عالی و پژوهشی را به دست آورد. این نهادها، باید زمینه مشارکت ذی نفعان مختلف شامل مدیران مؤسسه‌ها و گروه‌های آموزشی و پژوهشی، اعضای هیئت علمی، کارکنان غیر هیئت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان، کارفرمایان بازار کار را در ساختار نهادها، شوراها، کمیته‌های تخصصی و هیئت‌های ارزیابی فراهم سازند. در حال حاضر، ترکیب شورای نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت وزارت علوم و کمیسیون‌های تخصصی آن در آیین‌نامه مربوطه، عمدتاً از جایگاه‌های رسمی و تعداد کمی اعضای هیئت علمی تشکیل شده است و ذی نفعان دیگر نادیده گرفته شده‌اند (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۹۵). ترکیب کمیسیون ملی اعتباربخشی دانشگاه‌های علوم پزشکی وزارت بهداشت (دبیرخانه شورای گسترش دانشگاه‌های علوم پزشکی، ۱۳۹۸) نیز از این قاعده پیروی می‌کند.

۹. **اثربخشی پایین فعالیت‌های ارزیابی**: با وجود فعالیت‌های ارزیابی موجود، نتایج ارزیابی فاقد منافع و کارکردهای مورد انتظار هستند. کارفرمایان و مشتریان، چندان به گزارش‌های ارزیابی رسمی و نتایج رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی توجه نمی‌کنند. دانشجویان در انتخاب دانشگاه‌ها به نتایج این ارزیابی‌ها استناد نمی‌کنند و صرفاً بر تصور رایج درباره جایگاه مؤسسه‌های آموزشی اکتفا می‌کنند. نتایج ارزیابی ارتباطی با بهره‌مندی از بودجه دولتی نیز ندارد و مؤسسه‌های آموزش عالی و پژوهشی دولتی با هر سطحی از کیفیت، از این منبع مالی محروم نمی‌شوند. به نظر می‌رسد تأثیرگذار نبودن نتایج ارزیابی بر ادامه فعالیت مؤسسه‌های آموزش عالی و پژوهشی و تخصیص بودجه دولتی به پایین بودن اثربخشی فعالیت‌های ارزیابی، بهبود نیافتن عملکردها و ضعف

پاسخگویی منجر شده است. از این رو، شاید بتوان جدی‌ترین فعالیت ارزیابی در نظام آموزش عالی و پژوهشی کشور و قلب تپنده آن را عبارت از ارزیابی اعضای هیئت علمی دانست که در قالب آیین‌نامه ارتقای اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی و پژوهشی انجام می‌گیرد (یوسفی، ۱۴۰۰). ارزیابی اعضای هیئت علمی، به دلیل تأثیری که در تعیین مرتبه علمی و حقوق و مزایای دریافتی دارد، به‌ویژه در دو دهه اخیر، نقش زیادی در جهت‌دهی به فعالیت‌های اعضای هیئت علمی و نتایج نظام آموزش عالی و پژوهشی در کل داشته است.

۳. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

این پژوهش، با هدف شناسایی الزامات استقرار نظام تضمین کیفیت در آموزش عالی و پژوهش ایران انجام شد. آسیب‌شناسی که با توجه به استخراج الزامات قوانین و اسناد بالادستی کشور و نیز مطالعه تطبیقی برخی کشورها صورت گرفت، نشان داد فعالیت‌های ارزیابی کنونی در حوزه آموزش عالی و پژوهش کشور با ۹ آسیب اصلی شامل پراکندگی فعالیت‌های ارزیابی، دولتی و صوری بودن، ضعف رویکرد علمی و تخصصی، غلبه رویکرد کنترلی، مستمر نبودن ارزیابی‌ها، فردگرایی در ارزیابی‌ها، شفافیت پایین فعالیت‌های ارزیابی، کم‌توجهی به ذی‌نفعان و اثربخشی پایین فعالیت‌های ارزیابی مواجه است. برخی از این آسیب‌ها در پژوهش‌های گذشته نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند؛ بازرگان و فراستخواه (۱۳۹۶)، فعالیت‌های پراکنده ارزیابی و اداری شدن ارزیابی کیفیت را از مسائل ارزیابی آموزش عالی ایران عنوان کرده‌اند که با آسیب‌های پراکندگی فعالیت‌های ارزیابی و دولتی و صوری بودن آنها تناسب دارد. حاتمی، محمدی و اسحاقی (۱۳۹۰) نیز به غلبه رویکرد نظارتی و تمرکزگرایانه

دولت اشاره کرده‌اند.

منتظر (۱۳۹۸) مغایر بودن تعاریف و آمارها در گزارش‌های مربوط به ارزیابی فعالیت‌های پژوهشی را یکی از مشکلات آن دانسته است. وی این مشکل را به‌همراه کمبود داده‌ها و اطلاعات از یک‌طرف و نبود استانداردهای مدون از طرف دیگر که در اغلب زیرنظام‌های آموزش عالی و پژوهشی وجود دارد، در قالب آسیب «شفافیت پایین فعالیت‌های ارزیابی» صورت‌بندی کرده است. همچنین در این پژوهش، موضوع عدم استفاده از نتایج ارزیابی در تصمیمات مربوط به ادامه فعالیت مؤسسه‌ها و تخصیص بودجه دولتی به آنها، به‌عنوان یکی از عوامل اثربخشی پایین فعالیت‌های ارزیابی مطرح شد که با یافته‌های یوسفی (۱۴۰۱) مبنی بر لزوم عملکرد محوری در تخصیص بودجه دولتی همسویی دارد. درنهایت، نظام تضمین کیفیت آموزش عالی ایران همان‌گونه که بازرگان و فراستخواه (۱۳۹۶) از آن با عنوان «فقدان نظام فرارزیابی» یاد کرده‌اند، مستلزم ایجاد و استقرار نهادهای فرادانشگاهی و ملی اعتبارسنجی است؛ اما به‌رغم تلاش‌های گذشته، هنوز گام‌های منسجم برای استقرار نظام ارزیابی و اعتبارسنجی در سطح کل نظام آموزش عالی و پژوهش کشور برداشته نشده است؛ از این‌رو، در ادامه پیشنهادها و راهکارهایی بدین‌منظور ارائه شده‌اند:

۱. تکمیل و انسجام‌بخشی به ساختار نظام تضمین کیفیت: در این

مطالعه، طراحی نظام تضمین کیفیت آموزش عالی کشور، مبتنی بر رایج‌ترین الگوی موجود، یعنی الگوی اعتبارسنجی (ترکیب ارزیابی درونی و ارزیابی بیرونی) صورت گرفته است. ساختار مطلوب تضمین کیفیت دارای چهار جزء اصلی خواهند بود که عبارتند از: نهاد ملی تضمین کیفیت، مراکز نظارت و ارزیابی کیفیت وزارتخانه‌ای، سازمان‌های غیردولتی و تخصصی اعتبارسنجی، واحدهای نظارت و ارزیابی دانشگاه‌ها، مؤسسه‌های آموزش عالی و پژوهشی.

الف) نهاد ملی تضمین کیفیت: در حال حاضر، هر دو وزارتخانه علوم و بهداشت دارای مراکزی با عنوان مرکز نظارت و ارزیابی یا عناوین دیگری هستند که مسئولیت نظارت و ارزیابی بیرونی کیفیت مؤسسه‌های آموزش عالی و پژوهشی را برعهده دارند؛ همچنین، برخی از دانشگاه‌ها و مؤسسه‌ها به ایجاد واحدهای ارزیابی کیفیت در ساختار خود اقدام کرده‌اند؛ باین حال، تاکنون هیچ نهادی به‌عنوان نهاد ملی تضمین کیفیت ایجاد نشده است. پیشنهاد این مطالعه، تأسیس «نهاد ملی تضمین کیفیت آموزش عالی، پژوهش و فناوری» در زیرمجموعه شورای عالی انقلاب فرهنگی است. شورای عالی انقلاب فرهنگی، عالی‌ترین نهاد سیاستگذار در حوزه آموزش عالی و علم و فناوری کشور به‌شمار می‌رود و مصوبات آن برای تمامی نهادهای این حوزه‌ها لازم‌الاجراست. از نظر اسناد بالادستی نیز نقشه جامع علمی کشور بر تأسیس نهاد ملی مدیریت ارزیابی، اعتبارسنجی و تضمین کیفیت زیر نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی تأکید کرده است.^۱ در ترکیب نهاد ملی تضمین کیفیت، باید نمایندگان از طرف همه زیرنظام‌های آموزش عالی و علم و فناوری، شامل وزارت علوم، وزارت بهداشت، کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس، معاونت تربیت و آموزش نیروهای مسلح، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه پیام‌نور، نمایندگان از دستگاه‌های دولتی طرف تقاضای آموزش عالی (مانند وزارت صمت، وزارت کار و غیره)، نماینده‌ای از بازار کار غیردولتی، چند نفر از اعضای هیئت علمی و صاحب‌نظران حوزه ارزیابی و نماینده دانشجویان حضور داشته باشند. مهم‌ترین وظایف و اختیارات این نهاد شامل موارد زیر خواهد بود:

۱. بررسی و تصویب سیاست‌ها، اصول و برنامه‌های کلی نظام تضمین کیفیت آموزش عالی اعم از آموزشی، پژوهشی، فناوری، فرهنگی و اجرایی؛

۱. نقشه جامع علمی کشور، اقدام ملی ۹ از راهبرد کلان ۶.

۲. بررسی و تصویب شاخص‌ها و استانداردهای ملی در زمینه ارزیابی کیفیت نظام آموزش عالی و علم و فناوری؛

۳. تصویب نظام‌های اعتباربخشی وزارت علوم و وزارت بهداشت؛

۴. اعتباردهی و رسمیت‌بخشی به سازمان‌های اعتبارسنجی غیردولتی؛

۵. بررسی و انتخاب دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی و پژوهشی پیشنهادی به منظور تأمین مالی ویژه؛

۶. تصمیم‌گیری درباره پیوستن به شبکه‌های تضمین کیفیت آموزش عالی منطقه‌ای و بین‌المللی؛

۷. تدوین و انتشار گزارش‌های سالیانه از ارزیابی کلان آموزش عالی و علم و فناوری کشور.

ب) مراکز نظارت و ارزیابی کیفیت وزارتخانه‌ای (وزارت علوم و وزارت بهداشت):

ارزیابی و اعتبارسنجی علمی دانشگاه‌ها، مؤسسه‌های آموزش عالی و تحقیقاتی ذیل وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برعهده این وزارتخانه گذاشته شده است.^۱ وزارت بهداشت نیز همین وظیفه را نسبت به دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی و پژوهشی پزشکی برعهده دارد.^۲ در این راستا، وزارت علوم به تأسیس «مرکز نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت» و وزارت بهداشت به تأسیس «کمیسیون ملی اعتباربخشی دانشگاه‌های علوم پزشکی» اقدام کرده‌اند. هرکدام از این مراکز، فعالیت‌های ارزشمندی در زمینه طراحی فرایندهای ارزیابی و تدوین آیین‌نامه‌های مورد نیاز انجام داده‌اند؛ اما هنوز به‌صورت کامل اجرایی نشده و استقرار نیافته‌اند. همچنین، حیطه وظایف و اختیارات این مراکز محدود بوده و

۱. قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ماده (۲) بند «ب» مواد ۴، ۵، ۶، ۱۰، ۱۱ و ۱۲.

۲. قانون تشکیل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، ماده (۶).

برخی از فعالیت‌های ارزیابی مانند مجوزدهی به مؤسسه‌ها و اعتباربخشی دوره‌ها و برنامه‌ها را واحدهای دیگری مانند شوراهای برنامه‌ریزی و شوراهای گسترش انجام می‌دهند. لازم است به تدریج تمامی فعالیت‌ها از جنس اعتباربخشی و ارزیابی، شامل ارزیابی مدیریت دانشگاه‌ها، اعضای هیئت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان، فعالیت‌های پژوهشی، دوره‌های تحصیلی، فرایندهای آموزشی و دیگر موضوع‌های فرهنگی، اجتماعی و صنفی، تمرکز پیدا کرده و به مراکز نظارت و ارزیابی وزارتخانه واگذار شود.

ج) سازمان‌های اعتبارسنجی تخصصی غیردولتی: در قانون تشکیل وزارت علوم، به ارزیابی و اعتبارسنجی علمی دانشگاه‌ها، مؤسسه‌های آموزش عالی و تحقیقاتی از طریق حمایت از انجمن‌های مستقل علمی، تخصصی و فرهنگستان‌ها اشاره شده است^۱ و در قانون برنامه توسعه پنجم کشور نیز وزارت علوم و وزارت بهداشت مجاز شده‌اند عملیات اجرایی سنجش کیفیت و رتبه‌بندی را به مؤسسه‌های مورد تأیید در بخش غیردولتی واگذار کنند.^۲ با توجه به تخصصی بودن موضوع ارزیابی و اعتبارسنجی و تنوع بالای دوره‌های تحصیلی و مؤسسه‌های آموزش عالی و پژوهشی، استفاده از سازمان‌های تخصصی و حرفه‌ای بدین منظور، هم زمینه مشارکت ذی‌نفعان بیشتری را فراهم می‌آورد و هم به بهبود اعتبار و صحت شاخص‌ها، فرایندها و نتایج ارزیابی منجر می‌شود. مؤسسه‌های حرفه‌ای، انجمن‌های علمی و سازمان‌های حرفه‌ای زیادی می‌توانند به صورت داوطلبانه و غیررسمی به ارزیابی یا رتبه‌بندی مؤسسه‌های آموزش عالی و پژوهشی و برنامه‌ها بپردازند؛ اما رسمیت یافتن سازمان‌های اعتبارسنجی و نتایج ارزیابی‌های آنها

۱. قانون تشکیل وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ماده (۲) بند «ب-۱۰».

۲. قانون برنامه پنجم توسعه کشور، تبصره ماده (۱۵).

از طرف دولت که حمایت‌ها یا محدودیت‌های تعیین شده را برای مؤسسه‌ها یا برنامه‌های ارزیابی شده به دنبال دارد، در گرو پیروی از چارچوب‌ها و استانداردهای نهاد ملی تضمین کیفیت است. سازمان‌های اعتبارسنجی تخصصی و غیردولتی می‌توانند منابع مالی مورد نیاز خود را از روش‌های مختلفی مانند موارد زیر تأمین کنند:

- پرداخت حق عضویت سالیانه توسط مؤسسه‌ها و برنامه‌هایی که اعتبارسنجی شده‌اند؛
- هزینه‌ای که از مؤسسه‌ها و برنامه‌ها برای انجام بازدید و اعتبارسنجی گرفته می‌شود؛
- کمک‌های مالی از طرف سازمان‌های خیریه و بنیادهای خصوصی؛
- اعتبارات دولتی برای انجام برخی طرح‌ها و مأموریت‌های ویژه.

د) واحدهای نظارت و ارزیابی دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی و پژوهشی:

مؤسسه‌های آموزش عالی و پژوهشی، مسئولیت اصلی را نسبت به عرضه خدمات با کیفیت بالا برعهده دارند. با توجه به استقلال اداری و تشکیلاتی دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی و پژوهشی^۱، این واحدها مجازند با توجه به ملاحظات خاص خود به ایجاد ساختار تضمین کیفیت درونی اقدام کنند؛ اما مسئله مهم و اساسی این است که آنها خود نسبت به فرهنگ کیفیت تعهد داشته باشند. همچنین، باید امکانات کافی برای حفظ و ارتقای کیفیت آموزش، یادگیری و پژوهش اثربخش اختصاص یابد و جمعی از ذی‌نفعان در سطوح مختلف تضمین کیفیت درونی مشارکت داده شوند. اینها، مواردی هستند که در ارزیابی بیرونی باید مورد توجه قرار گیرند. مراکز نظارت و ارزیابی وزارتخانه‌ای وظیفه دارند که

۱. قانون برنامه چهارم توسعه، ماده (۴۹) بند «ج».

فرهنگ تضمین کیفیت درونی و داوطلبانه را در دانشگاه‌ها تقویت کنند و یکی از راهکارهای آن، تهیه و انتشار چارچوب‌ها و «اصول راهنمای کیفیت» است. راهکار دیگر، اعزام متخصصان ارزیابی به‌عنوان مربی به دانشگاه‌هاست.

۲. تکمیل فرایند اعتبارسنجی و گستره آن: الگوی اعتبارسنجی تضمین

کیفیت، اغلب دارای پنج مرحله است که عبارتند از: خودارزیابی، بررسی همتایان، بازدید میدانی، قضاوت و تعیین وضعیت اعتبار و تکرار دوره‌ای ارزیابی. تکمیل فرایند اعتبارسنجی اولاً، مستلزم انجام همه مراحل اعتبارسنجی با ترتیب مشخص در دوره زمانی معین و ثانیاً، مستلزم گسترش محدوده آن برای پوشش همه موضوع‌های مرتبط مانند مدیریت مؤسسه یا برنامه، فرایندهای آموزشی، محتوای درسی، اعضای هیئت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و فعالیت‌های پژوهشی است.

۳. مشارکت دادن ذی‌نفعان در طراحی و استقرار نظام تضمین

کیفیت: چارچوب تضمین کیفیت باید تنوع دانشگاه‌ها، مؤسسه‌های آموزش عالی و پژوهشی، دوره‌ها و برنامه‌های تحصیلی را تحت پوشش قرار دهد و آن را در تدوین ساختارها، استانداردها، شاخص‌ها و رویه‌ها بازتاب دهد. دستیابی به این امر در گروه مشارکت دادن ذی‌نفعان مختلف در طراحی و اجرای نظام تضمین کیفیت است. بنابراین، توصیه می‌شود نمایندگانی از تمامی ذی‌نفعان کلیدی در شوراهای کمیسیون‌ها، کمیته‌های تخصصی و هیئت‌های ارزیابی حضور داشته باشند و در تدوین فرایندها و رویه‌ها، تعیین استانداردها و شاخص‌ها و مراحل اجرایی ارزیابی مشارکت کنند. برای نمونه، مراکز نظارت و ارزیابی می‌توانند «بانک متخصصان ارزیابی» (شامل اعضای هیئت علمی دانشیار به بالا و صاحب‌نظران حوزه ارزیابی) به پیشنهاد مؤسسه‌های آموزش عالی تشکیل دهند و در کمیته‌های تخصصی و هیئت‌های ارزیابی مورد استفاده قرار دهند.

۴. تغییر رویکرد ارزیابی‌ها از درون‌دادمحوری به برون‌دادمحوری:

یکی از آسیب‌های فعالیت‌های ارزیابی در وضعیت موجود، غلبه رویکرد کنترلی و تأکید بر متغیرهای ورودی دانشگاه‌هاست. در ارزیابی بیرونی، به جای درون‌دادها، باید تمرکز دولت بر تعیین برون‌دادهای مورد انتظار باشد. تا حد امکان، اختیار درون‌دادها و فرایندها، شامل پذیرش دانشجویان، توسعه برنامه‌های درسی، جذب و به‌کارگیری اعضای هیئت علمی، امور فرهنگی، اجتماعی و صنفی و رفاهی به خود مؤسسه‌های آموزش عالی و پژوهشی سپرده شود. در این صورت، مسئولان و هیئت علمی مؤسسه‌ها می‌توانند با توجه به زمینه‌های متفاوت، مأموریت‌ها و حوزه‌های متنوعی را تعریف کرده و دنبال کنند و از تجربه و تخصص حرفه‌ای خود برای استفاده از منابع محدود برای دستیابی اثربخش و کارآمد به خروجی‌های مورد انتظار بهره‌برند. در این صورت، ارزیابی بیرونی هر مؤسسه نیز به صورت منحصر به فرد و براساس مأموریت خاص آن به عمل خواهد آمد.^۱

۵. استفاده از نتایج ارزیابی به عنوان ابزار سیاستی: همراه با تقویت

برون‌دادمحوری ارزیابی‌های بیرونی، می‌تواند از نتایج آن به عنوان ابزار سیاستی مؤثری استفاده کرد. زمینه قانونی این امر نیز در قانون برنامه چهارم توسعه آمده است و بر مداخله در نظام آموزش عالی و مؤسسه‌های پژوهشی و سرمایه‌گذاری در علوم منتخب از سوی وزارت علوم و وزارت بهداشت براساس نتایج ارزیابی تأکید شده است.^۲ از جمله ابزارهای سیاستی که می‌توان میان آنها با نتایج ارزیابی پیوند برقرار کرد، عبارتند از: اعطای مجوزها، تعیین استانداردها، انعقاد قراردادهای پژوهشی، مأموریت‌گرایی و ارائه حمایت‌های ویژه و سازوکار تخصیص بودجه دولتی. در ادامه،

۱. به عنوان نمونه، دانشگاه الزهرا (س) و دانشگاه تربیت مدرس، براساس طرح تحول راهبردی خود، اسناد کیفیت مربوطه را تهیه کرده‌اند.

۲. قانون برنامه چهارم توسعه، ماده (۴۹) بند «ج».

درباره اعطای مجوزها، مأموریت‌گرایی و عملکردمحوری در تخصیص بودجه دولتی، توضیحاتی ارائه می‌شود.

- **اعطای مجوزها:**^۱ برخلاف وضعیت موجود، مجوز ایجاد مؤسسه‌ها و اجرای

دوره‌ها باید به صورت مشروط بوده و تمدید آن به نتایج اعتبارسنجی موکول شود. اعتبارسنجی باید در دوره‌های زمانی مشخص انجام گرفته و شاخص‌های ارزیابی نیز هماهنگ با تحولات موجود مورد بازنگری قرار گیرند.

- **عملکردمحوری در تخصیص بودجه دولتی:** تأمین مالی یکی از

مهم‌ترین ابزارهای دولتی برای هدایت مؤسسه‌های آموزش عالی و پژوهشی است. اساسی‌ترین معیار تخصیص منابع مالی دولتی باید کیفیت خدمات آموزشی و پژوهشی و پاسخگویی در برابر نیازهای ذی‌نفعان، به خصوص دانشجویان باشد. با توجه به سازوکار تخصیص بودجه فعلی که مبتنی بر هزینه سرانه دانشجویی است، تغییر بخشی از آن به عملکردمحوری باید به صورت کاملاً تدریجی و با شروع از شاخص‌های کمی‌تر مانند دستاوردهای پژوهشی صورت پذیرد.

- **مأموریت‌گرایی مؤسسه‌های آموزش عالی و پژوهشی:** یکی از

ابزارهای سیاستی مرسوم دیگر که در این مطالعه در مورد آموزش عالی چین ملاحظه شد، تعریف مأموریت‌های خاص برای تعدادی از مؤسسه‌ها و برنامه‌های برتر و ارائه حمایت‌های ویژه نسبت به آنهاست. در این سازوکار، ارزیابی‌های بیرونی به صورت سالیانه یا دوره چندساله جهت بررسی میزان پیشرفت در راستای مأموریت‌ها و اهداف توافق شده انجام می‌شود. زمینه

۱. قانون برنامه پنجم توسعه، تبصره ماده (۱۵): پس از استقرار نظام جامع نظارت و ارزیابی و تضمین کیفیت، هرگونه گسترش و توسعه رشته‌ها، گروه‌ها و مقاطع تحصیلی موکول به رعایت شاخص‌های ابلاغی از سوی وزارتخانه‌های ذی‌ربط [وزارت عتف و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی] توسط دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی است.

قانونی این سازوکار را می‌توان در قانون برنامه پنجم توسعه پیدا کرد که در آن بر انتخاب ۱۰ دانشگاه برتر وابسته به وزارت علوم و پنج دانشگاه برتر وابسته به وزارت بهداشت که دارای عملکرد برجسته در راستای گسترش مرزهای دانش و فناوری باشند، برای حمایت مالی و حقوقی و پشتیبانی ویژه از آنها تأکید شده است.^۱

۶. الزام انتشار عمومی نتایج ارزیابی : نتایج ارزیابی اگر به صورت عمومی

منتشر نشود، نمی‌تواند به کارکردهای مورد نظر از قبیل اطلاع‌رسانی و پاسخگویی به ذی‌نفعان منجر شود. اکنون به جز نتایج رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی، گزارش ارزیابی دیگر منتشر نمی‌شود در حالی که بهتر است خروجی هر نوع فعالیت ارزیابی مؤسسه‌ها و برنامه‌های آموزش عالی و پژوهشی به صورت عمومی منتشر شود. این گزارش باید در دسترس قرار گیرد تا فرصتی برای کنشگران و کاربران فراهم شود که نظرهای خود را نسبت به آن ارائه کنند. علاوه بر نتایج ارزیابی خرد مؤسسه‌های آموزش عالی و پژوهشی، در سطح میانی و کلان، وزارتخانه‌های مربوطه و شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز باید گزارش‌های سالیانه‌ای را درباره نتایج کلی ارزیابی‌ها و تصمیم‌ها ارائه کنند.

۷. ایجاد سامانه ملی اطلاعات آموزش عالی و علم و فناوری : در

سال‌های اخیر، پایگاه‌های ارزشمندی برای تولید برخی از آمارهای آموزش عالی و پژوهشی ایجاد شده است؛ مانند پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) در زمینه اطلاعات پایان‌نامه و رساله‌ها، پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) در زمینه آمار مستندات علمی، نشریات و همایش‌ها و مرکز آمار ایران در زمینه آمار پژوهشگران و بودجه پژوهشی. اگرچه این مراکز می‌توانند زیرساخت‌های اولیه ایجاد

۱. قانون برنامه پنجم توسعه، ماده (۲۰)، بند «الف-۳».

نظام اطلاعات آموزش عالی و علم و فناوری را فراهم کنند؛ باین حال، بهتر است در سامانه جامعی متمرکز و تجمیع شوند یا سامانه مستقلی ایجاد شود و از طرف دیگر، کمبودهای آماری در زمینه‌های دیگر، از جمله آثار و پیامدهای آموزش عالی و علم و فناوری، مانند وضعیت دانش‌آموختگان و نتایج پژوهش‌ها، مرتفع شود.

۸. عضویت در شبکه‌های تضمین کیفیت منطقه‌ای و بین‌المللی: در

سطح بالاتر از نهاد ملی تضمین کیفیت، شبکه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی تضمین کیفیت قرار دارند که نقش مهمی در تبادل و انتشار دانش ارزیابی و تجربه‌های موفق، آگاهی نسبت به پیشرفت‌ها و چالش‌های بین‌المللی، بهبود تخصص حرفه‌ای ارزیابان و همگرایی نظام‌های آموزش عالی ایفا می‌کنند. عضویت در شبکه‌های بین‌المللی تضمین کیفیت می‌تواند به‌عنوان نیروی محرکه‌ای برای بهبود کیفیت نظام آموزش عالی و ایجاد ساختارهای لازم عمل کند (مانند ترکیه). در حال حاضر، ایران عضو هیچ‌کدام از شبکه‌های منطقه‌ای یا بین‌المللی تضمین کیفیت آموزش عالی نیست. همان‌گونه که پیشنهاد شد یکی از وظایف نهاد ملی تضمین کیفیت باید تصمیم‌گیری در مورد عضویت در شبکه‌های بین‌المللی تضمین کیفیت باشد. در این راستا، پیشنهاد می‌شود پس از تأسیس این نهاد، پیوستن به شبکه کیفیت آموزش عالی در حوزه آسیا-پاسیفیک (APQN)^۱ و تلاش برای تشکیل «شبکه تضمین کیفیت آموزش عالی کشورهای اسلامی» در دستور کار آن قرار گیرد.

1. Asia-Pacific Quality Network (APQN)

منابع و مآخذ

۱. آقازاده، احمد (۱۳۸۹). آموزش و پرورش تطبیقی، تهران، انتشارات سمت.
۲. بازرگان هرندی، عباس، جلیل فتح‌آبادی و بهرام عین‌الهی (۱۳۷۹). «رویکرد مناسب ارزیابی درونی برای ارتقای مستمر کیفیت گروه‌های آموزشی در دانشگاه‌های علوم پزشکی»، *روانشناسی و علوم تربیتی*، ۳۰ (۲).
۳. بازرگان، عباس (۱۳۹۷). *ارزشیابی آموزشی؛ مفاهیم، الگوها و فرایندهای عملیاتی*، تهران، انتشارات سمت.
۴. بازرگان، عباس و مقصود فراستخواه (۱۳۹۶). *نظارت و ارزشیابی در آموزش عالی (ویراست ۲)*، تهران، انتشارات سمت.
۵. بهشتی‌راد، رقیه، محمدرضا اردلان و مقصود فراستخواه (۱۳۹۷). «شناسایی عوامل شکل‌دهنده تضمین کیفیت آموزش عالی ایران (مطالعه پدیدارشناسی)»، *فصلنامه مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی*، ۸ (۲۳).
۶. پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (۱۳۹۸). *رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی ایران در سال ۱۳۹۷-۱۳۹۶*، شیراز، انتشارات مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری، https://ur.isc.ac/Content/Files/Ranking_96_97.pdf
۷. جعفری، اسماعیل، جمیله علم‌الهدی و فرزانه مظاهری (۱۳۹۹). «تضمین کیفیت نظام آموزش عالی (ماهیت، ضرورت‌ها، چالش‌ها و راهکارها)»، *کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، علوم تربیت و سبک زندگی*، دوره ششم.
۸. چنگیز، طاهره، نیکو یمانی، فریبا جوکار، محمدرضا صبری و عظیم میرزازاده (۱۴۰۰). *راهنمای جامع اعتباربخشی برنامه‌های آموزشی در علوم پزشکی؛ ساختار، فرایند، راهنماهای خودارزیابی و ارزیابی بیرونی، فرم‌ها*، اصفهان، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان اصفهان.
۹. حاتمی، جواد، رضا محمدی و فاخته اسحاقی (۱۳۹۰). «چالش ساختارسازی برای نظارت و ارزشیابی کیفیت در آموزش عالی ایران»، *پنجمین همایش ارزیابی کیفیت در نظام دانشگاهی*، دانشگاه تهران، پردیس دانشکده‌های فنی.
۱۰. دبیرخانه شورای گسترش دانشگاه‌های علوم پزشکی (۱۳۹۸). «مجموعه قوانین و مقررات مرتبط با

۱۱. سازمان سنجش آموزش کشور (۱۳۹۶). «معرفی مرکز تحقیقات، ارزشیابی، اعتبارسنجی و تضمین کیفیت آموزش عالی»، بروشور شماره ۱-۹۶.
۱۲. سیاست‌های کلی علم و فناوری (نظام آموزش عالی، تحقیقات و فناوری) (۱۳۹۳)، <https://www.leader.ir/fa/content/12395/www.leader.ir>.
۱۳. شمس مورکانی، غلامرضا و سمیرا میرزاپور (۱۳۹۱). ارزشیابی کیفیت در آموزش عالی (رویکردی تعالی‌مدار)، تهران، انتشارات باور عدالت.
۱۴. شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۸۹). نقشه جامع علمی کشور، تهران، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۱۵. شهامت، نادر و مریم خاوری (۱۴۰۰). «تدوین مدل ساختاری توسعه پایدار دانشگاه‌ها بر مبنای نظام تضمین کیفیت در آموزش عالی»، پیشرفت‌های نوین در روان‌شناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش، ۴ (۳۴).
۱۶. عباس‌پور، عباس، محمد مجتبی‌زاده و احسان اکرادی (۱۳۹۵). «ساخت، پایاسازی و اعتباریابی ابزار اندازه‌گیری برای اعتبارسنجی و تضمین کیفیت آموزش عالی ایران»، فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی، ۶ (۲۴).
۱۷. فراستخواه، مقصود (۱۳۸۷). «بررسی وضع موجود و مطلوب ارزیابی نظام علمی در ایران با تأکید بر بخش آموزش عالی»، سیاست علم و فناوری، ۱ (۲).
۱۸. _____ (۱۳۸۸). دانشگاه ایرانی و مسئله کیفیت، تهران، انتشارات آگاه.
۱۹. _____ (۱۳۹۵). کتاب شاخص آموزش عالی، تهران، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
۲۰. فراستخواه، مقصود، عباس بازرگان و محمود قاضی طباطبایی (۱۳۸۶). «تحلیل مقایسه‌ای نظام‌های تضمین کیفیت آموزش عالی در جهان: وجود اشتراک و افتراق در تجربه‌های جهانی»، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ش ۴۴.
۲۱. فراستخواه، مقصود، عباس بازرگان و کارو لوکس (۱۳۸۶). «بررسی رابطه نظام‌های تضمین کیفیت آموزش عالی با زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی؛ نقشه‌ای شناختی با تأکید بر مورد ایران»، نامه علوم اجتماعی، ش ۳۱.

الزامات استقرار نظام تضمین کیفیت در آموزش عالی و پژوهش ایران _____ ۱۵۵

۲۲. قورچیان، نادرقلی و حسن شهرکی‌پور (۱۳۸۹). «بررسی نظام‌های ارزیابی آموزش عالی در جهان

به‌منظور ارائه مدل مناسب برای آموزش عالی کشور»، پژوهش‌های مدیریت، ش ۸۵.

۲۳. مجتبی‌زاده، محمد، عباس عباس‌پور، حسن ملکی و مقصود فراستخواه (۱۳۹۷). «الگوی اعتبارسنجی

و تضمین کیفیت نظام آموزش عالی ایران از دیدگاه خبرگان»، پژوهش در نظام‌های آموزشی، ش ۴۲.

۲۴. مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۴). قانون تشکیل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی،

<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/91112>

۲۵. _____ (۱۳۶۸). قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران،

<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/91755>

۲۶. _____ (۱۳۷۳). قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران،

<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/92488>

۲۷. _____ (۱۳۷۹). قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران،

<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/93301>

۲۸. _____ (الف ۱۳۸۳). شاخص‌های ارزیابی آموزش عالی.

۲۹. _____ (ب ۱۳۸۳). قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری،

<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/94172>

۳۰. _____ (ج ۱۳۸۳). قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری

<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/94202>

اسلامی ایران،

۳۱. _____ (۱۳۸۹). قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی

<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/790196>

ایران،

۳۲. _____ (۱۳۹۶). قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران،

<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1014547>

۳۳. محمدی، رضا، مریم زمانی‌فر و فاطمه صادقی مهدی (۱۳۹۵). «ارزشیابی و تضمین کیفیت در آموزش

عالی فرایندی داوطلبانه یا اجباری»، فصلنامه مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی، ۶ (۱۴).

۳۴. محمدی، رضا، طاهره ظفری پور، فاطمه صادقی مهدی و مریم زمانی فر (۱۳۹۳). «اعتبارسنجی و

تضمین کیفیت آموزش عالی از راه دور: مروری بر الگوها و فرایندها»، فصلنامه مطالعات اندازه‌گیری و

ارزشیابی آموزشی، ۴ (۸).

۳۵. مرکز نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت (۱۴۰۰). گزارش عملکرد مرکز نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت

(از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹).

۳۶. معاونت حقوقی و امور مجلس (۱۴۰۰). قوانین و مقررات؛ آیین‌نامه‌ها و فرم‌ها، وبگاه وزارت علوم،

تحقیقات و فناوری.

۳۷. منتظر، غلامعلی (۱۳۹۸). دستنامه سندج؛ مدل ارزیابی مؤسسه‌های پژوهشی کشور، تهران، مرکز

نشر دانشگاهی.

۳۸. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۹۵). آیین‌نامه نظام نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت علوم،

تحقیقات و فناوری.

۳۹. یوسفی، هادی (۱۴۰۰). «الزامات کارآمدسازی نظام ارتقای اعضای هیئت علمی»، مرکز پژوهش‌های

مجلس شورای اسلامی، معاونت مطالعات فرهنگی.

۴۰. _____ (۱۴۰۱). «بررسی وضعیت حکمرانی آموزش عالی ۱۰ کشور دنیا از نظر مؤلفه‌های

ساختار اداری، تأمین مالی و ارزیابی و تضمین کیفیت و ارائه رویکردهای سیاستی»، مرکز پژوهش‌های

مجلس شورای اسلامی، <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/1745721>

41. Eaton, J.S. (2015). "An Overview of US Accreditation", *Council for Higher Education Accreditation*.

42. _____ (2017). "Accreditation and Quality in the United States: Practice and Pressures", In *Global Perspectives on Quality in Higher Education*, Routledge.

43. Eurydice (2021). "Quality Assurance in Higher Education; Turkey", Retrieved from https://eacea.ec.europa.eu/national-policies/eurydice/content/quality-assurance-higher-education-86_en

44. _____ (2018). "Quality Assurance in Higher Education; France", Retrieved from https://eacea.ec.europa.eu/national-policies/eurydice/france/quality-assurance-higher-education_en

45. HEQC (2019). "Higher Education Quality Council", Retrieved from <http://yokak.gov.tr/>

- ۱۵۷ _____ الزامات استقرار نظام تضمین کیفیت در آموزش عالی و پژوهش ایران
46. Hirano, S. (2012). *Overview of the Quality Assurance System in Higher Education: France*, National Institution for Academic Degrees and University Evaluation (NIAD-UE).
47. INQAAHE (2021). "Full Members", Retrieved from <https://www.inqaah.org/full-members-list>
48. Kumar, Pradeep and Balvinder Shukla and Don Passey (2020). "Impact of Accreditation on Quality and Excellence of Higher Education Institutions", *Revista Investigacion Operacional*, 41 (2).
49. Li, Y. (2010). "Quality Assurance in Chinese Higher Education", *Research in Comparative and International Education*, 5 (1).
50. Sanders, J.R., B.R. Worthen and J.L. Fitzpatric (2011). *Program Evaluation: Alternative Approaches and Practical Guidelines*, Boston, Pearson Education, Inc.
51. Shuiyun, L. (2016). "External Higher Education Quality Assurance System in China", *Chinese Education and Society*, 49 (1-2), <https://doi.org/10.1080/10611932.2016.1192380>
52. Statista (2021). "Number of Undergraduate Students Enrolled at Public Colleges and Universities in China from 2010 to 2020", Retrieved from <https://www.statista.com/statistics/227028/number-of-students-at-universities-in-china/>
53. Vlăsceanu, L., L. Grünberg and D. Pârlea (2007). "Quality Assurance and Accreditation: A Glossary of Basic Terms and Definitions", UNESCO European Centre for Higher Education.
54. Wang, L. (2014). "Quality Assurance in Higher Education in China: Control, Accountability and Freedom", *Policy and Society*, 33 (3).
55. Yilmaz, D.V. (2019). "Quality Assurance in Turkish Higher Education in the Framework of Policy Process Model", *Süleyman Demirel Üniversitesi Fen-Edebiyat Fakültesi Sosyal Bilimler Dergisi*, 46.

تجزیه سهم عوامل مؤثر بر سالخوردگی جمعیت در ایران با استفاده از رویکرد ارزش شیپلی

رضا معبودی^{*}، محمدحسن فطرس^{**} و زینب دره نظری^{***}

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۸	شماره صفحه: ۱۵۹-۱۹۷
-------------------	--------------------------	-------------------------	---------------------

سالخوردگی جمعیت یکی از پدیده‌های مهم تغییرات جمعیتی است که آثار آن بر متغیرهای اجتماعی و اقتصادی قابل توجه است. بر این اساس، پژوهش حاضر با استفاده از رویکرد تجزیه شیپلی سهم عوامل مؤثر بر سالخوردگی جمعیت را در ایران طی دوره زمانی ۱۳۹۹-۱۳۴۹ بررسی کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد طی دوره ۱۳۹۹-۱۳۴۹ متغیرهای تولید اقتصادی، امید زندگی، میزان مرگ‌ومیر و میزان باروری بیشترین سهم را از سالخوردگی جمعیت کشور به خود اختصاص داده‌اند. همچنین، محاسبه سهم عوامل مؤثر بر سالخوردگی جمعیت براساس گذار ساختار سنی حاکی است در مرحله اول گذار که دوره زمانی ۱۳۷۴-۱۳۴۹ را دربرمی‌گیرد، اجرای سیاست‌های تشویق افزایش جمعیت و روند افزایشی خروج مهاجران از کشور باعث شده‌اند میزان خالص مهاجرت و باروری بیشترین سهم را از سالخوردگی جمعیت به خود اختصاص دهند. در مرحله دوم گذار ساختار سنی یعنی دوره زمانی ۱۳۸۹-۱۳۷۵، همراه با افزایش سطح سلامت و بهداشت افراد، میزان مرگ‌ومیر کودکان کاهش شدیدی می‌یابد؛ در نتیجه میزان مرگ‌ومیر کودکان بیشترین سهم از سالخوردگی جمعیت را برعهده دارد؛ اما اجرای سیاست کنترل جمعیت به کاهش سهم میزان باروری در سالخوردگی جمعیت منجر می‌شود. در مرحله سوم گذار ساختار سنی که دربرگیرنده دوره زمانی ۱۳۹۹-۱۳۹۰ است به دلیل افزایش مهاجرت از کشور و پیشرفت در شیوه‌های درمانی، میزان خالص مهاجرت و میزان مرگ‌ومیر کودکان بیشترین سهم را در سالخوردگی جمعیت داراست. در این مرحله سهم میزان باروری و مرگ‌ومیر کودکان نسبت به مرحله قبل افزایش می‌یابند. بنابراین، اتخاذ سیاست‌های مناسب از جمله افزایش میزان باروری، ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی-اجتماعی، مراقبت از سالمندان و افزایش سطح سلامت سالمندان به منظور جلوگیری از آثار سوء سالخوردگی جمعیت مهم و ضروری است.

کلیدواژه‌ها: سالخوردگی جمعیت؛ میزان باروری؛ امید زندگی؛ میزان مرگ‌ومیر؛ رویکرد ارزش شیپلی

* استادیار گروه اقتصاد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آیت‌اله العظمی بروجردی (نویسنده مسئول)؛

Email: maaboudi@abru.ac.ir.

** استاد گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا همدان؛

*** کارشناسی ارشد اقتصاد، گروه اقتصاد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آیت‌اله العظمی بروجردی؛

Email: economic.nazari@gmail.com

مقدمه

سالخوردگی جمعیت به عنوان یکی از مهم ترین تغییرات جمعیتی در قرن بیست و یکم تلقی می شود. از دیدگاه جامعه‌شناختی سالخوردگی جمعیت به صورت کاهش نسبت تعداد افراد ۱۴-۰ ساله به جمعیت و افزایش نسبت تعداد افراد ۶۰ یا ۶۵ ساله و بیشتر به جمعیت تعریف می شود (فتحی، ۱۳۹۸: ۳۹۲). به عبارت دیگر پدیده سالخوردگی جمعیت به افزایش فزاینده تعداد افراد مسن و درعین حال کاهش تعداد افراد جوان جامعه اشاره دارد. افزایش درصد جمعیت سالمند از افزایش امید زندگی، سطح سلامت، کیفیت بهداشت و بهبود اوضاع اقتصادی نشان دارد. اما زمانی که به دلایل مختلف میزان رشد جمعیت منفی یا نزدیک به صفر می شود، سالخوردگی جمعیت می تواند تهدیدی برای فرصت‌های رشد و توسعه اقتصادی محسوب گردد. در این حالت، سالخوردگی جمعیت از یک سو با افزایش مخارج جامعه از طریق افزایش هزینه‌های بهداشتی مراقبت از سالمندان و رشد هزینه بازنشستگی به سیستم رفاهی کشور آسیب وارد می کند؛ از سوی دیگر افزایش تعداد افراد سالمند نسبت به کل جمعیت به کاهش میزان نیروی کار فعال و برخوردار از سرمایه انسانی مناسب در کشور می انجامد. در نتیجه، میزان بهره‌وری نیروی کار را کاهش می دهد و به ایجاد بحران در بازار کار منجر می شود. در نهایت همراه با افزایش سالخوردگی جمعیت میزان پس انداز و به تبع آن رشد اقتصادی با کاهش مواجه می شوند (Reynaud and Miccoli, 2018: 17-18).

مطابق پیش‌بینی‌های صورت گرفته نسبت افراد مسن به کل جمعیت از ۱۰ درصد در سال ۲۰۲۲ به ۱۶ درصد در سال ۲۰۵۰ افزایش می یابد و جمعیت افراد مسن در سال ۲۰۵۰ به ۱/۶ میلیارد نفر خواهد رسید (United Nations, 2022). در این بین ایران به عنوان یکی از کشورهای در حال توسعه در دهه‌های اخیر تغییرات گسترده‌ای در ساختار سنی و سالخوردگی جمعیت تجربه کرده است. به طوری که جمعیت کشور در

تجزیه سهم عوامل مؤثر بر سالخوردگی جمعیت در ایران با استفاده از رویکرد ارزش شیپلی — ۱۶۱

دهه ۱۳۶۰ از رشد چشمگیری برخوردار شده و کشور را در سال ۱۳۹۰ با پدیده تورم جوانی مواجه ساخته است (گزارش تحلیلی مرکز آمار ایران، ۱۳۹۸). همچنین از آنجاکه در دهه‌های آتی متولدان دهه ۱۳۶۰ جمعیت سالخورده محسوب می‌شوند، بنابراین رشد بالای جمعیت در کشور (طی دهه ۱۳۶۰) همراه با افزایش امید زندگی باعث می‌شود پدیده سالخوردگی جمعیت در ایران با سرعت بیشتری در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته صورت گیرد (فتحی، ۱۳۹۸: ۴۰۰-۳۹۷). به‌نحوی که براساس بررسی‌های صورت گرفته در اواخر دهه ۱۴۰۰ جمعیت ایران رو به سالمندی می‌رود و در سال ۱۴۲۰ ایران به مرحله سالمندی جمعیت خواهد رسید. درنهایت در دهه ۱۴۳۰ با پدیده سالخوردگی جمعیت روبه‌رو خواهد شد (گزارش تحلیلی مرکز آمار ایران، ۱۳۹۸). با توجه به پیامدهای سالخوردگی جمعیت، یکی از اهداف مهم کشور جلوگیری از وقوع این پدیده است. اولین گام برای دستیابی به این هدف شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر سالخوردگی جمعیت است. برای رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر سالخوردگی جمعیت از رویکرد شیپلی^۱ استفاده می‌شود. با استفاده از این رویکرد بدون در نظر گرفتن پیچیدگی‌های مدل، تعداد و انواع متغیرها می‌توان سهم عوامل مؤثر بر سالخوردگی جمعیت را محاسبه کرد (فطرس، معبودی و دره‌نظری، ۱۴۰۱: ۹۹).

با توجه به اهمیت موضوع، در پژوهش حاضر سهم عوامل مؤثر بر سالخوردگی جمعیت کشور با استفاده از رویکرد ارزش شیپلی در بازه زمانی ۱۳۴۹-۱۳۹۹ تجزیه و برآورد می‌شود. سازمان‌دهی پژوهش به این شکل است که در ادامه مبانی نظری پژوهش بررسی؛ سپس پیشینه پژوهش و همچنین روش‌شناسی پژوهش معرفی می‌شود؛ بخشی نیز به یافته‌های تجربی اختصاص دارد و درنهایت به نتیجه‌گیری و پیشنهادها می‌پردازد.

۱. مبانی نظری و چارچوب مفهومی

سالخوردگی جمعیت نتیجه فرایندی است که تحت عنوان انتقال جمعیتی شناخته می‌شود. نظریه انتقال جمعیتی یک مفهوم جامعه‌شناختی است که به تغییرات جمعیتی ناشی از میزان مرگ‌ومیر و زادوولد در راستای گذار از یک جامعه سنتی و کشاورزی به جامعه مدرن و صنعتی در طول زمان اشاره دارد. جانسون و فالکینگهام^۱ (۱۹۹۲) چهار مرحله انتقال جمعیتی ارائه می‌دهند که به افزایش سالخوردگی جمعیت منجر می‌شوند (Ahmad, Astina and Budijanto, 2015: 215-216). هر مرحله از انتقال با افزایش جمعیت یک گروه سنی خاص همراه است. به‌نحوی که مرحله اول کودکی، مرحله دوم جوانی، مرحله سوم بلوغ جمعیت و درنهایت مرحله چهارم سالخوردگی جمعیت نامیده می‌شود (Malmberg and Sommestad, 2000: 3). مرحله اول انتقال جمعیتی با میزان بالای مرگ‌ومیر و زادوولد همراه است؛ از ویژگی‌های این مرحله می‌توان به رشد پایین جمعیت و افزایش تعداد کودکان اشاره کرد. در مرحله دوم به‌دلیل پیشرفت‌های پزشکی و بهداشتی و افزایش درآمد سرانه میزان مرگ‌ومیر کاهش می‌یابد که سبب افزایش امید زندگی می‌شود. اما از آنجاکه هدف افراد افزایش تعداد فرزندان به‌منظور حمایت از والدین در زمان سالخوردگی است، میزان باروری در سطح بالایی قرار دارد. از این‌رو، با بهبود در میزان مرگ‌ومیر و افزایش میزان باروری ساختار سنی جمعیت جوان می‌شود. در مرحله سوم همراه با کاهش میزان مرگ‌ومیر، میزان باروری نیز به‌دلیل عوامل مختلف مانند افزایش شهرنشینی و افزایش هزینه تربیت و آموزش کودکان و سایر تغییرات اجتماعی کاهش می‌یابد. در این مرحله رشد جمعیت کند و نسبت جمعیت افراد سالخورده با افزایش مواجه می‌شود. در مرحله چهارم با برقراری تعادل بین میزان مرگ‌ومیر و باروری رشد جمعیت کاهش می‌یابد یا حتی می‌تواند نزدیک به صفر شود.

1. Johnson and Falkingham

در این مرحله که با تثبیت ساختار سنی جمعیت همراه است، نسبت افراد مسن به جمعیت افزایش می‌یابد (Ahmad, Astina and Budijanto, 2015: 215-216). بر این اساس، کوال^۱ (۱۹۵۶) بیان می‌کند در صورت ثابت بودن سایر عوامل با کاهش میزان باروری در یک دوره نسبت به دوره قبل، سالخوردگی جمعیت افزایش می‌یابد (Murphy, 2017: 1). کاهش باروری به کاهش تدریجی پایه هرم سنی جمعیت و افزایش جمعیت گروه‌های میانی و بالایی هرم منجر می‌شود. تجمیع جمعیت در بالای هرم سنی نسبت جمعیت بالای هرم را افزایش می‌دهد که نشان از ایجاد سالخوردگی در جمعیت است (تقدیسی و احمدی شاپورآبادی، ۱۳۹۱: ۱۴۱).

پرستون^۲ و همکاران (۱۹۸۹) نیز با استفاده از یک رویکرد نوآورانه تحت عنوان الگوی PHE^۳ تأثیر میزان باروری، مرگومیر و مهاجرت بر سالخوردگی جمعیت را بررسی کردند. در یک اجتماع، تولد افراد با سن صفر به کاهش میانگین جمعیت منجر می‌شود. در بیشتر جوامع، متوسط سن مرگومیر افراد از میانگین سنی افراد آن جامعه بیشتر است. از این رو، مرگومیر این گروه از افراد به جوان شدن یا کاهش سالخوردگی جمعیت منجر می‌شود. بنابراین، در یک الگوی ساده بدون در نظر گرفتن مهاجرت، سه عامل متوسط سن افراد جامعه، متوسط سن مرگومیر و شکاف بین میزان موالید و میزان مرگومیر در سالخوردگی جمعیت نقش مهمی دارند. بر این اساس، پرستون و همکاران (۱۹۸۹) رابطه زیر را برای تغییرات سن جمعیت طی زمان معرفی می‌کنند:

$$dA_p / dt = 1 - d(A_D - A_p) - (b \times A_p) \quad (1)$$

در این رابطه dA_p / dt تغییرات میانگین سن جمعیت در طی زمان، A_p

-
1. Coal
 2. Preston
 3. Preston-Himes-Eggers

میانگین سن جمعیت (شاخص اندازه‌گیری سالخوردگی جمعیت)، A_D میانگین سن مرگومیر، b میزان تولد جمعیت و d میزان مرگومیر جمعیت را نشان می‌دهند. با این فرض که میانگین سن مرگومیر بیشتر از میانگین سن جمعیت باشد، میزان زادوولد و میزان مرگومیر تأثیر منفی بر سالخوردگی جمعیت دارند و با علامت منفی در الگو وارد می‌شوند. اگر میزان تولد و مرگومیر صفر باشند، در این صورت:

$$dA_p / dt = 1 \quad (2)$$

یعنی تغییرات میانگین سن جمعیت با تغییر زمان ثابت و برابر یک است. به عبارت دیگر در الگوی PHE، $dA_p = dt$ می‌شود و به معنای آن است که اگر زادوولد و مرگومیر وجود نداشته باشد، میانگین سنی جمعیت در هر سال تقویمی یک سال افزایش می‌یابد. پس، هر عضو از جمعیت یک سال پیرتر خواهد شد و جمعیت به‌طور طبیعی گرایش به سالخوردگی دارد. از طرف دیگر، اگر میزان مرگومیر و موالید با هم برابر باشند، در این صورت رابطه (۱) به صورت زیر تغییر می‌کند:

$$dA_p / dt = 1 - (d \times A_D) \quad (3)$$

و هرگاه میزان $(d \times A_D)$ برابر یک شود در این صورت تغییرات سالخوردگی جمعیت نسبت به زمان برابر صفر می‌شود. به بیان دیگر، طی زمان میانگین سنی جامعه ثابت می‌ماند. این موضوع می‌تواند برای جوامع با میانگین سنی پایین ارزنده باشد و در مقابل برای کشورهای با میانگین سنی بالا یک معضل محسوب می‌شود. علاوه بر مرگومیر و تولد افراد در جامعه، پدیده سالخوردگی جمعیت به عامل مهاجرت نیز بستگی دارد. در واقع، خروج افراد پیر از جمعیت یا ورود افراد جوان، سالخوردگی جمعیت را کاهش می‌دهند. با در نظر گرفتن عامل مهاجرت رابطه (۱) را می‌توان به صورت زیر بازنویسی کرد:

$$dA_p / dt = 1 - bA_p - d(A_D - A_p) - i(A_p - A_i) - o(A_o - A_p) \quad (4)$$

که در آن i میزان ورود مهاجران به کشور، o میزان خروج مهاجران از کشور، A_i میانگین سن مهاجران وارد شده به کشور و A_o میانگین سن مهاجران خارج شده از کشور را نشان می‌دهند. مهاجرت تأثیر چشمگیری بر گذار جمعیتی کشورها دارد. به نحوی که اکثر کشورهای توسعه‌یافته مهاجرت را ابزار مفیدی برای مقابله با مسئله تغییرات جمعیتی در نظر می‌گیرند (Nagarajan, Teixeira and Silva, 2021: 194). براساس رابطه (۴) در صورتی که میانگین سن مهاجران وارد شده به کشور پایین باشد و تعداد مهاجران وارد شده بیشتر از تعداد مهاجران خارج شده از کشور باشند، میانگین سن جمعیت یا سالخوردگی جمعیت کاهش می‌یابد. بر این اساس پژوهش‌های صورت گرفته ضمن تأکید بر اهمیت مهاجرت در کاهش سالخوردگی جمعیت نشان می‌دهند افزایش تعداد مهاجران جوان از طریق افزایش میزان باروری تأثیر قوی بر رشد و ساختار سنی جمعیت دارد. از این رو، مهاجرت به‌عنوان یک عامل مهم به‌منظور جلوگیری از کاهش جمعیت، افزایش اندازه نیروی کار و درنهایت کاهش سرعت سالخوردگی جمعیت مطرح می‌شود (Harper, 2016: 184).

براساس نظریه‌های ذکر شده سالخوردگی جمعیت تحت تأثیر میزان باروری، میزان مرگ‌ومیر و مهاجرت قرار دارد. اما بررسی ادبیات موضوع حاکی است علاوه بر میزان باروری، میزان مرگ‌ومیر و مهاجرت عوامل دیگری از جمله رشد اقتصادی، سرمایه انسانی و شهرنشینی نیز به‌صورت غیرمستقیم سالخوردگی جمعیت را متأثر می‌سازند.

۱-۱. تأثیر رشد اقتصادی بر سالخوردگی جمعیت

بلوم و ویلیامسون^۱ (۱۹۹۸) نشان می‌دهند رشد اقتصادی یکی از عوامل مهم و مؤثر بر سالخوردگی جمعیت است. در خصوص تأثیر رشد اقتصادی بر سالخوردگی

جمعیت دو دیدگاه متفاوت وجود دارد. براساس دیدگاه اول رشد اقتصادی به افزایش سالخوردگی جمعیت می‌انجامد. در این زمینه، هاجسون^۱ (۱۹۸۸) و هافمن^۲ (۲۰۱۱) بیان می‌کنند با پیشرفت اقتصادی در هر کشور نیازها و ترجیحات افراد تغییر می‌یابد. از این رو، توسعه اقتصادی به تغییر فرهنگ اجتماعی و به تبع آن کاهش میزان باروری منجر می‌شود. علاوه بر این، توسعه اقتصادی سطح استانداردهای زندگی و سلامت افراد را افزایش می‌دهد که به تبع آن امید زندگی افزایش می‌یابد. در نتیجه، توسعه اقتصادی از طریق کاهش میزان باروری و افزایش امید زندگی به افزایش سالخوردگی جمعیت منجر می‌گردد (Nagarajan, Teixeira and Silva, 2021: 191). مطابق با دیدگاه دوم، رشد اقتصادی تأثیر منفی بر سالخوردگی جمعیت دارد. بر این اساس، رینود و میکولی (۲۰۱۸) نشان می‌دهند کاهش توان اقتصادی در اثر وقوع بحران‌های اقتصادی و کاهش رشد اقتصادی از یک سو، کاهش سطح استانداردهای زندگی و بدتر شدن عادات غذایی را در پی دارد و از سوی دیگر با کاهش فعالیت‌های ورزشی، مراقبت‌های بهداشتی و تغذیه مکفی به بدتر شدن وضعیت سلامت افراد جامعه منتهی می‌شود. بنابراین، میزان باروری کاهش و میزان مرگ‌ومیر در جامعه افزایش می‌یابد. علاوه بر این، با کاهش رشد اقتصادی و افزایش بیکاری ناامنی شغلی زیاد می‌شود، میزان خودکشی افزایش می‌یابد، دسترسی به امکانات بهداشتی محدود می‌شود، مشکلات مرتبط با مسکن افزایش می‌یابد؛ لذا در جامعه هم میزان ازدواج کم می‌شود و هم انگیزه باروری کاهش می‌یابد که در نهایت از طریق کاهش فرزندآوری، نسبت جمعیت سالمند به کل جمعیت با افزایش مواجه می‌شود (Reynaud and Miccoli, 2018: 17-18). با توجه به اینکه اجماعی در رابطه با تأثیر

1. Hodgson

2. Haffman

تجزیه سهم عوامل مؤثر بر سالخوردگی جمعیت در ایران با استفاده از رویکرد ارزش شیپلی — ۱۶۷

رشد اقتصادی بر سالخوردگی جمعیت وجود ندارد، پژوهش‌های مختلف به صورت تجربی تأثیر رشد اقتصادی بر سالخوردگی جمعیت را بررسی کرده‌اند. بر این اساس، نتایج پژوهش‌های وانگ^۱ (۲۰۲۰) و ناگراجان^۲ و همکاران (۲۰۲۱) ضمن رد تأثیر منفی رشد اقتصادی بر سالخوردگی جمعیت، بیان می‌دارند افزایش رشد اقتصادی از طریق کاهش باروری، افزایش سالخوردگی جمعیت را در پی دارد.

۲-۱. تأثیر سرمایه انسانی بر سالخوردگی جمعیت

سرمایه انسانی همواره به‌عنوان عامل اصلی اقتصادی-اجتماعی در روند انتقال جمعیت مطرح است. به‌طور کلی، سرمایه انسانی به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم بر میزان باروری، مرگ‌ومیر و امید زندگی اثر گذار است. برخی مطالعات نشان می‌دهد بهبود در سیستم آموزشی به افزایش امید زندگی و کاهش میزان باروری منجر می‌شود. در این راستا آنجلس^۳ (۲۰۱۰) نشان می‌دهد سطح تحصیلات زنان و مشارکت آنها در بازار کار با کاهش میزان باروری همراه است. همچنین، وی بیان می‌کند افراد تحصیل کرده توجه بیشتری به مسائل بهداشتی دارند و از سبک زندگی سالم‌تری برخوردارند. از این رو، انتظار می‌رود امید زندگی در افراد تحصیل کرده افزایش یابد (Nagarajan, Teixeira and Silva, 2021: 191). بنابراین سرمایه انسانی به افزایش سالخوردگی جمعیت می‌انجامد. بکر^۴ (۱۹۸۱) نیز براساس مدل استاندارد بارو بیان می‌کند آموزش از طریق اثر درآمدی و اثر جانشینی بر باروری تأثیر می‌گذارد. اثر جانشینی نشان می‌دهد آموزش به افزایش دستمزد زنان منجر می‌شود. افزایش دستمزد، هزینه فرصت خروج از بازار کار را افزایش می‌دهد که به‌نوبه خود کاهش

1. Wang

2. Nagarajan

3. Angeles

4. Becker

باروری را به دنبال دارد. اثر درآمدی با افزایش دستمزد و در نتیجه افزایش توانایی تأمین مخارج تعداد بیشتری از فرزندان به افزایش باروری منجر می‌شود. اما والدین تمایل دارند با افزایش سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی، توانایی و مهارت فرزندان را افزایش دهند. از آنجاکه افزایش سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی فرزندان، توانایی والدین را به منظور تأمین مالی مخارج تعداد بیشتری از افراد کاهش می‌دهد، بنابراین میزان باروری کاهش می‌یابد (Cygan-Rehm and Maeder, 2013: 37). لوتز^۱ و همکاران (۲۰۱۴) استدلال می‌کنند زنانی که از تحصیلات بیشتری برخوردارند به فرزندآوری تمایل کمتری دارند. چن و گو^۲ (۲۰۲۲) نیز اظهار می‌دارند افزایش آموزش از طریق افزایش هزینه فرصت تربیت فرزندان و تأخیر در ازدواج به کاهش باروری می‌انجامد. با توجه به مطالب ذکر شده آموزش از طریق افزایش امید زندگی و کاهش باروری به افزایش سالخوردگی جمعیت منجر می‌شود.

۳-۱. تأثیر شهرنشینی بر سالخوردگی جمعیت

فرایند شهرنشینی به‌عنوان یکی دیگر از عوامل مؤثر بر سالخوردگی جمعیت مطرح می‌شود. نظریه‌های متفاوتی درباره تأثیر شهرنشینی بر سالخوردگی جمعیت وجود دارد. برخی از آنها بیان می‌کنند به‌رغم اینکه افراد جوان به نقل مکان از مناطق روستایی به مناطق شهری تمایل دارند، افراد سالخورده به سکونت در مناطق روستایی علاقه‌مندند. در نتیجه با انتقال افراد جوان از مناطق روستایی به مناطق شهری سالخوردگی جمعیت در مناطق شهری کاهش می‌یابد. در مقابل شواهد گسترده‌ای نشان می‌دهد برخورداری از سلامت و طول عمر بالا همراه با میزان پایین باروری در مناطق شهری، افزایش سالخوردگی جمعیت را در پی دارد (Kashnitsky,

1. Lutz

2. Chen and Guo

(Beer and Wissen, 2021: 222). جی وایت و همکاران^۱ (۲۰۰۸) نیز استدلال می‌کنند شهرنشینی به دلایل مختلفی از جمله افزایش سطح تحصیلات افراد، هزینه فرصت آموزش و اشتغال، تغییر نگرش و هنجارهای افراد و دسترسی به خدمات تنظیم خانواده به کاهش باروری منجر می‌شود. بررسی دیدگاه‌های ذکر شده نشان می‌دهد اگرچه شهرنشینی و مهاجرت از روستا به شهر ممکن است از طریق تأثیر بر ترکیب جمعیت جوان و سالخورده در مناطق شهری و روستایی به کاهش تعداد سالمندان در مناطق شهری منجر شود، اما به‌طور کلی شهرنشینی با افزایش تعداد سالخوردگان در مناطق روستایی، کاهش باروری و افزایش امید زندگی همراه است. بنابراین، افزایش شهرنشینی افزایش سالخوردگی جمعیت را به دنبال دارد.

۲. پیشینه پژوهش

مطالعات مختلفی به‌منظور بررسی تأثیر عوامل مؤثر بر سالخوردگی جمعیت صورت گرفته‌اند. برخی از مطالعات از جمله بنگتسون و اسکات^۲ (۲۰۱۰)، لی و ژو^۳ (۲۰۱۷)، حکمت‌نیا، جعفرپور قلعه‌تیموری و شمس‌الدینی^۴ (۲۰۲۱)، میرزایی و شمس قهفرخی (۱۳۸۶) و مدیری و همکاران (۱۳۹۸) نشان می‌دهند میزان باروری کل مهم‌ترین علت افزایش سالخوردگی جمعیت محسوب می‌شود. علاوه بر این، حسینی (۱۳۹۱) اظهار می‌دارد شدت سالخوردگی جمعیت تحت تأثیر شدت کاهش باروری در طول دوره گذار جمعیتی قرار دارد. اما نقش مهم باروری به‌عنوان تنها عامل مؤثر بر سالخوردگی جمعیت از سوی برخی مورد انتقاد قرار می‌گیرد.

1. J. White et al.

2. Bengtsson and Scott

3. Lee and Zhou

4. Hekmatnia, Jafarpour Ghalehtimouri and Shamsoddini

به‌نحوی که کاسلی و والین^۱ (۱۹۹۰) با مقایسه روند واقعی و پیش‌بینی شده جمعیت فرانسه و ایتالیا طی دوره زمانی ۲۰۴۰-۱۹۶۰ نشان می‌دهند میزان مرگ‌ومیر نسبت به باروری نقش مهم‌تری در افزایش سالخورده‌گی جمعیت برعهده دارد. بنابراین، این دیدگاه مطرح می‌شود که میزان مرگ‌ومیر همراه با میزان باروری تأثیر بسیاری در سالخورده‌گی جمعیت دارند. بر این اساس پژوهش‌هایی از جمله سانتو^۲ (۲۰۱۲) کاهش میزان مرگ‌ومیر و میزان باروری را مهم‌ترین عامل مؤثر بر سالخورده‌گی جمعیت در نظر می‌گیرد.

فتحی (۱۳۸۸) نیز براساس تئوری انتقال جمعیتی بیان می‌کند کاهش میزان موالید و مرگ‌ومیر و در نتیجه کاهش رشد جمعیت به افزایش جمعیت سالمندان منجر می‌شود. اما با گذشت زمان و افزایش روند مهاجرت برخی از مطالعات اظهار می‌دارند مهاجرت نیز بر سالخورده‌گی اثر گذار است. بر این اساس، رضانیان (۱۳۸۰)، تقدیسی و احمدی شاپورآبادی (۱۳۹۱) استدلال می‌کنند مهاجرت از روستا به شهر مهم‌ترین عامل سالخورده‌گی بخش کشاورزی و جمعیت روستا در ایران است. گروهی دیگر از پژوهش‌ها نیز تأثیر هم‌زمان باروری و امید زندگی بر سالخورده‌گی جمعیت را مورد بررسی قرار می‌دهند. بر این اساس مطیع حق‌شناس (۱۳۹۰) به‌منظور بررسی وضعیت سالخورده‌گی در کشور نشان می‌دهد به‌دلیل کاهش باروری و افزایش امید زندگی جمعیت سالخورده از روند افزایشی و جمعیت جوان و نوجوان از روند کاهشی برخوردار شده‌اند. دارابی و ترابی (۱۳۹۶) روند سالخورده‌گی جمعیت در کشورهای اروپایی و آسیایی را طی دوره زمانی ۲۰۱۵-۱۹۵۰ بررسی و مقایسه کردند. آنها دریافتند میزان باروری تأثیر منفی و امید زندگی تأثیر مثبت بر سالخورده‌گی جمعیت

1. Caselli and Vallin

2. Suntoo

دارد اما باروری نسبت به امید زندگی تأثیر بیشتری بر سالخوردگی جمعیت دارد. همچنین با توجه به کاهش سریع باروری و افزایش امید زندگی در کشورهای آسیایی، پیش بینی می شود روند سالخوردگی جمعیت در کشورهای آسیایی از سرعت بیشتری برخوردار شود. نتایج پژوهش های پرستون و استوکس^۱ (۲۰۱۲) و مورفی^۲ (۲۰۱۷) بر تأثیر میزان باروری، مرگومیر و مهاجرت بر سالخوردگی اشاره دارند.

ساندرسون و شربو^۳ (۲۰۱۵) دیدگاه جدیدی درباره سالخوردگی جمعیت مطرح می کنند. برای این منظور با استفاده از داده های ۳۹ کشور اروپایی تأثیر امید زندگی بر سالخوردگی جمعیت را طی دوره های زمانی ۲۰۱۳، ۲۰۳۰ و ۲۰۵۰ بررسی کردند. آنها بیان می کنند این دیدگاه که افزایش امید زندگی سرعت سالخوردگی جمعیت را افزایش می دهد بر این فرض استوار است که افراد در یک دوره زمانی ثابت سالخورده می شوند. به عبارت دیگر از آنجاکه در این دیدگاه یک آستانه مشخص و ثابت (۶۰، ۶۵ و ۷۰ سالگی) برای سالخوردگی جمعیت مطرح می شود، لذا افزایش امید زندگی به افزایش سالخوردگی جمعیت می انجامد. یک دیدگاه جایگزین این است که معیار سالخوردگی افراد براساس زمان باقی مانده برای مرگ در نظر گرفته شود. به کارگیری زمان باقی مانده برای مرگ به عنوان شاخص سالخوردگی، بازتاب بهتری از عملکرد افراد، سطح سلامت افراد و میزان وابستگی به دیگران ارائه می دهد. مطابق این دیدگاه با توجه به اینکه با تغییر امید زندگی، آستانه سالخوردگی جمعیت نیز تغییر می یابد، لذا افزایش سریع امید زندگی به کاهش سالخوردگی جمعیت منجر می شود. درنهایت با افزایش اهمیت سالخوردگی جمعیت برخی از مطالعات نشان می دهند سالخوردگی جمعیت تحت تأثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی و محیطی مختلفی قرار

1. Perston and Stokes

2. Murphy

3. Sanderson and Scherbov

دارد. در این زمینه سو و همکاران^۱ (۲۰۱۸) در پژوهشی عوامل مؤثر بر سالخوردگی جمعیت را در چین طی دوره زمانی ۲۰۱۰-۲۰۰۰ مورد ارزیابی قرار دادند. یافته‌ها نشان می‌دهد به‌رغم افزایش سالخوردگی جمعیت در چین، به‌دلیل مهاجرت نیروی کار، میزان سالخوردگی جمعیت شهری کمتر از جمعیت روستایی است. علاوه بر این، بعد از عامل مهاجرت، تولید ناخالص داخلی و تراکم شبکه جاده‌ای بیشترین اثر را بر سالخوردگی جمعیت دارند. اما شاخص‌های محیط زیستی از جمله کیفیت هوا تأثیر ناچیزی در افزایش سالخوردگی جمعیت دارند.

رینود و میکولی^۲ (۲۰۱۸) در راستای بررسی تأثیر بحران‌های اقتصادی در سال ۲۰۰۸ بر سالخوردگی جمعیت ایتالیا بیان می‌کنند کاهش زادوولد و مهاجرت خالص ناشی از بحران اقتصادی در افزایش سالخوردگی جمعیت مؤثر هستند. در ایتالیا قبل از وقوع بحران اقتصادی به‌دلیل بهبود باروری و افزایش سطح مهاجرت، سالخوردگی جمعیت روند کاهشی داشته است؛ از این‌رو، زادوولد و به تبع آن تعداد افراد جوان افزایش یافته‌اند. بعد از شروع بحران اقتصادی، اگرچه میزان مرگ‌ومیر تغییری پیدا نکرده است، اما رکود اقتصادی به کاهش باروری و زادوولد منجر شده است. وانگ (۲۰۲۰) با استفاده از روش‌های خودهمبستگی مکانی و مدل‌سازی خطای مکانی، تأثیر عوامل اثرگذار بر سالخوردگی جمعیت را در جهان برای دوره زمانی ۲۰۱۰-۱۹۹۰ بررسی کرد. نتایج نشان می‌دهد امید زندگی، میزان شهرنشینی و تولید ناخالص داخلی سرانه، تأثیر مثبت و معناداری بر سالخوردگی جمعیت دارند اما نابرابری جنسیتی فاقد اثر معنادار بر سالخوردگی جمعیت است. ناگاراگان و همکاران (۲۰۲۱) با استفاده از رویکرد پانل دیتا تأثیر عوامل مؤثر بر سالخوردگی جمعیت در کشورهای کمتر توسعه‌یافته را در

1. Xu et al.

2. Reynaud and Miccoli

تجزیه سهم عوامل مؤثر بر سالخوردگی جمعیت در ایران با استفاده از رویکرد ارزش شیپلی — ۱۷۳

دوره زمانی ۲۰۱۸-۱۹۸۴ بررسی کردند. یافته‌ها حاکی است میزان رشد تولید ناخالص داخلی سرانه، سرمایه انسانی، هزینه‌های بهداشتی سرانه و کمک‌های بین‌المللی تأثیر مثبتی بر سالخوردگی جمعیت دارند. علاوه بر این، افزایش تعداد مهاجران با افزایش سالخوردگی جمعیت و کاهش میزان باروری همراه است. قیصریان (۱۳۸۸) در راستای بررسی ابعاد اجتماعی - اقتصادی پدیده سالمندی را در ایران بیان می‌کند. مسئله سالمندی در ایران به دلایل مختلف از جمله کاهش میزان مولید، پیشرفت‌های پزشکی، بهداشت، آموزش و پرورش و افزایش امید زندگی در حال وقوع است. محمدی و همکاران (۱۳۹۶) با استفاده از رویکرد تحلیلی-توصیفی تأثیر عوامل مؤثر بر سالخوردگی را در ایران بررسی کردند. نتایج نشان می‌دهد زنان ۵۱ درصد و مردان ۴۹ درصد از جمعیت سالخورده کشور را تشکیل می‌دهند. همچنین، یافته‌ها حاکی است میزان باروری و نسبت حمایت بالقوه تأثیر معکوس بر سالخوردگی دارند و سایر متغیرها تأثیر معناداری بر سالخوردگی ندارند.

مرور پیشینه پژوهش نشان می‌دهد اگرچه مطالعات متفاوت تأثیر عوامل اجتماعی و اقتصادی مختلف بر سالخوردگی جمعیت را بررسی کرده‌اند، اما در هیچ‌یک از پژوهش‌های صورت گرفته عوامل مؤثر بر سالخوردگی جمعیت رتبه‌بندی و میزان مشارکت و سهم هریک از عوامل از سالخوردگی جمعیت محاسبه نشده است. همچنین هریک از پژوهش‌های انجام شده تأثیر برخی از عوامل مؤثر بر سالخوردگی جمعیت را نادیده گرفته‌اند. بنابراین، پژوهش حاضر از طریق رتبه‌بندی و محاسبه سهم عوامل اجتماعی و اقتصادی مختلف از سالخوردگی جمعیت، در جهت رفع نواقص پژوهش‌های صورت گرفته است.

۳. روش شناسی پژوهش

۳-۱. تصریح الگو

هدف پژوهش حاضر تجزیه سهم عوامل مؤثر بر سالخوردگی جمعیت در ایران است. برای این منظور به پیروی از ادبیات موضوع و الگوی وانگ (۲۰۲۰) عوامل مؤثر بر سالخوردگی جمعیت براساس رابطه (۵) معرفی می‌شود:

$$aging_t = f(ly_t, lif_t, mor_t, fer_t, gpi_t, ur_t, mig_t) \quad (5)$$

که در آن $aging_t$ سالخوردگی جمعیت، ly_t لگاریتم تولید ناخالص داخلی، lif_t امید زندگی، mor_t میزان مرگ‌ومیر کودکان، fer_t میزان باروری، gpi_t نابرابری آموزشی، ur_t میزان شهرنشینی و mig_t میزان خالص مهاجرت را نشان می‌دهد.

۳-۲. داده‌ها

به‌منظور اندازه‌گیری سالخوردگی جمعیت از شاخص نسبت افراد بالای ۶۵ سال به کل جمعیت و برای اندازه‌گیری نابرابری آموزشی از نسبت میزان ثبت‌نام در مدارس ابتدایی زنان به مردان استفاده می‌شود. برای حقیقی کردن متغیرهای اسمی از شاخص قیمتی مصرف‌کننده به سال پایه ۱۳۸۳ بهره برده می‌شود. داده‌ها به‌صورت سالیانه هستند و بازه زمانی ۱۳۹۹-۱۳۴۹ را دربرمی‌گیرند. مأخذ داده‌های تولید ناخالص داخلی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و منبع داده‌های خالص مهاجرت، سازمان ملل متحد است. سایر داده‌ها نیز از بانک جهانی اخذ شده‌اند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و برآورد الگو از نرم‌افزار R بهره گرفته می‌شود.

۳-۳. روش تجزیه شیلی

یکی از روش‌های شناسایی عوامل مؤثر بر سالخوردگی جمعیت استفاده از روش‌های سنتی اقتصادسنجی است. با وجود اینکه برآورد ضرایب با روش‌های سنتی

اقتصادسنجی اطلاعاتی در رابطه با همبستگی بین متغیرها و معناداری آن ارائه می‌دهد، به رتبه‌بندی متغیرهای توضیحی قادر نیست (Barrado, Gimenez and Sanaú, 2021: 2). در نتیجه برای رفع این محدودیت رویکرد تجزیه مورد توجه قرار می‌گیرد. از جمله روش‌های مختلف تجزیه می‌توان به تحلیل تجزیه ساختاری^۱ و تحلیل تجزیه شاخص^۲ اشاره کرد. هر کدام از روش‌های ذکر شده مزایا و معایبی دارند. روش تجزیه ساختاری که بر پایه جدول داده-ستانده است، مستلزم استفاده از داده‌های فراوانی است. روش تجزیه شاخص نیز شامل دو روش تحلیل تجزیه شاخص بر پایه شاخص لاسپیرز^۳ و روش تحلیل تجزیه شاخص بر پایه شاخص دیویژیا^۴ است. از آنجا که در روش تحلیل تجزیه شاخص بر پایه شاخص لاسپیرز میزان خطاها صفر نیستند، لذا نتایج با انحراف زیادی همراه هستند. روش تحلیل تجزیه شاخص بر پایه شاخص دیویژیا نیز شامل روش شاخص دیویژای میانگین حسابی^۵ و شاخص دیویژای میانگین لگاریتمی^۶ است. با وجود اینکه در روش شاخص دیویژای میانگین لگاریتمی مشکل وجود خطا رفع شده است، اما این روش در مواقعی که معناداری متغیرها به لحاظ اقتصادی مشخص نیست، عملکرد ضعیفی دارد (فطرس و همکاران، ۱۴۰۱: ۹۹-۹۸). بنابراین در پژوهش حاضر به منظور تجزیه سهم عوامل مؤثر بر سالخوردگی جمعیت از روش تجزیه ارزش شیپلی استفاده می‌شود. روش تجزیه ارزش شیپلی بر پایه ضریب تعیین الگوی مورد برآورد استوار است که در آن به کارگیری تجزیه ضریب تعیین امکان برآورد سهم خالص هر یک از متغیرها از متغیر

1. Structural Decomposition Analysis (SDA)

2. Index Decomposition Analysis (IDA)

3. Laspeyres IDA

4. Divisia IDA

5. Arithmetic Mean Divisia Index (AMDI)

6. Logarithmic Mean Divisia Index (LMDI)

وابسته را فراهم می‌کند. برای تبیین موضوع، رابطه را در نظر بگیرید:

$$y = a + \beta_1 x_1 + \beta_2 x_2 + \dots + \beta_j x_j + \dots + \beta_k x_k + \varepsilon \quad (۶)$$

در آن y متغیر وابسته، a عرض از مبدأ، $x_1, x_2, \dots, x_j, \dots, x_k$ متغیرهای توضیحی، β بردار ضرایب متغیرها و ε جز اخلاص را نشان می‌دهند. با برآورد رگرسیون فوق به روش حداقل مربعات معمولی مقدار ضریب تعیین $R^2(K)$ به دست می‌آید. هر زیرمجموعه‌ای از رابطه (۶) را می‌توان به صورت $T \subseteq K$ برآورد کرد:

$$y = a + \sum_{j=1}^T \beta_j x_j + \varepsilon \quad (۷)$$

با تخمین هر ترکیب ممکن از رابطه (۷) ضریب تعیین مربوط به آن ترکیب یعنی $R^2(T)$ حاصل می‌شود که ارزش آن نسبتی از $R^2(K)$ است. می‌توان با استفاده از تابع f ضریب تعیین ترکیب‌های ممکن را به صورت یک نقشه در فضای حقیقی تعریف کرد:

$$f: 2^K \rightarrow \mathfrak{R}, \quad T \mapsto f(T) \text{ for } T \subseteq K \quad (۸)$$

طبق تعریف رابطه (۸) $f(K)$ همان $R^2(K)$ است همچنین فرض می‌شود مقدار تهی تابع $f(K)$ برابر صفر است و به معنای آن است که در صورت عدم در نظر گرفتن متغیر توضیحی مقدار ضریب تعیین صفر است. بنابراین می‌توان سهم متغیرهای توضیحی $x_1, x_2, \dots, x_j, \dots, x_k$ را در میزان توضیح‌دهندگی متغیر وابسته یعنی $f(K)$ تعیین کرد. اما سؤال این است که ضریب تعیین بر مبنای چه قاعده‌ای باید بین متغیرهای توضیحی تقسیم شود؟ شیپلی (۱۹۵۳) در پاسخ به پرسش فوق معیاری تحت عنوان ارزش شیپلی را مطرح می‌کند که بر پایه نتایج رویکرد نظریه

بازی همکارانه^۱ مبتنی است. در نظریه بازی همکارانه پرسش اصلی این است که چگونه مقدار مشخصی از منافع یا هزینه را منصفانه بین اعضای آن که در ایجاد آن مشارکت داشته‌اند، تقسیم کرد (Stern and Tettenhorst, 2019).

۳-۴. روش ارزش شیپلی

روش ارزش شیپلی (۱۹۵۳) از جمله رویکردهای کاربردی است که با تمرکز بر ضریب تعیین، سهم و مشارکت رگرسورها را در میزان توضیح‌دهندگی متغیر وابسته برآورد می‌کند (Johnson and Le Breton, 2004). در این روش، رابطه (۶) برآورد و ضریب تعیین آن محاسبه می‌شود؛ سپس با خروج هریک از متغیرهای توضیحی، رگرسیون مجدد برآورد و ضریب تعیین آن رابطه محاسبه می‌شود؛ بنابراین، تفاوت بین ضریب تعیین‌ها میزان سهم نهایی هر متغیر حذف شده از رگرسیون را نشان می‌دهد. فرض کنید θ وضعیتی از متغیرهای رگرسیون را نشان می‌دهد که در آن متغیر x_j جایگاه^۲ θ_j را داراست؛ همچنین $P(\theta, x_j)$ نیز معرف رگرسیونی است که در آن متغیر x_j حضور ندارد، یعنی $P(\theta, x_j) := \{x_p \in K \mid \theta(p) < \theta_j\}$ ؛ در این صورت سهم نهایی متغیر x_j برابر است با:

$$MC(x_j, \theta) := f(P(\theta, x_j) \cup \{x_j\}) - f(P(\theta, x_j)) \quad (9)$$

در رابطه فوق، $f(P(\theta, x_j) \cup \{x_j\})$ ضریب تعیین رگرسیون را در حالتی نشان می‌دهد که مجموعه متغیرها از جمله x_j در رگرسیون حضور دارند و $f(P(\theta, x_j))$ ضریب تعیین حاصل از برآورد الگوی رگرسیونی را در وضعیتی نشان می‌دهد که متغیر x_j در الگو غایب است. تفاوت این دو ضریب تعیین سهم متغیر x_j در توضیح متغیر وابسته را منعکس می‌کند. برای حضور هر متغیر مانند x_j در رگرسیون K

1. Cooperative Game Theory

2. Position

متغیره حالات مختلفی وجود دارد^۱، لذا با در نظر گرفتن احتمال یکسان برای وقوع هر یک از حالات ممکن، ارزش شیپلی متغیر x_j از میانگین سهم نهایی x_j در هر یک از حالات ممکن به دست می آید (Huettner and Sunder, 2011). اگر $\Theta(K)$ مجموعه جایگشت‌های K^2 متغیر را نشان دهد، در این صورت ارزش شیپلی متغیر x_j به صورت زیر تعریف می شود:

$$Sh_{x_j}(f) = \frac{1}{|\Theta(K)|} \sum_{\theta \in \Theta(K)} MC(x_j, \theta) \quad (10)$$

در پژوهش حاضر، با استفاده از روش ارزش شیپلی سهم متغیرهای مستقل از متغیر وابسته یعنی سالخوردگی جمعیت بر حسب رابطه زیر محاسبه می شود:

$$aging = a + \beta_1 ly + \beta_2 lif + \beta_3 mor + \beta_4 fer + \beta_5 gpi + \beta_6 ur + \beta_7 mig + \varepsilon \quad (11)$$

به منظور تحلیل یافته‌ها، سهم متغیرهای توضیحی نخست برای کل دوره مورد مطالعه یعنی بازه ۱۳۹۹-۱۳۴۹ محاسبه می شود و سپس با در نظر گرفتن بحث گذار جمعیتی در کشور سهم متغیرهای مورد نظر در سه دوره زمانی شامل ۱۳۷۴-۱۳۴۹، ۱۳۸۹-۱۳۷۵ و ۱۳۹۹-۱۳۹۰ برآورد می شود. در بستر گذار جمعیتی، ابتدا مرگومیر کودکان و سپس باروری کاهش می یابند. با حرکت به سمت باروری پایین و افزایش طول عمر یک جمعیت سالخورده شکل خواهد گرفت. به نحوی که در مرحله اول گذار جمعیتی با کاهش میزان مرگومیر کودکان جمعیت افراد زیر ۱۵ سال افزایش می یابد. در مرحله دوم گذار جمعیتی میزان باروری کاهش می یابد و جمعیت وارد سن فعالیت می شود. در فاز سوم گذار جمعیتی به علت کاهش سریع مرگومیر و باروری جمعیت به سمت سالمندی حرکت می کند. از این رو به تبعیت از

۱. به عنوان مثال در یک رگرسیون سه متغیره دو حالت برای متغیر X_1 وجود دارد؛ در حالت اول هر دو متغیر X_1 و X_2 در رگرسیون حضور دارند و در حالت دوم تنها متغیر X_1 در رگرسیون حضور دارد.

تجزیه سهم عوامل مؤثر بر سالخوردگی جمعیت در ایران با استفاده از رویکرد ارزش شیپلی — ۱۷۹

گذار جمعیتی گذار ساختار سنی رخ می‌دهد که شامل چهار فاز کودکی، جوانی، بلوغ جمعیت و سالمندی است. برمبنای تفکیک‌های انجام شده کشور ایران تا سال ۱۳۷۴ در مرحله کودکی قرار داشته است؛ سال ۱۳۷۵ وارد مرحله جوانی و از سال ۱۳۹۰ وارد مرحله میان‌سالی شده است (صادقی، ۱۳۹۱: ۱۱۹-۱۱۶؛ مشفق و میرزایی، ۱۳۸۹: ۱؛ گزارش تحلیلی مرکز آمار، ۱۳۹۸).

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. نتایج آزمون ریشه واحد

به‌منظور جلوگیری از رگرسیون کاذب و مشکلات ناشی از آن، نخست مانایی متغیرها آزمون می‌شود. برای این منظور از آزمون زیوت و آندریوز استفاده می‌شود. جدول ۱ نتایج حاصل از آزمون مانایی زیوت و آندریوز در سه حالت، تغییرات زمان و مانایی در سطح، تغییرات زمان و مانایی در شیب تابع روند و تغییرات زمان و مانایی در سطح و شیب تابع روند آمده است.

جدول ۱. نتایج آزمون ریشه واحد

تغییرات زمان و مانایی در سطح و شیب تابع روند			تغییرات زمان و مانایی در شیب تابع روند			تغییرات زمان و مانایی در سطح			وضعیت مانایی	نام متغیر
شکست	آماره بحرانی	آماره آزمون	شکست	آماره بحرانی	آماره آزمون	شکست	آماره بحرانی	آماره آزمون		
۱۳۷۱	-۵/۵۷	-۶/۰۶	۱۳۷۱	-۴/۸	-۶/۵۶	۱۳۸۸	-۵/۳۴	-۵/۶۷	I(0)	agin
۱۳۹۲	-۴/۸۲	-۴/۸۶	۱۳۹۰	-۴/۸	-۴/۹۳	۱۳۸۱	-۵/۳۴	-۵/۳۷	I(0)	ly _t
۱۳۸۱	-۵/۵۷	-۷/۱۲	۱۳۷۸	-۴/۸	-۷/۶۴	۱۳۶۷	-۴/۹۳	-۵/۷	I(0)	lif _t
۱۳۸۸	-۵/۵۷	-۵/۹۴	۱۳۸۳	-۴/۸	-۵/۸۳	۱۳۷۷	-۵/۳۴	-۶/۰۴	I(0)	mor _t
۱۳۸۲	-۵/۵۷	-۱۸/۸۳	۱۳۸۵	-۴/۸	-۱۸/۷	۱۳۹۰	-۵/۳۴	-۱۴/۳۶	I(0)	fer _t
۱۳۶۷	-۴/۸۲	-۴/۹۶	۱۳۷۱	-۴/۸	-۴/۸۶	۱۳۶۲	-۴/۵۸	-۴/۸۲	I(0)	gpi _t
۱۳۸۳	-۵/۰۲	-۵/۵۲	۱۳۸۱	-۴/۸	-۵/۷۵	۱۳۶۵	-۴/۹۳	-۵/۲۶	I(0)	ur _t
۱۳۶۸	-۵/۰۸	-۵/۵	۱۳۸۲	-۴/۸	-۵/۱۷	۱۳۶۸	-۵/۳۴	-۵/۵۸	I(0)	mig _t

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

نتایج آزمون ریشه واحد نشان دادند با توجه به در نظر گرفتن شکست ساختاری، تمام متغیرها در سطح مانا هستند.

۴-۲. نتایج برآورد الگو و محاسبه سهم عوامل مؤثر بر سالخوردگی جمعیت

به منظور برآورد سهم عوامل مؤثر بر سالخوردگی جمعیت، نخست با بهره‌گیری از روش حداقل مربعات معمولی الگوی پژوهش برآورد و ضریب تعیین مدل محاسبه م‌هدود. سپس سهم هریک از عوامل از ضریب تعیین محاسبه می‌شود. جدول ۲ نتایج حاصل از برآورد الگوی پژوهش را به اختصار نشان می‌دهد.

جدول ۲. نتایج برآورد الگوی پژوهش

نام متغیر	ضریب	آماره t	سطح احتمال
عرض از مبدا	-۵۳/۸۷	-۷/۵۲	۰/۰۰۰
ly_t	۰/۹۶	۳/۵۳	۰/۰۰۰
lif_t	۰/۲۴	۴/۲۴	۰/۰۰۰
mor_t	۰/۰۶	۸/۱۴	۰/۰۰۰
fer_t	-۰/۲۲	-۱/۹۳	۰/۰۶
gpi_t	۶/۵۳	۳/۱۵	۰/۰۰۱
ur_t	۰/۴۵	۱/۸۹	۰/۰۶۶
mig_t	۰/۱۷	۵/۰۸	۰/۰۰۰
F= 181/46 (00/0)		Adj. R ² =0/96	R ² =0/967

مأخذ: همان.

بر اساس آماره، ضریب تعیین الگوی برآوردی قادر است ۹۶ درصد از واقعیات تجربی بین متغیرهای مستقل و وابسته را توضیح دهد. همچنین فاصله اندک ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل شده نشان‌دهنده نکویی برازش مدل است. آماره F نیز بر معناداری کل رگرسیون دلالت دارد. مطابق آماره آزمون تی استیودنت و سطح

احتمال مربوط به ضرایب رگرسیون، تمام متغیرها به لحاظ آماری معنادار هستند. نتایج حاصل از برآورد الگو نشان می‌دهد ضریب متغیر لگاریتم تولید ناخالص داخلی ۰/۹۶ است. بنابراین، افزایش تولید ناخالص داخلی به افزایش سالخوردگی جمعیت می‌انجامد. ضریب متغیر امید زندگی ۰/۲۴ است. بنابراین، رابطه مستقیم بین امید زندگی و سالخوردگی جمعیت وجود دارد. ضریب متغیر میزان مرگ‌ومیر کودکان ۰/۰۶ است. از این رو، رابطه مستقیم بین میزان مرگ‌ومیر کودکان و سالخوردگی جمعیت وجود دارد. ضریب متغیر میزان باروری ۰/۲۲- است. با توجه به نتایج پژوهش رابطه معکوس بین میزان باروری و سالخوردگی جمعیت وجود دارد. ضریب متغیر نسبت آموزش زنان به مردان ۶/۵۳ است. بنابراین، نسبت آموزش زنان به مردان با افزایش سالخوردگی جمعیت همراه است. ضریب میزان شهرنشینی ۰/۴۵ است. مطابق نتایج، شهرنشینی افزایش سالخوردگی جمعیت را به دنبال دارد. ضریب متغیر میزان خالص مهاجرت ۰/۱۷ است. از آنجاکه در اکثر سال‌ها میزان مهاجرت به کشور (ورود) کمتر از میزان مهاجرت از کشور (خروج) است، لذا خالص مهاجرت به سالخوردگی جمعیت می‌انجامد.

جدول ۳. تجزیه سهم عوامل مؤثر بر سالخوردگی جمعیت طی دوره ۱۳۴۹-۱۳۹۹

۱۳۴۹-۱۳۹۹		نام متغیر
سهم بر حسب درصد	سهم بر حسب R^2	
۲۱/۷۴	۰/۲۱	ly_t
۱۸/۰۱	۰/۱۷۴	lif_t
۱۲/۴۲	۰/۱۲	mor_t
۱۲/۹۴	۰/۱۲۵	fer_t
۱۲/۸۴	۰/۱۲۴	gpi_t
۱۳/۷۷	۰/۱۳۳	ur_t
۸/۲۸	۰/۰۸	mig_t
۱۰۰	۰/۹۶۶	R^2

مأخذ: همان.

براساس نتایج پژوهش طی دوره زمانی ۱۳۴۹-۱۳۹۹ متغیر لگاریتم تولید ناخالص داخلی با ۲۱/۷۴ درصد بیشترین سهم از سالخوردگی جمعیت را داراست. تولید ناخالص داخلی به‌طور متوسط از سال ۱۳۴۹ تا سال ۱۳۹۹ به رشدی معادل ۲۱۴/۵۳ درصد دست یافته است. رشد قابل توجه تولید ناخالص داخلی باعث شده این متغیر بیشترین سهم را در سالخوردگی جمعیت به خود اختصاص دهد (آمار بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران). امید زندگی سهم ۱۸/۰۱ درصدی از سالخوردگی جمعیت را برعهده دارد. برپایه آمار بانک جهانی (۱۳۴۹-۱۳۹۷) طی بازه زمانی مورد بررسی امید زندگی از ۵۵/۸۵۵ در سال ۱۳۴۹ به ۷۶/۸۷ در سال ۱۳۹۹ رسیده است. در نتیجه امید زندگی، سهم چشمگیری در سالخوردگی جمعیت کشور دارد. میزان شهرنشینی دارای سهم ۱۳/۷۷ درصدی از سالخوردگی جمعیت است. از سال ۱۳۴۹ تا سال ۱۳۹۹ میزان

شهرنشینی افزایش چشمگیری یافته و به رشد ۸۳/۴۱ درصدی رسیده است (داده‌های بانک جهانی^۱، ۲۰۲۰-۱۹۷۰). میزان باروری ۱۲/۹۴ درصد از سهم سالخورده‌گی جمعیت را داراست. کاهش میزان باروری طی سال‌های اخیر باعث شده است این متغیر سهم نامطلوبی در سالخورده‌گی جمعیت داشته باشد (همان). سهم نسبت آموزش زنان به مردان در توضیح سالخورده‌گی جمعیت ۱۲/۸۴ درصد است. بررسی وضعیت ساختار آموزش کشور نشان می‌دهد طی بازه زمانی ۱۳۹۹-۱۳۴۹ نسبت آموزش زنان به مردان با رشد ۸۳/۱۸ درصدی به افزایش زیادی رسیده است و سهم مهمی از سالخورده‌گی جمعیت کشور را به خود اختصاص می‌دهد. میزان مرگ‌ومیر کودکان با سهمی معادل با ۱۲/۴۲ درصد نقش قابل توجهی در سالخورده‌گی جمعیت به‌عهده دارد. یکی از دست آوردهای مهم کشور طی بازه زمانی مورد بررسی کاهش شدید میزان مرگ‌ومیر کودکان است. به‌نحوی که میزان مرگ‌ومیر کودکان از ۱۲۸/۶۱ در هر هزار تولد از سال ۱۳۴۹ به ۱۱/۱ در هر هزار تولد در سال ۱۳۹۹ رسیده است و به کاهش ۹۱/۳۶ درصدی دست یافته است (همان). از این‌رو، میزان مرگ‌ومیر کودکان سهم مهمی از سالخورده‌گی جمعیت را به خود اختصاص می‌دهد. میزان خالص مهاجرت ۸/۲۸ درصد از سهم سالخورده‌گی جمعیت را داراست. پایین بودن میزان خالص مهاجرت باعث شده این متغیر کمترین سهم از سالخورده‌گی جمعیت را به خود اختصاص دهد (آمار سازمان ملل متحد^۲، ۲۰۲۰-۱۹۷۰).

برآورد الگوی پژوهش برحسب ساختار گذار سنی جمعیت نشان می‌دهد سهم متغیرها در توضیح‌دهندگی سالخورده‌گی جمعیت در مراحل مختلف گذار متفاوت است.

1. World Bank

2. United Nations Department of Economic and Social Affairs

جدول ۴. تجزیه سهم عوامل مؤثر بر سالخوردگی جمعیت براساس گذار جمعیت

۱۳۹۰-۱۳۹۹		۱۳۷۵-۱۳۸۹		۱۳۴۹-۱۳۷۴		نام متغیر
سهم بر حسب درصد	سهم بر حسب R ²	سهم بر حسب درصد	سهم بر حسب R ²	سهم بر حسب درصد	سهم بر حسب R ²	
۲/۵۶	۰/۰۲۵۴	۱۶/۰۶	۰/۱۶	۴/۲۱	۰/۰۴۲	ly_t
۲۱/۱۶	۰/۲۱	۱۷/۵۲۶	۰/۱۷۴۶	۱۵/۳۵	۰/۱۵۳	lif_t
۲۱/۳۶	۰/۲۱۲	۱۷/۵۲۸	۰/۱۷۴۶۲	۷/۰۲	۰/۰۷	mor_t
۱۶/۱۲	۰/۱۶	۱۵/۲۶	۰/۱۵۲	۲۵/۰۷	۰/۲۵	fer_t
۱۱/۷	۰/۱۱۶	۱۷/۰۶	۰/۱۷	۸/۵۳	۰/۰۸۵	gpi_t
۵/۴۴	۰/۰۵۴	۱۵/۰۵۶	۰/۱۵	۱۴/۵۴	۰/۱۴۵	ur_t
۲۱/۶۶	۰/۲۱۵	۱/۵۱	۰/۰۱۵	۲۵/۲۸	۰/۲۵۲	mig_t
۱۰۰	۰/۹۹۲۴	۱۰۰	۰/۹۹۶۲۲	۱۰۰	۰/۹۹۷	R^2

مأخذ: همان.

در مرحله اول گذار ساختار سنی میزان خالص مهاجرت، باروری، امید زندگی، شهرنشینی، نسبت آموزش زنان به مردان، مرگومیر کودکان و لگاریتم تولید ناخالص داخلی به ترتیب ۲۵/۲۸، ۲۵/۰۷، ۱۵/۳۵، ۱۴/۵۴، ۸/۵۳، ۷/۰۲ و ۴/۲۱ درصد از سهم سالخوردگی جمعیت را به خود اختصاص می دهند. در نتیجه در مرحله اول گذار ساختار سنی، میزان خالص مهاجرت و باروری بیشترین سهم در سالخوردگی جمعیت را برعهده دارند. در مرحله دوم گذار ساختار سنی، سهم میزان مرگومیر کودکان، امید زندگی، نسبت آموزش زنان به مردان، لگاریتم تولید ناخالص داخلی، باروری، شهرنشینی و مهاجرت به ترتیب ۱۷/۵۲۸، ۱۷/۵۲۶، ۱۷/۰۶، ۱۶/۰۶، ۱۵/۲۶، ۱۵/۰۵۶ و ۱/۵۱ است. براساس نتایج پژوهش میزان مرگومیر کودکان در این مرحله

بیشترین سهم از سالخوردگی جمعیت را برعهده دارد. در مرحله سوم سهم میزان مهاجرت ۲۱/۶۶، مرگ‌ومیر کودکان ۲۱/۳۶، امید زندگی ۲۱/۱۶، باروری ۱۶/۱۲، نابرابری آموزش ۱۱/۷، شهرنشینی ۵/۴۴ و لگاریتم تولید ناخالص داخلی ۲/۵۶ درصد است. از این رو در مرحله سوم گذار جمعیتی بیشترین سهم از سالخوردگی جمعیت به میزان مهاجرت و مرگ‌ومیر کودکان اختصاص دارد.

۵. جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

سالخوردگی جمعیت بر تعداد نیروی کار، فرایند رشد و توسعه اقتصادی هر کشور تأثیر می‌گذارد. بنابراین، شناسایی و رتبه‌بندی سهم عوامل مؤثر بر سالخوردگی جمعیت حائز اهمیت است. با توجه به اهمیت موضوع، پژوهش حاضر با استفاده از رویکرد ارزش شیپلی سهم عوامل مؤثر بر سالخوردگی جمعیت را در ایران طی دوره زمانی ۱۳۹۹-۱۳۴۹ مورد بررسی قرار داده است. براساس نتایج پژوهش در بازه زمانی ۱۳۹۹-۱۳۴۹ سهم لگاریتم تولید ناخالص داخلی، امید زندگی، میزان شهرنشینی، باروری، نابرابری آموزشی، مرگ‌ومیر کودکان و مهاجرت در سالخوردگی جمعیت به ترتیب ۲۱/۷۴، ۱۸/۰۱، ۱۳/۷۷، ۱۲/۹۴، ۱۲/۸۴، ۱۲/۴۲ و ۸/۲۸ درصد است که لگاریتم تولید ناخالص داخلی بیشترین سهم را در سالخوردگی جمعیت دارد. افزایش رشد و توسعه اقتصادی در هر کشوری به ابداع فناوری و تجهیزات جدید پزشکی، افزایش سطح بهداشت و درمان و به تبع آن کاهش میزان مرگ‌ومیر سالمندان و افزایش امید زندگی منجر می‌شود. در نتیجه رشد اقتصادی سهم چشمگیری در افزایش سالخوردگی جمعیت دارد. وانگ (۲۰۲۰) و ناگارا جان و همکاران (۲۰۲۱) تأثیر تولید ناخالص داخلی بر افزایش سالخوردگی جمعیت را تأیید می‌کنند.

بعد از میزان لگاریتم تولید ناخالص داخلی، امید زندگی بیشترین سهم را از

تجزیه سهم عوامل مؤثر بر سالخوردگی جمعیت در ایران با استفاده از رویکرد ارزش شیپلی — ۱۸۷

سالخوردگی جمعیت به خود اختصاص می‌دهد. بهبود امید زندگی در کشور نشان‌دهنده افزایش میانگین سن و سالخوردگی جمعیت است. سانتو (۲۰۱۲) تأثیر امید زندگی بر افزایش سالخوردگی جمعیت را تأیید می‌کند. متغیر مهم بعدی که سهم نسبتاً بالایی در سالخوردگی جمعیت دارد، میزان شهرنشینی است. طی سال‌های اخیر افزایش شهرنشینی همراه با افزایش هزینه‌های زندگی باعث شده تمایل به داشتن فرزند و به تبع آن میزان باروری کاهش و سالخوردگی جمعیت افزایش یابد. وانگ (۲۰۲۰) تأثیر مثبت میزان شهرنشینی بر سالخوردگی جمعیت را تأیید می‌کند. متغیر دیگری که سالخوردگی جمعیت را متأثر می‌سازد میزان باروری است. هرچه سطح باروری در یک کشور بیشتر باشد، تعداد جمعیت جوان افزایش یافته و به کاهش سالخوردگی جمعیت منجر می‌شود. در بین مطالعات داخلی، یافته‌های محمدی و همکاران (۱۳۹۶) و دارابی و ترابی (۱۳۹۶) نشان می‌دهد میزان باروری نقش مهمی در کاهش سالخوردگی جمعیت برعهده دارد.

همچنین نسبت آموزش زنان به مردان سهم بالایی از سالخوردگی جمعیت را به خود اختصاص می‌دهد. افزایش سطح آموزش زنان و مشارکت زنان در بازار کار به افزایش سن ازدواج و کاهش میزان باروری جمعیت منجر می‌شود. در پژوهش ناگاراگان و همکاران (۲۰۲۱) تأثیر مثبت آموزش بر سالخوردگی جمعیت تأیید می‌شود. از آنجاکه در بازه زمانی مورد بررسی میزان مرگ‌ومیر کودکان به کاهشی به میزان ۹۱/۳۶ درصد دست یافته است، این متغیر سهم مهمی در کاهش سالخوردگی جمعیت کشور دارد (داده‌های بانک جهانی، ۲۰۲۰-۱۹۷۰). در نهایت کمترین سهم در سالخوردگی جمعیت به میزان خالص مهاجرت مربوط می‌شود. در پژوهش مورفی (۲۰۱۷) میزان مهاجرت تأثیر قابل‌توجهی بر سالخوردگی جمعیت ندارد.

یافته‌های حاصل از تفکیک دوره زمانی به سه مرحله گذار ساختار سنی نشان می‌دهد طی دوره زمانی ۱۹۹۶-۱۹۷۰ مهاجرت از کشور به‌طور متوسط روند افزایشی یافته است (سازمان ملل متحد، ۱۹۹۶-۱۹۷۰) که نشان‌دهنده سهم بسیار این متغیر در سالخوردگی جمعیت است. در مرحله اول گذار ساختار سنی که مقارن با پیروزی انقلاب اسلامی است، سیاست افزایش میزان باروری مورد توجه قرار می‌گیرد. به‌نحوی که به‌منظور افزایش میزان باروری سیاست‌های مختلفی از جمله اعطای کوپن به خانواده‌های پرجمعیت اجرا می‌شود. از آنجاکه در مرحله اول گذار ساختار سنی میانگین میزان باروری در سطح ۵/۶۴ فرزند قرار دارد (داده‌های بانک جهانی، ۱۹۹۶-۱۹۷۰)، لذا باروری سهم مهمی از سالخوردگی جمعیت را در کشور به خود اختصاص می‌دهد. براساس نتایج پژوهش مشفق و میرزایی (۱۳۸۹) نیز میزان باروری در این مرحله در سطح بالایی قرار دارد. امید زندگی در مرحله اول گذار ساختار سنی به رشد ۳۴/۴۵ درصدی دست می‌یابد (داده‌های بانک جهانی، ۱۹۹۶-۱۹۷۰). بنابراین در این مرحله امید زندگی سهم بسیاری در سالخوردگی جمعیت دارد. در مرحله اول گذار ساختار سنی میانگین میزان شهرنشینی ۵۱/۳۲ است (همان). بنابراین میزان شهرنشینی سهم مهمی در سالخوردگی جمعیت دارد.

با توجه به میزان بالای مرگ‌ومیر کودکان در مرحله اول گذار ساختار سنی این متغیر سهم قابل توجهی در سالخوردگی جمعیت ندارد. میانگین نسبت آموزش زنان به مردان در مرحله اول گذار ساختار سنی ۰/۷۵ درصد است (همان) که بیانگر میزان پایین نسبت آموزش زنان به مردان و در نتیجه سهم ناچیز این متغیرها در سالخوردگی جمعیت است. لگاریتم تولید ناخالص داخلی در مرحله اول گذار ساختار سنی به‌طور متوسط روند کاهشی می‌یابد. به‌طوری که رشد تولید ناخالص داخلی از ۱۴/۳۳ درصد در سال ۱۳۵۰ به ۲/۶۸ درصد در سال ۱۳۷۴ می‌رسد (همان). لذا،

سهم لگاریتم تولید ناخالص داخلی در سالخوردگی جمعیت قابل توجه نیست. با گذار از مرحله اول به دوم ساختار سنی با افزایش سطح بهداشت، گسترش دسترسی به آب و برق، توزیع مناسب مواد غذایی و افزایش سطح سواد زنان، میزان مرگومیر کودکان در کشور کاهش شدیدی یافته و به ۱۶/۵ در هر هزار تولد در سال ۱۳۸۹ می‌رسد (همان، ۲۰۱۰-۱۹۹۷). کاهش شدید میزان مرگومیر کودکان باعث می‌شود این متغیر بیشترین سهم را از سالخوردگی جمعیت به خود اختصاص دهد. علاوه بر این، افزایش میانگین سن جمعیت در کشور باعث شده بعد از میزان مرگومیر کودکان، امید زندگی بیشترین سهم را در افزایش سالخوردگی جمعیت داشته باشد. در مقابل در این مرحله نگرانی‌های ناشی از افزایش رشد جمعیت باعث می‌شود سیاست کنترل جمعیت و کاهش میزان باروری مورد توجه قرار گیرد. اجرای سیاست‌های کنترل جمعیت همراه با حذف سیاست‌های تشویقی به کاهش شدید میزان باروری منجر می‌شود. به نحوی که میزان باروری در سال ۱۳۸۹ به سطح ۱/۸۶۶ فرزند می‌رسد (همان، ۱۹۹۶-۱۹۷۰). در نتیجه در مرحله دوم گذار ساختار سنی، سهم میزان باروری در سالخوردگی جمعیت نسبت به مرحله قبل کاهش شدیدی می‌یابد. در بازه زمانی ۱۳۸۹-۱۳۷۵ با افزایش میزان آموزش زنان و اجرای سیاست‌های مختلف به منظور دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی، پیشرفت تکنولوژی و زندگی مدرن شهری نسبت آموزش زنان به مردان، رشد اقتصادی و میزان شهرنشینی به ترتیب به رشدی معادل با ۱۲، ۱۵/۵۱ و ۶/۶۸ درصد در سال ۱۳۸۹ می‌رسند (داده‌های بانک جهانی، ۲۰۱۰-۱۹۹۷) و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران). بنابراین، سهم این متغیرها در سالخوردگی جمعیت نسبت به مرحله قبل افزایش چشمگیری می‌یابد.

در مرحله دوم گذار ساختار سنی، کاهش روند مهاجرت از کشور (داده‌های سازمان

ملل متحد، ۲۰۱۰-۱۹۹۷) به کاهش شدید سهم این متغیر در سالخوردگی جمعیت منجر می‌شود. سرانجام با انتقال از مرحله دوم به مرحله سوم گذار ساختار سنی، میزان جمعیت سالمندان در کشور افزایش می‌یابد. در نتیجه نگرانی در مورد وقوع پدیده سالخوردگی جمعیت باعث می‌شود در سال ۱۳۸۹ مجدداً سیاست تشویق تعداد فرزندان مورد توجه قرار گیرد. اما از آنجاکه میزان باروری افزایش چندانی ندارد، اثرگذاری سیاست مذکور کم‌رنگ می‌شود که با افزایش اندک سهم میزان باروری در سالخوردگی جمعیت همراه است.

همچنین افزایش مهاجرت از کشور در مرحله سوم گذار باعث می‌شود سهم میزان خالص مهاجرت در سالخوردگی جمعیت نسبت به مرحله قبل افزایش یابد (داده‌های سازمان ملل متحد، ۲۰۲۰-۲۰۱۱). با پیشرفت در پزشکی و ارتقای سطح سلامت، مرگومیر کودکان بهبود می‌یابد. بهبود میزان مرگومیر باعث می‌شود سهم این متغیر نسبت به مرحله دوم گذار ساختار سنی افزایش یابد. در این مرحله از سرعت رشد شهرنشینی کاسته می‌شود (داده‌های بانک جهانی، ۲۰۱۹-۲۰۱۱). از این رو میزان شهرنشینی سهم اندکی در افزایش سالخوردگی جمعیت به خود اختصاص می‌دهد. نکته قابل توجه در مرحله سوم، کاهش شدید سهم تولید ناخالص داخلی است. در واقع طی دوره زمانی ۱۳۹۹-۱۳۸۹ به دلیل کاهش سرمایه‌گذاری در بخش حقیقی، نااطمینانی اقتصادی و تورم، تولید ناخالص داخلی کاهش شدیدی می‌یابد و به رشد منفی معادل با ۶/۵۱- درصد در سال ۱۳۹۸ می‌رسد. کاهش شدید تولید ناخالص داخلی سهم این متغیر را در مرحله سوم گذار ساختار سنی کاهش می‌دهد (داده‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران).

پیشنهادها

- با توجه به نتایج پژوهش، طی دهه‌های اخیر میزان باروری در کشور کاهش یافته است و این موضوع باعث شده سهم باروری در کنترل سالخوردگی جمعیت نامناسب باشد. سهم نامناسب میزان باروری در کاهش سالخوردگی جمعیت به عواملی از جمله کاهش ازدواج جوانان و افزایش سن ازدواج، افزایش هزینه تربیت فرزندان، به وجود آمدن دیدگاه تک فرزندی و افزایش شدید شهرنشینی ریشه دارد. بنابراین پیشنهاد می‌شود از طریق مشوق‌های اقتصادی از جمله حمایت از وضعیت معیشت، تأمین حداقل نیازهای اساسی اقشار کم‌درآمد و دهک‌های پایین درآمدی، اتخاذ سیاست‌های مناسب برای تشویق افزایش تعداد فرزندان، حل مشکل ناباروری، ترویج ارزش فرزندآوری از طریق آموزه‌های دینی و اعطای تسهیلات ازدواج و مسکن بسترهای لازم برای افزایش میزان باروری و به تبع آن کنترل پدیده سالخوردگی جمعیت در کشور فراهم شود.
- در کنار افزایش باروری، باید زیرساخت‌های اقتصادی، اجتماعی، رفاهی و بهداشتی لازم به‌منظور افزایش جمعیت در کشور فراهم شود تا از پیامدهای احتمالی کاهش جمعیت جلوگیری شود.
- با توجه به پویایی جمعیت، نمی‌توان براساس برنامه ثابت به ایجاد تعادل در ساختار سنی جمعیت دست یافت. بنابراین، پیشنهاد می‌شود با استفاده از برنامه‌ها و سیاست‌های صحیح، مناسب و جدید، ضمن جلوگیری از کاهش باروری از سطح جایگزینی، شرایط لازم برای ایجاد تعادل در ساختار سنی جمعیت فراهم شود.
- مهاجرت فزاینده افراد جوان از کشور نیز روند سالخوردگی جمعیت را در

کشور تشدید می‌کند. بنابراین با تشویق، ایجاد انگیزه و شرایط کاری مناسب از خروج افراد جوان از کشور جلوگیری شود.

- افراد سالخورده آتی نسبت به افراد سالخورده فعلی دارای تفاوت‌های بسیاری هستند به نحوی که افراد سالخورده در آینده از سطح امید زندگی، تحصیلات و سلامت بیشتری برخوردارند و بسیاری از خصوصیات افراد جوان را دارا می‌باشند (Sanderson and Scherbov, 2015: 1). بنابراین، پیشنهاد می‌شود با افزایش آموزش و سلامت سالمندان شرایطی فراهم شود که آستانه سالخوردگی جمعیت و سن فعالیت افراد افزایش یابد. افزایش آستانه سالخوردگی جمعیت از یک سو پدیده سالخوردگی را با تأخیر مواجه می‌سازد؛ از سوی دیگر از طریق مشارکت افراد مسن در فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی و تعامل تجربه افراد مسن و انگیزه نیروی کار جوان زمینه دستیابی به توسعه اقتصادی پایدار را فراهم می‌سازد.

- کارایی و اثربخشی هر سیاست و برنامه‌ای در گرو اجرای صحیح آن سیاست توسط دستگاه‌های اجرایی کشور و نظارت مؤثر نهادهای قانونی است. بنابراین، با افزایش همکاری و تعامل بین دستگاه‌های اجرایی و سیاستگذاران و نظارت مؤثر بر اجرای صحیح سیاست‌ها، شرایط به‌منظور تحقق اهداف موجود برای مقابله با زیان‌های سالخوردگی جمعیت فراهم شود.

- در پژوهش حاضر سهم عوامل مؤثر بر سالخوردگی جمعیت در کشور محاسبه شد اما از آنجاکه هریک از استان‌های کشور ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی متفاوتی دارند، سهم و میزان مشارکت عوامل مؤثر بر سالخوردگی جمعیت در استان‌های کشور متفاوت است. تفاوت سهم عوامل مؤثر بر سالخوردگی جمعیت در استان‌های مختلف باعث می‌شود اتخاذ سیاست‌های جمعیتی در

تجزیه سهم عوامل مؤثر بر سالخوردگی جمعیت در ایران با استفاده از رویکرد ارزش شیپلی ——— ۱۹۳

برخی از استان‌ها مؤثر واقع نشود. بنابراین، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی سهم عوامل مؤثر بر سالخوردگی جمعیت در هریک از استان‌های کشور برآورد شود و با توجه به ویژگی‌های خاص آنها سیاست‌ها و برنامه‌های مناسب به‌منظور جلوگیری از آثار زیان‌بار پدیده سالخوردگی جمعیت ارائه شود.

منابع و مأخذ

۱. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. «داده‌های سری زمانی سال‌های ۱۳۹۹-۱۳۴۹». <https://www.cbi.ir>
۲. تقدیسی، احمد و محمدعلی احمدی شاپورآبادی (۱۳۹۱). «مهاجرت و سالخوردگی جمعیت روستایی ایران: چالشی فراروی توسعه پایدار روستایی»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۲۷ (۱).
۳. حسینی، حاتم (۱۳۹۱). «گذار به سالخوردگی در کشورهای مسلمان: روندها و الزامات سیاسی»، فصلنامه جمعیت، ۱۹ (۸۰).
۴. دارابی، سعداله و فاطمه ترابی (۱۳۹۶). «بررسی و مقایسه روند سالخوردگی جمعیت در کشورهای آسیایی و اروپایی طی سال‌های ۱۹۵۰ تا ۲۰۱۵»، سالمند، ۱۲ (۱).
۵. رمضانیان، محمد (۱۳۸۰). «سالخوردگی جمعیت شاغل در بخش کشاورزی ایران دلایل و پیامدها»، اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۹ (۳۶).
۶. صادقی، رسول (۱۳۹۱). «تغییرات ساختار سنی و ظهور پنجره جمعیتی در ایران: پیامدهای اقتصادی و الزامات سیاسی»، فصلنامه شورای فرهنگی - اجتماعی زنان و خانواده، ۱۴ (۵۵).
۷. فتحی، الهام (۱۳۸۸). «بررسی سالمندی جمعیت ایران در نیم قرن اخیر و آینده آن تا سال ۱۴۳۰ شمسی»، هفته‌نامه برنامه، ۸ (۳۳۴).
۸. _____ (۱۳۹۸). «پدیده سالخوردگی جمعیت در ایران»، بررسی‌های آمار رسمی ایران، ۳۰ (۲).
۹. فطرس، محمدحسن، رضا معبودی و زینب دره نظری (۱۴۰۱). «تجزیه سهم عوامل مؤثر بر آلودگی محیط زیست در ایران با استفاده از رویکرد ارزش شیپلی - اون»، فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی، ۱۸ (۷۳).
۱۰. قیصریان، اسحاق (۱۳۸۸). «بررسی ابعاد اجتماعی، اقتصادی پدیده سالمندی در ایران»، فصلنامه جمعیت، ۷۰ و ۶۹.
۱۱. محمدی، ثریا، جمشید یزدانی چراتی و سیدنورالدین موسوی‌نسب (۱۳۹۶). «شناسایی عوامل مؤثر بر سالخوردگی جمعیت در سال ۱۳۹۵»، مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ۲۷ (۱۵۵).
۱۲. مدیری، مهدی، میرنجف موسوی، علیرضا جمشیدی و اکرم حسینی (۱۳۹۸). «مقایسه تطبیقی عوامل

- تجزیه سهم عوامل مؤثر بر سالیخوردگی جمعیت در ایران با استفاده از رویکرد ارزش شیپلی — ۱۹۵
- مؤثر بر سالیخوردگی در مناطق شهری و روستایی استان‌های ایران»، فصلنامه جمعیت، ۲۶ (۱۰۹).
۱۳. مرکز آمار ایران (۱۳۹۸). «بررسی روند تغییرات ساختار و ترکیب جمعیت کشور و آینده آن تا افق ۱۴۳۰ شمسی براساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵».
۱۴. مشفق، محمود و محمد میرزایی (۱۳۸۹). «انتقال سنی در ایران: تحولات سنی جمعیت و سیاست‌گذاری‌های اجتماعی، جمعیتی»، فصلنامه جمعیت، ش ۷۱ و ۷۲.
۱۵. مطیع حق‌شناس، نادر (۱۳۹۰). «ابعاد جامعه‌شناختی سالیخوردگی جمعیت و چالش سالمندی فعال در ایران»، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی ایران، ۱ (۲).
۱۶. میرزایی، محمد و مهری شمس قهفرخی (۱۳۸۶). «جمعیت‌شناسی سالمندان در ایران براساس سرشماری‌های ۱۳۸۵-۱۳۳۵»، مجله سالمندی ایران، ۲ (۵).
17. Ahmad, W. I. W., I. K. Astina and B. Budijanto (2015). "Demographic Transition and Population Ageing", *Mediterranean Journal of Social Sciences*, 6 (3).
18. Barrado, B., G. Gimenez and J. Sanaú (2021). "The Use of Decomposition Methods to Understand the Economic Growth Gap between Latin America and East Asia", *Sustainability*, 136674, .
19. Beard, J. R. and C. Petitot (2012). "Ageing and Urbanization :Can Cities be designed to Foster Active Ageing?", *Public Health Reviews*, 32 (2).
20. Bengtsson, T. and K. Scott (2010). "The Ageing Population", Part of the Demographic Research Monographs book series (DEMOGRAPHIC), Chapter 2, <https://www.demogr.mpg.de/books/drm/008/2.pdf>.
21. Caselli, G. and J. Vallin (1990). "Mortality and Population Ageing", *European Journal of Population*, 6.
22. Chen, J. and J. Guo (2022). "The Effect of Female Education on Fertility: Evidence from China's Compulsory Schooling Reform", *Economics of Education Review*, 88, 102257.
23. Cygan-Rehm, K. and M. Maeder (2013). "The Effect of Education on Fertility: Evidence from a Compulsory Schooling Reform", *Labour Economics*, 25.
24. Harper, S. (2016). "The Important Role of Migration for an Ageing Nation", *Population Ageing*, 9.
25. Hekmatnia, H., K. Jafarpour Ghalehtemouri and A. Shamsoddini (2021). "Comparative Study of Population Aging Trend in Iran and Poland", *SocioEconomic Challenges*, 5 (1).

26. Huettner, F. and M. Snder (2012). "Axiomatic Arguments for Decomposing Goodness of fit According to Shapley and Owen Values", *Electronic Journal of Statistics*, 6.
27. J. White, M., S. Muhidin, C. Andrzejewski, E. Tagoe, R. Knight and H. Reed (2008). "Urbanization and Fertility: An Event-History Analysis of Coastal Ghana," *Demography*, 45 (4).
28. Johnson, J.W. and J.M. LeBreton (2004) "History and Use of Relative Importance Indices in Organizational Research", *Organizational Research Methods*, 7.
29. Kashnitsky, I., J.D. Beer and L.V. Wissen (2021). "Unequally Ageing Regions of Europe: Exploring the Role of Urbanization", *Population Studies*, 75 (2).
30. Lee, P. and Y. Zhou (2017). "Does Fertility or Mortality Drive Contemporary Population Aging? The Revisionist View Revisited", *Population and Development Review*, 43 (2).
31. Lutz, W., W. Butz and S. KC (2014). *World Population and Human Capital in the Twenty-First Century*, Oxford, Oxford University Press.
32. Malmberg, B. and L. Sommestad (2000). "Four Phases in the Demographic Transition. Implications for Economic and Social Development", *Institute for Futures Studies*, 6.
33. Murphy, M.J. (2017). "Demographic Determinants of Population Aging in Europe since 1850", *Population and Development Review*, 00 (0).
34. Nagarajan, N.R., A.A. Teixeira and S.T. Silva (2021). "Ageing Population: Identifying the Determinants of Ageing in the Least Developed Countries", *Population Research and Policy Review*, 40 (2).
35. Preston, S.H. and A. Stokes (2012). "Sources of Population Aging in More and Less Developed Countries", *Popul Dev Rev*, 38 (2).
36. Preston, S.H., C. Himes and M. Eggers (1989). "Demographic Conditions Responsible for Population Aging", *Demography*, 26 (4).
37. Reynaud, C. and S. Miccoli (2018). "Population Ageing in Italy After the 2008 Economic Crisis: A demographic approach", *Journal homepage*, 105.
38. Sanderson, W.C. and S. Scherbov (2015). "Faster Increases in Human Life Expectancy Could Lead to Slower Population Aging", *Plos One* 10 (4).
39. Stern, A. and A. Tettenhorst (2019). "Hodge Decomposition and the Shapley Value of a Cooperative Game", *Games and Economic Behavior*, 113.
40. Suntoo, A. (2012). "Population Ageing and the Theory of Demographic Transition: The Case of Mauritius", *University of Mauritius Research Journal*, 18.

تجزیه سهم عوامل مؤثر بر سالخوردگی جمعیت در ایران با استفاده از رویکرد ارزش شیپلی ————— ۱۹۷

41. United Nations (2022). "World Population Prospects 2022". file:///C:/Users/SONY/Desktop/wpp2022_summary_of_results.pdf
42. United Nations Department of Economic and Social Affairs, Population Division. International Migration 1970-2020. <https://www.un.org/development/desa/pd/pubs/2020/migration-2020.html>
43. Wang, S. (2020). "Spatial Patterns and Social-Economic Influential Factors of Population Aging: A Global Assessment from 1990 to 2010", *Social Science and Medicine*, 253.
44. World Bank (1970-2020). "World Development Indicators". https://databank.worldbank.org/source/world-development-indicators#selectedDimension_DBList
45. Xu, X., Y. Zhao, X. Zhang and S. Xia (2018). "Identifying the Impacts of Social, Economic, and Environmental Factors on Population Aging in the Yangtze River Delta Using the Geographical Detector Technique", *Sustainability*, 10 (5).

محک عوامل رافع مسئولیت کیفری در سنجه عدالت

احمد حاجی ده‌آبادی* و احمد رحیمی**

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۲	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۸	شماره صفحه: ۱۹۹-۲۲۸
-------------------	--------------------------	-------------------------	---------------------

صناعت قانونگذاری مستلزم رعایت بایسته‌های عدیده‌ای است که در میان آنها سنجه عدالت به‌عنوان «روح قانون» جایگاه شایانی دارد. در میان گستره قوانین جزایی، بایستگی این سنجه در «عوامل رافع مسئولیت کیفری» به‌دلیل تأثیرگذاری در اعمال یا عدم اعمال مجازات، حائز اهمیت مضاعف است. از این‌رو رعایت سنجه عدالت در وضع این مقررات از اهمیت بسزایی برخوردار می‌شود. با عنایت به اهمیت ممتاز سنجه عدالت، این پژوهش که به روش تحلیلی - توصیفی و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای صورت گرفته است در مقام پاسخ به سؤال اصلی خود مبنی بر سنجش عوامل رافع مسئولیت کیفری از منظر بایسته عدالت است و بر همین اساس، عوامل رافع مسئولیت کیفری به‌عنوان شمه‌ای از قوانین جزایی ماهوی را زیر ذره‌بین بایسته عدالت به‌مثابه شاخص ممتاز قانونگذاری نهاده و با نگاهی انتقادی به بررسی بنیادهای موجود در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ از این منظر می‌پردازد. دستاوردهای این پژوهش مبرهن آن است که عملکرد قانونگذار کیفری در مواردی مانند «عدم پذیرش جهل به قانون»، «تعقیب و نگهداری بیمار روانی»، «تفاوت مجازات برحسب جنسیت» و «تبدیل‌افتن اکراه در قتل» در فاصله‌ای دور از این بایسته قرار دارد.

کلیدواژه‌ها: سنجه عدالت؛ قانونگذاری؛ عوامل رافع مسئولیت کیفری؛ ناعدالتی

Email: adehabadi@ut.ac.ir

* استاد دانشکدگان فارابی، دانشگاه تهران؛

** دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکدگان فارابی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)؛

Email: ahmad.rahimi@ut.ac.ir

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال سی و یکم، شماره یکصد و هجدهم، تابستان ۱۴۰۳

doi: 10.22034/MR-2023.5524.5254

مقدمه

در میان قوانین حاکم بر جامعه انسانی، قوانین کیفری ماهوی به دلیل پیوستگی با نظم عمومی و داشتن ضمانت اجرای خاص (مجازات) از اهمیت بسزایی برخوردار است. از جمله قوانین جزایی ماهوی که دارای کمال اهمیت است قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ است که ماحصل تجربه قریب به یک قرن قانونگذاری کیفری و نمایانگر استثنائات واصل بر آزادی عملکرد افراد یعنی کنش‌ها، ترک فعل‌های ممنوع و کیفیت و میزان عقوبت تخطی از آنهاست (کاتوزیان، ۱۴۰۱: ۱۵۶-۱۵۵؛ مدنی، ۱۳۹۲: ۱۹۰). در میان گستره مواد این قانون، عوامل رافع مسئولیت کیفری از جایگاه و مهند ویژه‌ای برخوردار است.

اهمیت عوامل رافع مسئولیت کیفری از این جهت است که قاضی کیفری در مقام برآورد آنها بر لبه شمشیری قرار دارد که یک‌سوی تیغ آن اعمال مجازات و سمت دیگر براءت از کیفر است (صانعی، ۱۳۸۸: ۵۴۵-۵۴۴). از این رو رعایت سنجه عدالت در وضع این بخش از قانون از بایستگی بسزایی برخوردار است تا مبادا بی‌گناهی مجازات یا گناهکاری از جزا خلاصی یابد. در واقع اعمال مجازات استثنایی بر اصل اباحه اعمال و آزادی اراده افراد است و عوامل رافع مسئولیت کیفری تخصیصی بر این استثناست و تعیین استثنا بر استثنا کاری بس دشوار و نیازمند دقت نظر بسیار است که در این میان سنجه عدالت از جمله محک‌های صحت عملکرد مقنن است. لذا این پژوهش به روش تحلیلی - توصیفی و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای، عوامل رافع مسئولیت کیفری به‌عنوان شمه‌ای از قوانین جزایی ماهوی را زیر ذره‌بین بایسته عدالت به‌مثابه شاخص ممتاز قانونگذاری نهاده و با نگاهی انتقادی به بررسی بنیادهای موجود در قانون مجازات اسلامی می‌پردازد.

در این راستا سؤال اصلی پژوهش حاضر مبنی بر سنجش عوامل رافع مسئولیت

کیفری از منظر بایسته عدالت است. به عبارت بهتر، از منظر سنجه عدالت، عملکرد قانونگذار در خصوص مواد مرتبط با عوامل رافع مسئولیت کیفری چگونه ارزیابی می‌شود؟ نیل به پاسخ این سؤال در گرو پاسخگویی به پرسش‌های چندی است از جمله مفهوم عدالت و انواع آن، چپستی عوامل رافع مسئولیت کیفری و معیار و ملاک عدالت است.

پژوهش حاضر در جهت پاسخگویی به سؤال اصلی خود، پس از ذکر پیشینه موضوع، ابتدا مفاهیم اصلی بحث، یعنی عدالت و عوامل رافع مسئولیت کیفری را مورد مذاقه قرار می‌دهد و پس از آن ضمن تبیین معیارهای عدالت در امر قانونگذاری، مصداق‌های خاص قانونی مرتبط با عوامل رافع مسئولیت کیفری را از نگرگاه سنجه عدالت مورد تحلیل و بررسی قرار داده و عملکرد قانونگذار را مورد نقد منصفانه قرار می‌دهد.^۱

۱. پیشینه

تتبع در کتب و مقالات حقوقی در جهت پیشینه‌پژوهی بایسته عدالت مبرهن نگاه و رویکرد کلی و عام نسبت به سنجه عدالت در قانونگذاری، مبنی بر «جایگاه عدالت در فرایند قانونگذاری» و «معرفی و احصای آن در شمار بایسته‌های تقنین» است. مصداق دسته اول مقاله «عدالت تقنینی از دیدگاه فقه امامیه و حقوق ایران» نوشته علی باقری و همکاران در سال ۱۳۹۸ است. در این مقاله عناصر «برابری»، «قابل فهم بودن»، «تصویب مرجع ذیصلاح»، «عام بودن» و «انتشار قوانین» خصوصیات عدالت در فرایند شکلی وضع قوانین و «توجه به تفاوت‌ها»، «تأمین

۱. گفتنی است از منظر سنجه عدالت درباره عوامل رافع مسئولیت کیفری موارد نقد متعددی قابل طرح است که در این پژوهش صرفاً به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود و بررسی تمامی آنها در این مجال نمی‌گنجد.

حقوق اقلیت‌ها»، «اخلاق» و «هماهنگی با قواعد بالادستی» از جمله ویژگی‌های ماهیتی و محتوایی عدالت تقنینی دانسته شده است. از جمله آثار دسته دوم می‌توان به کتاب *بایسته‌های تقنین با نگاهی انتقادی به قانون مجازات اسلامی* تألیف احمد حاجی ده‌آبادی (۱۳۹۵) اشاره کرد. در این کتاب از عدالت به‌عنوان یکی از بایسته‌های تقنین نام برده شده و بدون ارائه تعریفی جامع به ارزش والای آن در فرایند تقنین به‌عنوان اصلی زیربنایی و اساسی و نیز دسته‌بندی موارد عدم رعایت آن به «خواسته» و «ناخواسته» بسنده شده است.

جنبه نوآورانه این پژوهش نسبت به آثار مذکور از آن جهت است که در این پژوهش برای اولین بار ضمن تعریف و تبیین مفهوم عدالت در قانونگذاری و معیارهای آن، قسمتی از یک قانون جزایی به‌طور اخص و ماده به ماده از منظر سنجه عدالت مورد بررسی قرار می‌گیرد و در انتها پیشنهادهای عملی برای اصلاحات بعدی قانون ارائه می‌شود.

۲. مفهوم‌شناسی

دروازه ورود به نگارش‌های علمی، تبیین مدلول مفاهیم بنیادین بحث است تا روشن‌گر رویکرد خاص پژوهش نسبت به آنها باشد و برداشت مورد وفاق نویسنده و خواننده را بهتر کند. از این‌رو، در ادامه مفهوم «عدالت» به‌عنوان سنجه و معیار ارزیابی و مفهوم «عوامل رافع مسئولیت کیفری» به‌عنوان مصداق مورد سنجش، تبیین می‌شود.

۲-۱. عدالت

عدالت واژه‌ای است که بشر بذاته نسبت به آن کشش قلبی و میل به تحقق آن درون انسان ریشه دارد به‌نحوی که «آدمی از آغاز تمدن بشری با آن آشنا بوده

و دستیابی به آن مهم‌ترین آرمان وی تلقی می‌شود. این مفهوم در شریعت اسلام چنان مورد اهتمام است که عدل و دادگری از بارزترین صفات شارع معرفی می‌شود و اقامه آن هدف بعثت انبیاء قرار می‌گیرد^۱ (ذبیحی بیدگلی، ۱۳۹۴: ۲۹). برای همین اهمیت خاص است که «حقوق دانان در اکثر قریب به اتفاق موارد برای ستایش یا نکوهش قانون یا اجرای آن از اصطلاحات عادلانه^۲ و ناعادلانه^۳ استفاده می‌کنند» (هارت، ۱۳۹۹: ۲۴۸).

اهمیت عدالت در بقای نظم موجود به طوری است که حتی سارقان و راهزنان نیز راز ماندگاری گروه خود را تقسیم عادلانه اموال مسروقه می‌دانند. اما هم‌آوایی در بایستگی عدالت موجب وفاق در مفهوم آن نشده و تفاضل نگاه‌ها موجب تکثر تفسیرها از این واژه شده است؛ بنابراین، نیل به معنای مقصود پژوهش، مستلزم تبیین معنای عدالت و انواع آن است که در ادامه آن را پی می‌گیریم.

۱-۱-۲. معنای لغوی و اصطلاحی عدالت

متخصصان علم لغت، عدالت را برابر با نظم و ادب، عادل بودن، انصاف داشتن، دادگر بودن، هماهنگی و تعادل می‌دانند (عمید، ۱۳۸۹: ۸۱۲-۸۱۱) و «در پارسی «داد» معادل عدل و «دادمندی» یا «دادگری» معادل عدالت است» (گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی و مؤسسه تحقیقات علوم جزایی و جرم‌شناسی دانشگاه تهران با همکاری بنیاد میزان، ۱۳۹۸: ۲۱). در نهج البلاغه، عدالت، قراردادن هر چیزی در جای خود (امامی، ۱۳۸۷: ۵۵۸) و در تفسیر المیزان «اعطای حق به هر صاحب حقی» معنی شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۲۷۱). در

۱. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید/ ۲۵).

2. Just

3. Unjust

ترمینولوژی حقوق عدل به معنای «وضع هر چیزی در جای مناسب و شایسته خود» است (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۰: ۹۳۴۲).

این تکثر معنا در مفهوم اصطلاحی عدالت نیز وجود دارد و «حکیمان برای هدایت پژوهشگران، عدالت را به شیوه‌های گوناگون تعریف کرده‌اند. یکی گفت: «نهادن هر چیز به جای سزاوار آن است»، دیگری افزود: «فضیلتی است که به حکم آن باید به هر کس آنچه حق اوست داد». سومی گفت: «نظامی است که برتری منافع قابل احترام‌تر را تأمین کند» (کاتوزیان، ۱۴۰۰: ۱۸۵). ژرف‌نگری در معنای عدالت جلوه‌گر این است که عدالت (دادگری) واژه‌ای نسبی و پویاست و کوشش برای شناساندن مفهومی آن به‌ویژه از رهگذر منطق ارسطویی بی‌فرجام است و نسبی‌نگری معنایی، بهترین مواجهه با این مفهوم آرمانی است (عالی‌پور، ۱۳۹۲: ۶۲). اما شاید بتوان تعریف بسیار مشهور ارسطویی از برابری را به‌عنوان مقبول‌ترین مؤلفه و درحقیقت ستون فقرات مفهوم اجمالی عدالت دانست. از این منظر عدالت «رفتار برابر با برابرها و رفتار نابرابر با نابرابرها در ارتباط با میزان تفاوت نسبی آنها» است (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۰: ۲۴۶).^۱

۲-۱-۲. انواع عدالت

عدالت از زوایای مختلف قابل دسته‌بندی است از جمله عدالت در آفرینش یا «عدالت تکوینی»، عدالت در قانونگذاری یا «عدالت تشریحی»، عدالت همگان در برابر قانون یا «عدالت صوری» و «عدالت در فرد» که صفتی انسانی است. از نگاهی دیگر، عدالت را در یک تقسیم‌بندی به «عقلی»، «عقلایی» و «شرعی» تقسیم می‌کنند. بنیاد این تقسیم بر معیار حکم‌کننده به عدالت استوار است و در توضیح آن می‌توان گفت: عدالت عقلی عدالتی است که «عقل» به آن حکم می‌کند، عدالت عقلایی

۱. برای مطالعه تطور مفهوم عدالت در تاریخ ر.ک: اصغری، ۱۳۸۶: ۲۹۴-۲۵۷.

عدالتی است که «عقلا» به آن حکم کنند و عدالت شرعی عدالتی است که «شارع» به آن حکم کند (علی اکبریان، ۱۳۹۶: ۲۶).

عدالتی که در این پژوهش مدنظر است نوع خاصی از «عدالت تشریعی» است که در دسته «عدالت عقلایی» قرار می‌گیرد. توضیح اینکه، تشریح و قانونگذاری، به الهی و بشری تقسیم می‌شود. تشریح الهی را شارع مقدس انجام می‌دهد و فقه آن را می‌شناسد؛ و تشریح و قانونگذاری بشری قوانینی است که مثلاً مجلس شورای اسلامی برای اداره جامعه وضع می‌کند (همان: ۲۵-۲۴). بنابراین، اولاً از آن جهت که عدالت در امر تقنین است عدالت تشریعی است، ثانیاً چون تشریح مدنظر پژوهش را انسان‌ها انجام می‌دهند، عدالت تشریعی بشری است، ثالثاً چون داوری عدالت به دست گروهی از نمایندگان به‌عنوان رکن متفکر جامعه صورت می‌پذیرد عدالت تشریعی بشری عقلایی است.

موضوع اصلی این نوشتار همین قسم از عدالت و به‌طور خاص، عدالت در وضع بخشی از قوانین جزایی ماهوی یعنی عوامل رافع مسئولیت کیفری است. در واقع، با وجود اختلاف نظر در معنا و مفهوم عدالت، در اصل لزوم وجود و مبنا بودن آن اختلافی وجود ندارد و لزوم دستیابی و مدنظر قرار دادن آن در امر تقنین، واضح و آشکار است و از مقنن انتظار بر این است که این آرمان بشری را در انتخاب قاعده قانونی لحاظ کرده و قوانینی وضع کند که عادلانه بودن وصف آشکار آن باشد (حاجی ده‌آبادی، الف ۱۳۹۵: ۳۰). بنابراین، از این منظر عدالت تقنینی مستلزم گزینش قواعد و وضع مقرراتی است که به حکم عقل آنکه را که سزاوار مجازات است به‌درستی کیفر دهد و آن را که عذر موجه دارد از مجازات برهاند. حال که مفهوم عدالت و انواع آن در حد نیاز پژوهش بررسی شد تبیین عوامل رافع مسئولیت کیفری را پی می‌گیریم.

۲-۲. عوامل رافع مسئولیت کیفری

گاه عمل مجرمانه با تحقق عناصر سه‌گانه تشکیل‌دهنده آن، محقق می‌شود اما به‌دلیل وجود حالت یا شرایط خاص مرتکب، قانونگذار وی را قابل مجازات نمی‌داند. این عوامل تحت عنوان «عوامل رافع مسئولیت کیفری» قرار می‌گیرند (صانعی، ۱۳۸۸: ۵۴۵-۵۴۴). به‌عبارت‌دیگر، عوامل رافع مسئولیت کیفری، عواملی نفسانی و درونی است که به‌موجب آنها، به‌رغم وقوع جرم و اجتماع عناصر متشکل آن، مرتکب در حالتی غیرقابل سرزنش قرار می‌گیرد و عمل ارتكابی به او منتسب نیست (پوربافرانی و افشین‌پور، ۱۳۹۲: ۵). برای مثال ارتكاب قتل در حالت عادی جرم و موجب شدیدترین مجازات ممکن یعنی سلب حیات مرتکب است اما اگر کشتن مجنی‌علیه در زمانی اتفاق افتد که قاتل دچار آشفتگی روانی (جنون) است، به‌دلیل وجود این حالت خاص، مرتکب مجازات نخواهد شد.^۱

صاحبان اندیشه حقوقی در شمار و دسته‌بندی عوامل رافع اتفاق نظر ندارند اما این اختلاف در ماهیت پژوهش حاضر حائز اثر نیست و آنچه در این مقاله مطمح‌نظر است چگونگی قانونگذاری کیفری از منظر سنجه عدالت است و تأکید بر متن مواد قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و قاعده انساب‌گزینش شده از سوی مقنن است؛ بنابراین، در ادامه قواعد مرتبط با «اشتباه»، «جنون»، «صغر» و «اکراه» به‌عنوان مصادیق مورد وفاق عوامل رافع مسئولیت کیفری، از این منظر مورد ارزیابی قرار می‌گیرد؛^۲ اما پیش از آن ارائه معیارهای عدالت در خصوص قوانین جزایی ماهوی (بالاخص عوامل رافع مسئولیت کیفری) به‌عنوان

۱. البته جرائم موجب دیه از شمول این حکم مستثنا هستند و در برخی موارد که با تحقق عوامل رافع مسئولیت کیفری، مرتکب قابل مجازات نیست حکم به پرداخت دیه بلامانع است و مبنای آن را می‌توان در مجازات نبودن دیه و عدم وابستگی ثبوت آن به شرایط مسئولیت کیفری تفسیر کرد (شمس‌ناتری و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۸۳).

۲. گفتنی است «مستی» نیز به اتفاق نظر حقوق‌دانان جزء عوامل رافع محسوب می‌شود و به‌دلیل اینکه در این نگارش مورد نقد نیست در شمار عوامل رافع ذکر نشده است.

ضابطه و ملاک سنجش ضروری است که در ابتدای هر مبحث مطمح نظر قرار می‌گیرد.^۱

۳. عوامل رافع مسئولیت کیفری در ترازوی عدالت

در فرایند تقنین، دستیابی به بهترین و عادلانه‌ترین قاعده و حکم همیشه کار آسانی نیست و در بسیاری از موارد، قانونگذار باید با نهایت دقت و خردمندی دست به گزینش قاعده مناسب بزند و در این میان، بایسته عدالت راهنما و چراغ راه اوست. مذاقه در مواد مرتبط با عوامل رافع مسئولیت کیفری مدلل معیار نبودن سنجه عدالت در انتخاب قاعده انساب و در نتیجه وضع احکامی است که هوده آن اعمال مجازات یا وضع الزامات در مواردی است که عدالت صحه گذار آن نیست. مهم‌ترین معیارهای عدالت و مصداق‌های نقض آنها در این باره عبارتند از: «اعلام عمومی با صراحت» در خصوص «نپذیرفتن جهل به قانون»، «جامعیت قانون و برابری سلاح‌ها» پیرامون «تعقیب و نگهداری بیمار روانی»، «برابری و عدم تبعیض» درباره «اختلاف در مجازات براساس جنسیت» و «سزاواری» در خصوص «نپذیرفتن اکراه در قتل» است که بررسی آنها مقصد ادامه نوشتار قرار می‌گیرد.

۳-۱. نپذیرفتن جهل به قانون

از مؤلفه‌های قوانین کیفری عادلانه، اعلام عمومی^۲ با صراحت^۳ است. مجازات افراد به دلیل ارتکاب افعال یا ترک فعل‌هایی که قانونگذار آنها را به نحو عام و با صراحت به‌عنوان جرم اعلام نکرده است، بی‌عدالتی محسوب می‌شود. در هر جامعه‌ای که عدالت حکم‌فرما باشد، حاکمیت باید قوانین جزایی را با عباراتی کاملاً روشن و

۱. شایان ذکر است که سنجش عدالت در فرایند تقنین با معیارهای متعدد شکلی و ماهوی قابل ارزیابی است که در این پژوهش صرفاً معیارهای مرتبط با موارد نقد عوامل رافع مسئولیت کیفری مورد توجه قرار می‌گیرد.

2. Public Announcement

3. Clarity

قابل فهم برای عموم مردم اعلام کند. بنابراین وصف اعلام عمومی با صراحت بیانگر آن است که قانون مجازات باید به طور عمومی منتشر شود و عبارات آن به گونه‌ای باشد که همه افرادی که ممکن است مخاطب آن قانون قرار گیرند، آن را فهمیده و درک کنند (حاجی حیدر، ۱۳۸۸: ۲۴)؛ اما به نظر می‌رسد این عنصر عدالت تقنینی در خصوص وضع قاعده عدم پذیرش جهل به قانون رعایت نشده است.

پرسش اساسی این است که آیا جاهل به قانون را می‌توان مسئول دانست و مجازات کرد؟ پاسخ به این پرسش چندان آسان نیست. در واقع «حدود مسئولیت کیفری جاهل به قانون، از جمله چالش‌های حقوقی برقراری توازن حفظ نظم عمومی و اجرای عدالت است. به اقتضای حفظ نظم اجتماعی، همگان مکلف به تعلم و آگاهی از قانون بوده و قاعده کلی، مبتنی بر عذر نبودن جهل به قانون است» (حسنی و شاهچراغ، ۱۳۹۷: ۱۱۵). از این رو قانونگذار در ماده (۱۵۵) قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «جهل به حکم مانع از مجازات مرتکب نیست...». به نظر می‌رسد این حکم برخلاف بایسته عدالت در امر تقنین است به طوری که با استناد به دلایل ذیل می‌توان گفت:

۱. گسترش روزافزون قوانین و همچنین تغییرات زود هنگام آنها و تورم قوانین جزایی که تسلط به عناوین مجرمانه را حتی برای حقوق دانان بسیار سخت می‌کند.^۱
۲. ناکافی بودن وسایل انتشار قانون که دسترسی و آگاهی به متن قوانین را اگر نگوئیم غیرممکن، بسیار مشکل می‌کند (شمس ناتری و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۲۷).
۳. بی‌سوادی برخی از مردم که پی بردن به عناوین مجرمانه و فهم قانون را بسیار دشوار می‌نماید.

۱. یکی از حقوق دانان در این باره می‌نویسد: «با توجه به کثرت قوانین جزایی، احتمال عدم آگاهی متخصصین حقوقی بر تمام عناوین مجرمانه امری دور از ذهن نیست پس چگونه می‌توان توقع داشت که عموم افراد جامعه به صرف انتشار قانون در روزنامه رسمی که غالب افراد حتی با نام آن نیز آشنایی ندارند از اعمال مجرمانه آگاهی یابند!» (الهام و برهانی، ۱۳۹۷: ۳۰۷).

۴. مبهم بودن و تفسیربردار بودن برخی از مقررات به طوری که حتی بین حقوق دانان در موارد بسیاری راجع به مصادیق عنصر مادی جرم اتفاق نظر وجود ندارد (اردبیلی، ۱۳۹۵: ۱۸۵).

بنابراین هر چند قانونگذار به جهت اقتضای حفظ نظم عمومی حکم فوق را مقرر کرده است اما با توجه به دلایل گفته شده، در حال حاضر قاعده «جهل به حکم رافع مسئولیت نمی باشد»، برخلاف عدالت است و قانونگذار نیز بر این موضوع واقف بوده است؛ از این رو به حکم مقرر در ماده (۱۵۵) دو استثنا وارد است و در جهت تحدید دامنه حکم مذکور در ادامه ماده مقرر می‌دارد: «... مگر اینکه تحصیل علم عادتاً برای وی ممکن نباشد یا جهل به حکم شرعاً عذر محسوب شود». این استثنائات از جهت دیگری در تعارض با بایسته عدالت است. توضیح آنکه، در مواردی که صیانت از نظم عمومی مستلزم تخطی از سنجه عدالت است، صراحت و شفافیت کلام در هنگام اعلام عمومی قانون و دقت در تحدید حدود لازم است تا ضمن حفظ انتظام اجتماعی، آثار عمومی قانون و دقت در تحدید حدود لازم است تا ضمن حفظ انتظام اجتماعی، آثار نقض بایسته عدالت به حداقل ممکن کاهش یابد. اما کلام پرابهام مقنن با استفاده از واژه‌های «عادتاً» و «عذر شرعی»، ناتوان از تحقق این امر است. فهم غرض مستلزم بسط موضوع است که در ادامه ذیل دو بند مورد مذاقه قرار می‌گیرد.

۱-۳-۱. «عادتاً» مفهومی پرابهام

قانونگذار، اولین استثنای قاعده جهل به حکم رافع مسئولیت نمی باشد را این می‌داند که «... تحصیل علم عادتاً برای وی ممکن نباشد...». حال مراد از واژه «عادتاً» چیست و چگونه باید آن را تفسیر کرد؟

چگونگی تفسیر و معنا کردن واژه پرابهام عادتاً، بر سرنوشت متهم و بهره‌مندی از معافیت مذکور در ماده تأثیر بسزایی دارد. ابهام موجود در ماده و ناروشن بودن معنا و ملاک آن باعث اختلاف نظر در بین حقوق دانان شده و هریک برای رفع ابهام، تفسیری

ارائه کرده‌اند. به اعتقاد برخی: «در هر کجا که به جهل و اشتباه استناد می‌شود، آن جهل و اشتباه به‌طور مطلق پذیرفتنی نیست، بلکه باید «اشتباه قابل قبول باشد»، یعنی، به‌گونه‌ای باشد که به‌طور عادی و بر مبنای عرف برای مرتکب گریز از اشتباه ممکن نبوده است» (منصورآبادی، ۱۳۹۶: ۲۷۶). به‌نظر برخی دیگر «حالت فردی است که متوجه تصویب قانون نشده است یا تبعه کشور خارجی است که به‌تازگی وارد کشور شده و از مقررات کیفری کشور ایران اطلاع پیدا نکرده است» (مصدق، ۱۳۹۸: ۴۲۳-۴۲۲). برخی نیز در تفسیر این استثنا بیان کرده‌اند: «به معنای این است که چنین عدم امکانی باید مطلق باشد؛ یعنی به‌هیچ‌وجه دسترسی به قوانین مقدور نباشد» (آقایی جنت‌مکان، ۱۳۹۷: ۱۴۷).

همان‌طور که مبرهن است درباره معنا و مفهوم واژه پر ابهام «عادتاً» در بین حقوق‌دانان اتفاق نظر وجود ندارد و این ابهام نتیجه‌ای جز اختلاف در رویه قضایی و تزییع حقوق متهمین جاهل به قانون و درنهایت بی‌عدالتی، در پی ندارد. اما ابهام این واژه به همین جا ختم نمی‌شود! چراکه اولاً قصوری یا تقصیری بودن جهل فرد مشخص نیست (موسوی مجاب و محمدی، ۱۳۹۴: ۱۰۱). ثانیاً، ملاک عدم امکان تحصیل علم عادتاً، ملاک شخصی است یا نوعی؟ به‌عبارت‌دیگر ملاک عدم امکان تحصیل علم به‌صورت عادتاً، یک ملاک نوعی و انسان متعارف است یا اینکه ملاک، شخص مدنظر است و هر شخص با توجه به ویژگی‌ها، خصوصیات و شرایط خاص خود مدنظر قرار می‌گیرد؟^۱

۱. توضیح اینکه، «اگر براساس یک ملاک نوعی، بخواهیم شرط عدم امکان تحصیل علم مرتکب را از قانون جدید بسنجیم، باید آن شخص را با یک انسان معقول و منطقی مقایسه کنیم. اما اگر ملاک ما یک ملاک شخصی باشد، یعنی با توجه به شرایط هر شخص ببینیم که وی واقعاً امکان تحصیل علم داشته یا خیر. البته اینکه کدام ملاک را برگزینیم آثار متفاوتی دارد، مثلاً انتخاب ملاک نوعی باعث می‌شود که یک شخص با توجه به شرایط خاص خود نتوانسته است از یک قانون مطلع شود با یک انسان متعارف سنجیده می‌شود که توانایی اطلاع از قوانین را در آن شرایط دارد، بنابراین انتخاب این ملاک به ضرر این شخص است» (حیدرزاده امام وردی‌خان، ۱۳۹۴: ۲۰).

ابهام همچنان باقی می ماند و عاقبت الامر آن جز بی عدالتی نخواهد بود؛ بنابراین مناسب است قانونگذار در هنگام اعلام عمومی قانون با به کار نبردن واژه‌هایی با مفاهیم نسبی در چنین موارد بااهمیتی که نتیجه آن می تواند از براءت تا اعمال مجازات متفاوت باشد، در جهت تحقق حداکثری عدالت برآید و در موارد ضرورت نیز که راه گریزی از به کار بردن چنین اصطلاحاتی در پیش روی قانونگذار نیست، در جهت تحقق صراحت قانون با تعریف چنین اصطلاحی، راه را بر تفسیرهای متفاوت و اختلاف در رویه قضایی ببندد.

۲-۱-۳. چستی عذر شرعی

استثنای دوم قاعده جهل به حکم مانع مجازات مرتکب نیست، این است که «... جهل به حکم شرعاً عذر محسوب شود»؛ اما اینکه در چه مواردی جهل «عذر شرعی» محسوب می شود مبهم و ناروشن است و شاید با لحاظ مواد (۲۱۷)^۱ و (۲۱۸)^۲ قانون مجازات اسلامی بتوان گفت منظور مقنن، آگاهی مرتکب از جرائم حدی مبنی بر اینکه این جرائم در شریعت ممنوع بوده و قابل مجازات هستند و مرتکب با آگاهی از این امر مرتکب جرم شده است (منصورآبادی، ۱۳۹۶: ۲۷۷-۲۷۶). اگر بر این نظر باشیم آیا استثنای مذکور شامل تعزیرات منصوص شرعی نیز می شود؟

حال آیا باید بر این عقیده بود که همانند موارد مذکور در ماده (۲۱۸)، در صورت احتمال صدق گفتار مرتکب، به صرف ادعای جهل، این ادعا پذیرفته می شود (مصدق، ۱۳۹۸: ۴۲۳)؟ در این صورت چرا چنین جهلی درباره جرائم تعزیری پذیرفته نیست؟ یکی از حقوق دانان در پاسخ معتقد است:

۱. ماده (۲۱۷) قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲: «در جرائم موجب حد، مرتکب در صورتی مسئول است که علاوه بر داشتن علم، قصد و شرایط مسئولیت کیفری به حرمت شرعی رفتار ارتكابی نیز آگاه باشد».

۲. ماده (۲۱۸) قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲: «در جرائم موجب حد هرگاه متهم ادعای فقدان علم یا قصد یا وجود یکی از موانع مسئولیت کیفری را در زمان ارتكاب جرم نماید در صورتی که احتمال صدق گفتار وی داده شود و اگر ادعا کند که اقرار او با تهدید و ارعاب یا شکنجه گرفته شده است ادعای مذکور بدون نیاز به بینه و سوگند پذیرفته می شود».

«به نظر می‌رسد تهیه‌کنندگان قانون نخواستند اشتباه را در جرائم مستوجب تعزیر و یا مجازات‌های بازدارنده که نسبت آنها به دیگر جرائم زیاد است و احتمال ادعای جهل به قانون یا اشتباه در آنها بسیار وجود دارد، عنوان کنند. اما چون قاضی می‌تواند با توسل به «حدیث رفع» در صورت حدوث اشتباه، عدم مسئولیت مجرم را بپذیرد، لذا می‌توان گفت عدم ذکر اشتباه در قانون دست قاضی را نمی‌بندد. وانگهی، در حالی که حدود با شبهه رفع می‌شوند منطقی نیست که دیگر مجازات‌ها نتوانند از این قاعده بهره بگیرند و انصاف نیز چنین حکم می‌کند» (نوربها، ۱۳۹۱: ۳۲۶-۳۲۵).

در تنقید قسمت اول نظر فوق باید بیان داشت که تحقق عدالت در مرتبه اول وظیفه مقنن است تا با وضع قوانین عادلانه، اولاً وظیفه بالذات خویش را به درستی انجام دهد، ثانیاً حکیمانه، قاضی کیفری را در مسیر صدور احکام دادگرانه قرار دهد و در مرتبه بعد نوبت به تطبیق مصادیق با قوانین و صدور احکام عادلانه قاضی رسیدگی‌کننده می‌رسد؛ بنابراین، تحقق عدالت قضایی متضمن وضع «قانون عادلانه» و صدور «حکم عادلانه» هر دو است.

نتیجه آنکه، در گذشته نه‌چندان دور با توجه به دلایلی مانند فزونی جرائم طبیعی مانند قتل و سرقت (که درک ممنوعیت و ماهیت مجرمانه آنها ذاتی است) نسبت به جرائم وضعی یا قراردادی مانند پول‌شویی (که فهم آن نیازمند تعلیم و تعلم است) و همچنین قلت عناوین مجرمانه، پذیرش چنین قاعده‌ای پذیرفتنی بود اما اکنون با توجه به تشریح فوق‌الذکر، پذیرش چنین قاعده‌ای مشکل است و کمینه اینکه باید استثنائات قاعده با لحاظ سنجه صراحت کلام مقنن در زمان اعلام عمومی قانون اصلاح شود و مقنن مفهومی روشن و واضح از تخصیص آن ارائه دهد تا نتیجه اعمال قانون، تحقق حداکثری عدالت باشد.

۲-۳. تعقیب و نگهداری بیمار روانی

از جمله شرایط تحقق مسئولیت کیفری در حدود، قصاص و تعزیرات، برخورداری مرتکب از قوای دماغی سالم یا همان عقل است.^۱ بنابراین افراد دارای بیماری/آشفتگی روانی (مجانین)^۲ حسب مورد فاقد مسئولیت کیفری بوده یا از مسئولیت کیفری نسبی برخوردار می‌شوند. قوانین جزایی ایران نیز از همان ابتدا (قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴) تاکنون که قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مجری است حسب مورد مقرراتی را پیرامون تقلیل یا رفع مسئولیت کیفری از افراد دارای بیماری روانی مقرر کرده‌اند که در برخی موارد قابل تحسین و در مواردی قابل نقد است. از جمله این مقررات در ماده (۱۵۰) قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ است که ارتباط دو حکم خاص آن با سنجه عدالت، یعنی ارتباط «فرجام نگهداری در مکان مناسب» با معیار «جامعیت» و «تعقیب در جرائم حق الناسی» با معیار «برابری سلاح‌ها»، موضوع بحث حاضر است و در ادامه مورد مذاقه قرار می‌گیرد.

۱-۲-۳. فرجام نگهداری بیمار روانی در مکان مناسب

یکی دیگر از مؤلفه‌های قانون کیفری عادلانه، جامعیت^۳ آن است. مراد از جامعیت قانون این است که قانونگذار تمامی حالت‌های موضوع را پیش‌بینی کند و سکوت او موجب بی‌عدالتی نشود. به عبارت بهتر، وضع یک قانون عادلانه مستلزم آن است که مقنن مقررات کیفری را به‌گونه‌ای وضع کند که حکم آن تمامی حالت‌های متعارف و قابل پیش‌بینی را شامل شود تا سکوت وی موجب ابهام در تفسیر قانون و صدور

۱. ماده (۱۴۰) قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ - مسئولیت کیفری در حدود، قصاص و تعزیرات تنها زمانی محقق است که فرد حین ارتکاب جرم، عاقل، بالغ و مختار باشد به‌جز در مورد اکراه بر قتل که حکم آن در کتاب سوم «قصاص» آمده است.
۲. به نظر می‌رسد با توجه به بار منفی لفظ «جنون»، مناسب است از اصطلاح‌های جایگزینی مانند «بیماری‌های روانی» به‌جای آن استفاده کنیم و از این منظر بر قانونگذار نقد وارد است؛ لذا در این نوشتار تا حد امکان استفاده از لفظ جنون خودداری می‌گردد و به‌جای آن اصطلاحات دیگری مانند بیماری/آشفتگی روانی مورد استعمال قرار می‌گیرد.

آرای متفاوت و متعارض نشود (اکرمی، ۱۳۹۴: ۱۷۴؛ بیگزاده، ۱۳۸۷: ۱۱۴)؛ اما این بایسته قانونگذاری عادلانه در خصوص قسمتی از ماده (۱۵۰) قانون مجازات اسلامی رعایت نشده است.

توضیح اینکه قانونگذار در قسمتی از ماده (۱۵۰) قانون مجازات اسلامی در خصوص مدت نگهداری مرتکب مبتلا به بیماری روانی در مکان مناسب (تیمارستان) اشعار می‌دارد: «هرگاه مرتکب جرم در حین ارتکاب، مجنون باشد یا در جرائم موجب تعزیر پس از وقوع جرم مبتلا به جنون شود چنانچه جنون و حالت خطرناک مجنون با جلب نظر متخصص، ثابت و آزاد بودن وی مخل نظم و امنیت عمومی باشد به دستور دادستان تا رفع حالت خطرناک در محل مناسب نگهداری می‌شود...»؛ بنابراین همان‌طور که برخی از حقوق‌دانان اشاره کرده‌اند مدت نگهداری بیمار روانی در محل مناسب، مشخص نیست (حاجی ده‌آبادی، ۱۴۰۱: ۲۷۷) و پایان نگهداری به پایان حالت خطرناک گره‌خورده است. این نوع نگارش، قانون را از جهاتی دچار ایراد کرده است:

اول، نامشخص بودن مدت نگهداری بیمار روانی دارای حالت خطرناک در مکان مناسب (تیمارستان)، چندان عادلانه و مطلوب نیست. چه، تصور کنید بیماری تا مدت ۱۰ سال بهبود نیابد. در این صورت اگر هزینه نگهداری بر دوش دولت باشد چندان قابل قبول نیست و اگر برعهده خانواده بیمار باشد نیز مناسب نیست. چراکه امکان دارد خانواده بیمار شرایط و امکانات نگهداری وی را در خانه داشته باشد! مسئله درباره جنون دائمی که امیدی به بهبودی بیمار نیست مبهم‌تر است.

دوم، تنها اقدام پیش‌بینی شده در قانون در مواجهه با بیمار روانی حالت خطرناک، دستور نگهداری در مکان مناسب است، اما آیا این انحصار عادلانه و مطلوب است! در این خصوص، به نظر می‌رسد قانونگذار گزینه‌های بیشتری پیش روی مقام قضایی قرار دهد تا وی بتواند با لحاظ کردن تمامی جوانب، دستور و اقدام مقتضی مبذول دارد

و منحصر در صدور یک دستور نباشد. این دستورات می‌تواند شامل مواردی مانند: تعیین سرپرست برای مرتکب دارای بیماری روانی برای مدت مشخص (حسینی و اعتمادی، ۱۳۹۴: ۵۱۵)، اخذ تعهد از خانواده وی در جهت مراقبت و نگهداری، دستور به ممانعت از حضور در مکان یا مکان‌های مشخص در مدت معین، منع رفت‌وآمد در مکان‌های عمومی و مانند آن باشد.

سوم، با توجه به نص ماده (۱۵۰) قانون مجازات اسلامی صدور دستور نگهداری در مکان مناسب تنها از سوی «شخص نگهداری شده یا خویشان او» قابل اعتراض است و شاکی یا مدعی خصوصی نمی‌تواند به این دستور اعتراض کند (سلطانی، ۱۳۹۱: ۱۴۰). این در حالی است که امکان اعتراض شاکی یا مدعی خصوصی نسبت به بهبود شخص نگهداری شده، منطبق با بایسته عدالت است؛ زیرا این امکان وجود دارد که شخص بیمار یا خویشان وی به جهت ممانعت از ادامه تعقیب و اعمال مجازات از اعلام بهبودی و رفع حالت خطرناک خودداری کنند و شاکی نیز امکان اعتراض به آن را ندارد و این برخلاف عدالت است.^۱ بنابراین تحقق عدالت تقنینی از منظر معیار جامعیت قانون مستلزم آن است که قانونگذار حالت‌های متعارف و قابل پیش‌بینی را در وضع قانون مدنظر قرار دهد تا چنین نارسایی‌هایی موجب صدور دستورات و احکام ناعادلانه نشود.

۱. عملکرد مقنن در این خصوص سراسر عیب نبوده و دارای نکات مثبت بسیاری است. از تغییرات مطلوب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نسبت به قوانین سابق که همسو با سنجه عدالت است، عدم ذکر بازه زمانی برای اعتراض مرتکب یا خویشان او نسبت به حکم نگهداری است. توضیح اینکه قانونگذار در ماده (۳۶) قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ مقرر کرده بود: «... شخص نگهداری شده یا کسانش هر شش ماه یک‌بار حق شکایت از دستور دادستان را دارند». این حکم در ماده (۱۵۰) قانون مجازات اسلامی چنین تغییر یافته است: «... شخص نگهداری شده یا خویشاوندان وی، هرگاه علائم بهبود را مشاهده کردند حق اعتراض به این حکم را دارند». بنابراین، در قانون جدید محدودیت زمانی اعتراض برداشته شده است.

۲-۲-۳. تعقیب بیمار روانی در جرائم حق الناسی

برابری سلاح‌ها یکی دیگر از مؤلفه‌های قانون کیفری عادلانه است. برابری سلاح‌ها یکی از عناصر مهم قانون عادلانه و به تبع آن دادرسی عادلانه است و بیانگر این مفهوم است که قانون باید به گونه‌ای وضع شود که مطابق با آن هریک از طرفین یک دعوا بتواند ادعاها و ادله خود را در شرایطی مطرح سازد که او را نسبت به طرف دیگر دعوا به نحو محسوسی در وضعیت نامناسب‌تری قرار ندهد (ساقیان، ۱۳۸۵: ۸۰؛ توسلی نائینی، خسروشاهی و نصراللهی، ۱۳۹۵: ۷۱)؛ اما در برخی موارد، قانونگذار حکمی مقرر می‌کند که عادلانه بودن دادرسی کیفری را تحت الشعاع قرار می‌دهد و صحت چنین رسیدگی را با تردیدهای بسیاری مواجه می‌کند. مثال بارز چنین مقرره‌ای، قسمت اخیر تبصره «۱» ماده (۱۵۰) قانون مجازات اسلامی است. توضیح اینکه، قانونگذار در این تبصره اشعار می‌دارد:

«... در صورت عارض شدن جنون قبل از صدور حکم قطعی در حدودی که جنبه حق‌اللهی دارد تعقیب و محاکمه تا زمان افاقه به تأخیر می‌افتد. نسبت به مجازات‌هایی که جنبه حق‌الناسی دارد مانند قصاص و دیه و همچنین ضرر و زیان ناشی از جرم، جنون مانع از تعقیب و رسیدگی نیست.»

بر قسمت اول این حکم، نقدی وارد نیست؛ چراکه به تأخیر افتادن تعقیب و محاکمه در حدودی که جنبه حق‌اللهی دارند در جهت دفاع از حقوق متهم است و همان‌گونه که محاکمه غیابی متهم در جرائم حق‌اللهی جایز نیست، تعقیب و محاکمه متهمی که پس از ارتکاب جرم حدی دچار بیماری روانی شده است نیز مناسب نیست (شمس ناتری، ۱۴۰۰). مسئله مورد نقد از منظر عدالت تقنینی با توجه به معیار برابری سلاح‌ها، قسمت اخیر تبصره مذکور است که در ادامه مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

اولین نکته و کانون اصلی بحث درباره ادامه دادن تعقیب و دادرسی در حالتی است که متهم از قوه تعقل صحیح برخوردار نیست و توانایی دفاع از خود را ندارد و مانند شخص عریانی است که در برابر حریف تا دندان مسلح قرار دارد! در واقع قرارداداشتن متهم در چنین رسیدگی به واقعه در تضاد با اصل برابری سلاح‌هاست و در چنین محاکماتی غایب اصلی جلسه رسیدگی، عدالت است. همین امر باعث شده تا حقوق دانان بسیاری در نقد این تبصره‌ها از سلاح قلم استفاده کنند. یکی از حقوق دانان در این باره می‌نویسد:

«محاکمه مجنونی که عقل از کف داده و اهمیت و سرنوشت دادرسی را درک نمی‌کند و در برابر اتهامات واردشده، با بی تفاوتی در برابر قضات لبخند می‌زند، شایسته خردمندان نیست» (خالقی، ۱۳۹۹: ۱۱۶-۱۱۵).

یکی دیگر از حقوق دانان معتقد است:

«به نظر می‌رسد در خصوص مجازات‌هایی که جنبه حق‌الناسی دارند، جنون در صورتی مانع تعقیب و رسیدگی نیست که مجرمیت مرتکب محرز و مسلم باشد و اگر صرفاً اتهام متوجه متهم بوده و ادله و امارات مثبت تحقق جرم توسط وی نباشد و چه بسا توجیهات و دفاعیات متناسبی همچون دفاع مشروع، اکراه یا اشتباه و مانند آن برای رفع مسئولیت از متهم مجنون وجود داشته باشد، محاکمه مجنون توجیه حقوقی نداشته و با حق دفاع وی نیز رویارویی دارد» (شمس ناتری، ۱۴۰۰).

در این خصوص به نظر می‌رسد حتی اگر در جرائم حق‌الناسی، همه ادله و قرائن نیز علیه متهم باشد باز ضرورت یک دادرسی عادلانه ایجاب می‌کند تا حداقل برای یک‌بار هم که شده متهم بتواند شخصاً از خود دفاع کرده و شرح واقعه کند، در غیر این صورت صحبت از یک دادرسی عادلانه بی‌معنا خواهد بود. چه بسا دلایل و شواهدی وجود دارد

که فقط متهم از آنها با خبر باشد و آگاهی از آنها در صدور حکم نهایی مؤثر باشد. وضع چنین مقرراتی از زوایای مختلفی مورد نقد است که برجسته‌ترین آنها، عدم رعایت بایسته عدالت با توجه به برابری سلاح‌هاست؛ بنابراین، لزوم بازنگری در این تبصره و موکول کردن ادامه تعقیب و رسیدگی به زمان افاقه مرتکب، حکمی ارجح و عادلانه است که تحقق آن مستلزم گذشت زمان و حدوث تغییرات بنیادین در شیوه نگارش قانون است!

۳-۳. اختلاف در مجازات براساس جنسیت

یکی دیگر از مؤلفه‌های عدالت در قانونگذاری که به نوعی جزء معانی عدالت نیز محسوب می‌شود، برابری است. برابری در قانونگذاری به معنای عدم تبعیض ناروا در عرصه قانونگذاری است (باقری، حسنی و رستمی، ۱۳۹۸: ۲۸). تبعیض در قانونگذاری را می‌توان به معنای هرگونه تمایز، استثنا یا محدودیت براساس ناروا و ناموجه دانست (سلطانی کوهبانی و غلامی، ۱۳۹۷: ۲۴). در واقع صرف نظر از اینکه محتوای عدالت را چگونه بدانیم، تفاوت گذاشتن و تبعیض غیرمعقول قائل شدن در همه عرصه‌ها بی‌عدالتی محسوب می‌شود. البته باید توجه داشت مراد از برابری در اینجا برابری مطلق نیست بلکه مقصود برابری افراد یکسان در زمینه‌های یکسان است (حاجی حیدر، ۱۳۸۸: ۲۰). یکی از مصادیق نابرابری و تبعیض، در تفاوت زمان ورود افراد به سیستم کیفری براساس جنسیت است.

توضیح اینکه در جهت تحدید حدود مسئولیت کیفری برحسب برهه سنی افراد، قانونگذار در ماده (۱۴۰) قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، بلوغ را از شرایط مسئولیت کیفری قلمداد کرده و در این ماده اشعار می‌دارد: «مسئولیت کیفری در حدود، قصاص و تعزیرات تنها زمانی محقق است که فرد حین ارتکاب جرم ... بالغ ... باشد» و در ادامه آن در ماده (۱۴۷) اشعار می‌دارد: «سن بلوغ، در دختران و پسران، به ترتیب ۹ و ۱۵ سال تمام قمری است».

آنچه از منظر عدالت تقنینی برای برابری و عدم تبعیض حائز اهمیت است تالی فاسد چنین قانونگذاری است. همانا حاصل جمع دو مقرر فوق‌الذکر این است که دختران ۶ سال زودتر از پسران وارد سیستم کیفری می‌شوند. به عبارت دیگر، حسب جنسیت، زمان ورود به سیستم کیفری متفاوت خواهد بود. در اینجا یک سؤال اساسی وجود دارد و آن اینکه؛ چرا دختران در سن ۹ سالگی و ۶ سال زودتر از پسران شایستگی و اهلیت مجازات شدن از طریق سیستم کیفری را دارا می‌شوند؟^۱

این‌گونه قانونگذاری و وضع چنین قاعده‌ای با منطق حقوقی و مقررات بین‌المللی سازگار نیست؛ چه در این مقررات توصیه شده که اولاً، سن مسئولیت کیفری نباید پایین تعیین شود، ثانیاً، در تعیین آن باید رشد و نمو قوای ذهنی و جسمی مورد توجه ویژه قرار گیرد (حیدری، ۱۳۹۵: ۱۰۶-۱۰۵). از این‌رو این عملکرد قانونگذار مورد نقد برخی حقوق‌دانان قرار گرفته و معتقدند:

«علی‌رغم آنکه آموزه‌های دینی و تحقیقات علمی گویای آن است که دختران بیشتر از پسران در معرض تحریکات عاطفی و احساسی می‌باشند و پسران رشد عقلی و حتی دارای وزن مغزی بیشتری هستند و علی‌رغم آنکه مسئولیت‌های سنگین سیاسی، اجتماعی و قضایی بیشتر به مردان واگذار می‌شود تا زنان، پس چگونه است که مسئولیت مدنی و کیفری دختران در سنین کمتر از پسران تحقق می‌یابد؟ آیا تکلیف و مسئولیت در حدّ وسیع جسمی و عقلی افراد نیست پس چگونه دختران در سن ۹ سالگی می‌توانند مسئولیت کامل کیفری داشته باشند، ولی پسران در سن کمتر از ۱۵ سال این مسئولیت را برعهده نخواهند داشت؟» (روحانی و مهرپور، ۱۳۹۱: ۲۱-۲۰).

۱. گفتنی است ملاک بلوغ سن قمری است (و نه شمسی) و با توجه به اینکه هر سال شمسی یازده روز بیشتر از سال قمری است، با محاسبه این تفاوت و محاسبه سال کبیسه، زمان بلوغ در پسران به سال شمسی حدوداً ۱۴ سال و ۶ ماه و ۲۰ روز و زمان بلوغ در دختران ۸ سال و ۸ ماه و ۲۵ روز است.

چنین قانونگذاری کیفری درحالی است که مطابق با قوانین اداری بسیاری از محدودیت‌ها برای افراد زیر هجده سال مقرر شده است. ازجمله اینکه افراد زیر هجده سال امکان دریافت گواهینامه رانندگی، استخدام در ادارات دولتی، گرفتن گذرنامه، انجام معامله رسمی و مانند آن را ندارند^۱ اما براساس مواد فوق‌الذکر، قابلیت و شایستگی محاکمه جزایی و تحمل مجازات را دارند. برای مثال یک دختر پانزده‌ساله امکان دریافت گواهینامه رانندگی را ندارد به این دلیل که فرض بر این است که توانایی فهم و درک قوانین راهنمایی و رانندگی را ندارد لکن همین شخص اگر مرتکب جرم حدی شود با حصول شرایط قانونی، شایستگی تحمل مجازات را دارد (نجفی توانا، ۱۳۸۴: ۱۱۷).

بنابراین پرواضح است که وجود چنین تفاوتی میان دختران و پسران برخلاف بایسته عدالت بوده و سبب تزییع حقوق دختران می‌شود و در تعارض با معیار برابری و عدم تبعیض در قانونگذاری است؛ لذا مناسب است قانونگذار با توجه به واقعیات موجود، با اصلاح قانون و تعیین سن مناسب بلوغ برای دختران یا فراتر از آن، بازنگری در ملاک مسئولیت کیفری، علاوه بر ایجاد انسجام تقنینی، در جهت تحقق عدالت برآید.

۳-۴. نپذیرفتن اکراه در قتل

سزاواری^۲ یکی از نخستین معیارهای عدالت در قوانین کیفری است. به‌موجب این مؤلفه، شخصی که به‌عنوان مجرم دریافت‌کننده درد و رنجی می‌شود به‌عنوان سزا و

۱. برای مثال: «براساس تبصره «۳» ماده (۱۰) قانون صدور گذرنامه (اصلاحی ۱۳۷۷/۲/۲۰) و ماده (۱۸) همان قانون، افرادی می‌توانند مستقلاً تقاضای گذرنامه کنند که دارای ۱۸ سال تمام باشند یا در مورد معاملات رسمی، طبق ماده (۵۷) قانون ثبت اسناد و املاک کشور، سن رشد به‌عنوان حداقل سن تعیین شده است. طبق ماده (۲) قانون خدمت وظیفه عمومی مصوب ۱۳۶۳/۷/۲۹ اعزام افراد ذکور به خدمت سربازی منوط به داشتن حداقل ۱۸ سال و ورود به سن ۱۹ سالگی است...» (شایگان فرد و ادیب، ۱۳۹۲).

مجازات برای انجام کار نادرست و ممنوع است (حاجی حیدر، ۱۳۸۸: ۲۶). اما باید به این نکته ظریف توجه کرد که مجازات فرد به دلیل انجام کار نادرست زمانی عادلانه محسوب می شود که وی توانایی عدم انجام کار را داشته باشد و درعین حال با اراده و اختیار به انجام آن مبادرت کند تا مفهوم واقعی سزاواری محقق شود. براساس همین دیدگاه، نپذیرفتن اکراه در قتل از جهت سنجه عدالت با توجه به معیار برابری مورد نقد است که در ادامه مورد مذاقه قرار می گیرد.

تبیین اینکه، قانونگذار حکم عام اکراه در جرائم تعزیری را در ماده (۱۵۱) مقرر کرده است اما در انتهای این ماده اشعار می دارد: «... در جرائم موجب حد و قصاص طبق مقررات مربوط رفتار می شود». مراد از مقررات مربوط به قصاص، مواد ۳۷۵ الی ۳۸۰ قانون مجازات اسلامی است. در ماده (۳۷۵) مقرر شده است: «اکراه در قتل مجوز قتل نیست و مرتکب، قصاص می شود و اکراه کننده، به حبس ابد محکوم می شود». در این ماده ابهام های مهمی نهفته است که در ادامه به بررسی آنها می پردازیم.

برداشت اولیه ای که از جمع مواد (۱۵۱) و (۳۷۵) به دست می آید این است که: اکراه در صورت غیرقابل تحمل بودن رافع مسئولیت کیفری است مگر در اکراه به قتل که مجوز قتل نیست و در صورتی که مکره زیر تهدید و فشار مکره مرتکب قتل گردد قصاص می شود و اکراه کننده به حبس ابد محکوم می شود. سؤال مهمی که در اینجا پیش می آید این است که در میان قواعد موجود پیرامون اکراه در قتل، آیا مناسب ترین و عادلانه ترین قاعده این است که اکراه شونده قصاص شود و اکراه کننده به حبس ابد محکوم شود؟ به عبارت بهتر آیا در فرض اکراه در قتل، اکراه شونده سزاوار (یا سزاوارترین فرد) برای تحمل مجازات قصاص است؟ توضیح اینکه در رابطه با اکراه دیگری به قتل در حالتی که وعید قتل باشد و هر دوی مکره و مکره، عاقل و بالغ باشند حداقل سه قاعده را می توان در نظر داشت:

اول اینکه، همسو با نظر قانونگذار بر این عقیده باشیم که در جرم قتل، اگره رافع مسئولیت کیفری نخواهد بود و مباشر قصاص می‌شود و اگره‌کننده به حبس ابد محکوم می‌شود.

دوم اینکه، همسو با نظر فقیهانی مانند آیت‌اله خوبی بر این نظر باشیم که اگره‌شونده به پرداخت دیه محکوم می‌شود و اگره‌کننده به حبس ابد محکوم می‌شود (حاجی ده‌آبادی، ب ۱۳۹۵: ۹۶-۹۵).

سوم اینکه، اگره‌کننده را سبب اقوی از مباشر دانسته و او را قاتل عمدی بدانیم و اگره‌شونده نیز مبری از مجازات خواهد بود (همان، ۱۴۰۱: ۵۰۲-۵۰۱).

راه‌حل دوم این ایراد را دارد که باب فرار از مجازات قصاص و به عبارتی دور زدن قانون را باز می‌کند؛ چه هرگاه شخصی بخواهد دیگری را بکشد، با نفر سومی تبانی بر اگره به قتل کرده (یا حتی بدون تبانی، دیگری را اگره به قتل می‌کند) تا شخص مورد نظر را به قتل رسانند و در این حالت هیچ‌یک قصاص نخواهند شد؛ بنابراین به دلایلی چند می‌توان نظر سوم را برگزید؛ از جمله:

۱. می‌توان این نقد را بر قانونگذار وارد کرد که چرا انجام دفاع مشروع برای حفظ اعضای بدن و قتل مرتکب درحالی که امکان دفع آن با غیر قتل ممکن بوده است موجب تعزیر و دیه است و مدافع قصاص نخواهد شد^۱ درحالی که در اگره بر قتل با وعید به قتل، مکره برای حفظ جان خویش اقدام به قتل نموده ولیکن قصاص می‌شود.

۲. با اعمال قاعده مذکور در ماده، مجازات قاتل شروری که با نیت سوء و با سبق تصمیم اقدام به کشتن دیگری می‌کند با مکره‌ی که در زیر فشار و تهدید و از سر ناچاری مرتکب قتل می‌شود برابر خواهد بود و این برخلاف عدالت است

۱. قانونگذار در تبصره «۲» ماده (۳۰۲) مقرر می‌دارد: «... چنانچه نفس دفاع صدق کند ولی از مراتب آن تجاوز شود قصاص منتفی است، لکن مرتکب به شرح مقرر در قانون به دیه و مجازات تعزیری محکوم می‌شود».

بنابراین جا دارد که قانونگذار در انتخاب قاعده انساب در بحث اکراه بر قتل بازنگری کند و با انتخاب قاعده مناسب براساس معیار سزاواری، در جهت تحقق بخشیدن به عدالت برآید.

۴. جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در وضع قانون، سنجه‌های متعددی ملاک سنجش قانون و عملکرد مقنن است که از جمله مهم‌ترین آنها سنجه عدالت است. اهمیت این بایسته به حدی است که ملاک و معیار مقبولیت و مقیاس عیار قوانین است. این پژوهش مدلل آن است که عملکرد قانونگذار در خصوص عوامل رافع مسئولیت کیفری در مواردی با معیارهای عدالت تقنینی کیفری مطابقت ندارد. این معیارها و موارد عبارتند از:

۱. اعلام عمومی با صراحت: براساس این معیار، قوانین جزایی باید با گزاره‌هایی

روشن و صریح بیان شوند تا مخاطبان قانون به سهولت مراد مقنن را دریافته و متوجه تکلیف خود باشند. بنابراین وضع قوانین کیفری مبهم و نارسا از مصادیق بی‌عدالتی تقنینی محسوب می‌شود. استفاده از واژه‌های پرابهام و تفسیربردار «عاداً» و «عذر شرعی» در جهت تخصیص قاعده جهل به حکم رافع مسئولیت نیست از جمله مصادیق قوانین ناعادلانه براساس این معیار محسوب می‌شود؛ لذا مناسب است قانونگذار در صورت ضرورت استفاده از چنین واژه‌هایی آنها را در قالب تبصره ماده تعریف کند.

۲. جامعیت قانون: معیار جامعیت قانون مبتنی بر پیش‌بینی حالات متصور

متعارف موضوع است؛ چراکه نتیجه قانونی که جامعیت نداشته باشد بی‌عدالتی در صدور احکام متفاوت صادره است. مشخص نبودن مدت نگهداری بیمار روانی در محل مناسب، انحصار اقدام پیش‌بین شده در قانون در مواجهه با این موضوع

و عدم امکان اعتراض شاکی یا مدعی خصوصی از جمله مصادیق عدم جامعیت قانون و به تبع آن بی‌عدالتی تقنینی است. در جهت تحقق این معیار پیشنهاد می‌شود قانونگذار ضمن تعیین حداکثر زمان نگهداری بیمار روانی در مکان مناسب و تنوع اقدام‌های مقرر در مواجهه با این موضوع، امکان اعتراض شاکی یا مدعی خصوصی را نیز پیش‌بینی کند.

۳. **برابری سلاح‌ها**: این معیار مستلزم برابری طرفین در شرایط دعوا و دفاع است. بر همین اساس ادامه دادن تعقیب و دادرسی متهمی که دارای آشفتگی روانی است در تضاد با اصل برابری سلاح‌ها و ناعادلانه است؛ لذا در نگارش جدید قانون می‌توان ادامه دادن تعقیب و محاکمه را مقید به بهبودی متهم کرد.

۴. **برابری**: مؤلفه برابری در معنای عدم تبعیض ناروا از جمله سنجه‌های عدالت در تمامی جوانب آن است. از این منظر، تعیین اهلیت کیفری بر مبنای بلوغ و در نتیجه تفاوت در زمان ورود به سیستم عدالت کیفری بر اساس جنسیت (پسران ۱۵ سالگی و دختران ۹ سالگی) از جمله مصادیق بی‌عدالتی مبتنی بر معیار برابری محسوب می‌شود. در این خصوص می‌توان از معیارهای جایگزین بلوغ مانند سن استفاده کرد.

۵. **سزاواری**: اعطای هر فرد به آنچه شایسته و سزاوار آن است از جمله اساسی‌ترین معیارهای عدالت تقنینی است. بر اساس این معیار و با توجه به عدم اعمال قصاص در موارد مشابهی مانند دفاع مشروع، تحمیل مجازات قصاص بر اکراه‌شونده در اکراه بر قتل، ناعادلانه می‌نماید و در این خصوص می‌توان مجازات قصاص را بر اکراه‌کننده اعمال کرد.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. آقایی جنت‌مکان، حسین (۱۳۹۷). حقوق کیفری عمومی (بزهکار و مسئولیت کیفری)، جلد دوم، چاپ پنجم، تهران، انتشارات جنگل؛ جاودانه.
۳. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۵). حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران، نشر میزان.
۴. اصغری، سیدمحمد (۱۳۸۶). عدالت و عقلانیت در فقه و حقوق، چاپ اول، تهران، انتشارات اطلاعات.
۵. اکرمی، روح‌اله (۱۳۹۴). «بررسی قانون مجازات اسلامی جدید در سنجه ضوابط قانون‌نگاری»، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست‌ودوم، ش ۸۲.
۶. الهام، غلامحسین و محسن برهانی (۱۳۹۷). درآمدی بر حقوق جزای عمومی (جرم و مجرم)، جلد اول، چاپ چهارم، تهران، نشر میزان.
۷. امامی، محمدجعفر (۱۳۸۷). نهج‌البلاغه، چاپ پنجم، قم، انتشارات امام علی ابن ابی‌طالب (ع).
۸. باقری، علی، علیرضا حسینی و ولی رستمی (۱۳۹۸). «عدالت تقنینی از دیدگاه فقه امامیه و حقوق ایران»، نشریه مبانی فقهی حقوق اسلامی، سال دوازدهم، ش ۲۳.
۹. بیگزاده، صفر (۱۳۸۷). شیوه‌نامه نگارش قانون، چاپ سوم، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۱۰. پوربافرانی، حسن و مصطفی افشین‌پور (۱۳۹۲). «تفاوت علل مواجهه جرم با علل رافع مسئولیت کیفری و آثار آن در حقوق بین‌الملل کیفری»، مجله مطالعات حقوقی، دوره ۴، ش ۲.
۱۱. توسلی نائینی، منوچهر، قدرت‌اله خسروشاهی و زهره نصراللهی (۱۳۹۵). «اصل برابری سلاح‌ها در مرحله تحقیقات مقدماتی در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و اسناد بین‌المللی حقوق بشر»، نشریه حقوقی دادگستر، ش ۹۴.
۱۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۴۰۰). مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد چهارم، چاپ هشتم، تهران، کتابخانه گنج دانش.

۱۳. حاجی حیدر، حمید (۱۳۸۸). «بررسی جامع مفهوم عدالت از دیدگاه اسلام»، نشریه معرفت سیاسی، ش ۲.
۱۴. حاجی ده‌آبادی، احمد (الف ۱۳۹۵). *بایسته‌های تقنین*، چاپ سوم، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۵. _____ (ب ۱۳۹۵). *ترجمه شرح و تعلیقه «مبانی تکمله المنهاج»*، تهران، نشر میزان.
۱۶. _____ (۱۴۰۱). *جرائم علیه اشخاص (قتل)*، چاپ سوم، تهران، نشر میزان.
۱۷. حسینی، محمدحسن و سیدحسین شاهچراغ (۱۳۹۷). «تأثیر جهل به قانون در مسئولیت کیفری از منظر قانون مجازات اسلامی»، *مطالعات فقه و حقوق اسلامی*، سال دهم، ش ۱۹.
۱۸. حسینی، سیدمحمد و امیر اعتمادی (۱۳۹۴). «جنون به‌عنوان عامل رافع مسئولیت کیفری در حقوق ایران و انگلستان»، *نشریه مطالعات حقوق تطبیقی*، دوره ۶، ش ۲.
۱۹. حیدرزاده امام وردی‌خان، حسین (۱۳۹۴). «رویکرد نوین قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در خصوص اشتباه و آثار آن»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده علوم اداری و اقتصادی.
۲۰. حیدری، مسعود (۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی سن مسئولیت کیفری اطفال در فقه اسلامی، اسناد بین‌المللی و قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، *فصلنامه پژوهش‌های تطبیقی حقوق اسلام و غرب*، سال سوم، ش ۱.
۲۱. خالقی، علی (۱۳۹۹). *آیین دادرسی کیفری*، جلد اول، چاپ سی‌ودوم، تهران، شهردانش.
۲۲. ذبیحی بیدگلی، عاطفه (۱۳۹۴). *بایسته‌های تقنین در حوزه خانواده*، تهران، نشر میزان.
۲۳. روحانی، حسن و حسین مهرپور (۱۳۹۱). *سن اهلیت و مسئولیت قانونی در فقه اسلامی و نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک.
۲۴. ساقیان، محمدمهدی (۱۳۸۵). «اصل برابری سلاح‌ها در فرایند کیفری (با تکیه بر حقوق فرانسه و ایران)»، *نشریه حقوقی دادگستری*، ش ۵۶ و ۵۷.
۲۵. سلطانی، مهدی (۱۳۹۱). *حقوق جزای عمومی*، جلد دوم، چاپ اول، تهران، نشر دادگستر.
۲۶. سلطانی کوهبانی، سکینه و نبی‌اله غلامی (۱۳۹۷). «نگرشی اخلاقی - حقوقی به جایگاه اصل برابری

محک عوامل رافع مسئولیت کیفری در سنجه عدالت _____ ۲۲۲

در حقوق کودکان با نیازهای ویژه»، نشریه اخلاق زیستی، ش ۲۷.

۲۷. شایگان فرد، مجید و زهرا ادیب (۱۳۹۲). «فلسفه و مبنای تعیین بلوغ به‌عنوان سن مسئولیت کیفری»،

کنفرانس ملی سیاست کیفری ایران در قبال بزه‌کاری و بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان، دانشگاه

تحصیلات تکمیلی صنعتی و فناوری پیشرفته، کرمان.

۲۸. شمس ناتری، محمدابراهیم (۱۴۰۰). «تقریرات حقوق جزای عمومی»، دوره دکتری، دانشکده حقوق،

پردیس فارابی دانشگاه تهران.

۲۹. شمس ناتری، محمدابراهیم، حمیدرضا کلانتری، ابراهیم زارع و زینب ریاضت (۱۳۹۶). *قانون مجازات*

اسلامی در نظم حقوق کنونی، چاپ چهارم، تهران، نشر میزان.

۳۰. صاعی، پرویز (۱۳۸۸). *حقوق جزای عمومی*، چاپ دوم، تهران، انتشارات طرح نو.

۳۱. طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ق). *تفسیر المیزان*، جلد اول، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی

جامعه مدرسین قم.

۳۲. عالی‌پور، حسن (۱۳۹۲). «امنیت ملی و عدالت کیفری»، فصلنامه *مطالعات راهبردی*، ش ۶۱.

۳۳. علی‌اکبریان، حسنعلی (۱۳۹۶). *قاعده عدالت در فقه امامیه*، چاپ دوم، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ

اسلامی.

۳۴. عمید، حسن (۱۳۸۹). *فرهنگ فارسی عمید*، تهران، انتشارات اشجع.

۳۵. قاری سیدفاطمی، سیدمحمد (۱۳۸۰). «تحلیل مفاهیم کلیدی حقوق بشر معاصر حق، تعهد، آزادی،

برابری و عدالت»، نشریه *تحقیقات حقوقی*، ش ۳۳-۳۴.

۳۶. کاتوزیان، ناصر (۱۴۰۰). *گامی به سوی عدالت (مجموعه مقالات)*، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشکده

حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

۳۷. _____ (۱۴۰۱). *مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران*، چاپ بیستم، تهران، گنج

دانش.

۳۸. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی و مؤسسه تحقیقات علوم جزایی و

جرم‌شناسی دانشگاه تهران با همکاری بنیاد میزان (۱۳۹۸). *افق‌های نوین حقوق کیفری*، چاپ اول،

تهران، نشر میزان.

۳۹. محسنی، مرتضی (بی تا). دوره حقوق جزای عمومی (کلیات)، جلد سوم، تهران، نشر دانشگاه ملی ایران.

۴۰. مدنی، سیدجلال‌الدین (۱۳۹۲). مبانی و کلیات علم حقوق، چاپ نوزدهم، تهران، نشر همراه.

۴۱. مصدق، محمد (۱۳۹۸). شرح قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با رویکرد کاربردی، چاپ یازدهم، تهران،

جنگل؛ جاودانه.

۴۲. منصورآبادی، عباس (۱۳۹۶). حقوق جزای عمومی دو، تهران، نشر میزان.

۴۳. موسوی مجاب، سیددردی و مهدی محمدی (۱۳۹۴). «تأثیر جهل حکمی بر مسئولیت کیفری از منظر

فقه امامیه»، نشر مبانی فقهی حقوق اسلامی، سال هشتم، ش ۱۶.

۴۴. نجفی توانا، علی (۱۳۸۴). «سن مسئولیت کیفری اطفال در مقررات حقوق داخلی و بین‌المللی»، نشریه

مدرس علوم انسانی، ش ۴۱.

۴۵. نوربها، رضا (۱۳۹۱). زمینه حقوق جزای عمومی، چاپ سی و سوم، تهران، انتشارات گنج دانش.

۴۶. هارت، هربرت (۱۳۹۹). مفهوم قانون، ترجمه محمد راسخ، چاپ هشتم، تهران، نشر نی.

تحلیل ابعاد حقوقی قرارداد تأمین محتوا و خدمات دیجیتال با تأکید بر حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان

سجاد جان محمدی، رحمت‌اله جان محمدی** و مینا حسینی***

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۹	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۳	شماره صفحه: ۲۲۹-۲۵۸
-------------------	--------------------------	-------------------------	---------------------

محتوا و خدمات دیجیتال داده‌هایی است که در قالب قرارداد تأمین محتوا و خدمات دیجیتال میان فروشنده و مصرف‌کنندگان منعقد و عرضه می‌شوند. شایان ذکر است مقصود از مصرف‌کنندگان محصولات دیجیتال به معنای خرید آنلاین نیست تا تابع صرف مقررات حقوق تجارت الکترونیک شوند و از طرفی، مقررات قانون تجارت الکترونیکی مربوط به بیش از یک دهه قبل است و مسلماً نمی‌تواند تمامی جنبه‌های حقوقی مستحدثه فنی این حوزه را پوشش دهد؛ زیرا خرید اینترنتی تنها یکی از روش‌هایی است که با آن می‌توان محتوا و خدمات دیجیتال را تحصیل کرد. از این رو به دست آوردن محتوا و خدمات دیجیتال صرفاً به خرید اینترنتی منوط نیست و از نظر دایره مصادیق گستردگی بیشتری نسبت به خرید اینترنتی دارد. بنابراین یک کتاب فیزیکی مبادله شده به صورت آنلاین محتوای دیجیتال نیست بلکه خرید اینترنتی کالا است. این مطالعه درصدد است تا با روشی توصیفی - تحلیلی به این سؤال پاسخ دهد که قراردادهای تأمین محتوا و خدمات دیجیتال با توجه به نوظهور بودن چه ابعاد فنی و حقوقی دارند؟ در بیشتر نظام‌های پیشرفته حقوقی از جمله اتحادیه اروپا، مصرف‌کنندگان محتوا و خدمات دیجیتال به عنوان طرف ضعیف معامله مورد حمایت ویژه قانونی قرار گرفته‌اند. در این راستا نظام حقوقی ایران نیز باید با الحاق مقرراتی به ویژه در حوزه مسئولیت‌های الزام‌آور عرضه‌کننده محتوا و خدمات دیجیتال به قانون تجارت الکترونیکی با دیدی حمایتی نسبت به حفظ حقوق مصرف‌کنندگان به عنوان طرف ضعیف قرارداد مبادرت کند.

کلیدواژه‌ها: قرارداد تأمین؛ خدمات دیجیتال؛ محتوای دیجیتال؛ اتحادیه اروپا

* قاضی دادگستری تهران، دکتری حقوق خصوصی (نویسنده مسئول)؛

Email: sjanmohamadi0929@yahoo.com

** مدرس دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد پیشوا؛

Email: rjanmohammadi@yahoo.com

*** استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه علم و فرهنگ تهران؛

Email: mina.hosseini@usc.ac.ir

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال سی و یکم، شماره یکصد و هجدهم، تابستان ۱۴۰۳

doi: 10.22034/ MR-2022-5504-5238 (R1)

مقدمه

تکامل فناوری‌های نوین^۱ به معرفی و گسترش بازارهای ارائه محتوا و خدمات دیجیتال^۲ منجر شده (Gupta, 2021: 65) که در پی آن قراردادهایی در این زمینه شکل گرفته است. قرارداد تأمین محتوا و خدمات دیجیتال تحت تراضی دو یا چند اراده و در قالب ایجاب و همچنین قبول طرفین در بستر الکترونیک منعقد می‌شود. یکی از ویژگی‌های مهم این قراردادها از حیث موضوع تبدیل عرضه محصولات و خدمات عمدتاً ملموس به نسخه دیجیتالی است که از طریق بسترهای آنلاین^۳ ارائه می‌شود. امروزه به جای چاپ و فروش یک کتاب در کتابفروشی، کتابخانه‌های دیجیتال^۴ تأسیس شده است. ناشران همان نسخ چاپی را به صورت دیجیتال تهیه کرده و مصرف‌کنندگان با عضویت در کتابخانه‌های دیجیتال از آنها استفاده می‌کنند (Dawidm, 2022: 67). محصولات دیجیتال شامل هر نوع محتوای دیجیتالی می‌شود که به صورت آنلاین در فضای مجازی و از طریق نصب برنامه روی سخت‌افزارها به صورت برخط قابل ارائه است (Stoilov and Merkin, 2019: 34).

یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که مصرف‌کنندگان با آنها مواجه‌اند، عدم انجام به موقع تعهد عرضه‌کنندگان در حل اختلالات احتمالی دسترسی به بسترهای ارائه محتوا و خدمات دیجیتال است؛ زیرا محتوا و خدمات دیجیتال اغلب در بسترهای آنلاین و بازه زمانی مشخص توسط عرضه‌کنندگان ارائه می‌شوند که در صورت عدم رفع اختلالات احتمالی از سوی عرضه‌کنندگان، مصرف‌کنندگان از حق بهره‌برداری خود محروم می‌شوند. همچنین مشکلات دسترسی که مانع استفاده مصرف‌کنندگان

-
1. New Technologies
 2. Digital Services
 3. Online Platform
 4. Digital Libraries

محصولات دیجیتال می‌شود، شامل مشکلات دسترسی فنی مانند توانایی پخش، گوش دادن، تماشای محتوای دیجیتال در انواع دستگاه‌هاست. هنگامی که در مورد حمایت از حقوق مصرف‌کننده برای محتوا و خدمات دیجیتال صحبت می‌شود، به شفافیت بیشتری نیاز دارد؛ زیرا هیچ‌چیز ملموسی وجود ندارد و از انعقاد قرارداد تا استفاده مصرف‌کننده همگی در فضای دیجیتال انجام می‌شود. قرارداد تأمین محتوا و خدمات دیجیتال باید به نحوی تنظیم شود که تمامی جنبه‌های فنی در اجرای قرارداد را پوشش دهد (Kluster, 2021: 212).

نظام حقوقی اتحادیه اروپا با توجه به جدید بودن و ابعاد فنی پیچیده فرایند ارائه محصولات دیجیتال مجموعه قوانین مستقلی را در سال ۲۰۱۹ در این حوزه تصویب کرد^۱ اما نظام حقوقی ایران در این راستا هنوز گام محکمی برنداشته است. این ضعف چه از حیث تقنینی در راستای وضع قواعد الزام‌آور و چه از حیث دکترین حقوقی برای تحلیل زوایای مختلف آن محسوس است. مرتبط‌ترین قانون در این حوزه قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان است که بیش از یک دهه از زمان تصویب آن می‌گذرد و با توجه به معرفی این فناوری سال‌ها بعد از تصویب این قانون، ظرفیت قانونی پوشش ابعاد فنی نوظهور آن را ندارد. با توجه به ویژگی‌های فنی محصولات دیجیتال در بستر آنلاین، در صورت عدم حمایت قانونی امکان تضییع حقوق مصرف‌کنندگان

۱. آخرین اراده نظام تقنینی اتحادیه اروپا تصویب «Directive (EU) 2019/770 on certain aspects concerning contracts for the supply of digital content and digital services and the Directive (EU) 2019/771 on certain aspects concerning contracts for the sale of goods entered into application» است و پیشینه آن در اتحادیه اروپا به این امر بازمی‌گردد که خرید و استفاده از محتوای دیجیتال و خدمات دیجیتال در بازار واحد اتحادیه اروپا با مشکلات حقوقی در سطح ملی اعضا و اتحادیه مواجه بود. برای حل آن کمیسیون اروپا، در سال ۲۰۱۵ دستورالعملی را در مورد قراردادهای عرضه محتوای دیجیتال و خدمات دیجیتال (مانند پخش موسیقی یا حساب رسانه‌های اجتماعی) و دستورالعملی در مورد قراردادهای فروش کالا تصویب کرد. پارلمان اروپا و شورای اروپا این دستورالعمل‌ها را مجموعاً در ۲۰ مه ۲۰۱۹ میلادی به تصویب رساندند. پس از انتشار آنها به کشورهای عضو اتحادیه اروپا تا ۱ ژوئیه ۲۰۲۱ فرصت داده شد تا این دستورالعمل‌ها را در قوانین ملی خود به رسمیت بشناسند.

محصولات دیجیتال به‌عنوان طرف ضعیف قرارداد بیش از سایر انواع قراردادها است (زرکلام و هاشمی، ۱۳۹۹: ۳۲). در این پژوهش با الهام از نظام تقنینی اتحادیه اروپا که قواعد و مقررات مستقل، دقیق و جدیدی در این حوزه دارد، پس از بیان مفهوم و اعتبار قراردادهای تأمین به بیان کارکردها و همچنین چالش‌های حقوقی پیش‌روی مصرف‌کنندگان به‌عنوان طرف ضعیف قرارداد پرداخته خواهد شد.

۱. ابعاد فنی فناوری محتوا و خدمات دیجیتال

با گسترش استفاده از فضای مجازی و همچنین تجارت‌هایی که در بستر آنلاین و تحت وب شکل گرفته است، موضوع محصولات دیجیتال اهمیت دوچندانی پیدا کرده است. به‌نحوی که تولید محتوا و خدمات دیجیتال که یکی از زیرشاخه‌های حوزه آی‌تی^۱ است، دائماً در حال توسعه و پیشرفت است (Corralls, Fich and Pugh, 2021: 102). در این مبحث به تبیین مفهوم و همچنین انواع محصولات دیجیتال خواهیم پرداخت.

۱-۱. محتوای دیجیتال

محتوای دیجیتال^۲ هر محتوایی است که در قالب داده‌های دیجیتال پدید می‌آید. همچنین ممکن است محتوای دیجیتال به‌عنوان رسانه دیجیتال^۳ نیز شناخته شود. محتوای دیجیتال در حافظه دیجیتال یا آنالوگ در قالب‌های خاصی ذخیره می‌شود. اشکال محتوای دیجیتال شامل اطلاعاتی است که به‌صورت دیجیتالی پخش می‌شود یا در فایل‌های رایانه‌ای پس از ارائه عرضه‌کننده آن به‌صورت آنلاین یا ذخیره شده موجود است. با نگاهی اجمالی، محتوای دیجیتال اغلب شامل انواع

1. IT Technology

2. Digital Content

3. Digital Media

رسانه‌های محبوب فضای مجازی حاضر است. در حالی که یک رویکرد گسترده‌تر از مفهوم محتوای دیجیتال، هر نوع اطلاعات دیجیتالی «مانند پیش‌بینی آب‌وهوا، نقشه‌های جی‌پی‌اس و غیره به‌روز شده دیجیتالی» را به‌عنوان محتوای دیجیتال در نظر می‌گیرد (Slakoper, 2021: 165). با دسترسی اشخاص بیشتر در جهان به اینترنت و برنامه‌های ارائه‌کننده محصولات دیجیتال که در واقع با نام میزبان^۱ شناخته می‌شوند، محتوای دیجیتال در فضای الکترونیکی به‌طور چشمگیری افزایش یافته است. محتوای دیجیتال دسترسی گسترده‌تر، دریافت اخبار و تماشای آنلاین تلویزیون و همچنین خرید را برای مردم آسان‌تر کرده است.

۱-۱-۱. انواع محتوای دیجیتال

محتوای دیجیتال انواع مختلفی دارد و با توجه به اینکه دائماً در حال تغییر و پیشرفت است، هر لحظه امکان دارد نوع جدیدی از محتوای دیجیتال پدید آید و در بسترهای الکترونیک معرفی شود. بنابراین نمی‌توان گفت که جنبه حصری دارد (Tolen and Chen, 2021: 65). اما از جمله مهم‌ترین و پر استفاده‌ترین انواع محتوای دیجیتال عبارتند از:

الف) ویدئو^۲

انواع محتوای ویدئویی شامل ویدئوهای خانگی، موزیک ویدئو، نمایش‌های تلویزیونی و فیلم است. بسیاری از فیلم‌ها و برنامه‌های تلویزیونی با رعایت حقوق مالکیت فکری به‌صورت رایگان در دسترس نیستند بلکه می‌توانند از سایت‌های ارائه‌کننده خدمات دیجیتال^۳ خریداری شوند.

1. The Host

2. Video

۳. از جمله مهم‌ترین آنها iTunes, Amazon است که معتبرترین ارائه‌کنندگان خدمات دیجیتال محسوب می‌شوند.

ب) صدا - موسیقی

صدا - موسیقی بارزترین نمونه صدا است. این نوع از محتوای دیجیتال نیز از طریق ارائه‌کنندگان محتوا در اختیار متقاضیان در بسترهای آنلاین قرار می‌گیرد.

ج) تصاویر^۱

اشتراک‌گذاری عکس و تصویر، نمونه دیگری از محتوای دیجیتال است. برخی از آنها به صورت رایگان در اختیار اشخاص قرار می‌گیرد و به طور معمول این بسترهای آنلاین رایگان، جایی^۲ است که مردم تصاویر خود را به صورت رایگان به اشتراک می‌گذارند (Pumela, 2021: 154). اما ممکن است تصاویر به عنوان یک کالای دیجیتال^۳ به فروش رسد.

د) داستان‌های بصری^۴

داستان‌های بصری که به تازگی در دنیای دیجیتال ظهور کرده‌اند در واقع نوع جدیدی از محتوای دیجیتال محسوب می‌شوند. داستان‌های بصری، عمدتاً از طریق استفاده از رسانه‌های تصویری ارائه می‌شود. این داستان‌ها ممکن است با استفاده از عکاسی ثابت، تصویرسازی یا ویدئو گفته شود و می‌توان آن را با گرافیک، موسیقی، صدا و سایر آلات مجازی تقویت کرد. همچنین این عنوان برای توصیف ژانرهای مختلف داستان‌سرایی بصری، از اخبار و اطلاعات (عکس ژورنالیسم، مقاله عکس و فیلم مستند) گرفته تا سرگرمی (هنر، فیلم، تلویزیون، کتاب‌های مصور و رمان گرافیکی) استفاده شده است.

1. Images

۲. به طور معمول از طریق برنامه‌هایی مانند Instagram و Snapchat در معرض بازدیدکنندگان مجازی قرار می‌گیرد.

3. Digital Goods

4. Visual Stories

(۵) متن^۱

متن نوعی محتوای دیجیتال است که به صورت متنی یا نوشتاری موجود است. وبسایت‌هایی که داده‌ها را در قالب متن ذخیره می‌کنند، وبلاگ نام‌گذاری کرده‌اند.

۱-۲. خدمات دیجیتال

یک سرویس دیجیتال در واقع ارائه‌دهنده خدمات^۲ آنلاین است که در قبال دریافت پول دسترسی به کالاها و خدمات را برای بازدیدکنندگان مهیا کرده و مبادرت به فروش آنها می‌کند. خدمات دیجیتال یا عمدتاً روی یک سرور اختصاصی^۳ میزبانی می‌شود که به ارائه‌دهنده خدمات متعلق است، یا بر هارد دیسک‌های مصرف‌کنندگان با استفاده از یک پروتکل یا احتمالاً یک سرور اختصاصی برای تکمیل اطلاعات و امکان در دسترس قرار گرفتن خدمات دیجیتال میزبانی می‌شود (Chortles, 2016: 78). براساس رتبه‌بندی شرکت گوگل^۴، ارائه‌دهندگان خدمات دیجیتال پیش‌رو در رتبه‌بندی از حیث درآمدزایی عبارتند از: گوگل، چاینا موبایل، بلوم برگ^۵، ریدالزویر^۶ و اپل^۷ قرار دارند. ۵۰ شرکتی که بیشترین درآمد را دارند، بین آنهایی که خدمات دیجیتالی رایگان و پولی به مصرف‌کنندگان ارائه می‌دهند، تقسیم می‌شوند (Gorzny, 2019: 152). این ۵۰ شرکت برتر در سال ۲۰۲۰ مجموعاً بیش از ۱۵۰ میلیارد دلار از طریق مصرف‌کنندگان درآمد داشته‌اند که خود حکایت از اهمیت آن از حیث میزان گردش مالی دارد.

-
1. Text
 2. Service Provider
 3. Primarily Hosted
 4. Ranked Google
 5. Bloomberg
 6. Reed Elsevier
 7. Apple

۲. قرارداد تأمین محتوا و خدمات دیجیتال

قراردادهای تأمین محتوا و خدمات دیجیتال میان عرضه‌کننده این نوع از محصولات دیجیتال و مصرف‌کنندگان منعقد می‌شود. موضوع این قرارداد محتوا و خدمات دیجیتالی است که عرضه‌کننده به‌موجب این قرارداد متعهد می‌شود در یک بازه زمانی مشخص و با کیفیت تعیین شده در قرارداد به مصرف‌کننده ارائه کند (Dowd, 2021: 163). همچنین با توجه به ابعاد فنی و نوع محصول دیجیتال، به‌موجب این قرارداد عرضه‌کننده باید نرم‌افزار یا بستر آنلاین برای استفاده از محتوا یا خدمت دیجیتال را در طول زمان اجرای قرارداد برای مصرف‌کننده تأمین کند و همچنین همه ابعاد فنی، امنیتی، مشکلات و اختلال‌های ایجاد شده را برای بهره‌برداری مصرف‌کننده، رفع کند (Garner, 2019: 96). در این مبحث به تحلیل ماهیت قرارداد تأمین و چالش‌های حقوقی آن پرداخته خواهد شد.

۲-۱. ماهیت قرارداد تأمین

قرارداد تأمین محتوا و خدمات دیجیتال تراضی میان دو یا چند اراده حقوقی در چارچوب ایجاب و قبول است که در محیط دیجیتال منعقد می‌شود. قرارداد تأمین از نظر ماهیت حقوقی تفاوت چندانی با قراردادهای سنتی ندارد، اما از حیث موضوع این قراردادها که همان ارائه محتوا و خدمات دیجیتال در بسترهای آنلاین است ویژگی‌های خاصی پیدا کرده که قواعد سنتی نظام حقوق قراردادها امکان پوشش‌دهی تمامی آنها را ندارد (قاسمی‌حامد، ۱۳۹۸: ۶۰). همچنین یکی دیگر از تفاوت‌های قراردادهای تأمین با قراردادهای سنتی از حیث محل انعقاد است که قراردادهای تأمین در بستر دیجیتال و محیطی الکترونیکی منعقد می‌شود. از این رو با تأکید بر همین ویژگی مبنی بر اینکه طرفین قرارداد تأمین با تراضی صورت گرفته میان آنها در بستر دیجیتال تعهداتی را «تعهد عرضه‌کننده مبنی بر ارائه نوع خاصی

از محتوا یا خدمت دیجیتال و در مقابل تعهد مصرف کننده مبنی بر پرداخت وجه مشخصی به عنوان ثمن قرارداد»، در قبال یکدیگر قبول کرده‌اند، می‌توان آن را از جمله عقود الکترونیکی محسوب کرد. عوض قراردادی در قرارداد تأمین می‌تواند ارزشهای دیجیتال باشد (قاسمی حامد و فلاح، ۱۳۹۳: ۶۶). در خصوص نحوه تشکیل این قراردادها می‌توان قراردادهای تأمین را از جمله عقود لحاظ کرد که به موجب آن متعاملان در بستر دیجیتال «اغلب بلاک چین» مذاکرات پیش قراردادی را انجام می‌دهند و بعد از حصول رضایت و توافق، تعهدات را در مقابل یکدیگر برعهده می‌گیرند. از نظر تحلیل ماهیت قرارداد نیز با توجه به اینکه در حال حاضر قانون مستقلی درباره اصول و نحوه تشکیل و همچنین توابع آن وضع نشده است؛ به استناد ماده (۱۰) قانون مدنی که مقرر کرده است: «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند، در صورتی که مخالف صریح قانون نباشند، نافذ است» قراردادی صحیح و معتبر تلقی می‌شود.^۱ با توجه به شیوه انعقاد قراردادهای تأمین در بستر آنلاین امضای طرفین قرارداد باید دیجیتالی باشد.

یکی از چالش‌های حقوقی قراردادهای تأمین تعیین مصادیق محتوا و خدمات دیجیتال است که هریک دارای چه مصادیقی هستند و تعهدات عرضه‌کنندگان شامل چه مواردی می‌شود (السان، ۱۳۹۱: ۱۱۲). در نظام حقوقی اتحادیه اروپا در خصوص طبقه‌بندی محتوا و خدمات دیجیتال رویه واحدی وجود ندارد. به‌طور مثال در خصوص فروش محتوای یک هارد یا دی‌وی‌دی، اینکه آیا یک مال منقول (هارد و دی‌وی‌دی) فروخته شده است یا محتوای درون آنها مشمول قواعد خرید و فروش اموال منقول نمی‌شود و مصرف‌کننده آن باید مورد حمایت ویژه قرار گیرد اختلاف نظر وجود دارد

۱. یکی دیگر از موجداتی که سبب صحیح برشمردن قرارداد تأمین می‌شود استناد به ماده (۲۲۳) قانون مدنی است که مقرر می‌دارد: «هر معامله که واقع شده باشد محمول بر صحت است مگر اینکه فساد آن معلوم شود».

(77: 2021, Josho). از نظر تعیین مصادیق به‌طور خاص محتوا و خدمات دیجیتالی که موضوع قرارداد قرار می‌گیرند، داده‌هایی هستند که به‌صورت دیجیتال تولید و عرضه می‌شوند. به‌عنوان مثال، فیلم، موسیقی دانلود شده یا نرم‌افزار سیستم رایانه‌ای و برنامه‌های مختلف و خدمات دیجیتال برای راه‌اندازی و سرویس آنها را شامل می‌شود. این محتوا و خدمات دیجیتال ممکن است به‌صورت آنلاین یا ذخیره شده در اختیار مصرف‌کننده قرار گیرد و در مدت زمان مشخصی ارائه شود که در قرارداد تأمین تعیین شده است (176: 2021, Holloway and Willson).

۲-۲. حقوق و تعهدات طرفین قرارداد تأمین

در قراردادهای سنتی، طرفین قرارداد با اصطلاح بایع و مشتری شناخته می‌شوند اما با توجه به نوظهور بودن کارکرد جدید فضای دیجیتالی مبنی بر ارائه محتوا و خدمات دیجیتال در مقایسه با قراردادهای سنتی، طرفین قرارداد باید با لحاظ ماهیت خاص قرارداد تأمین مورد توصیف و تحلیل قرار گیرند تا حقوق و تعهدات هریک در مقابل یکدیگر تبیین و مشخص شود (66: 2017, Lucchi).

۱-۲-۲. مصرف‌کنندگان

در حوزه مصرف‌کنندگان محصولات دیجیتال «محتوا و خدمات دیجیتال»، با توجه به ماهیت و ابعاد فنی این پدیده دیجیتالی در حقوق اتحادیه اروپا تعاریف مختلفی نسبت به آن ارائه شده است. برخی از حقوق‌دانان مصرف‌کنندگان محصولات دیجیتال را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «اشخاص حقیقی که از فناوری‌های دیجیتال برای تحصیل محتوای دیجیتال و خدمات دیجیتال استفاده می‌کنند» (Polisino and Rock, 2020: 110). از این‌رو در یک تعریف ابتدایی، مصرف‌کننده دیجیتال ممکن است به‌عنوان شخصی که از دستگاه‌های تلفن همراه استفاده می‌کند و در مفهوم گسترده‌تر به‌عنوان

مصرف کننده فضای مجازی «الکترونیکی» تعریف شود که به دنبال به دست آوردن محصولات دیجیتال در اینترنت، استفاده از محتوای منتشر شده به صورت آنلاین و همچنین بهره‌مندی از خدمات دیجیتال است (Miller and Harry, 2021: 43). شایان ذکر است در دکترین حقوقی و اغلب دستورالعمل‌های اتحادیه اروپا مفهوم مصرف کننده دیجیتال از جهت دایره شمول ناظر بر اشخاص حقیقی دانسته شده است. بنابراین در اغلب تعاریفی که ارائه شد، قوانین ناظر بر حمایت از حقوق مصرف کنندگان دیجیتال در خصوص اشخاص حقوقی هر چند موضوع فعالیت آنها امور غیر تجاری باشد اعمال نمی‌شود، مگر به موجب قانون استثنائاتی پیش‌بینی شود (Burrows, 2019: 44). در مقابل در نظام حقوقی ایران تعریفی در حوزه مصرف کنندگان محصولات دیجیتال به صورت نظام‌مند و تفصیلی ارائه نشده است و صرفاً به موجب بند «۱» ماده (۱) قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان ایران مصوب ۱۳۸۸ در مقام تعریف مصرف کننده ذکر شده است: «مصرف کننده، هر شخص حقیقی و یا حقوقی است که کالا یا خدمتی را خریداری می‌کند» (رضائی، ۱۳۹۳: ۱۷۸).

ذات و ماهیت نامتعادل رابطه میان مصرف کننده و عرضه کننده محصولات دیجیتال به این معناست که مصرف کننده را در تبعیت از عرضه کننده محصولات دیجیتال قرار می‌دهد (Borgeson, 2022: 99). همین تبعیت حقوقی مصرف کننده محصولات دیجیتال از عرضه کننده به موجب قرارداد تأمین محتوا و خدمات دیجیتال سبب ایجاد رابطه حقوقی نابرابر می‌شود و مصرف کنندگان را در موضع ضعیف‌تری نسبت به عرضه کنندگان قرار می‌دهد (Rogers, 2021: 190). از این رو قانونگذار با وضع قواعد حمایتی و با اصلاح قانون حمایت از مصرف کنندگان، حمایتی یک‌جانبه از مصرف کنندگان محصولات دیجیتال به عمل می‌آورد تا این رابطه حقوقی نامتعادل به سمت تعادل قرار گیرد. در واقع نظام‌های پیشرفته دنیا با وضع قوانین

از مصرف‌کنندگان محصولات دیجیتال در برابر عرضه‌کنندگان حمایت می‌کند (Fina, 2021: 78). همچنین در نظام‌های حقوقی پیشرفته علاوه بر وضع قوانین و دستوالعمل‌های حمایتی، به تضمین اجرای این قواعد نیز توجه شده است که تحت عنوان امره بودن قواعد حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان شناخته شده است؛ به این شکل که در صورت تخلف عرضه‌کننده محصولات دیجیتال «اعم از محتوا و خدمات دیجیتال» با اعمال ضمانت اجراهای مدنی با وی برخورد قانونی می‌شود.

۲-۲-۲. عرضه‌کنندگان

فروشنده یا «عرضه‌کننده» محتوا و خدمات دیجیتال با توجه به توضیحاتی که در بخش قبل داده شد طرف مقابل مصرف‌کنندگان دیجیتال در قرارداد تأمین محسوب می‌شوند (Stocky, 2022: 55). در حقوق اتحادیه اروپا فروشنده محتوا و خدمات دیجیتال مشتمل بر اشخاص حقیقی و حقوقی هستند که کل زنجیره تأمین محتوا و خدمات دیجیتال که شامل فرایند برنامه‌ریزی، ایجاد، مدیریت و استقرار محصولات دیجیتال مانند، فیلم‌ها، عکس‌ها، داستان‌های بصری و هر نوع محتوا و خدمات دیجیتال دیگر را با هدف کسب سود در اختیار مصرف‌کنندگان دیجیتال قرار می‌دهند (Tatiana, 2021: 146). در نظام حقوقی ایران به‌طور خاص در خصوص فروشنده‌گان محتوا و خدمات دیجیتال تعریف قانونی ارائه نشده است (قاسمی‌حامد، ۱۳۸۸: ۸۸). به‌موجب بند دوم از ماده (۱) قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان، به‌طور کلی مقرر کرده است: «عرضه‌کنندگان کالا و خدمات به کلیه تولیدکنندگان، واردکنندگان، توزیع‌کنندگان، فروشنده‌گان کالا و خدمات اعم از فنی و حرفه‌ای و همچنین کلیه دستگاه‌ها، مؤسسات و شرکت‌هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است و به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم و به‌صورت کلی یا جزئی کالا یا خدمت به مصرف‌کننده ارائه می‌نمایند، اطلاق می‌شود». یکی از چالش‌های

حقوقی مصرف‌کنندگان محصولات دیجیتال حفظ حریم خصوصی آنهاست (احمدی و فرهمند، ۱۴۰۰: ۲۹۰). با توجه به توسعه فناوری اطلاعات و بسترهای آنلاین، حریم خصوصی مصرف‌کنندگان دیجیتال با چالش‌های جدید و پیچیده‌ای مواجه شده است (Kennedy, 2021: 21). از آنجاکه مصرف‌کنندگان در فضای دیجیتالی از محتوا و خدمت بهره‌مند می‌شوند و دامنه فضای سایبری محدود به جغرافیای خاصی نیست، در صورت عدم الزام عرضه‌کننده محصولات دیجیتال مبنی بر ایجاد تدابیر امنیتی ممکن است حریم خصوصی مصرف‌کنندگان مورد تعرض قرار گیرد. به موجب قوانین اتحادیه اروپا مسئولیت مستقیم حفظ حریم خصوصی اشخاص در استفاده از محتوا و خدمات دیجیتال برعهده عرضه‌کنندگان است (Richard, 2022: 90). از این رو باید در قرارداد تأمین، بخشی به تکالیف عرضه‌کنندگان مبنی بر پیش‌بینی و اتخاذ تدابیر امنیتی برای حفظ حریم خصوصی مصرف‌کنندگان پیش‌بینی شود. به‌طور مثال، هنگامی که مصرف‌کننده از محتوا یا خدمت دیجیتال استفاده می‌کند اگر عرضه‌کننده بر رفتار وی به‌صورت آنلاین و مخفیانه نظارت کند، نقض مستقیم حریم خصوصی مصرف‌کننده محسوب می‌شود (Coanta and Taylor, 2016: 96).

۳-۲. جبران خسارت عدم انطباق محتوا یا خدمت دیجیتال

همان‌طور که توضیح داده شد فروشنده محتوا یا خدمت دیجیتال تکلیف دارد به‌موجب قرارداد تأمین، محتوا و خدمت دیجیتال را مطابق با قرارداد به مصرف‌کننده ارائه کند. حال در فرض عدم انطباق محتوا و خدمات دیجیتال ارائه شده از سوی عرضه‌کننده با آنچه به‌موجب قرارداد تأمین تعهد به انجام آن را داشته آیا مسئولیتی متوجه وی می‌شود؟ در نظام تقنینی اتحادیه اروپا در صورت عدم انطباق، مصرف‌کننده حق دارد طبق شرایط مندرج در دستورالعمل‌های مرتبط، یکی از راهکارهای قانونی را انتخاب کند. به‌عنوان مثال برای مطابقت یافتن محتوا یا خدمت

دیجیتال، مصرف‌کننده می‌تواند بین گزینه‌های تعمیر یا تعویض، یکی را انتخاب کند، مگر اینکه انجام یکی از این راهکارها غیرممکن باشد یا هزینه‌های نامتناسبی را به فروشنده محتوا یا خدمت دیجیتال تحمیل کند. در ایران نیز قانونگذار باید دقیقاً با وضع مقرراتی این طرق جبران خسارت به مصرف‌کننده را مشخص کند.

۱-۳-۲. موارد فسخ یا کاهش قیمت قرارداد تأمین

مصرف‌کننده به‌موجب مقررات اتحادیه اروپا حق خواهد یافت در هریک از موارد زیر در صورت لزوم مبادرت به فسخ قرارداد تأمین محتوا و خدمات دیجیتال کند یا حسب مورد از میزان قیمت مورد مطالبه فروشنده کاهش دهد (Roschild, 2016: 179):

الف) فروشنده محتوا یا خدمت دیجیتال پس از مطالبه مصرف‌کننده تعویض یا تعمیر را انجام ندهد یا از انجام اقدام‌های فنی برای انطباق و حل مشکل فنی خودداری کند.

ب) با وجود تلاش فروشنده و به‌کارگیری امور فنی برای مطابقت دادن محتوای دیجیتال یا خدمت دیجیتال، عدم انطباق حل نشود.

ج) فروشنده صراحتاً اعلام کند یا وضعیت نشان دهد که در مدت زمانی معقول (که مصرف‌کننده خسارت نبیند) نمی‌تواند فرایند انطباق را انجام دهد.

د) عدم انطباق آن‌چنان جدی است که کاهش فوری قیمت یا فسخ قرارداد را توجیه می‌کند.

به‌موجب مقررات اتحادیه اروپا در صورتی که عدم انطباق جزئی باشد، مصرف‌کننده حق فسخ قرارداد تأمین محتوا و خدمات دیجیتال را نخواهد داشت (Kroes and Sulvian, 2003: 90). در صورت ادعای مصرف‌کننده مبنی بر عدم انطباق محتوا یا خدمت دیجیتال با قرارداد تأمین، بار اثبات جزئی بودن عدم انطباق برعهده عرضه‌کننده است. همچنین کاهش قیمت باید متناسب با کاهش ارزش محتوا یا

خدمت دیجیتالی باشد که مصرف کننده دریافت می کند، نسبت به ارزشی که کالا در صورت مطابقت داشت.

۲-۴. قرارداد تأمین در پرتو قانون تجارت الکترونیکی

۲-۴-۱. از حیث شمول

ماده (۱) قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۷، تجارت الکترونیک را تعریف نکرده است لکن مصادیق آن را در ماده (۱) ذکر کرده است، به این ترتیب که «این قانون مجموعه اصول و قواعدی است که برای مبادله آسان و ایمن اطلاعات در واسطه های الکترونیکی و با استفاده از سیستم های ارتباطی جدید به کار می رود»، از این رو تجارت الکترونیک مشتمل بر اعمال حقوقی است که با به کارگیری بسترهای الکترونیکی واقع می شوند. بنابراین با توجه به تعریفی که از قرارداد تأمین محتوا و خدمات دیجیتال ارائه شد و با لحاظ شمولیت ماده (۱) قانون تجارت الکترونیکی قراردادهای تأمین یکی از مصادیق تجارت الکترونیکی تلقی می شوند.

۲-۴-۲. از حیث تعریف

همان طور که ذکر شد به موجب مقررات قانون حمایت از مصرف کنندگان، «مصرف کننده هر شخص حقیقی یا حقوقی است که کالا یا خدمتی را خریداری می کند». همچنین بند «س» ماده (۲) قانون تجارت الکترونیکی مصرف کننده را به این شکل تعریف کرده است: «مصرف کننده هر شخصی است که به منظوری جز تجارت یا شغل حرفه ای اقدام به خرید می کند». در آیین نامه اجرایی ماده (۴۸) قانون تجارت الکترونیک چنین آمده است: «مصرف کننده هر شخص اعم از حقیقی و حقوقی است که به منظوری جز تجارت یا شغل حرفه ای و خدمات اقدام می کند».

مقصود از خدمات و محصولات در قانون تجارت الکترونیک مواردی هستند که برای مقاصد غیرشغلی یا تجارت قابل استفاده هستند و اشخاصی غیرتجاری یا غیرحرفه‌ای تأمین و عرضه می‌کنند، هرچند ماده (۴۲) قانون تجارت الکترونیک معاملات برای فروش اموال غیرمنقول یا حقوق مالکیت ناشی از اموال غیرمنقول به اجاره را مشمول قواعد حمایت از مصرف‌کنندگان نمی‌داند اما نظر به اینکه قرارداد تأمین با توافق عرضه‌کننده و مصرف‌کنندگان با موضوعیت ارائه محتوا و خدمات دیجیتال منعقد می‌شود از حیث تعریف نیز شامل مصادیق محصولات و خدمات قانون تجارت الکترونیکی می‌شود.

۳-۴-۲. جامع و مانع نبودن مقررات قانون تجارت الکترونیکی

با توجه به تحلیل‌های انجام گرفته از حیث تعریف و دایره شمول قراردادهای تأمین از جمله مصادیق مقررات قانون تجارت الکترونیکی تلقی می‌شوند. اما نظر به نوظهور بودن نوع محصولات و خدمات موضوع قراردادهای تأمین محتوا و خدمات دیجیتال و ابعاد فنی پیچیده که تقریباً بیش از یک دهه بعد از تصویب قانون تجارت الکترونیکی به جهان معرفی شدند، مقررات قانون تجارت الکترونیکی تمامی ابعاد فنی و حقوقی جهت حمایت از مصرف‌کنندگان دیجیتال را پوشش نمی‌دهد. قانون تجارت الکترونیکی با اختصاص مواد ۳۳ تا ۴۹، از مصرف‌کنندگان حمایت کرده است. درحالی که این مقررات به‌صراحت قواعدی را در خصوص تکلیف و مسئولیت‌های عرضه‌کننده محتوا و خدمات دیجیتال در خصوص وضعیت انطباق محتوا و خدمات دیجیتال، نحوه احراز آن و همچنین ارائه معیارهایی برای سنجش میزان انطباق در موارد اختلاف بین طرفین قرارداد تأمین، درباره مسئولیت نصب نادرست برنامه، سلب گسترده مسئولیت عرضه‌کننده، موارد فسخ یا کاهش قیمت قرارداد تأمین نیز ضوابطی را مشخص نکرده است. در نظام حقوقی اتحادیه اروپا و بر مبنای حمایت

از مصرف‌کنندگان با شروط غیرمنصفانه از طریق تصویب قوانین خاص مبارزه شده است این در حالی است که در نظام حقوقی ایران خلأ چنین مقرراتی محسوس است؛ زیرا بر مبنای قواعد عمومی، قراردادها و اصول حقوقی این شروط از جمله درباره سلب مسئولیت و نصب نادرست برنامه‌ها با توافق طرفین شروط صحیح تلقی می‌شوند. ماده (۴۶) قانون تجارت الکترونیکی نیز شروط غیرمنصفانه را که به ضرر مصرف‌کننده باشد مؤثر ندانسته لکن این ماده به دلیل خاص بودن و مبنای حمایتی از مصرف‌کننده الکترونیکی قابل تسری به سایر موارد نیست. بنابراین از این حیث و قانون تجارت الکترونیکی برای اصلاح و همگام شدن با سرعت رشد و ظهور فناوری‌های دیجیتال نوین از جمله قراردادهای تأمین محتوا و خدمات دیجیتال جهت پوشش ابعاد فنی آنها به تصویب قوانین و آیین‌نامه‌های به‌روز و کارآمد نیاز دارد.

۳. محتوا و خدمات دیجیتال موضوع قرارداد تأمین

محتوا و خدمات دیجیتال می‌تواند هرگونه محصول دیجیتالی را شامل شود که مورد استفاده مصرف‌کننده قرار می‌گیرد و او در ازای دریافت این محصول پول پرداخت می‌کند (Curio, 2022: 88). بنابراین می‌تواند هر نوشته، ویدئو، عکس، ساخت، ضبط و هر اقدام و محصول دیجیتال دیگری باشد که برای ارائه محتوا یا خدمت خاص و مورد نیاز مصرف‌کننده به او تسلیم می‌شود. یکی از ویژگی‌های محتوای دیجیتال و خدمات دیجیتال این است که شکل و حالت خاصی ندارد و ممکن است با توجه به پیشرفت تکنولوژی مدل‌های جدید آن به دنیای دیجیتال ارائه شود (Inglese and Ston, 2019: 77).

۳-۱. اشکال محتوا و خدمات دیجیتال

محتوا و خدمات دیجیتال در صورتی که از نظر قانونی منعی برای فروش آن وجود

نداشته باشد قابلیت عرضه با قرارداد تأمین دارد. خدمات دیجیتال به دو شکل قابلیت خرید و فروش با قرارداد تأمین دارند: اول، سرویس و خدماتی که به مصرف‌کننده اجازه می‌دهد تا داده‌ها را به شکل دیجیتال ایجاد، پردازش، ذخیره یا در دسترس داشته باشد. دوم، سرویس و خدماتی که امکان اشتراک‌گذاری یا هرگونه تعامل دیگر با داده‌ها را به شکل دیجیتالی آلود شده یا ایجاد شده از سوی مصرف‌کننده یا سایر کاربران آن سرویس فراهم می‌کند.

۲-۳. شرایط محتوا و خدمات دیجیتال

یکی از ویژگی‌های قراردادهای سنتی (منظور قراردادهایی که در فضایی حقیقی و ملموس منعقد می‌شود)، این است که خریدار و فروشنده شناخت نسبی از یکدیگر پیدا کرده‌اند و زمانی که خریدار قصد انعقاد قرارداد با فروشنده را دارد، نهایتاً مبیع را می‌بیند (Batat and Servin, 2019: 65). همین فرایند سبب می‌شود تا خیلی از اوصاف مبیع را برای خریدار توضیح ندهد یا تمامی اوصاف و خصیصه‌های مبیع در قرارداد ذکر نشود؛ زیرا خریدار مبیع را معمولاً قبل از خرید با دقت مورد ملاحظه و بررسی قرار داده است و به قصد انشایی برای انعقاد قرارداد رسیده است. به همین علت است که در بسیاری از قراردادهای سنتی این قید در قرارداد تصریح می‌شود که «مبیع به رؤیت خریدار رسید»، فلسفه این عبارت حقوقی همین امر است (بحری، ۱۳۹۹: ۸۹۰). در مقابل زمانی که مصرف‌کننده محتوا یا خدمات دیجیتال قصد انعقاد قرارداد تأمین را دارد، هیچ کالا یا خدمت قابل لمسی وجود ندارد تا با رؤیت آن اطمینان و اعتماد نسبی پیدا کرده و مبادرت به انعقاد قرارداد کند (Solomon, 2020: 154). یکی از فلسفه‌های حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان محتوا و خدمات دیجیتال به همین نکته بازمی‌گردد که همه اقدام‌ها از ملاحظه و انتخاب محصول دیجیتال، تا انعقاد قرارداد تأمین و همچنین بهره‌برداری مصرف‌کنندگان محصولات

دیجیتال در فضای مجازی و بسترهای آنلاین انجام می‌شود و فروشندگان محصولات دیجیتال در موضع برتر قرار دارند و ممکن است در این فرایند حقوق مصرف‌کننده نادیده گرفته شود. به همین منظور در سایر نظام‌های حقوقی شرایط متعادل‌کننده‌ای پیش‌بینی شده است که در تمامی قراردادهای تأمین باید مدنظر گرفته شود و به ذکر آن تصریح شود تا از احتمال اختلاف‌های حقوقی بعدی کاسته و حفظ حقوق مصرف‌کننده به‌عنوان طرف ضعیف قرارداد تضمین شود.

۱-۲-۳. خصیصه مشخص بودن اوصاف محتوا یا خدمت دیجیتال

محتوا و خدمت دیجیتال باید از توصیف، نوع و کیفیت برخوردار باشد و چنانچه آن محتوا یا خدمت باید ویژگی منحصر داشته باشد، در قرارداد تأمین به آن اشاره شود (Utrilaa and Frey, 2020: 99). گاهی اوقات مصرف‌کننده به نوع خاصی از خدمت دیجیتال نیاز دارد، به همین منظور به انعقاد قرارداد تأمین خدمت دیجیتال مبادرت می‌کند. در همین راستا برای هر هدف خاصی که مصرف‌کننده به آن نیاز دارد و حداکثر در زمان انعقاد قرارداد به فروشنده اعلام کرده و او هم آن را پذیرفته است، باید تصریح شود. همچنین محتوا یا خدمت دیجیتال باید یک شناسنامه دیجیتالی داشته باشد و تمامی ویژگی‌ها و کیفیت محتوا یا خدمت دیجیتال مدنظر مصرف‌کننده را دربرگیرد.

۲-۲-۳. خصیصه مشخص بودن کمیت محتوا و خدمات دیجیتال

محتوا یا خدمت موضوع قرارداد تأمین باید از کمیت برخوردار باشد. به عبارت دیگر عرضه‌کننده برای معرفی محتوا یا خدمت دیجیتال خود با ارائه مؤلفه‌هایی در خصوص دوام، عملکرد، سازگاری و امنیت برای محتوا یا خدمت دیجیتال آن را به مصرف‌کننده عرضه می‌کند. مصرف‌کننده نیز براساس تبلیغات صورت گرفته، انتظاراتی را در خود نسبت به آن

بسته دیجیتالی پیدامی کند، این موارد و میزان، حجم محتوا و خدمت دیجیتال حتماً باید در قرارداد تأمین مشخص شده باشد (Weber and Prince, 2017: 60).

۳-۲-۳. مشروعیت و وجاهت قانونی محتوا و خدمت دیجیتال

به طور کلی سیستم‌های قانونی متفاوتی در نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف وجود دارد. منبع الهام وضع قوانین در سیستم‌های حقوقی نیز متفاوت است. به طور مثال، در سیستم‌های مبتنی بر حقوق اسلامی، یکی از منابع وضع قوانین، احکام اسلامی است و در برخی از سیستم‌های حقوقی دیگر عدل و انصاف منبع اصلی محسوب می‌شود. منظور از این بحث، این است که در سیستم‌های حقوقی با توجه به قوانین، یک‌سری بایدها و نبایدها وضع شده است. برای مثال قانونگذار ایرانی در خصوص حمل و نگهداری مشروبات الکلی جرم‌انگاری کرده است، اما در نظام حقوقی اتحادیه اروپا این ممنوعیت وجود ندارد. به تبع محتوای دیجیتال و خدمات موضوع قرارداد تأمین نیز با توجه به قوانین کشور حاکم، نباید در زمره ممنوعیت‌های قانونی کشور محل وقوع قرارداد تأمین قرار گیرد. در این صورت ممکن است مصرف‌کنندگان محتوا و خدمات دیجیتال از حمایت قانونی برخوردار نشوند. یا به طور مثال، در خصوص حمل و نگهداری کالای قاچاق در بیشتر کشورها ممنوعیت‌هایی پیش‌بینی شده است.^۱ به تبع، چنانچه موضوع قراردادی به کالا و خدمات ممنوعه مربوط باشد، قانونگذار از آن حمایت قانونی نمی‌کند. به عنوان نمونه، در نظام حقوقی ایران از مشروعیت برای معامله به عنوان یکی از شرایط صحت معاملات یاد شده است. به تبع براساس نظام تقنینی ایران محتوا و خدمات دیجیتال نیز باید از این ویژگی‌های

۱. به موجب ماده (۷۰۳) قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مقرر کرده است: «وارد نمودن مشروبات الکلی به کشور قاچاق محسوب می‌گردد و واردکننده صرف‌نظر از میزان آن به شش ماه تا پنج سال حبس و تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و نیز پرداخت جزای نقدی به میزان ده برابر ارزش عرفی کالای یادشده محکوم می‌شود».

قانونی برخوردار باشد تا مصرف‌کنندگان محصولات دیجیتال مورد حمایت قانونگذار قرار گیرند. به‌نحوی که چنانچه موضوع قرارداد تأمین محتوا و خدمات دیجیتال در امری نامشروع باشد مانند تأمین بسترهای آنلاین برای خرید و فروش مشروبات الکلی غیرمجاز یا ارائه کالاهای قاچاق، مصرف‌کنندگان از حمایت‌های قانونی برخوردار نمی‌شوند (Gillies, Turner and Carl, 2016: 55).

۳-۳. وضعیت انطباق محتوا و خدمات دیجیتال

به‌موجب مقررات اتحادیه اروپا در خصوص قراردادهای تأمین محتوا و خدمات دیجیتال، یکی از مهم‌ترین معیارهایی که باید در قراردادهای تأمین به‌صورت دقیق مشخص شود، اوصاف و کیفیت محتوا و خدمت دیجیتالی است که باید به‌موجب قرارداد تأمین به مصرف‌کننده ارائه شود (Pulizii, 2022: 90). علت تأکید این امر وجود معیاری عینی و مشخص است تا فروشنده نتواند در زمان اجرای قرارداد، محتوا و خدمتی کمتر یا با کیفیت نامطلوب به مصرف‌کننده ارائه کند و درنهایت از اجرای تعهد خود تخلف کند. در واقع این عدم انطباق برای فروشنده مسئولیت حقوقی ایجاد می‌کند که در صورت عدم انطباق محتوا و خدمت دیجیتال ارائه شده با آنچه در قرارداد تأمین ذکر گردیده، فروشنده مسئول جبران خسارت خریدار است. انطباق معمولاً در دو حوزه مورد رصد قرار می‌گیرد: الف) انطباق محتوا و خدمات دیجیتال، ب) انطباق و سازگاری بستر ارائه شده فروشنده با محتوا و خدمت دیجیتال (Rose, 2019: 119). این ضابطه قانونی باید به‌نحوی تعیین شود که منافع مشروع هر دو طرف قرارداد حفظ شود و انطباق باید براساس معیارهای ذهنی و عینی برای ارزیابی مدنظر قرار گیرد.

در حقوق اتحادیه اروپا، فروشنندگان محتوا یا خدمت دیجیتال در قبال هرگونه عدم انطباق که در زمان تحویل محتوا یا خدمت دیجیتال وجود داشته باشد یا آنکه ظرف دو سال پس از زمان انعقاد قرارداد تأمین ظاهر شود، مسئول شناخته می‌شوند.

در مورد کالاهای دارای عناصر دیجیتال که در قرارداد فروش، عرضه مستمر محتوا و خدمت دیجیتال در یک دوره زمانی مقرر شده است، فروشنده نیز مسئول عدم انطباق خواهد بود (Schwartz, 2020: 89).

۴. مسئولیت‌های طرفین قرارداد تأمین

بدیهی است که مصرف‌کنندگان محتوا و خدمات دیجیتال برای بهره‌برداری از محصول خریداری شده به حمایت مستمر قانونی نیاز دارند. به‌طور معمول قانونگذاران این مسئولیت را بر فروشندگان محتوا و خدمات دیجیتال تحمیل می‌کنند تا پشتیبانی‌های مذکور را در قالب به‌روزرسانی‌ها ارائه کنند (Weatherli, 2018: 167). نظام تقنینی اتحادیه اروپا نیز در دستورالعمل حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان محصولات دیجیتال این مسئولیت را متوجه فروشنده محتوا یا خدمت دیجیتال پیش‌بینی کرده است.

۴-۱. مسئولیت به‌روزرسانی‌ها

محتوا و خدمات دیجیتال در یک بازه زمانی مشخص به مصرف‌کننده منتقل یا ارائه می‌شود اما باید توجه داشت در فضای دیجیتال خیل عظیمی از بدافزارها و هکرها وجود دارند که به سرقت محتویات مبادرت می‌کنند و یا سبب می‌شوند مصرف‌کننده نتواند خدمت دیجیتال را به‌نحوی استفاده کند که طبق قرارداد تأمین باید در اختیار می‌گرفت. از این‌رو فروشنده تکلیف دارد تا با توجه به تهدیدهایی که ممکن است مصرف‌کننده را از دریافت محتوا و خدمت خریداری شده محروم کند، به‌روزرسانی‌هایی در طول دوره اجرای قرارداد تأمین انجام دهد (Micklitz, 2014: 121) به‌طوری‌که به‌روزرسانی امنیتی از مهم‌ترین آنهاست. از این‌رو موضوع به‌روزرسانی‌ها و نحوه ارائه آن باید در قرارداد تأمین تصریح شود. در این صورت اگر

به علت قصور فروشنده محتوا و خدمت دیجیتال (که با توجه به نوع و هدف جهت بهره‌برداری از آن) برای به‌روزرسانی در مواعد زمانی به تکلیف خود عمل نکرد، مسئولیت جبران خسارت مصرف‌کننده متوجه فروشنده است. در مقابل فروشنده به موجب قرارداد تأمین باید اطمینان حاصل کند که مصرف‌کننده از این امر مطلع شده است (Heidemann, 2018: 188). در صورتی که مصرف‌کننده نتواند در مدت زمان معقولی به‌روزرسانی‌های ارائه شده فروشنده را مطابق قرارداد تأمین نصب کند، فروشنده مسئولیتی در قبال عدم انطباق صرفاً ناشی از عدم به‌روزرسانی مربوطه نخواهد داشت، مشروط بر اینکه:

الف) فروشنده به موجب قرارداد تأمین در مورد در دسترس بودن به‌روزرسانی و عواقب عدم موفقیت مصرف‌کننده در نصب آن به مصرف‌کننده اطلاع داده باشد.
ب) عدم نصب یا نصب نادرست به‌روزرسانی از سوی مصرف‌کننده به دلیل نقص در دستورالعمل نصب ارائه شده فروشنده به مصرف‌کننده نبوده باشد.^۱

این ضابطه و کیفیت ارائه آن باید در قرارداد تأمین با ذکر همه جزئیات و تاریخ‌های احتمالی نصب به‌روزرسانی از جمله به‌روزرسانی‌های امنیتی تصریح شود (Gerard, 2017: 199). به عبارت دیگر با توجه به اینکه محتوا و خدمات دیجیتال دائماً در حال توسعه هستند، فروشندگان ممکن است با مصرف‌کنندگان توافق کنند که به‌روزرسانی‌هایی را برای ارائه کالای دیجیتال در طول زمان ارائه کنند. به‌روزرسانی‌ها همان‌طور که در قرارداد فروش توافق شده‌اند می‌توانند محتوای دیجیتال را بهبود

1. Where the consumer fails to install within accordance with paragraph 3, the seller shall not be liable for any lack of conformity resulting solely from the lack of the relevant update, provided that:
(a) the seller informed the consumer about the availability of the update and the consequences of the failure of the consumer to install it, and
(b) The failure of the consumer to install or the incorrect installation by the consumer of the update was not due to shortcomings in the installation instructions provided to the consumer.

بخشند و تقویت کنند (Gvail and Pole, 2016: 70). همچنین ممکن است عملکرد خدمت دیجیتال را گسترش دهند و آنها را با پیشرفت‌های فنی ارتقا دهند. این نکته مهم را نیز باید در نظر داشت که گاهی عرضه‌کنندگان محتوا یا خدمت دیجیتال به‌روزرسانی‌ها را به‌شکل ناقص به مصرف‌کنندگان ارائه و برای تکمیل آن وجه بیشتری درخواست می‌کنند، در این صورت نیز قانونگذار باید دقیقاً مسئولیت ارائه‌دهنده محتوا یا خدمات دیجیتال را مشخص کند.

۲-۴. مسئولیت نصب نادرست برنامه دریافت محتوا و خدمات دیجیتال

به‌طور کلی مسئولیت فرایند نصب با فروشنده است. به‌نحوی که عدم انطباق ناشی از نصب نادرست کالا، به‌منزله عدم انطباق کالا تلقی می‌شود (Lodder, 2017: 78). این مسئولیت مشروط بر موارد زیر است که:

الف) نصب، بخشی از قرارداد تأمین است و توسط فروشنده یا با مسئولیت فروشنده انجام شده باشد.

ب) اگر فرایند نصب را باید مصرف‌کننده انجام دهد یا از سوی مصرف‌کننده اتفاق افتاده است، اما به‌علت نقص و ایراد در دستورالعمل نصب بوده باشد که فروشنده محتوا یا خدمت دیجیتال ارائه کرده است؛ در این صورت به‌طور کلی مسئولیت این موضوع در وهله اول به‌عهده فروشنده محتوا یا خدمت دیجیتال است.

۳-۴. مسئولیت حفظ حریم خصوصی مصرف‌کنندگان محتوا و خدمات دیجیتال

هنگامی که قرارداد تأمین محتوا و خدمات دیجیتال میان عرضه‌کننده و مصرف‌کننده منعقد می‌شود، اگر قانون مدنی وجود نداشته باشد تا از حریم خصوصی مصرف‌کننده یا تحمیل شروط ناعادلانه در طول اجرای قرارداد و ارائه محتوا و خدمات دیجیتال به مصرف‌کننده پیشگیری نکند، سبب تضرر و نقض حقوق مصرف‌کنندگان

محصولات دیجیتال می‌شود (Pumela, 2021: 190). در خصوص تحمیل شروط ناعادلانه می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱-۳-۴. تغییر یک‌طرفه شرایط قرارداد تأمین

در صورت عدم وضع مقررات الزام‌آور در حوزه قراردادهای تأمین، عرضه‌کنندگان ممکن است این حق را برای خود محفوظ بدانند تا در ارائه محتوا یا خدمت دیجیتال نسبت به اعمال محدودیت‌های یک‌طرفه برای مصرف‌کنندگان مبادرت کنند (Riefa, 2020: 89). به‌طور مثال با اعمال محدودیت‌های نرم‌افزاری تعداد کپی‌های آهنگی را که مصرف‌کننده طبق قرارداد تأمین مجاز است حتی پس از خرید آهنگ یا به‌صورت آنلاین در رایانه خود ذخیره کند، به‌صورت یک‌طرفه تغییر دهد و برای مصرف‌کننده محدودیت آنلاین ایجاد کند.

۲-۳-۴. سلب مسئولیت گسترده عرضه‌کننده

ارائه‌کننده محتوا و خدمات دیجیتال مسئولیت‌های گسترده‌ای در قبال مصرف‌کننده دارد که با گذاشتن شرط از عهده خود سلب می‌کند. مثلاً سلب مسئولیت از آسیب به سخت‌افزار یا نرم‌افزار را برعهده نمی‌گیرد (Miklitz, 2021: 112). ارائه‌کننده محتوا و خدمات دیجیتال با توجه به سکوت قانونگذار این شرط سنگین را به مصرف‌کننده تحمیل می‌کند و مصرف‌کننده نیز چاره‌ای جز قبول آن ندارد؛ زیرا در حوزه دیجیتال نظام تقنینی ایران قواعد و مقررات الزام‌آور که حامی حقوق مصرف‌کننده باشد را پیش‌بینی نکرده است (Kier, 2019: 190).

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

توسعه فناوری‌های نوین منتهی به ظهور نوع جدیدی از محصولات و خدمات دیجیتالی در قالب قراردادهای تأمین محتوا و خدمات دیجیتال در نظام حقوقی و اقتصادی شده است. نظام‌های حقوقی پیشرفته همواره در صدد بهره‌مندی و وضع قواعد حاکم بر روابط حقوقی ناشی از قراردادهای تأمین محتوا و خدمات دیجیتال هستند. این فرایند مستلزم وضع قوانین و مقررات خاص و همچنین پیش‌بینی زیرساخت‌ها، شناسایی ابعاد مختلف فنی و حقوقی قرارداد تأمین و تطبیق ماهیت آن با قواعد موجود در نظام حقوقی قراردادهاست. از نظر ماهیت حقوقی، قرارداد تأمین محتوا و خدمات دیجیتال در قالب ایجاب و قبول طرفین و در محیط الکترونیکی منعقد می‌شود. قراردادهای تأمین تابع عقود ماده (۱۰) قانون مدنی محسوب شده و با توجه به اصل صحت قراردادهای، عقدی نافذ و معتبر تلقی می‌شود. البته در این خصوص موارد و مشکلات بسیاری وجود دارد و قراردادهای تأمین از دو حیث با چالش‌های حقوقی مواجه‌اند:

اولاً با توجه به اینکه موضوع قراردادهای تأمین که در محیط الکترونیکی منعقد می‌شوند محتوا و خدمات دیجیتالی است که به‌تازگی معرفی شده است، بنابراین بدیع بودن ابعاد فنی آن مسائل حقوقی جدیدی را مطرح کرده است.

ثانیاً، با توجه به ماهیت قرارداد تأمین و ابعاد فنی آن، سبب تبعیت حقوقی مصرف‌کننده محصولات دیجیتال از عرضه‌کننده می‌شود.

بنابراین باید در قالب اصلاح قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و صدور آیین‌نامه‌هایی این خلأ را برطرف کرد. از جمله مهم‌ترین محور اصلاحات نیز تبیین مسئولیت‌های الزام‌آور عرضه‌کننده محتوا و خدمات دیجیتال در خصوص به‌روزرسانی‌ها، حفظ حریم خصوصی مصرف‌کننده در حین بهره‌برداری از برنامه و

بستر آنلاین، تحدید شرط عدم مسئولیت عرضه‌کننده و همچنین طرح مسئولیت عرضه‌کننده در انطباق محتوا و خدمات دیجیتال با دیدی حمایتی نسبت به حفظ حقوق مصرف‌کنندگان به‌عنوان طرف ضعیف قرارداد مبادرت شود.

منابع و مأخذ

۱. احمدی، طالب و آذخ فرهمند (۱۴۰۰). «مطالعه تطبیقی حمایت از مصرف‌کنندگان در قراردادهای رایانش ابری در حقوق اتحادیه اروپا، انگلستان و ایران»، دانشنامه‌های حقوق اقتصادی، ش ۲۰.
۲. السان، مصطفی (۱۳۹۱). حقوق تجارت الکترونیکی، چاپ هشتم، تهران، انتشارات سمت.
۳. بحری، ادريس (۱۳۹۹). «بررسی مکانیزم‌های کنترل شروط غیرمنصفانه در قراردادهای مصرف‌کننده»، کنفرانس بین‌المللی و ملی مطالعات مدیریت، حسابداری و حقوق.
۴. رضائی، علی (۱۳۹۳). حقوق تجارت الکترونیکی، چاپ دوم، تهران، انتشارات میزان.
۵. زرکلام، ستار و سیدرضا هاشمی (۱۳۹۹). «مبانی مسئولیت مدنی تولیدکنندگان کالا در فقه و نظام حقوقی ایران»، فصلنامه فقه و حقوق نوین، ش ۳.
۶. قاسمی حامد، عباس و یوسف براری (۱۳۹۸). «مطالعه تفصیلی مفهوم مصرف‌کننده در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی دستورالعمل‌های اروپایی و حقوق فرانسه و انگلستان»، فصلنامه دانش حقوق مدنی، دوره ۸، ش ۲.
۷. قاسمی حامد، عباس (۱۳۸۸). «متخصص، متعهد ارائه اطلاعات به مصرف‌کنندگان در حقوق فرانسه»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ش ۴۹.
۸. قاسمی حامد، عباس و آرزو فلاح (۱۳۹۳). «دعوای گروهی و تأثیر آن بر حمایت از حقوق مصرف‌کننده»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ش ۶۵.
9. Batat, Waded and Sou Servin (2019). *Transforming Brand and Consumer Experiences*, Sage Publications 7 th.
10. Benet, Howard (2018). *Shopping EU Public Procurement Law: A Critical Analysis of the CJEU Case Law*, Kluwer Law International P, 1 th.
11. Borgeson, Kevin (2022). *Cyber hate: The far right in the digital age*, Roman and Littlefield Publication, 5 th.
12. Burrows, Mike (2019). *Right to Left: The Digital Leaders*, New Generation Publishing. 1 th.
13. Chortles, Martin (2016). *Concepts and Case Analysis in the Law of Contracts*, Foundation Press Publishing, 4 th.

14. Coanta, Carolina and Damyan Taylor (2016). *Convergence in European Consumer Sales Law*, Intersection P, 7 th.
15. Corral, Marcelo, Emily Fich and Micheal Pugh (2021). *Smart Contracts*, Hurt Publishing, 11 th.
16. Curio, Pablo (2022). *Online Dispute Resolution for Consumers in the EU*, Routledge P, 8 th.
17. Dawid, Lukasz (2022). *The European Union Digital Single Market*, Routledge Publishing, 2 th.
18. Dowd, Rebekah (2021). *The Birth of Digital Human Rights*, Palgrave P, 1 th.
19. Fina, Solve (2021). *EU Commerce Law*, Stanford Law Books, P.1 th.
20. Friell, Jeffry (2018). *Understanding Contracts*, Carolina Academic Publishing, 8 th.
21. Garner, Bryan (2019). *Guidelines for Drafting and Editing Contracts*, West Academic Publishing, 5 th.
22. Gerard, Damien (2017). *EU Competition Law*, Edward Elgar Publication, 7 th.
23. Gillies, Lorna, Chrise Turner and Richard Carl (2016). *Electronic Commerce and International Private Law*, Routledge Publishing, 6 th.
24. Gorzny, John, David Tollen and Mindy Chen (2019). *Fundamentals of Smart Contracts Security*, Momentum Press P, 6 th.
25. Grundmann, Stefan (2021). *European Contract Law in the Digital Age*, Intersection Publication, 1 th.
26. Gupta, Seem (2021). *How People Buy Online*, Sage P, 4 th.
27. Gvail, Andrew and Jill Pole (2016). *Antitrust Law in Perspective*, West Academic Publishing, 2 th.
28. Heidemann, Men (2018). *Transnational Commercial Law*, Springer Publication, 12 th.
29. Holloway, Donell and Mark Willson (2021). *Rights in the Digital World*, Springer Publication, 11 th.
30. Inglese, Marco and Richard Ston (2019). *Regulating the Collaborative Economy in the European Union Digital Single Market*, Springer Press, 1 th.
31. Josho, Perry (2021). *Business Law*, McGraw Hill Publication, 3 th.
32. Keillor, Pangea and Macku Puti (2022). *Consumer Behavior Change and Data in The Society Digital Era*, Iggy Global Publication, 6th.
33. Kennedy, Gorge (2021). *Data Privacy Law*, Springer Publication, 8 th.
34. Kier, Bert (2019). *Consumer Production in a Circular Economy*, Intersection P, 8 th.
35. Kluster, Wolters and Mc Evan (2021). *Government Contracts Reference Book*, Gyro Publishing, 10th.
36. Kroes, Quinten and Janet Sulvian (2003). *E-Business of the European Union*, Wolters Kluwer P, 7 th.

37. Lodder, Arno (2017). *EU Regulation of E-commerce*, Elgar P, 1 th.
38. Lucchi, Nicola (2017). *Digital Media and Intellectual Property*, Springer Press, 7 th.
39. Micklitz, Hans (2014). *Consumer Law*, Hart Publishing, 8 th.
40. _____ (2021). *The Making of Consumer Law and Policy in Europe*, Edge P, 9 th.
41. Miller, R. and Jenoy Harry (2021). *Business Law Today*, South-Western College Publication, 6 th.
42. Pamela, Wilson (2021). *Master Content Strategy*, Hit P. 5 th.
43. Perillo, Joseph and James Devenny (2019). *Contracts Law*, West Academic Publishing, 1th.
44. Poliso, Presto and Peintu Rock (2020). *Copyright and Fundamental Rights in the Digital Age*, Elgar Publication. 7 th.
45. Puglisi, Joe and Freed Elon (2022). *Epic Content Marketing*, Pub Publication, 5 th.
46. Pumela, Taper (2021). *The Law of Contracts and the Uniform Commercial Code*, Cengage Learning Publisher, 12 th.
47. Richard, Neil (2022). *Why Privacy Matters*, Edward Publication, 3 th.
48. Riefa, Cristian (2020). *Venerable Consumers and the Law*, Routledge Publication, 9 th.
49. Rogers, Jessica (2021). *The Digital Marketing Landscape*, Business Expert Press, 9 th.
50. Roschild, John (2016). *Electronic Commerce Law*, Elgar Publication, 5 th.
51. Rose, Francis (2019). *Commercial and Consumer Law*, Oxford University Press, 3 th.
52. Schwarts, Paul (2020). *Privacy and Media*, Wolters Kluwer Publication, 2 th.
53. Slakoper, Zvonimir (2021). *Digital Technologies and the Law of Obligations*, Routledge Publishing, 5 th.
54. Solomon, Hogg (2020). *Consumer Behavior*, Pearson P, 7 the Edition.
55. Stocky, Kent (2022). *Internet and Online Law*, Law Journal Press, 3 th.
56. Stoilov, Rangel and Robert Merkin (2019). *Solidity Smart Contracts*, Hub Publication, 2 th.
57. Tatiana, Elin (2021). *EU Internet Law in the Digital Single Market*, Springer Publication, 3 th.
58. Tolen, David and Mindy Chen (2021). *The Tech Contracts*, American Bar Association Publishing, 2 th.
59. Utrilaa, Dolores and Martin Frey (2020). *EU Law in times of Pandemic*, Eulalie Press, 8 th.
60. Weatherli, Stephen (2018). *The Image of the Consumer in EU Law*, Hart Publishing, 1 th.
61. Weber, Franciscka and Jack Prince (2017). *The Law and Economics of Enforcing European Consumer Law*, Routledge Publishing, 5 th.

نهاد اجتماع به‌مثابه سازمان‌دهی اقتصادی و رای دوگانه بازار و دولت

سیدمحمد حسینی فرد،* ابوالقاسم توحیدی‌نیا** و الیاس نادران***

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۱۰	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۸	شماره صفحه: ۲۹۴-۲۵۹
-------------------	--------------------------	-------------------------	---------------------

در میان اقتصاددانان برخی حامی بازار آزاد هستند و مزیت‌های بازار از قبیل انگیزه زیاد، رقابت و تخصیص بهینه منابع از طریق سیستم قیمت‌ها و معایب دولت از قبیل ناکارآمدی و فساد را برمی‌شمردند؛ برخی نیز حامی دولت هستند و به بیان شکست‌های بازار و ضرورت دخالت دولت می‌پردازند. در این مقاله با روش توصیفی _ تحلیلی تبیینی از شکست‌های بازار و دولت می‌شود و به معرفی نهاد اجتماع به‌عنوان نهادی که می‌تواند مکمل بازار و دولت باشد و در مواردی شکست‌های آنها را نداشته باشد، پرداخته می‌شود. این در حالی است که در مناظرات حامیان بازار و دولت یک دوگانه غلط بازار و دولت شکل گرفته و کمتر به نهاد اجتماع به‌عنوان نوعی از سازمان‌دهی اقتصادی توجه شده است. این مقاله به اهمیت گروه‌های اجتماعی (نهاد اجتماع) در تقویت همکاری اقتصادی در موقعیت‌هایی پرداخته است که مصادیقی از معمای زندانی هستند و نفع شخصی در راستای بهینه اجتماعی نیست. با توجه به ظرفیت پیوندهای اجتماعی در ایران و وجود گونه‌های مختلفی از گروه‌های اجتماعی فعال در عرصه عمومی، باید این ظرفیت را بیشتر مورد توجه قرار داد و آن را در جهت تقویت همکاری‌های اقتصادی به‌کار گرفت.

کلیدواژه‌ها: نهاد؛ اجتماع؛ سازمان‌دهی اقتصادی؛ شکست بازار؛ اعتماد

Email: hosseinifard_sm@ut.ac.ir

* دانشجوی دکتری دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران، تهران، ایران؛

Email: a.tohidinia@ut.ac.ir

** استادیار دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛

Email: enaderan@ut.ac.ir

*** دانشیار دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران، تهران، ایران؛

مقدمه^۱

دهه‌های زیادی است که اقتصاد مدرن در سیکلی از دولتی شدن و بازاری شدن گرفتار است. در دوره‌هایی اندیشمندان به حمایت از بازار آزاد می‌پردازند و از مزایای آن سخن می‌گویند و در دوره‌هایی دیگر به دلیل شکست‌های بازار^۲ و بحران‌های خلق شده در آن، به صحبت کردن علیه مکانیسم بازار و استدلال آوردن برای دخالت شدیدتر دولت در بازار می‌پردازند. در دوره‌هایی جنبه‌های مثبت بازار و منفی دولت برجسته می‌شود و در دوره‌هایی دیگر برعکس. جنبه‌های مثبت بازار که بسیار به آن پرداخته می‌شود این است که بازار آزاد به وسیله فشار رقابت، انگیزه‌های فعالان اقتصادی را به شدت تشویق می‌کند و از طریق سیستم قیمت‌ها به تخصیص بهینه منابع منجر می‌شود. منابع در بخش‌هایی می‌رود که بیشترین بهره‌وری را داشته باشند و کالاهایی تولید می‌شوند که بیشترین نیاز به آنها وجود داشته باشد. جنبه‌های منفی دولت که به آن اشاره می‌شود این است که کارمندان دولتی انگیزه‌ای برای انجام کارها با بهره‌وری بالا ندارند و در ضمن دولت اطلاعات کافی از کل اقتصاد (از جمله ترجیحات مردم) ندارد و هرگونه دخالت او می‌تواند اقتصاد را از حالت بهینه و کارا بودن خارج کند و به اتلاف منابع منجر شود (Krueger, 1990; Keech and Munger, 2015; Winston, 2006).

در ایران بعد از انقلاب نیز سیاست‌گذاران اقتصادی دائماً با توصیه‌های سیاستی دوگانه‌ای از طرف اقتصاددانان مواجه بوده‌اند به گونه‌ای که یک‌دسته (با تأکید بر بازار آزاد و نظریه‌های نئوکلاسیک) اولین اصلاحات مهم اقتصادی را اصلاحات قیمتی، تعیین قیمت‌های واقعی در بازار و عدم دخالت دولت دانسته‌اند و دسته دیگر (با تأکید بر رویکرد

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری در دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران با عنوان «تقش دین در تقویت همکاری‌های اقتصادی جهت اصلاح شکست بازار و دولت: رویکرد آزمایشگاهی» است.

نهادگرایی) بر این عقیده بوده‌اند که اصلاحات قیمتی باید آخرین اصلاحات اقتصادی باشد و ابتدا باید بستر نهادی‌ای اصلاح شود که بازار در آن شکل می‌گیرد. از نظر گروه اول، عمده مشکلات اقتصادی کشور به‌دلیل بزرگ بودن دولت، ایجاد تعهدهای روزافزون برای دولت، یارانه‌های پنهان و به‌طور کلی هر عاملی است که موجب کسری بودجه دولت و به‌تبع آن تورم می‌شود. از نگاه این دسته از اقتصاددانان، سیاست‌های حمایتیِ پرهزینه دولت به اهداف خود نرسیده‌اند و بلکه با بر هم زدن قیمت‌های نسبی و ایجاد تورم‌های دائمی ناشی از کسری بودجه، با به زیر خط فقر بردن تعداد بیشتری از مردم ایران، به ضد خود تبدیل شده‌اند. گروه دوم معتقدند که سیاست‌های تجویزی گروه اول همان سیاست‌های تعدیل ساختاری بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول هستند که تجربه جهانی، ناکارآمدی و بحران‌زایی چنین سیاست‌هایی را در کشورهای در حال توسعه اثبات کرده است. اگر قبل از آنکه نهادها اصلاح شوند، دولت میزان دخالت و حمایتگری خود را کاهش دهد و اقتصاد را به‌دست بازار بسپارد، بازار بسیار ناکارآمدتر از دولت عمل خواهد کرد و به تجربه ثابت شده است که اقتصاد دچار بحران‌هایی خواهد شد که هم رشد اقتصادی کند می‌شود و هم توزیع بسیار نابرابر درآمد و ثروت رخ خواهد داد (شاکری، ۱۳۹۳؛ ۱۳۹۷؛ نیلی، ۱۳۹۴؛ ۱۳۹۷؛ مؤمنی، ۱۳۹۲؛ ۱۳۹۷/۶/۲۵؛ صف‌شکن و مؤمنی، ۱۳۹۵؛ مؤمنی و حاجی‌نوروزی، ۱۳۹۶؛ میدری، ۱۳۹۱)؛ کما اینکه ریشه بحران ۲۰۰۸ در آمریکا عمدتاً مقررات‌زدایی‌های نئولیبرالی ریگان و بعد از او بیان شده است (Bresser-Pereira, 2010).

یکی از نهادهایی که توانسته است مکمل بازار و دولت باشد، تشکل‌های بخش خصوصی است. امروزه انجمن‌های بخش خصوصی در کشورهای مختلف، از ارکان توسعه به حساب می‌آیند و از بازیگران اصلی فرایند تصمیم‌گیری هستند (نصیری‌ا قدم و مرتضوی‌فر، الف ۱۳۹۰). اقدام‌های جمعی (نظیر ایجاد دادگاه‌های درون صنفی،

تعریف رویه‌های تجاری و وضع استانداردها) از سوی صنف بازرگانان در دوران پیش از انقلاب تجاری، امنیت محیط فعالیت را فراهم آورد. ایجاد اصناف، ائتلاف‌ها و همکاری‌های بخش خصوصی برای بهبود محیط کسب‌وکار مؤثر است (گریف^۱، ۱۳۸۵). بدون تشکل‌های اقتصادی، ارتباط سازمان‌یافته دولت با جامعه منتفی می‌شود و دولت نمی‌تواند به‌طور مستمر از مطالبات اجتماعی و واقعیت‌های اقتصادی، اطلاعات لازم را به‌دست آورد. تکیه بر جامعه مدنی و نهادهای گروهی آن، گردآوری و اشاعه اطلاعات را تسهیل و حرکت جمعی را تسریع می‌کند (اوانز^۲، ۱۳۸۰). البته زمانی استفاده از ظرفیت تشکل‌های بخش خصوصی سودمند نیست که این نهادها به محل بازتوزیع منافع تبدیل شوند. تجربیات برخی تشکل‌های بخش خصوصی در ایران نشان می‌دهد واگذار کردن برخی امور تنظیمی به این بخش موفقیت‌آمیز نبوده است (نصیری‌اقدم و مرتضوی‌فر، ب ۱۳۹۰).

برپایه چنین تجربیات بشری از دوگانه دولت و بازار بوده است که امروزه در گوشه و کنار جهان اندیش‌مندانی در حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی به دنبال راه سومی برای سامان بخشیدن به اقتصاد جوامع هستند. آیا واقعاً راه سومی وجود دارد؟ این راه سوم چه ویژگی‌ها و مختصات دارد؟

ارائه راه سوم مستلزم این است که نقاط ضعف و قوت بازار و دولت شناخته شود، ادله موافقان و مخالفان بازار و دولت مورد بررسی قرار گیرد و ناظر به آنها راه سومی معرفی شود که درعین حال که نقاط قوت بازار و دولت را داشته باشد، نقاط ضعف آنها را پوشش دهد. البته راه سوم لزوماً به معنی کنار گذاشتن بازار و دولت نیست بلکه می‌تواند نظام جدید اقتصادی باشد که نحوه به‌کارگیری و قلمرو خاصی برای دو نهاد

1. Greif
2. Evans

بازار و دولت معرفی کرده و نهادهای دیگری که مکمل بازار و دولت باشند نیز ارائه دهد. در این مقاله سعی شده است با توصیف و تحلیل مبانی نظری مرتبط با کارایی اقتصادی اجتماعات^۱ و هنجارهای اجتماعی، یک مفهوم کلی تحت عنوان «نهاد اجتماع» تبیین شود؛ سپس در تبیینی یکپارچه و جدید از شکست‌های بازار و دولت، به نحوه حل آن شکست‌ها با نهاد اجتماع پرداخته شود. به‌طور خلاصه منظور از نهاد اجتماع، شبکه‌ای از روابط بین افرادی است که همدیگر را می‌شناسند و هنجارهایی بر رفتارشان حکم‌فرماست؛ به این صورت که تخطی از هنجارها توسط اعضا می‌تواند با تنبیه اجتماعی دیگر اعضا پاسخ داده شود.

۱. پیشینه تحقیق

برخی مطالعات، نهاد اجتماع را از منظر کارایی مورد بررسی قرار داده‌اند. استیگلیتز^۲ (۲۰۰۹) در مقاله «حرکت از بنیادگرایی بازار به سمت یک اقتصاد متعادل‌تر»^۳ از تبیین ناکارآمدی‌های بازار می‌گوید: «مشکل واقعی این است که ما تحقیقات کافی برای درک مدل‌های جایگزین یا راه‌های جایگزین برای سازمان‌دهی جامعه خود انجام نداده‌ایم ... موفقیت نیازمند یک اقتصاد متعادل‌تر، یک نظام اقتصادی متکثر با چندین ستون است. باید یک بخش خصوصی در اقتصاد وجود داشته باشد، اما دو رکن دیگر آن توجهی را که شایسته آنهاست دریافت نکرده‌اند: بخش دولتی و اقتصاد تعاونی اجتماعی»^۴ از جمله جوامع متقابل^۵ و غیرانتفاعی^۶. به‌ویژه مورد سوم

1. Community

2. Stiglitz

3. Moving Beyond Market Fundamentalism to a More Balanced Economy

4. Social Cooperative Economy

5. Mutual Societies

6. not-for-profits

در بیشتر گفتمان‌های اقتصادی مورد توجه قرار نگرفته است». او در این مقاله توضیحی درباره اقتصاد تعاونی اجتماعی نداده است. دسته دیگری از مطالعات هستند که عمدتاً به دلیل ناعادلانه خواندن بازار، به معرفی سازمان‌دهی‌های عادلانه‌تر پرداخته‌اند که ذیل عنوان اقتصاد تعاونی و اقتصاد مشارکتی قرار می‌گیرند. برای مثال هانل^۱ (۲۰۰۵) در کتاب *عدالت اقتصادی و دموکراسی: از رقابت تا مشارکت*^۲ نظامی اقتصادی را معرفی می‌کند که نه مبتنی بر بازار است و نه برنامه‌ریزی متمرکز دولتی، بلکه فعالیت‌های اقتصادی در آن نظام، براساس تصمیم‌گیری‌های دموکراتیک درون انجمن‌های مختلف، سازمان‌دهی می‌شوند. یوسفی (۱۳۹۳) در مقاله «مدل مردم‌سالاری اقتصادی دینی، بستر تولید ملی پایدار عدالت‌محور» مدل مردم‌سالاری اقتصادی دینی را در عرض مدل سرمایه‌سالاری اقتصادی نظام سرمایه‌داری و دولت‌سالاری اقتصادی نظام سوسیالیسم دانسته و آن را جریانی اقتصادی می‌داند که همه مردم براساس آموزه‌های اسلامی به معنای واقعی متولی امور اقتصادی باشند؛ یعنی بستر اقتصادی به گونه‌ای باشد تا همه فعالان اقتصادی بتوانند مالک منابع و محصول تولیدی بوده و در مدیریت فرایند اقتصادی نقش جدی داشته باشند.

پرینوس^۳ و مانلی^۴ (۲۰۲۲)، سازمان‌دهی اقتصادی خاصی که در شهر پرستون (واقع در شمال غرب انگلستان) شکل گرفته است را مورد مطالعه قرار داده‌اند. «مدل پرستون»^۵ یک رویکرد «ایجاد ثروت در جامعه»^۶ است که از قدرت اقتصادی

1. Hahnel

2. Economic Justice and Democracy: From Competition to Cooperation

3. Prinos

4. Manley

5. The Preston Model

۶. Community Wealth Building (CWB): یک رویکرد جدید مردم‌محور برای توسعه اقتصادی محلی است که ثروت را به اقتصاد محلی هدایت می‌کند و کنترل و منافع را در دستان مردم محلی قرار می‌دهد. این رویکرد ریشه در سنت سوسیال دموکرات اروپا دارد که در آن دولت برای حفاظت از ارزش‌های عمومی و دستیابی به نتایج خوب برای

محلی برای یک اقتصاد دمکراتیک‌تر، پایدارتر از نظر زیست‌محیطی، و جامعه منسجم اجتماعی استفاده می‌کند و ارزش اجتماعی را با مشارکت بخش خصوصی و عمومی در اولویت قرار می‌دهد. پرستون مصداقی از تلاش برای به چالش کشیدن وضعیت اجتماعی - اقتصادی موجود است. به عقیده نویسندگان این مقاله، «مدل پرستون» ممکن است در کوتاه‌مدت، سود پولی را کاهش دهد، اما اجازه می‌دهد انسجام اجتماعی، همکاری و دمکراسی رشد کند. آنچه اخیراً در پرستون رخ داده است ظاهراً مبتنی بر تعاملات و تعهدات غیررسمی است؛ تسهیل روابط فردی و جمعی، سازمانی و اجتماعی. در فرهنگ سرمایه‌داری مسلط امروزی، «مدل پرستون» از عناصر فراموش شده پیوندهای اجتماعی و طبیعت انسانی بهره برده است؛ اشتیاق برای تغییر اجتماعی - اقتصادی که بر پایه‌ای اخلاقی‌تر و عادلانه‌تر از انسجام اجتماعی و براساس اصل راهنمای دمکراسی و همکاری بنا شده است.

کامبرز^۱ و همکاران (۲۰۲۰) در مقاله «پیکربندی مجدد دمکراسی اقتصادی: ایجاد اشکال جدید نمایندگی جمعی، آزادی اقتصادی فردی و مشارکت عمومی»، چارچوبی جدید از دمکراسی اقتصادی را معرفی می‌کنند. آنها ضمن اذعان به اهمیت رویکردهای متمرکز بر چانه‌زنی جمعی و سازمان‌دهی محل کار، بر حقوق فردی برای خودگردانی نیروی کار خود^۲ و حق همه شهروندان برای مشارکت در تصمیم‌گیری اقتصادی تأکید کرده‌اند. از منظر آنها، دمکراسی اقتصادی به‌طور بالقوه افراد را توانمند می‌کند و مبنایی را برای تشکیل اتحادهای جدید و پایدار ایجاد می‌کند که سلطه نخبگان^۳ در سرمایه‌داری معاصر را به چالش می‌کشد.

شهروندان تلاش می‌کند. همچنین از ایجاد ثروت در جامعه که توسط کار مشارکتی دمکراسی در کلیولند، اوهایو و تعاونی‌های موندراگون در کشور باسک آغاز شد، الهام گرفته است.

1. Cumbers

2. Self-Government of One's Own Labour

3. Elite

وینستون^۱ (۲۰۰۶) در کتاب شکست دولت در مقابل شکست بازار^۲، با بررسی کتاب‌ها و مقالات علمی که به صورت تجربی نتایج سیاست‌های دولت آمریکا را در جهت اصلاح شکست بازار مطالعه کرده‌اند، این گونه نتیجه‌گیری می‌کند که سیاست دولت برای اصلاح شکست‌های بازار با دو نقص عمده (شکست دولت) همراه است که صدها میلیارد دلار در سال برای اقتصاد ایالات متحده هزینه دارد. اولاً، سیاست دولت در جایی که به نظر نمی‌رسد شکست‌های قابل توجهی در بازار وجود داشته باشد، ناکارآمدی‌های اقتصادی ایجاد کرده است، مانند قوانین ضدانحصار و مقررات اقتصادی که هزینه‌های شرکت‌ها را افزایش داده و برای گروه‌های ذی‌نفع مختلف به بهای رفاه مصرف‌کننده، رانت اقتصادی ایجاد کرده است. ثانیاً، در شرایطی که شکست‌های بازار وجود دارد، سیاست‌های دولت یا با اصلاح این شکست‌ها به موفقیت‌های پرهزینه‌ای دست یافته است به گونه‌ای که منافع خالص قابل توجهی را قربانی می‌کند یا در برخی موارد واقعاً رفاه اجتماعی را کاهش داده است. سیاست دولت با اعمال سیاست‌های دستوری برای اصلاح آثار خارجی، به‌ویژه در سیاست‌های بهداشت، ایمنی و محیط زیست، منابع را هدر داده است. در برخی شرایط شکست دولت به این دلیل است که سیاست‌های اصلاح شکست بازار، ناقص هستند یا ضعیف اجرا می‌شوند. دلیل دیگر آن است که سیاست‌گذاران، صرف‌نظر از نیات‌شان، تابع نیروهای سیاسی هستند که گروه‌های ذی‌نفع خاصی را قادر می‌سازند تا با تحمیل هزینه به عموم جامعه، منافی را کسب کنند (Winston, 2006: 73-75).

1. Winston

2. Government Failure Versus Market Failure

۲. مبانی نظری

در این بخش به نظریه‌هایی اشاره خواهد شد که بر کارآمدی اجتماعات^۱ و هنجارهای اجتماعی در اقتصاد تأکید کرده‌اند. بدین منظور، نظریه اوستروم^۲ و برخی مطالعات مرتبط با آن در زمینه کارآمدی اجتماعات در سازمان‌دهی منابع طبیعی، شرح داده خواهد شد و در ادامه سعی می‌شود بین نظریه هزینه مبادله و اجتماعات ارتباط برقرار شود و بخش‌هایی از نظریه هزینه مبادله که می‌توانند اثبات‌کننده کارآمدی اجتماعات در اقتصاد باشند، به تفصیل بیان شود.

۱-۲. اوستروم و مطالعات مرتبط

نوبل ۲۰۰۹ اقتصاد از این‌رو به اوستروم و ویلیامسون^۳ تعلق گرفت که توانستند سازمان‌دهی‌های غیربازاری و غیردولتی را تبیین کنند. در بیانیه مؤسسه علمی رویال سوئد آمده است: «در سه دهه گذشته سهم نوآورانه این دو نفر باعث پیشرفت تحقیقات در زمینه اداره اقتصادی شده و این عرصه را از حاشیه‌ای بر علوم اقتصادی به جبهه اصلی توجه علمی بدل کرده است» (بشیری، ۱۳۸۸). آنها نشان دادند که در شرایطی خاص، سازمان‌دهی‌های خصوصی (اما غیربازاری) می‌توانند کارآمدتر از بازار و دولت عمل کنند. اوستروم بیشتر در حوزه منابع با مالکیت مشترک کار کرده است. او به چالش این دیدگاه می‌پردازد که مالکیت اشتراکی، کارایی خوبی نداشته و باید مالکیت خصوصی یا دولتی جایگزین آن شود. اوستروم نشان داد منابع طبیعی اشتراکی در قالب سازمان‌دهی‌های محلی می‌تواند کاراتر از دولتی کردن آن منابع یا خصوصی‌سازی آنها عمل کند. اوستروم و ویلیامسون نشان دادند که در برخی شرایط

1. Community
2. Ostrom
3. Williamson

خاص، هیچ‌کدام از دوگانه بازار و دولت کارایی ندارند و گونه‌ای خاص از همکاری اقتصادی (متناسب با شرایط) می‌تواند کارا تر عمل کند.

اوستروم روش سومی را مطرح می‌کند که قدرت را به استفاده‌کنندگان از خدمت می‌دهد. وی این روش را شهروندی خودحکمران^۱ نامیده است. در این روش، اقدام دسته‌جمعی از طریق ایجاد انجمن‌های استفاده‌کنندگان خدمت^۲ تحقق می‌یابد و نیز پایش عملکرد ارائه‌کننده خدمت به جای اینکه از طرف ثالث یعنی دولت انجام شود، برعهده استفاده‌کنندگان از خدمت گذاشته شده و استفاده‌کنندگان یا کسی که به آنها پاسخگو است، خاطیان را تنبیه می‌کنند. اوستروم با کارهای میدانی مفصل و دقیق و استفاده از اقتصاد آزمایشگاهی ثابت کرد که افراد خصوصی به تأسیس گروه‌ها و انجمن‌های استفاده‌کننده از دارایی‌های طبیعی قادر هستند و با مشارکت داوطلبانه افراد و وجود هنجارها و ضوابط اجتماعی، می‌توان جلوی «فاجعه مشاعات»^۳ را گرفت. او با تأکید بر عواملی مثل صداقت، نیکوکاری و وفاداری به گروه، که آدام اسمیت آنها را «احساسات اخلاقی» نامیده است، حوزه اقتصاد را از فرض نفع شخصی انسان عقلایی فراتر برده است. درواقع او نظریه عقلانیت را رد نمی‌کند، بلکه درصدد توسعه و بسط مدل‌های عقلانیت کارآزموده‌تر و درعین حال واقعی‌تر برآمده است. پژوهش‌های اوستروم و دیگران ثابت کرد که برخلاف تئوری عقلانیت مرسوم، همکاری اجتماعی بر مشکل سواری مجانی^۴ غلبه می‌کند و عواملی از قبیل تماس چهره‌به‌چهره (به‌خصوص وقتی گروه کوچک است)، برابری منافع هر عضو از نتایج اقدام و آسانی پایش اعضای گروه، احتمال همکاری را بسیار بالا می‌برد (خیرخواهان، ۱۳۸۸).

-
1. Self-governance Citizenary
 2. User Associations
 3. Tragedy of the Commons
 4. Free-riding

هاردین^۱ (۱۹۶۸) درباره بخت بقای یک نظام مالکیت اشتراکی خوش‌بین نبود، ولی نویسندگان دیگری با دلایل قانع‌کننده به ارائه راه‌حلهایی برای پیشگیری از فاجعه مشاعات پرداخته‌اند بدون آنکه لازم بدانند مشاعات به‌عنوان یکی از شکل‌های مالکیت کنار گذاشته شود. به‌ویژه اوستروم شواهدی تجربی از مکان‌هایی ارائه می‌کند که یک جامعه کوچک محلی به‌شکلی کارآمد از منابع خود نگهداری کرده است (گروینوگن، اسپینهوون و دن‌برگ، ۱۳۹۱: ۱۶۸). شواهد نشان می‌دهد که گاهی می‌توان از فاجعه منابع مشترک احتراز کرد. مدیریت مراتع در کوه‌های آلپ سوئیس و ژاپن، سیستم‌های آبیاری در اسپانیا و فیلیپین و منابع زیرزمینی آب در لس‌آنجلس را می‌توان از مثال‌های موفق در مدیریت منابع با مالکیت مشترک نام برد. در تمامی این موارد، بهره‌برداران توانستند منابع را در سطحی بهینه یا کمتر از حد استعمال مفرط استخراج کنند (کارت رایت^۲، ۱۳۹۷: ۶۸۰). در روستاهای ساحلی شمال برزیل برای حمایت از حق ماهیگیری، نظام عرفی برقرار است و برای عرف‌شکنان مجازات‌های مختلفی وجود دارد: از دوری گزیدن از فرد خاطی گرفته تا خراب کردن تجهیزات ماهیگیری آنها و از این قبیل (داسگوپتا، ۱۳۸۹: ۶۴). در مناطق کم‌جمعیت جنوب صحرای آفریقا نظام‌های مدیریت جمعی که زمانی مانع از استفاده ناپایدار از جنگل‌ها می‌شدند، به‌دست دولت‌هایی که میلی شدید به اعمال قدرت خویش بر مردم روستایی داشته‌اند نابود شده‌اند. اما مقامات دولتی نه تخصصی در جنگلداری داشته‌اند و نه منابعی برای نظارت بر اینکه چه کسانی چه چیزی از جنگل‌ها برداشت می‌کنند. بسیاری از آنها فاسد و رشوه‌گیر بوده‌اند. اجتماعات روستایی نتوانسته‌اند از حکمرانی جمعی به حکمرانی مبتنی بر قانون چرخش کنند: اولی نابود شده بود و دومی واقعاً ناکارآمد بود (همان: ۷۲).

1. Hardin

2. Cartwright

هرچند اجتماعات موفقیت‌هایی در جلوگیری از فاجعه منابع مشترک داشته‌اند، اما در موارد بسیاری نیز موفق نبوده‌اند. سؤال مهم آن است که چرا تنها گاهی می‌توان از فاجعه منابع مشترک جلوگیری کرد. اوستروم معتقد است این سؤال را می‌توان با نگاهی به موارد مطالعاتی در مورد منابع با مالکیت مشترک با هدف یافتن علل موفقیت یا شکست پاسخ داد.

اوستروم در تحقیقات خود، هشت اصل برای مدیریت موفق منابع عمومی تعیین کرده است:

۱. مشخص کردن مرزها به صورت شفاف (برای محروم کردن مؤثر افرادی که مجوز ورود به داخل مجموعه را ندارند)؛
۲. قوانینی که پیرامون استفاده از منابع عمومی یا بهره‌برداری آنها وضع می‌شود، با شرایط آن منطقه سازگاری داشته باشد؛
۳. به اکثر استفاده‌کنندگان از منابع عمومی اجازه داده شود تا در فرایند تصمیم‌گیری مشارکت کنند؛
۴. نظارت مؤثر ناظران که خود از استفاده‌کنندگان منابع عمومی به‌شمار می‌روند، صورت پذیرد؛
۵. درجاتی از تحریم برای هریک از استفاده‌کنندگان منابع که قوانین گروه را زیر پا می‌گذارند، وضع شود؛
۶. مکانیسم‌هایی برای حل ناسازگاری‌ها و تعارض‌ها وجود داشته باشد که ارزان و در دسترس باشند؛
۷. حق استفاده‌کنندگان برای سازمان‌دهی استفاده از منابع عمومی، از طرف دولت و حاکمیت به رسمیت شناخته شود؛
۸. در مواجهه با منابع عمومی بزرگ‌تر، سازمانی در قالب گروه‌های کوچک و

محلی، مسئولیت سازمان‌دهی و قانونگذاری دسترسی افراد به منابع عمومی را به عهده گیرد (قنادان، ۱۳۹۱: ۴۲۲).

توجه یا عدم توجه به این عوامل می‌تواند موفقیت یا شکست را بیافریند. مثلاً می‌تواند به سیاستگذاران بگوید که چه زمانی مداخله آنها می‌تواند به جلوگیری از فاجعه منابع مشترک بینجامد و چه زمانی نمی‌تواند (کارت رایت، ۱۳۹۷: ۶۸۰).

مطالعات آزمایشگاهی مفیدند به دلیل آنکه به ما اجازه تغییر مؤلفه‌هایی را در گذر زمان می‌دهند. برای نشان دادن این موضوع، نگاهی به مطالعه اوستروم، واکر^۱ و گاردنر^۲ (۱۹۹۲) می‌اندازیم. در این مطالعه، افراد تحت آزمایش، درگیر مشکل منابع مشترک در یک بازی ۲۰ دوره‌ای می‌شوند. در ۱۰ دور نخست، هریک از افراد باید به‌طور جداگانه می‌گفتند که حاضرند چه میزان برای استخراج منبع بپردازند و البته نتیجه این کار استخراج مفرط از منبع مشترک بود. سپس در ۱۰ دور بعدی به آنها ابزارهای مختلفی داده می‌شد تا برای جلوگیری از استحصال بیش از حد منبع چاره‌ای بیندیشند. در برخی از تدابیر، به افراد امکان ارتباط یکباره یا مکرر (در هر دور) داده شد. ارتباط مکرر افراد به‌طور مشخص منجر به اثر مثبت و افزایش پایدار سود آنها شد. در تدبیری دیگر، به افراد تحت آزمایش، اجازه تنبیه دیگران داده شد. به‌نظر می‌رسد این کار اثر کمتری از قبل داشت. در تدابیر دیگر، به افراد امکان ارتباط و تنبیه دیگران به‌طور هم‌زمان داده شد. به‌نظر می‌رسد این نیز موجب کمک به افراد برای رهایی از استعمال مفرط منبع شد. در نتیجه ارتباطات مکرر میان افراد، به‌همراه درجه‌ای از تنبیه یا منع می‌تواند مردم را در اجتناب از فاجعه منبع مشترک

1. Walker

2. Gardener

یاری رساند. مطالعات دیگر همچون مطالعه اشمیت^۱، سوپ^۲ و واکر (۲۰۰۰) نشان می‌دهند که در صورت وجود افراد بیرونی که مشارکتی در ارتباطات نمی‌جویند، منافع ارتباطات کاهش می‌یابد. اگر تمامی این یافته‌ها را در کنار هم قرار دهیم به این نتیجه می‌رسیم که برای رهایی از فاجعه منبع مشترک باید امکان ارتباط، تهدید به تنبیه، قابلیت منع افراد بیرونی از استعمال منبع و حس مالکیت، به صورت هم‌زمان به وجود آید (کارت رایت، ۱۳۹۷: ۶۸۴-۶۸۲).

دانشمندان علوم اجتماعی مدت‌هاست که روی راه‌حل‌های معضلات اجتماعی^۳ کار می‌کنند. پس از تقریباً شصت سال تحقیق، هیچ گلوله جادویی برای حمله به چنین مشکلات و حل این اختلاف‌ها در زرادخانه وارد نشده است. با این حال، اگر یک راه‌حل واحد وجود داشته باشد که بیشترین حمایت را در اختیار دارد و بیشترین اختلاف را کاهش می‌دهد، باید «ارتباطات»^۴ بین شرکت‌کنندگان در معضلات اجتماعی باشد. از اواخر دهه ۱۹۵۰، به خوبی شناخته شده است که ارتباطات، همکاری در معضلات اجتماعی را افزایش می‌دهد (Balliet, 2010).

۲-۲. نظریه هزینه مبادله^۵

بشر همواره برای حل مشکلات اقتصادی خود، نیازمند همکاری بوده است. تقسیم کار و تخصص‌گرایی و مبادله باعث شکوفایی اقتصاد شده است. اما همکاری اقتصادی نیازمند سازمان‌دهی است. بازار یکی از مهم‌ترین انواع سازمان‌دهی اقتصادی در سطح کلان است که از طریق سیستم قیمت‌ها فعالیت‌های اقتصادی را هماهنگ می‌کند.

1. Schmitt

2. Swope

۳. Social Dilemmas: به تمام موقعیت‌هایی گفته می‌شود که با بازی معمای زندانی (Prisoner's Dilemma) مدل‌سازی می‌شود و در آن نفع شخصی در تعارض با نفع جمعی قرار می‌گیرد، شبیه کالای عمومی و فاجعه مشاعات.

4. Communication

5. Transaction Cost

عوامل اقتصادی چگونه می‌توانند با هدف کارآمدسازی مبادلات، تلاش‌های خود را هماهنگ کنند؟ هزینه‌های تولید، فقط بخشی از هزینه‌های اقتصادی هستند. بخش عظیمی از هزینه‌ها به هزینه‌های مبادله مربوط است. نورث هنگام دریافت جایزه نوبل گفت: «وقتی مبادله پرهزینه شود، اهمیت نهادها معلوم می‌شود و مبادله واقعاً پرهزینه است» (North, 1994: 360).

مفهوم هزینه‌های مبادله نخستین‌بار در مقاله کوز با عنوان «ماهیت بنگاه»^۱ در سال ۱۹۳۷ به کار رفت. وی در پی آن بود که نشان دهد چرا برخی مبادلات به‌جای آنکه در بازار انجام شود در بنگاه سازمان‌دهی می‌شود؟ به عبارت دیگر وی به دنبال شناخت دلایل تشکیل بنگاه بود. مطابق نظر کوز، به دلیل زیاد بودن هزینه سازوکار قیمت‌ها - برای سازمان‌دهی تولید به‌نحو کارآمد - است که با توسل به مبادلات درون بنگاه، سازوکار قیمت‌ها کنار گذاشته می‌شود. هزینه کاربرد سازوکار قیمت همان هزینه مبادله هستند: «آشکارترین هزینه سازمان‌دهی تولید از طریق سازوکار قیمت آن است که باید قیمت‌های مناسب کشف شوند ... هزینه‌های مذاکره و عقد قرارداد جداگانه برای هر معامله را نیز در بازار باید در نظر گرفت» (Coase, 1937: 390-391). افراد در عمل، به دلیل اطلاعات ناقص و عقلانیت محدود (صلاحیت‌شناختی محدود) ناگزیر به عقد قرارداد ناقص^۲ می‌شوند، زیرا مشخص کردن همه شروط کار بسیار پرهزینه است (گروینوگن، اسپینهوون و دن‌برگ، ۱۳۹۱: ۱۷۱). در واقعیت با عواملی سروکار داریم که به شکل حساب شده‌ای منافع شخصی و بهره‌برداری از اطلاعات نامتقارن را - به ضرر دیگران - دنبال می‌کنند. این رفتار در اقتصاد نهادگرا رفتار فرصت‌طلبانه^۳ نام دارد (همان: ۲۹).

ویلیامسون برخلاف بسیاری از اقتصاددانان که موضوع علم اقتصاد را انتخاب

-
1. The Nature of the Firm
 2. Incomplete Contracting
 3. Opportunistic Behavior

می‌دانستند اعتقاد داشت که موضوع دانش اقتصاد باید شناخت و تحلیل قراردادها باشد. به همین دلیل نیز واحد تحلیل در آثاری که وی به‌وجود آورده مبادله است. ویلیامسون (۱۹۸۵) مبادلات را برحسب سه ویژگی: تعیین دارایی^۱ (اختصاص دارایی به کاربردی خاص)، نااطمینانی^۲ و تکرار مبادلات^۳ تقسیم می‌کند و هزینه‌های هر مبادله را تابعی از این سه ویژگی می‌داند. او چگونگی تأثیرگذاری این سه ویژگی را در انتخاب ساختارهای سازمان‌دهی توضیح داده است. از نگاه ویلیامسون ساختارهای سازمان‌دهی به سه دسته عمده شامل بازار، ساختارهای هرمی^۴ مانند بنگاه و ساختارهای پیوندی (ترکیبی)^۵ تقسیم می‌شود (شریف‌زاده و نادران، ۱۳۸۹).

تعیین دارایی مهم‌ترین جنبه است. در یک توافق قراردادی، ممکن است طرف مقابل از انعطاف‌ناپذیری طرف دیگر که سرمایه‌گذاری‌های کاملاً ویژه آن مبادله را انجام داده است، سوءاستفاده کند. این سرمایه‌گذاری‌ها مشتمل بر مقادیر هنگفت هزینه‌های بازیافت‌ناپذیر^۶ هستند که پس از صرف شدن دیگر قابل بازیابی نخواهند بود. این وضعیت را مشکل اسارت^۷ (گرفتار شدن) می‌نامند. وقتی سرمایه‌گذاری‌ها خیلی خاص باشد، اگر آن مبادله (رابطه) قطع شود، آن سرمایه‌گذاری‌ها بی‌ارزش خواهد شد (گروینوگن، اسپینهوون و دن‌برگ، ۱۳۹۱: ۱۹۳).

ممکن است مخاطرات اسارت چنان بزرگ باشند که نتوان با امنیت به یک قرارداد در بازار وارد شد. در عوض درون یک بنگاه، حقوق مالکیت در قالب مالکیت یگانه^۸

1. Asset Specificity

2. Disturbances

3. Frequency

4. Hierarchy

5. Hybrid

6. Sunk Costs

7. Hold-up

8. Unified Ownership

درمی‌آیند. مالکان حقوق مالکیت (به‌ویژه نیروی کار و سرمایه)، در ازای اجرت حاضر می‌شوند محصولات خود را برای کاربرد مولد در اختیار یک مقام مسئول (مثلاً یک هیئت‌مدیره و یک سلسله‌مراتب مدیریتی) قرار دهند که به ایشان قدرت تصمیم‌گیری صلاح‌دیددی داده شده است. انگیزه خدمت در یک بنگاه را به‌مثابه انگیزه‌های کم‌رمق^۱ می‌شناسند یعنی اگر کسی از تلاش خود در محیط بنگاه بکاهد، این کار معمولاً تأثیر فوری بر دریافتی او نخواهد گذاشت (Williamson, 1991).

اقتصاددانان گمان می‌کنند بهتر است ثروت تا حد امکان در بخش خصوصی وجود داشته باشد زیرا در آن صورت است که «انگیزه‌های سازنده» شکل می‌گیرند. باین حال تحلیل‌های اقتصاد نهادگرا نشان می‌دهد نظارت کردن بر بخش خصوصی گاهی به‌علت نامتقارن بودن اطلاعات چنان پرهزینه می‌شود که مبادلات را در شرکت‌های دولتی آسان‌تر می‌توان هماهنگ کرد. البته وقتی تولید در شرکت‌های دولتی انجام گیرد، هزینه‌های دیوان‌سالاری و مشکلات انگیزشی وجود خواهد داشت (گروینوگن، اسپینهوون و دن‌برگ، ۱۳۹۱: ۲۰۷).

اگر طبقه‌بندی ساختارهای سازمان‌دهی خصوصی فقط به شکل بازارها یا سلسله‌مراتب (در بنگاه) باشد، بخش کوچکی از واقعیت را نشان می‌دهد. بازار یک ساختار سازمان‌دهی است که در آن طرف‌های مبادله به مذاکره برای وضع حقوق برابر درباره محتوای یک قرارداد می‌پردازند. در سلسله‌مراتب افراد ارشد دستورات خود را به کارگزاران در سطوح تشکیلاتی پایین‌تر ابلاغ می‌کنند. باین حال چنین تقسیم‌بندی ساده‌ای نمی‌تواند انواع ساختارهای سازمان‌دهی را پوشش دهد که در دنیای واقع وجود دارد. سازمان‌دهی پیوندی (ترکیبی) در واقع مفهومی بین بازار و سلسله‌مراتب است که می‌تواند دامنه‌ای از قالب‌های مختلط-از قبیل شبکه‌ها،

نمایندگی‌ها یا ائتلاف‌های راهبردی - را شامل شود. آنچه در همه شکل‌های پیوندی به چشم می‌خورد آن است که آنها تا حدی «منابع خود را یک کاسه می‌کنند». بنابراین طرف‌های قرارداد، بخشی از دارایی‌های خود را به اشتراک می‌گذارند (مثلاً کارکنان، فناوری یا ماشین) (همان: ۲۰۴). همیشه لازم نیست منابع در قالب بنگاه یک کاسه شوند. شاید عوامل تصمیم‌گیرند فقط بخشی از حقوق مالکیت خود را یک کاسه کنند تا کارآمدتر شده، درعین حال استقلال عمل کامل خود را در بقیه آن حقوق حفظ کنند. ممکن است فعالیت‌های مشترک براساس هماهنگی بین‌بنگاهی شکل گیرد تا از مزایای همکاری بهره‌برداری شده، همچنین از هزینه‌های دیوان‌سالاری دور گشته و انگیزه‌های بازار حفظ شود (همان: ۳۸۳).

امروزه بسیاری از شرکت‌ها از هم‌پیمانی راهبردی^۱ استفاده می‌کنند. هم‌پیمانی راهبردی نوعی توافق بین بنگاه‌ها برای یک کاسه کردن برخی منابع و تلاش برای تحقق اهداف متقابل است. همکاری (تعاون) یک ساختار سازمان‌دهی است که در نوشته‌های اقتصاد نهادگرا از آن به «پیوندی» تعبیر می‌شود چون این ساختارها نه بازار هستند نه سلسله‌مراتب، بلکه ساختارهای سازمان‌دهی از نوع تشریک‌مساعی هستند که مؤلفه‌های بازار و سلسله‌مراتب را با هم درمی‌آمیزند. پیوندی‌ها در کشورهای پیشرفته ساختار سازمان‌دهی کاملاً متداول محسوب می‌شوند (همان: ۳۶۵).

طرف‌های قرارداد در پیوندی - در مقایسه با مالکیت یکپارچه بنگاه - از استقلال عمل بیشتری برخوردارند. طرفین هرچند استقلال عمل دارند ولی تا حد زیادی به یکدیگر وابسته‌اند (همان: ۳۸۱). وابستگی متقابل موجب می‌شود یک پیوندی در مقابل مخاطراتی که از عدم تقارن اطلاعات پدید می‌آید، آسیب‌پذیر باشد (همان: ۳۸۶)؛ چراکه هرکدام از طرفین در پیگیری منافع شخصی، انگیزه فرصت‌طلبی و

تخطی از همکاری دارند. در شیوه تنظیم رسمی همکاری بین بنگاه‌ها، اعتماد از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است (همان: ۳۶۶). در یک پیوندی ممکن است بتوان موافقت‌نامه خودتضمین^۱ طراحی کرد که عوامل از آن پیروی می‌کنند، زیرا به نفع همه است. چنین موافقت‌نامه‌ای به سازوکارهای خودتضمین و خودنظارتی^۲ شباهت دارد و در واقع نهادی غیررسمی است که از لحاظ قانونی تضمین شده نیست و به دلیل هنجارهای رفتار درونی شده، نهادهای نانوشته یا سایر قواعد خصوصی تعبیه شده از سوی یک گروه اجتماعی خاص به شکل داوطلبانه رعایت می‌شود، زیرا منافع پایبندی به آن بیشتر از زیان‌های (غالباً ضمنی) نقض مفاد آن است. به عبارتی آن قرارداد طوری طراحی شده تا نقض آن چنان هزینه‌های گزافی بر خاخی تحمیل کند که او را از این کار باز دارد (Rosen, 1985). برخی سازوکارهای خودتضمین و خودنظارتی عبارتند از:

۱. **بیم از زوال حسن شهرت**:^۳ ترس از زوال حسن شهرت در کسب‌وکار روزمره بسیار شایع است. دیگران می‌فهمند که شما شریک قرارداد خود را فریب داده‌اید و با آسیب دیدن حسن شهرت شما، کسب‌وکار یا شغل شما آسیب خواهد دید. از این واقعیت می‌توان دریافت که اهل کسب‌وکار و حتی سایر افراد (از جمله سیاست‌مداران) شاید مایل به نقض یک قرارداد نباشند (گروینوگن، اسپینهوون و دن‌برگ، ۱۳۹۱: ۳۸۳). ارتقای حسن شهرت موجب تضعیف انگیزه‌های رفتار فرصت‌طلبانه شده، به این ترتیب هزینه‌های عقد قرارداد بین بنگاه‌ها را کم می‌کند. در نتیجه در درجه تعیین‌های بزرگ‌تری از سرمایه‌گذاری ضرورت ادغام پیش می‌آید و حسن شهرت می‌تواند مانع از ادغام‌های غیرضرور شود.

1. Self-enforcing Agreements

2. Self-regulating

3. Reputation

۲. **مقابله به مثل**^۱: ممکن است فریب دادن شریک کسب و کار باعث شود او نیز به همین ترتیب عمل کند. این انتظار شاید به جلوگیری از نقض تعهدات طرف‌های قرارداد کمک کند، زیرا هزینه‌های این کار از منافع آن بیشتر است. نظریه بازی‌ها می‌تواند شرح دهد چرا همکاری یا از خودگذشتگی می‌تواند راهبردی تعادلی در مجموعه پویای بازی باشد که به دفعات نامعلوم تکرار می‌شود. گاهی خطر فریب‌کاری در مبادلاتی را که شبیه به معمای زندانی^۲ هستند، می‌توان با راهبرد «مقابله به مثل» برطرف کرد. این راهبرد مصداقی از یک تعادل خودتضمین است. به دلیل آنکه گروه‌ها می‌توانند در شرایط تکرار مبادلات، طرف مقابل را تنبیه کنند^۳ (همان: ۳۹۳).

۳. **منصوب کردن گروه‌های ثالث برای حل و فصل مناقشات و ارزیابی**

عملکرد: این گروه‌های مستقل می‌توانند به‌عنوان واسطه‌ای با قدرت قضاوت اما فاقد ضمانت، یا حتی در جایگاه یک داور عمل کنند که از حق صدور یک حکم التزام‌آور برخوردار است. واسطه مستقل یا داور معمولاً در یک حوزه خاص یا در یک کسب و کار متخصص است که این تخصص او را بسیار داناتر از یک قاضی دادگاهی قرار می‌دهد. این طرف سوم همچنین می‌تواند شعبه‌ای از یک سازمان باشد. همه اهالی کسب و کار که صلاحیتشان تأیید شود، می‌توانند به چنین سازمانی ملحق شوند و این الحاق برای آنها مزیت است، زیرا کیفیت خاص یا تخصیص ویژه عضو جدید را نشان می‌دهد. اگر شخصی با چنین فردی قرارداد ببندد، بیشتر مطمئن می‌شود که با گروه معتبری معامله کرده است. همچنین اگر آن شخص بعداً دریابد که صاحب کسب و کار به وعده‌هایش عمل نکرده است،

1. Reciprocity

2. Prisoner's Dilemma

۳. برای مطالعه شرایط پایداری همکاری در بازی معمای زندانی پویا به عبدلی (۱۳۹۸) رجوع شود.

می‌داند که می‌تواند با موفقیت به آن شعبه از سازمان شکایت کند. درعین حال، صاحب کسب‌وکار هم به دلیل ترس از خروج عضویت در آن شعبه سازمان (و در نتیجه از دست دادن تأیید کیفی خود) انگیزه فریب‌کاری را از دست می‌دهد.

۳. تبیین مفهومی نهاد اجتماع

همه جوامع سعی کرده‌اند نهادهایی تأسیس کنند که در آنها افراد انگیزه معامله با یکدیگر را داشته باشند. انگیزه‌ها در جزئیات متفاوتند، اما همگی یک وجه اشتراک دارند: کسانی که توافقات را بدون علت نقض کنند تنبیه می‌شوند. برای ضمانت اجرایی بخشیدن به توافقات دو روش وجود دارد. یکی اتکا به ضامن اجرای بیرونی و دیگری اتکا به ضمانت اجرای دوطرفه که هر روش به شکل‌گیری نهادی متفاوت می‌انجامد. افراد بنا به ماهیت معامله‌ای که قصد انجام آن را دارند، به یکی از این دو روش متوسل می‌شوند. اصطلاح علمی برای روش اول حاکمیت قانون^۱ و برای دیگری هنجارهای اجتماعی^۲ است. مردم کشورهای ثروتمند اتکای شدیدی به اولی و مردم کشورهای فقیر وابستگی زیادی به دومی دارند (داسگوپتا^۳، ۱۳۸۹: ۵۸).

ویژگی مشترک بازار و دولت این است که هر دو مبتنی بر روابط غیرشخصی هستند. گستره وسیعی دارند که افراد همدیگر را نمی‌شناسند. در بازار با افرادی مبادله می‌کنیم که اصلاً آنها را نمی‌شناسیم. دولت مرکزی نیز برای افرادی تصمیم می‌گیرد که اصلاً آنها را نمی‌شناسد. بازار این امکان را فراهم می‌کند حتی افرادی که همدیگر را نمی‌شناسند و مبادلات تکراری ندارند، با هم مبادله کنند؛ این مزیت بسیار مهم است چراکه موجب توسعه و تعمیق همکاری‌ها و تخصص‌ها می‌شود. اما

1. Rule of Law

2. Social Norm

3. Dasgupta

بازار یک نقطه ضعف دارد: اطلاعات ناقص و رفتار فرصت طلبانه. وقتی دولت در سطح ملی می‌خواهد با مقررات‌گذاری این مشکل را حل کند خودش هم شکست می‌خورد چون همان مشکل بازار (ضعف اطلاعات) را دارد. اما اجتماعات و شبکه‌ها که در آنها روابط شخصی است، می‌توانند مشکل اطلاعات را تا حد خوبی حل کنند. شبکه‌ها برای دسترسی کم‌هزینه به اطلاعات مفید هستند. پس یک مزیت مهم اجتماعات نسبت به بازار و دولت این است که دسترسی به اطلاعات در آنها بسیار ارزان‌تر است. شاید بتوان نهادهای بازار، دولت و اجتماع را به صورت زیر تعریف کرد:

- بازار ساختاری کلی^۱ (غیرشخصی) است که رفتارها و روابط را در قالب سیستم قیمت‌ها و با نیروی محرکه انگیزه مالی کانالیزه می‌کند و نظم می‌دهد.
- دولت ساختاری کلی (غیرشخصی) است که رفتارها و روابط را در قالب قوانین و با نیروی محرکه قدرت نظامی (قوه قهریه) کانالیزه می‌کند.
- اجتماع ساختاری جزئی (شخصی) است که رفتارها و روابط را در قالب هنجارها و با نیروی محرکه انگیزه‌های غیرمالی و ترجیحات اجتماعی (مثل تقابل مثبت و منفی^۲، طرد اجتماعی، شهرت و جایگاه اجتماعی و احترام، نوع دوستی و ...) کانالیزه می‌کند.

مهم‌ترین ویژگی‌های اجتماع که می‌تواند از طریق حل مشکل اطلاعات ناقص و رفتار فرصت طلبانه، شکست‌های بازار و دولت را جبران کند:

- **شخصی بودن روابط**: افراد همدیگر را - ولو با واسطه - می‌شناسند و

۱. اصطلاحات «کلی» و «جزئی» در علم منطق مقصود است.

۲. Positive and Negative Reciprocity: کارترایت (۱۳۹۷) در کتاب *اقتصاد رفتاری* فصلی دارد تحت عنوان «ترجیحات اجتماعی» و در آنجا به معرفی تقابل مثبت و منفی می‌پردازد. در مطالعات آزمایشگاهی با شرایط معمایی زندانی مشاهده شده است که افراد چنانچه با همکاری طرف‌های دیگر مواجه شوند، رفتار همکاری از خود نشان می‌دهند (تقابل مثبت) و چنانچه با عدم همکاری (یا بی‌انصافی) دیگران مواجه شوند حاضرند برای تنبیه کردن آنها حتی هزینه‌هایی را متحمل شوند (تقابل منفی).

اطلاعات مربوط حسن شهرت افراد به سرعت در بین مجموعه منتقل می شود.

نظارت بر عملکرد افراد توسط خود اعضا مقدور و کم هزینه است.

- **توان مقابله به مثل (تقابل مثبت و منفی):** یک اجتماع برای آنکه بتواند

جلوی رفتارهای فرصت طلبانه را بگیرد باید دارای مکانیسم تنبیه اجتماعی باشد.

- دارا بودن فرایند حل اختلاف درونی: در مواردی که اختلافی بر سر محقق

شدن یک رفتار فرصت طلبانه به وجود می آید، باید یک فرایند مشخص و

سریعی وجود داشته باشد که به آن اختلاف رسیدگی شده و در صورت اثبات

رفتار فرصت طلبانه، مکانیسم تنبیه فعال شود.

- **بروز انگیزه های غیر مالی:** درون اجتماعات که روابط شخصی است

انگیزه هایی از قبیل کسب حسن شهرت، ارتقای جایگاه اجتماعی، نیاز به

احترام دیدن و ... بیشتر بروز کرده و تقویت می شوند.

- **بده - بستان اجتماعی:** اجتماعات با داشتن ویژگی هایی که ذکر شد

موجب تسهیل مبادلات غیربازاری (بده - بستان های اجتماعی) می شوند. این

مبادلات ممکن است بدون هیچ گونه قرارداد مکتوب و تعیین قیمت باشند؛

به این صورت که افراد خدماتی را به دیگر اعضا ارائه می دهند به امید اینکه

در آینده آنها جبران کنند.

- **کنترل ورود غریبه ها:** اجتماعات ماهیتاً مبتنی بر روابط شخصی هستند

به همین دلیل تا جایی امکان بزرگ شدن دارند که این ویژگی خود را از

دست ندهند. به همین جهت ورود غریبه ها به اجتماعات محدودیت هایی

خواهد داشت. تکنولوژی هایی از قبیل فضای مجازی و شبکه های اجتماعی

این امکان را فراهم می کنند که اجتماعات بزرگ تری شکل گیرند.

- **التزام‌های گره‌خورده:**^۱ در مواردی که بین اجتماعات مختلف مبادلاتی انجام می‌شود می‌توان از این ویژگی اجتماع بهره برد. این ویژگی زمانی وجود دارد که منافع و هزینه‌های یک التزام (قرارداد) نه فقط به مفاد خود آن التزام بلکه به مفاد التزامی دیگر نیز بستگی داشته باشد. داسگوپتا ضمن معرفی خدمات اعتباری و بیمه‌ای درون نظام‌های مسئولیت جمعی ایتالیا در سده‌های ۱۲ و ۱۳ میلادی، می‌گوید: «با تخطی هریک از طرف‌های معامله از توافق، برخورد جمعی صورت می‌گرفت، به این ترتیب جمعی که طرف آسیب‌دیده بدان تعلق داشت بر جمعی که فرد خاطی عضو آن بود مجازات وضع می‌کرد. در چنین ترتیبی، اجتماعات هستند که به درستکاری و صداقت شهرت می‌یابند نه افراد. با گره زدن روابط به این شیوه، اعضای هر گروه هم‌تراز انگیزه می‌یابند که مراقب یکدیگر باشند. این نهاد هزینه‌های مراقب یکدیگر بودن را برای افراد کاهش می‌دهد» (داسگوپتا، ۱۳۸۹: ۱۰۳). مؤسسه‌های اعتباری خرد از همین ویژگی استفاده کرده و وام‌های گروهی پرداخت می‌کنند؛ به این صورت که هر کدام از اعضای آن گروه نکول کند همه اعضای گروه در گرفتن تسهیلات بعدی به مشکل خواهند خورد. همین انگیزه‌ای می‌شود که اعضای یک گروه مراقب عملکرد همدیگر باشند (بنرجی و دوفلو، ۱۳۹۲: ۲۳۵).

۴. تبیینی از شکست بازار و دولت، و نحوه حل آن با اجتماع

در این قسمت ابتدا تصویر روشنی نسبت به موانع توسعه اقتصادی لازم است تا بتوان با تکامل نهادها زمینه جهش‌های اقتصادی را فراهم کرد. هر نوع شکست بازار دلیلی است برای جامعه تا کندوکاو کند که چگونه سایر نهادها، از قبیل خانوارها،

1. Tied Arrangement

اجتماعات و دولت، می‌توانند امور را بهبود بخشند (داسگوپتا، ۱۳۸۹: ۱۱۱).

براساس مبانی نظری که مطرح شد، می‌توان گفت پاشنه آشیل شکست دولت و بازار (که اتفاقاً نقطه قوت نهاد اجتماع است) عبارت است از: «اطلاعات». هرگاه سازمان‌دهی اقتصادی براساس نهاد اجتماع صورت گیرد، به‌دلیل کاهش اطلاعات نامتقارن، سیطره هنجارهای اجتماعی بر رفتارهای شخصی و فراهم کردن بستر بروز انگیزه‌های غیرمالی، امکان فرصت‌طلبی‌ها و سواری مجانی^۱‌ها به حداقل می‌رسد و از این طریق، هزینه مبادله کاهش می‌یابد. در سازمان‌دهی مبتنی بر نهاد اجتماع، «تصمیم‌گیری» نیز تا جای ممکن به‌صورت محلی و غیرمتمرکز صورت می‌گیرد و همین عاملی مهم در پویایی قاعده‌گذاری‌ها (وضع قواعد متناسب با شرایط و نیازهای محلی) و ضمانت اجرای آنهاست.

بازار با یک مشکل عمده و اساسی در عدم شکل‌گیری همکاری مواجه است که در قالب بازی معمای زندانی^۲ مدل‌سازی می‌شود. در این بازی استراتژی غالب و تعادل نش، «عدم همکاری» است؛ درحالی‌که بهینه پارتو، «همکاری» است و همکاری افراد موجب حداکثر شدن منافع جمعی می‌شود. علت چنین پدیده‌ای این است که همه می‌خواهند از همکاری دیگران سواری مجانی بگیرند یا از آنها سوءاستفاده کرده و با زیان زدن به دیگران منافی را نصیب خود کنند. این مشکل را می‌توان به دو نوع مشکل اسارت و سواری مجانی (و آثار بیرونی منفی) طبقه‌بندی کرد. مشکل اسارت در مواردی است که زمینه رفتار فرصت‌طلبانه به‌دلیل تعیین سرمایه‌گذاری وجود دارد. در این گونه موارد به‌دلیل پدیده قراردادهای ناقص و هزینه مبادله زیاد، یا مبادله

1. Free-riding

۲. تعارض نفع شخصی و نفع جمعی در قالب بازی معمای زندانی مدل‌سازی شده است. در این بازی، تعادل نش - که نمادی از خروجی بازار مبتنی بر دنبال کردن نفع شخصی است - با بهینه اجتماعی منطبق نیست. درحالی‌که افراد می‌توانند با همکاری کردن منافع تک‌تک افراد را افزایش دهند، ولی به‌دلیل فرصت‌طلبی و سوءاستفاده از همکاری و اعتماد دیگران، استراتژی همکاری را انتخاب نمی‌کنند.

انجام نمی‌گیرد (فقدان بازار)^۱، یا برای ضمانت اجرای قرارداد مبادله با هزینه بسیار زیاد انجام می‌گیرد و یا اینکه ادغام درون یک بنگاه صورت می‌گیرد. مشکل سواری مجانی در مواردی است که کالای عمومی^۲ (با ویژگی تفکیک‌ناپذیری)^۳ مدنظر باشد. آثار بیرونی منفی در خصوص منبع مشترک رخ می‌دهد که به بهره‌برداری بیش از حد از منبع و در نتیجه نابودی آن منبع منجر می‌شود که به آن فاجعه مشاعات گفته می‌شود. سواری مجانی و آثار بیرونی منفی دو روی یک سکه هستند چراکه اولی مانع ایجاد یا افزایش یک منبع مشترک می‌شود و دومی موجب تخریب و نابودی یک منبع مشترک می‌شود (با این تفاوت که کالای عمومی رقابت‌پذیر^۴ نیست اما منبع مشترک رقابت‌پذیر است).

در حالتی که فعالان اقتصادی مستقل باشند، انگیزه‌ها بالاست اما در مواردی که منافع شخصی در تعارض با منافع جمعی قرار می‌گیرند و زمینه مشکل اسارت و فرصت‌طلبی به وجود می‌آید، عدم اعتماد مانع از تعمیق همکاری‌ها می‌شود. وقتی برای حل این مشکل، ادغام صورت می‌گیرد در واقع مالکیت مشترک پدید می‌آید و شخصیت‌های مستقلی وجود ندارند که برای حداکثر کردن سود شخصی خود مرتکب رفتار فرصت‌طلبانه شوند. اما مشکل جدیدی که ایجاد می‌شود از نوع مشکلاتی است که برای منبع مشترک وجود دارد؛ به این صورت که از طرفی، شرکای جدید انگیزه سواری مجانی دارند و انگیزه تلاش برای افزایش این منابعی که به اشتراک گذاشته شده است، را ندارند. از طرف دیگر، این انگیزه وجود دارد که منابعی که مشترک شده است را تا جایی که می‌توانند در راستای منافع شخصی خود مورد استفاده قرار دهند

1. Market Absence

2. Public Goods

3. Non-exclusiveness

4. Rival

که گونه‌ای از فاجعه مشاعات است. در واقع وقتی با هدف حل مشکل اسارت، ادغام صورت می‌گیرد، نوع دیگر مشکل بروز می‌کند که همان سواری مجانی و آثار بیرونی منفی است. این عدم انگیزه تلاش و انگیزه مصادره منابع مشترک، هم در ادغام از نوع بنگاه وجود دارد، هم در دولت. می‌توان گفت این پدیده انتقال از یک نوع مشکل به نوع دیگر مشکل، بیان دیگری از پاندول بین بازار و دولت است. هرچند بازار مزیت انگیزه بالا و رقابت دارد ولی با شکست از ناحیه رفتارهای فرصت‌طلبانه روبه‌رو است؛ از این جهت بنگاه‌ها و دولت با مشترک کردن مالکیت سعی در حل این مشکل دارند؛ اما مشاهده می‌شود که اینها با کاهش انگیزه روبه‌رو می‌شوند.

یک راهکار برای خارج شدن از این پاندول دوگانه، استفاده از ظرفیت اجتماعات است. اجتماع، نهادی است که مبتنی بر روابط شخصی (دسترسی آسان به اطلاعات) است. اجتماع رفتارها را با هنجارها کانالیزه می‌کند و ضمانت اجرای آن نیز با پاداش و تنبیه اجتماعی (تقابل مثبت و منفی) صورت می‌گیرد. در مواردی که مشکل اسارت وجود دارد، نظریه هزینه مبادله ویلیامسون نشان می‌دهد که سازمان‌دهی پیوندی که چیزی بین بازار و ادغام (بنگاه) است، می‌تواند مانع از ادغام‌های غیر ضرور شود. رویکرد میانه، سازمان‌دهی پیوندی است که استقلال فعالان اقتصادی حفظ می‌شود (نه اینکه کاملاً در هم ادغام شوند) اما تا حدودی منافع خود را به هم‌گره می‌زنند و منابع خود را یک کاسه می‌کنند و از طریق هنجارهای اجتماعی، رفتارهای فرصت‌طلبانه را تنبیه و کنترل می‌کنند. در سازمان‌دهی پیوندی اساس ضمانت اجرای قراردادها بر اعتماد و سرمایه اجتماعی (نهاد اجتماع) است. در جوامعی مثل آمریکا که اعتماد پایین باشد ادغام‌ها بیشتر خواهند بود ولی در جوامعی مثل ژاپن که اعتماد بیشتر است، ادغام‌ها کمتر و سازمان‌دهی‌های پیوندی فعال خواهند بود (دایر، ۱۳۸۷). پس نهاد اجتماع می‌تواند با رفع مشکل اسارت زمینه همکاری را

فراهم کند، بدون آنکه لازم باشد ادغام انجام شود و مشکل افت انگیزه‌ها رخ دهد. از طرفی وقتی در شرایطی مشکل آثار بیرونی منفی و فاجعه مشاعات وجود داشته باشد مطالعات گسترده اوستروم نشان داده است که اجتماعات می‌توانند در مواردی (که اصول اوستروم برقرار باشد) کاراتر از بازار و دولت عمل کنند. این را می‌توان به شرایط کالای عمومی نیز تعمیم داد؛ یعنی می‌توان جهت تولید کالای عمومی برای مجموعه‌ای از افراد محدود، از نهاد اجتماعات بهره گرفت. از آنجایی باید مجموعه‌ای از افراد محدود باشند که هم بتوانند از طریق تبادل سریع اطلاعات افراد خاطی را شناسایی و تنبیه کرده، هم اینکه مانع از سواری مجانی غریبه‌ها شوند.

۵. توزیع عادلانه‌تر درآمد از طریق ساختار اقتصادی غیرمتمرکز

نهاد اجتماع این قابلیت را داراست که هم شئون حاکمیتی (قانونگذاری، اجرا، نظارت، حل اختلاف و جریمه متخلفان) طبق اصول اوستروم به آن تفویض شود، هم اینکه بستر مشارکت در تولید و کاهش اجیر شدن را فراهم کرده و به عدم تمرکز تصمیم‌گیری در اقتصاد کمک کند. دایر^۱ (۱۳۸۷) با به‌کارگیری چارچوب هزینه‌های مبادله، نشان می‌دهد که بنگاه‌های آمریکایی عمدتاً برای تسهیل مبادلات خود به بازارها و سلسله‌مراتب متکی هستند، در حالی که بنگاه‌های ژاپنی بیشتر به حاکمیت شرکتی «پیوندی» یا هم‌پیمانی توجه می‌کنند. طبق این یافته‌ها، بنگاه‌های ژاپنی به دلیل نوع پیوندی خود توانسته‌اند کارآمدتر از هم‌تایان آمریکایی خود باشند. پیوندهایی که بنگاه‌های ژاپنی از آن استفاده می‌کنند تقریباً همه مزایای سلسله‌مراتب را دارد، بدون آنکه دچار معایب آن (از قبیل فقدان نظم بازار، فقدان انعطاف‌پذیری، افزایش هزینه‌های نیروی کار) باشد.

1. Dyer

طبق آمار بانک جهانی (۲۰۱۹) درصد خوداشتغالی^۱ (خویش‌فرمایی) در کشورهای با درآمد بالا و کشور آمریکا به ترتیب برابر ۱۲/۴ و ۶/۱ درصد از کل نیروی کار آنهاست. این آمار نشان می‌دهد که واقعیت این اقتصادها را سازمان‌دهی بازاری (در تقسیم‌بندی ویلیامسون) شکل نداده است بلکه عمدتاً به صورت بنگاه‌های بزرگ سلسله‌مراتبی سازمان‌دهی می‌شوند. اقتصاد ژاپن به دلیل سرمایه اجتماعی بیشتر نسبت به اقتصاد آمریکا، کمتر دچار ادغام‌های عمودی و افقی شده است و نسبت بنگاه‌های کوچک تخصصی در آن بیشتر است. درصد نیروی کار شاغل در شرکت‌های بزرگ (بیش از ۵۰۰ کارمند) در آمریکا و ژاپن به ترتیب برابر با ۶۱/۵ و ۲۱/۶ درصد است. سهم این شرکت‌های بزرگ از کل تولید ملی آمریکا و ژاپن به ترتیب برابر با ۷۱/۹ و ۳۵/۴ درصد است. مشاهده می‌شود که در کشور آمریکا، حدود ۶۰ درصد نیروی کار در استخدام شرکت‌های بزرگی است که سهم آنها از تولید آمریکا بیش از ۷۰ درصد است؛ و تنها ۶ درصد نیروی کار آمریکا به استخدام بنگاه‌ها در نیامده‌اند و به صورت خویش‌فرمایی فعالیت می‌کنند.

کارمندان دولت و کارگران شرکت‌های بزرگ، دچار افت انگیزه در ساختار سلسله‌مراتبی می‌شوند. در نظام اقتصادی که عمده تصمیمات اقتصادی در سلسله‌مراتب دولت و بنگاه‌های بزرگ صورت می‌گیرد، فقط تعداد اندکی از اعضای جامعه هستند که در نقش‌های سیاستگذاران و کارآفرینان، عمده بار تصمیم‌گیری‌ها را به عهده گرفته‌اند. در چنین شرایطی، این عده اندک مدعی سهم زیادی از ثروت تولیدی جامعه هستند و از قدرت تصمیم‌گیری خود برای منافع شخصی بهره می‌برند. در چنین ساختار ناقصی، اکثریت اعضای جامعه به صورت واقعی درگیر حل مسائل کشور نمی‌شوند، ریسکی را تحمل نمی‌کنند و دستمزد ثابت می‌گیرند. بنابراین

1. Self-employed

طبیعی است که حداقل دستمزدها را دریافت کنند و خروجی چنین نظامی، توزیع بسیار نابرابر باشد.

نهاد اجتماع، با کاهش معضل اطلاعات نامتقارن و فرصت‌طلبی، امکان بسیاری از مشارکت‌ها و توزیع ریسک‌ها را فراهم می‌آورد. هرچه اقتصاد از حالت بنگاه‌های بزرگ (که اکثریت نیروی فعال را اجیر خود کرده باشد) به سمت بنگاه‌های کوچک تخصصی و خویش‌فرمایی بیشتر نیروی کار تغییر شکل دهد، هم به مردم‌سالاری اقتصادی نزدیک‌تر خواهد بود، هم درآمد به صورت عادلانه‌تری توزیع خواهد شد. حل مسئله نابرابری از این طریق، کارآمدتر از دولت‌های رفاه است چراکه در شرایطی که عمده ریسک تولید برعهده کارفرماست، تلاش برای افزایش مالیات بر سود، افزایش نرخ بیمه و دستمزد کارگران و سایر محدودیت‌ها، شرایط کارفرما را سخت‌تر خواهد کرد و این می‌تواند موجب بیکاری و رفاه کمتر کارگران شود.

از مطالبی که ذکر شد می‌توان این نتیجه‌گیری را داشت که نظام اجتماعی حاکم بر هر کشور می‌تواند تأثیر بسیار جدی بر کارایی اقتصادی آن کشور داشته باشد. در کشوری که فرهنگ فردگرایی افراطی حکم‌فرما باشد، سازمان‌دهی اقتصادی آن کشور لاجرم در بن‌بست دوگانه دولت و بازار متوقف خواهد ماند. افرادی که صرفاً در قالب یک اجتماع ملی به هم مرتبط شوند و اجتماع‌های محلی خود را از دست داده باشند، فعالیت‌های اقتصادی خود را یا باید از طریق بازار سامان‌دهی کنند یا از طریق دولت فراگیر. برای آنکه بتوان از مزایای نهاد اجتماع در کنار نهادهای بازار و دولت بهره‌مند شد، باید سیاستگذاران هر کشور بسترهای لازم را در جهت شکل‌گیری انواع اجتماع‌های محلی فراهم آورد. یکی از اصول اوستروم این است که حاکمیت مرکزی، اجتماع‌های محلی را به رسمیت بشناسد و بخشی از اختیارات خود را در زمینه قانونگذاری، نظارت، حل اختلاف و حتی جریمه کردن متخلفان به آنها تفویض کند.

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مدعای اصلی مقاله حاضر این بوده است که هنجارهای اجتماعی، پیوندهای اجتماعی، شبکه‌ها و سرمایه اجتماعی (به تعبیر دیگر نهاد اجتماع) در بسیاری موارد می‌توانند مکملی برای بازار، بنگاه و دولت باشند و شکست‌های آنها را جبران کنند. جهت اثبات این مدعا به نظریه‌ها و شواهدی اشاره شد از جمله مطالعات اوستروم، نظریه ویلیامسون، برخی مطالعات آزمایشگاهی انجام شده در اقتصاد رفتاری‌ها و برخی شواهد که این نظریه‌ها را تأیید می‌کردند. در انتها، مبتنی بر آن مبانی نظری و تبیینی که از مفهوم نهاد اجتماع ارائه شد، تحلیلی از شکست‌های بازار و دولت و نحوه رفع آن شکست‌ها با اجتماعات، پرداخته شد.

بازار با مشکل عمده و اساسی در عدم شکل‌گیری همکاری مواجه است که در قالب بازی معمای زندانی مدل‌سازی می‌شود. در این بازی استراتژی غالب و تعادل نش، «عدم همکاری» است؛ درحالی‌که بهینه پارتو، «همکاری» است و همکاری افراد موجب حداکثر شدن منافع جمعی می‌شود. علت چنین پدیده‌ای این است که همه می‌خواهند از همکاری دیگران سواری مجانی بگیرند. از مصادیق معمای زندانی می‌توان کالای عمومی و منابع طبیعی مشترک را نام برد. همچنین از عوامل عمده افت انگیزه‌ها و ناکارآمدی‌ها در سازمان‌دهی‌های مبتنی بر سلسله‌مراتب از قبیل بنگاه و دولت، ماهیت اشتراکی بودن آنها است؛ تا زمانی که تلاش برای بهبود عملکرد این سازمان‌ها دارای هزینه‌های شخصی اما منافع مشترک و جمعی باشد، به‌دلیل سواری مجانی، انگیزه کم‌کاری وجود دارد؛ همچنین هر فردی تلاش می‌کند که از دارایی‌های مشترکی که در سازمان وجود دارد در راستای حداکثر کردن نفع شخصی خود بهره‌برداری کند، چراکه منافع آن شخصی اما هزینه‌های آن جمعی خواهد بود. نهاد اجتماع به‌دلیل گردش اطلاعات وسیع، هنجارها و کنترل‌های اجتماعی و قابلیت

بروز انگیزه‌های غیرمالی، قادر است در شرایط معمای زندانی، افراد را به همکاری بیشتر، رفتارهای فرصت‌طلبانه کمتر و نزدیک شدن به بهینه اجتماعی ترغیب کند. با توجه به اهمیت تقویت نهاد اجتماع در کنار اهمیت ارتقای کیفیت نهادهای بازار و دولت، لازم است بیش‌ازپیش بر تقویت پیوندهای اجتماعی و جلوگیری از اضمحلال آنها همت گماشت؛ چراکه گونه‌های افراطی رویکردهای دولت‌گرا و بازارگرا قادرند با ایجاد موانع در مسیر نقش‌آفرینی اجتماعات مختلف در اقتصاد ایران، زمینه را برای زوال تدریجی این نهاد مهم فراهم آورد. ایران با توجه به ریشه‌های فرهنگی و دینی که دارد می‌تواند از سرمایه اجتماعی بسیار بالایی برخوردار باشد. از جمله اقدام‌ها و راهبردهایی که می‌توان در این راستا تعریف کرد عبارتند از:

- مطالعه انواع گونه‌های گروه‌های اجتماعی موجود در ایران که به‌نحوی درگیر بخشی از مسائل عمومی کشور بوده‌اند، از جمله: گروه‌های جهادی (در زمینه‌های مختلف بهداشت و درمان، عمران، فرهنگ و ...)، سازمان‌های مردم‌نهاد (NGO)، گروه‌های خانوادگی، قومی و محلی. مهم‌ترین گروه‌های اجتماعی که می‌توانند در عرصه اقتصادی ایران نقش‌آفرینی کنند، گونه‌هایی هستند که درون فرهنگ خاص ایرانی-اسلامی این کشور ایجاد شده‌اند. به‌نظر می‌رسد تلاش‌های گذشته در زمینه فراهم کردن نقش‌آفرینی نهادهای مردمی، عمدتاً ناظر به نمونه‌های خارجی بوده از قبیل تعاونی‌ها. درحالی‌که باید تمرکز اصلی بر مطالعه گونه‌های داخلی و طراحی سازوکارهایی برای نقش‌آفرینی منسجم‌تر و کارآمدتر آنها صورت گیرد.
- آسیب‌شناسی تلاش‌های گذشته برای استفاده از ظرفیت مردمی در حکمرانی از قبیل شوراهای دهیاری‌ها، سرای محله، اصناف، اتحادیه‌ها و کانون‌های مختلف حرفه‌ای و ... قطعاً نقش‌آفرینی کارای نهادهای مردمی در حکمرانی و

مسائل عمومی علاوه بر برنامه‌ریزی، نیازمند دقت در اجرای صحیح برنامه‌ها نیز است؛ پس چنانچه عملکرد برخی از نهادهای مردمی مطلوب نبوده است، هم می‌تواند به‌دلیل طراحی ناقص سازوکار نقش‌آفرینی آنها و هم به‌دلیل نقص در پیگیری‌های اجرایی مورد نیاز باشد.

- آسیب‌شناسی تعاونی‌ها (به‌عنوان یکی از مصادیق جهانی حضور ارزش‌ها و پیوندهای اجتماعی در عرصه اقتصادی) در کشور و تلاش در جهت تقویت و بهبود عملکرد آنها متناسب با چشم‌انداز تعاونی‌ها در قانون اساسی و اسناد بالادستی کشور.
- تغییر رویکرد دولت از خصوصی‌سازی مبتنی بر سرمایه‌داری و بازار آزاد به مردمی‌سازی مبتنی بر نهاد اجتماع.

منابع و مآخذ

۱. اوانز، پی‌تر (۱۳۸۰). توسعه یا چپاول: نقش دولت در تحول صنعتی، ترجمه عباس زندباف و عباس مخبر، تهران، طرح نو.
۲. بانک جهانی (۲۰۱۹). «آمار خوداشتغالی»، <https://data.worldbank.org/indicator/SL.EMP.SELF.ZS>
۳. بشیری، ندا (۱۳۸۸). «اولیور ویلیامسون برنده نوبل ۲۰۰۹ اقتصاد»، ماهنامه بورس، ش ۸۸.
۴. بنرجی، آب هیئت و استر دوفلو (۱۳۹۲). اقتصاد فقیر: بازاندیشی بنیادین در شیوه مبارزه با فقر جهانی، ترجمه جعفر خیرخواهان و مهدی فیضی، تهران، انتشارات دنیای اقتصاد.
۵. خیرخواهان، جعفر (۱۳۸۸). «نوبل اقتصادی برای مبدع خودحکمرانی نهادهای مردمی»، روزنامه دنیای اقتصاد، ش ۱۹۲۰.
۶. داسگوپتا، پارتا (۱۳۸۹). اقتصاد، ترجمه جعفر خیرخواهان، تهران، نشر ماهی.
۷. دایر، جفری (۱۳۸۷). «آیا نحوه حاکمیت شرکتی اهمیت دارد؟ هم‌پیمانی و تعیین دارایی‌ها در نظام کایرتسو به‌مثابه ریشه‌های مزیت رقابتی ژاپنی‌ها»، ترجمه اصلان قودجانی، اقتصاد سیاسی، سال سوم، ش ۷ و ۸.
۸. شاکری، عباس (۱۳۹۳). «وضعیت نظام ارزی در ایران»، نشریه مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبایی، ش ۳۰۲.
۹. _____ (۱۳۹۷/۶/۲۵). «آدرس‌های غلط و مسئولیت‌گریزی‌های زندانه: نگاهی به شوک درمانی در بحران‌سازی نقدینگی»، مؤسسه مطالعات دین و اقتصاد.
۱۰. شریف‌زاده، محمدجواد و الیاس نادران (۱۳۸۹). «ضرورت مطالعات میان‌رشته‌ای و افق‌های نوین در مطالعات حقوق و اقتصاد در اسلام (موردکاوی قضیه کوز، هزینه‌های مبادله)»، مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، سال دوم، ش ۳ (پیاپی ۷).
۱۱. صفشکن، محدثه و فرشاد مؤمنی (۱۳۹۵). «دور باطل رکود تورمی در ایران از منظر اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی»، مجله راهبرد، سال بیست‌وسوم، ش ۸۷.
۱۲. عبدلی، قهرمان (۱۳۹۸). نظریه بازی‌ها و کاربردهای آن (بازی‌های ایستا و پویا با اطلاعات کامل)، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.

نهاد اجتماع به‌مثابه سازمان‌دهی اقتصادی ورای دوگانه بازار و دولت _____ ۲۹۳

۱۳. قنادان، محمود (۱۳۹۱). *جوایز نوبل اقتصاد*، تهران، دانشگاه تهران.
۱۴. کارت رایت، ادوارد (۱۳۹۷). *اقتصاد رفتاری*، ترجمه فه‌رمان عبدلی و سیدحسین میرشجاعیان حسینی، تهران، انتشارات دنیای اقتصاد.
۱۵. گروینوگن، جان، آنتون اسپیت‌هون و آنتون دن برگ (۱۳۹۱). *مقدمه‌ای بر اقتصاد نهادگرایی*، ترجمه اص‌لان قودجانی، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۱۶. گریف، اونر (۱۳۸۵). «نهادها و تجارت بین‌الملل: آموزه‌های انقلاب تجاری»، ترجمه رضا مجیدزاده، *اقتصاد سیاسی تحول همه‌جانبه*، سال اول، ش ۳.
۱۷. مؤمنی، فرشاد (۱۳۹۲). «بررسی دو راهکار کلان برای اصلاح اقتصاد کشور؛ اهمیت حقوق مالکیت و ثبات در خصوصی‌سازی»، *نامه اتاق بازرگانی*، سال هش‌تادوپنجم، ش ۸۱.
۱۸. _____ (۱۳۹۷/۷/۲۸). «ارزیابی دکتر فرشاد مؤمنی از پاسخ دکتر مسعود نیلی به مقاله عباس شاکری»، مؤسسه مطالعات دین و اقتصاد،
<http://www.ires.ir/Contents/ContentDetails.aspx?CID=523>
۱۹. مؤمنی، فرشاد و شیمیا حاجی نوروزی (۱۳۹۶). «اقتصاد سیاسی خصوصی‌سازی همراه با فساد»، *پژوهشنامه اقتصادی* (دانشگاه علامه طباطبایی)، ش ۶۷.
۲۰. میدری، احمد (۱۳۹۱/۸/۱۱). «تأمل در اقتصاد ایران: بازارگرایی واقعی و بازارگرایی تخیلی»، روزنامه *دنیای اقتصاد*، ش ۲۷۷۶.
۲۱. نصیری‌اقد‌م، علی و زینب مرتضوی‌فر (الف) (۱۳۹۰). «بررسی نقش تشکل‌های بخش خصوصی در بهبود محیط کسب‌وکار»، *مجلس و راهبرد*، ش ۶۵.
۲۲. _____ (ب) (۱۳۹۰). «نقش تشکل‌های بخش خصوصی در تنظیم امور اقتصادی: آسیب‌شناسی گذشته و مسیر آینده»، *مجلس و راهبرد*، ش ۶۸.
۲۳. نیلی، مسعود (۱۳۹۴). «راز ماندگاری تورم افسارگسیخته»، *تازه‌های اقتصاد*، ش ۱۴۵.
۲۴. _____ (۱۳۹۷/۷/۲۱). «یک پاسخ به حمله‌های بی‌شمار»، *روزنامه دنیای اقتصاد*، ش ۴۴۴۶.

26. Balliet, Daniel (2010). "Communication and Cooperation in Social Dilemmas: A Meta-analytic Review", *Journal of Conflict Resolution*, Vol. 54, Iss. 1.
27. Bresser-Pereira, L.C. (2010). "The 2008 Financial Crisis and Neoclassical Economics", *Revista de Economia Política*, 30 (1).
28. Coase, R.H. (1937). "The Nature of the Firm", *Economics*, 4 (16).
29. Cumbers, A., R. McMaster, S. Cabaço and M.J. White (2020). "Reconfiguring Economic Democracy: Generating New Forms of Collective Agency, Individual Economic Freedom and Public Participation", *Work, Employment and Society*, 34 (4).
30. Hahnel, Robin (2005). *Economic Justice and Democracy: From Competition to Cooperation*, New York, Routledge.
31. Keech, W.R. and M.C. Munger (2015). "The Anatomy of Government Failure", *Public Choice*, 164 (1).
32. Krueger, A.O. (1990). "Government Failures in Development", *Journal of Economic perspectives*, 4 (3).
33. North, D.C. (1994). "Economic Performance Through Time", *The American Economic Review*, 84 (3).
34. Pressman, Steven (2006). *Fifty Major Economists*, New York and London, Routledge.
35. Prinos, I. and J. Manley (2022). "The Preston Model: Economic Democracy, Cooperation, and Paradoxes in Organisational and Social Identification", *Sociological Research Online*.
36. Rosen, S. (1985). "Implicit Contracts: A Survey", *Journal of Economic Literature*, 23 (3).
37. Stiglitz, D. Joseph (2009). "Moving Beyond Market Fundamentalism to a More Balanced Economy", *Annals of Public and Cooperative Economics*, 80 (3).
38. Williamson, O.E. (1991). "Comparative Economic Organization", *Administrative Science Quarterly*, 36 (2).
39. Winston, Clifford (2006). *Government Failure Versus Market Failure: Microeconomics Policy Research and Government Performance*, Washington, D.C.: Brookings Institution Press.

بررسی روند تولیدات علمی در روش تصمیم‌گیری جمعی در پایگاه وب‌آوساینس

سیدمحسن میرباقری،^{*} عطاءاله رفیعی آتانی^{**} و محمدرضا پارسانژاد^{***}

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۰۷	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۷	شماره صفحه: ۲۹۵-۳۳۱
-------------------	--------------------------	-------------------------	---------------------

این مقاله به ارزیابی روند تحقیقات منتشر شده در روش تصمیم‌گیری جمعی به‌عنوان یکی از روش‌های بسیار کاربردی در زمینه‌های مختلف مخصوصاً حکمرانی مشارکتی، با استفاده از تجزیه و تحلیل هم‌واژگانی می‌پردازد. این تحلیل امکان بررسی وسیع مباحث اصلی حوزه تحقیق را با مطالعه انتشارات و استنادها و با ترکیب سنج‌ها و تعیین روند موضوعی حاکم بر تصمیم‌گیری فراهم می‌کند. این مقاله با رویکرد کمی و با استفاده از فنون علم‌سنجی به بررسی تولیدات علمی در حوزه تصمیم‌گیری جمعی تا آگوست ۲۰۲۲ (۵۳ سال گذشته) در پایگاه وب‌آوساینس به‌عنوان پایگاه داده مرجع می‌پردازد. در این پژوهش از نرم‌افزار VOSviewer و اکسل برای تحلیل داده‌ها و نمایش نمودارها استفاده شده و میزان پراکندگی انتشارات در بین کشورهای مختلف و نحوه توزیع آنها در مجلات معتبر بررسی شده است. با بررسی ۱۴۹۴ انتشار در حوزه تحقیق، ۵۱۷۳ کلمه کلیدی یافت شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد تعداد انتشارات در این حوزه طی سالیان گذشته سیر بسیار صعودی داشته و از سال ۱۹۷۴ کلمات کلیدی منتشر شده در این حوزه از حشرات (مانند زنبور و مورچه) در سال‌های نزدیک به ۲۰۲۰ به حوزه انسانی (مانند حکمرانی، مشارکت، هماهنگی و همکاری) تبدیل شده است. هم‌اکنون به‌دلیل چالش‌های متعدد نظام‌های حکمرانی جهان در اداره کارآمد جامعه و تنش‌ها و اختلالاتی که در روابط بین مردم و دولت‌ها ایجاد شده است، حکمرانی مشارکتی مورد توجه زیاد جامعه علمی قرار گرفته است. یافته‌ها نیز نشان‌دهنده به‌کارگیری تصمیم‌گیری جمعی به‌عنوان روشی مهم در حکمرانی مشارکتی است.

کلیدواژه‌ها: تصمیم‌گیری جمعی؛ حکمرانی مشارکتی؛ تحلیل هم‌واژگانی؛ رصد روندهای تحقیق

* پسادکتری رشته سیاستگذاری علم و فناوری، دانشکده مدیریت، اقتصاد و مهندسی پیشرفت، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران؛
Email: sm_mirbaghyeri@pgrre.iust.ac.ir

** استادیار گروه اقتصاد، دانشکده مدیریت، اقتصاد و مهندسی پیشرفت، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛
Email: rafieiatani@iust.ac.ir

*** استادیار گروه مدیریت، دانشکده مدیریت، اقتصاد و مهندسی پیشرفت، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران؛
Email: parsanejad@iust.ac.ir

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال سی و یکم، شماره یکصد و هجدهم، تابستان ۱۴۰۳

doi: 10.22034/MR-2023.5520.5251

مقدمه

تصمیم‌گیری جمعی زیرمجموعه رفتار جمعی است که به چگونگی رسیدن به تصمیم‌گیری در جمع مربوط است و تقریباً همه جنبه‌های رفتار را می‌توان در یک تصمیم‌گیری در نظر گرفت (Bosel, Reinal and Marshall, 2017). در تصمیم‌گیری جمعی، سعی می‌شود نظر ذی‌نفعان اخذ شود (حتی افرادی که به‌صورت مستقیم در تصمیم‌گیری شرکت ندارند) و با جمع‌بندی نظرها به تصمیم واحد رسید (Prigozhin, 1991). جمع‌ها^۱ می‌توانند ساختارهای پیچیده‌ای داشته باشند و شامل اشخاص، گروه‌ها و حتی شبکه‌های اجتماعی بسیار بزرگ‌تر شوند (Dionne, Sayama and Yammarino, 2019).

فرایند تصمیم‌گیری جمعی را می‌توان این‌گونه تعریف کرد که در آن: ۱. دو یا چند نفر وجود دارند که هریک از آنها ادراک، نگرش‌ها، انگیزه‌ها و شخصیت‌های خاصی دارند، ۲. کسانی که وجود مشکل مشترک را تشخیص می‌دهند و ۳. برای رسیدن به یک تصمیم جمعی تلاش می‌کنند (Bui and Co-op, 1987). تصمیم‌گیری جمعی موضوع اصلی نه‌فقط در اقتصاد، سیاست‌گذاری، قانونگذاری و نظریه انتخاب عمومی است، بلکه در ارتباطات، علوم کامپیوتر، یادگیری ماشین، نظریه بازی و نظریه کنترل نیز مطرح است (Parrondo, 2007).

تصمیم‌گیری جمعی به‌طور فزاینده تأثیر مهمی در جامعه و فضای حکمرانی دارد (Dionne, Sayama and Yammarino, 2019). نکته قابل توجه اینکه، رهبران الهام‌بخش (کاریزما) از شیوه جمعی برای هدایت و متحد کردن افراد جامعه استفاده می‌کنند (McHugh et al., 2016). این شیوه را حکمرانی مشارکتی می‌نامند. حکمرانی مشارکتی یک رویکرد از نظریه حکمرانی است که بر مشارکت مردمی،

از روش‌های مختلف به‌ویژه با تصمیم‌گیری جمعی تأکید می‌کند و به‌دنبال تعمیق مشارکت شهروندان در فرایندهای حکمرانی است (Fischer, 2012). جاری ساختن این رویکرد در نظام‌های حکمرانی در جهان امروز امری گریزناپذیر است؛ چراکه خصلت اجتماعی ساختار جامعه امروزی به‌گونه‌ای است که بدون مشارکت و همراهی مردم در حکمرانی، نمی‌توان به اجرای موفق طرحی امیدوار بود (Prigozhin, 1991). عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری جمعی عبارتند از: تعصب درون گروه یا جمع، پیشینه ذهنی و تخصص اعضا، فرهنگ افراد، تعداد اعضا، ساختار سازمانی، رفتار و تصمیمات سایر اعضا، اولویت‌های دیگران، جایگاه فرد در جمع، نفوذ و لابی در جمع (Dionne, Sayama and Yammarino, 2019). البته، عوامل بیشتری در تصمیم‌گیری جمعی تأثیرگذارند که تجمیع نظر متنوع فردی را دشوار می‌سازد و به میزانی که تعداد تصمیم‌گیران افزایش یابد، پیچیدگی فرایند تصمیم‌گیری جمعی نیز افزایش می‌یابد (Van Deemen and Rusinowska, 2010).

اگرچه هر متخصص در این زمینه می‌تواند نقاط ضعف و قوت مختلف حوزه تحقیق را کشف و تجزیه و تحلیل کند، اما بدیهی است که حجم بالای اسناد تحقیقاتی که در دسترس هستند، این امر را دشوار و وقت‌گیر می‌کند. بنابراین استفاده از ابزارهای پشتیبانی علمی برای کشف ساختار مفهومی یک منطقه مورد مطالعه، ارزشمند و ضروری است. تجزیه و تحلیل نقشه‌برداری علمی یک روش کتاب‌شناسی^۱ قدرتمند برای مطالعه ساختار مفهومی در زمینه تحقیق خاص است (Cobo et al., 2017). این تحقیق در مورد ساختار زمینه‌های علمی، موضوعی است که توجه جامعه علمی را به خود جلب می‌کند، زیرا این امر به فراهم آوردن پایه‌ای برای پیشرفت‌های آینده کمک می‌کند و درک جدیدی براساس دانش قبلی فراهم می‌کند.

هدف اصلی این تحقیق، انجام تحلیل هم‌رخدادی واژگان و نقشه‌برداری مفهومی^۱ از علوم تحقیقات انجام شده در منطقه مورد مطالعه تصمیم‌گیری جمعی است. بر این اساس، ابتدا به ادبیات و پیشینه تحقیق و سپس روش‌شناسی استفاده شده در مقاله پرداخته می‌شود. توضیحاتی در خصوص تحلیل هم‌رخدادی کلمات و مراحل آن و همچنین نحوه جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل فراوانی کلمات کلیدی آورده می‌شود. در ادامه نتایج حاصل از نقشه‌برداری علمی منطقه تحقیقاتی تصمیم‌گیری جمعی در قالب تجزیه و تحلیل خوشه‌ای، هم‌زمانی کلمات کلیدی و تراکم کلمات کلیدی ارائه می‌شود و در پایان نیز مباحث مطرح شده جمع‌بندی و نتیجه‌گیری می‌شود.

به دلیل اهمیت این حوزه دانشی، تاکنون مقالات متعددی نوشته شده است، مثلاً وانگ و همکاران^۲ (۲۰۲۱) یک تحلیل کتاب‌سنجی از تصمیم‌گیری گروهی نامشخص در چهار دهه گذشته انجام می‌دهند. هرادیو و همکاران^۳ (۲۰۲۰) نیز یک تحلیل کتاب‌سنجی از ادبیات منتشر شده در زمینه تصمیم‌گیری گروهی براساس هوش مصنوعی گزارش می‌دهند و تأثیر و روند روبه‌رشد انتشار را در این موضوع نشان می‌دهند و مؤلف‌ترین نویسندگان، مؤسسه‌ها و کشورها را شناسایی می‌کنند.

تفاوتی که در این مقاله مورد توجه قرار گرفته است، ارائه نقشه‌های تحلیلی سه‌گانه^۴ است (تجزیه و تحلیل کلمات کلیدی نویسندگان اصلی؛ دسته‌بندی و مناطق تحقیقاتی). همچنین، میزان پراکندگی انتشارات در بین کشورهای مختلف و نحوه توزیع آنها در مجلات معتبر بررسی شده است. بنابراین، این مقاله دارای نوآوری است زیرا این نوع مطالعه اطلاعات کاربردی زیادی را در حوزه تصمیم‌گیری جمعی

-
1. Conceptual Science Mapping
 2. Wang et al.
 3. Heradio et al.
 4. TreeMaps

به‌صورت یکپارچه در اختیار محققان قرار می‌دهد و به‌دنبال پاسخگویی به سؤال‌هایی است که در تحقیقات قبلی به آن پرداخته نشده بود.

این مقاله یک تحلیل کتاب‌سنجی از ادبیات فراوان منتشر شده در خصوص تصمیم‌گیری جمعی گزارش می‌دهد. به‌طور خاص، تجزیه و تحلیل ما: ۱. تأثیر و روند روبه‌رشد انتشار را در این موضوع نشان می‌دهد؛ ۲. در مورد الگوهای بهره‌وری نویسندگان و مجلات بحث می‌کند؛ ۳. مرتبط‌ترین موضوع‌های تحقیق و روند تکامل آنها را تشریح می‌کند. نوآوری اصلی این مرور ادبیات نظام‌مند ارائه خطوط جدید تحقیق است که می‌تواند محققان را برای انجام تحقیقات بیشتر در زمینه تصمیم‌گیری جمعی تحریک کند.

بنابراین، این مقاله با استفاده از نقشه‌برداری علمی و تجزیه و تحلیل کلمات به سؤال‌های زیر پاسخ می‌دهد:

۱. روند انتشارات در حوزه تصمیم‌گیری جمعی طی سال‌ها چگونه است؟
۲. کدام کشورها و مؤلفان انتشارات این حوزه را رهبری می‌کنند؟
۳. مرتبط‌ترین موضوع‌های تحقیق چیست؟
۴. چه مجلاتی بیشتر مقالات را منتشر می‌کنند؟
۵. دامنه‌های اصلی در حوزه تصمیم‌گیری جمعی چیست؟
۶. بیشترین انتشارات مربوط به کدام حوزه‌هاست؟
۷. آینده علمی در حوزه تصمیم‌گیری جمعی به چه سمتی پیش خواهد رفت؟

۱. ادبیات تحقیق

مشارکت در مناسبات حکمرانی یا حکمرانی مشارکتی اخیراً به‌طور گسترده در صحنه حکمرانی ظاهر شده است. حکمرانی مشارکتی به‌عنوان فرایند و

ساختارهایی از تصمیم‌گیری‌ها و مدیریت در خط‌مشی‌های عمومی تعریف می‌شود (Nabatchi and Baiogh Emerson, 2012). حکمرانی مشارکتی روشی برای مقابله با طیف وسیعی از مشکلات و تعارضات است که در آن افراد به‌طور مرتب با مذاکره با یکدیگر و همکاری در اجرای این تصمیمات، به تصمیمات جمعی رضایت‌بخش و قانع‌کننده می‌رسند (Schmitter, Grote and Gbikpi, 2002). به همین دلیل، تصمیم‌گیری جمعی یکی از مهم‌ترین روش‌های دستیابی به حکمرانی مشارکتی است. تصمیم‌گیری جمعی، فرایندی است که گروهی از افراد با توجه به نظرها یا ترجیحاتشان، سعی در دستیابی به یک راه‌حل مشترک برای مسئله تصمیم‌گیری با چندین گزینه دارند (Wu et al., 2017).

با توجه به پیشرفت سریع تکنولوژی و فزونی یافتن عوامل خارجی اثرگذار بر محیط سازمان از قبیل: دولت، مسائل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، رقابت، مشتری‌ها، تحولات طبیعی غیرقابل‌پیش‌بینی، محدودیت‌های تأمین مواد اولیه، اطلاعات و ... ایجاب می‌کند که مدیران به همه مسائل و علوم و فنون مورد نظر تسلط کامل داشته باشند تا بتوانند بهترین راه‌حل را برای حل مشکل بیابند یا از موقعیت پیش‌آمده به‌نحو احسن استفاده کنند. ولی کمتر کسی پیدا می‌شود که همه‌چیز را بداند و واجد جمیع شرایط بوده و به‌تمامی علوم و فنون در چارچوب وظایف مدیریتی خویش مسلط باشد. بنابراین استفاده از تصمیم‌گیری جمعی می‌تواند تا حدود زیادی او را در یافتن به راه‌حل بهینه کمک کند (Prigozhin, 1991).

تصمیم‌گیری جمعی به دلایل مختلف می‌تواند عملکرد بهتری نسبت به تصمیمات فردی داشته باشد. ساده‌ترین استدلال مبتنی بر «خرد جمعی» است. با محاسبه تنوع اجتناب‌ناپذیر در دقت تصمیم‌گیری فردی، بهبود بیشتر در تصمیم‌گیری جمعی امکان‌پذیر است (Bosel, Reinal and Marshall, 2017). بنابراین، توانایی برتر

گروه‌ها در حل وظایف از تصمیم‌گیری جمعی نشئت می‌گیرد. تصمیم جمعی امکان ایجاد تعاملات اجتماعی را به‌عنوان مکانیسمی برای اشتراک دانش و اطلاعات فراهم می‌کند (Carbone and Giannoccaro, 2015). تصمیم‌گیری جمعی وسیله مؤثری در حل سریع اختلاف‌ها و تعارضات در جامعه است (Telem, 1988).

۲. پیشینه تحقیق

پیشینه تحقیق در این مقاله شامل دو موضوع تحلیل هم‌خدادی واژگان و تصمیم‌گیری جمعی است که به‌طور خلاصه به آن اشاره می‌شود.

۱. تحلیل هم‌خدادی واژگان: تجزیه و تحلیل هم‌خدادی واژگان را برای اولین

بار کالون و همکاران^۱ (۱۹۸۳) ارائه کردند. آنها تجزیه و تحلیل کلمات را به‌عنوان روشی پیشنهاد دادند که می‌تواند برای تعیین و نمایش ارتباط بین مفاهیم براساس اطلاعات متنی استفاده شود (صدیقی، ۱۳۹۳). این روش به تدریج با پیشرفت نسل‌های بعدی توسعه یافته و بالغ شده و به روش اصلی کاوش در نقاط مهم تحقیق و تکامل موضوعات تبدیل شده است (Zhu and Zhang, 2020).

وانگ و همکاران (۲۰۱۹) یک روش تجزیه و تحلیل هم‌خدادی کلمات مبتنی بر معنایی را ارائه داد که می‌تواند دانش متخصص را در تجزیه و تحلیل کلمات ادغام کند. سارسن‌بایوا و همکاران^۲ (۲۰۲۳)، در مقاله‌ای با عنوان «نقشه‌برداری ۲۰ سال تحقیق دسترسی در تعامل انسان و رایانه: تجزیه و تحلیل هم‌واژگانی» موضوع‌های مرتبط با تعامل انسان و رایانه را خوشه‌بندی سلسله‌مراتبی کرده‌اند و نمودارهای استراتژیک و تجزیه و تحلیل هسته-پیرامون شبکه‌ای برای ارزیابی و تجسم پیشرفت

1. Callon et al.

2. Sarsenbayeva et al.

فکری تحقیقات دسترسی در تعامل انسان و رایانه را در دو دهه گذشته ترسیم کرده‌اند.

۲. **تصمیم‌گیری جمعی**: زلنر و همکاران^۱ (۲۰۱۴)، در مقاله‌ای با عنوان «پیشبرد نظریه تصمیم‌گیری جمعی با مدل‌سازی عامل بنیان یکپارچه و تحلیل داده‌های مردم‌نگاری: نمونه‌ای در ترمیم بوم‌شناسی» الگوهای تعاملات از طریق جلسات رسمی و غیررسمی و مقادیر پارامتر را برای سازوکارهای مختلف نشان می‌دهد و مکانیسم‌های کلیدی تأثیرگذار بر فرایندهای تصمیم‌گیری جمعی را ارتقا می‌بخشد و ارزش مدل‌سازی عامل بنیان و ادغام آن با تجزیه و تحلیل داده‌های مردم‌نگاری را برای پیشبرد نظریه تصمیم‌گیری جمعی نشان می‌دهد. مک‌هاق و همکاران^۲ (۲۰۱۶)، در مقاله‌ای با عنوان «تصمیم‌گیری جمعی، رهبری و هوش جمعی: آزمایش با شبیه‌سازی عامل بنیان و یک مطالعه میدانی» به مطالعه چند سطحی (فردی و جمعی) به بررسی تصمیم‌گیری جمعی می‌پردازند. در این مقاله رویکرد رهبری جمعی به کار می‌رود و با استفاده از شبیه‌سازی‌های مبتنی بر عامل و داده‌های مطالعه میدانی کد شده یک مدل مفهومی چند سطحی برای تصمیم‌گیری جمعی معرفی می‌شود که شامل رهبری و هوش جمعی است. نتایج حاصل از هر دو روش نشان می‌دهد که بین فردی و هوش جمعی رابطه مثبت وجود دارد و همچنین بین هوش جمعی و کیفیت تصمیم‌گیری جمعی رابطه مثبت وجود دارد.

من^۳ (۲۰۲۰)، در مقاله‌ای با عنوان «تصمیم‌گیری جمعی توسط عوامل منطقی با اولویت‌های مختلف» الگوی استفاده از اطلاعات اجتماعی با عوامل منطقی و اولویت مختلف را ایجاد می‌کند و نشان می‌دهد که نتیجه رفتار جمعی شدیداً به ساختار به

1. Zellner et al.

2. McHugh et al.

3. Mann

اشتراک‌گذاری اولویت در گروه و همچنین کیفیت اطلاعات در محیط وابسته است. گیبس^۱ (۲۰۲۳)، در مقاله‌ای با عنوان «مسئولیت‌پذیری فردی، تصمیم‌گیری جمعی» بیان می‌کند که انگیزه‌های انحرافی با افزایش تعداد سیاستمداران درگیر در سیاستگذاری ضعیف‌تر می‌شود. به عبارتی، در گروه‌های بزرگ‌تر، سیاستمداران مسئولیت بیشتری در قبال انتخاب‌های سیاستشان دارند. این نتیجه نشان می‌دهد علاوه بر دادن اطلاعات بیشتر به سیاستمداران در مورد اینکه کدام سیاست‌ها به نفع شهروندان است، تشکیل گروه‌های بزرگ‌تر، انگیزه‌های قوی‌تری را برای سیاستمداران فراهم می‌کند.

۳. روش‌شناسی

پژوهش حاضر نوعی مطالعه علم‌سنجی است که با استفاده از روش‌های تجسم شبکه‌های کتاب‌شناسی انجام شده است. نقشه‌برداری از ارتباطات بین‌رشته‌ای در قالب نقشه‌های علمی و روش‌های تجسم یکی از مهم‌ترین جنبه‌های مطالعات علمی در دهه‌های اخیر است. نقشه‌های علمی با روش‌های گوناگونی تهیه شده است، از جمله همبستگی کلمات و تجسم. سه روش مشهور تجسم عبارتند از: تجسم مبتنی بر فاصله، تجسم مبتنی بر نمودار و تجسم مبتنی بر زمان (Raeszadeh, Karamali and Sohrabi, 2018).

همچنین، تجزیه و تحلیل کلمات یک روش تحلیل محتواست که کتاب‌شناسی و فناوری متن‌کاوی را با هم ترکیب می‌کند تا معنای عمیق کلمات کلیدی را نشان دهد. کلمات کلیدی خوانندگان مقالات را قادر می‌سازند تا ساختار مفهومی یک رشته را بدون کنکاش متن کامل مقالات تعیین کنند (Uyar, Kilic and Koseoglu, 2020).

تجزیه و تحلیل کلمات برای اهداف مختلفی از جمله کشف دانش و نقشه‌برداری از ساختارهای فکری رشته‌های علمی استفاده شده است (Nguyen, 2019). کتاب‌شناسی به‌عنوان «مطالعه کمی از واحدهای منتشر شده فیزیکی، یا واحدهای کتاب‌شناسی، یا جایگزین برای هر یک» تعریف شده است (de la Hoz-Correa, Muñoz-Leiva and Bakucz, 2018). این روش برای کمک به دانشمندان به سرعت در خلاصه و تجزیه و تحلیل روند توسعه و وضعیت تحقیق در زمینه‌های موضوعی خاص مبتنی بر حجم زیادی از داده‌ها مناسب است (Qin et al., 2016) که شامل اقدام‌ها و تحلیل‌های کمی است و برای واحدهای کتاب‌شناسی مانند کتاب، مقاله، مجله و مانند آن اعمال می‌شود و به دلیل رشد دانش در این زمینه، به یک موضوع قابل توجه تبدیل شده است (de la Hoz-Correa, Muñoz-Leiv and Bakucz, 2018).

۱-۳. تحلیل هم‌خدادی کلمات

روش تجزیه و تحلیل هم‌واژگانی مبتنی بر چهار فرض اصلی است: اول، هر زمینه تحقیق را می‌توان با لیستی از مهم‌ترین کلیدواژه‌ها مشخص کرد (Ibid; Song et al., 2020). دوم، کلمات کلیدی را نویسندگان به دقت انتخاب می‌کنند و محتوای مقاله را به دقت نشان می‌دهند (Uyar, Kilic and Koseoglu, 2020). سوم، یک کلمه کلیدی یا یک موضوع اگر به صورت مکرر در ادبیات مرتبط ظاهر شود موضوع تحقیق را نشان می‌دهد زیرا محتوای اصلی مقاله را تصفیه و متمرکز می‌کند. بنابراین، اگر مقالات کلمات کلیدی یکسان داشته باشند، ممکن است دو مقاله را به‌عنوان یک مفهوم تحقیق مشابه در تئوری یا روش در نظر گرفت. علاوه بر این، کلمات کلیدی هرچه شباهت بیشتری داشته باشند، فاصله نزدیک‌تری دارند (Liu, Chen and Huang, 2018). چهارم، وقوع هم‌زمانی^۱ در مقالات مختلف نشانگر همبستگی بین آنهاست. فراوانی وقوع هم‌زمان کلمات کلیدی حاکی از قوت رابطه

1. Co-occurrence

بین آنهاست. محقق با استفاده از تجزیه و تحلیل کلمه‌ای می‌تواند پیوندهای بین مضامین تحقیق را در یک زمینه علمی به صورت کمی تعیین کند (یعنی هرچه وقوع هم‌زمانی بیشتر باشد، این همبستگی بیشتر است) (Qin et al., 2016; Feng, Zhang and Zhang, 2017; Ortiz-de-Urbina-Criado, Najera-Sanchez and Mora-Valentin, 2018).

ادبیات موجود در یک زمینه، نقطه شروع محققان برای ساختن چارچوب‌های جدید و آزمایش فرضیه‌ها و روابط است. روابط میان ساختمان‌های ادبیات همچنین می‌تواند با «علم‌سنجی» بررسی شود که برای نشان دادن ساختار دانش در زمینه خاص، به کتاب‌شناسی مراجعه کرده است (de la Hoz-Correa, Muñoz-Leiv and Bakucz, 2018). در واقع، برای کشف ساختار فکری در یک زمینه تحقیق، از روش تحلیل هم‌واژگانی استفاده می‌شود (Chen et al., 2019). تجزیه و تحلیل هم‌واژگانی نه تنها کلمات کلیدی اصلی را برای یک موضوع از منظر فراوانی کلمات بلکه ارتباط بین آنها را نیز پیدا و سپس ترکیبی از روش‌های تحلیل هم‌زمانی کلمات کلیدی و تجزیه و تحلیل خوشه‌ای برای کشف نقاط داغ^۱ تحقیقات و قوانین تکامل موضوع ارائه می‌کند (حاضری، ملکی‌زاده و بیک خورمیزی، ۱۳۹۵؛ Zhu and Zhang, 2020).

نقشه‌های کتاب‌شناسی مبتنی بر تجزیه و تحلیل‌های کلمه‌ای، مانند مطالعه حاضر می‌توانند به عنوان ابزار پیش‌بینی محققان برای تجسم سررشته‌های مختلف و روابط آنها و در نتیجه روندهای آینده‌شناسایی شوند. هدف از این روش، اتصال مهم‌ترین مفاهیم با «کاهش فاصله بین توصیف‌کننده‌ها (یا کلمات کلیدی) به مجموعه‌ای از نمودارهای شبکه است که به طور مؤثر قوی‌ترین ارتباطات بین توصیف‌کننده‌ها را نشان می‌دهد» (de la Hoz-Correa, Muñoz-Leiv and Bakucz, 2018). «کتاب‌شناسی»، مبتنی بر

تجزیه و تحلیل هم‌واژگانی، می‌تواند به‌عنوان ابزار استخراج برای تجسم روابط مختلف، اهمیت و مرکزیت مورد استفاده قرار گیرد (Song et al., 2020).

۲-۳. مراحل تحلیل هم‌واژگانی

مراحل اصلی تحلیل هم‌واژگانی عبارتند از: (Chen et al., 2019؛ Gan and Wang, 2015):

مرحله اول، جمع‌آوری داده‌ها: پس از تعیین زمینه تحقیق می‌توان داده‌های تحقیق را جمع‌آوری کرد و مقالات، اطلاعات مرجع و زمان استناد به مقاله را از یک پایگاه داده استخراج کرد.

مرحله دوم، انتخاب کلمات کلیدی با فراوانی بالا: در تجزیه و تحلیل هم‌واژگانی، از بخش‌های مختلف یک سند از جمله عنوان، چکیده، کلمات کلیدی و غیره می‌توان برای مطالعه رابطه بین مباحث استفاده کرد. فراوانی وقوع کلمات کلیدی نشانگر اهمیت و تمرکز تحقیقات است.

مرحله سوم، ایجاد شبکه مشترک کلمات: برای تولید یک تحلیل شهودی از ساختار فکری در یک زمینه تحقیق، یک نقشه علمی برای نمایش موضوع‌ها ارائه شده است. نقشه‌برداری مفهومی براساس دامنه لغات و تعداد دفعات شمارش مفاهیم در زمینه‌های هدف (خلاصه‌ها، کلمات کلیدی، عناوین و ...) تهیه می‌شود. هر کلمه کلیدی به‌عنوان یک گره^۱ در نظر گرفته می‌شود و پیوند نمایانگر رابطه رخداد کلمات کلیدی است. این را می‌توان یک ماتریس تجسم هم‌واژگانی نیز نامید.

مرحله چهارم، تجزیه و تحلیل خوشه‌ای: تجسم نقشه^۲ و ویژگی‌های شبکه آن (مرکزیت و چگالی هر خوشه) با تجزیه و تحلیل ماتریس هم‌زمانی به‌دست

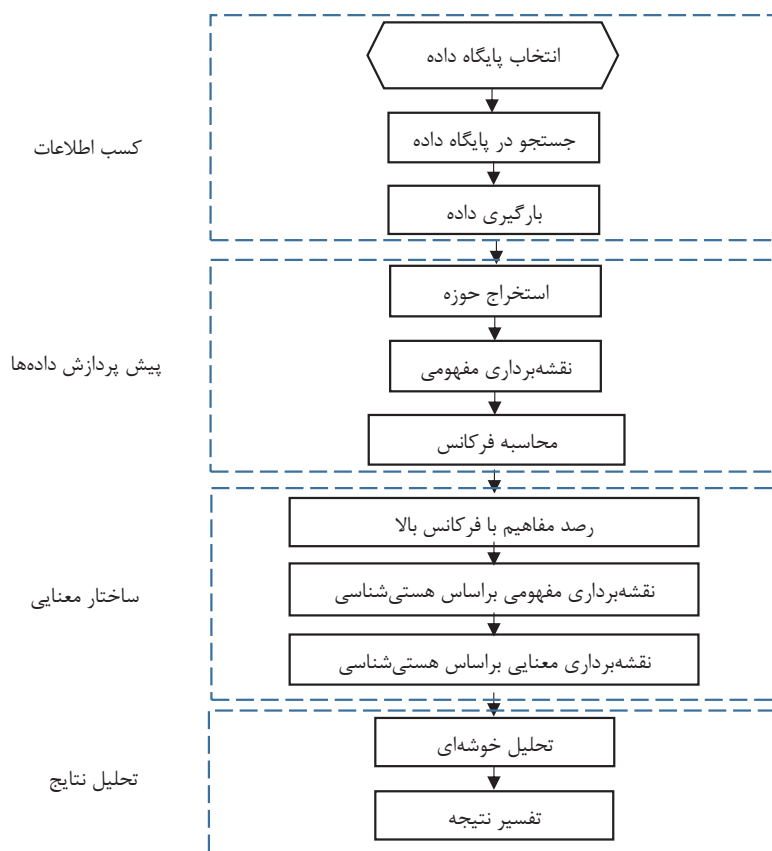
1. Node

2. Cluster Analysis

3. Visualization Map

آمده است. مراحل اصلی تحلیل هم‌واژگانی را می‌توان به صورت شکل ۱ نشان داد.

شکل ۱. مراحل اصلی در تجزیه و تحلیل هم‌واژگانی



Source: Feng, Zhang and Zhang, 2017.

۳-۳. نرم‌افزار مورد استفاده

اطلاعات کتاب‌شناختی مربوط به «تصمیم‌گیری جمعی» با استفاده از تجسم شباهت (VOS) با روش متن‌کاوی و تجسم متن VOSviewer نسخه ۱,۶,۸ (مرکز مطالعات علوم و فناوری دانشگاه لیدن، هلند) تجزیه و تحلیل شد. VOSviewer

تجسمات مبتنی بر فاصله شبکه‌های کتاب‌شناسی را ارائه می‌دهد. VOSviewer همچنین برخی از ویژگی‌های ویژه متن‌کاوی را دارد. این نرم‌افزار علاوه بر ترسیم نقشه، خوشه‌بندی مفاهیم را با رنگ‌های خاص مشخص می‌کند. تعداد خوشه‌ها با یک پارامتر وضوح تعیین می‌شود و پارامتر با وضوح بالاتر نماینده^۱ تعداد بیشتری از خوشه‌هاست. VOSviewer با استفاده از یک الگوریتم خوشه‌بندی پیش‌فرض، به‌طور خودکار اصطلاحات تصمیم‌گیری جمعی را با هم مرتبط می‌کند (Gan et al., 2019). در یک شبکه کتاب‌شناسی، اغلب تفاوت‌های زیادی بین گره‌ها در تعداد روابط آنها با گره‌های^۲ دیگر وجود دارد. در تجزیه و تحلیل شبکه‌های کتاب‌شناسی، معمولاً کاربر باید نرمال کردن^۳ اختلاف‌ها بین گره‌ها را انجام دهد. VOSviewer عادی‌سازی قدرت ارتباط را به‌طور پیش‌فرض اعمال می‌کند (Raeeszadeh, Karamali and Sohrabi, 2018) پس از وارد کردن داده به نرم‌افزار VOSviewer، تجزیه و تحلیل شبکه‌های اجتماعی نویسندگان و اصطلاحات تصمیم‌گیری جمعی با فراوانی بالا و توزیع اصطلاحات با فرکانس بالا^۴ تصمیم‌گیری جمعی با نرم‌افزار VOSviewer و نقشه‌های دوبعدی^۵ نمایش داده می‌شود. همچنین برای تحلیل و ایجاد نمودارها اطلاعات کتاب‌شناختی هر نشریه، از جمله نویسنده، کشور و سال انتشار از نرم‌افزار Excel استفاده شد. در ادامه، براساس مراحل گفته شده در تحلیل هم‌واژگانی، مطالب ارائه می‌شوند.

-
1. Representative
 2. Nodes
 3. Normalization
 4. High Frequency Terms
 5. 2-Dimensional Maps

مرحله اول؛ جمع‌آوری داده‌ها

اطلاعات مربوط به انجام این تحلیل در پایگاه وب‌آوساینس^۱ جمع‌آوری شده که مهم‌ترین، معتبرترین و گسترده‌ترین پایگاه داده کتاب‌شناسی در زمینه‌های مرتبط با علوم اجتماعی است (Nájera-Sánchez, 2020) جامعه آماری این مطالعه شامل همه انتشارات نمایه شده مربوط به حوزه تصمیم‌گیری جمعی است.

مرحله دوم؛ انتخاب کلمات کلیدی با فراوانی بالا

در این مرحله جستجوی ساختار یافته‌ای از کلمات کلیدی اسناد، عناوین و خلاصه‌ها از سال ۱۹۷۰ تا آگوست ۲۰۲۲ (۵۳ سال گذشته) است. کلمه کلیدی «تصمیم‌گیری جمعی» به بخش جستجوی پیشرفته وارد شد و عناوین، نویسندگان، فهرست مجلات و سایر اطلاعات کتاب‌شناختی مورد نیاز مقالات با استفاده از فیلترهای در نظر گرفته شده ذخیره شدند. جدول ۱ پروتکل جستجو را نشان می‌دهد.

جدول ۱. پروتکل جستجو در پایگاه وب‌آوساینس

کلید واژه پایه	معیار جستجو	نوع سند	بازه زمانی	پایگاه داده WoS
تصمیم‌گیری جمعی	عنوان، کلمات کلیدی و چکیده	کتاب، مقاله و ...	تا آگوست ۲۰۲۲	Social Science Citation Index (SSCI) Science Citation Index (SCI) Emerging Sources Citation Index (ESCI)

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

از نظر ورودی و خروجی، تجزیه و تحلیل هم‌واژگانی با استفاده از مجموعه‌ای از اسناد انجام می‌شود که نشان‌دهنده اطلاعات اصطلاحاتی است که در آنها وجود دارد و با آنها ارتباط دارند. این اصطلاحات اغلب به‌عنوان کلمات کلیدی معرفی می‌شوند (Ortiz-de-Urbina-Criado, Najera-Sanchez and Mora-Valentin, 2018).
گفتنی است، برای بهبود کیفیت داده‌ها، کلمات کلیدی بی‌معنی یا با معنی عمومی یا عبارات نامشخص یا کلمات با فراوانی کم حذف می‌شوند تا ویژگی‌های واژگان اصلی مشخص‌تر و مشهودتر شوند (Wu and Sun, 2014; Cobo et al., 2017).

مرحله سوم؛ ایجاد شبکه مشترک کلمات

همان‌طور که بیان شد، ایجاد شبکه مشترک کلمات در نقشه‌برداری علمی اتفاق می‌افتد. نقشه‌برداری علمی یا نقشه‌برداری کتاب‌شناسی نمایش فضایی از چگونگی ارتباط ساختارها، رشته‌ها، تخصص‌ها و اسناد یا نویسندگان با یکدیگر است (Cobo et al., 2018). از این روش برای نشان دادن و کشف عناصر کلیدی پنهان (اسناد، نویسندگان، مؤسسه‌ها، موضوع‌ها و غیره) در زمینه‌های مختلف تحقیق استفاده می‌شود (Cobo et al., 2017).

نقشه‌برداری علمی شامل سه عنصر است: گره‌ها، خط‌ها و خوشه‌ها. گره‌های با اندازه بزرگ‌تر نشان می‌دهد که این گره با گره‌های دیگر ارتباط تنگاتنگی دارد و نقش‌های مهم‌تری را در شبکه ایفا می‌کنند. خطوط بین گره‌ها بیانگر ارتباط بین آنهاست. هرچه دو گره نزدیک‌تر باشند، تعداد خطوط بیشتر است. این خوشه‌ها برای مشخص کردن دسته‌های مختلف نقاط مهم تحقیق با شبکه‌های مدولار استفاده می‌شوند. این کلمات کلیدی در یک خوشه مشابه معمولاً با یکدیگر رابطه قوی دارند (Wang, Deng, and Wu, 2019).

مرحله چهارم؛ تجزیه و تحلیل خوشه‌ای

تجزیه و تحلیل خوشه‌ای و تجزیه و تحلیل کلمات روشی مؤثر در ساختن روابط و نقشه‌برداری از قدرت بین گزینه‌های اطلاعات در یک واحد متنی است. این روش به صورت گسترده در کتاب‌شناسی استفاده می‌شود و با تجزیه و تحلیل اطلاعات کلیدی استخراج شده از پایگاه داده، مانند تعداد ارجاعات، نویسندگان، کلمات کلیدی و غیره، بینشی در مورد مقدار زیادی از متن ساختاریافته فراهم می‌کند (Song et al., 2020).

تجزیه و تحلیل خوشه‌ای روش گسترده برای داده‌کاوی به منظور تجسم و تحلیل کتاب‌شناسی است. نتایج حاصل از خوشه‌بندی می‌تواند به صورت گرافیکی روند ادغام و خوشه‌ها را نشان دهد (Wei et al., 2019). در انجام تجزیه و تحلیل کلمات می‌توان الگوهای خاصی از خوشه‌بندی را بین مقالات علمی ضبط شده در جریان فعلی شناسایی کرد و با انجام آنالیز محتوای معنایی، می‌توان مشاهده کرد که مضامین در هریک از این خوشه‌ها به چه میزان رواج دارند. داخل بدنه، اشکال خاصی از خوشه‌بندی مخصوصاً حول کلمات کلیدی غالب مشاهده می‌شود که برخی از وابستگی‌های معنایی را نشان می‌دهد (Nguyen, 2019).

تجزیه و تحلیل خوشه‌ای، روش تجزیه و تحلیل آماری چند متغیره برای طبقه‌بندی کمی از چندین نمونه است. رویکرد تحلیلی اساسی این روش، ساخت یک ماتریس مشابه براساس آماری است که می‌تواند فاصله نمونه‌ها یا شاخص‌ها را از مشاهدات متعدد و سپس تقسیم مشاهدات را به خوشه‌ها براساس فاصله‌های اندازه‌گیری شده نشان دهد (Zhao et al., 2018).

خوشه‌ها با استفاده از روش استحکام لینک^۱ تعیین می‌شوند، استحکام کل لینک به‌عنوان تعداد پیوندهایی تعریف می‌شود که یک گره با همه گره‌های دیگر شبکه به اشتراک می‌گذارد. مفاهیمی که به یک خوشه تعلق دارند با همان رنگ نمایش داده می‌شوند. آنها اغلب بیشتر از خوشه‌های خارج از خود هم‌زمان اتفاق می‌افتند (Nguyen, 2019).

هر موضوع را می‌توان با دو روش مرکزیت و تراکم توصیف کرد (Cabeza Ramirez, Sanchez-Canizares and Fuentes-Garcia, 2019) شاخص مرکزیت یکی از شاخص‌های مهم در تحلیل شبکه هم‌رخدادی واژگان است. این شاخص، به موقعیت گره‌های خاص در شبکه اشاره دارد و ارزش هر گره با شمارش تعداد همسایگانش به دست می‌آید. تعداد همسایگان براساس رابط‌هایی به دست می‌آید که به آن گره متصل هستند. در شبکه هم‌رخدادی واژگان، هرچه درجه مرکزیت واژه بیشتر باشد، ارتباطات شبکه‌ای بیشتری داشته و تأثیرگذارتر است. مرکزیت، میزان تعامل هر شبکه با شبکه‌های دیگر و همچنین تراکم قدرت داخلی شبکه را اندازه‌گیری می‌کند (Nájera-Sánchez, 2020) اکنون با استفاده از توضیحات داده شده به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته می‌شود.

۴. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

پاسخ به سؤال ۱: روند انتشارات در حوزه تصمیم‌گیری جمعی طی سال‌ها

چگونه است؟

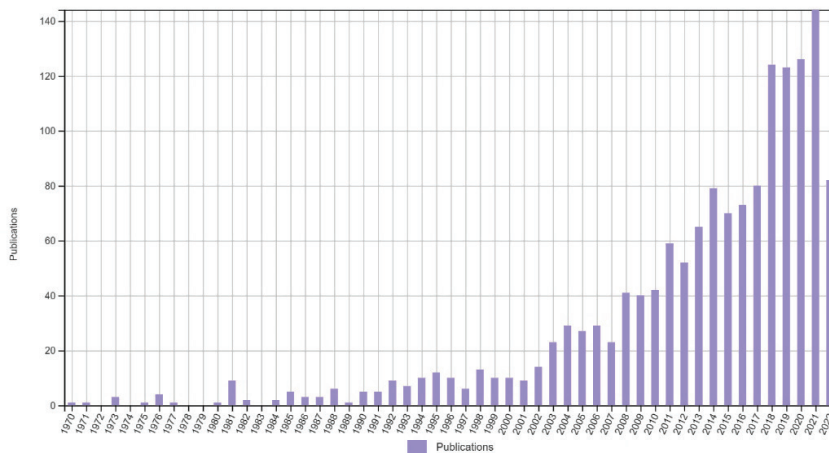
با استفاده از پروتکل جدول ۱، با جستجو از سال ۱۹۷۰ تا آگوست ۲۰۲۲ مجموع

1. Total Link Strength

۳۱۳ _____ بررسی روند تولیدات علمی در روش تصمیم‌گیری جمعی در پایگاه وب‌آوساینس

۱۴۹۴ سند^۱ منتشر شده است که توزیع فراوانی آنها در نمودار ۱ نشان داده شده است.

نمودار ۱. تعداد کل اسناد منتشر شده تا آگوست ۲۰۲۲



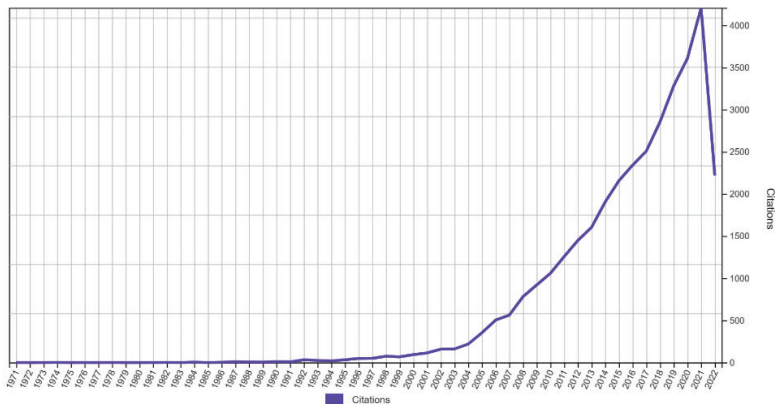
Source: www.webofscience.com

یافته‌ها نشان می‌دهد تعداد اسناد از یک مقاله در سال ۱۹۷۰ به ۱۴۵ مقاله در سال ۲۰۲۱ رسیده است که رشد بسیار صعودی دارد. در نمودار ۲ مجموع ارجاعات به این اسناد در هر سال^۲ نشان داده شده است.

1. Total Publications

2. Sum of Times Cited Per Year

نمودار ۲. تعداد کل ارجاعات تا آگوست ۲۰۲۲



Source: Ibid.

با توجه به نمودار ۲ میزان استناددهی در حوزه تصمیم‌گیری جمعی از سال ۱۹۷۰ رشد چشمگیری داشته است. به نحوی که تعداد مقالات و کل ارجاعات این حوزه و حوزه‌های وابسته به آن از سال ۲۰۱۰ تا سال ۲۰۲۰ به بیش از چهار برابر میزان خود نسبت به ۴۰ سال گذشته قبل از آن رسیده است و این مسئله نشان‌دهنده اهمیت یافتن این حوزه تحقیقاتی است.

پاسخ به سؤال ۲: کدام کشورها و مؤلفان انتشارات در این حوزه را رهبری

می‌کنند؟

یافته‌ها نشان می‌دهد در مجموع ۹۴ کشور در حوزه تصمیم‌گیری جمعی انتشارات داشته‌اند که در بین آنها کشورهای آمریکا با ۴۱۹ مدرک، انگلستان با ۲۵۳ مدرک، فرانسه با ۱۵۵ مدرک، آلمان با ۱۳۶ مدرک و بلژیک^۱ با ۹۹ مدرک بیشترین انتشارات را در این حوزه ثبت کرده‌اند. در بین مؤلفان نیز دنیوبورگ^۲ با ۴۴ رکورد، فرانکس^۳ با

1. Belgium
2. Deneubourg
3. Franks

۴۲ رکورد و پرات^۱ با ۲۳ رکورد بیشترین مقالات را ثبت کرده‌اند (میرباقری، رفیعی آتانی و پارسانژاد، ۱۴۰۰).

پاسخ به سؤال ۳: مرتبط‌ترین موضوع‌ها در حوزه تحقیق چیست؟

با استفاده از پروتکل جدول ۱ اسناد تحقیقاتی منتشر شده در منطقه تحقیقاتی تصمیم‌گیری جمعی شناسایی شد که مهم‌ترین کلمات کلیدی آنها به صورت زیر است: «تصمیم‌گیری جمعی، رفتار، تصمیم‌گیری، استخدام، اطلاعات، هیمنوپتران، رهبری، انتخاب محل لانه، ارتباطات، خودسازمان‌دهی، مدل، سازمان‌دهی، انتخاب، ارزیابی، مستعمرات، مورچه‌ها، حشرات اجتماعی، انتخاب، دقت، پویایی»^۲. در این بخش کلمات کلیدی با فراوانی بالا در حوزه تصمیم‌گیری جمعی مورد بحث قرار می‌گیرد. در مجموع ۲۰ کلمه اصلی پرکاربرد که نمایانگر خصوصیات اصلی و ابعاد موضوع و مطالعه موردی در حوزه تحقیق است، برای تجزیه و تحلیل دامنه نمونه^۳ شناسایی شده است. این ۲۰ کلمه با بالاترین لینک و رخداد و فرکانس بالا در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲. دسته‌بندی کلمات کلیدی حوزه تحقیق

ردیف	کلیدواژه	فراوانی	پیوند	رخداد	ردیف	کلیدواژه	فراوانی	پیوند	رخداد
۱	تصمیم‌گیری جمعی	۴۵۸	۳۰۴	۴۲۹	۱۱	هیمنوپتران	۸۲	۱۱۷	۶۶
۲	تصمیم‌گیری	۱۱۹	۲۳۶	۱۴۷	۱۲	سازمان	۴۶	۱۴۳	۵۳
۳	رفتار	۲۶۷	۲۱۹	۱۶۰	۱۳	انتخاب	۵۲	۱۳۴	۵۳

1. Pratt

2. Collective Decision Making, Behaviour, Decision Making, Recruitment, Information, Hymenoptera, Leadership, Nest-Site Selection, Communication, Self-organization, Model, Organization, Selection, Evolution, Colonies, Ants, Social Insects, Choice, Accuracy, Dynamics.

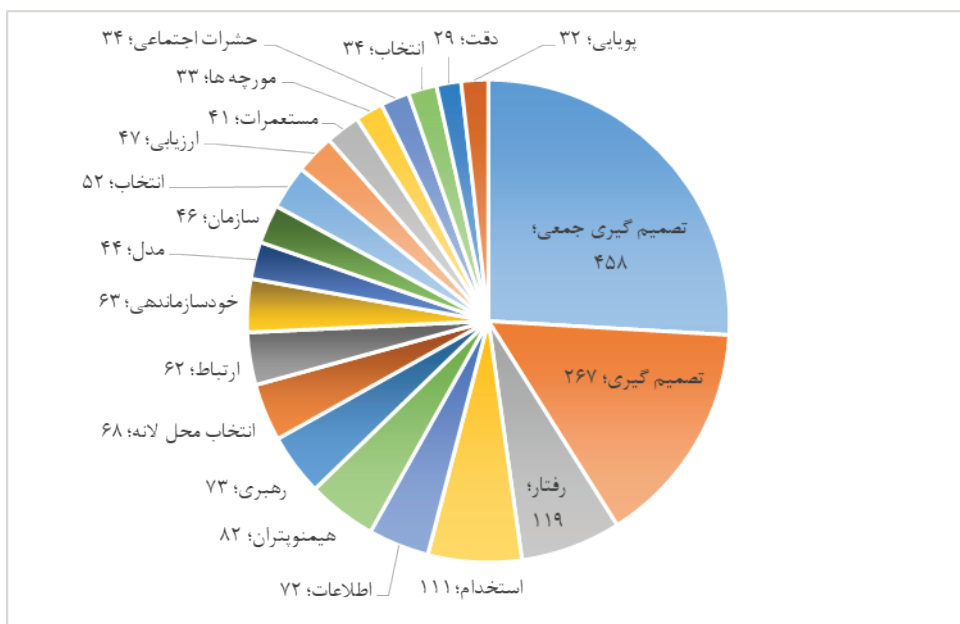
3. Scope of the Sample

ردیف	کلیدواژه	فراوانی	پیوند	رخداد	ردیف	کلیدواژه	فراوانی	پیوند	رخداد
۴	اطلاعات	۷۲	۱۸۲	۸۴	۱۴	ارزیابی	۴۷	۱۳۵	۵۲
۵	مدل	۴۴	۱۷۲	۸۰	۱۵	مستعمرات	۴۱	۱۱۰	۳۹
۶	رهبری	۷۳	۱۵۵	۶۸	۱۶	مورچه‌ها	۳۳	۱۱۰	۴۴
۷	استخدام	۱۱۱	۱۴۱	۷۲	۱۷	انتخاب	۳۴	۱۳۴	۴۷
۸	ارتباطات	۶۲	۱۴۵	۶۲	۱۸	حشرات اجتماعی	۳۴	۱۰۸	۳۸
۹	انتخاب محل لانه	۶۸	۱۲۹	۶۵	۱۹	پویایی	۳۲	۱۱۳	۵۲
۱۰	خودسازمان‌دهی	۶۳	۱۳۱	۵۸	۲۰	دقت	۲۹	۱۱۰	۳۵

مأخذ: همان.

براساس داده‌های جدول ۲ می‌توان گفت این ۲۰ کلمه بیشترین اهمیت در نقشه علمی تحقیق دارند و گره‌ها و لینک‌های زیادی با آنها در ارتباط هستند. طبق اطلاعات به‌دست آمده، تصمیم‌گیری جمعی با ۴۲۹ رخداد و ۳۰۴ پیوند به‌عنوان متمرکزترین و متراکم‌ترین کلمه و تصمیم‌گیری با ۱۴۷ رخداد و ۲۳۶ پیوند دومین رتبه و رفتار با ۱۶۰ رخداد و ۲۱۹ پیوند به‌عنوان سومین رتبه متمرکز و متراکم شناسایی شد. نمودار ۳ مهم‌ترین کلمات کلیدی با تعداد فراوانی بالا را نشان می‌دهد.

نمودار ۳. مهم‌ترین کلمات کلیدی با تعداد فراوانی بالا



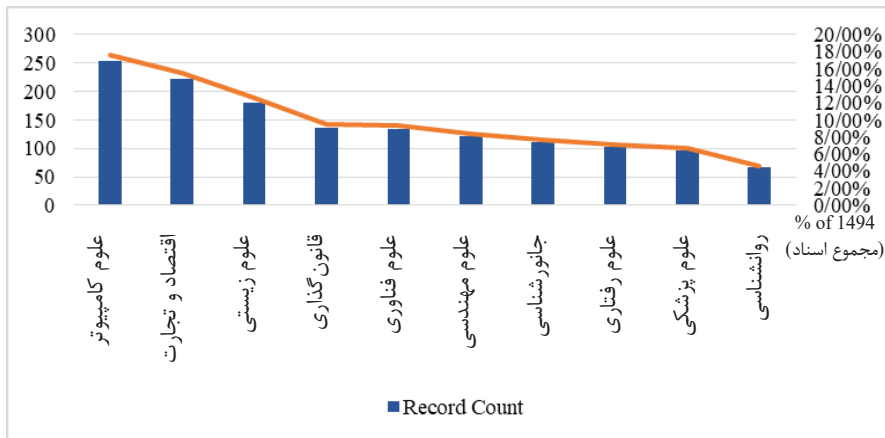
مأخذ: یافته‌های تحقیق.

پاسخ به سؤال ۴: چه مجلاتی بیشتر مقالات را منتشر می‌کنند؟

۱۰ مورد از مهم‌ترین حوزه‌های موضوعی تحقیق^۱ شناسایی شده در نمودار ۴

آمده است.

نمودار ۴. مهم‌ترین حوزه‌های موضوعی تحقیق شناسایی شده



مأخذ: همان.

همان‌طور که در نمودار ۴ نشان داده شده است، یکی از حوزه‌های مهم تصمیم‌گیری جمعی، سیاست‌گذاری و تقنین است. به‌عنوان نمونه، حوزه «قانون‌گذاری» حدود ۱۳ درصد کل انتشارات را شامل می‌شود و چهارمین محور مهم موضوعی است که در تصمیم‌گیری جمعی به آن پرداخته شده است؛ زیرا اغلب قانونگذاری‌ها در شوراها و مجالس انجام می‌شود که شیوه تصمیم‌گیری آنها به‌صورت جمعی است. همچنین نتایج نشان می‌دهد از بین منابع انتشاراتی، پنج مجله که بیشترین تعداد مقالات را در این حوزه منتشر کرده‌اند عبارتند از: پلاس وان^۱ با ۳۸ مدرک، رفتار حیوانات^۲ با ۳۲ مدرک، بوم‌شناسی رفتاری و جامعه‌شناسی^۳ با ۳۲ مدرک، روش‌های فعالیت‌های علوم زیستی جامعه سلطنتی^۴ با ۲۵ مدرک، یادداشت‌های سخنرانی در هوش مصنوعی^۵ با ۲۱ مدرک.

1. Plos One
2. Animal Behaviour
3. Behavioral Ecology and Sociobiology
4. Proceedings of the Royal Society Biological Sciences
5. Lecture Notes in Artificial Intelligence

پاسخ به سؤال ۵: دامنه‌های اصلی در حوزه تصمیم‌گیری جمعی چیست؟
براساس یافته‌های به‌دست آمده، تقسیم‌بندی خوشه‌ها در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳. خوشه‌ها

شماره خوشه	رنگ	دسته	زیرمجموعه خوشه	استحکام کل لینک
۱	قرمز	مدل	۱۴۱	۳۸۵
۲	سبز	تصمیم‌گیری جمعی	۶۸	۲۱۵۸
۳	بنفش	رفتار	۵۶	۹۸۴
۴	نارنجی	اطلاعات	۳۶	۵۲۰
۵	آبی	خودسازمان‌دهی	۲۸	۴۲۹
۶	مشکی	مشارکت	۱۳	۱۶۲

مأخذ: همان.

اولین خوشه (قرمز) مربوط به دسته مدل است که با ۱۴۱ اصطلاح بیشترین آیت‌م را در کل شبکه دارد. دومین خوشه (سبز) به تصمیم‌گیری جمعی با ۶۸ اصطلاح مربوط است که با توجه به اینکه بیشترین رخداد و پیوند را در شبکه دارد، از مهم‌ترین خوشه‌ها محسوب می‌شود. به همین صورت اطلاعات خوشه‌ها در جدول ۳ به ترتیب تعداد اصطلاحات موجود نشان داده شده است. با بررسی کل ۶ خوشه و زیرخوشه‌های آنها، ۷۳۱۰ لینک با کل قدرت لینک ۱۴۳۱۴ شناسایی شد. تعداد خوشه‌ها، لینک‌ها و میزان پراکندگی مفاهیم در سطح نقشه نشان‌دهنده تمرکز نسبتاً خوبی است و این امر نمایانگر آن است که پژوهشگران توانسته‌اند به صورت متمرکز و عمیق روی مقوله‌های این حوزه کار کنند. شکل ۲ نحوه خوشه‌بندی در حوزه تصمیم‌گیری جمعی را در قالب نقشه هم‌رخدادی واژگان نشان می‌دهد.

کوچک وجود دارد و هیچ پیوندی با دیگر مقوله‌های موضوعی ندارد و از جایگاه پایینی در این نقشه‌های موضوعی برخوردار است که نشان می‌دهد به این موضوع‌های پژوهشی توجه کافی نشده است.

از آنجاکه فاصله بین مفاهیم در سطح نقشه نشان‌دهنده ارتباط بین مفاهیم است، سه گره تصمیم‌گیری جمعی، رفتار، تصمیم‌گیری بزرگ‌ترین و نزدیک‌ترین گره‌ها به یکدیگر هستند که نشان می‌دهد این موضوع‌ها ارتباط بسیار نزدیکی با یکدیگر دارند و نقش‌های مهم‌تری را در شبکه هم‌رخدادی واژگان ایفا می‌کنند و قدرت تأثیرگذاری بیشتر و اهمیت و مرکزیت نزدیکی^۱ فراوان‌تری در شبکه دارند. به عبارت دیگر، به این معناست که در متون موجود، به تأثیر آنها بر یکدیگر توجه شده است. همچنین، زمانی که فاصله زیاد موضوع تصمیم‌گیری جمعی از نوآوری^۲ یا عزیمت گروه^۳ دیده می‌شود، به این معناست که در ادبیات موجود به تأثیر این مفاهیم بر یکدیگر کمتر توجه شده است.

پاسخ به سؤال ۶: بیشترین انتشارات مربوط به کدام حوزه‌هاست؟

برای یافتن تجزیه و تحلیل کلمات کلیدی و تغییرات پویا در نقاط داغ در حوزه تحقیق، کلمات با فراوانی بالا با استفاده از نمودار چگالی نرم‌افزار VOSviewer به دست آمده است. در استخر داده‌ها تعداد ۵۱۷۳ کلمه کلیدی یافت شد. در تحلیل هم‌واژگانی آستانه هم‌رخدادی برای کلیدواژه‌ها تعیین می‌شود. در این تحقیق حداقل هم‌رخدادی برای هر کلمه کلیدی پنج بار در نظر گرفته شده است. بدیهی است حوزه‌های کوچک که واژه‌های آنها آستانه هم‌رخدادی را کسب نکرده‌اند، از

۱. مرکزیت نزدیکی، فاصله یک گره با گره‌های دیگر در شبکه را می‌سنجد، هرچه یک گره به دیگر گره‌ها نزدیک‌تر باشد، آن گره برگزیده‌تر است.

2. Innovation

3. Group Departures

نتایج تحلیل حذف می‌شوند. با در نظر گرفتن آستانه هم‌رخدادی فوق برای واژه‌های مورد بررسی، نرم‌افزار تعداد ۳۴۲ کلمه در مدارک مورد مطالعه، شناسایی کرد و نقشه تراکم این واژگان ترسیم شد که در شکل ۳ نشان داده شده است.

شکل ۳. تراکم کلمات استفاده شده نویسندگان در حوزه تصمیم‌گیری جمعی طی سال‌های ۲۰۲۰-۱۹۷۰ (آستانه^۱ = ۵)



مأخذ: همان.

هر نقطه رنگی، چگالی اصطلاحات موجود را در آن نقطه نشان می‌دهد. به‌طور پیش‌فرض، رنگ‌ها از آبی تا سبز و از زرد تا قرمز متغیر است. هرچه تعداد اصطلاحات اطراف یک نقطه افزایش یابد و وزن اصطلاحات همسایه بزرگ‌تر شود، رنگ نقاط از زرد تا قرمز خواهد بود. از طرف دیگر، با تعداد کمتری اصطلاح در یک نقطه و وزن کمتری از اصطلاحات همسایه، رنگ‌ها به‌رنگ آبی نزدیک‌تر هستند (Raeeszadeh,).

بررسی روند تولیدات علمی در روش تصمیم‌گیری جمعی در پایگاه وب‌آوساینس _____ ۳۲۳
(Karamali and Sohrabi, 2018).

همان‌طور که در شکل ۳ قابل مشاهده است، کلیدواژه «تصمیم‌گیری جمعی» قرمز است و بیشترین فراوانی را دارد (رخداد = ۴۲۹) بعد از آن «رفتار» (رخداد = ۲۶۷)، «تصمیم‌گیری» (رخداد = ۱۱۹)، «استخدام» (رخداد = ۱۱۱) قرار می‌گیرند که نشان‌دهنده میزان دانش در این مقوله‌هاست و بیانگر این است که در این حوزه‌ها انتشارات بیشتری ارائه شده است. با بررسی‌های انجام شده در ۱۴۹۴ سند منتشر شده، «تصمیم‌گیری جمعی» در ۴۵۸ سند (۳۲٪)، «رفتار» در ۲۶۷ سند (۱۹٪)، «تصمیم‌گیری» در ۱۱۹ سند (۸٪)، «هیمنوپتران» در ۸۲ سند (۵٪) و «رهبری» در ۷۳ سند (۵٪) را از انتشارات در برمی‌گیرند.

پاسخ به سؤال ۷: آینده علمی در حوزه تصمیم‌گیری جمعی به چه سمتی

پیش خواهد رفت؟

برای نمایش تحول موضوع‌های مختلف طی زمان، از تجزیه و تحلیل هم‌زمانی کلمات کلیدی استفاده می‌شود. در این تحلیل رنگ‌های مختلف، مباحثی را با توجه به فرکانس ظاهر^۱ نشان می‌دهند که درک موضوع‌هایی را که در حال حاضر مشخص هستند و مواردی که مورد غفلت قرار گرفته‌اند تسهیل می‌کند. اما تجزیه و تحلیل هم‌زمانی محدود است به دلیل اینکه تعداد کمی از سال‌ها را پوشش می‌دهد (Ortiz-de-Urbina-Criado, Najera-Sanchez and Mora-Valentin, 2018). توزیع اصطلاحات حوزه تحقیق براساس میانگین زمان در شکل ۴ نشان داده شده است.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در اواخر قرن بیستم، «مشارکت» به یک کلمه رایج در سراسر علوم اجتماعی و سیاسی تبدیل شد. مشارکت تقریباً در فهرست راه‌حل‌های همه افراد برای معضلات جامعه ظاهر شد و اگر حکمرانی بیش از حد بالا به پایین بود، رویکرد مشارکتی نوید گسترش مسیرهای ارتباطی بین حکمرانان و مردم را می‌داد (Altschuler and Corrales, 2013). متناسب با گسترش این رویکرد، ادبیات تصمیم‌گیری جمعی نیز گسترش پیدا کرده است، زیرا تصمیم‌گیری جمعی یکی از الزامات پیاده‌سازی حکمرانی مشارکتی است. علاوه بر این، تصمیم‌گیری جمعی روشی برای مقابله با طیف وسیعی از مشکلات و تعارضات به حساب آمده است که در آن افراد به‌طور مرتب با مذاکره با یکدیگر و همکاری در اجرا، به تصمیمات رضایت‌بخش و قانع‌کننده می‌رسند. نمودار تعداد اسناد منتشر شده و نمودار مجموع استنادها به خوبی نشان داد که حوزه تصمیم‌گیری جمعی اخیراً با استقبال پژوهشگران مواجه شده و طی ۱۰ سال چهار برابر انتشارات در این خصوص رشد کرده است. یافته‌های حاصل از ترسیم نقشه هم‌رخدادی واژگان نیز مؤکد این مسئله است که موضوع تصمیم‌گیری جمعی بزرگ‌ترین گره (اهمیت) است و بیشترین پیوند را با موضوع‌هایی از قبیل: رفتار، حکمرانی، رهبری و مدیریت دارد. همچنین، با بررسی حوزه‌های تحقیق مرتبط با تصمیم‌گیری جمعی این نتیجه به‌دست آمد که علاوه بر علوم مهندسی و پزشکی، حوزه‌های سیاست‌گذاری مانند قانونگذاری از جمله حوزه‌های مورد توجه در تصمیم‌گیری جمعی است. اما اطلاعات به‌دست آمده از تحلیل هم‌واژگانی نیز نشان می‌دهد که مطالعات موردی در این حوزه اغلب روی حشرات اجتماعی مانند مورچه‌ها و زنبورها انجام شده است. دلیل این موضوع می‌تواند دسترسی آسان به مجموعه زیادی از نمونه آماری، هزینه کمتر نسبت به نمونه انسانی، شباهت رفتاری در برخی

از موارد با جامعه انسانی و نهایتاً الگوبرداری از آن برای برنامه‌ریزی و سیاستگذاری برای جوامع انسانی باشد. البته با توجه به تفاوت‌های بنیادین بین جوامع انسانی و سایر موجودات، پیش‌بینی می‌شود که این‌گونه پژوهش‌ها به‌زودی به مقدار بیشتری بر نمونه‌های انسانی صورت گیرد.

نتایج به‌دست آمده در این مقاله با نتایج تحقیق هرادو و همکاران (۲۰۲۰) و وانگ و همکاران (۲۰۲۱) همسو است. به‌عبارتی، در این مقالات تحلیل کتاب‌سنجی تصمیم‌گیری گروهی انجام گرفته است و روند روبه‌رشد انتشارات در این حوزه تأیید شده است و مرتبط‌ترین موضوع‌های تحقیقاتی و چگونگی رشد علاقه به آنها در طول سال‌ها توضیح داده شده است.

در این مطالعه سعی شد علاوه بر نشان دادن روند انتشارات در حوزه تصمیم‌گیری جمعی و بیان اطلاعات جمعیت‌شناختی محققان، کاربرد روش تصمیم‌گیری جمعی در حکمرانی مشارکتی و نمایی از آینده علمی در این حوزه ارائه شود. این مقاله می‌تواند اهمیت استفاده از تصمیم‌گیری جمعی در سیاستگذاری و قانونگذاری را شفاف‌تر کند. به‌طوری‌که نتایج به‌دست آمده می‌تواند برای پژوهشگران و مدیران علاقه‌مند به این حوزه مورد استفاده قرار گیرد تا در جهت برنامه‌ریزی برای انتخاب موضوع پژوهش، توسعه متوازن موضوع‌ها، طرح‌ریزی‌های پژوهشی، آینده‌نگاری پژوهشی و به‌کارگیری دستاوردهای تصمیم‌گیری جمعی مؤثر باشد. با توجه به مطالب گفته شده، پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی چگونگی رسیدن به تصمیم‌گیری جمعی با توجه به ترجیحات مختلف افراد مشخص شود و فواید به‌کارگیری تصمیم‌گیری جمعی در حکمرانی بررسی شود.

منابع و مآخذ

۱. حاضری، افسانه، فاطمه مکی‌زاده و فرزانه بیک خورمیزی (۱۳۹۵). «تحلیل هم‌واژگانی مقالات مستخرج از پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی»، پژوهشنامه علم‌سنجی، ۲ (۴).
۲. صدیقی، مه‌ری (۱۳۹۳). «بررسی کاربرد روش تحلیل هم‌رخدادی واژگان در ترسیم ساختار حوزه‌های علمی (مطالعه موردی: حوزه اطلاع‌سنجی)»، پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات، ۳۰ (۲).
۳. میرباقری، سیدمحسن، عطاله رفیعی آتانی و محمدرضا پارسانژاد (۱۴۰۰). «مروری نظام‌مند بر ادبیات تصمیم‌گیری جمعی»، پژوهش‌های نوین در تصمیم‌گیری، ۶ (۳).
۴. نیک‌کار، ملیحه، رحیم علیجانی و نوراله کرمی (۱۳۹۶). «ترسیم نقشه موضوعی تولیدات علمی حوزه جراحی با استفاده از نرم‌افزار VOS Viewer»، فصلنامه جراحی ایران، ۲۵ (۴).
5. Altschuler, D. and J. Corrales (2013). *The Promise of Participation: Experiments in Participatory Governance in Honduras and Guatemala*, Springer.
6. Bosel, T., A. Reinal and J.A.R. Marshall (2017). "Collective Decision-making. Current Opinion in Behavioral Sciences", 16, <https://doi.org/10.1016/j.cobeha.2017.03.004>
7. Bui, T.X. and A. Co-op (1987). *A Group Decision Support System for Cooperative Multiple Criteria Group Decision Making*, Lecture Notes in Computer Science, Berlin Heidelberg, Germany, Springer-Verlag.
8. Cabeza Ramirez, L.J., S.M. Sanchez-Canizares and F.J. Fuentes-Garcia (2019). "Past Themes and Tracking Research Trends in Entrepreneurship: A Co-word, Cites and Usage Count Analysis", *Sustainability*, 11 (11). <https://doi.org/10.3390/su11113121>
9. Carbone, G. and I. Giannoccaro (2015). "Model of Human Collective Decision-Making in Complex Environments", *European Physical Journal B*, 88(12). <https://doi.org/10.1140/epjb/e2015-60609-0>
10. Chen, X., J. Li, X. Sun and D. Wu (2019). "Early Identification of Intellectual Structure Based on Co-word Analysis from Research Grants", *Scientometrics*, 121(1), <https://doi.org/10.1007/s11192-019-03187-9>.
11. Cobo, Manuel J., W. Wang, S. Laengle, J.M. Merigó, D. Yu and E. Herrera-Viedma (2018). "Co-words Analysis of the Last Ten Years of the International Journal of Uncertainty, Fuzziness and Knowledge-based Systems", International Conference on Information Processing and Management of Uncertainty in Knowledge-Based Systems.

12. Cobo, Manuel Jesus, I.J. Pérez, F.J. Cabrerizo, S. Alonso and E. Herrera-Viedma (2017). "Co-words Analysis of the Last Ten Years of the Fuzzy Decision-making Research Area", In *Advances in Fuzzy Logic and Technology 2017*, Springer.
13. Corrales-Garay, D., M. Ortiz-de-Urbina-Criado and E.M. Mora-Valentin (2019). "Knowledge Areas, Themes and Future Research on Open Data: A Co-word Analysis", *Government Information Quarterly*, 36 (1), <https://doi.org/10.1016/j.giq.2018.10.008>
14. de la Hoz-Correa, A., F. Muñoz-Leiva and M. Bakucz (2018). "Past Themes and Future Trends in Medical Tourism Research: A Co-word Analysis", *Tourism Management*, 65, <https://doi.org/10.1016/j.tourman.2017.10.001>
15. Dionne, S.D., H. Sayama and F.J. Yammarino (2019). "Diversity and Social Network Structure in Collective Decision Making: Evolutionary Perspectives with Agent-Based Simulations", *Complexity*. <https://doi.org/10.1155/2019/7591072>
16. Emerson, K., T. Nabatchi and S. Balogh (2012). "An Integrative Framework for Collaborative Governance", *Journal of Public Administration Research and Theory*, 22(1).
17. Feng, J., Y.Q. Zhang and H. Zhang (2017). "Improving the Co-word Analysis Method Based on Semantic Distance", *Scientometrics*, 111 (3), <https://doi.org/10.1007/s11192-017-2286-1>
18. Fischer, F. (2012). "Participatory Governance: From Theory to Practice", In *the Oxford Handbook of Governance*.
19. Gan, C. and W. Wang (2015). "Research Characteristics and Status on Social Media in China: A Bibliometric and Co-word Analysis", *Scientometrics*, 105 (2), <https://doi.org/10.1007/s11192-015-1723-2>
20. Gan, J., Q. Cai, P. Galer, D. Ma, X. Chen, J. Huang, S. Bao, R. Luo and Q. Zhang (2019). "Mapping the Knowledge Structure and Trends of Epilepsy Genetics Over the Past Decade: A Co-word Analysis Based on Medical Subject Headings Terms", *Medicine (United States)*, 98(32). <https://doi.org/10.1097/MD.0000000000016782>
21. Gibbs, D. (2023). "Individual Accountability, Collective Decision-making", *Constitutional Political Economy*, 34.
22. Heradio, R., D. Fernandez-Amoros, C. Cerrada and M.J. Cobo (2020). "Group Decision-making Based on Artificial Intelligence: A Bibliometric Analysis", *Mathematics*, 8 (9), 1566.
23. <http://www.webofscience.com>
24. Liu, B., H. Chen and X. Huang (2018). "Map Changes and Theme Evolution in Work Hours: A Co-word Analysis", *International Journal of Environmental Research and*

25. Mann, R.P. (2020). "Collective Decision-making by Rational Agents With Differing Preferences", *Proceedings of the National Academy of Sciences of the United States of America*, 117 (19), <https://doi.org/10.1073/pnas.2000840117>
26. McHugh, K.A., F.J. Yammarino, S.D. Dionne, A. Serban, H. Sayama and S. Chatterjee (2016). "Collective Decision Making, Leadership, and Collective Intelligence: Tests With Agent-based Simulations and a Field Study", *Leadership Quarterly*, 27 (2, SI), <https://doi.org/10.1016/j.leaqua.2016.01.001>
27. Nájera-Sánchez, J.J. (2020). "A Systematic Review of Sustainable Banking Through a Co-word Analysis", *Sustainability* (Switzerland), 12 (1). <https://doi.org/10.3390/su12010278>
28. Nguyen, D. (2019). "Mapping Knowledge Domains of Non-biomedical Modalities: A Large-scale Co-word Analysis of Literature 1987-2017", *Social Science and Medicine*, 233, <https://doi.org/10.1016/j.socscimed.2019.05.044>
29. Ortiz-de-Urbina-Criado, M., J.J. Najera-Sanchez and E.M. Mora-Valentin (2018). "A Research Agenda on Open Innovation and Entrepreneurship: A Co-word Analysis", *Administrative Sciences*, 8 (3). <https://doi.org/10.3390/admsci8030034>
30. Parrondo, J.M.R., L. Dinis, E. Garcia-Torano and B. Sotillo (2007). "Collective Decision Making and Paradoxical Games", *European Physical Journal-Special Topics*, 143, <https://doi.org/10.1140/epjst/e2007-00068-0>
31. Prigozhin, A.I. (1991). "Game Methods of Collective Decision Making in Management Consulting", *Soviet Education*, 33 (12), <https://doi.org/10.2753/RES1060-9393331225>
32. Qin, X., Z. Wang, H. Zhao and L.B. Kaspersen (2016). "The Focus and Frontier of Corporate Social Responsibility a Co-word Analysis of Articles in Ssci, 2001-2014", *Nankai Business Review International*, 7 (2), <https://doi.org/10.1108/NBRI-09-2015-0021>
33. Raeeszadeh, M., M. Karamali and A. Sohrabi (2018). "Science Mapping of Trauma Surgery by Co-word Analysis and Thematic Clustering in Medline", *Archives of Trauma Research*, 7 (3), https://doi.org/10.4103/atr.atr_48_18
34. Sarsenbayeva, Z., N. Van Berkel, D. Hettiachchi, B. Tag, E. Velloso, J. Goncalves and V. Kostakos (2023). "Mapping 20 Years of Accessibility Research in HCI: A Co-word Analysis", *International Journal of Human-Computer Studies*, 103018.
35. Schmitter, P.C., J. Grote and B. Gbikpi (2002). *Participatory Governance: Political and Societal Implications*, Leske and Budrich, Opladen.
36. Song, Y., B. Liu, X. Chen and J. Liu (2020). "Atmospheric Pollution Mapping of the

- Yangtze River Basin: An AQI-based Weighted Co-word Analysis”, *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 17 (3). <https://doi.org/10.3390/ijerph17030817>
37. Telem, M. (1988). “Information Requirements Specification 2. Brainstorming Collective Decision-Making Technique”, *Information Processing and Management*, 24 (5).
38. Uyar, A., M. Kilic and M.A. Koseoglu (2020). “Exploring the Conceptual Structure of the Auditing Discipline Through Co-word Analysis: An International Perspective”, *International Journal of Auditing*, 24 (1). <https://doi.org/10.1111/ijau.12178>
39. Van Deemen, A. and A. Rusinowska (2010). *Collective Decision Making: Views from Social Choice and Game Theory* (Vol. 43), Springer Science and Business Media.
40. Wang, X., Z. Xu, S.F. Su and W. Zhou (2021). “A Comprehensive Bibliometric Analysis of Uncertain Group Decision Making from 1980 to 2019”, *Information Sciences*, 547.
41. Wang, Y., J. Li, L.C. Lee, M. Wang and H. Du (2019). “A Review of Input-output Model Application Hot Spots in the Energy and Environment Fields Based on Co-words Network Analysis”, *Environmental Reviews*, 27 (4), <https://doi.org/10.1139/er-2018-0110>
42. Wang, Z., Z. Deng and X. Wu (2019). “Status Quo of Professional-patient Relations in the Internet Era: Bibliometric and Co-word Analyses”, *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 16 (7). <https://doi.org/10.3390/ijerph16071183>
43. Wei, W., J. Ge, S. Xu, M. Li, Z. Zhao, X. Li and J. Zheng (2019). “Knowledge Maps of Disaster Medicine in China Based on Co-word Analysis”, *Disaster Medicine and Public Health Preparedness*, 13 (3), <https://doi.org/10.1017/dmp.2018.63>
44. Wu, B., X. Zhou, Q. Jin, F. Lin and H. Leung (2017). “Analyzing Social Roles Based on a Hierarchical Model and Data Mining for Collective Decision-making Support”, *Ieee Systems Journal*, 11 (1), <https://doi.org/10.1109/JSYST.2014.2386611>
45. Wu, S. and Q. Sun (2014). “Computer Simulation of Leadership, Consensus Decision Making and Collective Behaviour in Humans”, *Plos One*, 9 (1). <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0080680>
46. Zellner, M., C. Watkins and D. Massey, L. Westphal, J. Brooks and K. Ross (2014). “Advancing Collective Decision-Making Theory with Integrated Agent-Based Modeling and Ethnographic Data Analysis: An Example in Ecological Restoration”, *Jasss-The Journal of Artificial Societies and Social Simulation*, 17 (4). <https://doi.org/10.1109/JSYST.2014.2386611>

org/10.18564/jasss.2605

47. Zhao, F., B. Shi, R. Liu, W. Zhou, D. Shi and J. Zhang (2018). "Theme Trends and Knowledge Structure on Choroidal Neovascularization: A Quantitative and Co-word Analysis", In *BMC Ophthalmology*, Vol. 18, Issue 1. <https://doi.org/10.1186/s12886-018-0752-z>
48. Zhu, X. and Y. Zhang (2020). "Co-word Analysis Method Based on Meta-path of Subject Knowledge Network", *Scientometrics*, 123 (2), <https://doi.org/10.1007/s11192-020-03400-0>

ماهیت‌شناسی حقوقی بستر رودخانه و جرائم ناشی از واگذاری آن

رسول احمدزاده، زهرا مشایخی** و رحیم گل زاده***

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۲	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۸	شماره صفحه: ۳۳۳-۳۶۳
-------------------	--------------------------	-------------------------	---------------------

رودخانه‌ها به‌مثابه شیرین‌های حیاتی زمین در زمره اموال ملی و ثروت‌های خدادادی هستند و عواملی نظیر واگذاری‌های غیراصولی بستر و تصرف حریم و تغییر کاربری غیرمجاز آنها، اکوسیستم محیط را با خطر جدی مواجه کرده است. در حال حاضر در قوانین عادی بهره‌برداری از بستر رودخانه‌ها به‌صورت کشت موقت در قالب عقد اجاره تجویز شده است و ایجاد اعیانی و هرگونه دخل و تصرف در این اراضی با مجوز وزارت نیرو میسر می‌شود. انتقال مالکیت منافع بستر رودخانه‌ها به اشخاص خصوصی بدون نظارت کافی و مؤثر سازمان‌های مربوطه منشأ معضلات و جرائم متعددی گشته است که قابل اغماض نیست. پرسش اصلی مقاله عبارت است از اینکه بستر رودخانه چه جایگاهی در نظام حقوق اموال داشته و واگذاری آن در چه قالب حقوقی تجویز شده است تا از این طریق آثار کیفری آن مورد تحلیل و مذاقه قرار گیرد. این پژوهش با مطالعه منابع کتابخانه‌ای و با بررسی ماهیت رودخانه‌ها در نظام حقوق اموال بدین نتیجه دست یافته است که بهره‌برداری از بستر رودخانه‌ها به‌عنوان اموال ملی باید به‌صورت استثنایی و با اذن دولت، بدون انتقال منافع آن تحت عقد اجاره، انجام شود.

کلیدواژه‌ها: بستر رودخانه؛ اموال ملی؛ تغییر کاربری غیرمجاز؛ تصرف اراضی ملی؛ جرائم زیست‌محیطی

* دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛
Email: rahmadzadeh@live.com

** دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران؛
Email: z.mashayekhi@outlook.com

*** دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران؛
Email: rahimgolzadeh801@gmail.com

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال سی و یکم، شماره یکصد و هجدهم، تابستان ۱۴۰۳

doi: 10.22034/MR-2023.5301.5067

مقدمه

با اینکه بستر طبیعی رودخانه تعریف مشخصی ندارد، بستر قانونی رودخانه به آن بخش از «پهنه سیلابی» رودخانه گفته می‌شود که طی فرایند فنی و قانونی مشخص می‌شود. بستر رودخانه‌ها به سبب ارزشمندی و مرغوبیت ذاتی که برای کشاورزی، غرس اشجار و همچنین تفریح و گردشگری دارد، ارزش اقتصادی داشته و همانند اراضی دیگر از اموال محسوب می‌شوند. به همین سبب، امروزه اشتغال‌زایی و فعالیت اقتصادی به‌ظاهر سالم، توجیه و بهانه لازم برای تخریب و تغییر کاربری بستر رودخانه‌ها را ایجاد کرده است. حال آنکه براساس اصل چهل و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران^۱ و ماده (۲) قانون توزیع عادلانه آب^۲ مصوب ۱۳۶۱/۱۲/۱۶ مجلس شورای اسلامی، بستر رودخانه‌ها در اختیار حکومت جمهوری اسلامی ایران بوده و مسئولیت حفظ، اجاره و نظارت بر بهره‌برداری از آنها به دولت محول شده است. به‌موجب تبصره «۳» ذیل همان ماده^۳ ایجاد هر نوع اعیانی و حفاری و دخل و تصرف در بستر رودخانه‌ها با اجازه وزارت نیرو ممکن است. اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز هر فعالیتی را که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع اعلام کرده است.

۱. اصل ۴۵- انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های موات یا رها شده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نزارها، بیشه‌های طبیعی، مراعی که حریم نیست، ارث بدون وارث، و اموال مجهول‌المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می‌شود در اختیار حکومت اسلامی است تا برطبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید. تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک را قانون معین می‌کند.

۲. ماده ۲- بستر انهار طبیعی و کانال‌های عمومی و رودخانه‌ها اعم از اینکه آب دائم یا فصلی داشته باشند و مسیل‌ها و بستر مرداب‌ها و برکه‌های طبیعی در اختیار حکومت جمهوری اسلامی ایران است و همچنین است اراضی ساحلی و اراضی مستحدثه که در اثر پایین رفتن سطح آب دریاها و دریاچه‌ها و یا خشک شدن مرداب‌ها و باتلاق‌ها پدید آمده باشد در صورت عدم احیاء قبل از تصویب قانون نحوه احیاء اراضی در حکومت جمهوری اسلامی.

۳. تبصره «۳» ماده ۲- ایجاد هر نوع اعیانی و حفاری و دخل و تصرف در بستر رودخانه‌ها و انهار طبیعی و کانال‌های عمومی و مسیل‌ها و مرداب و برکه‌های طبیعی و همچنین در حریم قانونی سواحل دریاها و دریاچه‌ها اعم از طبیعی یا مخزنی ممنوع است مگر با اجازه وزارت نیرو.

در خصوص نحوه بهره‌برداری از بستر رودخانه‌ها ماده (۷) آیین‌نامه مربوط به بستر و حریم رودخانه‌ها، انهار، مسیل‌ها، مرداب‌ها، برکه‌های طبیعی و شبکه‌های آبرسانی، آبیاری و زهکشی مصوب ۱۳۷۹/۰۸/۱۱ هیئت وزیران، کشت موقت در آن قسمت از بستر رودخانه را که برای بهره‌برداری از آب مزاحمتی ایجاد نکند، با موافقت کتبی و قبلی شرکت آب منطقه‌ای ذی‌ربط، در قالب عقد اجاره، بلامانع اعلام و مقرر کرده است که مستأجر به‌هیچ‌وجه حق ایجاد اعیانی و غرس اشجار (به‌جز زراعت سطحی) ندارد. با عنایت به اینکه بستر رودخانه‌ها از اموال ملی و در اختیار حکومت جمهوری اسلامی ایران بوده؛ محول شدن مسئولیت حفظ، اجاره و نظارت بر بهره‌برداری از آنها به دولت، دلیل بر مالکیت دولت به‌معنای خاص خود نمی‌شود. از این رو وزارت نیرو موظف است در انجام مسئولیت‌های محوله، مبانی شرعی و قانونی را در انعقاد قراردادهای بهره‌برداری مراعات کرده و از هرگونه عملیاتی که با موقت بودن واگذاری‌ها منافات داشته یا تغییر کاربری بستر رودخانه‌ها را سبب شود، جلوگیری به‌عمل آورد؛ چراکه بی‌توجهی به این مبانی، تصرف غیرقانونی اراضی ملی و تغییر کاربری را منجر می‌شود. پرسش اصلی این مقاله حول این محور است که واگذاری بستر رودخانه به اشخاص حقیقی و حقوقی چه آثاری برجای می‌گذارد و تخلفات آنها تحت چه عناوینی قابل تعقیب کیفری است؟ همچنین با طرح این پرسش فرعی و مکمل که تصرف بستر رودخانه‌ها تحت چه عنوان کیفری قابل مجازات است، تلاش خواهد کرد تا ضمن واکاوی ماهیت بستر رودخانه‌ها و شناسایی حق دولت بر آن، رفتارهای مجرمانه ممکن‌الوقوع را در این نوع اراضی تحت بررسی قرار دهد.

بر این اساس این مقاله در دو بخش پیکربندی شده است: در بخش نخست ماهیت حقوقی بستر رودخانه و آثار آن با نگاهی به مفهوم قانونی و جایگاه فقهی آن و در بخش دوم جرائم بالقوه ناشی از این واگذاری‌ها مرور می‌شود.

۱. ماهیت‌شناسی بستر رودخانه

بستر رودخانه برای نخستین بار در سال ۱۳۴۷ در قانون آب و نحوه ملی شدن آن وارد ادبیات حقوقی ایران شد و در ادامه با تصویب قانون توزیع عادلانه آب در سال ۱۳۶۱ نظام‌مند گردید. البته بستر قانونی رودخانه با بستر طبیعی رودخانه الزاماً یکی نیست و از سال ۱۳۴۷ تاکنون تعاریف قانونی مختلفی از بستر رودخانه به عمل آمده است. در تبصره ماده (۲) قانون آب و نحوه ملی شدن آن، بستر به حداکثر طغیان در مورد هر رودخانه و نهر طبیعی با توجه به آمار هیدرولوژی رودخانه‌ها و انهار و داغاب در بستر طبیعی آنها بدون رعایت اثر ساختمان تأسیسات آبی از طرف وزارت آب و برق اطلاق شده است. در بند «ح» ماده (۱) آیین‌نامه بستر و حریم رودخانه‌ها، انهار و غیره مصوب ۱۳۷۹ هیئت وزیران (به استناد ماده (۵۱) قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱) بستر به آن قسمت از رودخانه اطلاق می‌شود که در هر محل با توجه به آمار هیدرولوژیک و داغاب و حداکثر طغیان با دوره برگشت بیست‌وپنج‌ساله، وزارت نیرو یا شرکت‌های آب منطقه‌ای تعیین می‌کنند. در آخرین تعریف، حسب آیین‌نامه اجرایی قانون حفظ و تثبیت کناره و بستر رودخانه‌های مرزی مصوب ۱۳۶۳، بستر آن قسمت از رودخانه است که در حداکثر طغیان معمولی زیر آب قرار می‌گیرد. شرکت آب منطقه‌ای در هر مورد بستر و حریم رودخانه را تعیین می‌کند که تشریفات مربوط به آن در آیین‌نامه (بستر و حریم رودخانه‌ها...) مصوب ۱۳۷۹ به تفصیل بیان شده است مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ([https://: rc.majlis.ir](https://rc.majlis.ir)).

بنابراین بستر، قسمتی از رودخانه است که پس از تعیین و اعلام شرکت آب منطقه‌ای و طی تشریفات قانونی، در محل مشخص و علامت‌گذاری می‌شود. در واقع بستر به‌عنوان اراضی اطراف رودخانه مورد مطالعه نیست، بلکه جزئی از رودخانه بوده و غیر از حریم آن است. حریم آن قسمت از اراضی اطراف رودخانه است که بلافاصله

پس از بستر قرار دارد و به‌عنوان حق ارتفاق برای کمال انتفاع یا حفاظت کمی و کیفی تأسیسات احداثی لازم است.^۱

۱-۱. ماهیت بستر رودخانه در نظام فقهی

یکی از مسائل مورد اختلاف در فقه، مالکیت آب‌های عمومی و به تبع آن، بستر رودخانه‌هاست. در این خصوص سه دیدگاه در فقه اهل‌بیت (ع) می‌توان یافت؛ برخی از فقها معتقدند که آب‌های عمومی از جمله دریاها در زمره انفال قرار دارند. در مقابل، برخی دیگر معتقدند این دست از اموال در زمره مشترکات عمومی و گروهی آن را در دسته مباحات قرار داده‌اند.

در روایات اهل‌بیت (ع) به‌طور صریح از انفال بودن آب‌های عمومی ذکری به میان نیامده است. در این خصوص تنها می‌توان به حدیثی از امام صادق (ع) اشاره کرد که حضرت فرمودند: «پنج رود فرات، دجله، نیل مصر، مهران و نهر بلخ و هر چیزی که به وسیله آنها مشروب می‌شود، از آن امام است» (حرعاملی، هق ۱۴۰۹، ج ۹: ۵۳۰) و در رأس حکومت اسلامی، امام قرار دارد. در مورد معتقدان به دیدگاه اول می‌توان از شیخ مفید (بغدادی، هق ۱۴۱۳: ۲۷۸) و ابوالصلاح حلبی (۱۴۰۳: ۱۷۱) نام برد. امام خمینی (ره) به‌صراحت بیان کرده‌اند که سواحل دریاها و بستر رودخانه‌ها در زمره انفال^۲ قرار دارد (موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۱: ۳۶۸).

با وجود اختلاف‌هایی که در فقه در خصوص انفال بودن آب‌های عمومی وجود دارد، به‌علت غلبه آب بر بستر و اینکه در گذشته امکان انتفاع از بستر وجود نداشته،

۱. بند «۱۲» فصل اول آیین‌نامه اجرایی قانون حفظ و تثبیت کناره و بستر رودخانه‌های مرزی مصوب ۱۳۶۳.
۲. انفال، اموال مختص به رسول خدا (ص) و امامان (ع) است. انفال، جمع نَفَل یا نَفْل به‌معنای زیادی، بخشش و غنیمت است. وجه نام‌گذاری اموال ویژه پیامبر (ص) و ائمه (ع) به انفال که از قرآن کریم نشئت گرفته، این است که خداوند به‌منظور گرامی‌داشت مقام رسالت و امامت و برتری بخشیدن وجود مبارک رسول خدا و امامان بر دیگران، افزون بر خمس، انفال را نیز به آن اختصاص داده است (مؤسسه دایره‌المعارف فقه اسلامی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۷۰۲-۷۰۰).

در فقه به موات و انفال بودن بستر حکم شده است (النجفی، ۱۳۶۲، ج ۱۶: ۱۱۹). در مقابل دیدگاه فوق، عده دیگری از فقها آب‌های عمومی و بستر آن را در عداد مصادیق انفال ذکر نکرده‌اند. در این گروه می‌توان به سلار دیلمی (هق ۱۴۰۴: ۱۴۰)، ابن‌براج طرابلسی (هق ۱۴۰۶، ج ۱: ۱۸۳) و ابن‌ادریس حلی (هق ۱۴۱۰، ج ۱: ۴۹۷) اشاره کرد. گفتنی است انفال با مشترکات عمومی از حیث مبنایی تفاوت دارد. طبق دیدگاه برخی فقها، آب‌های عمومی در زمره مشترکات عمومی و ثروت‌های طبیعی قرار دارند که احدی حق تملک خصوصی آن را نداشته و با حفظ جنبه اشتراکی مال، حق بهره‌برداری دسته‌جمعی باید باشد (صدر، ۱۳۵۷: ۱۲۷).

گروهی دیگر نیز آب‌های طبیعی را از مباحات دانسته‌اند. بر این اساس هرکس به بهره‌برداری از آن اقدام کند، نسبت به دیگران اولویت دارد و اگر قصد تملک داشته باشد مالک آن محسوب می‌شود (الجبعی العاملی، هق ۱۴۱۰، ج ۷: ۱۸۴). براساس رویکرد فقهی اخیر، آب‌های جاری و رودخانه‌ها جملگی از مباحات اصلیه بوده و هرکس به قصد تملک، آنها را حیازت کند، مالک آن می‌شود. این در حالی است که انفال این‌گونه نیست و با سبق تصرف و قصد تملک، وارد دارایی افراد نمی‌شوند و تصرف در آنها منوط به اجازه حکومت است. بنابراین اینکه آب‌های عمومی و بسترها را از مشترکات عمومی، مباحات یا انفال بدانیم از نگاه فقهی دارای اهمیت و اثر است. از این رو با توجه به اختلاف رویکردها و نظرهای مختلف فقهی موضع قطعی نمی‌توان اتخاذ کرد و در ادامه موضع نظام حقوقی ایران نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱. بستر رودخانه در سنجه اموال عمومی

اختلاف فقهی و رویکردهای مختلف در هر دوره قانونگذاری در خصوص بستر رودخانه و اموال عمومی ادبیات حقوقی متشکلی را به وجود آورده بود. از یک سو در قانون مدنی اراضی اطراف رودخانه جزء مباحات تلقی می‌شد که با حیازت قابل تملک

است و از سوی دیگر قانون شهرداری مصوب ۱۳۳۴ بستر رودخانه‌ها را ملک عمومی و در اختیار شهرداری‌ها تلقی می‌کرد. در سال ۱۳۴۷ قانون آب و ملی شدن آن به این سرگردانی پایان بخشید و بستر رودخانه‌ها را متعلق به دولت عنوان کرد و در نهایت قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱ در ماده (۲) از ادبیات دیگری بهره‌جست و بستر انهار را در اختیار حکومت جمهوری اسلامی ایران محسوب کرد. به‌کارگیری الفاظ مختلف از سوی قانونگذار در سیر تطور قانونی مانند «انفال و ثروت‌های عمومی» در اصل چهل‌وپنجم قانون اساسی، عبارت «متعلق به دولت» در قانون آب و ملی شدن آن، «در اختیار حکومت جمهوری اسلامی، ملک عمومی و مشترکات» در قانون توزیع عادلانه آب، ماهیت دقیق حقوقی بستر رودخانه‌ها را با ابهام مواجه ساخته که به‌تبع می‌تواند مسائل و شبهات جدی در آثار و احکام آن ایجاد کند.

مطابق نخستین رویکرد فقهی، در اصل چهل‌وپنجم قانون اساسی، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی در زمره انفال و ثروت‌های عمومی یادشده است که در اختیار حکومت اسلامی است تا طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل کند. با این حال شورای نگهبان در مقام ایراد به طرح توزیع عادلانه آب این رویکرد فقهی را نپذیرفته و در نقد ماده (۱) طرح توزیع عادلانه آب مصوب جلسات ۱۳۶۱/۳/۱۷ و ۱۳۶۱/۷/۱۳ مجلس، ذکر انفال را مغایر شرع تلقی کرد و افزود: «اینکه ماده (۱) آب‌ها را از انفال ذکر نموده، شرعاً صحیح نیست و پیشنهاد می‌شود نوشته شود که از مشترکات است و در اختیار دولت و جمله (و آب‌های عمومی) حذف شود». به‌نظر می‌رسد مقصودی که فقهای وقت شورای نگهبان از مفهوم انفال برداشت می‌کردند، حمل مفهوم «از آن امام» به شأن مالکیتی برای دولت بوده است که ایشان کوشیده‌اند از احتمال تعلق آب‌های عمومی و به‌تبع بستر آن به دولت جلوگیری به‌عمل آید.

مطابق نظر رایج میان فقها اموال امام (اموال دولتی) در مقابل اموم عموم (اموال

عمومی) است. حال آنکه تفسیر دیگری از انفال وجود دارد و مقصود «از آن امام» در واقع «اختیار حکومت اسلامی» در تصدی و نظارت بر آن دسته اموال است. بر این اساس گروهی از فقها رابطه حاکم اسلامی با همه اموال عمومی را ولایت می‌دانند و هیچ مالکیتی برای حاکم قائل نیستند و معتقدند انفال نظیر دیگر اموال عمومی تابع ولایت حکومت است (موسوی خمینی، هق ۱۴۲۱، ج ۲: ۴۹۶؛ منتظری، ۱۳۶۷: ۲۹۶).

برخی معتقدند با وجود آنکه شورای نگهبان آب‌های مشمول قانون توزیع عادلانه آب را مشترک عمومی اطلاق کرده است، همان احکام انفال را برای این آب‌ها پذیرفته است (کریمی، ۱۳۷۸: ۶۲). در حالی که چنانچه گفتیم به عقیده برخی از فقها مشترکات عمومی غیر از مباحات و انفال است. از این رو به نظر می‌رسد شورای نگهبان حسب تفسیر مشهور فقها از مفهوم انفال (اموال دولتی یا اموال در مالکیت حکومت اسلامی) مالکیت حکومت را بر این دسته از انفال نفی کند و بدون آنکه بخواهد آنها را جزء مباحات آورد با تیزبینی و با اشاره به مفهومی نظیر مشترکات عمومی و در اختیار حکومت، رودخانه‌ها و به تبع بستر آنها را در زمره اموال عمومی آورد. باین حال باید از قید الفاظ و ابهامات ناشی از آنها عبور کرده و با مطالعه آرای فقهی و اندیشه دکترین حقوقی، جایگاه بستر رودخانه‌ها در نظام حقوق اموال بررسی شود.

۱-۲-۱. بستر رودخانه به مثابه مباحات

قانون مدنی به تبعیت از یک نظر فقهی منابع آبی را در زمره مباحات دسته‌بندی کرده است. براساس ماده (۲۷) قانون مدنی اموالی که ملک اشخاص نیست و عموم افراد می‌توانند مطابق مقررات مندرج در قانون یا سایر قوانین مخصوص تملک از آنها استفاده کنند مباحات نامیده شده و همچنین اراضی موات که معطل افتاده و آبادی، کشت و زرع در آن نباشد را مباحات می‌دانند. طبق این ماده تمام افراد جامعه به‌طور مساوی از منابع آبی بهره‌مند می‌شوند و حدود و میزان استفاده آنها تا حدی

است که به حقوق دیگران ضرری وارد نشود. در خصوص اراضی موات و مباحه نیز در ماده (۱۴۳) مقرر داشته است که هرکس اراضی موات و مباحه را احیا کند مالک آن خواهد شد. با این حال اشاره به رعایت قوانین مربوطه در قانون مدنی سبب می‌شود تا دست از اطلاق این قانون کشیده و به قوانین خاصی که در هریک از این حوزه‌ها تصویب گشته متوسل شد.

به عقیده برخی از حقوق‌دانان با تصویب قانون ملی شدن آب در مورخ ۱۳۴۷/۰۴/۲۷ مواد (۱۴۹) به بعد قانون مدنی منسوخ و مسئله تملک آب منتفی شده است و صدور سند رسمی برای مالکیت آن ممنوع شده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۰: ۳۵۶). برخی دیگر از حقوق‌دانان معتقدند قانون توزیع عادلانه آب ناسخ قانون مدنی نیست ولی استفاده از آنها را با اذن و مجوز وزارت نیرو دانسته است و لذا الجمع مهما امکان اولی من الطرح (کاتوزیان، ۱۴۰۰: ۱۷۳-۱۷۲).

قانونگذار در ماده (۱) قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱ به صراحت بیان می‌دارد که «بر اساس اصل (۴۵) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، آب‌های دریاها و آب‌های جاری در رودها ... از مشترکات بوده و در اختیار حکومت اسلامی است». منشأ پیدایش این دیدگاه قانونگذار برگرفته از همان اشکال شورای نگهبان است که پیش‌تر بیان شد و این شورا چنین اظهار نظر کرد که «این آب‌ها از مشترکات است و در اختیار دولت».

با این حال مجلس ضمن حذف لفظ انفال و افزودن مشترکات در برخی توضیحاتی که در راستای اصلاح مواد می‌آورد به نظر می‌رسد به احکام دیگری غیر از احکام مباحات نظر دارد.^۱

۱. در جلسه ۴۱۶ مجلس شورای اسلامی مورخ ۱۳۶۱/۱۱/۱۲ رئیس وقت مجلس (آقای هاشمی رفسنجانی) در پاسخ به ایرادهای شورای نگهبان اظهار تردید می‌کند که امام در رساله خود تصریح فرموده‌اند که از انفال است پس با فتوای چه کسی رد کرده‌اند؟ مخبر کمیسیون (آقای دکتر رهامی) نیز انفال بودن آن را در راستای اصل چهل و پنجم قانون ←

در خصوص اراضی موات تا قبل از «قانون احیای اراضی موات در حکومت جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸» هر کس زمین مواتی را احیا می‌کرد براساس قاعده «من احیا ارضا میتة فیهی له» و عمومات قانون مدنی مالک آن می‌شد اما پس از این قانون تملک اراضی موات قاعده‌مند شد و به دولت داده شد. در ماده (۲) قانون توزیع عادلانه آب نیز به این استثنا اشاره کرده است. منتها حسب سیاق متن ماده و ملاحظه نظریات شورای نگهبان به نظر می‌رسد استثنای وارده صرفاً در خصوص قسمت دوم ماده است که به اراضی ساحلی و اراضی مستحدثه مربوط می‌شود که در اثر پایین رفتن سطح آب دریاها و دریاچه‌ها یا خشک شدن مرداب‌ها و باتلاق‌ها پدید آمده باشد و بستر رودخانه‌ها مطلقاً در اختیار حکومت است.^۱

در مجموع به نظر می‌رسد در این رویکرد دقت نظر کافی به عمل نیامده است؛ چراکه اموال و مشترکات عمومی لفظ مشترکی است که در معانی مختلف به کار رفته است و نباید دچار مغالطه اشتراک لفظی شد. فقها مشترکات را در برخی موارد مترادف مباحث به کار برده‌اند که باید میان مفهوم فقهی مشترکات و مفهومی که از اموال عمومی در قانون مدنی و دکترین حقوق عمومی به کار رفته است؛ تمییز داده شود.

۲-۲-۱. بستر رودخانه به مثابه اموال دولتی

اموالی که ملک دولت است، مؤسسه‌های عمومی حق مالکیتی مانند سایر اشخاص بر این اموال دارند. با اینکه قوانین، تصرفات دولت را در این اشیا تا اندازه‌ای محدود کرده است، ولی حق دولت بر اموال دولتی به معنای خاص شبیه حق مالکیت افراد بر سایر اموال است (کاتوزیان، ۱۴۰۰: ۶۸). یعنی دولت همانند اشخاص حقوق

اساسی دانستند و افزودند به‌رغم صحبتی که با آقای مهدوی کنی (رئیس وقت شورای نگهبان) داشتیم آقایان مطابق نظر فقهای گذشته حکم موضوع را از مشترکات دانسته و قانع نشدند.

۱. برگرفته از مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی پیرامون تصویب اصلاح موادی از قانون توزیع عادلانه آب بعد از ایرادهای شورای نگهبان وقت مورخ ۱۳۶۱/۱۱/۱۲.

خصوصی، دارای شخصیت حقوقی است و از ظرفیت لازم برای دارا شدن حقوق و تکلیف و به تبع مالکیت اموال برخوردار است.

علاوه بر اموال اختصاصی نهادهای دولتی، در گذشته اموال عمومی را در مالکیت دولت می‌دانستند و مؤید آن در نظام حقوقی ایران تبصره «۶» ماده (۹۶) قانون شهرداری مصوب ۱۳۴۵ بود که بستر رودخانه‌ها و نهرها را ملک عمومی و تحت مالکیت شهرداری می‌دانست. اما در دوره مدرن نظریه مالکیت دولت بر اموال عمومی به دلایل مختلفی از جمله سوءاستفاده‌هایی که دولت‌ها از اموال عمومی می‌کردند و به دلیل تضاد میان مالکیت و کاربری عمومی مطرود گردید و سبب شد اندیشمندان در خصوص نقش نگهداری و حفاظت دولت‌ها در خصوص اموال عمومی نظریه پردازی کنند (کرمی و میربد، ۱۳۹۹: ۲۰۳-۲۰۱). با ملاحظه سابقه تقنینی موضوع به نظر می‌رسد باید آخرین اراده قانونگذار که همانا قانون توزیع عادلانه آب است ملاک قرار گیرد، بنابراین تبصره «۶» ماده (۹۶) قانون شهرداری‌ها در این خصوص نسخ ضمنی شده است.

۳-۲-۱. بستر رودخانه به مثابه اموال عمومی

اموال عمومی در دو معنای عام و خاص استعمال شده است: اموال عمومی در معنای عام خود به همه اموال غیر خصوصی اطلاق می‌شود لکن در معنای خاص شامل بخشی از اموال غیر خصوصی است که به ملت تعلق دارد و در برابر اموال دولتی قرار می‌گیرد (کرمی، ۱۳۹۵: ۲).

قانون مدنی در فصل سوم در خصوص اموالی که مالک خاص ندارند به سه دسته اموال، مشتمل بر مشترکات عمومی (مواد ۲۶ - ۲۳)، مباحات (ماده ۲۷) و اموال مجهول‌المالک (ماده ۲۸) اشاره می‌کند. مشترکات عمومی همان‌طور که از نامش برمی‌آید به عموم تعلق دارد و هیچ‌یک از افراد نمی‌توانند در آن تصرفی کنند که دیگران را از آن محروم سازد؛ خواه این تصرف استفاده انحصاری باشد و خواه تملک

(امامی، ۱۳۹۷: ۵۴-۵۲؛ صفایی، ۱۳۸۹: ۱۴۲-۱۴۰). بر این اساس اموال عمومی در معنای خاص به اموالی اطلاق می‌شود که یا مستقیماً مورد استفاده عموم بوده یا به‌طور غیرمستقیم برای هدف یا خدمت عمومی اختصاص یافته‌اند و قابل تملک خصوصی نیست. ویژگی مشترک همه آنها این است که اولاً برای استفاده‌کننده حق تقدم ایجاد می‌کند و ثانیاً در تصدی (و نه مالکیت) دولت است از باب ولایتی که دولت بر ملت دارد و در راستای منافع عمومی این اموال را اداره کرده و مورد بهره‌برداری قرار می‌دهد.

برخی اموال عمومی را به دو دسته اموال طبیعی نظیر کوه، دریا، جنگل و... و اموال مصنوعی نظیر راه‌ها، ابنیه مراکز عمومی، بنادر و ... تقسیم کرده‌اند (کرمی و میربد، ۱۳۹۹: ۲۰۰). به‌نظر می‌رسد اموال و مشترکات عمومی به معنای اخص را باید صرفاً شامل اموال مصنوعی دانست. تمثیل‌های به‌کار گرفته شده در بخش اخیر ماده (۲۶) قانون مدنی در تعریف اموال عمومی بر آن صحه می‌گذارد: «آنچه از اموال منقوله و غیرمنقوله که دولت، به‌عنوان مصالح عمومی و منافع ملی، در تحت تصرف دارد» و همچنین اموالی که موافق مصالح عمومی به ایالات یا ولایت یا ناحیه یا شهری اختصاص یافته باشد در زمره اموال عمومی است، مانند گورستان و چراگاه‌های عمومی منطقه خاص. این دسته از اموال، دارای مالک خاص نیست و دولت تنها از جهت ولایتی که بر عموم دارد، می‌تواند آن را اداره کند (کاتوزیان، ۱۴۰۰: ۶۹).

برخی بر این اعتقادند که بستر آب‌های طبیعی و رودخانه‌ها به‌دلیل طبیعت خاص و مصرفی که دولت برای آن معین کرده از اموال عمومی است و پهنای بستر رودخانه‌ها تا حدی از اموال عمومی است که مسیر رودخانه‌ها یا نهر را حداکثر طغیان معمولی نشان دهد (همان: ۷۳).

به‌نظر می‌رسد هرچند بستر رودخانه‌ها نیز همانند مشترکات عمومی در اختیار

حکومت است اما هیچ شباهتی با مصادیق ذکر شده در مواد ۲۴ تا ۲۶ قانون مدنی نداشته باشد. ضمن آنکه صرف شروع به استفاده از بستر رودخانه‌ها چنان‌که خواهیم دید برای متصرف آن حق تقدمی ایجاد نخواهد کرد و بهره‌برداری از آنها با درجه شدیدتری از نظارت حکومت همراه است که در اعمال حاکمیت مؤثر خواهد بود.

۴-۲-۱. بستر رودخانه به‌مثابه اموال ملی

دسته دیگری از اموال وجود دارند که اموال حکومت و ملت تلقی می‌شوند و دولت از باب اعمال حاکمیت آنها را در اختیار داشته و می‌تواند استفاده عمومی از این اموال را منع کند لکن حق انتقال و واگذاری این اموال را نخواهد داشت (کریمی و پرتو، ۱۳۹۱: ۱۶۸)؛ از جمله ماده (۱) قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱ رودخانه‌ها و بستر آنها در زمره همین اموال است. حسب تبصره «۳» و «۴» ماده (۲) همین قانون هرگونه دخل و تصرف در بستر رودخانه‌ها ممنوع است و این با ویژگی ممانعت حکومت از استفاده عمومی سازگارتر است.

اصل چهل و پنجم قانون اساسی به دسته‌ای از اموال تحت عنوان انفال یا ثروت‌های ملی اشاره می‌کند که به‌نظر می‌رسد وجه تمایز این دسته از اموال با اموال عمومی در نگاه نخست طبیعی بودن است: «انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های موات یا رها شده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نیزارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ...» در این اصل انفال و ثروت‌های ملی تعریف به مصداق شده است.

بنابراین یک ضابطه برای تشخیص اموال عمومی از اموال ملی، مصنوعی یا طبیعی بودن مال است. چنانچه مالی در زمره ثروت‌های خدادادی باشد از اموال ملی خواهد بود و اگر دست‌ساخته بشر باشد حسب ماهیت عمومی آن می‌تواند در جرگه اموال عمومی دسته‌بندی شود.

شواهد قانونی لازم برای تقویت این نظر علاوه بر اصل چهل و پنجم قانون اساسی در قوانین عادی نیز وجود دارد. قانون آب و نحوه ملی شدن آن (مصوب ۱۳۴۷) نخستین بار آب را ثروت ملی تلقی کرد که بستر رودخانه‌های طبیعی را نیز شامل می‌شد.

اساساً بحث از نمایندگی دولت در تصدی آب به‌عنوان مال مشترک ملت از همان سال ۱۳۴۷ آغاز شد تا از تملک خصوصی و بی‌قید و شرط منابع آبی جلوگیری به عمل آید و تدابیر کیفی در خصوص صنعت آب در همین راستا اتخاذ شود (درویش‌زاده کوچصفهانی، ۱۳۹۸: ۲۸۲).

در ادامه سیر قانونگذاری، فصل اول قانون توزیع عادلانه آب با نام مالکیت عمومی و ملی آب عنوان شده است.

اشکال شورای نگهبان نیز در چارچوب اندیشه فقهی فقهای وقت (این شورا) با این توصیف نیز هم‌سو است. چراکه ایشان، به تبعیت از نظر مشهور فقهی، انفال را ملک امام (اموال دولتی) تلقی می‌کردند و لذا حذف انفال از قانون توزیع عادلانه آب بدین جهت بود که آب‌ها و بستر آنها متعلق به عموم انگاشته شود و در اختیار حکومت باشد؛ نه آنکه جزء اموال متعلق به امام یا دولت تلقی شود. از سویی این رویکرد از استفاده مطلق مردم از آب‌ها و بستر آنها جلوگیری کرده و با ویژگی اموال ملی و اصل چهل و پنجم قانون اساسی مطابقت دارد.

همچنین به اعتقاد برخی از فقها زمین و منابع طبیعی ملک خاص هیچ‌کس نیست و سرپرست مسلمانان برحسب مصلحت عموم بر زمین و منابع آن نظارت دارد و حدود تصرفات و تعیین خراج در این اموال را تعیین می‌کند (طالقانی، ۱۳۴۴: ۱۴۷؛ صدر، ۱۳۵۷، ج ۲: ۷۸). باین‌حال قانونگذار در سال ۱۳۸۹ با تصویب قانونی در خصوص «افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی» ذیل ماده (۹) بر تثبیت مالکیت دولت نسبت به منابع ملی و اراضی موات و دولتی تأکید ورزید. لکن

در ادامه چنین مقرر داشت که وزارت جهاد به نمایندگی از سوی دولت نسبت به اخذ سند مالکیت به منظور اعمال مدیریت کارآمد، نسبت به حفاظت و بهره‌برداری از عرصه و اعیانی منابع ملی و اراضی یادشده در دعاوی مربوطه اقدام کند.

مفهومی که از مالکیت دولت بر اراضی ملی در این قانون اشاره شده است حسب تفسیری است که از انفال در اصل چهل‌وپنجم قانون اساسی استنباط شده است و ما پیش‌تر به دوگانگی تفسیر در خصوص انفال و شأن مالکیت یا نظارت دولت پرداختیم. در خصوص تبصره «۲» ذیل این ماده به‌درستی مخالفان در شورای نگهبان مغایرت چنین محتوایی را با اصل قانون اساسی متذکر می‌شوند.^۱ به نظر ما نیز اختیار دولت نسبت به انفال جنبه تصدی‌گرایانه دارد و اگر قرار است انفال را در ملکیت دولت (حکومت) بیان‌گاریم، لازمه شرعی آن تجویز انتقال و واگذاری از سوی دولت است و یا نباید برای دولت شأن مالکیتی نسبت به انفال قائل شد و اگر چنین نتیجه‌ای حاصل شد باید به توابع شرعی آن که همانا امکان انتقال است، پایبند ماند.

بنابراین به نظر می‌رسد در مقام تفسیر اصل چهل‌وپنجم قانون اساسی در جمع با مواد (۱) و (۲) قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱ و ماده (۹) و تبصره «۲» ماده (۹) قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی، بهتر است نص قانون اساسی را به‌عنوان هنجار عالی مدنظر قرار داده و اموال ملی و از جمله بستر رودخانه‌ها را در اختیار حکومت اسلامی دانست تا طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل کند. ضمن آنکه می‌توان هدف قانونگذار از صدور سند مالکیت برای وزارت جهاد برای اراضی ملی

۱. مخالفان تبصره «۲» ماده (۹) قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی در جلسه شورای نگهبان چنین استدلال کرده‌اند: «براساس اصل (۴۵) قانون اساسی، دولت مکلف است تا انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های موات را که در اختیار دارد، برطبق مصالح عامه مدیریت نماید، حال آنکه در تبصره مزبور، همانند کشورهای سوسیالیستی، مالکیت این زمین‌ها تنها در انحصار دولت بوده و حق واگذاری آنها، حتی در صورت وجود مصلحت عامه، از دولت سلب گردیده است. به همین جهت تبصره فوق مغایر با اصل (۴۵) قانون اساسی است.» نک: شرح تفصیلی نظر شورای نگهبان درباره طرح «افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی» - مصوب ۱۳۸۹/۲/۲۲ مجلس شورای اسلامی».

به نیابت از دولت را اولاً مقصود از دولت را حکومت به معنای عام آن تلقی کرد؛ چراکه مبرهن است که انتقال اموال دولتی (دولت در معنای خاص هیئت دولت و وزارتخانه‌ها به‌عنوان یک شخص حقوقی) با رعایت تشریفات قانونی مربوط به مزایده میسر است و ثانیاً آنکه صرف صدور سند که امری تشریفاتی است در خصوص اراضی ملی صرفاً برای حفظ آنها از زمین‌خواری و سوءاستفاده‌های احتمالی است که به‌درستی به لزوم تهیه حدنگار (کاداستر) برای تعیین حدود اراضی ملی اشاره شده است. افزون بر آن، این قانون در مقام بیان مالکیت حکومت و پایبندی به لوازم آن نبوده است.

بر این اساس به‌نظر نگارندگان نیز اوصاف بستر رودخانه با این دسته از اموال مطابقت داشته و لذا شایسته حمایت‌های ویژه‌ای ازسوی قانونگذار است. اینکه بستر رودخانه‌ها را به‌عنوان اموال ملی شناسایی کنیم خود واجد آثاری است که تأثیر بسزایی در بررسی واگذاری آنها دارد.

نخست آنکه اساساً این دسته از اموال نه ازسوی اشخاص خصوصی و نه ازسوی اشخاص حقوق عمومی قابل تملک نیست. بر این اساس تملک بستر رودخانه‌ها نیز امکان‌پذیر نیست. صدور سند مالکیت برای وزارت جهاد نیز همان‌طور که اشاره شد اقدامی پیشگیرانه برای نفی تصرفات غیر بر اراضی ملی و در راستای اعمال حاکمیت خواهد بود. به‌طورقطع مالکیتی که دولت به‌عنوان شخص حقوقی هیئت دولت نسبت به اموال و دارایی خود دارد با عنوان مالکیتی که در مقام اعمال حاکمیت و برای حفظ و تصدی اراضی ملی دارد یکسان نبوده و می‌توان گفت مالکیت اخیر در مفهوم مجازی به‌کار رفته است.

دیگر ویژگی این دسته از اموال غیرقابل انتقال بودن این اموال است. همان‌طور که گفته شد بستر رودخانه‌ها در اختیار حکومت جمهوری اسلامی ایران بوده و دولت، آن را به‌عنوان مصالح عمومی و منافع ملی در تحت تصرف دارد. لذا دولت نمی‌تواند

اموال عمومی و به تبع ثروت‌های ملی را انتقال دهد؛ زیرا امکان نقل و انتقال این دسته از اموال با غیر قابل تملک بودن آنها منافات دارد. مواد (۲۴)، (۲۵) و (۲۶) قانون مدنی نیز بر عدم امکان تملک و به تبع عدم امکان نقل و انتقال اموال عمومی تأکید ورزیده‌اند. برخی در راستای اصل چهل و چهارم قانون اساسی امکان تغییر مالکیت عمومی اموال به مالکیت خصوصی را با حمایت قانونگذار در جهت رشد و توسعه اقتصادی و مصالح عمومی مجاز دانسته‌اند (کنعانی، ۱۳۹۲: ۲۵۳-۲۵۲). بنابراین اگر قانونگذار هدف اختصاص داده شده به آن را تغییر دهد مانع از انتقال نخواهد بود (کاتوزیان، ۱۴۰۰: ۹۱). اگر در پاره‌ای از موارد اجازه قانونی برای فروش اموال عمومی به طور محدود داده شده است نظیر پارک‌ها، موزه‌ها و... به نظر می‌رسد در خصوص ثروت‌های ملی به طور مطلق چنین مجوزی از سوی قانونگذار صادر نشده است و اساساً امکان فروش ثروت‌های ملی وجود ندارد و این معیار عاملی برای تمییز اموال عمومی مصنوعی نظیر راه‌ها، موزه‌ها و... از ثروت‌های ملی نظیر کوه‌ها، دریاها، رودخانه‌ها و بستر آنهاست.

مؤید این سخن ماده (۹) قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی است که انتقال اراضی ملی را به کلی ممنوع دانسته و همه قوانین مغایر در این خصوص را ملغی دانسته است.

از این رو به نظر می‌رسد برخلاف اموال عمومی که به موجب قانون خاص قابل واگذاری است، با وجود مبانی فقهی و تصریح قانون اساسی در اصل چهل و پنجم که رودخانه‌ها را از اموال ملی و ثروت‌های طبیعی و در اختیار حکومت اسلامی می‌داند، هرگونه مصوبه مجلس شورای اسلامی مبنی بر امکان انتقال اموال ملی، ممکن است به لحاظ تعارض آن با قانون اساسی، با مخالفت شورای نگهبان روبه‌رو شود. همین ویژگی عامل تمایز اموال ملی با اموال اختصاصی (دولتی) است (کرمی، ۱۳۹۷: ۲۳).

این در حالی است که برای مثال اموال دولتی مطابق اصل هشتادوسوم قانون اساسی قابل واگذاری و انتقال به غیر است که البته براساس قوانین عادی رعایت تشریفات خاص مربوط به مزایده و مناقصه در خصوص آنها لازم‌الرعایه است.

سومین ویژگی اموال ملی عدم ایجاد حق تقدم برای استفاده‌کننده از آنهاست. در خصوص اموال عمومی گفته شد که برای استفاده‌کننده از آن، حق تقدم ایجاد می‌کند و اموال عمومی موضوع مواد (۲۵) و (۲۶) قانون مدنی نیز چنین خصیصه‌ای دارد. در حالی که در خصوص ثروت‌های ملی همان‌طور که اشاره شد حکومت می‌تواند استفاده عمومی از این دسته اموال را مانع کند.

چنانچه در تبصره «۳» ماده (۲) قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱ قانونگذار تصریح می‌کند که ایجاد هر نوع اعیانی و حفاری و دخل و تصرف در بستر رودخانه‌ها و انهار طبیعی و کانال‌های عمومی و مسیل‌ها و مرداب و برکه‌های طبیعی و همچنین در حریم قانونی سواحل دریاها و دریاچه‌ها اعم از طبیعی و یا مخزنی ممنوع است مگر با اجازه وزارت نیرو.

البته گفتنی است در صورت صلاحدید شرکت آب منطقه‌ای صرفاً در قالب عقد اجاره بهره‌برداری با اولویت برای مجاوران از بستر رودخانه‌ها در ماده (۷) آیین‌نامه اجرایی مربوط به بستر رودخانه‌ها مصوب ۱۳۷۹ تجویز شده است. اما این حق تقدم برای مجاوران در انعقاد عقد اجاره آن هم به صورت صلاحدیدی است و با حق تقدمی که برای استفاده از اموال عمومی به‌طور مطلق برای عموم ایجاد می‌شود متفاوت است.

۲. جرائم مرتبط با واگذاری و تصرف در بستر رودخانه‌ها

واگذاری بستر رودخانه به نحوی که در قوانین پیش‌بینی شده است خود موجبات سوءاستفاده‌های فراوان هم از سوی مأموران دولتی و هم مستأجران در بستر رودخانه

را فراهم می‌آورد که برخی از مصادیق این رفتارها جرم‌انگاری شده است. به‌طور کلی واگذاری بستر رودخانه محملی برای زمین‌خواری در مفهوم عام آن فراهم می‌کند.^۱ در این بین واگذاری اراضی ملی به دو صورت ممکن است منتهی به وقوع جرائم شود. اول آنکه واگذاری‌های صورت گرفته خلاف قوانین و موازین پیش‌بینی شده باشد، یعنی شرایط لازم در خصوص طرح پیشنهادی و موافقت کمیسیون‌های مربوطه یا اهداف قانون رعایت نشده است که ملاحظه می‌شود در قوانین کیفری ما هیچ ضمانت اجرای مؤثری در این خصوص وجود ندارد و صرفاً چنانچه مصداق تبانی در معاملات دولتی یا رشا و ارتشا و ... باشد، موضوع قابل بررسی کیفری است.

دیگر آنکه با وجود واگذاری در چارچوب قانونی صحیح و مطابق موازین، نظارت و کنترل کافی بر نحوه تصرفات صورت نگرفته و برخی مواقع زمینه‌ساز وقوع جرائم زیست‌محیطی یا زمین‌خواری متصرفان می‌شود. انتقادهای فراوانی که از مراجع مختلف به این نوع واگذاری‌ها شده و آثار زیان‌باری که واگذاری‌های مذکور از نظر سهولت زمین‌خواری به‌بار آورد، قانونگذار را بر آن داشت تا با وضع تبصره «۲» ماده (۹) قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی مصوب ۱۳۹۸/۴/۲۳ انتقال قطعی مالکیت دولت در واگذاری اراضی ملی و دولتی و حتی موات را ممنوع و بهره‌برداری را صرفاً از طریق اجاره یا حق انتفاع تجویز کند.

در ادامه به مهم‌ترین مصادیق رفتارهای مجرمانه اشخاصی می‌پردازیم که بستر رودخانه به آنها واگذار شده یا بست رودخانه‌ها را مورد تصرف قرار می‌دهند.

۲-۱. تغییر کاربری غیرمجاز

در چند دهه اخیر افزایش ارزش اقتصادی اراضی سبب شده است که تقاضا برای

۱. از این رو برخی بر آنند که به ارتکاب جرائم علیه املاک و اراضی اشخاص خصوصی، زمین‌خواری اطلاق نمی‌شود و لازم است که موضوع این دسته از جرائم زمین‌های متعلق به دولت در معنای عام باشد (میرمحمدصادقی و رجبعلی، ۱۳۹۶: ۶۳).

احداث اعیانی در حواشی رودخانه‌ها و مجاری آب افزایش یابد. طمع‌ورزی به بستر رودخانه‌ها برای انجام فعالیت‌های اقتصادی به جهت برخورداری از آب رودخانه یا با مرغوبیت گردشگری مع‌الاسف زمینه تصرف بستر و حریم رودخانه‌ها را ایجاد کرده است که با تغییر کاربری این خاک حاصلخیز و کاهش عرض بستر رودخانه‌ها همراه است و این به نوبه خود می‌تواند موجب بهم خوردن اکوسیستم منطقه و در نتیجه وقوع سیل و خسارات فراوان اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی شود.

هنگامی که بستر رودخانه‌ها پس از خشک شدن یا تغییر مسیر یا به هر علت طبیعی یا غیرطبیعی دیگر خالی از آب شده و خاک حاصلخیز آن در امر کشاورزی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد، به‌طور جدی باید از وقوع تغییر کاربری غیرمجاز در آن نگران بود. تغییر کاربری به معنای تغییر شیوه استفاده و بهره‌برداری از زمین است و بنابراین هر اقدامی که مانع بهره‌برداری و استمرار کشاورزی در خصوص اراضی زراعی و باغ‌ها گردد تغییر کاربری محسوب می‌شود (سهرابی درخشان و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۵). به موجب ماده (۱) قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها مصوب ۱۳۷۴، تغییر کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها در خارج از محدوده قانونی شهرها و شهرک‌ها جز در موارد ضروری ممنوع می‌باشد و این ممنوعیت در راستای حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها و تداوم و بهره‌وری از آنهاست.

با دقت در مواد قانون حفظ کاربری و مستنبط از عنوان این قانون، مشخص می‌شود که موضوع جرم، تغییر کاربری «اراضی زراعی و باغ‌ها» است. ماده (۱) قانون حفظ اراضی زراعی و باغ‌ها و بند «ت» ماده (۱) آیین‌نامه اجرایی موضوع جرم تغییر کاربری در «اراضی زراعی و باغ‌ها» را شامل اراضی تحت کشت، آیش و باغات شامل آبی، دیم اعم از دایر و بایر که سابقه بهره‌برداری داشته باشد و اراضی تحت فعالیت‌های موضوع تبصره «۴» الحاقی که در حکم اراضی زراعی و باغ‌ها

محسوب می‌شود، دانسته است. به استناد شق ۶ بند «الف» ماده (۶) آیین‌نامه قانون حفظ کاربری، یکی از معیارهای تشخیص زراعی بودن اراضی، کیفیت خاک است (محمدی، ۱۴۰۰: ۱۸). بستر رودخانه‌ها نیز به جهت قابلیت خاک و مستعد بودن برای کشاورزی از اراضی زراعی محسوب می‌شود که می‌تواند موضوع قانون حفظ کاربری اراضی زراعی باشد.

به‌رغم آنکه معمولاً واگذاری‌های اولیه از سوی دستگاه‌های ذی‌صلاح صحیح و منطبق با قانون انجام گرفته باشد، اما در ادامه اشخاص پس از مسلط شدن به این اراضی، از این واگذاری‌ها سوءاستفاده کرده و به راحتی با عدول از طرح اولیه که معمولاً طرح‌های کشاورزی و تولیدی است، با تغییر کاربری زمین به مسکونی یا تجاری و ... زمین را از حالت کشاورزی خارج می‌سازند. رفتار مجرمانه تغییر کاربری اراضی کشاورزی، همان‌طوری که از ماده (۳) اصلاحی قانون حفظ کاربری و عبارت «اقدام به تغییر کاربری»^۱ مندرج در ماده مذکور برمی‌آید؛ عبارت است از هر نوع فعل مادی و فیزیکی که به کاربری جدیدی غیر از کاربری زراعی منجر شود (احمدزاده و رضایی‌پناه، ۱۴۰۰: ۲۳).

بنا به تصریح ماده (۳) قانون حفظ اراضی زراعی و باغ‌ها و بند «ذ» ماده (۱) آیین‌نامه اجرایی، مرتکب این جرم باید «مالک» یا «متصرف قانونی» اعم از شخص حقیقی یا حقوقی باشد.

در این راستا هیئت دولت با تجویز واگذاری منافع بستر رودخانه در قالب عقد اجاره مجال وقوع چنین بزه‌ی را بر مستأجران گشوده است؛ چراکه هر چند به ظاهر قرارداد اجاره با کاربری کشت موقت در اختیار متصرفان داده می‌شود اما عملاً فقدان

۱. کاربری زمین چگونگی استفاده از زمین بوده و تغییر کاربری زمین به معنای تغییر شیوه استفاده و بهره‌برداری از زمین است (میرزایی، ۱۳۹۳: ۱۴۰۵؛ اکبرآبادی، ۱۳۹۶: ۷۱).

نظارت کافی بر نحوه دخل و تصرف مستأجران، سبب می‌شود اشخاص خصوصی در راستای حصول سود حداکثری به استفاده‌های دیگری از اراضی مذکور اقدام کنند.

۲-۲. تجاوز و تصرف در اراضی ملی

یکی از روش‌های متداول زمین‌خواری تجاوز مستقیم و تصرف عدوانی اراضی ملی و دولتی است که در ماده (۶۹۰) مجازات اسلامی (تعزیرات مصوب ۱۳۷۵)، به هرگونه تجاوز و تصرف نسبت به مراتع و منابع طبیعی جرم‌انگاری اقدام شده است. تصرف اراضی ملی معمولاً به سه طریق صورت می‌گیرد: نخست آنکه اشخاص به صورت غیرقانونی و عدوانی اراضی متعلق به عموم را مورد تصرف قرار می‌دهند یا با طرح دعاوی متعدد ادعای تصرف و مالکیت می‌کنند. روش دیگر آن است که اشخاص حدود تصرفات قانونی خود را در اراضی مجاور اراضی ملی گسترش داده و به تدریج زمین‌ها را به اراضی ملی دربرآوردند تا حدی که مدعی مالکیت آن اراضی می‌شوند. دیگر آنکه مأموران ذی‌ربط در انجام خلع ید یا رفع تصرفی در حکم دادگاه کوتاهی و اهمال ورزیده یا با تبانی با تنظیم صورتجلسه خلاف واقع حکم را اجرا شده نشان داده و زمینه تصرف اشخاص مذکور را فراهم می‌سازند (میرمحمدصادقی و رجبعلی، ۱۳۹۶: ۵۷-۵۶).

در صورتی که حدود بستر رودخانه‌ها از سوی نهادهای متولی به دقت تعیین نشده باشد این اشخاص با توسل به اقدام‌هایی نظیر مصادیق صدر ماده (۶۹۰) کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی و با تغییر کاربری به طرح دعاوی اعتراض به تشخیص ملی بودن اراضی اقدام می‌کنند و متعاقباً عدم امکانات کافی در کارشناسی دقیق از این اراضی و عدم پیگیری نهادهای متولی منجر به تضييع منابع طبیعی و ثروت‌های ملی می‌شود. بدیهی است ارتکاب بزه مزبور از سوی مستأجران بستر رودخانه‌ها با گسترش حدود تصرف خود به سهولت بیشتری تحقق خواهد یافت.

براساس ماده (۹) لایحه قانونی رفع تجاوز از تأسیسات آب و برق کشور مصوب ۱۳۵۹/۴/۳ چنانچه در حریم کانال‌ها و انهار آبیاری احداث ساختمان یا درختکاری و هر تصرف خلاف مقررات شده یا بشود وزارت نیرو با اعطای مهلت مناسب با حضور نماینده دادستان مستحذات غیرمجاز را قلع‌وقمع و رفع تجاوز خواهد کرد. نیروی انتظامی مکلف است به تقاضای وزارت نیرو برای اعزام مأموران کافی و انجام وظایف مزبور اقدام کند. بر این اساس، آزادسازی حریم و بستر رودخانه‌ها با حذف مراحل دادرسی و صرفاً با حضور نماینده دادستان به‌عنوان مدعی‌العموم انجام می‌گیرد. رویه جاری در نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران هم بدین‌منوال بوده و وزارت نیرو رأساً با حضور نماینده دادستان رفع تجاوز می‌کند. بدیهی است این امر مانع از رسیدگی به جرائم مرتبط با تخریب و تصرف عدوانی نمی‌باشد.

به‌نظر ضمانت‌اجراهای موجود که به تحمل یک ماه تا یک سال حبس مطابق ماده (۶۹۰) کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی محدود می‌شود، چندان مؤثر نیست و حداقل لازم است که قانونگذار تصرف در هر نوع اراضی ملی را مشمول ضمانت‌اجرای مقرر در تبصره «۱» ماده (۵۵) قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع قرار داده و اعیانی که در عرصه مورد تجاوز احداث شده یا بشود را به نفع دولت ضبط کند.

۳-۲. تخریب محیط زیست

اهمیت و جایگاه حقوق محیط زیست، به بهترین شکل در اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران متبلور شده و پیام‌آور این اصل مهم است که مسائل زیست‌محیطی، امری کاملاً فرابخشی بوده و باید همه آحاد جامعه به‌خصوص سازمان‌ها و دستگاه‌ها، هر یک به فراخور توان و کارایی تشکیلات خود در حفظ و نگهداری محیط زیست، به‌عنوان وظیفه عمومی از هر فعالیتی که با آلودگی یا تخریب جبران‌ناپذیر آن ملازمه پیدا کند، جلوگیری کنند.

تخریب بستر رودخانه‌ها به نوبه خود باعث تغییر خصوصیات فیزیکی و تخریب گیاهان، جانوران و خاک‌های نزدیک به محل بهره‌برداری شده و در سیستم هیدرولوژی رودخانه اختلال به وجود می‌آورد. از این رو، علاوه بر آنکه تهیه آثار تصرف یا تصرف در بستر رودخانه می‌تواند مصداق ماده (۶۹۰) کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی باشد، قانونگذار مبادرت به عملیاتی که موجب تخریب محیط زیست و منابع طبیعی شود را هم به طور ویژه مدنظر داشته و مشمول ضمانت اجرای مقرر در آن ماده کرده است. بر این اساس، «هر کس [...] بدون اجازه سازمان حفاظت محیط زیست یا مراجع ذی‌صلاح دیگر مبادرت به عملیاتی نماید که موجب تخریب محیط زیست و منابع طبیعی گردد [...] به مجازات یک ماه تا یک سال حبس محکوم می‌شود. ...» طبیعتاً اجازه نهاد واگذارکننده بستر رودخانه برای هر نوع اقدام و عملیات از جانب مرتکب ضروری است و در غیر این صورت می‌تواند به‌عنوان «تخریب محیط زیست و منابع طبیعی» تحت تعقیب کیفری قرار گیرد. به عبارت دیگر هرگونه فعالیت اقتصادی در بستر رودخانه‌ها که موجب تخریب آن می‌شود، به لحاظ ملازمت با تخریب غیرقابل جبران محیط زیست ممنوع است. بدیهی است سازمان حفاظت محیط زیست در راستای انجام وظایف حفاظت و بهبود و بهسازی محیط زیست و پیشگیری و ممانعت از هر اقدام مخربی که موجب برهم خوردن تعادل و تناسب محیط زیست می‌شود، باید از ادامه کار و فعالیت منابع و عواملی که موجبات تخریب محیط زیست را فراهم می‌کنند، جلوگیری به عمل آورد.

با توجه به اینکه واگذاری بستر رودخانه‌ها در اجرای طرح‌های متفاوت عمرانی و کشاورزی، اقتصادی، تولیدی و ... می‌تواند محقق شود، رعایت ضوابط و معیارهای سازمان محیط زیست در انجام فعالیت‌های اقتصادی تکلیف قانونی است. براساس ماده (۷) (اصلاحی ۱۳۷۱/۰۸/۲۴) قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب

۱۳۵۳/۰۳/۲۸، هرگاه اجرای هریک از طرح‌های عمرانی یا بهره‌برداری از آنها به تشخیص سازمان با قانون و مقررات مربوط به حفاظت محیط زیست مغایرت داشته باشد، سازمان مورد را به وزارتخانه یا مؤسسه مربوطه اعلام خواهد کرد تا با همکاری سازمان‌های ذی‌ربط به منظور رفع مشکل در طرح مزبور تجدیدنظر به عمل آید.

قانون هوای پاک مصوب ۱۳۹۶/۰۴/۲۵ هم به همان ترتیب ضمن الزام تمامی اشخاص، دستگاه‌ها و مؤسسه‌ها اعم از دولتی و غیردولتی به رعایت مقررات این قانون و همکاری و اجرای الزامات اعلامی سازمان حفاظت محیط زیست، مسئولان و مدیران مستتکف از این حکم را مشمول ماده (۵۷۶) قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم-تعزیرات) دانسته است. همچنین هرگونه احداث، توسعه، تغییر خط تولید و تغییر محل واحدهای تولیدی، صنعتی و معدنی را مستلزم رعایت مقررات ابلاغی از سوی سازمان اعلام و متخلفان از مصوبات و تصمیمات سازمان و کمیسیون مربوطه را ضمن پرداخت جریمه، به جبران خسارات وارده مکلف کرده و ضمانت اجرای عدم جبران یا تمرد از تصمیمات سازمان یا کمیسیون را طرح مجدد در کمیسیون و با تصویب کمیسیون، توقف فعالیت و معرفی متخلف به مرجع قضایی و محکومیت به جزای نقدی درجه چهار موضوع ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ قرار داده است.

ادامه کار یا فعالیت کارخانجات و کارگاه‌هایی که موجبات آلودگی محیط زیست را فراهم می‌کند پس از ابلاغ دستور سازمان حفاظت محیط زیست، تخلف از مقررات و ضوابط مذکور در آیین‌نامه‌های موضوع ماده (۱۰) قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، ارائه گزارش خلاف واقع یا عدم گزارش مأمور سازمان با اطلاع از وقوع جرائم و نیز مشارکت و معاونت آنها در ارتکاب جرم، عدم رعایت مقررات از جانب صاحبان و مسئولان کارخانجات و کارگاه‌های تولیدکننده و ممانعت از انجام بازرسی مأموران

آن سازمان یا در اختیار ندادن اسناد و مدارک و اطلاعات یا ارائه اسناد و مدارک و اطلاعات خلاف واقع نمونه جرائمی است که در بستر فعالیت اقتصادی در حوزه محیط زیست اتفاق می‌افتد. مواد (۱۲) و (۱۳) از قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳/۰۳/۲۸ و قانون هوای پاک، حسب مورد مجازات‌های حبس و جزای نقدی یا هر دوی آنها را برای مرتکبان جرائم مذکور پیش‌بینی کرده است.

۴-۲. اقدام علیه بهداشت عمومی

گاهی اوقات فعالیت‌ها و اقدام‌های افرادی که بهره‌برداری از بستر رودخانه به آنان واگذار شده است، می‌تواند مستعد ایجاد آلودگی در محیط و به خطر انداختن بهداشت عمومی شود. به موجب ماده (۶۸۸) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵، هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود جرم محسوب شده و برای مرتکبان چنانچه طبق قوانین خاص مجازات شدیدتری وجود نباشد، تا یک سال حبس مجازات تعیین شده است.

۳. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با بررسی ادبیات قانونی در بستر رودخانه، آشفتگی مبنایی در خصوص شناسایی ماهیت حقوقی این موضوع ملاحظه می‌شود که متأثر از رویکردهای فقهی متفاوتی است که فقها در خصوص ماهیت رودخانه‌ها ابراز داشته‌اند به طوری که برخی آن را از انفال و متعلق به حکومت، برخی آن را از انفال و تحت تصدی حکومت، گروهی آن را از اموال بدون مالک و در زمره مباحات اصلی و عده‌ای نیز در جرگه مشترکات عمومی پنداشته‌اند.

از این رو قانونگذار در قانون اساسی و قوانین عادی از الفاظ و عبارات مختلفی در نحوه انتساب این اموال به دولت استفاده کرده است. برای انسجام بخشی به وضع

حقوقی موجود و اصطیاد نظر واقعی قانونگذار، به مطالعه جایگاه بستر رودخانه‌ها در نظام حقوق اموال پرداخته و آن را با اموالی نظیر مباحات، دولتی، عمومی و ملی سنجیدیم و ملاحظه کردیم که با آثار و خصایص اموال ملی (که ماهیت آنها طبیعی بوده و قابل تملک و واگذاری نیست) سازگاری بیشتری دارد و قانون اساسی نیز که در رأس هنجارهای قانونی نظام حقوقی قرار دارد بر این تلقی صحه می‌گذارد.

عدم امکان واگذاری اموال ملی یکی از اصول مهم ناظر بر این اموال در حقوق عمومی بوده که در قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی نیز بدان اشاره شده است. در قانون توزیع عادلانه آب، صرفاً ایجاد هر نوع اعیانی و حفاری و دخل‌وتصرف در بستر رودخانه‌ها با اجازه وزارت نیرو مجاز دانسته شده است. هرچند پیشنهاد می‌شود قانونگذار در خصوص بستر رودخانه‌ها به‌عنوان اموال ملی، مسئولیت مصلحت‌اندیشی در خصوص ایجاد اعیانی و حفاری را خود متکفل شده و آن را به اجازه وزارت نیرو موکول نگرداند. در راستای این قانون، هیئت وزیران نیز با تصویب آیین‌نامه مربوط به بستر و حریم رودخانه‌ها، انتقال منفعت بستر رودخانه به‌صورت کشت موقت را بدون اینکه مستأجر حق ایجاد اعیانی و غرس نهال و درخت (به‌جز زراعت سطحی) را داشته باشد، اجازه داده است. درحالی‌که اصل انتقال ناپذیری اموال ملی منحصر به اعیان این اموال نبوده و شامل واگذاری منافع نیز می‌شود و شایسته بود هیئت دولت از حدود قانون و اصول کلی حقوقی فراتر نمی‌رفت و بدون تجویز عقد اجاره و صرفاً با برقراری اذن در انتفاع یا حداقل در قالب حق انتفاع به بهره‌برداری از بستر رودخانه‌ها مشروعیت می‌بخشید.

توالی فاسدی که بر این نحو واگذاری‌ها مترتب است، لزوم محدود کردن حق دخل‌وتصرف بخش خصوصی را در این اموال روشن‌تر می‌سازد. از جمله جرائم بالقوه‌ای که با برقراری حق عینی بر منفعت بستر رودخانه به نفع اشخاص خصوصی

تسهیل و فعال گشته و افراد را به سمت وسوی تغییر کاربری غیرمجاز این اراضی مهم و تصرف اراضی ملی و نهایتاً تخریب محیط زیست سوق می دهد. تجویز کشت موقت و انتقال منفعت بستر رودخانه بر آن اساس زمینه سوءاستفاده و تصرف غیرقانونی افراد فرصت طلب را به وجود می آورد. طوری که امروزه واگذاری اراضی واقع در بستر رودخانه‌ها به منظور پرورش ماهی در قالب کشت موقت انجام می گیرد.

با توجه به آنچه گفته شد، به نظر می رسد تشدید نظارت‌ها بر فعالیت‌های جاری از سوی اشخاص حقیقی و حقوقی در بستر رودخانه‌ها امری لازم و ضروری است و استعداد ارتکاب جرائم زیست محیطی در آن لازمه تعیین ضمانت اجرای مؤثر و سنگین کیفی را از طریق اصلاح قوانین و مقررات بیش از پیش روشن می سازد. از این رو با توجه به فقدان بازدارندگی لازم، پیشنهاد می شود اولاً ماده (۶۹۰) کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی اصلاح شده و میان اراضی ملی و خصوصی تمایز ایجاد شود و ثانیاً با تدوین مقررہ جدیدی، میان تجاوز و تصرف در بستر رودخانه و سوءاستفاده از قراردادهای واگذاری از طرح‌های عمرانی برای تجاوز و تصرف در بستر رودخانه - به عنوان اراضی ملی - تفکیک به عمل آمده و مجازات‌ها تشدید شوند.

منابع و مأخذ

۱. آیین‌نامه اجرایی قانون حفظ و تثبیت کناره و بستر رودخانه‌های مرزی مصوب ۱۳۶۳.
۲. احمدزاده، رسول و احمد رضایی پناه (۱۴۰۰). «سیاست کیفری ایران در قبال تغییر کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها». حقوق دادگستری، سال هشتادوپنجم، ش ۱۱۳.
۳. اکبرآبادی، بهزاد (۱۳۹۶). ناکارآمدی سیاست جنایی ایران در برخورد با جرائم منابع طبیعی، تهران، انتشارات کتاب آرا.
۴. الجبعی العاملی، زین‌الدین بن علی (شهید ثانی) (۱۴۱۰). الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه (المحشی - کلانتر)، جلد هفتم، چاپ اول، قم، کتابفروشی داوری.
۵. النجفی الجواهری، الشیخ محمدحسن (۱۳۶۲). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، جلد شانزدهم، چاپ هفتم، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
۶. امامی، سیدحسن (۱۳۹۷)، حقوق مدنی، جلد اول، قم، اسلامیه.
۷. بغدادی، محمدبن محمد (شیخ مفید) (۱۴۱۳). المقنعه، چاپ اول، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید رحمه الله.
۸. پژوهشکده شورای نگهبان، <https://www.shora-gc.ir>
۹. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۰). دانشنامه حقوقی، جلد سوم، تهران، انتشارات گنج دانش.
۱۰. حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹). وسایل الشیعه، جلد نهم، چاپ اول، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
۱۱. حلبی، ابوالصلاح (۱۴۰۳). الکافی فی الفقه، جلد اول، چاپ اول، اصفهان، کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین علیه‌السلام.
۱۲. حلی، ابن‌ادریس (۱۴۱۰). السرائر الحاوی‌التحریر الفتاوی، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۳. دفتر حقوقی وزارت نیرو (۱۳۸۷). مجموعه قوانین و مقررات آب، برق و آب و فاضلاب، چاپ اول، تهران، انتشار شرکت برق منطقه‌ای تهران.
۱۴. درویش‌زاده کوچصفهانی، رضا (۱۳۹۸). «واکاوی سیر تطور قانونگذاری در حوزه صنعت آب»، پژوهشنامه

۱۵. سلار دیلمی، حمزه بن عبدالعزیز (۱۴۰۴). *المراسم العلویه و الاحکام النبویه فی الفقه الامامی*، چاپ اول، قم، منشورات الحرمین.

۱۶. سهرابی درخشان، مهدی، مهسا تدین سعدی، نادر عقیقی و سیدمحمد حسینی رازلیقی (۱۳۹۸). *تغییر کاربری اراضی زراعی و باغها در نظام حقوقی ایران*، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد.

۱۷. صدر، محمدباقر (۱۳۵۷). *اقتصاد ما (بررسی‌هایی درباره مکتب اقتصادی اسلام)*، جلد دوم، تهران، انتشارات اسلامی.

۱۸. صفایی، سیدحسین (۱۳۸۹)، *دوره مقدمات حقوق مدنی: اشخاص و اموال*، جلد اول، تهران، نشر میزان.

۱۹. طالقانی، محمود (۱۳۴۴). *اسلام و مالکیت*، تهران، شرکت سهامی انتشار.

۲۰. طرابلسی، ابن‌براج (۱۴۰۶). *المهذب*، جلد اول، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

۲۱. عبداللهی، محسن، محمدحسین رضانی قوام‌آبادی، مسعود فریادی و زهرا ساجدی (۱۳۸۸). *حقوق*

کیفری محیط زیست: ملاحظات و راهکارها، جلد اول، چاپ اول، انتشارات روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.

۲۲. کاتوزیان، ناصر (۱۴۰۰). *حقوق مدنی، اموال و مالکیت*، چاپ پنجاه و چهارم، تهران، نشر میزان.

۲۳. کریمی، حامد (۱۳۹۵). «*راهکارهای حقوقی حمایت از اموال عمومی*»، فصلنامه *دانش حقوق عمومی*، ۵ (۱۶).

۲۴. _____ (۱۳۹۷). *حقوق اداری اموال*، تهران، شرکت سهامی انتشار.

۲۵. کریمی، حامد و سیدعلیرضا میربد (۱۳۹۹). «*ولایت دولت بر اموال عمومی از منظر حقوق اداری و فقه امامیه*»، *نشریه حقوق اداری*، ش ۲۲.

۲۶. کریمی، عباس (۱۳۷۸). «*مالکیت دولت نسبت به آب‌های عمومی و اراضی وابسته به آن*»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)*، ش ۴۵.

۲۷. کریمی، عباس و حمیدرضا پرتو (۱۳۹۱). «*داوری‌پذیری اموال مربوط به اموال عمومی و دولتی*»، فصلنامه *پژوهش حقوق*، سال چهاردهم، ش ۳۶.

۲۸. کنعانی، محمدطاهر (۱۳۹۲). *تملک اموال عمومی و مباحات*، چاپ دوم، تهران، انتشارات میزان.

ماهیت‌شناسی حقوقی بستر رودخانه و جرائم ناشی از واگذاری آن _____ ۳۶۳

۲۹. گسن، ریموند (۱۳۸۹). جرم‌شناسی بزهکاری اقتصادی، ترجمه شهرام ابراهیمی، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.

۳۰. محمدی، امید (۱۴۰۰). محشای قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها، تهران، جنگل.

۳۱. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران، [https://: rc.majlis.ir](https://rc.majlis.ir)

۳۲. منتظری، حسینعلی (۱۳۶۷). مبانی فقهی حکومت اسلامی، جلد هفتم، تهران، انتشارات کیهان.

۳۳. موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۲۱). کتاب البیع، جلد دوم، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.

۳۴. موسوی خمینی، سیدروح‌الله (بی‌تا). تحریرالوسیله، چاپ اول، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم.

۳۵. مهرپور، حسین (۱۳۷۹). مجموعه نظرات شورای نگهبان، تهران، نشر دادگستر.

۳۶. مؤسسه دایره‌المعارف فقه اسلامی (۱۳۸۲). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل‌بیت علیهم‌السلام، جلد اول، چاپ اول، قم، انتشار مؤسسه دایره‌المعارف فقه اسلامی.

۳۷. میرزایی، علیرضا (۱۳۹۳). قوانین و مقررات اراضی در نظم حقوقی کنونی، جلد دوم، تهران، انتشارات بهنامی.

۳۸. میرمحمد صادقی، حسین و اسلام رجبعلی (۱۳۹۶). «تحلیل جرم زمین‌خواری از منظر حقوق کیفری

ایران»، مجله حقوقی دادگستری، ش ۹۷.

بررسی تأثیر سیاست‌های کلان اقتصادی و نوسان آنها بر ساختار سرمایه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

مهدی خرم‌آبادی*

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۱	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۹/۰۳	شماره صفحه: ۴۰۳-۳۶۵
-------------------	--------------------------	------------------------	---------------------

براساس تئوری‌های مالی، ساختار سرمایه از عوامل مختلفی تأثیر می‌پذیرد که شناخت این عوامل در ارزیابی و تعیین سطح مطلوب ساختار سرمایه شرکت‌ها حائز اهمیت است. از این‌رو هدف از این پژوهش، بررسی تأثیر سیاست‌های کلان اقتصادی و نوسان آنها بر ساختار سرمایه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. بنابراین دو دسته سیاست‌های کلان اقتصادی و نوسان‌های آنها و تأثیر هر یک از این عوامل بر اهرم مالی به‌عنوان نماینده و شاخص ساختار سرمایه مورد بررسی و آزمون قرار گرفته است. برای این منظور، نمونه‌ای متشکل از ۲۰۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸ انتخاب و با استفاده از دو مدل ایستا (رگرسیون خطی چندگانه) و پویا (خودرگرسیون برداری با وقفه‌های توزیعی *(ARDL)*) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

نتایج حاصل از آزمون مدل‌های ایستا نشان داد که متغیرهای عرضه پول، مخارج دولت و نوسان مخارج دولت تأثیر منفی و معنادار و متغیرهای نرخ تورم و نوسان عرضه پول تأثیر مثبت و معنادار بر اهرم مالی شرکت‌ها دارد. همچنین با توجه به نتایج حاصل از آزمون مدل‌های پویا، در بلندمدت متغیرهای عرضه پول، نرخ ارز و نوسان عرضه پول تأثیر مثبت و متغیرهای مخارج دولت، نرخ تورم، نوسان نرخ ارز، نوسان مخارج دولت و نوسان نرخ تورم تأثیر منفی بر اهرم مالی شرکت‌ها دارد.

در شرایطی که شرکت‌ها اغلب در خصوص زمان، محتوا و تأثیر احتمالی تصمیم‌های مرتبط با سیاست‌های اقتصادی و نوسان در آنها با عدم اطمینان مواجه‌اند، موضوع بررسی پیامدهای سیاست‌های اقتصادی و نااطمینانی در آنها، مهم جلوه می‌کند. یافته‌های پژوهش، از اهمیت نقش ثبات سیاست‌های اقتصادی در محیط فعالیت شرکت‌ها و تصمیم‌گیری‌های مرتبط با تأمین مالی حکایت دارد.

کلیدواژه‌ها: اهرم مالی؛ ساختار سرمایه؛ تأمین مالی؛ سیاست‌های کلان اقتصادی؛ عدم اطمینان
سیاست‌های کلان اقتصادی

* استادیار گروه حسابداری، دانشکده مدیریت، اقتصاد و حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران؛
Email: M.Khorramabadi@pnu.ac.ir

مقدمه

در ادبیات مالی، تأثیرگذاری ساختار بهینه و مطلوب سرمایه بر عملکرد، ارزش و اعتبار شرکت مورد تأکید قرار گرفته و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (فراهانی و صبوری، ۱۳۹۹). ساختار سرمایه، بخشی از ساختار مالی شرکت را تشکیل می‌دهد که شامل بدهی‌های بلندمدت و حقوق صاحبان سهام است که شرکت‌ها از طریق آن به تأمین مالی بلندمدت دارایی‌ها می‌پردازند. موضوع ساختار سرمایه و ترکیب بهینه آن، همواره از مسائل بحث‌برانگیز و چالشی در حوزه مدیریت مالی شرکت‌هاست و اینکه تمرکز اصلی برای تأمین مالی عمدتاً معطوف بر بخش بدهی‌ها یا حقوق صاحبان سهام یا ترکیبی از این دو باشد، همواره محل بحث است. براساس مبانی نظری، دیدگاه‌های متعدد و متفاوتی در این زمینه مطرح شده و استدلال‌های رقیب نیز مؤید چالشی بودن این موضوع است. با وجود تعدد دیدگاه‌های مرتبط با ساختار سرمایه، اما روش خاصی که مدیران بتوانند در تعیین سطح بهینه آن به‌ویژه با تأکید بر بخش بدهی‌ها (اهرم مالی) از آن تبعیت کنند، تحقق نیافته است (Kochhar, 1997). به‌نظر می‌رسد بهترین ترکیب ساختار سرمایه، ترکیبی است که میانگین موزون هزینه سرمایه را حداقل کند (ولی‌پور، الماسی و کایدی، ۱۳۹۰). در شرایط ایدئال دارایی‌ها و بدهی‌ها باید تطابق داشته باشند. با این وجود مدیران همچنان بر میزان نسبت بدهی بر دارایی (اهرم) شرکت‌ها تمرکز و توجه خاصی دارند (علیقلی، ۱۳۹۷). مبتنی بر تئوری مشروعیت، مدیران در راستای نشان دادن وضعیت و عملکرد مطلوب شرکت به ذی‌نفعان، همواره در پی انتخاب ساختار سرمایه بهینه هستند. از این‌رو، به بررسی و مطالعه عوامل مؤثر بر آن می‌پردازند (زمانی سبزی، سعیدی و حسنی، ۱۳۹۹).

در پژوهش‌های پیشین، آثار متقابل عملکرد مالی شرکت‌ها و متغیرهای کلان اقتصادی از قبیل تولید ناخالص داخلی، عرضه پول، نرخ ارز و غیره مورد بررسی قرار

گرفته است. در خصوص تصمیمات مرتبط با تأمین مالی و کسب ساختار بهینه سرمایه، عمده تمرکز اصلی پژوهش‌های داخلی معطوف به عوامل درونی شرکت مانند وضعیت سودآوری، فرصت‌های سرمایه‌گذاری، اندازه شرکت، ارزش بازار و ... بوده است و کمتر به عوامل بیرونی و اثرگذار توجه شده است. این در حالی است که بسیاری از تصمیمات اصلی و کلان شرکت‌ها تحت تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی و سیاسی قرار می‌گیرد (کریم‌زاده، شریفی رنائی و قاسمیان مقدم، ۱۳۹۲). فرانک و گویال^۱ (۲۰۰۳) معتقدند تنها ۳۰ درصد از تفاوت‌ها در ساختار سرمایه می‌تواند به عوامل تعیین‌کننده داخلی مرتبط باشد و باید به سایر عوامل مؤثر دیگر هم توجه کرد که بر ساختار سرمایه تأثیر می‌گذارند (نقل از تهرانی و نجف‌زاده خویی، ۱۳۹۶). دولت‌ها به‌عنوان بزرگ‌ترین قدرت اقتصادی، نقش مهمی در اکثر فعالیتهای اقتصادی و تجاری برعهده دارند. بیشتر دولت‌ها با توجه به طراحی بازه زمانی کوتاه‌مدت برای رسیدن به اهداف خود و ترجیح منافع کوتاه‌مدت بر منافع بلندمدت، سیاست‌های اقتصادی خاصی را اتخاذ می‌کنند که بعضاً موجب بی‌ثباتی و نااطمینانی در متغیرهای کلان می‌شود (ارباب، آماده و امینی، ۱۴۰۰). نااطمینانی زمانی بروز می‌کند که اتفاق‌های آینده نامشخص است یا احتمال وقوع آنها پیش‌بینی‌ناپذیرند. نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی پیامدهای سیاست اقتصادی خرد و کلان قابل توجهی دارد (فرهنگ، ۱۴۰۱). نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی، موجب تغییر وضعیت محیطی فعالیت واحدهای تجاری می‌شود. میزان پیش‌بینی‌پذیری اقتصاد کشور برای تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و مالی بسیار اهمیت دارد. فرض عمده در تئوری‌های سنتی نظیر کیو توین، اتخاذ تصمیم‌های سرمایه‌گذاری و تأمین مالی در محیطی امن و با قطعیت است. از این‌رو، نااطمینانی و عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی

1. Frank and Goyal

به صورت قطعی عملکرد و تصمیمات مرتبط با سرمایه‌گذاری و تأمین مالی شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Wang et al., 2022). نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی و پیامدهای حاصل از آن، تمرکز مدیران را برای ایجاد، حفظ و بهبود راهکارهای مرتبط با تأمین مالی شرکت‌ها مختل می‌کند و تصمیمات مرتبط با ساختار سرمایه را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد (منتشری و فرید، ۱۳۹۸).

متغیرهای اقتصادی و به‌طور خاص متغیرهای کلان اقتصادی همان‌طور که در ادبیات اقتصادی عنوان می‌شود، آیینه شرایط و وضعیت کلی هر جامعه هستند. به‌نحوی که می‌توان تبلور تأثیرات آن را در سایر ویژگی‌های محیطی مشاهده کرد. مکانیسم مطرح شده درباره اثرگذاری نااطمینانی سیاست‌های کلان اقتصادی بر ساختار سرمایه شرکت‌ها در شرایط محیطی کشور ما به این صورت است که هزینه سرمایه شرکت تابعی از ساختار سرمایه آن تلقی می‌شود، انتخاب ساختار سرمایه مطلوب موجب کاهش هزینه سرمایه شرکت و افزایش ارزش بازار آن می‌شود. از آنجا که تصمیمات مرتبط با ساختار سرمایه شرکت تحت تأثیر سیاست‌های اقتصادی و نوسان در این سیاست‌ها قرار می‌گیرد، از این‌رو، بررسی ارتباط بین متغیرهای کلان اقتصادی و تصمیمات مرتبط با عملکرد شرکت‌های فعال در بازار سرمایه بیش‌ازپیش مورد توجه و تأکید است (بدری، دولو و دری نوکورانی، ۱۳۹۵).

با توجه به اینکه اقتصاد کلان زمینه گسترده‌ای برای مطالعه است، در این پژوهش دو دسته سیاست‌های کلان اقتصادی (عرضه پول، نرخ ارز، مخارج دولت و شاخص قیمت مصرف‌کننده) و نوسان‌های سیاست‌های کلان اقتصادی (نوسان‌های عرضه پول، نرخ ارز، مخارج دولت و شاخص قیمت مصرف‌کننده) مورد بررسی قرار گرفته و تأثیر هر یک از این عوامل بر اهرم مالی به‌عنوان نماینده یا معرف ساختار سرمایه بررسی می‌شود. در چند سال گذشته نوسان‌های شدید و نااطمینانی در سیاست‌های

اقتصادی کشور، موجب تغییر در وضعیت فعالیت واحدهای تجاری و سردرگمی در تصمیمات مرتبط با حوزه مدیریت مالی از جمله تأمین مالی شده است و تداوم فعالیت برخی از واحدهای تجاری را با تردید مواجه کرده است. در چنین موقعیتی که واحدهای تجاری اغلب در خصوص زمان، محتوا و تأثیر احتمالی تصمیم‌های مربوط به سیاست‌های اقتصادی با نااطمینانی مواجه‌اند، موضوع بررسی پیامدهایی که از عدم قطعیت مرتبط با سیاست‌های اقتصادی نشئت می‌گیرد، مهم جلوه می‌کند (لونی، عباسیان و حاجی، ۱۴۰۰). از این‌رو هدف اصلی این پژوهش، بررسی تأثیر سیاست‌های کلان اقتصادی و نوسان و نااطمینانی این سیاست‌ها بر ساختار سرمایه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. در ادامه پژوهش، ابتدا مبانی نظری و فرضیه‌ها، سپس روش پژوهش و مدل‌ها و در نهایت جمع‌بندی، نتایج و پیشنهادها ارائه می‌شود.

۱. مبانی نظری

موضوع ساختار سرمایه به چگونگی ترکیب منابع تأمین مالی شرکت از قبیل بدهی‌های کوتاه‌مدت، اوراق مشارکت، بدهی‌های بلندمدت، سهام ممتاز و سهام عادی اشاره دارد. تصمیمات مربوط به ساختار سرمایه شرکت دارای دو جنبه میزان سرمایه مورد نیاز و ترکیب منابع تأمین مالی است. از این‌رو، ترکیبات ساختار سرمایه که از ترکیب‌های متفاوت و متنوعی از منابع تأمین مالی ناشی است، بر هزینه سرمایه، ارزش شرکت و ریسک مالی شرکت تأثیر می‌گذارد (Alhassan and Naka, 2020). در شرایط رقابتی و تحول‌پذیر کنونی، شرکتی می‌تواند حداکثر منافع را عاید سهام‌داران خود کند که به ترکیب بهینه ساختار سرمایه دست یابد (انصاری، یوسف‌زاده و زارع، ۱۳۹۲). مبتنی بر نظریه‌های مرتبط با الگوی ساختار سرمایه موسوم به نظریه‌های

سنتی (نظریه دوراند^۱ (۱۹۵۲) و مودلیانی و میلر^۲ (۱۹۵۸)) و نظریه‌های نوین (نظریه توازن ایستا^۳ و توازن پویا^۴)، تعاریف مختلفی از ساختار سرمایه ارائه شده است که هر یک عواملی را در تعیین نسبت بدهی و میزان آن مؤثر می‌دانند (Phan, Tran and Nguyen, 2019؛ حبیبی، ابرزی و فتحی، ۱۳۹۳). از این رو، نمی‌توان از یک نظریه خاص تبعیت کرد. به همین دلیل، شناخت و بررسی فرایند تصمیم‌گیری در خصوص اتخاذ سیاست‌های تأمین مالی مناسب برای رفع نیازهای مالی شرکت از مهم‌ترین و درعین حال چالشی‌ترین تصمیمات مالی محسوب می‌شود. شگفت‌آور نیست که مایرز و ماژلوف^۵ (۱۹۸۴)، بحث ساختار سرمایه شرکت‌ها را به پازل تشبیه کرده است. این موضوع که مدل ترکیب بهینه شرکت‌ها عمدتاً معطوف و متمرکز بر بدهی‌ها یا بخش حقوق صاحبان سهام باشد، کانون توجه و منشأ پژوهش‌های فراوان است (Mertal and Lipson, 2009). مبتنی بر مبانی نظری موجود، برخی از صاحب‌نظران، تمرکز و استفاده از ظرفیت بدهی در ساختار سرمایه را به دلیل صرفه‌جویی و مزیت مالیاتی ایجاد شده، و همچنین کاهش هزینه‌های نمایندگی و کاهش خطر اخلاقی، مناسب‌تر می‌دانند و براساس تئوری مازاد باقی‌مانده معتقدند که اعتباردهندگان، به جز بهره خود، سهمی از سود باقی‌مانده پس از کسر بهره و مالیات ندارند که این دیدگاه تا حدودی نزدیک به نظریه‌های سنتی مرتبط با ساختار سرمایه است (منتشری و فرید، ۱۳۹۹). در مقابل، منتقدان این دیدگاه استدلال می‌کنند که تمرکز بیش از حد بر بدهی‌ها یا اهرم مالی، به افزایش هزینه‌های مالی شرکت (Boyle and Guthrie, 2003)، افزایش ریسک مالی و ورشکستگی (Alhassan and Naka, 2020) و کاهش

1. Durand

2. Modigliani and Miller

3. Static Trade-off Theory

4. Dynamic Trade-off Theory

5. Myers and Majluf

قدرت انعطاف‌پذیری مالی (Choi et al, 2019) شرکت منجر می‌شود. آنها توجه به بخش حقوق صاحبان سهام را برای تأمین مالی شرکت با افزایش نسبت مالکانه و افزایش کنترل شرکت مناسب‌تر می‌دانند و معتقدند که تأمین مالی از طریق بدهی زمانی مناسب است که شرکت از درآمد، حاشیه سود و وضعیت نقدینگی مطلوبی برخوردار باشد و شرایط تورمی نیز در اقتصاد متصور شود (صادقی شریف و خزایی، ۱۳۹۵؛ شکرخواه و قاصدی دیزجی، ۱۳۹۵). نظریه‌های متعددی در خصوص الگوی ساختار سرمایه عرضه شده است که هر یک عواملی را در تعیین نسبت بدهی (ساختار سرمایه) مؤثر می‌داند. در زیر مبانی نظری مرتبط با استدلال‌های رقیب در قالب نظریه‌های سنتی (نظریه دوران و مودیلیانی و میلر) و نظریه‌های نوین (نظریه توازن ایستا، توازن پویا، سلسله‌مراتبی^۱ و اینرسی^۲) مرتبط با ساختار سرمایه به اجمال ارائه می‌شود:

نظریه سنتی: طبق نظریه سنتی «ارتباط»^۳ دوران (۱۹۵۲)، ارزش شرکت از ساختار سرمایه آن تأثیر می‌پذیرد. براساس این نظریه، ساختار سرمایه بهینه وجود دارد و هزینه سرمایه بر ساختار سرمایه متکی بوده و شرکت می‌تواند با استفاده از اهرم، ارزش خود را به حداکثر برساند (گرچی و راعی، ۱۳۹۴). مودیلیانی و میلر (۱۹۶۳)، با انتقاد از نظریه دوران و ارائه نظریه «بی‌ارتباطی» ثابت کردند که هزینه سرمایه شرکت‌ها به درجه اهرم مالی شرکت بستگی نداشته و در تمامی سطوح ثابت است. همچنین در شرایط بازار کامل، ارزش یک شرکت بدون توجه به تأمین مالی آن از طریق وام یا انتشار سهام، یکسان است (احدی سرکانی و قاسم‌پور، ۱۳۹۶).

نظریه توازن ایستا: در نظریه توازن ایستا فرض بر این است که واحد تجاری

1. Pecking Order Theory

2. Iners

3. Relevance Theory

دارای یک هدف از پیش تعیین شده در ساختار سرمایه است که از ایجاد توازن میان منافع و هزینه‌های تأمین مالی ناشی از بدهی حاصل می‌شود (مهرانی، تحریری و فرهادی، ۱۳۹۴).

نظریه توازن پویا: این نظریه بیان می‌کند که ممکن است شرکت‌ها با توجه به ویژگی‌های خاص خود، به جای داشتن یک اهرم هدف دقیق، یک دامنه از اهداف را داشته باشند که امکان تغییر اهرم درون آن وجود دارد (هاشمی، امیری و تیموری، ۱۳۹۶).

نظریه ترجیحی (سلسله‌مراتبی): این نظریه برخلاف نظریه توازن ایستا، قائل به ساختار سرمایه بهینه نیست. براساس این نظریه که مبتنی بر عدم تقارن اطلاعاتی است، شرکت‌ها برای استفاده از منابع مالی مختلف ترجیحات مختلفی دارند؛ به طوری که در بدو امر ترجیح می‌دهند وجوه مورد نیاز خود را از طریق منابع داخلی (سود انباشته) تأمین کنند و در صورت عدم تکافو، در مرحله دوم از طریق استقراض و سرانجام در صورت تکمیل ظرفیت استقراض، از محل افزایش سرمایه با انتشار سهام تأمین مالی می‌کنند (گرچی و راعی، ۱۳۹۴).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، نظریه‌های مرتبط با ساختار سرمایه در موضوع مورد تأکید، متفاوت هستند؛ از این رو به نظر می‌رسد بهترین ترکیب ساختار سرمایه، ترکیبی است که میانگین موزون هزینه سرمایه را حداقل کند (ولی‌پور، الماسی و کایدی، ۱۳۹۰). استفاده بیش از حد از حقوق صاحبان سهام باعث افزایش بازده مورد انتظار سهامداران شده و هزینه تأمین مالی شرکت را افزایش می‌دهد؛ از طرفی استفاده بیش از حد از بدهی‌ها نیز می‌تواند به افزایش ریسک مالی شرکت و کاهش قدرت انعطاف‌پذیری مالی آن منجر شود (Choi et al., 2019). به عبارت دیگر همواره آنچه در استفاده از انواع ابزارهای تأمین مالی باید مورد توجه و دقت قرار گیرد، رعایت اصل تطابق است.

علاوه بر به‌کارگیری استراتژی‌های متعدد پیش‌گفته به‌منظور کسب ساختار بهینه سرمایه که در زمره تصمیمات و عوامل داخلی برای تأمین مالی تلقی می‌شوند، تأثیرپذیری تصمیمات مرتبط با ساختار سرمایه تحت تأثیر عوامل بیرونی نظیر سیاست‌های کلان اقتصادی و نوسان‌های این سیاست‌ها نیز قرار می‌گیرد. در بازار سرمایه عوامل تأثیرگذار سیاسی و اقتصادی وجود دارد که هم بر جهت‌دهی وضعیت بازار و هم بر تصمیمات استراتژیک شرکت نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کنند و فعالیت فعالان بازار را تحت شعاع قرار می‌دهند (هاشمی، امیری و تیموری، ۱۳۹۶). به‌عبارت‌دیگر بسیاری از تصمیمات اصلی و کلان شرکت‌ها تحت تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی و سیاسی قرار می‌گیرد (Akron et al., 2020). سیاست‌های اقتصادی کلان معمولاً از طریق اعمال ابزارهای سیاست‌های مالی و پولی به‌منظور ثبات‌بخشی به اقتصاد و دستیابی به اهداف اقتصادی اعمال می‌شود (نعمتی و همکاران، ۱۳۹۸). فرض عمده در تئوری‌های سنتی نظیر کیو توبین، اتخاذ تصمیم‌های سرمایه‌گذاری و تأمین مالی در محیطی مطمئن و با قطعیت است. نوسان شدید در متغیرهای اقتصادی، از نشانه‌های مهم وجود نااطمینانی در سیستم‌های اقتصادی است. نااطمینانی را می‌توان در مفهومی کلی به‌صورت ناتوانایی در پیش‌بینی پیامدها تعریف کرد (Hou et al., 2021; Khanh, Cuong and Zhang, 2021). از این‌رو، بررسی ارتباط میان متغیرهای کلان اقتصادی و عملکرد بازار سرمایه به‌دلیل تأثیری که بازار سرمایه بر رشد و توسعه اقتصادی دارد و اثرپذیری که این بازار از متغیرهای کلان اقتصادی دارد، همواره مورد توجه است (بدری، دولو و دری نوکورانی، ۱۳۹۵؛ نونژاد، زمانی کردشولی و حسین‌زاده، ۱۳۹۱). اخیراً نیز در سطح بین‌الملل مطالعات در مورد اثرات عدم قطعیت بر بازار سرمایه مورد استقبال واقع شده است (Shen et al., 2021). با توجه به نوسان‌ها و عدم ثبات متغیرهای کلان اقتصادی در محیط اقتصادی کشورمان و آثار و پیامدهای نامطلوب ناشی از آن و وابستگی

بالای شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار به تأمین مالی از طریق بدهی‌ها، ضرورت انجام پژوهش‌هایی در خصوص تأثیر سیاست‌های اقتصادی بر تصمیمات تأمین مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، احساس می‌شود. با توجه به مطالب فوق هدف این پژوهش بررسی تأثیر سیاست‌های پولی و مالی کلان اقتصادی و عدم اطمینان آنها بر ساختار سرمایه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. با بررسی پژوهش‌های انجام شده، تاکنون هیچ پژوهش داخلی به بررسی هم‌زمان تأثیر سیاست‌های کلان اقتصادی و عدم اطمینان آنها بر ساختار سرمایه شرکت‌ها نپرداخته است.

با توجه به آنچه بیان شد، در راستای دستیابی به اهداف پژوهش و مبتنی بر مبانی نظری ذکر شده، فرضیه‌های پژوهش به شکل زیر بیان می‌شوند:

فرضیه اصلی اول: سیاست‌های کلان اقتصادی بر اهرم مالی شرکت‌ها تأثیر

معناداری دارد.

فرضیه فرعی اول: عرضه پول بر اهرم مالی شرکت‌ها تأثیر معناداری دارد.

فرضیه فرعی دوم: نرخ ارز بر اهرم مالی شرکت‌ها تأثیر معناداری دارد.

فرضیه فرعی سوم: مخارج دولت بر اهرم مالی شرکت‌ها تأثیر معناداری دارد.

فرضیه فرعی چهارم: شاخص قیمت مصرف‌کننده بر اهرم مالی شرکت‌ها تأثیر

معناداری دارد.

فرضیه اصلی دوم: عدم اطمینان سیاست‌های کلان اقتصادی بر اهرم مالی

شرکت‌ها تأثیر معناداری دارد.

فرضیه فرعی اول: نوسان عرضه پول بر اهرم مالی شرکت‌ها تأثیر معناداری دارد.

فرضیه فرعی دوم: نوسان نرخ ارز بر اهرم مالی شرکت‌ها تأثیر معناداری دارد.

فرضیه فرعی سوم: نوسان مخارج دولت بر اهرم مالی شرکت‌ها تأثیر معناداری دارد.

فرضیه فرعی چهارم: نوسان شاخص قیمت مصرف‌کننده بر اهرم مالی شرکت‌ها تأثیر معناداری دارد.

۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کمی و به سبب آنکه مفاهیم مورد پژوهش به صورت عینی در دنیای خارجی وجود دارد، در گروه تحقیقات اثبات‌گرایی است و واقعیت موضوع و محقق کاملاً مستقل از یکدیگر می‌باشند. روش‌شناسی غالب این گونه تحقیقات استفاده از روش‌های آماری متعدد است. همچنین از آنجاکه روش این پژوهش مبتنی بر توصیف روابط واقعی میان داده‌های موجود است (توصیف آنچه هست) که در قالب مدل بیان می‌شود، در زمره تحقیقات توصیفی به‌شمار می‌رود. برای این منظور، نخست جنبه‌های واقعی روابط شناخته شده و سپس مدل بر مبنای فرضیات و روابط مربوطه ارائه شده است. به طوری که برای تکمیل مبانی نظری با روش کتابخانه‌ای، مبانی نظری پژوهش، از کتب و مجلات تخصصی فارسی و لاتین گردآوری می‌شود. سپس برای گردآوری داده‌های مربوط به متغیرهای پژوهش از آمارهای اقتصادی بانک مرکزی، نرم‌افزار ره‌آورد نوین و سایت رسمی شرکت بورس اوراق بهادار تهران، استفاده شده است. در نهایت، به منظور بررسی و تحلیل فرضیات مطرح شده مطابق با مبانی نظری، از رویکرد رگرسیونی و نرم‌افزار ایویوز استفاده شده است.

۲-۱. مدل و متغیرهای پژوهش

این پژوهش به دنبال بررسی تأثیر سیاست‌های کلان اقتصادی و نوسان آنها بر ساختار سرمایه شرکت‌هاست. برای این منظور، از تحلیل رگرسیون خطی چندگانه برای بررسی تأثیر ایستای متغیرهای کلان اقتصادی بر اهرم مالی شرکت‌ها استفاده شده است. علاوه بر آن، با اینکه ممکن است این متغیرها با فاصله و وقفه زمانی بر

اهرم مالی تأثیر داشته باشند، از مدل خودرگرسیون برداری با وقفه‌های توزیعی^۱ نیز برای تحلیل پویای روابط کوتاه‌مدت و بلندمدت بین متغیرهای کلان اقتصادی و اهرم مالی شرکت‌ها نیز استفاده شده است. بدین منظور از مدل‌های زیر برای بررسی فرضیه‌های پژوهش استفاده شده است:

$$\begin{aligned}
 FL_{i,t} = & \beta_0 + \sum_{i=0}^n \beta_{1i} MONEY_{t-i} + \sum_{i=0}^n \beta_{2i} EXCHANG_{t-i} + && \text{مدل} \\
 & \sum_{i=0}^n \beta_{3i} GOVEXPEN_{t-i} + \sum_{i=0}^n \beta_{4i} PRICEINDEX_{i,t-i} + \sum_{i=0}^n \beta_{5i} SIZE_{i,t-i} + && \text{رگرسیون} \\
 & \sum_{i=0}^n \beta_{6i} ROA_{i,t-i} + \sum_{i=0}^n \beta_{7i} SG_{i,t-i} + \sum_{i=0}^n \beta_{8i} TANG_{i,t-i} + \sum_{i=0}^n \beta_{9i} RISK_{i,t-i} + \varepsilon_{i,t} && (1)
 \end{aligned}$$

$$\begin{aligned}
 FL_{i,t} = & \beta_0 + \sum_{i=0}^n \beta_{1i} MONEYVOL_{t-i} + \sum_{i=0}^n \beta_{2i} EXCHANGVOL_{t-i} + && \text{مدل} \\
 & \sum_{i=0}^n \beta_{3i} GOVEXPENVOL_{t-i} + \sum_{i=0}^n \beta_{4i} PRICEINDEXVOL_{i,t-i} + && \text{رگرسیونی} \\
 & \sum_{i=0}^n \beta_{5i} SIZE_{i,t-i} + \sum_{i=0}^n \beta_{6i} ROA_{i,t-i} + \sum_{i=0}^n \beta_{7i} SG_{i,t-i} + \sum_{i=0}^n \beta_{8i} TANG_{i,t-i} + && \\
 & \sum_{i=0}^n \beta_{9i} RISK_{i,t-i} + \varepsilon_{i,t} && (2)
 \end{aligned}$$

در مدل‌های مذکور، FL: اهرم مالی شرکت i در سال t، MONEY: عرضه پول در سال t، EXCHANG: نرخ ارز در سال t، GOVEXPEN: مخارج دولت در سال t، PRICEINDEX: شاخص مصرف‌کننده در سال t، SIZE: اندازه شرکت i در سال t، ROA: بازده دارایی‌های شرکت i در سال t، SG: رشد فروش شرکت i در سال t، TANG: دارایی‌های مشهود شرکت i در سال t و RISK: ریسک شرکت i در سال t است. همچنین، MONEYVOL: نوسان عرضه پول در سال t، EXCHANGVOL: نوسان نرخ ارز در سال t، GOEXPENVOL: نوسان مخارج دولت در سال t، PRICEINDEXVOL: نوسان شاخص مصرف‌کننده در سال t است.

جهت آزمون فرضیه اصلی اول پژوهش مبنی بر تأثیر سیاست‌های کلان اقتصادی

بر اهرم مالی شرکت‌ها از مدل رگرسیونی چندگانه شماره ۱ بهره گرفته می‌شود که به روش خطی و خودرگرسیون برداری با وقفه‌های توزیعی برآورد است. جهت آزمون فرضیه اصلی دوم پژوهش مبنی بر تأثیر عدم اطمینان سیاست‌های کلان اقتصادی بر اهرم مالی شرکت‌ها نیز مدل رگرسیونی چندگانه شماره ۲ استفاده می‌شود که به روش خطی و خودرگرسیون برداری با وقفه‌های توزیعی برآورد است.

۱-۱-۲. متغیر وابسته

اهرم مالی^۱ در این پژوهش به پیروی از پژوهش یاربا و گونر^۲ (۲۰۲۰)، افلاطونی و نیکبخت (۱۳۹۶) و تهرانی و نجف‌زاده خویی (۱۳۹۶)، از اهرم مالی به‌عنوان معیاری برای تعیین ساختار سرمایه استفاده شده است، این شاخص از طریق نسبت ارزش دفتری بدهی‌ها به ارزش دفتری دارایی‌ها به شرح رابطه (۱) اندازه‌گیری می‌شود:

$$FL_{i,t} = \frac{TD_{i,t}}{TA_{i,t}} \quad (1)$$

که در آن، $TD_{i,t}$ ارزش دفتری بدهی‌های مالی شرکت i در پایان سال t و $TA_{i,t}$ ارزش دفتری دارایی‌های مالی شرکت i در پایان سال t است.

۱-۲-۲. متغیرهای مستقل

الف) سیاست‌های کلان اقتصادی: به پیروی از پژوهش یاربا و گونر (۲۰۲۰)، فراهانی و صبوری (۱۳۹۹) و هوشمند، فلاحی و توکلی قوچانی (۱۳۹۱) متغیرهای زیر به‌عنوان سیاست‌های پولی و مالی برای معیار سیاست‌های کلان اقتصادی در نظر گرفته می‌شود:

1. Financial Leverage (FL)

2. Yarba and Güner.

عرضه پول:^۱ در این پژوهش برای عرضه پول از مفهوم نقدینگی در اقتصاد که برابر است با مجموع حجم پول (اسکناس و مسکوک در دست مردم به اضافه سپرده‌های دیداری) و شبه پول (سپرده‌های پس انداز و مدت دار بخش خصوصی) استفاده می‌شود. داده‌های سالیانه عرضه پول از آمارهای اقتصادی بانک مرکزی استخراج می‌شود.

نرخ ارز:^۲ به واحدهای پولی که در کشورهای دیگر جز کشور اصلی دادوستد شود به صورت کلی ارز گفته می‌شود. با توجه به اینکه بیشتر مبادلات بین‌المللی براساس دلار انجام می‌شود، در این پژوهش از متوسط نرخ ماهیانه دلار بازار غیررسمی به عنوان نرخ ارز استفاده می‌شود. اطلاعات ماهیانه مربوط به نرخ دلار از آمارهای اقتصادی بانک مرکزی استخراج می‌شود.

مخارج دولت:^۳ هزینه‌هایی که دولت برای تأمین نیازهای اجتماعی و خواسته‌هایی همچون حقوق بازنشستگی، زیرساخت‌ها، خدمات آموزشی، بهداشتی و ... انجام می‌دهد، مخارج دولت نام دارد. مخارج دولت همان مبالغ پرداختی بابت خرید کالاها و خدمات نهایی است. داده‌های سالیانه این متغیر از طریق شاخص‌های کلان اقتصادی اعلام شده بانک مرکزی استخراج می‌شود.

شاخص قیمت مصرف‌کننده:^۴ شاخص قیمت مصرف‌کننده (تورم)، تغییرات را در سطحی از قیمت کالاها و خدمات مصرفی خریداری شده خانواده اندازه‌گیری می‌کند. در این پژوهش از متوسط نرخ ماهیانه تورم به عنوان شاخص قیمت استفاده می‌شود. اطلاعات ماهیانه مربوط به نرخ تورم از آمارهای اقتصادی بانک مرکزی استخراج می‌شود.

-
1. Money
 2. Exchang
 3. Govexpen
 4. Priceindex

ب) عدم اطمینان سیاست‌های کلان اقتصادی :

نوسان عرضه پول:^۱ انحراف معیار سه ساله عرضه پول به‌عنوان نوسان عرضه پول در نظر گرفته می‌شود.

نوسان نرخ ارز:^۲ انحراف معیار سه‌ساله نرخ ارز به‌عنوان نوسان نرخ ارز در نظر گرفته می‌شود.

نوسان مخارج دولت:^۳ انحراف معیار سه‌ساله مخارج دولت به‌عنوان نوسان مخارج دولت در نظر گرفته می‌شود.

نوسان شاخص قیمت:^۴ انحراف معیار سه‌ساله نرخ تورم به‌عنوان نوسان شاخص قیمت در نظر گرفته می‌شود.

۳-۱-۲. متغیرهای کنترلی

پژوهش‌های قبلی انجام شده در حوزه تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر ساختار سرمایه شرکت‌ها مانند پژوهش یاربا و گونر (۲۰۲۰)، صادقی شریف و خزائی (۱۳۹۵) و غیره نشان داده‌اند که در ساختار سرمایه عوامل مختلفی نظیر: اندازه شرکت، سودآوری، رشد فروش، دارایی‌های مشهود و ریسک شرکت تأثیر دارد. به همین دلیل در پژوهش حاضر متغیرهای فوق در راستای برآورد مدل‌های پژوهش مورد کنترل قرار گرفته است. نحوه محاسبه متغیرهای کنترلی به شرح ذیل است:

اندازه^۵ شرکت: اندازه شرکت، در این پژوهش از لگاریتم طبیعی ارزش دفتری دارایی‌های شرکت به شرح رابطه (۲) اندازه‌گیری می‌شود.

-
1. Moneyvol
 2. Exchangvol
 3. Govexpvol
 4. Priceindexvol
 5. Size

$$SIZE_{i,t} = LN(TA_{i,t}) \quad (2)$$

سودآوری:^۱ سودآوری توانایی یک شرکت برای کسب سود با استفاده از سرمایه‌ای در اختیار تعریف می‌شود. در این پژوهش سودآوری شرکت با استفاده از بازده دارایی‌ها (نسبت سود خالص پس از کسر مالیات بر ارزش دفتری کل دارایی‌ها) به شرح رابطه (۳) محاسبه می‌شود.

$$ROA_{i,t} = \frac{NIAT_{i,t}}{TA_{i,t}} \quad (3)$$

که در آن $NIAT_{i,t}$ سود خالص پس از کسر مالیات شرکت i در سال t و $TA_{i,t}$ ارزش دفتری کل دارایی‌هاست.

رشد فروش:^۲ رشد فروش عبارت است از تأثیر فعالیت‌های شرکت در افزایش درآمد. در این پژوهش برای اندازه‌گیری رشد فروش از تغییرات فروش سال جاری نسبت به سال قبل به شرح رابطه (۴) استفاده می‌شود.

$$SG_{i,t} = \frac{Sale_{i,t} - Sale_{i,t-1}}{Sale_{i,t-1}} \quad (4)$$

$Sale_{i,t}$ = فروش شرکت i در پایان سال t و $Sale_{i,t-1}$ = فروش شرکت i در سال $t-1$ است.

دارایی‌های مشهود:^۳ در این پژوهش دارایی‌های مشهود از طریق نسبت خالص اموال و ماشین‌آلات و تجهیزات بر ارزش دفتری کل دارایی‌ها به شرح رابطه (۵) محاسبه می‌شود.

1. Return On Asse) ROA)

2. Sales Growth (SG)

3. Tangible Asset

$$TANG_{i,t} = \frac{PPENT_{i,t}}{TA_{i,t}} \quad (۵)$$

که در آن $PPENT_{i,t}$ خالص اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات شرکت i در سال t است.

ریسک^۱ شرکت: در این پژوهش ریسک شرکت برابر است با انحراف معیار نسبت سود عملیاتی به کل دارایی‌های سه سال متوالی شرکت که به شرح رابطه (۶) محاسبه می‌شود.

$$RISK_{i,t} = \frac{\sqrt{\frac{\sum_{n=t-2}^t (OP_{i,n} - \overline{OP})^2}{2}}}{TA_{i,t}} \quad (۶)$$

که در آن $OP_{i,t}$ نسبت سود عملیاتی شرکت i در سال t است.

۳. جامعه آماری و نحوه انتخاب شرکت‌ها

جامعه آماری پژوهش، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. نمونه پژوهش به روش حذف سیستماتیک انتخاب و شامل شرکت‌هایی است که ویژگی‌های زیر را دارند: ۱. به‌منظور همگن شدن نمونه آماری در سال‌های مورد بررسی، شرکت‌ها پیش از سال ۱۳۹۰ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده و طی دوره مدنظر تغییر فعالیت یا تغییر سال مالی نداشته‌اند، ۲. سال مالی شرکت‌ها منتهی به پایان اسفند ماه هر سال است، ۳. اطلاعات مالی آنها برای کل بازه زمانی مورد بررسی در دسترس است، ۴. سهام شرکت‌ها در هر یک از سال‌های دوره پژوهش، وقفه معاملاتی بیش از سه ماه نداشته‌اند، ۵. شرکت‌های نمونه جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری، هلدینگ و واسطه‌گری مالی، بانک‌ها و شرکت‌های بیمه نیستند. مبتنی بر محدودیت‌های اعمال شده، نمونه پژوهش متشکل از ۲۰۶ شرکت

پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار است که به روش حذف سیستماتیک و طی قلمرو زمانی پژوهش، یعنی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸ انتخاب شدند.

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. آمار توصیفی

برای ارائه یک نمای کلی از خصوصیات مهم متغیرهای محاسبه شده، در جدول زیر برخی از آمارهای توصیفی این متغیرها، شامل میانگین، میانه، انحراف معیار، ضریب چولگی و ضریب کشیدگی ارائه شده است.

جدول ۱. آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	علامت اختصاری	میانگین	میانگین	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	ضریب چولگی	ضریب کشیدگی	آماره جازک - برا
اهرم مالی	FL	۰/۵۶۱۲۶۸	۹/۱۷۷۱۱۱	۷/۰۷۷۵۰۰	۰/۰۱۲۷۰۰	۰/۲۲۶۹۱۴	۰/۳۶۶۷۵	۲/۹۷۴۶۴۱	۳۴۵۰۰۹۳
عرضه پول	MONEY	۰/۵۶۴۲۵۰	۹/۳۲۷۵۰۰	۱۰/۱۱۵۴۰	۸/۱۷۳۶۰۰	۰/۶۱۲۹۳۰	-۰/۱۲۸۸۵۳	۱/۸۷۰۰۲۲	۱۰۳۷۷۶۷۰
نرخ ارز	EXCHANG	۱۰/۵۹۳۳۳	۱۰/۴۵۰۰۰	۱۱/۷۷۰۰۰	۹/۵۳۰۰۰	۰/۶۴۵۴۸۳	۰/۴۸۱۸۵۱	۲/۳۳۸۷۸۵	۸۷۴۹۹۳۳
مخارج دولت	GOVEXPEN	۱۴/۱۲۴۲۴	۱۴/۱۸۶۴۰	۱۴/۸۵۷۳۰	۱۳/۳۳۰۲۰	۰/۵۰۸۸۰۸	-۰/۱۹۳۳۸۵	۱/۷۱۹۶۶۶	۱۳۸۳۰۴۱
شاخص قیمت	PRICEINDEX	۰/۲۲۲۵۶	۰/۲۱۱۹۰۰	۰/۲۶۰۳۰۰	۰/۰۹۰۵۰۰	۰/۱۰۴۲۰۸	۰/۰۲۳۶۶۶	۱/۳۱۹۱۵۸	۲۱۸۴۱۲۱
نوسان عرضه پول	MONEYVOL	۰/۲۶۱۰۲۲	۰/۲۵۱۸۰۰	۰/۳۰۳۶۰۰	۰/۲۷۸۸۰۰	۰/۰۲۵۳۹۴	۰/۴۶۶۳۲۷	۱/۳۳۳۵۸	۱۹۱/۳۱۰۰
نوسان نرخ ارز	EXCHANGVOL	۰/۲۸۵۵۵۶	۰/۳۶۰۰۰	۰/۵۶۰۰۰	۰/۰۵۰۰۰	۰/۱۸۱۵۹۲	-۰/۰۰۲۰۴۷	۱/۳۹۵۷۸۶	۱۹۸۸۰۴۳
نوسان مخارج دولت	GOVEXPENVOL	۰/۲۰۵۶۲۲	۰/۱۹۳۶۰۰	۰/۲۵۸۰۰	۰/۱۵۳۰۰	۰/۰۳۹۷۶۶	۰/۴۸۳۱۰۱	۱/۸۸۵۳۳۵	۱۶۸۱۱۳۳
نوسان شاخص قیمت	PRICEINDEXVOL	۰/۰۸۱۹۵۶	۰/۰۸۵۸۰۰	۰/۱۲۲۳۰۰	۰/۰۲۵۳۰۰	۰/۰۲۵۷۳۳	-۰/۰۸۵۲۰۶۰	۲/۳۴۳۸۱	۱۵۵۰۱۹۵
اندازه شرکت	SIZE	۱۴/۴۲۲۸۶۱	۱۴/۲۰۵۹۵	۲۰/۱۸۳۴۰	۱۰/۱۶۶۵۰	۱/۵۹۰۹۳	۰/۳۳۲۱۴	۲/۷۹۲۶۶۲	۲۱۴/۱۸۵۶
سودآوری	ROA	۰/۱۲۲۳۹	۰/۱۰۴۳۵	۰/۷۰۹۰۰۰	-۰/۴۰۴۵۰	۰/۱۳۷۹۱۸	۰/۵۰۵۰۰	۲/۴۱۳۰۶۸	۲۳۳۳۰۳۳
رشد فروش	SG	۰/۴۰۷۴۴۴	۰/۱۹۰۰۰۰	۲۰/۰۲۷۶۵	-۱/۰۰۰۰۰	۴/۷۳۱۹۵۴	۴/۰۹۳۵۳۷	۱/۳۹۱۰۲	۳۲۱/۰۰۸
دارایی‌های مشهود	TANG	۰/۰۶۶۸۱۵	۰/۰۴۹۶۵۰	۱/۰۰۰۰۰	-۶/۷۵۱۲۰۰	۰/۴۵۲۳۳	-۷/۱۲۸۷۶۹	۹/۱۳۳۱۶۸	۶۱۸۹۹۱۳
ریسک شرکت	RISK	۰/۱۰۲۶۴	۰/۰۴۰۷۵۰	۳/۷۷۱۵۰	۰/۰۰۰۰۰	۱/۰۳۰۴۲۳	۳/۳۶۰۰۸	۱۲۳۲۵۶۴	۱/۱۵۰۰۸

منابع: یافته‌های تحقیق.

اصلی‌ترین شاخص مرکزی، میانگین است که نشان‌دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع و شاخص خوبی برای مرکزیت داده‌هاست که مطابق نتایج به‌دست آمده، مقدار میانگین برای شاخص اهرم مالی (FL)، ۰/۵۶ است. میانه یکی دیگر از شاخص‌های مرکزی است که نشان می‌دهد وضعیت جامعه در نیمی از داده‌ها کمتر از این مقدار و در نیم دیگر بیشتر از این مقدار هستند که برای متغیر اهرم مالی نیز (FL)، ۰/۵۶ است. شاخص به‌دست آمده برای میانگین نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از دارایی‌های شرکت‌ها از محل بدهی‌ها تأمین مالی شده است. بیشترین میزان نوسان برای این متغیر ۲/۰۷ و کمترین مقدار آن ۰/۰۱۲ است. مقدار میانگین برای متغیرهای عرضه پول، نرخ ارز، مخارج دولت و شاخص قیمت مصرف‌کننده به ترتیب برابر ۹/۱۷، ۱۰/۵۹، ۱۴/۱۲، ۰/۲۲ و مقادیر میانه برای متغیرهای مزبور به ترتیب برابر ۹/۲۲، ۱۰/۴۵، ۱۴/۱۸ و ۰/۲۱ است. همان‌طور که در جدول نیز مشاهده می‌شود، نزدیکی مقادیر میانگین و میانه بیانگر این موضوع است که همه متغیرهای بررسی شده توزیع آماری مناسبی دارند. علاوه بر شاخص‌های مرکزی، پارامترهای پراکندگی نیز معیاری برای تعیین میزان پراکندگی از یکدیگر یا میزان پراکندگی آنها نسبت به میانگین است. از مهم‌ترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است که برای متغیر اهرم مالی برابر با ۰/۲۲ است. در بین متغیرهای پژوهش، نوسان عرضه پول، کمترین و رشد فروش بیشترین میزان پراکندگی را دارد. ضریب چولگی نشان‌دهنده عدم تقارن نسبت به منحنی نرمال است که مقدار چولگی برای متغیر اهرم مالی برابر با ۰/۳۷ است. ضریب کشیدگی نیز بیانگر کشیدگی نسبت به منحنی نرمال است که این پارامتر برای متغیر اهرم مالی برابر با ۴/۹۷ است. مقادیر مربوط به سایر متغیرها نیز در جدول فوق آمده است.

۴-۲. آمار استنباطی

قبل از برآزش مدل‌ها به روش رگرسیون، آزمون F لیمر به‌منظور بررسی استفاده از روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت در مقابل روش داده‌های ترکیبی و آزمون هاسمن به‌منظور انتخاب از بین روش داده‌های تابلویی^۱ با اثرات ثابت در مقابل روش داده‌های تابلویی با اثرات تصادفی برای مدل‌های پژوهش انجام شد. نتایج حاصل از آزمون F لیمر و آزمون هاسمن، برای مدل‌های پژوهش در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲. نتایج آزمون پیش‌فرض‌های مدل

توضیحات	نتیجه آزمون	فرضیه‌های آزمون	احتمال	آماره آزمون		آزمون ارزش آمار
استفاده از روش داده‌های پانل (PANEL)	عرض از مبدأ در تمام مقاطع برابر نیست	H0: عرض از مبدأ در تمام مقاطع برابر هستند	۰/۰۰۰۰	F-statistic	چاو (F) لیمیر)	پیش‌فرض‌های داده‌های ترکیبی - مدل ۱
		H1: عرض از مبدأ در تمام مقاطع برابر نیستند		۱۴/۸۴۴۳۵۲		
	مدل با اثرات ثابت	H0: مدل با اثرات تصادفی	۰/۰۰۰۰	Chi-Sq. Statistic	هاسمن	
		H1: مدل با اثرات ثابت		۲۸۵/۸۰۱۷۶۵		

توضیحات	نتیجه آزمون	فرضیه‌های آزمون	احتمال	آماره آزمون		آزمون ارزش آمار	
استفاده از روش داده‌های پانل (PANEL)	عرض از مبدأ در تمام مقاطع برابر نیست	H0: عرض از مبدأ در تمام مقاطع برابر هستند	۰/۰۰۰۰	F-statistic	۱۴/۸۴۱۶۱۰	چاو (F) لیمیر	پیش‌فرض‌های داده‌های ترکیبی-مدل ۲
		H1: عرض از مبدأ در تمام مقاطع برابر نیستند					
	مدل با اثرات ثابت	H0: مدل با اثرات تصادفی	۰/۰۰۰۰	Chi-Sq. Statistic	۴۸/۴۳۳۴۳۷	هاسمن	
		H1: مدل با اثرات ثابت					

مأخذ: همان.

آماره‌های محاسبه شده و سطح خطای به‌دست آمده، بیانگر ارجح بودن مدل داده‌های تابلویی با اثرات ثابت است. از این‌رو مدل‌های پژوهش، با رویکرد داده‌های تابلویی و با الگوی اثرات ثابت برآورد می‌شود. در جدول زیر نتایج تخمین مدل ۱ پژوهش به روش رگرسیون خطی به شرح جدول ۳ بیان شده است.

جدول ۳. نتایج تخمین مدل به روش رگرسیون خطی

متغیر وابسته: اهرم مالی (FL)							
نتیجه	فرضیه فرعی	p-value	آماره t	انحراف استاندارد	ضریب	نماد ضریب	متغیر
معنادار		۰/۰۰۰۷	۵/۷۰۲۴۱۱	۰/۰۷۳۹۹۰	۰/۴۲۱۹۲۰	β_0	ضریب ثابت
معنادار	اول	۰/۰۰۰۵	-۶/۱۷۴۶۰۱	۰/۰۰۸۲۵۶	-۰/۰۵۰۹۷۷	β_1	عرضه پول
عدم معناداری	دوم	۰/۱۴۶۴	۱/۴۵۳۰۱۳	۰/۰۰۴۱۸۶	۰/۰۰۶۰۸۲	β_2	نرخ ارز

متغیر وابسته: اهرم مالی (FL)							
نتیجه	فرضیه فرعی	p-value	آماره t	انحراف استاندارد	ضریب	نماد ضریب	متغیر
معنادار	سوم	۰/۰۰۰۰	-۸/۹۷۵۷۲۰	۰/۰۰۷۶۱۶	-۰/۰۶۸۳۶۳	β_3	مخارج دولت
معنادار	چهارم	۰/۰۱۴۹	۳/۲۰۶۲۰۶	۰/۰۱۵۸۷۷	۰/۰۵۰۹۰۶	β_4	شاخص قیمت مصرف‌کننده
معنادار		۰/۰۰۱۲	۵/۲۰۶۳۵۶	۰/۰۰۸۹۶۹	۰/۰۴۶۶۹۸	β_5	اندازه شرکت
معنادار		۰/۰۰۰۰	-۲۵/۹۷۴۸۷	۰/۰۲۵۱۴۷	-۰/۶۵۳۱۸۲	β_6	سودآوری
معنادار		۰/۰۲۷۲	۲/۷۸۳۲۴۷	۰/۰۰۰۶۰۷	۰/۰۰۱۶۹۱	β_7	رشد فروش
معنادار		۰/۰۰۰۰	-۱۰/۸۷۱۴۸	۰/۰۰۲۵۳۳	-۰/۰۲۷۵۴۲	8	دارایی‌های مشهود
معنادار		۰/۰۰۹۱	-۳/۵۶۸۳۵۶	۰/۰۰۲۳۷۴	-۰/۰۰۸۴۷۱	β_9	ریسک شرکت
۱۳۰/۶۰۸۸ ۰/۰۰۰		آماره فیشر احتمال آماره فیشر		۱/۹۳۹۹۱۳		آماره دوربین واتسون Durbin-Watson) (stat	

مأخذ: همان.

مبتنی بر فرضیه اصلی اول پژوهش، اثر متغیرهای کلان اقتصادی (عرضه پول، نرخ ارز، مخارج دولت و شاخص قیمت مصرف‌کننده) بر اهرم مالی شرکت‌ها، در قالب چهار فرضیه فرعی و از طریق برآورد مدل شماره ۱ به روش رگرسیون خطی و روش خودرگرسیون برداری با وقفه‌های توزیعی آزمون شده است. براساس نتایج حاصل از تخمین مدل به روش رگرسیون خطی که در جدول ۳ آمده است، برای فرضیه اول، ضریب متغیر عرضه پول برابر با $-۰/۰۵۰۹$ و مقدار آماره t برابر $۶/۱۷۴۶-$ با سطح خطای کوچک‌تر از ۵ درصد است. بنابراین فرضیه اول پژوهش تأیید و بیانگر تأثیر منفی و معنادار عرضه پول بر اهرم مالی شرکت‌هاست.

فرضیه دوم پژوهش بیان می‌کند که نرخ ارز تأثیر مثبت و معناداری بر اهرم مالی

شرکت‌ها دارد. طبق نتایج جدول ۳، آماره t متغیر نرخ ارز برابر با $۱/۴۵۳۰$ با سطح خطای $۰/۱۴۶۴$ که بالاتر از ۵ درصد است. بنابراین فرضیه دوم پژوهش رد شده است. براساس نتایج حاصل از فرضیه سوم پژوهش بر مبنای تخمین مدل شماره ۱، ضریب مربوط به متغیر مخارج دولت برابر با $-۰/۰۶۸۳$ و مقدار آماره t برابر $-۸/۹۷۵۷$ با سطح خطای کوچک‌تر از ۵ درصد است. بنابراین فرضیه سوم پژوهش تأیید و بیانگر تأثیر منفی و معنادار مخارج دولت بر اهرم مالی شرکت‌هاست.

فرضیه چهارم پژوهش نیز بیان می‌کند شاخص قیمت مصرف‌کننده بر اهرم مالی شرکت‌ها تأثیر دارد. طبق نتایج، آماره t متغیر شاخص قیمت مصرف‌کننده برابر با $۳/۲۰۶۲$ و سطح خطای $۰/۰۱$ است که کوچک‌تر از ۵ درصد است. بنابراین نتایج بیانگر تأیید این فرضیه می‌باشد.

با توجه به تأیید فرضیه‌های فرعی اول، سوم و چهارم، فرضیه اصلی اول پژوهش در سطح اطمینان ۹۵% تأیید می‌شود.

همچنین نتایج تخمین مدل شماره ۱ پژوهش به روش خودرگرسیون برداری با وقفه‌های توزیعی، به شرح جدول ۴ است.

جدول ۴. نتایج تخمین مدل به روش خودرگرسیون برداری با وقفه‌های توزیعی

متغیر وابسته: اهرم مالی (FL)						
نتیجه	فرضیه فرعی	p-value	آماره t	انحراف استاندارد	ضریب	متغیر
معادله روابط بلندمدت						
معنادار	اول	$۰/۰۰۰۰$	$۳۸/۱۱۷۲۴$	$۰/۰۰۱۲۱۸$	$۰/۰۴۶۴۳۶$	عرضه پول
معنادار	دوم	$۰/۰۰۰۰$	$۱۸۱/۲۳۸۷$	$۰/۰۰۳۳۰۴$	$۰/۵۹۸۷۷۶$	نرخ ارز
معنادار	سوم	$۰/۰۰۰۰$	$-۱۶۳/۰۳۳۱$	$۰/۰۰۲۳۶۵$	$-۰/۳۸۵۵۹۷$	مخارج دولت

متغیر وابسته: اهرم مالی (FL)						
نتیجه	فرضیه فرعی	p-value	آماره t	انحراف استاندارد	ضریب	متغیر
معنادار	چهارم	۰/۰۰۰۸	-۳/۳۴۷۵۸۳	۰/۰۳۰۵۸۷	-۰/۱۰۲۳۹۳	شاخص قیمت مصرف‌کننده
معادله روابط کوتاه‌مدت						
معنادار		۰/۰۰۰۰	-۱۴/۱۹۹۸۴	۰/۰۲۸۸۲۷	-۰/۴۰۹۳۴۱	جمله تصحیح خطا
معنادار		۰/۰۰۰۰	۵/۶۷۱۱۱۷	۰/۰۳۳۱۹۱	۰/۱۸۸۲۳۳	تفاضل عرضه پول
معنادار		۰/۰۰۰۰	-۱۴/۳۴۲۱۰	۰/۰۲۸۱۹۰	-۰/۴۰۴۳۰۴	تفاضل نرخ ارز
معنادار		۰/۰۰۰۰	۹/۳۸۵۳۱۷	۰/۱۳۱۷۳۹	۱/۲۳۶۴۱۰	تفاضل مخارج دولت
معنادار		۰/۰۰۳۰	-۲/۹۷۴۹۶۹	۰/۰۳۲۲۶۲	-۰/۰۹۵۹۷۹	تفاضل شاخص قیمت مصرف‌کننده
آزمون هم‌انباشتگی داده‌های تابلویی کائو						
نتیجه	احتمال		ارزش آماره t		آماره دیکی-فولر	
وجود هم‌انباشتگی	۰/۰۰۰۰		-۱۱/۳۰۲۷۹		ADF	

مأخذ: همان.

با توجه به نتایج حاصل از تخمین مدل رگرسیونی شماره ۱ پژوهش به روش پانل دیتا اتورگرسیو با وقفه‌های توزیعی (PANEL ARDL)، به شرح جدول ۴ مشاهده می‌شود که عرضه پول و نرخ ارز در بلندمدت بر اهرم مالی شرکت‌ها تأثیر مثبت و معنادار و مخارج دولت و شاخص قیمت مصرف‌کننده در بلندمدت بر اهرم مالی شرکت‌ها تأثیر منفی و معناداری دارد.

با توجه به سطح خطا و ضرایب تفاضل به دست آمده نیز مشخص است که تغییرات کوتاه مدت عرضه پول و مخارج دولت تأثیر مثبت و معنادار و تغییرات کوتاه مدت نرخ ارز و شاخص قیمت مصرف کننده بر اهرم مالی شرکتها تأثیر منفی و معناداری دارد.

در ادامه و به منظور آزمون فرضیه اصلی دوم پژوهش، نتایج تخمین مدل شماره ۲ پژوهش به روش رگرسیون خطی به شرح جدول ۵ است.

جدول ۵. نتایج تخمین مدل به روش رگرسیون خطی

متغیر وابسته: اهرم مالی (FL)							
نتیجه	فرضیه فرعی	p-value	آماره t	انحراف استاندارد	ضریب	نماد ضریب	متغیر
معنادار		۰/۰۰۰۰	۵/۳۳۴۸۵۹	۰/۰۹۱۳۳۵	۰/۴۸۷۲۵۷	β_0	ضریب ثابت
معنادار	اول	۰/۰۰۰۰	۴/۷۷۲۶۲۶	۰/۱۰۱۸۵۷	۰/۴۸۶۱۲۷	β_1	نوسان عرضه پول
عدم معناداری	دوم	۰/۰۷۵۹	-۱/۷۷۶۵۳۱	۰/۰۱۳۵۲۰	-۰/۰۲۴۰۱۸	β_2	نوسان نرخ ارز
معنادار	سوم	۰/۰۰۰۰	-۵/۳۸۹۸۵۰	۰/۰۸۲۷۲۱	-۰/۴۴۵۸۵۵	β_3	نوسان مخارج دولت
عدم معناداری	چهارم	۰/۰۸۴۵	۱/۷۲۶۳۶۴	۰/۰۵۰۱۴۹	۰/۰۸۶۵۷۶	β_4	نوسان شاخص قیمت مصرف کننده
عدم معناداری		۰/۱۹۱۴	۱/۳۰۷۰۵۵	۰/۰۰۵۸۶۲	۰/۰۰۷۶۶۲	β_5	اندازه شرکت
معنادار		۰/۰۰۰۰	-۳۰/۸۸۶۴۴	۰/۰۲۱۳۶۷	-۰/۶۵۹۹۳۸	β_6	سودآوری
معنادار		۰/۰۱۱۰	۲/۵۴۶۷۰۲	۰/۰۰۰۶۰۷	۰/۰۰۱۵۴۶	β_7	رشد فروش
معنادار		۰/۰۰۰۰	-۶/۸۸۲۸۰۱	۰/۰۰۳۴۶۴	-۰/۰۲۳۸۴۳	β_8	دارایی‌های مشهود

متغیر وابسته: اهرم مالی (FL)							
نتیجه	فرضیه فرعی	p-value	آماره t	انحراف استاندارد	ضریب	نماد ضریب	متغیر
معنادار		۰/۰۰۹۰	-۲/۶۱۶۸۰۸	۰/۰۰۳۱۱۲	-۰/۰۰۸۱۴۴	β_9	ریسک شرکت
۱۱۱/۹۴۱۴ ۰/۰۰۰		آماره فیشر احتمال آماره فیشر		۱/۹۳۵۹۰۱		آماره دوربین واتسون (Durbin-Watson stat)	

مأخذ: همان.

در فرضیه اصلی دوم پژوهش، اثر عدم اطمینان متغیرهای کلان اقتصادی (نوسان عرضه پول، نرخ ارز، مخارج دولت و شاخص قیمت مصرف‌کننده) بر اهرم مالی شرکت‌ها، در قالب چهار فرضیه فرعی و از طریق برآورد مدل شماره ۲ به روش رگرسیونی خطی و روش خودرگرسیون برداری با وقفه‌های توزیعی آزمون شده است. ملاحظه می‌شود که ضرایب مربوط به متغیر نوسان عرضه پول و متغیر نوسان مخارج دولت، به ترتیب برابر با ۰/۴۸۶۱ و ۰/۴۴۵۸- و سطح خطای به دست آمده برای آنها کوچک‌تر از ۵ درصد است، بنابراین فرضیه‌های مربوطه تأیید شدند. نتایج بیانگر تأثیر مثبت و معنادار نوسان عرضه پول و تأثیر منفی و معنادار نوسان مخارج دولت بر اهرم مالی شرکت‌هاست. با توجه به مقدار آماره t و سطح خطای به دست آمده برای متغیرهای نوسان نرخ ارز و نوسان شاخص قیمت مصرف‌کننده، فرضیه‌های مربوطه تأیید نشدند. با توجه به تأیید فرضیه‌های فرعی اول و سوم، فرضیه اصلی دوم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید می‌شود.

همچنین نتایج تخمین مدل پژوهش به روش خودرگرسیون برداری با وقفه‌های توزیعی به شرح جدول ۶ است.

جدول ۶. نتایج تخمین مدل به روش خودرگرسیون برداری با وقفه‌های توزیعی

متغیر وابسته: اهرم مالی						
نتیجه	فرضیه فرعی	p-value	آماره t	انحراف استاندارد	ضریب	متغیر
معادله روابط بلندمدت						
معنادار	اول	۰/۰۰۰۰	۸۶۰۵/۳۴۹	۰/۰۰۰۶۰۶	۵/۲۱۵۷۰۵	نوسان عرضه پول
معنادار	دوم	۰/۰۰۰۰	-۱۸۱۷۵/۵۵	۴/۵۷۰۰۰۶	-۰/۰۸۳۰۹۳	نوسان نرخ ارز
معنادار	سوم	۰/۰۰۰۰	-۵۱۴۶/۰۵۴	۰/۰۰۰۶۴۳	-۳/۳۱۰۷۵۴	نوسان مخارج دولت
معنادار	چهارم	۰/۰۰۰۰	-۳۲۱۶/۵۴۱	۰/۰۰۰۲۸۰	-۰/۸۹۹۹۳۶	نوسان شاخص قیمت مصرف‌کننده
معادله روابط کوتاه‌مدت						
معنادار		۰/۰۰۰۰	-۷/۶۳۸۷۵۹	۰/۰۲۸۷۷۳	-۰/۲۱۹۷۸۷	جمله تصحیح خطا
معنادار		۰/۰۰۰۵	-۳/۵۲۲۹۱۰	۰/۲۴۶۵۲۴	-۰/۸۶۸۴۸۲	تفاضل نوسان عرضه پول
معنادار		۰/۰۱۳۵	-۲/۴۷۴۷۵۶	۰/۰۲۸۲۰۶	-۰/۰۶۹۸۰۳	تفاضل نوسان نرخ ارز
عدم معناداری		۰/۳۸۵۰	-۰/۸۶۹۱۹۱	۰/۱۸۲۷۶۱	-۰/۱۵۸۸۵۴	تفاضل نوسان مخارج دولت
عدم معناداری		۰/۷۱۸۳	-۰/۳۶۰۷۹۲	۰/۰۸۹۵۵۵	-۰/۰۳۲۳۱۱	تفاضل نوسان شاخص قیمت مصرف‌کننده
آزمون هم‌انباشتگی داده‌های تابلویی کائو						
نتیجه	احتمال		ارزش آماره t		آماره دیکی-فولر	
وجود هم‌انباشتگی	۰/۰۰۰۰		-۱۰/۷۱۲۹۹		ADF	

مأخذ: همان.

با توجه به سطح خطای به‌دست آمده برای هر چهار متغیر فوق که کوچک‌تر از ۵ درصد است، نتایج بیانگر تأیید فرضیه‌های فوق است اما مبتنی بر علامت ضرایب به‌دست آمده، نتایج بیانگر این است که نوسان نرخ ارز، نوسان مخارج دولت و نوسان شاخص قیمت مصرف‌کننده در بلندمدت بر اهرم مالی شرکت‌ها تأثیر منفی و معناداری دارد. از طرفی ضرایب تفاضل بیانگر این است که تغییرات کوتاه‌مدت

نوسان عرضه پول و نوسان نرخ ارز تأثیر منفی و معناداری بر اهرم مالی شرکت‌ها دارند. همچنین تغییرات کوتاه‌مدت متغیرهای نوسان مخارج دولت و شاخص قیمت مصرف‌کننده، تأثیر معناداری بر اهرم مالی شرکت‌ها ندارد. با توجه به تأیید فرضیه‌های فرعی اول و سوم، فرضیه اصلی دوم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید می‌شود.

۵. جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

موضوع ساختار سرمایه بهینه شرکت‌ها به‌منظور تأمین مالی بلندمدت دارایی‌ها، همواره از مسائل بحث‌برانگیز و چالشی در حوزه مدیریت مالی و حسابداری محسوب می‌شود و مدیران همیشه بر میزان نسبت بدهی‌ها به دارایی‌ها (اهرم) دقت نظر و وسواس خاصی اعمال می‌کنند (علیقلی، ۱۳۹۷). از این‌رو بررسی و مطالعه عوامل درونی و بیرونی مؤثر بر ساختار سرمایه بهینه همواره مدنظر بوده است.

نتایج برآورد مدل‌های پژوهش به روش رگرسیون خطی مربوط به فرضیه اول پژوهش نشان داد که عرضه پول و مخارج دولت بر اهرم مالی شرکت‌ها تأثیر منفی و معناداری دارند. به بیان دیگر، افزایش عرضه پول و مخارج دولت، اهرم مالی شرکت‌ها را کاهش می‌دهد. این در حالی است که شاخص قیمت مصرف‌کننده (تورم) بر اهرم مالی شرکت‌ها تأثیر مثبت و معناداری دارد. این نتیجه مطابق با یافته‌های علیقلی (۱۳۹۷)، محمد و همکاران (۲۰۱۱) و یاربا و گونر (۲۰۲۰) است. همچنین در این بخش، متغیر مربوط به نرخ ارز در سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید نشد. به عبارت دیگر نرخ ارز بر اهرم مالی شرکت‌ها تأثیر معناداری ندارد. مشابه این نتیجه در پژوهش‌های شکرخواه و قاصدی دیزجی (۱۳۹۵) و کریمی و همکاران (۱۳۹۳) نیز مشاهده می‌شود.

نتایج آزمون فرضیه‌های فوق از طریق مدل خودرگرسیون برداری با وقفه‌های توزیعی نشان داد ضریب عرضه پول و نرخ ارز در بلندمدت مثبت و سطح معناداری

آن بیانگر این است که در بلندمدت بر اهرم مالی شرکت‌ها تأثیر مثبت و معناداری دارد. این در حالی است که ضریب مخارج دولت و شاخص قیمت مصرف‌کننده در بلندمدت منفی و سطح معناداری آن بیانگر این است که در بلندمدت بر اهرم مالی شرکت‌ها تأثیر منفی و معناداری دارد. این یافته‌ها همسو با نتایج یاربا و گونر (۲۰۲۰) است. در حالی که بایوم و همکاران^۱ (۲۰۱۳)، معتقدند شاخص قیمت مصرف‌کننده در بلندمدت بر اهرم مالی شرکت‌ها تأثیر نمی‌گذارد.

در مقابل، تغییرات کوتاه‌مدت عرضه پول و مخارج دولت تأثیر مثبت و معناداری بر اهرم مالی شرکت‌ها داشتند. همچنین ضریب تفاضل نرخ ارز و شاخص قیمت مصرف‌کننده منفی و سطح معناداری آن نشان می‌دهد تغییرات کوتاه‌مدت نرخ ارز و شاخص قیمت مصرف‌کننده تأثیر منفی و معناداری بر اهرم مالی شرکت‌ها دارد. مشابه این نتایج در پژوهش‌های یاربا و گونر (۲۰۲۰) نیز مشاهده می‌شود. بنابراین، با توجه به تأیید فرضیه‌های فرعی اول، سوم و چهارم، فرضیه اصلی اول پژوهش یعنی تأثیر سیاست‌های کلان اقتصادی بر اهرم مالی شرکت‌ها در سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید می‌شود.

نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش که به بررسی اثر عدم اطمینان متغیرهای کلان اقتصادی بر اهرم مالی شرکت‌ها پرداخته است، بیانگر تأیید تأثیر متغیرهای نوسان عرضه پول و نوسان مخارج دولت و عدم تأیید تأثیر متغیرهای نوسان نرخ ارز و نوسان شاخص قیمت مصرف‌کننده بر اهرم مالی شرکت‌ها در سطح اطمینان ۹۵٪ است. صادقی شریف و خزائی (۱۳۹۵) و یاربا و گونر (۲۰۲۰) در مطالعات خود به نتایج مشابهی دست یافتند.

نتایج آزمون فرضیه‌های فرعی اول تا چهارم از فرضیه اصلی دوم پژوهش از

1. Baum, Caglayan and Rashid

طریق مدل خودرگرسیون برداری با وقفه‌های توزیعی نشان داد که نوسان عرضه پول در بلندمدت بر اهرم مالی شرکت‌ها تأثیر مثبت و معناداری دارد اما نوسان نرخ ارز، نوسان مخارج دولت و نوسان شاخص قیمت مصرف‌کننده در بلندمدت بر اهرم مالی شرکت‌ها تأثیر منفی و معناداری دارد. از طرفی تغییرات کوتاه‌مدت نوسان عرضه پول و نوسان نرخ ارز تأثیر منفی و معناداری بر اهرم مالی شرکت‌ها دارند. در این بخش نوسان مخارج دولت و شاخص قیمت مصرف‌کننده تأیید نشدند. این نتیجه مشابه با یافته‌های یاربا و گونر (۲۰۲۰) و بایوم و همکاران (۲۰۱۳) است. بنابراین، با توجه به تأیید فرضیه‌های فرعی اول و سوم، فرضیه اصلی دوم پژوهش یعنی اثر عدم اطمینان متغیرهای کلان اقتصادی بر اهرم مالی شرکت‌ها در سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید می‌شود.

با توجه به نتایج به‌دست آمده می‌توان نتیجه گرفت که نوسان عرضه پول که عامل نااطمینانی نسبت به منابع تأمین مالی آتی است باعث افزایش اهرم مالی شرکت‌ها و اتکا به منابع تأمین مالی برون‌سازمانی می‌شود. همچنین افزایش مخارج دولت و تزریق پول به بخش‌های مختلف از جمله بخش خصوصی باعث می‌شود که میزان اهرم مالی شرکت‌ها کاهش یابد. در این میان با افزایش تورم (شاخص قیمت مصرف‌کننده)، شرکت‌ها ترجیح می‌دهند از ظرفیت حداکثری بدهی‌ها در ساختار سرمایه خود به‌دلیل کاهش ارزش پول ملی و به‌تبع آن کاهش ارزش بدهی‌های پرداختی آتی، بیشتر استفاده کنند. همچنین نتایج تحلیل پویا نشان‌دهنده تأثیر مثبت نرخ ارز در بلندمدت و تأثیر منفی آن در کوتاه‌مدت بر اهرم مالی شرکت‌هاست، از این‌رو به مدیران و ارکان راهبری شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود، با توجه به افزایش نرخ برابری دلار بر ریال، در بلندمدت از منابع برون‌سازمانی تأمین مالی کنند. این یافته‌ها، از اهمیت بیشتر نقش ثبات سیاست‌های اقتصادی در محیط فعالیت شرکت‌ها و تصمیم‌گیری‌های مرتبط با

تأمین مالی حکایت دارد (لونی، عباسیان و حاجی، ۱۴۰۰).

با توجه به نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر، پیشنهادهایی به شرح ذیل ارائه می شود:

۱. مدیران و ارکان راهبری شرکتها با بررسی و مطالعه شاخص های کلان اقتصادی و ملاحظات مربوط به بودجه سالیانه دولت، به برنامه ریزی و تصمیمات مرتبط با ساختار سرمایه اقدام کنند و به علت پیش بینی نوسان در سیاست های کلان اقتصادی در شرایط محیطی کشور، جوانب احتیاط را به منظور پرهیز از تغییرات زیاد در ساختار سرمایه اعمال کنند و بین تأمین مالی داخلی و خارجی تعادل بهینه ایجاد کنند.

۲. نتایج پژوهش بیانگر تأثیر مثبت شاخص قیمت مصرف کننده (تورم) بر اهرم مالی شرکتهاست، با توجه به شرایط فوق تورمی حاکم بر کشور و افزایش مستمر این نرخ، مدیران و ارکان راهبری شرکتها با مطالعه روند شاخص قیمت مصرف کننده (تورم) که نشان دهنده کاهش ارزش پول است، نسبت به افزایش اهرم مالی جاری از محل بدهیها اقدام کرده، تا در آینده با کاهش ارزش بدهیها، از سود نگهداشت بدهیهای پولی بهره مند شوند.

۳. نتایج تحلیل پویای پژوهش بیانگر تأثیر مثبت نرخ ارز در بلندمدت و تأثیر منفی آن در کوتاهمدت بر اهرم مالی شرکتهاست، لذا به مدیران و ارکان راهبری شرکتها پیشنهاد می شود، با توجه به افزایش نرخ برابری دلار در برابر ریال، در بلندمدت از منابع برون سازمانی تأمین مالی کنند.

۴. و در نهایت، با توجه به تأثیر منفی نااطمینانی سیاستهای اقتصادی بر اهرم مالی شرکتها، لازم است دولت و بانک مرکزی با اتخاذ سیاستهای منطقی و پیش بینی پذیر، ضمن کاهش نوسانها، به ایجاد ابزارهای پوشش ریسک به منظور کاهش آشفتگیهای اقتصاد کلان و اعمال مدیریت ریسک در این زمینه اقدام

کنند. ثبات سیاست‌های پولی و مالی، باعث پیش‌بینی پذیرتر بودن سیاست‌ها، ترسیم دورنمای روشن اقتصادی، اتخاذ تصمیمات منطقی و عقلایی مرتبط با فعالیت‌های واحد تجاری و جلوگیری از بحران‌های اقتصادی و آشفتگی‌های مالی می‌شود.

پیشنادهایی برای پژوهش‌های آتی

مبتنی بر مبانی نظری و نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش، پیشنهاد می‌شود پژوهشگران به آزمون تجربی تأثیر سیاست‌های کلان اقتصادی و نوسان آنها بر سایر متغیرهای مهم و اثرگذار حوزه حسابداری و مالی با استفاده از روش پژوهش و سایر آزمون‌های مرتبط دیگر به شرح ذیل بپردازند:

۱. بررسی تأثیر سیاست‌های کلان اقتصادی و نوسان آنها بر کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس،
۲. بررسی تأثیر سیاست‌های کلان اقتصادی و نوسان آنها بر سیاست‌های تقسیم سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس،
۳. بررسی تأثیر سیاست‌های کلان اقتصادی و نوسان آنها بر ریسک سقوط قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس،
۴. بررسی تأثیر سیاست‌های کلان اقتصادی و نوسان آنها بر کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار،
۵. بررسی تأثیر سیاست‌های کلان اقتصادی و نوسان آنها بر ریسک عملیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار،
۶. بررسی تأثیر سیاست‌های کلان اقتصادی بر هزینه سرمایه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار.

منابع و مآخذ

۱. احدی سرکانی، سیدیوسف و معصومه قاسم‌پور (۱۳۹۶). «ارزیابی تأثیر سیاست‌های پولی، مالی و رشد صنعت بر نوسانات شاخص بازار سرمایه ایران»، *دانش سرمایه‌گذاری*، ۶ (۲۲).
۲. ارباب، حمیدرضا، حمید آماده و امین امینی (۱۴۰۰). «تأثیر ناطمینانی سیاست‌های اقتصادی بر بازدهی شرکت‌های پتروشیمی در شرایط متفاوت بازار»، *پژوهش‌های اقتصاد ایران*، ۲۶ (۸۸).
۳. افلاطونی، عباس و زهرا نیکبخت (۱۳۹۶). «بررسی تأثیر کیفیت افشا و کیفیت اقلام تعهدی بر سرعت تعدیل ساختار سرمایه»، *دانش حسابداری مالی*، ۴ (۱۵).
۴. انصاری، عبدالمهدی، نسرین یوسفزاده و بهمن زارع (۱۳۹۲). «مروری بر نظریه‌های ساختار سرمایه»، *مطالعات حسابداری و حسابرسی*، ۲ (۷).
<https://doi.org/10.22034/IAAS.2013.105418>.
۵. بدری، احمد، مریم دولو و مریم دری نوکورانی (۱۳۹۵). «بررسی تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر عملکرد بازار سهام»، *چشم‌انداز مدیریت مالی*، ۶ (۱۳).
۶. تهرانی، رضا و سارا نجف‌زاده خویی (۱۳۹۶). «بررسی تأثیر ناطمینانی تورم بر ساختار سرمایه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، *فصلنامه اقتصاد مالی*، ۱۱ (۳۸).
۷. حبیبی، سلماز، مهدی ابرزی و سعید فتحی (۱۳۹۳). «فرا تحلیل عوامل تعیین‌کننده ساختار سرمایه در سطح شرکت»، *فصلنامه مدیریت دارایی و تأمین مالی*، ۲ (۱۲).
<https://doi.org/20.1001.1.23831170.1393.2.1.5.8>.
۸. زمانی سبزی، مهدی، علی سعیدی و محمد حسنی (۱۳۹۹). «سرعت تعدیل ساختار سرمایه و تأثیر دوران رونق و رکود بر آن»، *تحقیقات مالی*، ۲ (۲۲).
<https://doi.org/10.22059/FRJ.2019.288995.1006925>
۹. شکرخواه، جواد و کیوان قاصدی دیزجی (۱۳۹۵). «تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر تصمیمات تأمین مالی مدیران»، *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۳ (۵۱).
<https://doi.org/10.22054/QJMA.2016.7102>

۳۹۹ _____ بررسی تأثیر سیاست‌های کلان اقتصادی و نوسان آنها بر ساختار سرمایه ...

۱۰. صادقی شریف، جلال و سعید خزایی (۱۳۹۵). «بررسی اثر نااطمینانی اقتصاد کلان و خاص شرکت بر

اهرم شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران»، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، ۴ (۱۳).

۱۱. علیقلی، منصوره (۱۳۹۷). «تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر ساختار سرمایه در بازار سرمایه ایران»،

سیاست‌های راهبردی و کلان، ۶ (۲۳)، <https://doi.org/10.32598/JMSP.6.3.398>.

۱۲. فراهانی، طیبیه و مجید صبوری (۱۳۹۹). «تأثیر کفایت سرمایه، ساختار سرمایه و نقدینگی بر عملکرد

مالی بانک‌ها»، فصلنامه علمی اقتصادی و بانکداری اسلامی، ۳۱.

۱۳. فرهنگ، امیرعلی (۱۴۰۱). «اثرات نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی بر صنعت بیمه (رهیافت PMG)»،

فصلنامه مدل‌سازی اقتصادسنجی، ۷ (۱).

۱۴. کریم‌زاده، سعید، حسین شریفی رنائی و لطفعلی قاسمیان مقدم (۱۳۹۲). «اثر متغیرهای کلان اقتصادی

بر شاخص قیمت سهام بانک‌ها»، مجله اقتصادی، ۱۱ (۱۲).

۱۵. کریمی، فرزاد، داریوش فروغی، محمد نوروزی و سیدمحسن مدینه (۱۳۹۳). «بررسی تأثیر متغیرهای

اقتصادی و حسابداری بر ساختار سرمایه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، دانش

حسابداری، ۵ (۱۷)، <https://doi.org/10.22103/JAK.2014.728>.

۱۶. گرچی، امیرمحسن و رضا راعی (۱۳۹۴). «تبیین سرعت تعدیل ساختار سرمایه به کمک مدل دینامیک

ساختار سرمایه با تأکید بر عامل رقابت بازار محصول»، دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، ش ۲۵.

۱۷. لونی، سمیه، عزت‌اله عباسیان و غلامعلی حاجی (۱۴۰۰). «اثر نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی بر

سرمایه‌گذاری شرکتی: شواهدی از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، تحقیقات

مالی، ۲۳ (۲)، <https://doi.org/10.22059/FRJ.2021.310437.1007069>.

۱۸. منتشری، مجید و داریوش فرید (۱۳۹۸). «نوسان در ساختار سرمایه و نقش متغیرهای کلان اقتصادی

(شواهدی از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران)»، بررسی مسائل اقتصاد ایران، ۶ (۲).

۱۹. مهرانی، کاوه، آرش تحریری و سوران فرهادی (۱۳۹۴). «چرخه عمر واحد تجاری، ساختار سرمایه و

ارزش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار»، مجله دانش حسابداری، ش ۵.

<https://doi.org/10.22103/JAK.2014.729>

۲۰. نعمتی، علی، قدرت‌اله امام وردی، علی باغانی، رویا دارابی و نوروز نوراله‌زاده (۱۳۹۸). «بررسی تطبیقی اثر ساختار سرمایه بر سودآوری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با کشورهای آسیای جنوب شرقی براساس رویکرد رگرسیون پنل آستانه‌ای»، *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۱۱(۴۲).

۲۱. نونزاد، مسعود، بهزاد زمانی کردشولی و سیدمجتبی حسین‌زاده (۱۳۹۱). «اثر سیاست‌های پولی بر شاخص قیمت سهام در ایران»، *فصلنامه علوم اقتصادی*، ۲۰(۶).

۲۲. ولی‌پور، هاشم، محمدرضا الماسی و ایمان کایدی (۱۳۹۰). «ساختار سرمایه، میانگین موزون هزینه سرمایه و روند تغییرات آنها»، *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، ش ۱۲.

۲۳. هاشمی، عباس، هادی امیری و زهرا تیموری (۱۳۹۶). «تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر سود آتی حسابداری»، *فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۹(۳۴).

۲۴. هوشمند، محمود، محمدعلی فلاحی و سپیده توکلی قوچانی (۱۳۹۱). «تحلیل ادوار تجاری در اقتصاد ایران»، *دانش و توسعه*، ۱۵(۲۲).

25. Aflatooni, A. and Z. Nikbakht (2018). "Investigating the Effect of Disclosure Quality and Quality of Accruals on The Speed of Adjustment of Capital Structure", *Journal of Financial Accounting Knowledge*, 4 (15), (In Persian).

26. Ahadi Sarkani, U. and M. Ghasempour (2018). "Assessing the Impact of Monetary, Fiscal and Industry Growth Policies on Fluctuations in Iran's Capital Market Growth Index", *Journal of Investment Knowledge*, 6 (22). (In Persian).

27. Akron, S., E. Demir, J.M. Diez-Esteban and C.D. Garcia-Gomez (2020). "Economic Policy Uncertainty and Corporate Investment: Evidence from the U.S. Hospitality Industry", *Tourism Management*, 77, <https://doi.org/10.1016/j.tourman.2019.104019>.

28. Alhassan, A. and A. Naka (2020). "Corporate Future Investment and Stock Liquidity: Evidence from Emerging Markets", *International Review of Economics and Finance*, 65, <https://doi.org/10.1016/j.iref.2019.10.002>

29. Ali Gholi, M. (2019). "The Effect of Macroeconomic Variables on the Capital Structure in the Iranian Capital Market", *Strategic and Macro Policies*, 6 (23), <https://doi.org/10.32598/JMSP.6.3.398>. (In Persian).

30. Ansari, A., N. Yusefzadeh and B. Zareh (2014). "An overview of Theories of Capital,

- Structure. *Accounting and Auditing Studies*”, 2 (7), <https://doi.org/10.22034/IAAS.2013.105418>. (In Persian).
31. Badri, A., M. Davallou and M. Doori Nokorani (2017). “Investigating the Effect of Macroeconomic Variables on Stock Market Performance”, *Financial Management Perspective*, 6 (1), (In Persian).
32. Baum, C.F., M. Caglayan and A. Rashid (2013). “Capital Structure Adjustments: Do Macroeconomic and Business Risks Matter?”, *Paper Provided by Boston College Department of Economics*, No. 822, <https://doi.org/10.1007/s00181-016-1178-1>
33. Boyle, G. and G. Guthrie (2003). “Investment, Uncertainty, and Liquidity”, *Journal of Finance*, 58 (5), <https://doi.org/10.1111/1540-6261.00600>.
34. Choi, S., S. Lee, K. Choi and K.A. Sun (2019). “Investment-Cash Flow Sensitivities of Firms: A Moderating Role of Franchising”, *Tourism Economics*, 24 (5), <https://doi.org/10.1177/1354816618759201>
35. Farahani, T. and M. Sabori (2021). “The Effect of Capital Adequacy, Capital Structure and Liquidity on Banks’ Financial Performance”, *Journal of Islamic Economics and Banking*, 31, (In Persian).
36. Gourgi, A. and R. Raea (2016). “Explain the Speed of Capital Structure Adjustment Using the Dynamic Model of Capital Structure with Emphasis on Product Market Competition”, *Financial Knowledge of Securities Analysis*, 25 (In Persian).
37. Habibi, S., M. Abzari and S. Fathi (2015). “Determinants of Capital Structure at the Company Level: Meta-analysis”, *Journal of Asset Management and Financing*, 2 (1), <https://doi.org/20.1001.1.23831170.1393.2.1.5.8>. (In Persian).
38. Hashemi, A., H. Amiri and Z. Timuriy (2018). “The Effect of Macroeconomic Variables on Future Accounting Profit”, *Quarterly Journal of Financial Accounting and Auditing Research*, 9 (34). (In Persian).
39. Hooshmand, M., M. Fallahi and S. Tavakoli Ghochani (2013). “Analysis of Business Cycles in the Iranian Economy”, *Knowledge and Development*, 15 (22), <https://doi.org/10.22084/AES.2019.19307.2888>. (In Persian).
40. Hou, F., W.J. Tang, H.B. Wang and H. Xion (2021). “Economic Policy Uncertainty, Marketization Level and Firm-level Inefficient Investment: Evidence from Chinese Listed Firms in Energy and Power Industries”, *Energy Economics*, 100 (C). <https://doi.org/10.1016/j.eneco.2021.105353>
41. Karimzadeh, S., H. Sharifi Renae and L. Ghasemian Moghadam (2014). “The Effect of Macroeconomic Variables on Banks’ Stock Price Index”, *Economic Journal*, 11 (12), (In Persian).
42. Karimi, F., D. Foroghi, M. Nourozi and M. Madineh (2015). “Investigating the

- Effect of Economic and Accounting Variables on the Capital Structure of Companies Listed on the Tehran Stock Exchange”, *Journal of Accounting Knowledge*, 5 (17), <https://doi.org/10.22103/JAK.2014.728>. (In Persian).
43. Khanh, H., N. Cuong and H.L. Zhang (2021). “How does Economic Policy Uncertainty Affect Corporate Diversification”, *International Review of Economics and Finance*, Vol. 72. <https://doi.org/10.1016/j.iref.2020.11.008>
44. Kochhar, R. (1997). “Strategic Assets, Capital Structure, and Firm Performance”, *Journal of Financial and Strategic Decisions*, 10(3).
45. Loni, S., E. Abbasian and G. Haji (2021). “The Effect of Economic Policy Uncertainty on Corporate Investment: Evidence from Companies Listed on the Tehran Stock Exchange”, *Financial Research*, 23 (2), <https://doi.org/10.22059/FRJ.2021.310437.1007069>. (In Persian).
46. Mehrani, K., A. Tahriri and S. Farhadi (2016). “Business Cycle Life Cycle, Capital Structure and Value of Companies Listed on the Stock Exchange”, *Journal of Accounting Knowledge*, 5, <https://doi.org/10.22103/JAK.2014.729>. (In Persian).
47. Mertal L. and M. Lipson (2009). “Liquidity and Capital Structure”, *Journal of Financial Market*, 12 (4).
48. Muhammad, M., G.M. Herani, A.W. Rajar and W. Farooqi (2011). “Economic Factors Influencing Corporate Capital Structure in Three Asian Countries: Evidence from Japan, Malaysia and Pakistan”, *Journal of Management and Social Sciences*, 3 (1), Item ID: 15003, at <https://mpira.ub.uni-muenchen.de/15003/>
49. Nonejad, M., B. Zamani Khordsholi and M. Hossein (2013). “The Effect of Monetary Policy on Stock Price Index in Iran”, *Quarterly Journal of Economic Sciences*, 20 (6). (In Persian).
50. Phan, D., V. Tran and D. Nguyen (2019). “Crude Oil Price Uncertainty and Corporate Investment: New Global Evidence”, *Energy Economics*, 77, <https://doi.org/10.1016/j.eneco.2018.08.016>.
51. Sadeghi Sharif, J. and S. Khazaei (2017). “Investigating the Effect of Macroeconomic and Specific Economy Uncertainty on the Leverage of Tehran Stock Exchange Companies”, *Quarterly Journal of Fiscal and Economic Policy*, 4 (13), (In Persian).
52. Shekarkhah, J. and K. Ghasedi Deazge (2017). “The Impact of Macroeconomic Variables on Managers’ Financing Decisions”, *Empirical Studies of Financial Accounting*, 13 (51), <https://doi.org/10.22054/QJMA.2016.7102>. (In Persian).
53. Shen, H., R. Liu, H. Xiong, F. Hou and X. Tang (2021). “Economic Policy Uncertainty and Stock Price Synchronicity: Evidence from China”, *Pacific Basin Finance Journal*, 65: 101485.

54. Tehrani, R. and S. Najafzadeh Khoei (2017). "Investigating the Effect of Inflation Uncertainty on the Capital Structure of Companies Listed on the Tehran Stock Exchange", *Quarterly Journal of Financial Economics*, 11 (38), (In Persian).
55. Valipour, H., M. Almasi and I. Kaedi (2013). "Capital Structure, Weighted Average Cost of Capital and the Trend of Their Changes", *Financial Accounting and Auditing Research*, 12, (In Persian).
56. Wang, D., T. Liu, X. Li, Y. Huang and Y. Zhou (2022). "Identifying the Dynamic Influence of Economic Policy Uncertainty on Enterprise Investment Using Functional Data Analysis", *Mathematical Problems in Engineering*, Vol., 2022, <https://doi.org/10.1155/2022/7822710>
57. Yarba, I. and Z. Güner (2020). "Uncertainty, Macroprudential Policies and Corporate Leverage: Firmlevel Evidence", *Central Bank Review*, 20 (2), <https://doi.org/10.1016/j.cbrev.2020.03.005>
58. Zamani Sabzi, M., A. Saeedi and M. Hassani (2021). "The Speed of Adjusting the Capital Structure and the Impact of the Boom and Bust Period on it", *Financial Research*, 2 (22), <https://doi.org/10.22059/FRJ.2019.288995.1006925>. (In Persian).

واکاوی اهداف مشارکت عمومی - خصوصی در زمینه بناهای تاریخی شهری (یک مطالعه چند موردی)

ندازرندیان،* محمدرضا فرزین** و علی اصغر شالبافیان***

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۰	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۹/۰۳	شماره صفحه: ۴۰۵-۴۳۴
-------------------	--------------------------	------------------------	---------------------

یکی از منابع اصلی موجود در شهرهای مختلف کشور که می‌تواند به پویایی اقتصاد شهرها کمک شایانی کند، بناهای تاریخی است. بناهایی که متولی اصلی حفاظت و بهره‌برداری از آنها، بخش عمومی است در حالی که این بخش غالباً از منابع مالی و تخصصی کافی بدین منظور برخوردار نیست. از این رو، در سال‌های اخیر مشارکت‌های عمومی - خصوصی به منظور حفظ، احیا و بهره‌برداری از بناهای تاریخی به تبع الگوهای خارج از کشور شکل گرفت؛ اما هنوز انگیزه‌ها و رویکردهای هر یک از طرفین برای ورود به این گونه مشارکت‌ها مشخص نیست. این پژوهش در پی آن است تا با بررسی تجارب چهار مورد از این بناها در شهرهای مختلف کشور، هدف هر یک از طرفین را مشخص کند. این موضوع می‌تواند به اتخاذ سیاست‌گذاری‌ها و رویکردهای هر یک از طرف‌های عمومی - خصوصی در قراردادهای مشارکتی بعدی منجر شود. بدین منظور، با روش مطالعه موردی از بررسی اسناد، مشاهدات و انجام مصاحبه، داده‌ها گردآوری شد. در این میان، با ۲۷ نفر که به صورت هدفمند انتخاب شده بودند مصاحبه و خروجی آنها با استفاده از نرم‌افزار Maxqda10، مورد تحلیل قرار گرفت. همچنین برای بررسی مطالعات پیشین - به عنوان تجارب بیرونی - از مرور سیستماتیک استفاده شد. از این رو ۴۰ مقاله انتخاب و متن آنها با استفاده از روش تحلیل مضمون و نرم‌افزار Maxqda10، تحلیل شد. نتایج نشان می‌دهد که بخش عمومی از این مشارکت‌ها در پی تأمین هزینه‌های مرمت و حفاظت، تأمین زیرساخت گردشگری، الگوسازی برای بخش خصوصی، حفظ بنا، باز زنده‌سازی بافت تاریخی، هویت بخشی، انتفاع اقتصادی و اشتغال‌زایی است. در حالی که بخش خصوصی پرستیژ اجتماعی، شروع سرمایه‌گذاری در گردشگری، افزایش سرمایه اجتماعی، ایجاد مقصد گردشگری، انتفاع مالی، علایق شخصی و ارائه مهمان‌نوازی ایرانی را مدنظر دارد. با توجه به تمایل بخش عمومی برای حفظ بناهای تاریخی به عنوان سرمایه ملی و تلاش بخش خصوصی برای تأمین منافع عمومی در این گونه مشارکت‌ها، دو راهکار کلیدی باید مدنظر قرار گیرد: رعایت استانداردهای حفاظتی - مرمتی از سوی بخش خصوصی و راه‌اندازی صندوق حمایتی سرمایه‌گذاری از سوی بخش عمومی.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد شهری؛ مشارکت بخش عمومی - خصوصی؛ گردشگری؛ گردشگری و توسعه

* استادیار گروه جغرافیای انسانی و برنامه‌ریزی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛

Email: N.zarandian@ut.ac.ir

** دکتری اقتصاد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران؛

Email: b_farzin@yahoo.com

*** استادیار گروه مدیریت جهانگردی، دانشکده گردشگری، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران؛

Email: ashalbafian@semnan.ac.ir

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال سی و یکم، شماره یکصد و هجدهم، تابستان ۱۴۰۳

doi:10.22034/MR-2022.5487.5226

مقدمه

ما در دنیای پیچیده‌ای زندگی می‌کنیم که چارچوب‌های سیاسی کارایی خود را در مقابل مشکلات روزافزون از دست داده است. در این میان، مشارکت با فراهم‌سازی چارچوبی که در آن سازمان‌ها با یکدیگر کار کرده و سیاست‌های خود را برای پاسخ بهتر به نیازهای جامعه و اقتصاد تعدیل کنند، کمک‌کننده است (OECD, 2006). اما ضرورت شکل‌گیری مشارکت تنها محدود به پاسخگویی، تأمین نیازها و مسائل نوظهور در فضای اقتصادی ملی و بین‌المللی نیست بلکه بقای سازمان‌ها در گرو شکل‌گیری چنین روابطی است. به عبارتی، در دنیای رقابتی امروز، تمام سازمان‌ها برای بقا و رشد، به برقراری ارتباط با دیگر سازمان‌ها نیاز دارند (Parmigiani and Rivera-Santos, 2011). ظهور اینترنت، جهانی شدن، تغییر ماهیت خریداران و استفاده‌کنندگان محصول، تغییرات فناورانه، نوآوری در بازار، ورود و خروج شرکت‌های بزرگ، توزیع دانش در میان شرکت‌ها یا کشورهای بیشتر، تعامل فزاینده خریدار به محصولات متمایز، کاهش عدم قطعیت و ریسک کسب و کار، تغییر خط‌مشی دولت‌ها، نگرانی‌های اجتماعی و تغییر در نگرش‌ها و سبک زندگی (Hough, 2008) همگی از جمله تغییرات بازار هستند که می‌توانند بقای یک سازمان تنها را در معرض خطر قرار دهند. از این منظر، سازمان‌ها با اهدافی نظیر دستیابی به تکنولوژی جدید، هم‌افزایی با سایر شرکت‌ها، دسترسی به متخصصان، یکپارچه‌سازی فعالیت‌های تأمین و توسعه جغرافیایی فعالیت‌های خود دست به تعامل و ارتباط با سایر سازمان‌ها می‌زنند (Drucker, 2008). اما شکل‌گیری این‌گونه مشارکت‌ها در صناعی همچون گردشگری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اهمیت همکاری در گردشگری ناشی از خصایص این صنعت نظیر گسستگی عناصر گردشگری (Holloway, 1983; Pearce, 1992)، کوچک بودن سازمان‌های فعال در آن (Gusory, Saayman and

(Sotiriadis, 2015) و چتری بودن صنعت گردشگری (رنجبریان و زاهدی، ۱۳۹۱) است. می‌توان به سه شکل از مشارکت در حوزه گردشگری اشاره داشت؛ مشارکت عمومی - عمومی، مشارکت خصوصی - خصوصی و مشارکت عمومی - خصوصی (World Tourism Organization (UNWTO), 2001). منظور از مشارکت عمومی - خصوصی، یک توافق قراردادی بین نماینده دولت (فدرالی، ایالتی یا محلی) و سازمان بخش خصوصی است. با این قرارداد، مهارت‌ها و دارایی‌های هر بخش برای ارائه خدمت یا امکانات برای عموم به اشتراک گذاشته می‌شود. علاوه بر اشتراک در منابع، هر بخش در ریسک‌ها و منافع بالقوه در ارائه خدمات و امکانات نیز شریک است (NCPPP, 2017).

مشارکت‌های عمومی - خصوصی در کشور ما در سال‌های اخیر چه در سطح کلان و چه در حوزه گردشگری در سیاستگذاری‌ها مورد توجه بوده است. همچنین در اصل چهل و چهارم قانون اساسی کشور، به‌صراحت بر جایگاه بخش خصوصی اشاره شده و در ماده (۱۱۴) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر تشکیل صندوق احیا و بهره‌برداری از بناها و اماکن تاریخی - فرهنگی به‌عنوان یکی از سازوکارهای تسهیلگر در خصوص مشارکت عمومی - خصوصی در حوزه گردشگری، تأکید شده است. در این میان، موضوع قابل توجه این است که انگیزه‌های هر یک از بخش‌های عمومی و خصوصی برای ورود به این گونه مشارکت‌ها چیست؟ اهمیت پاسخ به این سؤال در حوزه گردشگری (به‌صورت خاص در این پژوهش بناهای تاریخی) بدان جهت است که شناخت اهداف موجود و اولویت‌های طرفین در مشارکت‌ها می‌تواند روشنگر رویکردهای ایشان به موضوع مشارکت عمومی - خصوصی و در نتیجه نشانگر نقاط کلیدی سیاستگذاری برای تقویت این گونه از مشارکت‌ها در کشور به‌شمار رود. علاوه بر ترسیم نحوه سیاستگذاری بخش عمومی برای تأمین منافع بخش خصوصی،

از این طریق بخش خصوصی نیز به نقاط حساسیت طرف عمومی قراردادها، پی خواهد برد. بدین منظور، در فرایند تحقیق، تجربه چهار بنای تاریخی مورد مشارکت دو بخش عمومی - خصوصی و انگیزه هریک از طرفین در این بناها مورد بررسی قرار گرفت. مضافاً، در این پژوهش به بررسی دقیق و سیستماتیک مطالعات پیشین موجود در این خصوص نیز پرداخته شده است تا تفاوت دیدگاه‌های درون و بیرون از کشور نیز احصا شود.

۱. پیشینه و مبانی نظری تحقیق

مرور مشارکت عمومی - خصوصی مفهومی با قدمت بالاست؛ هرچند دخالت دادن بخش خصوصی در ارائه خدمات و امکانات عمومی در گذشته با محدودیت‌های مداخله مالی و زمانی برای بخش خصوصی همراه بوده است (Minnie, 2011; Roumboutsos etal., 2013). به طوری که به نظر می‌رسد مشارکت عمومی - خصوصی بیشتر در قرن نوزدهم و به عنوان راهکاری برای تأمین منابع مالی پروژه‌های زیرساختی مورد استفاده بوده است (Nyagwachi, 2008). در این میان، یکی از نخستین و شناخته شده‌ترین پروژه‌ها، کانال سوئز بود که تا ملی شدن آن در دهه ۱۹۵۰ بخش خصوصی مدیریت می‌کرد (Minnie, 2011). در سال‌های اخیر نیز به نظر می‌رسد جنبشی جهانی در خصوص مشارکت عمومی - خصوصی در حال شکل‌گیری است (Grimsey and Mervyn, 2007). هدف اصلی این نوآوری در معرفی اصول عملیاتی مؤثر بخش خصوصی در اداره امور عمومی است (Hammami, Ruhashyankiko and Yehoue, 2006). این تغییر، در راستای تقلیل ناکارآمدی و هدر رفت در مخارج دولتی، همچنین رفع کمبود مهارت‌های مدیریتی و جذب سرمایه خصوصی در ارائه زیرساخت‌های عمومی، ضروری است (Tijani, 2014). توجه هرچه بیشتر به جایگاه

بخش خصوصی و توسعه مشارکتهای عمومی - خصوصی موجب انجام مطالعات گسترده در این زمینه شده است. یکی از محورهای قابل توجه، بررسی انگیزه‌ها و اهداف شکل‌گیری این دسته از مشارکت‌ها بوده است. در کل می‌توان هدف از مشارکت عمومی - خصوصی را در ذیل زیر مقوله‌هایی همچون اهداف پایداری و اجتماعی، اهداف استراتژیک، اهداف تأمین بودجه و سرمایه، تأمین منابع انسانی، تأمین زیرساخت، تحقیق و تکنولوژی، اهداف مرتبط با محصول و بازاریابی و فروش دسته‌بندی کرد.

- **اهداف پایداری و اجتماعی**: مربوط به انگیزه‌هایی است که یا درباره توسعه پایدار است یا بهبود وضعیت جامعه میزبان را مدنظر داشته‌اند (Geoffrey Delade et al., 2021; Lyudmila Vladimirovna et al., 2020; Wilson, Nielsen and Bultjens, 2009; Jelincic et al., 2017; Macdonald and Cheong, 2014; Darcy and Wearing, 2009; Peric, 2009; Kaufmane and Eglite, 2016; Franco and Estevao, 2010; Ekpenyongg and Mmom, 2015).

- **اهداف استراتژیک**: به منافع بلندمدت قابل احصا از طریق مشارکت عمومی - خصوصی در گردشگری توجه دارد؛ منافع عمومی همچون افزایش رقابت‌پذیری، ایجاد صرفه به مقیاس، ایجاد سینرژی و تسهیم ریسک (Ezzat Othman and Mahmoud, 2020; Majumdar and Ochieng, 2004; Chaperon, 2017; Di Vaio, Medda and Trujillo, 2011; Zaitseva, Larionova and Semenova, 2017; Boniotti, 2019; Zhao, 2015; Aggarwal and Suklabaidya, 2017; Cheung and Chan, 2014; Teker and Teker, 2012; Arbulu, Lozano and Rey-Maqueira, 2016; Peric,

2009; Wilson, Nielsen and Buultjens, 2009; Nguyen, Imamura and Iuchi, 2017; Mistilis and Daniele, 2004; Franco and Estevaeo, (2010; Ekpenyongg and Mmom, 2015).

- **تأمین بودجه و سرمایه:** دغدغه بسیاری از دولت‌ها در برنامه‌های

توسعه‌ای گردشگری به‌شمار می‌رود، هدف دیگری است که با مشارکت عمومی - خصوصی، مرتفع می‌شود (Boniotti, 2021; Vaupot, 2020; Ekpenyongg and Mmom, 2015; Franco and Estevaeo, 2010; Aggarwal and Suklabaidya, 2017; Teker and Teker, 2012; Sai, Muzondo and Marunda, 2015; Chaperon, 2017; Majumdar and Ochieng, 2004; Nguyen, Imamura and Iuchi, 2017; Zaitseva, (Larionova and Semenova, 2017; Cruz and Sarmento, 2017).

- **دسترسی به نیروی انسانی کافی و متخصص:** در زمینه گردشگری،

دسترسی به نیروی انسانی کافی و متخصص از جمله انگیزه‌های شکل‌گیری این دسته از مشارکت‌ها به‌شمار می‌رود (Chaperon, 2017; Majumdar and Ochieng, 2004; Haq, Medhekar and Bretherton, 2009; Franco and (Estevaeo, 2010; Nguyen, Imamura and Iuchi, 2017; Heeley, 2011).

- **تأمین زیرساخت‌ها:** از جمله زیرساخت‌های قابل استفاده و خاص

گردشگری همچون جاده و هتل‌ها را می‌توان با اتخاذ سیاست مشارکت عمومی - خصوصی تأمین کرد (Rhama and Setiawan, 2020; Sai, Muzondo) and Marunda, 2015; Cheung and Chan, 2014; Kamarudin et al., 2014; Aggarwal and Suklabaidya, 2017; Zaitseva, Larionova and Semenova, 2017; Wilson, Nielsen and Buultjens, 2009; Darcy and Wearing, 2009; Kaufmane and Eglite, 2016; Haq, Medhekar and

واکاوای اهداف مشارکت عمومی - خصوصی در زمینه بناهای تاریخی شهری _____ ۴۱۱
(Bretherton, 2009; Weiermair, Peters and Frehse, 2008).

- **تحقیق و تکنولوژی:** محرک دیگری است که در دنیای مدرن امروز و با توجه به پیشروی‌های روزافزون در این زمینه در منابع مختلف به‌عنوان انگیزه برای شکل‌گیری مشارکت‌های عمومی - خصوصی در گردشگری مورد اشاره قرار گرفته است (Ferrara et al., 2020; Nyagwachi and Smallwood, 2010; Franco and Esteveao, 2010).

در برخی از منابع به مواردی همچون تنوع‌بخشی یا بهبود کیفیت محصول به‌عنوان عاملی برای شکل‌گیری مشارکت‌های عمومی - خصوصی در گردشگری تأکید شده است. بنابراین شکل‌گیری یک مشارکت عمومی - خصوصی می‌تواند در خصوص محصول (Sai, Muzondo and Marunda, 2015; Frost and Laing, 2018; Cruz and Sarmento, 2017; Su, Wall and Eagles, 2007; Dubini, Leone and Forti, 2012; Kamarudin et al., 2014; Aggarwal and Suklabaidya, 2017; Cheung and Chan, 2014; Haq, Medhekar and Bretherton, 2009; Heeley, 2011;) یا بازاریابی و فروش یک محصول باشد (Teker and Teker, 2012; Ventura, Cassalia and Spina, 2016; Zhao, 2015; Majumdar and Ochieng, 2004; Haq, Medhekar and Bretherton, 2009; Cheung and Chan, 2014; Franco and Esteveao, 2010; Mistilis and Daniele, 2004).

۲. روش تحقیق

این پژوهش از منظر هدف، بررسی اکتشافی، به‌شمار می‌رود و به‌لحاظ فلسفی، تفسیر‌گرایانه و رویکردی کیفی دارد. پژوهش در دو گام اصلی مورد پیگیری قرار گرفت: نخست، مطالعات خارج از کشور با مرور سیستماتیک شناسایی و تحلیل مضمون شد تا از این منظر انگیزه مشارکت‌های عمومی - خصوصی در زمینه گردشگری در جهان

مورد رصد قرار گیرد. دوم، چهار بنای تاریخی (که مورد مشارکت قرار گرفته) به عنوان نمونه داخلی از طریق مطالعه موردی بررسی شد.

مرور سیستماتیک در مرحله اول عبارت است از مروری جامع بر متونی که یک سؤال روشن پژوهشی را مورد توجه قرار می دهد. در این نوع مرور، یک روش نظام مند و شفاف برای شناسایی، انتخاب و ارزشیابی نقادانه همه مطالعات مرتبط و همچنین جمع آوری و تحلیل داده های حاصل از مطالعات موجود مورد استفاده قرار می گیرد (Shannon, 2002). برای اجرایی سازی این روش از هفت گام استفاده شد: ۱. تعیین کردن سؤال اصلی، ۲. تعیین معیارهای ورود و خروج، ۳. یافتن مطالعات، ۴. انتخاب مطالعات، ۵. ارزیابی کیفیت مطالعات، ۶. استخراج داده ها و ۷. تحلیل و ارائه نتایج.

جامعه مطالعاتی مورد نظر ما مقالات معتبر علمی منتشر شده به زبان لاتین بود بدین منظور، سایتهایی همچون اسکوپوس^۱، ساینس دابرت،^۲ سیج^۳ و ویلی آنلاین لایبری^۴ با معادل لاتین مشارکت عمومی - خصوصی و گردشگری مورد جستجو قرار گرفت. در این میان، ۲۴۴ مقاله مرتبط شناسایی شدند که بعد از غربالگری براساس عنوان (حذف ۱۰۴ مقاله)، چکیده (حذف ۵۹ مقاله) و ارتباط محتوا (حذف ۴۰ مقاله)، در نهایت ۴۰ مقاله برای انجام بررسی، انتخاب شد. در این میان، به منظور تحلیل متن مقالات منتخب روش تحلیل مضمون به کار گرفته شد و برای کدگذاری محتوا مقالات از نرم افزار MAXQDA10، استفاده شد.

-
1. Scopus
 2. Science Direct
 3. SAGE Journals
 4. Wiley Online Library

جدول ۱. مقالات منتخب برای تحلیل

سال	نویسنده	کد مقاله
۲۰۰۱	Al-Hathloul and Mughal	۱
۲۰۱۶	Arbulú, Lozano and Rey-Maqueieira	۲
۲۰۱۴	Carbonara, Costantino and Pellegrino	۳
۲۰۱۷	Chaperon	۴
۲۰۱۷	Cruz and Sarmiento	۵
۲۰۱۱	Di Vaio, Medda and Trujil	۶
۲۰۱۸	Frost and Laing	۷
۲۰۱۱	Heeley	۸
۲۰۰۵	Lawther	۹
۲۰۰۳	Majumdar and Ochieng	۱۰
۲۰۱۷	Sai, Muzondo and Marunda	۱۱
۲۰۰۷	Su, Wall and Eagles	۱۲
۲۰۱۷	Zaitseva, Larionova and Semenova	۱۳
۲۰۱۷	Proença and Revez	۱۴
۲۰۱۹	Boniotti	۱۵
۲۰۱۵	Zhao	۱۶
۲۰۱۶	Ventura, Cassalia and Spina	۱۷
۲۰۱۷	Aggarwal and Suklabaidy	۱۸
۲۰۱۷	Jelincic etal.	۱۹
۲۰۱۴	Kamarudin etal.	۲۰
۲۰۱۲	Dubini, Leone and Forti	۲۱
۲۰۱۲	Chung	۲۲
۲۰۱۴	Cheung and Chan	۲۳
۲۰۱۲	Cheung and Chan	۲۴
۲۰۱۵	Absalyamov	۲۵
۲۰۱۲	NG, Wong and Wong	۲۶

سال	نویسنده	کد مقاله
۲۰۰۸	Weierma, Peters and Freh	۲۷
۲۰۱۲	Teker and Teker	۲۸
۲۰۰۹	Haq, Medhekar and Bretherton	۲۹
۲۰۰۶	Gerbaux and Marcelpoil	۳۰
۲۰۰۹	Darcy and Wearing	۳۱
۲۰۰۹	Wilson, Nielsen and Bultje	۳۲
۲۰۱۶	Soemit and Adnyana	۳۳
۲۰۰۹	Perić	۳۴
۲۰۱۷	Nguyen, Imamura and Iuchi	۳۵
۲۰۰۵	Mistilis and Daniele	۳۶
۲۰۱۶	Kaufmane and Eglite	۳۷
۲۰۱۴	Hamzah, Adisasmita, Harianto, Pallu	۳۸
۲۰۱۰	Franco and Estevão	۳۹
۲۰۱۵	Ekpenyongg and Mmom	۴۰

مرحله دوم؛ با توجه به هدف پژوهش، استراتژی مطالعه موردی مناسب‌ترین استراتژی به‌شمار می‌رفت؛ چراکه در مطالعه موردی گروه یا جامعه خاصی از ابعاد مختلف بررسی می‌شود (Sturman, 1997). به‌عبارتی، با استفاده از این روش می‌توان تجربه‌های موجود در هر پدیده را به‌صورت عمیق و همه‌جانبه به چالش کشید که در این پژوهش هدف دریافت انگیزه‌های مشارکت عمومی - خصوصی در زمینه بناهای تاریخی کشور است. پیاده‌سازی مطالعه موردی دارای چهار گام است (Crowe et al., 2011) که در ادامه نحوه پیگیری هریک از این گام‌ها مرور خواهد شد:

۱. **مشخص کردن حوزه مطالعه**: همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد هدف ما شناسایی اهداف مشارکت عمومی - خصوصی در زمینه بناهای تاریخی است.
۲. **انتخاب موردها**: برای انجام مطالعه چهار مورد از بناهای تاریخی انتخاب

شدند که به زعم متخصصان از موفقیت نسبی در زمینه مشارکت در کشور برخوردار بودند. این چهار بنا عبارت است از سرای عامری‌ها، بوتیک هتل نظامیه، کاروانسرای سعدالسلطنه و کاروانسرای ابوزیدآباد.

۳. **جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها:** به‌منظور فهم عمیق پدیده، استفاده از ابزارهای گردآوری متفاوت برای داده‌ها رایج است. بدین جهت انجام مصاحبه، بررسی اسناد موجود، مشاهده و یادداشت‌برداری در فرایند این مطالعه مورد استفاده قرار گرفت. برای انجام مصاحبه، ۲۷ نفر از اشخاص مرتبط با پروژه از هر دو بخش عمومی و خصوصی به‌صورت هدفمند انتخاب شدند.

جدول ۲. شماره و ویژگی مصاحبه‌شوندگان

شماره مصاحبه‌شوندگان	ارتباط با مورد
۱	از جمله مسئولان شرکت عظام (بخش خصوصی مرتبط با سرای عامری‌ها)
۲	کارشناس بخش خصوصی سرای عامری‌ها
۳	کارشناس صندوق احیا مطلع از پروژه عامری‌ها
۴	مسئول سازمان نوسازی- بهسازی مرتبط با پروژه سعدالسلطنه
۵	مسئول سازمان اسبق نوسازی- بهسازی مرتبط با پروژه سعدالسلطنه- از مسئولان فعلی اداره کل میراث فرهنگی شهر قزوین
۶	مسئول صندوق احیا مطلع از پروژه سعدالسلطنه
۷	مشاور حقوقی بخش خصوصی در پروژه کاروانسرای ابوزیدآباد
۸	از مسئولان بوتیک هتل نظامیه (بخش خصوصی)
۹	کارشناس صندوق در خصوص بنای عامری‌ها
۱۰	از مسئولان سرای عامری‌ها (بخش خصوصی)
۱۱	بهره‌بردار سعدالسلطنه
۱۲	بهره‌بردار سعدالسلطنه
۱۳	از جمله مسئولان مرمت سعدالسلطنه

شماره مصاحبه‌شوندگان	ارتباط با موردها
۱۴	از مسئولان وزارت راه و شهرسازی
۱۵	کارشناس صندوق احیا و بهره‌برداری از بناهای تاریخی
۱۶	کارشناس صندوق احیا و بهره‌برداری از بناهای تاریخی
۱۷	کارشناس صندوق احیا و بهره‌برداری از بناهای تاریخی
۱۸	از مسئولان ارشد سابق سازمان اوقاف و امور خیریه کل کشور
۱۹	از مسئولان ارشد سازمان اوقاف و امور خیریه کل کشور
۲۰	از مسئولان اداره بهره‌وری سازمان اوقاف و امور خیریه کل کشور
۲۱	از مسئولان بخش اجاره سازمان اوقاف و امور خیریه کل کشور
۲۲	طرف بخش خصوصی کاروانسرای ابوزیدآباد
۲۳	از مسئولان شهرداری کاشان - فعال حوزه گردشگری شهر کاشان
۲۴	فعال حوزه میراث فرهنگی و عضو شورای شهر تهران
۲۵	فعال بخش خصوصی در زمینه بناهای تاریخی
۲۶	فعال بخش خصوصی در زمینه بناهای تاریخی
۲۷	کارشناس سازمان نوسازی و بهسازی شهر قزوین

برای تحلیل داده‌های گردآوری شده از نرم‌افزار Maxqda10 و روش تحلیل مضمون استفاده شد. مضمون یا تم، الگویی است که در داده‌ها یافت می‌شود و حداقل به توصیف و سازمان‌دهی مشاهدات و حداکثر به تفسیر جنبه‌هایی از پدیده می‌پردازد (Boyatzis, 1998).

به عقیده براون و کلارک^۱ (۲۰۰۶) کدگذاری در تحلیل مضمون خود شامل شش مرحله است:

- **مرحله اول؛ آشنایی با داده‌ها:** شامل بازخوانی داده‌ها در جستجوی معانی و الگوها.

- **مرحله دوم؛ ایجاد کدهای اولیه:** این مرحله شامل ایجاد کدهای اولیه از داده‌هاست. کدها ویژگی داده‌ها را معرفی می‌کنند که به‌نظر تحلیل‌گر جالب می‌رسد. داده‌های کدگذاری شده از تم‌ها متفاوت هستند.
- **مرحله سوم؛ جستجوی کدهای گزینشی:** این مرحله شامل دسته‌بندی کدهای مختلف در قالب کدهای گزینشی و مرتب کردن همه خلاصه داده‌های کدگذاری شده است.
- **مرحله چهارم؛ شکل‌گیری تم‌های فرعی:** مرحله چهارم زمانی شروع می‌شود که محقق مجموعه‌ای از تم‌ها را ایجاد کرده و آنها را مورد بازبینی قرار می‌دهد.
- **مرحله پنجم؛ تعریف و نام‌گذاری تم‌های اصلی:** محقق تم‌های اصلی را که برای تحلیل ارائه کرده، تعریف می‌کند و مورد بازبینی مجدد قرار می‌دهد، سپس داده‌های داخل آنها را تحلیل می‌کند.
- **مرحله ششم؛ تهیه گزارش:** در این مرحله محقق مجموعه‌ای از تم‌های اصلی کاملاً انتزاعی و منطبق با ساختارهای زمینه‌ای تحقیق را در اختیار دارد.

۳. تفسیر داده و گزارش یافته‌ها

خروجی تفسیر و گزارش داده‌ها در بخش یافته‌های تحقیق آورده شده است.

۴. یافته‌های تحقیق

یافته‌های این پژوهش در خصوص مشارکت‌های عمومی- خصوصی در زمینه گردشگری با دو نگاه، بیرونی کشورهای مختلف و نگاه درونی و خاص بناهای تاریخی برمبنای چهار تجربه در کشور است.

مرحله اول؛ با بررسی ۴۰ مقاله منتخب و کدگذاری محتوای این مقالات در نرم افزار Maxqda10، ۸ تم (مقوله) اصلی به همراه مجموعه‌ای از تم‌های فرعی (زیرمقوله‌ها) شناسایی شدند؛ اهداف پایداری و اجتماعی، اهداف استراتژیک، اهداف تأمین بودجه و سرمایه، تأمین منابع انسانی، تأمین زیرساخت، تحقیق و تکنولوژی، اهداف مرتبط با محصول و بازاریابی و فروش.

جدول ۳. تم‌های اصلی و فرعی شناسایی شده در خصوص هدف مشارکت

عمومی - خصوصی در گردشگری براساس مطالعات

تم‌های اصلی	تم‌های فرعی
اهداف پایداری و اجتماعی	<ul style="list-style-type: none"> - کمک به رفاه اقتصادی مردم - توسعه پایدار گردشگری - رشد اقتصادی پایدار - اشتغال‌زایی
اهداف استراتژیک	<ul style="list-style-type: none"> - مدیریت ریسک بلایای طبیعی - افزایش قدرت رقابت‌پذیری - ایجاد استراتژی مشترک توسعه - توسعه مشارکت عمومی - خصوصی در بخش‌های دیگر - دسترسی به تجربه شریک - دسترسی به دانش تخصصی - ایجاد صرفه به مقیاس - توزیع منافع - توزیع ریسک - کاهش ریسک - ایجاد سینرژی - مدیریت امکانات، جاذبه‌ها و پروژه‌ها
تأمین بودجه و سرمایه	<ul style="list-style-type: none"> - غلبه بر موانع سرمایه‌گذاری - بهبود بازگشت سرمایه - تأمین بودجه و سرمایه
تأمین منابع انسانی	<ul style="list-style-type: none"> - دسترسی به نیروی انسانی متخصص - افزایش بهره‌وری و خلاقیت - آموزش نیروی انسانی - ایجاد کیفیت و استانداردسازی منابع انسانی

تم‌های اصلی	تم‌های فرعی
تأمین زیرساخت	<ul style="list-style-type: none"> - توسعه زیرساخت - زیرساخت‌های گردشگری - زیرساخت‌های عمومی / روساخت - توسعه سیستم‌های ارتباطی - تضمین امنیت - زیرساخت سلامتی و بهداشت
تحقیق و تکنولوژی	<ul style="list-style-type: none"> - دسترسی به تکنولوژی - انجام تحقیق و تحلیل - به‌کارگیری حساب‌های اقماری - توسعه تکنولوژیک
مرتبط با محصول	<ul style="list-style-type: none"> - افزایش ظرفیت خدمت‌رسانی - کاهش هزینه‌های خدمت‌رسانی - ارائه خدمات / کالاها - حفاظت و احیای بناهای تاریخی - حفاظت از منابع و جاذبه‌های گردشگری - تأمین رضایت گردشگران - توسعه محصول - افزایش رقابت‌پذیری محصولات و خدمات - حمایت از مصرف‌کننده - خلاقیت در محصول - توسعه جاذبه - کیفیت محصول
بازاریابی و فروش	<ul style="list-style-type: none"> - بسته‌بندی محصول - برندسازی - توزیع محصول - قیمت‌گذاری محصول - دسترسی به بازار جدید - همکاری در برنامه‌های بازاریابی - فراهم‌سازی امکان شرکت در نمایشگاه - بازاریابی و توزیع الکترونیک - توسعه بازار - افزایش اثربخشی بازاریابی - بهبود تصویر مقصد

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

نمونه‌هایی از کدهای استخراج شده در هریک از مقوله‌های کلیدی در ذیل آورده شده است:

- توسعه پایدار گردشگری در سطح محلی و جهانی نیازمند مشارکت و همکاری بیشتر از آن چیزی است که تاکنون در عمل، انجام شده است (مقاله شماره ۳۲- اهداف پایداری).

- یک مشارکت عمومی - خصوصی منجر به این می‌شود که سازمان به‌لحاظ تجاری بهتر و با متخصصان مناسب‌تری اداره شود (مقاله شماره ۴- اهداف استراتژیک).

- سازمان با مشارکت می‌تواند از تجارب دیگران استفاده کند و بهترین استراتژی‌های رایج برای توسعه و مدیریت کانال‌های کشتی‌های کروز گردشگری به کار گیرد (مقاله شماره ۶- اهداف استراتژیک).

- یکی از اهداف مشارکت عمومی - خصوصی، انتخاب بخش خصوصی بود که به بازار سرمایه برای بودجه‌ریزی در برنامه سیستم حمل‌ونقل هوایی ملی، دسترسی داشته باشد (مقاله شماره ۱۰- تأمین بودجه و سرمایه).

- مشارکت عمومی - خصوصی این فرصت را فراهم می‌کند که به‌جای نیروی انسانی با مهارت عمومی از متخصصان حرفه‌ای و باتجربه، بهره‌مند شود (مقاله شماره ۹- تأمین نیروی انسانی).

- اگرچه دولت زیمبابوه، پروژه‌های زیرساختی را با مشارکت عمومی - خصوصی راه‌اندازی کرده است اما این مشارکت‌ها به بستر خدمات نیز می‌تواند تسری یابد (مقاله شماره ۱۱- تأمین زیرساخت).

- اعضای مشارکت عمومی - خصوصی از دانشگاه مهندسی و معماری، معماران و مرمت‌گران، اساتید و فارغ‌التحصیلانی بودند که فعالیت تحقیق و توسعه

- گسترده‌ایی را راه‌اندازی کردند (مقاله شماره ۲۵- تحقیق و توسعه).
- بسیاری از دولت‌ها دریافته‌اند که مشارکت عمومی - خصوصی آنها را قادر می‌سازد که به تولید محصولات بپردازند- اگر با شریک بخش خصوصی کار کنند (مقاله شماره ۱۱- در ارتباط با محصول).
 - مشارکت عمومی - خصوصی برای بسته‌بندی و برندینگ مقاصد گردشگری معنوی و تورهای مربوط به آن مانند سفر به مقصد مکه به کار گرفته می‌شود (مقاله شماره ۲۹- بازاریابی و فروش).
- همچنین در مرحله دوم که بررسی چهار تجربه داخلی است می‌توان اهداف مشارکت عمومی- خصوصی را در زمینه بناهای تاریخی در سه گروه بخش عمومی، خصوصی و در نهایت بهره‌برداران خصوصی، جای داد.

شکل ۱. تم‌های اصلی هدف از مشارکت



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

بخش عمومی، اهدافی همچون تأمین هزینه‌های مرمت و حفاظت، تأمین زیرساخت گردشگری، الگوسازی برای بخش خصوصی، حفظ بنا، باز زنده‌سازی بافت تاریخی، هویت‌بخشی، انتفاع اقتصادی و اشتغال‌زایی را مدنظر داشته‌اند. اولویت اول برای مشارکت بخش عمومی در هر چهار مورد مطالعه شده، حفظ بناست. اگرچه اهداف دیگری نیز برای این بخش، تعریف شده است.

جدول ۴. اهداف بخش عمومی بناهای منتخب

مفهوم	عامری‌ها	سعدالسلطنه	ابوزیدآباد	نظامیه
تأمین هزینه‌های مرمت و حفاظت	*	*	*	*
تأمین زیرساخت گردشگری	*	*	*	*
الگوسازی برای بخش خصوصی	*	*		*
حفظ بنا	*	*	*	*
باز زنده‌سازی بافت تاریخی		*		
هویت‌بخشی	*	*	*	
انتفاع اقتصادی			*	*
اشتغال‌زایی			*	

مأخذ: همان.

نمونه‌ای از متن تحلیل‌ها مرتبط با بخش عمومی، در ذیل آمده است:

- «اتفاقی که می‌فته یک ضرورت اقتصادی در کشور ما به این سمت رفت که بناهایی که در اختیارش هست را واگذار کنه به بخش خصوصی. ضرورتش هم از اینجا بوده که دولت از پس هزینه‌های مرمت و حفاظت بناها برنمیداد. خودش پول لازم برای سرمایه‌گذاری در گردشگری را نداره» (مصاحبه‌شونده شماره ۲، تأمین هزینه‌های مرمت و حفاظت، سرای عامری‌ها).
- «هویت‌بخشی، حفظ نهادهای تاریخی شهر باز زنده‌سازی فضاهای موجود در بافت و از بالقوه به بالفعل تبدیل نمودن آنها به‌عنوان یک مرکز پذیرایی، سیاحتی، اقامتی، فرهنگی، اقتصادی و توریستی در چارچوب مقررات مربوطه» (متن قرارداد، هویت‌بخشی، کاروانسرای سعدالسلطنه).
- «اولاً هدف اوقاف دنبال انتفاعش بود نفع اقتصادی ببره. ثانیاً ملک موقوفه است مالکیتش دست اوقاف باید قطعه موقوف را احیا کنه سر حال نگه داره اگر به بخش خصوصی نمی‌داد اثر به تدریج از بین می‌رفت این اثر احیا

شد نفع اقتصادی برای اوقاف داشت ماهی فلان قدر مال الاجاره می گرفت»

(مصاحبه‌شونده شماره ۷، انتفاع اقتصادی، حفظ بنا، ابوزیدآباد).

بخش خصوصی در پروژه‌های مورد بررسی، اهدافی نظیر پرستیژ اجتماعی، شروع سرمایه‌گذاری در گردشگری، افزایش سرمایه اجتماعی، ایجاد مقصد گردشگری، انتفاع مالی، علایق شخصی و ارائه مهمان‌نوازی ایرانی را پیگیری می‌کرده‌اند. انتفاع مالی، هدف مشترک بخش خصوصی در هر سه مورد سرای عامری‌ها، کاروانسرای ابوزیدآباد و عمارت نظامیه بوده است. این در حالی است که افزایش سرمایه اجتماعی، اولویت اول بخش خصوصی مشارکت‌کننده در بنای سعدالسلطنه بوده است.

جدول ۵. اهداف بخش خصوصی در بناهای مختلف

مفهوم	عامری‌ها	سعدالسلطنه	ابوزیدآباد	نظامیه
پرستیژ اجتماعی	*			*
شروع سرمایه‌گذاری در گردشگری	*		*	*
افزایش سرمایه اجتماعی		*		
ایجاد مقصد گردشگری		*		
انتفاع مالی	*		*	*
علایق شخصی			*	
ارائه مهمان‌نوازی ایرانی	*			*

مأخذ: همان.

نمونه‌ای از متن تحلیل‌ها مرتبط با بخش خصوصی، در ذیل آمده است:

- «یک آدم پولداری را راهنمایی کردند که بیاید آنجا سرمایه‌گذاری کند، یک پُز فرهنگی برایش ایجاد بشه» (مصاحبه‌شونده شماره ۶، پرستیژ اجتماعی، سرای عامری‌ها).

- «نکته دوم این بود که سعدالسلطنه و مرحله بعد قزوین‌ها به‌غیر قزوینی‌ها معرفی شود. قطعاً نمی‌شناختند. پس معرفی سعدالسلطنه به‌غیر قزوینی‌ها اولویت بود. چون می‌خواست تبدیل به یک مقصد گردشگری، مقصد گردشگری مسلماً برای شهروند که نیست فقط مقصد گردشگری مربوط به خارج شهر قزوین بود. اینجا هدف‌گذاری برای جمعیت تهران بود... کرج بود... بیست میلیون نفر از هشتاد میلیون نفر ایرانی در هم‌جوار شرق قزوین زندگی می‌کنند. پس روی آن حوزه تمرکز کردیم ... هزینه خیلی زیادی صورت گرفت» (مصاحبه‌شونده شماره ۴، افزایش سرمایه اجتماعی و ایجاد مقصد گردشگری، کاروانسرای سعدالسلطنه).

- «برای بخش خصوصی هم بحث مالی و هم بحث مهمان‌نوازی ایرانی مطرح بوده معنی ارائه خدمات مهمان‌نوازی در یک خانه ایرانی در سطح جهانی بدهد. پس هم بحث مالی مطرح بوده و هم بحث اعتباری یک برند مهمان‌نوازی برای خودش می‌سازد و پزیش را می‌دهد. ببینید بوتیک هتل خیلی بحث به‌روزیه یعنی برای کلاسش هم که شده خیلی از پول‌دارها این کار را می‌کنند» (مصاحبه‌شونده شماره ۸، انتفاع مالی و ارائه مهمان‌نوازی ایرانی، بوتیک هتل نظامیه).

اما مقصود از بهره‌بردار خصوصی، شخص ثالث است که بهره‌برداری از بنا را طی قراردادی با بخش خصوصی مشارکت‌کننده، برعهده می‌گیرد. از آنجاکه فقط درخصوص بنای سعدالسلطنه بهره‌بردار شخص ثالث وجود داشته است امکان قیاس اهداف این گروه با گروهی مشابه در سایر موردها، وجود ندارد. هدف این ذی‌نفعان در مشارکت سعدالسلطنه با توجه به صحبت‌های مصاحبه‌شوندگان، احیای صنایع دستی، آموزش صنایع دستی، کارآفرینی، ایجاد ارتباطات انسانی، راه‌اندازی کسب‌وکار و درآمدزایی بوده است.

۵. جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و پیشنهاد

پژوهش حاضر در پی آن بود تا هدف از مشارکت عمومی - خصوصی در زمینه بناهای تاریخی شهری را از منظر هریک از بخش عمومی یا خصوصی تعیین کند. بدین منظور چهار بنای تاریخی مورد مشارکت (سرای عامری‌ها، بوتیک هتل نظامیه، کاروانسرای سعدالسلطنه و کاروانسرای ابوزیدآباد) در راستای این مطالعه انتخاب شدند. در این میان در فرایند تحقیق، اهداف مدنظر شخص ثالث نیز به‌عنوان بهره‌بردارانی از بخش خصوصی (برای استفاده کوتاه‌مدت خود) مورد توجه قرار گرفت در حالی که این موضوع می‌تواند به پویاسازی هرچه بیشتر یکی از منابع قابل توجه توسعه اقتصاد شهرها کمک کند.

تأمین هزینه‌های مرمت و حفاظت، تأمین زیرساخت گردشگری، الگوسازی برای بخش خصوصی، حفظ بنا، باز زنده‌سازی بافت تاریخی، هویت‌بخشی، انتفاع اقتصادی و اشتغال‌زایی، از جمله اهداف بخش عمومی برای مشارکت بوده است. در این میان، تأمین هزینه‌ها، حفظ بنا و تأمین زیرساخت‌های گردشگری اولویت مشترک میان هر چهار بنای بررسی شده برای بخش عمومی است. به‌عبارتی برای بخش عمومی، حفظ بنا به‌عنوان میراث ملی و انتقال این میراث به‌صورت سالم به نسل‌های بعدی مورد توجه است. علاوه بر این، تأمین زیرساخت‌ها برای توسعه صنعت گردشگری نیز حائز اهمیت است. همچنین بخش عمومی تنها محوریت بنا را - چه از منظر حفاظتی و چه از منظر تعریف کاربری - مدنظر نداشته بلکه به جامعه‌ای که با این‌گونه بناها مرتبط هستند نیز اهمیت می‌دهد. به کلامی دیگر، باید توجه داشت که قالب این بناها در مناطق محروم شهری واقع شده‌اند که با پویاسازی بافت‌های تاریخی شهری از یک جهت می‌تواند به هویت‌بخشی و باز زنده‌سازی حیات اجتماعی در این مناطق کمک کند و هم برای ساکنان کمتر برخوردار این‌گونه محلات به اشتغال‌زایی منجر شود.

همچنین پرستیژ اجتماعی، شروع سرمایه‌گذاری در گردشگری، افزایش سرمایه اجتماعی، ایجاد مقصد گردشگری، انتفاع مالی، علایق شخصی و ارائه مهمان‌نوازی ایرانی، از جمله اهداف بخش خصوصی بوده است. در این میان، تأمین منافع مالی برای بخش خصوصی در اولویت اول بوده است. دستیابی به یک پرستیژ اجتماعی نیز یکی دیگر از منافع بخش خصوصی مشارکت‌کننده در این بناها بوده است که رنگ و روی انتفاع فردی را بیشتر نشان می‌دهد؛ اینکه مشارکت در زمینه بناهای تاریخی می‌تواند نشانگر غنای فرهنگ فردی و علامتی از توجه به سرمایه‌های ملی به‌شمار رود. توسعه شغلی نیز هدف کسب‌وکاری است که سرمایه‌گذاران در عناوینی همچون شروع سرمایه‌گذاری در گردشگری از آن یاد کرده‌اند. البته در این میان، اهداف ملی و دیگر خواهانه‌ای همچون افزایش سرمایه اجتماعی و ارائه مهمان‌نوازی ایرانی نیز مطرح شده است.

بهره‌برداران شخص ثالث که در مورد کاروانسرای سعدالسلطنه وجود داشته‌اند و غالب غرفه‌دارانی بودند که به عرضه صنایع دستی و محصولات سنتی محلی، مشغول بوده‌اند. هدف این اشخاص به‌عنوان مشارکت برای احیای صنایع دستی، آموزش صنایع دستی، کارآفرینی، ایجاد ارتباطات انسانی، راه‌اندازی کسب‌وکار و درآمدزایی بوده است. به‌عبارتی از یک سو راه‌اندازی کسب‌وکار شخصی و از سوی دیگر، توجه به صنایع دستی محلی، مورد توجه این گروه از ذی‌نفعان در مشارکت عمومی - خصوصی در زمینه بناهای تاریخی بوده است. این امر فرصتی است که از قبل آن، هم تأمین منافع فردی بهره‌برداران و هم اهداف ملی در راستای حفظ هنرهای سنتی و صنایع دستی در کشور محقق شود.

اما در قیاس خروجی مطالعه حاضر با مطالعات پیشین، به‌نظر می‌رسد اگرچه قالب مقوله‌بندی انجام شده در خروجی مطالعه چند موردی متفاوت از مقوله‌بندی

مرور سیستماتیک در زمینه اهداف مشارکت بوده است- توجه به اهداف سه بخش عمومی، خصوصی و بهره‌برداران به‌جای محورهای موضوعی- اما بسیاری از اهداف شناسایی شده در موردها دارای شباهت با مقاصد تعریف شده در پیشینه این موضوع است. مواردی همچون تأمین سرمایه، توسعه زیرساخت‌های گردشگری، حفاظت، انتفاع اقتصادی و اشتغال‌زایی از جمله مفاهیمی است که در پیشینه مطالعات نیز موجود است.

مواردی همچون الگوسازی برای بخش خصوصی، باز زنده‌سازی بافت تاریخی، هویت‌بخشی، ایجاد پرستیژ اجتماعی برای بخش خصوصی، افزایش سرمایه اجتماعی، علایق شخصی، ارائه مهمان‌نوازی ایرانی، احیای صنایع دستی، آموزش صنایع دستی و ایجاد ارتباطات انسانی به‌نظر مفاهیم جدید و قابل توجه در زمینه مشارکت در بناهای تاریخی، به‌شمار می‌رود. مفاهیمی که بعضاً خاص بناهای تاریخی بوده یا در بستر کشور ما، قابل تعریف است.

در هر روی با توجه به نتایج به‌دست آمده، بخش خصوصی بیشتر در پی تأمین منافع مادی خود بوده است بنابراین بخش عمومی در مشارکت‌های عمومی - خصوصی در زمینه بناهای تاریخی باید سیاست‌های خود را به‌گونه‌ای تنظیم کند که حداکثر اقدام‌های تضمینی برای تأمین منافع طرف بخش خصوصی، اتخاذ کند. بدین‌منظور می‌توان از ظرفیت‌های حمایتی موجود در قانون حمایت از مرمت و احیای بافت‌های تاریخی - فرهنگی بهره برد (مصوب ۱۳۹۸/۰۴/۱۲)؛ مواردی همچون قبول ارائه تسهیلات به بافت‌های تاریخی، قبول سند مالکیت بناهای تاریخی به‌عنوان وثیقه بانکی، بیمه بناهای تاریخی، بهبود کیفیت زندگی (ارائه خدمات شهری) به بناهای تاریخی واقع در بافت‌های فرسوده شهری و غیره. مواردی که به‌نظر کمتر به مرحله اجرا رسیده‌اند.

در مقابل بخش خصوصی باید در جهت رعایت استانداردها و حفظ بناها اقدام و تلاش کند تا کاربری گردشگری در بهره‌برداری از بنای واگذار شده به کار گرفته شود. در پژوهش‌های بعدی می‌توان موضوع‌های مرتبط دیگر نظیر منافع متصور و وظایف مورد انتظار از هریک از بخش‌های عمومی یا خصوصی را در این زمینه مشارکتی، مورد بررسی قرار داد. بررسی اهداف مشارکت عمومی - خصوصی بناهای تاریخی در دیگر کشورها نیز می‌تواند موضوع مورد توجهی در مطالعات تطبیقی بعدی به‌شمار رود.

منابع و مآخذ

۱. رنجبریان، بهرام و محمد زاهدی (۱۳۹۱). شناخت گردشگری، اصفهان، نشر چهارباغ.
۲. مینتربرگ، هنری، بروس آلستراند و ژوزف لمیل (۱۳۸۴). جنگل استراتژی (کارآفرینی در قالب یک مکتب)، ترجمه محمود احمدپور داریانی، تهران، جاجرمی.
3. Absalyamov, T. (2015). "Tatarstan Model of Public-private Partnership in the Field of Cultural Heritage Preservation", *Procedia - social and Behavioral Sciences*, 188 (5).
4. Aggarwal, M. and P. Suklabaidya (2017). "Role of Public Sector and Public Private Partnership in Heritage Management: A Comparative Study of Safdarjung Tomb and Humayun Tomb", *International Journal of Hospitality and Tourism Systems*, 10 (2).
5. Al-Hathloul, S. and M. Aslam Mughal (2001). "Makkah: Developing the Center of Islam District", *Urban Design International*, 6 (1).
6. Arbulú, I., J. Lozano and J. Rey-Maqueira (2016). "The Challenges of Municipal Solid Waste Management Systems Provided by Public-private Partnerships in Mature Tourist Destinations: The Case of Mallorca", *Waste Management*, 51.
7. Arbulu, L., J. Lozano and J. Rey-Maqueira (2016). "The Challenges of Municipal Solid Waste Management Systems Provided by Public-private Partnerships in Mature Tourist Destinations: The Case of Mallorca", *Waste Management*, 51 (5).
8. Boniotti, C. (2019). "The Beneficial Role of Survey in the Investment Analysis for Public Cultural Heritage Concession", 2nd International Conference of Geomatics and Restoration, Milan, Italy.
9. _____ (2021). "The Public-private-people Partnership (P4) for Cultural Heritage Management Purposes", *Journal of Cultural Heritage Management and Sustainable Development*, Vol. 13, No. 1.
10. Boyatzis, R.E. (1998). *Transforming Qualitative Information: Thematic Analysis and Code Development*, U.S, Sage.
11. Braun, V. and V. Clarke (2006). "Using Thematic Analysis in Psychology", *Qualitative Research in Psychology Journal*, 3 (2).
12. Carbonara, N., N. Costantini and R. Pellegrino (2014). "Concession Period for Ppps: A Win-Win Model for a Fair Risk Sharing", *International Journal of Project Management*, 32 (7).
13. Chaperon, S. (2017). "Tourism Industry Responses to Public-private Partnership

- Arrangements for Destination Management Organisations in Small Island Economies: A Case Study of Jersey, Channel Islands”, *International Journal of Tourism Policy*, 7 (1).
14. Cheung, E. and A.P.C. Chan (2012). “Revitalising Historic Buildings Through Partnership Scheme: A case study of the Mei Ho House in Hong Kong”, *Property Management*, 30.
15. _____ (2014). “Revitalising Historic Buildings Through Partnership Scheme: Innovative form of Social Public-private Partnership”, *Journal of Urban Planning and Development*, 140 (001).
16. Chung, J.K. (2012). *Adaptive Reuse of Historic Buildings Through PPP: A Case Study of Old Tai-o Police Station in HK*, Paper Presented at the 2nd Interna Onal Conference on Management, Economics and Social Sciences (ICMESS’2012), Bali, Indonesia
17. Crowe, S., K. Cresswell, A. Robertson and G. Huby (2011). “The Case Study Approach”, *BMC Med Res Methodol*, 11 (10).
18. Cruz, C.O. and J.M. Sarmiento (2017). “Airport Privatization with Public Finances Under Stress: An Analysis of Government and Investor’s Motivations”, *Journal of Air Transport Management*, 62 (2).
19. Darcy, S. and S. Wearing (2009). “Public-private Partnerships and Contested Cultural Heritage Tourism in National Parks: A Case Study of the Stakeholder Views of the North Head Quarantine Station”, *Journal of Heritage Tourism*, 4 (3).
20. Di Vaio, A., F. Medda and L. Trujillo (2011). “An Analysis of the Efficiency of Italian Cruise Terminals”, *International Journal of Transport Economics*, 38 (1).
21. Drucker, P.F. (2008). *Management*, New York, Harper Collins Publishing.
22. Dubini, P., L. Leone and L. Forti (2012). “Role Distribu on in Public-private Partnerships: The Case of Heritage Management in Italy”, *International Studies of Management and Organization*, 42 (2).
23. Ekpenyong, O. and P.C. Mmom (2015). “Public-private Partnership and Tourism Development in the Niger Delta Region”, *Journal of Environment and Earth Science*, 5 (2).
24. Ezzat Othman, A.A. and N.A. Mahmoud (2020). “Private Partnerships as an Approach for Alleviating Risks Associated With Adaptive Reuse of Heritage Buildings in Egypt”, *International Journal of Construction Management*, 22 (9).
25. Ferrara, C., R. Pierdicca, M. Paolanti, C. Aleffi, S. Tomasi, G. Paviotti, P. Passarini, C. Mignani, A. Ferrara, A. Cavicchi and E. Frontoni (2020). “The Role of Icts and

- Public-private Cooperation for Cultural Heritage Tourism”, *The Case of Smart Marca, Supplementi*, 10 (6).
26. Franco, M. and C. Esteveao (2010). “The Role of Tourism Public-private Partnerships in Regional Development: A Conceptual Model Proposal”, *Cadernos Ebape*, 8 (4).
27. Frost, W. and J. Laing (2018). “Public-private Partnerships for Nature-based Tourist Attractions: The Failure of Seal Rocks”, *Journal of Sustainable Tourism*, 27 (7).
28. Geoffrey Deladem, T., Z. Xiao, T.T. Siueia, S. Doku and I. Tettey (2021). “Developing Sustainable Tourism Through Public-private Partnership to Alleviate Poverty in Ghana”, *Tourist Studies*, 21 (2).
29. Gerbaux, F. and E. Marcelpoil (2006). “Governance of Mountain Resorts in France: The Nature of the Public-private Partnership”, *Revue de Géographie Alpine*, 94 (1).
30. Grimsey, D. and K. Mervyn (2007). *Public Private Partnerships: The Worldwide Revolution in Infrastructure Provision and Project Finance*, USA, Massachusetts.
31. Gusory, D., M. Saayman and M. Sotiriadis (2015). *Collaboration in Tourism Business and Destination*, USA: Emerald Group Publishing.
32. Hammami, M., J.F. Ruhashyankiko and E.B. Yehou (2006). *Determinants of Public Private Partnerships in Infrastructure*, Washington DC: International Monetary Fund.
33. Hamzah, S., S.A. Adisasmita, T. Harianto and M.S. Pallu (2014). “Private Involvement in Sustainable Management of Indonesian Port: Need and Strategy with PPP Scheme”, *Procedia Environmental Sciences*, 20.
34. Haq, F., A. Medhekar and P. Bretherton (2009). *Public and Private Partnership Approach for Applying the Tourism Marketing Mix to Spiritual Tourism*, Editors: A. King, K. Dyer, D. Radulovic, B. Murray and J. Strouhal, International Handbook of Academic R.
35. Heeley, J. (2011). “Public: Private Partnership and Best Practice in Urban Destination Marketing”, *Tourism and Hospitality Research*, 11 (3).
36. Holloway, J.C. (1983). *The Business of Tourism*, Prentice Hall.
37. Hough, J. (2008). *Crafting and Executing Strategy*, Berkshire, McGraw-hill Education.
38. Jelincic, D.A., A. Tisma, M. Senkic and D. Doding (2017). “Public-private Partnership in Cultural Heritage Sector”, *Transylvanian Review of Administrative Sciences*, Special Issue (December 2017).
39. Johnson, G., S. Kevan and R. Whittington (2008). *Exploring Corporate Strategy*, 8th, Londen, Financial Times Prentice Hall.

40. Kamarudin, M.K., Z. Yaha, R. Harun and A. Jaapar (2014). "The Needs of Having Paradigm Shift from Public Sector to Private Sector on Funding Digitizing Management Work of Historical Building in Malaysia", 8th International Symposium of the Digital Earth, Kuch.
41. Kaufmane, D. and A. Eglite (2016). *Private and Public Sector Cooperation in Touri*, International Conference Economix Science for Rural Development, Jelgava.
42. Lawther, W.C. (2005). "Public-private Partnerships in Transportation Policy: The Case of Advanced Traveler Information Systems", *International Journal of Public Administration*, 28.
43. Lyudmila Vladimirovna, S., K. Elena Alexandrovna, C. Olga Ivanova, G. Natalia Anatolyevna and V.T. Pavel (2020). "Supportng the Tourism Industry in the Context of the Coronavirus Pandemic and Economic Crisis", *Social Tourism and Public-Private Partnership Journal of Environmental Management & Tourism*, Vol.11, No. 6.
44. Macdonald, S. and C. Cheong (2014). *The Role of Public-private Partnerships and the Third Sector in Conserving Heritage Buildings, Sites, and Historic Urban Areas*, Los Angeles, The Gett y Conservation Institute.
45. Majumdar, A. and W. Ochieng (2004). "From 'our air is not for sale'to 'airtrack': The Part Privazaon of the uk's Airspace", *Transport Reviews*, 24 (2).
46. Minnie, J.A. (2011). *Critical Success Factor for Public- private Partnership in South Africa*, Doctoral Thesis, Stellenbosch University.
47. Mistilis, N. and R. Daniele (2005). "Challenges for Competitive Strategy in Public and Private Sector Partnerships in Electronic National Tourist Destination Marketing Systems", *Journal of Travel and Tourism Marketing*, 17 (4).
48. NCPPP (National Council for Public-private Partnerships) (2017). *7 Keys to* <http://www.ncppp.org/ppp-basics/7-keys>.
49. Ng, S.T., Y.M. Wong and J.M. Wong (2012). "Factors Influencing the Success of PPP at Feasibility Stage-A Tripar te Comparison Study in Hong Kong", *Habitat International*, 36 (4).
50. Nguyen, D., F. Imamura and K. Iuchi (2017). "Public-private Collaboration for Disaster Risk Management: A Case Study of Hotels in Matsushima, Japan", *Tourism Management*, 61 (8).
51. Nyagwachi, J. and J. Smallwood (2008). "South African Public Private Partnership (PPP) Projects", *Journal of Construction*, Vol. 1, No. 2, (Cape Town, Crown Publication Plc).
52. Nyagwachi, J.N. (2008). "South African Public Private Partnership (PPP) Projects",

- Doctoral thesis, Nelson Mandela Metropolitan University.
53. OECD (2006). "Successful Partnership. A Guide. Vienna: OECD LEED Forum on Partnership and Governance".
54. Parmigiani, A. and M. Rivera-Santos (2011). "Clearing a Path through the Forest: A MetaReview of Interorganizational Relationships", *Journal of Management*, 37 (4).
55. Pearce, D. (1992). *Tourism Organisations*, UK: John Wiley and Sons.
56. Peric, M. (2009). "Criteria for Setting up the Public-private Partnership in Croatian Tourism and Selection of Optimal Public- Private Partnership Model", *Poslovna Izvrsnost*, 3 (2).
57. Proenca, N. and M.J. Revez (2017). "Possible Routes for Conservation and Restoration in the Risk Management of Built Heritage: Public-private Partnerships Within R&D Projects (Project STORM)", *Conservar Património* (25).
58. Rhama, B. and F. Setiawan (2020). "Assessing Public Private Partnership in Indonesia Tourism", *Policy and Government Review*, 4 (3).
59. Roumboutsos, R., C.L. Liyanage, S. Farrell and L. Macário (2013). "Public Private Partnerships in Transport: Case Study Structure", In: A. Roumboutsos, S. Farrell C.L. Liyanage and R. Macário (ed.) *Public Private Partnerships in Transport: Trends and Theory*, COST Actio.
60. Sai, J.P., N. Muzondo and E. Marunda (2015). "Challenges Affecting Establishment and Sustainability of Tourism Public Private Partnerships in Zimbabwe", *Asian Social Science*, 11 (23).
61. Shannon, S. (2002). "Critical Appraisal of Systematic Reviews", *Oct*, 53 (4).
62. Soemitro, R.A. and I.B.P. Adnyana (2016). "Failure Factors of Public-Private Partnership at Tourism Port Development of Tanahampo in Bali", *Journal of Sustainable Development*, 9 (4).
63. Sturman, A. (1997). *Educational Research, Methodology and Measurement: An International Handboo*, New York, Pergamon.
64. Su, D., G. Wall and P.F.J. Eagles (2007). "Emerging Governance Approaches for Tourism in the Protected Areas of China", *Environmental Management*, 39 (6).
65. Teker, A. and D. Teker (2012). "Tourism Projects Financing: A Public-private-partnership Model", *Business Management Dynamics*, 2 (5).
66. Tijani, A.M. (2014). *Legal and Regulatory Framwork for Public-private Partnership in Infrustructure Development: A Case Study of Three African Models and Core International Framworks*, Kulala Lumpur, Doctora Thesis, University of Malaya.

67. Vaupot, Z. (2020). "Foreign Direct Investments, Cultural Heritage and Public-private Partnership: A Better Approach for Investors?. *ANNALES*", *Series Historia et Sociologia*, 30 (2).
68. Ventura, C., G. Cassalia and L.D. Spina (2016). *New Models of Public- private in Cultural Heritage Sector: Sponsorships between Models and Traps*, 2nd International Symposium "New Metropolitan Perspective", Reggio Calabria, Italy.
69. Weiermair, K., M. Peters and J. Frehse (2008). "Success Factors for Public Private Partnership: Cases in Alpine Tourism Development", *Journal of Services Research*, Special Issue.
70. Wilson, E., N. Nielsen and J. Buultjens (2009). "From Lessees to Partners: Exploring Tourism Public-private Partnerships Within the New South Wales National Parks and Wildlife Service", *Journal of Sustainable Tourism*, 17 (2).
71. World Tourism Organization (UNWTO) (2001). "Public - private Sector Cooperation Report".
72. Zaitseva, N.A., A.A. Larionova and L. Semenova (2017). "Realization of Projects of Public-private Partnership in Tourism and Services in the Russian Federation", *Espacios*, 38 (49).
73. Zhao, Y. (2015). "China's Leading Historical and Cultural City': Branding Dali City Through Public-private Partnerships in Bai Architecture Revitalization", *Cities*, 49 (12).

شناسایی و رتبه‌بندی موانع مشارکت مردم و نخبگان در نظام قضایی

حمیدرضا نعمت‌الهی،* مصطفی ملکی،** مهدی عبدالحمید*** و معصومه سروندی****

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۰	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۸	شماره صفحه: ۴۳۵-۴۷۳
-------------------	--------------------------	-------------------------	---------------------

در نظام‌های قضایی توسعه یافته که براساس مؤلفه‌های حقوق اساسی مدیریت می‌شوند، یکی از عناصر مهم برای اثبات کارآمدی حکومت، بحث مشارکت ذی‌نفعان است که به رفع تعارضات موجود در نهادهای حقوقی و قضایی کمک شایانی می‌کند، اما این مشارکت با چالش‌هایی روبه‌رو است که موجب توقف برنامه‌های مشارکتی از سمت مردم و نخبگان می‌شود. این مقاله با بهره‌گیری از روش آمیخته ابتدا با روش فراترکیب، به دنبال ارائه دسته‌بندی جامعی از مؤلفه‌های موانع عمده مشارکت مردم و نخبگان در نظام قضایی بوده و سپس با روش تاپسیس به دنبال رتبه‌بندی آن موانع بوده است. جمع‌آوری داده‌ها از نظر زمان پژوهش مقطعی است. در این پژوهش با جمع‌آوری اطلاعات از پایگاه‌های علمی معتبر و پالایش آنها نهایتاً ۷۸ مقاله به‌عنوان مقالات اصلی برای استخراج یافته‌ها انتخاب شدند. با تحلیل یافته‌های نتایج به‌دست آمده، ۲۷ مانع شناسایی و در پنج دسته و دو سطح کلان و خرد دسته‌بندی شده‌اند. در سطح کلان، موانع شامل: ساختاری، مدیریتی، نگرشی، فرهنگی و اجتماعی بوده و در سطح خرد شامل: مدیریتی، نگرشی، حقوقی و قانونی و شناختی و ارتباطی است. در نتیجه رتبه‌بندی نیز موانع: عدم تعریف واضح از مشارکت، مشارکت صوری در فقدان کنترل و تعادل در سیستم دولتی به‌جای مشارکت واقعی، ساختارهای بوروکراتیک، تشریفات اداری و اقتدار سلسله‌مراتبی بیشترین تأثیر را دارند و ناآشنایی برخی شهروندان با فناوری‌های جدید معماری و فضای دادگاه‌ها، عدم ایجاد فضایی برای تعامل و یادگیری و موانع فکری مانند اصطلاحات یا زبان مورد استفاده قضات و وکلای در ارتباطات، کمتر تأثیرگذارند.

کلیدواژه‌ها: حکمرانی مشارکتی؛ موانع مشارکت؛ روش آمیخته؛ حکمرانی؛ نظام قضایی

* دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران؛

Email: hamidreza.nematollahi95@gmail.com

** دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی،

Email: mostafamaleki88@gmail.com

تهران؛

*** استادیار گروه مهندسی پیشرفت، دانشکده مدیریت، اقتصاد و مهندسی پیشرفت، دانشگاه علم و صنعت ایران،

Email: mahdi-abdolhamid@iust.ac.ir

تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛

**** دانشجوی دکتری کارآفرینی، دانشکده کارآفرینی، دانشگاه تهران، تهران، ایران؛

Email: sarvandiniloofar7@gmail.com

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال سی و یکم، شماره یکصد و هجدهم، تابستان ۱۴۰۳

doi: 10.22034/MR-2023.5500.5236

مقدمه

حکمرانی مشارکتی، نوعی از حکمرانی است (Longenecker, Hawes and Page, 2021: 4) که نقش آفرینان سازمان‌های حکومتی، دولتی یا حوزه‌های خصوصی و اجتماعی در مسیری معین، سازنده و روبه‌جلو همکاری می‌کنند (Khayitboeva, 2021; Luciano, Wiedenhof and Santos; 2018; Mahmood and Muntaner, 2020). تاکنون چندین مدل برای تعریف حکمرانی مشارکتی ارائه شده است (Walle, 2010; Ben- Ruwin, 2016; and Groeneveld, 2016) اما به‌طور خلاصه ساختاری که کارکنان در همه سطوح، فرهنگ توانمندسازی، خودمختاری و تصمیم‌گیری داشته باشند حکمرانی مشارکتی تعریف می‌کنند (Rhodes, 1996; Asesa, 2018; Michelle, 2015 and Williams, 2015). از طرفی برای واژه مشارکت شهروندی^۱ اصطلاحات مختلفی همچون «مشارکت عمومی»^۲ و «مشارکت مدنی»^۳ به کار می‌رود (Svensson, 2019; Callahan, 2006).

در مشارکت شهروندی؛ فرایند توزیع قدرت به‌گونه‌ای است که مشارکت شهروندان (مردم) محروم از مزایای اقتصادی و اجتماعی در فرایند تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و سیاسی امکان‌پذیر است و از مزایای آن منتفع می‌شوند (Davis, 2010; Ofrasio, 2020). از مزیت‌های مشارکت عمومی می‌توان به بهبود کیفیت تصمیم‌ها؛ شفافیت اهداف عملیاتی (Elena and Pichon-Rivière, 2014) و نیازهای یک پروژه یا سیاست به فرایند مشورت با مردم اشاره کرد - چراکه مردم غالباً درباره وضعیت موجود، اطلاعات مهمی دارند که بر موفقیت یا شکست یک برنامه تأثیر بسزایی دارد (Weiss, 2020). مشارکت مردم و گروه‌های مختلف ذیل آن مانند

-
1. Citizen Participation
 2. Public Participation
 3. Civic Engagement

نخبگان می‌تواند به توافق و پیمان طولانی‌مدت و منسجم میان گروه‌های مختلف و بعضاً مخالف منجر شود (Rehman et al., 2021). این امر سبب ایجاد درکی مشترک میان گروه‌ها و کاهش مجادلات سیاسی می‌شود و به تصمیمات حکومت مشروعیت و اعتبار می‌بخشد (کراتین، ۱۳۹۴: ۴۵-۴۳).

با توجه به آنکه در نظام‌های قضایی توسعه‌یافته که براساس مؤلفه‌های حقوق اساسی مدیریت می‌شوند، بدون شک در کنار مسائلی چون حاکمیت قانون، اعلام و تضمین حقوق بنیادین شهروندان یا تفکیک، تعادل و توازن قوا، یکی از عناصر مهم برای اثبات کارآمدی حکومت، بحث مربوط به مردم‌سالاری و مشارکت ذی‌نفعان است (جمشیدی، ۱۳۸۷؛ وروایی، ۱۳۹۴)، از این رو با بهره‌گیری از رویکرد حکمرانی مشارکتی می‌توان به رفع تعارضات موجود و افزایش مشارکت مردم و نخبگان در نهادهای حقوقی و قضایی کمک شایان توجهی کرد (رستمی، ۱۳۸۶) و از آنجاکه احقاق حق و تحقق عدالت در جامعه وظیفه دستگاه قضاست، لذا جهاد و مشارکت عمومی برای مبارزه با فساد و برقراری عدالت نیاز امروز جامعه بوده (حاجی یوسفی و طالبی، ۱۳۹۶) و استفاده از نظر کارشناسان و نخبگان امر در زمینه ارتقای جایگاه قوه قضائیه و اعتماد مردم به آن نیز بسیار راهگشا خواهد بود (Rubel, Kee and Rimi, 2021). توضیح اینکه پیش‌زمینه هر اقدامی، داشتن برنامه مؤثر و مطلوب است که در این خصوص می‌توان از کمک نخبگان امر استفاده کرد؛ چراکه از دیدگاه نخبگان نقش آموزش و در ادامه آن مشارکت در ارتقای فرهنگ عمومی جامعه و افزایش بهره‌وری، کم‌هزینه‌ترین و بهترین راه‌حل برای کاهش جرم و افزایش سطح آگاهی عمومی در جامعه است (شیدائیان، اسحاقی و رجایی، ۱۳۹۸).

به‌طور کلی حل‌وفصل مسائل کشور بدون مشارکت مردم و بخش خصوصی یا غیرممکن یا پرهزینه است؛ تجربه نشان داده هر کاری با مشارکت مردم انجام شده

هم موفق‌تر بوده و هم آن کار با هزینه کمتری پیش رفته است. به طوری که اهمیت مشارکت مردم و ظرفیت گسترده نهادهای مردمی در تحقق عدالت و اجرای قوانین و مقررات در قانون اساسی خصوصاً در اصول سوم و هشتم، مورد شناسایی قرار گرفته و رعایت آن را در اجرای اصل یک‌صد و پنجاه و ششم قانون اساسی ضروری دانسته؛ قوه قضائیه را پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت به‌شمار آورده است. از این‌رو به‌منظور توجه نظام‌مند، پایدار و دانش‌بنیان به ظرفیت‌ها و توانمندی نهادهای مردمی برای مشارکت در زمینه‌های سیاست‌گذاری قضایی، پیشگیری از وقوع جرم و ... باید به مسئله مشارکت مردم و نخبگان در قوه قضائیه پرداخته شود (دستورالعمل نحوه مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضائیه، ۱۳۹۸). اما در کنار مفاد مشارکت مردم و نخبگان، موانع و چالش‌هایی وجود داشته که تاکنون اجرایی‌سازی آن را با مشکل روبه‌رو کرده است. با وجود تحولات قبلی در زمینه مشارکتی بودن قوه قضائیه، فقدان ادبیات خاص در این زمینه (اصول دولت باز در قوه قضائیه)، نشان می‌دهد که این حوزه همچنان ناشناخته است. علاوه بر این، اگرچه ابتکارات متعددی با هدف گشایش انجام شده است، اما نهادهای قضایی هنگام اجرای آنها از جهت‌گیری‌ها و تفاسیر متفاوتی پیروی کرده‌اند که امروزه می‌توان گفت توسعه دادگستری باز، نابرابر و ناهمگون است. از این‌رو با توجه به مطالعات انجام شده می‌توان دریافت که نهادهای قضایی هنگام پیاده‌سازی آن با موانعی روبه‌رو هستند که اجرای آن را میسر نمی‌کند؛ بنابراین پژوهش حاضر باهدف شناسایی و رتبه‌بندی موانع اجرای مشارکت مردم و نخبگان در نظام قضایی برای دسته‌بندی جامعی از این موانع انجام شده است.

۱. مبانی نظری

۱-۱. پیشینه پژوهش

در این قسمت از بحث تعدادی از مهم‌ترین پژوهش‌های انجام شده در حوزه مشارکت مردم و نخبگان در قوه قضائیه و دستاوردهای آن معرفی می‌شود و در پایان نوآوری طرح و هدف این پژوهش نسبت به پژوهش‌های گذشته تشریح می‌شود.

جدول ۱. خلاصه بررسی پیشینه تحقیق

عنوان مقاله	نویسندگان	سال انتشار	خلاصه موضوع و یافته‌های پژوهشی
موانع مشارکت اصحاب دعوا در جلسات دادرسی	مک کیور ^۱	۲۰۲۰	از موانع مشارکت مردم در دستگاه قضا این است که مردم برای مشارکت در نظام قضایی باید عضوی از تشکل‌های خاص یا خودشان فردی خاص باشند؛ از این رو اگر فردی چنین شرایطی نداشته باشد، نظرها و انتقادهای او به گوش نمی‌رسد و بی‌ثمر می‌ماند.
آیا پس از تمدید صلاحیت مطلق دادگاه اداری اندونزی موانعی وجود دارد؟	سودیاروان و همکاران ^۲	۲۰۲۰	ایجاد سردرگمی و موانع هنجاری، نظری و عملی برای مجریان عدالت به‌ویژه قضات دیوان اداری و ضرورت متمرکز شدن برخی فعالیت‌ها در دستگاه قضایی از موانع مشارکت عمومی در دستگاه قضاست.
محدودیت‌های مالی، سرمایه‌گذاری‌ها: تحلیل تجربی موانع قضایی	فالوین و ایپولیتی ^۳	۲۰۲۱	ناکارآمدی قضایی مانعی در برابر پایداری است. محدودیت‌های مالی و سرمایه‌گذاری سبب کاهش مشارکت می‌شود و طریقه انجام این سرمایه‌گذاری‌ها در دستگاه‌های مربوطه، بخش‌های در اولویت است.

1. McKeever

2. Sudiarawan

3. Falavign and Ippoliti

عنوان مقاله	نویسندگان	سال انتشار	خلاصه موضوع و یافته‌های پژوهشی
موانع گسترش دسترسی به عدالت از طریق دادگاه الکترونیکی در اندونزی	کوکوه سانتیادی ^۱	۲۰۱۹	این مقاله به بررسی تأثیر اجرای دادگاه الکترونیکی بر کارایی، افزایش شفافیت و مشارکت در روند عدالت خواهی و تشویق حرفه‌ای شفاف و پاسخگو، می‌پردازد. در نهایت موانعی مانند: عدم سواد دیجیتال، سواد کم حقوقی و نبود اعتماد از سمت دستگاه و مردم از موانع این مشارکت شناسایی شد.
توجیه مانع برابری جنسیتی در دستگاه قضا	مالسون ^۲	۲۰۰۳	یافته‌ها نشان می‌دهد اکثر سطوح مانند عدم برابری جنسیتی، نامطلوب بودن مکانیسم‌های مشارکتی افراد در فعالیت‌های قوه قضائیه و همچنین عدم بهینگی در فرایندهای جذب و نگهداشت نیرو و جبران خدمات و عدم ارزیابی عملکرد از عوامل چالش برانگیز در مشارکت محسوب می‌شود.
جمعیت‌شناسی، تبعیض و تنوع: طلوع جدیدی برای موانع حرفه حقوقی بریتانیا	نیکلسون ^۳	۲۰۱۱	دستیابی به سازگاری اهداف در بخش دولتی دشوار است. شبکه‌های دولتی تمایل دارند برای ارائه نوعی از خدمات تشکیل شوند که رهاوردهای آن گاهی مبهم و اندازه‌گیری آنها دشوار است و ممکن است سال‌ها طول بکشد تا مشخص شود.
یک مطالعه پدیدارشناختی: ویژگی‌های مدیران ارشد زن آمریکایی آفریقایی تبار دولت فدرال ایالات متحده	میشل و ویلیامز ^۴	۲۰۱۵	موانعی همچون اندازه دولت و سیستم، دسترسی شهروندان و مشارکت‌کنندگان به رهبران سیاسی و افراد رده بالا دستگاه قضا، جابه‌جایی اهداف جمعی با اهداف فردی سیاستمداران و تعارض نهادهای ذی‌نفع در دستگاه قضا از مهم‌ترین چالش‌های اصلی اجرای الگوی حکمرانی و مشارکت است.
دگرگونی قوه قضائیه و موانع پیاده‌سازی در زمینه جدید	موران ^۵	۲۰۰۳	فقدان داده‌های اطلاعاتی و سیاست‌های قوه قضائیه در برون‌سپاری صحیح ممکن است ارائه خدمات به صورت شبکه‌ای را ناممکن کند. دستگاه قضایی که می‌خواهد چنین تصمیمی بگیرد باید از هزینه و عملکرد واقعی شیوه‌های دولت و هماهنگی با دیگر دستگاه‌ها در ارائه خدمات مطلع باشد.

1. Kukuhi Santiadi

2. Malleson

3. Nicholson

4. Michelle and Williams

5. Moerane

عنوان مقاله	نویسندگان	سال انتشار	خلاصه موضوع و یافته‌های پژوهشی
بررسی موانع مشارکت‌های مردمی در نهادهای تربیتی دینی	میرجلیلی	۱۳۹۴	عوامل فردی، حقوقی و قانونی، سازمانی و مدیریتی، اجتماعی و فرهنگی به‌عنوان موانع مشارکت‌های مردمی در نهادهای تربیتی دینی نقش ایفا می‌کنند.

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

تحقیقات بسیار کمی در حوزه مشارکت در دستگاه قضایی و شناسایی موانع آن انجام گرفته که نشان می‌دهد نتایج در این حوزه هماهنگ و یکدست نیست و حتی گاهی متفاوت است. در بررسی مطالعات تجربی پیشین، مطالعه‌ای به‌طور مشخص با رویکرد آمیخته موضوع این پژوهش مشاهده نشد. همچنین با توجه به اینکه هیچ‌یک از مطالعات داخلی و بین‌المللی به شناسایی و رتبه‌بندی جامع موانع در خصوص مشارکت مردم و نخبگان در دستگاه قضا نپرداخته، مطالعه نظام‌مند مقالات کیفی انجام شده در این حوزه در راستای شناسایی و دسته‌بندی جامعی از این موانع و چالش‌ها جنبه نوآوری پژوهش حاضر است. از این‌رو بررسی مفاهیم مرتبط با چالش‌های مشارکت مردم و نخبگان در سطح کلان (حکمرانی) و خرد (اداره) به‌صورت جامع و رتبه‌بندی آنها و همچنین روش استفاده شده در پژوهش از مهم‌ترین وجوه تمایز این پژوهش است.

۲-۱. تعیین حق مشارکت عمومی در نظام قضایی و سیاستگذاری در دستگاه قضا

هنگامی که مردم و نخبگان سیاسی و قضایی (مانند وکلا و قضات که به‌طور مؤثر سیستم دادگاه‌ها را اداره و کنترل می‌کنند) (Peters and Britez, 2008; Jessop, 2007) در تدوین یک برنامه مشارکت دارند، در آینده آن نیز سهیم هستند. مشارکت باعث افزایش علاقه و ایجاد حس مالکیت می‌شود که می‌تواند به تعهد بلندمدت به مأموریت و اهداف سازمان‌های مربوطه منجر شود (Rubin, 1985). شیوه‌های

مشارکت عمومی در نظام قضایی یک اصل اساسی در جهت توسعه نظام‌های قضایی سوسیالیستی است. جوامع سوسیالیستی با کنار هم قرار دادن حقوق دانان حرفه‌ای و عموم مردم بر مفهوم «عنصر اجتماعی»^۱ تأکید می‌کنند - یعنی افراد یا سازمان‌هایی که فاقد صلاحیت‌های حرفه‌ای خاص در نظام قضایی هستند (Venkatesh, Rai and Setia, 2019). به‌طور خلاصه هدف در اینجا نزدیک کردن قانون به زندگی، نزدیک کردن فرایندهای قضایی به جامعه (Wempe, 2009)، غلبه بر بیگانگی دعاوی قضایی از جامعه به‌عنوان یک کل یا گروه‌های اجتماعی آن است. این هدف خاص باید زمانی محقق شود که فرایندهای قضایی تا حد امکان به حلقه‌های گسترده‌ای از جامعه نفوذ کند (Martin, 2009; Borucka-Arctowa, 1976). در ادامه با استناد به نوع‌شناسی منطق‌های مشارکت عمومی (الوانی و قرشی، ۱۳۹۴: ۱۰)، در باب اهمیت مشارکت مردم در نظام قضایی می‌توان گفت از آنجاکه یکی از وظایف نظام قضایی اجرای عدالت است (روستایی صدرآبادی و مرسی، ۱۴۰۱؛ صانعی و همکاران، ۱۴۰۱) لذا شهروندان حق دارند در فرایند اجرای عدالت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین ارزش‌های عمومی در تصمیمات عمومی دخالت داشته باشند (Platteau, 2007; Coghlan and Brannick, 2014). از این‌رو در فرایند تدوین و اجرای سیاست‌ها، مشارکت مردم و سازمان‌های غیردولتی الزامی اجتناب‌ناپذیر برای تضمین عادلانه‌بودن خط‌مشی عمومی و بهبود قابلیت اطمینان و اعتبار تصمیمات است (Gaete, 2008; Christie, 2018).

۳-۱. انواع مشارکت عمومی در نظام قضایی

شهروندان به شیوه‌های مختلفی در نظام قضایی مشارکت دارند، این شیوه‌ها در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. شیوه‌های مشارکت در نظام قضایی

<p>مشارکت در پیشگیری از جرم، نقش اساسی در وقوع جرم دارد. پژوهشی در مالزی نشان داد که مشارکت شهروندان در پیشگیری از جرم ۸۰/۶ درصد است (Lau and Ali, 2019).</p>	<p>۱. مشارکت در پیشگیری از وقوع جرم در جامعه</p>
<p>۱. سیستم هیئت‌منصفه: ^۱ حق دادرسی هیئت‌منصفه برای امور کیفری مهم و برخی امور مدنی همواره نشانه بارز دخالت و مشارکت شهروندان در دادگاه‌ها بوده است (Ndeda, 2015).</p>	<p>هدف از مداخله افراد در دعوی قانونی پیشگیری از دادرسی غیرعادلانه است. ابزار اصلی این نوع مشارکت شهروندان در نظام قضایی، سه روش است (Ndeda, 2015):</p>
<p>۲. ارائه گزینه‌های جایگزین حل اختلاف‌ها: ^۲ اندیشمندان معتقدند که اشکال شبه‌قضایی مشارکت شهروندان، مانند ارائه گزینه‌های جایگزین حل اختلاف‌ها، شیوه‌هایی هستند که اهرم‌های دولت برای دستیابی به مشارکت واقعی شهروندان در تصمیم‌گیری استفاده می‌کند. این شیوه‌ها به‌منظور افزایش مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها و بهینه‌سازی فرایند تصمیم‌گیری طراحی شده‌اند (Ibid.).</p>	
<p>۳. دستگاه قضایی غیرحزبی: ^۳ سیستم غیرحزبی موجب می‌شود که قوه قضائیه از درگیری‌های سیاسی به‌دور باشد. منطقی است که سایر مواضع سیاسی هستند؛ اما قضاوت و عملکرد قضایی غیرسیاسی هستند یا باید باشند (Ibid.).</p>	
<p>مردم باید در فرایند اداره و اجرا و در زمینه ارائه راهکارها و کمک به بهتر شدن فرایند اجرای اوامر حقوقی همکاری کنند تا میزان بهره‌وری افزایش یابد (Ibid.).</p>	<p>۳. مشارکت در اداره نظام قضایی</p>
<p>شهروندان در فرایند خط‌مشی‌گذاری باید در زمینه ارائه اطلاعات لازم برای نیازهای گروه‌های مختلف اجتماعی که نیازمند قوانین خاصی هستند همکاری کنند که در خصوص نظام قضایی این گروه‌ها شامل طرفین دعوی، شهود و اعضای هیئت‌منصفه‌ها می‌شود (Ibid.).</p>	<p>۴. مشارکت در فرایند خط‌مشی‌گذاری نظام قضایی</p>
<p>نظام قضایی باید بستر جدیدی را برای اختیار گذاشتن اطلاعات لازم به شهروندان در فرایند اجرای قوانین فراهم کند؛ چراکه در صورت شفاف و مشخص نبودن مراحل اجرایی قوانین، شهروندان در حالت انفعال قرار می‌گیرند (Xiaodong, Xiaoping and Feng, 2019).</p>	<p>۵. مشارکت در نظارت بر اجرای قوانین</p>

مأخذ: همان.

1. The Jury System
2. Alternative Dispute Resolution
3. Non-partisan Judiciary

۲. روش تحقیق

در این مقاله از روش آمیخته اکتشافی بهره گرفته شده است. ابتدا از مطالعات کیفی و روش فراترکیب برای پاسخگویی به سؤال‌ها و سپس از رویکرد کمی و روش تاپسیس برای رتبه‌بندی موانع استفاده شده است. در روش فراترکیب با تفسیر و مقایسه مطالعات متنوع، یک چارچوب مفهومی و دانش جامع ارائه می‌شود (Scheede-Bergdahl, Minnella and Carli, 2019: 59; Thorne et al., 2004). هدف فراترکیب، ایجاد دسترسی بیشتر به یافته‌های کیفی به منظور کاربرد عملی آنهاست (Sandelowski, Barroso and Voils, 2007). در این پژوهش نیز روش هفت مرحله‌ای فراترکیب (Ibid., 2007) به کار رفته است.

۱-۲. تعیین هدف

هدف اصلی این تحقیق را می‌توان دستیابی به موانع مشارکت مردم و نخبگان در نظام قضایی دانست. پس از تعیین هدف اصلی، نوبت به پاسخگویی به چهار سؤال اساسی یعنی انتخاب موضوع (چه چیزی)، جامعه (چه کسی)، زمان مطالعه (چه زمانی) و شناسایی موانع عمده (چگونه) است.

در تحقیق حاضر، به سؤال «چه چیزی» با جمع‌آوری موانع عمده مشارکت مردم در نظام قضایی پاسخ داده می‌شود. پاسخ به سؤال دوم، مبتنی بر انتخاب برخی از پایگاه‌های داده داخلی و خارجی است. در این قسمت محققان جستجوی نظام‌مند خود را بر مقالات منتشر شده در نشریات مختلف متمرکز کرده و با استفاده از کلیدواژه‌های «حکمرانی مشارکتی»، «حکمرانی مشارکتی در نظام قضایی»، «نظام قضایی باز»، «مشارکت شهروندان»، «مشارکت شهروندان در نظام قضایی»، «موانع استقرار حکمرانی مشارکتی» و «موانع مشارکت مردم در نظام قضایی» مقالات مرتبط را بررسی کرده‌اند. در پاسخگویی به سؤال سوم، فاصله زمانی بررسی مقالات مورد

هدف است که در تحقیق حاضر در خصوص مقالات داخلی بدون در نظر گرفتن بازه زمانی و در مورد مقالات خارجی، بازه زمانی ۱۹۸۴ تا ۲۰۲۲ مورد توجه بوده است. به سؤال آخر، با استفاده از بررسی نظام‌مند پژوهش‌های کیفی انجام شده در قالب شناسایی موانع عمده مشارکت مردم و نخبگان در نظام قضایی پاسخ داده شده است.

۲-۲. مطالعه نظام‌مند ادبیات پیشین

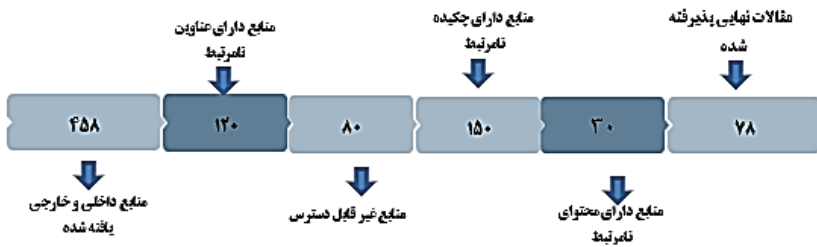
در مرور نظام‌مند مطالعات و روش فراترکیب، نتایج جامع از یک موضوع خاص از طریق ترکیب نتایج مطالعات پیشین حاصل می‌شود؛ بنابراین به منظور پیاده‌سازی روش فراترکیب، جستجوی مقالات براساس کلیدواژه‌های مورد اشاره در بالا انجام شده است. مقالات معتبر در نشریات خارجی از پایگاه‌های داده (گوگل اسکولار^۱، ساینس دایرکت^۲، امرالد^۳ و پروکوئست^۴) و پایگاه‌های داخلی (شامل پایگاه داده اطلاعات علمی، پایگاه استنادی علوم جهان اسلام و پورتال جامع علوم انسانی) جستجو و انتخاب شده است.

۲-۳. جستجو و انتخاب مقاله‌های مناسب

در این مرحله محققان عامل‌های مختلفی مانند عنوان، چکیده و محتوا را در نظر گرفته و مقالات مرتبط انتخاب شدند.

-
1. Google Scholar
 2. Science Direct
 3. Emerald
 4. ProQuest

شکل ۱. نحوه انتخاب مقالات مرتبط



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

۲-۴. استخراج اطلاعات از متون و تجزیه و تحلیل و ادغام یافته‌های پژوهش

معیار ورودی در این تحقیق ارزیابی فردی است که هدف آن تصمیم‌گیری در مورد گزارش‌ها براساس انطباق آنها با معیارهای ورودی است. در این مقاله برای استخراج و تحلیل از روش کدگذاری باز استفاده شده است. ابتدا همه عوامل استخراج شده از مطالعات به‌عنوان کدهای باز در نظر گرفته می‌شوند. سپس با کدگذاری مجدد، مفاهیم شکل گرفته (کدگذاری مرتبه دوم) و درنهایت روی مفاهیم نیز کدگذاری دیگری صورت می‌گیرد تا مقولات حاصل شود (کد، مفهوم و مقوله). محققان مطابق با جداول زیر گزاره‌های مرتبط را از مقالات استخراج کرده و با توجه به هر گزاره، ۲۷ مفهوم استخراج و در ۶ مقوله شناسایی شده است.

جدول ۳. استخراج مفاهیم و مقوله‌های پژوهش

منبع	متن	مفهوم	مقوله
Yang and Pandey (2011)	ساختارهای بوروکراتیک، تشریفات اداری و اقتدار سلسله‌مراتبی، مانع بزرگی برای مشارکت مؤثر شهروندان است.	ساختارهای بوروکراتیک، تشریفات اداری و اقتدار سلسله‌مراتبی	ساختاری
Jacobson and Cooper (2020)	دسته دوم که می‌توان آنها را موانع «قدیمی» مشارکت نامید، مانند ویژگی‌های فرهنگی و ساختاری طولانی‌مدت نظام قضایی که مانع تعامل کاربران دادگاه با آن می‌شود - مانند ترس از طراحی معماری دادگاه‌ها و محیط فیزیکی جلسات رسیدگی.	معماری و فضای دادگاه‌ها و عدم ایجاد فضایی برای تعامل و یادگیری	
Jacobson and Cooper (2020)	دسته بعدی که می‌توان آنها را موانع «قدیمی» مشارکت نامید، مانند پیچیدگی‌های فرایندها و زبان حقوقی؛ این فقدان دانش در مورد آنچه انتظار می‌رود به‌وضوح به چالش احساسی درک نحوه رفتار در چنین محیط ناآشنا مربوط می‌شود که در آن عدم تعادل قدرت وجود دارد.	عدم شفافیت فرایندهای دادرسی و عدم تعادل قدرت بین طرفین دعوی	حقوقی و قانونی
Slaev et al. (2019)	فقدان نهادهای مردمی برای تسهیل ارتباطات اجتماعی، مشورت و همکاری.	فقدان چارچوب نهادی مناسب و وجود نهادهای ناپایدار و ناسازگار	
Yang and Pandey (2011)	طراحی فرایند برای موفقیت مشارکت شهروندان حیاتی است، به‌ویژه در خصوص انتخاب و اجرای ابزارهای گفتگو و پویایی مشارکت: تعاریف مغشوش در مکانیسم مشارکت و درک اندک مزایا و معایب روش‌های مختلف نتیجه مشارکت را به خطر می‌اندازد.	عدم تعریف واضح از مشارکت	

منبع	متن	مفهوم	مقوله
Sun, Cahan and Emanuel (2009); Tījūnaitienē, Neverauskas and Balčiūnas (2009); Michels and Williams (2015)	تفاوت‌ها در دانش، مهارت‌ها و منافع اختصاصی در اقشار مختلف جامعه و تأثیر آن بر انگیزه و توان مشارکت‌کنندگان.	فرهنگ غیرمشارکتی و فردمحور	
Denhardt et al. (2009)	مشارکت شهروندان و مشارکت مدنی برای حکومت دموکراتیک مهم است، اما با توسعه اقتصادی نیز مرتبط است. مشارکت فقرا و محرومان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا امکاناتی که به کشورهای در حال توسعه می‌رسد اغلب به پروژه‌های خاصی اختصاص می‌یابد که بر گروه‌هایی که در این جوامع وضعیت بدتری دارند، تأثیر می‌گذارد.	عدم مشارکت طیف‌های مختلف مردم	
McGuire (2006)	عدم ارزیابی صحیح زمینه‌ای که مشارکت در آن صورت می‌گیرد؛ زیرا باید تصمیم برای به‌کارگیری هر فن یا ترکیبی از فن‌ها با سیستم زیربنایی روابط قدرتی همراه باشد که نقش‌ها و اعمال درون یک جامعه را دربرمی‌گیرد.	عدم توجه به تنوع گسترده مشارکت‌کنندگان، شرایط، ویژگی‌های فرهنگی و ساختاری و نیازهای ارتباطی	فرهنگی و اجتماعی
Mesa-Lago and Muller (2002)	رژیم‌های سلسله‌مراتبی و اقتدارگرا و عدم روابط اجتماعی با عدم اعتماد بین شهروندان و دولت و بین شهروندان که عدم توجه به آن اعتماد شهروندان را به‌گونه‌ای تضعیف می‌کند که غلبه بر آن بسیار دشوار است. دموکراسی‌های در حال توسعه نه تنها با وظیفه دلپره‌آور بازگشایی و بازسازی نهادهای سیاسی منسوخ روبه‌رو هستند، بلکه باید به عادات فرهنگی و مصنوعات نیز بپردازند. در طول رژیم‌های توتالیتر یا سوسیالیستی، شهروندانی که بی‌اعتمادی یا ترس از دولت داشتند نیز تحت ذهنیت‌های انزواطلبی، فردگرایانه یا ملی‌گرایانه عمل می‌کردند که «اشتیاق انسان برای اتحاد و اشتراک» را از بین می‌برد.	سرمایه اجتماعی پایین در مورد نظام قضایی و عدم اعتماد بین شهروندان و دولت	

منبع	متن	مفهوم	مقوله
Jacobson and Cooper (2020)	عوامل مؤثر بر کاربران دادگاه که ناشی از تحولات سیاست‌هاست. از جمله استفاده از فناوری‌های ارتباطی جدید مانند ارتباط از راه دور تحت عنوان برنامه نوسازی دادگاه.	ناآشنایی برخی شهروندان با فناوری‌های جدید	شناختی و ارتباطی
Jacobson and Cooper (2020)	موانع «قدیمی» مشارکت مانند ویژگی‌های فرهنگی و ساختاری طولانی‌مدت نظام قضایی که مانع تعامل کاربران دادگاه با آنها می‌شود.	موانع فکری مانند اصطلاحات یا زبان مورد استفاده قضات و وکلا	
Ianniello et al. (2019)	عوامل زمینه‌ای، مانند کمبود اطلاعات و عدم تقارن و همچنین نگرش مقامات دولتی.	ناآگاهی مردم از حقوق و وظایفشان	
Busenberg (2007)	عدم حمایت شوراها توسط عاملان فعال در حوزه‌های خط‌مشی‌گذاری، شوراها غالباً فاقد اختیار و منابع برای تضمین اجرای نتایج ناشی از فرایندهای مشارکتی هستند.	عدم حمایت از سازمان‌های مردم‌نهاد	مدیریتی
Mesa-Lago and Muller (2002)	رژیم‌های سلسله‌مراتبی و اقتدارگرا و عدم روابط اجتماعی باعث کاهش اعتماد بین شهروندان و دولت شده و روند غیرمشارکتی را سبب می‌شود.	سبک رهبری سنتی و غیرمشارکتی	
Stout and Bart (2010)	مقامات دولتی اغلب مشارکت شهروندان را به‌عنوان یک تسکین‌دهنده برای چالش‌های ناشی از سیاست‌های استثنایی یا غیرمهم یا محدودیتی تحمیلی توسط فشارهای خارجی می‌بینند و این نگرش باعث عدم تمایل به کنار گذاشتن قدرت و کنترل می‌شود.	مشارکت صوری در فقدان کنترل و تعادل در سیستم دولتی به‌جای مشارکت واقعی	
Gazley (2017)	ضعف سیاست‌گذاری مشارکتی و عدم ایجاد زمینه مشترک برای حل مشکلات عمومی با مدیریت سازنده تفاوت‌ها یکی از دلایل اصلی مشکلات اجرایی حکمرانی مشارکتی است.	فقدان سیاست‌گذاری مشارکتی	
(Ianniello et al. (2019)	عدم تسهیلگران آگاه.	عدم تسهیلگران آگاه	
Edelenbos (1999)	در صورتی که شرکت‌کنندگان در اجرای کار پژوهشی مشارکت نداشته باشند یا نتوانند، وضعیت پیشرفت و نتایج آن را به‌طور مکرر بررسی کنند و به آنها بازخورد داده نشود تا اعتماد آنها و در نتیجه مشارکت آنها تضمین شود، نتیجه نخواهد داشت.	عدم ارائه بازخورد به مردم	

منبع	متن	مفهوم	مقوله
Michels and Williams (2015)	فقدان قواعد برابر، مدنی و فراگیر، نهادینه شدن مشارکت به عنوان یک فرایند اثربخش را کاهش می دهد.	عدم رفتار عادلانه با تمامی مردم	مدیریتی
Tijūnaitienė, Neverauskas and Balčiūnas (2009)	هر تلاش برای مشارکت با انتخاب ذی نفعان شروع می شود و بستگی دارد، بنابراین مهم است که ابتدا پیش شرطهایی را که شرکت کنندگان را به میز مذاکره می آورد، با درک انگیزه شان بررسی شود.	عدم بررسی انگیزه و تمایلات ذی نفعان	
Sun, Cahan and Emanuel (2009); Tijūnaitienė, Neverauskas and Balčiūnas (2009); Michels and Williams (2015)	اعطای حق مشارکت به همه لزوماً بهترین راه حل نیست، زمانی که تفاوتها در دانش، مهارتها و منافع اختصاصی در اقصاء مختلف جامعه را در نظر بگیریم: ممکن است دمکراتیک ترین رویکرد به نظر برسد، اما عملاً باعث ایجاد تعدادی رویکردهای منفی می شود. پیامدهایی مانند مشارکت «افراد بدگمان به مشارکت»، رواج برنامه های پنهان، نمایندگی محدود و انگیزه کم.	تجربیات منفی در برخورد با یک سازمان دولتی و تأثیر بر نحوه نگاه شهروندان به کل نظام قضایی	نگرشی
Brusati et al. (2018)	برنامه ریزی برای تعاملات پایدار و سرمایه گذاری برای ایجاد حکمرانی مشارکتی می تواند به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و کمبود دانش تخصصی کمک کند. اما این راه حل ها به زمان نیاز دارند و تنها زمانی به طور مؤثر اجرا می شوند که تلاش های مشارکت برای مدت طولانی ادامه داشته باشد.	کوتاه مدت نگری و توجه به نتایج زودبازده و ملموس	
Zhang and Liao (2011)	در بودجه ریزی مشارکتی در نیوجرسی، عاملان مشارکت عمومی را کم ارزش می دانستند و مقامات علاقه شهروندان به بودجه ریزی مشارکتی را نادیده می گرفتند و هزینه های آن را بیش از حد برآورد می کردند.	کم ارزش دانستن مشارکت	
Campbell and Teghtsoonian (2010)	عاملان دولتی اعتماد کمی به مهارت های افراد، هوش و تجربه مردم عادی و ظرفیت آنها دارند و تمایل محدودی برای ارزش گذاری به «دانش پراکنده» آنها نشان می دهد.	عدم اعتماد به توانمندی مشارکت کنندگان	
Sun, Cahan and Emanuel (2009)	مشارکت کنندگان ممکن است انتظارات غیرواقع بینانه ای در مورد تأثیری که می توانند بگذارند داشته باشند: شهروندان در سطح محلی ممکن است در موقعیتی نباشند که بفهمند اقدام های آنها چگونه می تواند به حل مسائل کمک کند.	وجود انتظارات غیرواقع بینانه از مشارکت	

منبع	متن	مفهوم	مقوله
Slaev etal. (2019)	تمایلات منفی در میان طبقه سیاسی مانند «عدم اراده و حمایت سیاسی» برای مشارکت شهروندان و «اولویت پایین داده شده به مشارکت ... در داخل دولت».	تمایلات منفی در میان طبقه سیاسی (عدم اراده و حمایت سیاسی) برای مشارکت شهروندان و اولویت پایین داده شده به مشارکت	نگرشی

مأخذ: همان.

۵-۲. کنترل کیفیت داده‌ها

اندازه توافق توسط ضریبی به نام ضریب کاپای کوهن^۱ سنجیده می‌شود. در ضریب کاپای کوهن به دنبال ارزیابی اندازه توافق بین دو فرد، پدیده و یا منبع تصمیم‌گیری هستیم که هر یک به صورت جداگانه دو کمیت اصلی ما را مورد اندازه‌گیری قرار داده‌اند. برای محاسبه پایایی کدگذاری‌ها در این روش، پژوهشگران به کدگذاری مقاله‌های منتخب پرداختند و ضریب کاپا عدد ۰/۷۹ به دست آمد که مقدار قابل قبول و معتبری است.

۳. یافته‌های پژوهش

پس از دسته‌بندی مقوله‌های فرعی به لحاظ سطح تحلیل، مقوله‌های اصلی در دو سطح کلان (حکمرانی و سیاستگذاری) و سطح خرد (اداره و دادگاه‌ها) دسته‌بندی شده و مقوله‌های اصلی پژوهش را تشکیل می‌دهند.

1. Cohen's Kappa Coefficient

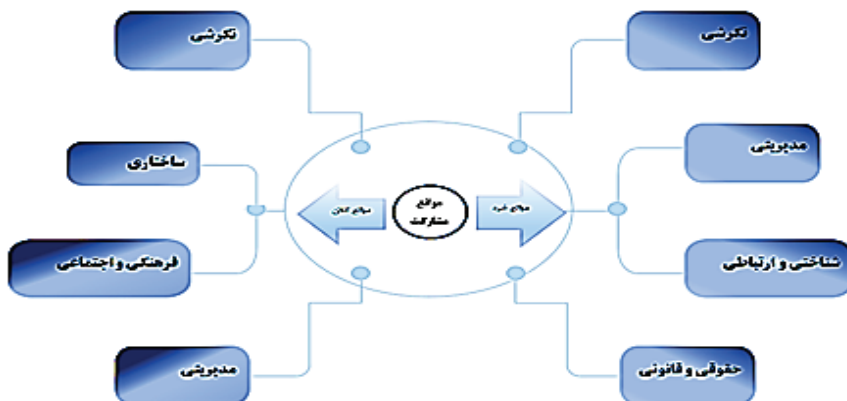
جدول ۴. مقولات اصلی و فرعی پژوهش

مقوله اصلی	مقوله‌های فرعی
موانع کلان (حکمرانی و سیاستگذاری)	ساختاری
	فرهنگی و اجتماعی
	مدیریتی
	نگرشی
موانع خرد (اداره و دادگاه‌ها)	حقوقی و قانونی
	شناختی و ارتباطی
	مدیریتی
	نگرشی

مأخذ: همان.

در شکل زیر جمع‌بندی موانع کلان و خرد مشارکت مردم و نخبگان در نظام قضایی ارائه شده است.

شکل ۲. شبکه مفاهیم و مقولات پژوهش



مأخذ: همان.

برای اجرا و پیاده‌سازی حکمرانی مشارکتی به ساختار سازمانی نیاز است که معیارها و شاخص‌های کارایی و اثربخشی در آن (Campbell and Teghtsoonian, 2010)، سیستم مدیریت اطلاعات و ایجاد آگاهی برای همه افراد، نوع قوانین و دستورالعمل‌های حاکم بر آن (Slaev et al., 2019)، سیستم مدیریت منابع انسانی آن اعم از معیارهای ورود و خروج افراد و نوع شرح شغل و شرایط احراز آن (Ianniello et al., 2019) و سازمان‌دهی و هماهنگی بین واحدها و بخش‌ها (Turner, 2006) متناسب با مفهوم حکمرانی مشارکتی باشد.

ناهماهنگی و عدم فرهنگ مشارکتی میان ذی‌نفعان و دخیل کردن سازمان‌های مردمی به صورت صوری به دلیل نفوذ آنها (Longenecker, 2021: 4)، در کنار مشکلات مربوط به دیوان‌سالاری (Campbell and Teghtsoonian, 2010) و همچنین همکاری ضعیف بین بخش‌های مختلف در دستگاه قضا باعث افزایش شدت موانع می‌شود. از چالش‌های کلان دیگر که حل آنها فقط در محدوده اختیارات سازمان نبوده و به دیگر بخش‌های سیستم حکومت نیز مرتبط است، چالش‌های فرهنگی و اجتماعی است که در نتیجه آن تفاوت نوع نگرش و دیدگاه نسبت به کار مشارکتی است؛ چراکه در نبود فرهنگ مشارکت و همسو نبودن آن با ارزش‌های جامعه، قطعاً مشارکت مردم و نخبگان را در انجام فعالیت‌های مشارکتی با مشکل روبه‌رو خواهد کرد (Campbell and Teghtsoonian, 2010).

یکی از عمده موانع مشارکت در کشور ما، موانع فکری و نگرشی است که ناشی از کاستی در اندیشه‌هاست. عدم احاطه و تسلط فکری، نبود اندیشه‌های وسیع و عمیق فلسفی و فکری در باب ابعاد و جوانب مختلف موضوع دستگاه قضا و اداره سیستم‌های حقوقی، در میان سیاستگذاران، برنامه‌ریزان و مدیران نظام قضایی، همچنین نبود نگرش و باور نسبت به مزایا و محاسن شرکت و مداخله اندیشه‌ها و تفکرات افراد

خارج از پست‌های رسمی و اداری سیستم قضایی، این نظام را در محاق تصمیم شمار معدودی از تصمیم‌گیران خاص نگه داشته که در مرکز این دستگاه متمرکز قرار دارند (Offenbacher, 2004) و آن را از نعمت وجود پتانسیل‌های علمی، فکری و تخصصی شکل‌های مختلف بانگیزه و متعهد نسبت به مسئله مشارکت مردم و نخبگان در دستگاه قضا، محروم ساخته است. در نتیجه بهره‌وری این گونه سازمان‌ها در مقایسه با سازمان‌های غیرمتمرکز، تفاوت آشکاری نشان می‌دهد. سبک‌های اداره در هر سازمان، به شدت از بصیرت، بینش، نگرش و طرز تفکر مدیران آن تأثیر می‌پذیرد (McKeever, 2020)؛ اما نظام قضایی ما متمرکز است، بدین معنا که سیاستگذاری‌ها و اتخاذ تصمیمات را گروهی کارشناس و خبره انجام می‌دهند که اکثر آنها صاحب‌نظران حقوقی هستند و سپس این تصمیمات به دادگستری‌ها و دادگاه‌ها در استان‌ها برای اجرا ابلاغ می‌شود که نشان‌دهنده موانع فکری و ساختاری است. برای پیاده‌سازی حکمرانی مشارکتی در دستگاه قضا باید واحدها و تشکلهای صورت گرفته با حضور نخبگان، قدرت و اختیار تصمیم‌گیری داشته و با توجه به شرایط مختلف بدون در نظر گرفتن مسیرهای پیچیده به تصمیم‌گیری اقدام کنند و به نوعی تمرکززدایی وجود داشته باشد. در حالی که فرهنگ مدیریتی حاکم و نوع تمرکز مدیریت و تمرکزگرایی در دستگاه قضایی کشور و شتاب‌زدگی در اجرای به‌منظور حصول زود هنگام نتیجه و درگیری‌های قدرت و جاه‌طلبی و افزایش بی‌رویه ذی‌نفعان به‌منظور کسب فواید شخصی از طرح‌های مشارکتی، خودبینی و خودخواهی هریک از ذی‌نفعان، در کنار آن نبود دستگاه مدیریت عملکرد و ارزیابی و نظارت دقیق (Edelenbo, Van Buuren, 2010) and van Schie, 2010) برای حدود وظایف هریک از افراد و تداوم قدرت‌طلبی و عدم تقسیم وظایف صحیح و کارآمد و عدم توجه به کیفیت در طرح‌های اجرای حکمرانی مشارکتی باعث چالش‌هایی تحت عنوان چالش‌های مدیریتی در نظام قضایی می‌شود.

عدم مشارکت در برنامه‌ریزی‌ها و استفاده نکردن از ظرفیت نخبگان نیز از چالش‌های برنامه‌ریزی در اجرای حکمرانی مشارکتی در نظام قضایی است. هنگامی که معنای واقعی از مردم‌سالاری در جامعه و در سطح کلان نمود پیدا نکرده باشد، اجرای طرح‌های حکمرانی مشارکتی فقط در حد نظریه باقی می‌ماند و نمودی در زمینه‌های عملی و فواید حاصل از آن به‌وجود نخواهد آمد و همین جابه‌جایی هدف باعث می‌شود که چالش‌هایی تحت عنوان چالش‌های سیاسی پدید آید که ممکن است نخبگان سیاسی و ممتاز در برابر مشارکت شهروندان عادی مقاومت کنند و رویه‌ها دستورالعمل‌های سیاسی مانع از اجرای مشارکت واقعی مردم در دستگاه قضایی شود. در بسیاری از کشورها، اجرای برنامه‌های مشارکتی متکی به قانونی است که به‌طور ویژه برای آن مقصود تصویب شده است. انواع موضوع‌هایی که این قوانین را پوشش می‌دهند، به عواملی مثل مقررات قانونی لازم برای حمایت از مالکیت بخش خصوصی، لزوم تشکیل یک نهاد نظارت بر اجرای مشارکت و غیره بستگی دارد که نظام قضایی نیز از این امر مستثنا نیست. متأسفانه، اجرای این سیاست در کشور بدون هرگونه چارچوب قانونی خاص و تدوین شده انجام گرفته است و از این نظر با مشکلات گوناگونی از ناحیه تعدد مراجع تصمیم‌گیری، چگونگی اتخاذ روش‌های مناسب در مراحل مختلف اجرا و بالاخره ضمانت اجرای لازم پس از به اجرا در آمدن آن مواجه است. همچنین، دستگاه قضا باید با تعیین فرایندهای مشارکتی کارا، شفاف و عادلانه بستر لازم را برای واگذاری‌های سالم تصمیم‌گیری فراهم کند. در حال حاضر، چالش نبود مجموعه مقررات یکپارچه و منسجم، باعث به‌وجود آمدن چالش‌های مدیریتی، حقوقی و قانونی شده است. شفاف نبودن این امر و نبود مقررات به اثبات و درنهایت نبود سیاست‌های یکسان و صحیح با ضمانت اجرایی بالا، کاملاً احساس می‌شود.

۱-۳. رتبه‌بندی موانع مشارکت مردم و نخبگان در نظام قضایی

تاپسیس یکی از روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره^۱ است که علاوه بر در نظر گرفتن فاصله گزینه‌ها از ایدئال مثبت، فاصله گزینه‌ها از نقطه ایدئال منفی را در نظر می‌گیرد. به عبارتی گزینه برتر، گزینه‌ای است که کمترین فاصله را از جواب ایدئال مثبت و بیشترین فاصله را از ایدئال منفی داشته باشد. در این پژوهش به منظور شناسایی موانع حکمرانی مشارکتی در قوه قضائیه ۸۴ مانع و چالش شناسایی شد و در قالب پرسشنامه تهیه و در اختیار ۲۵ خبره این حوزه قرار گرفت. در ادامه مراحل انجام روش تاپسیس توضیح داده می‌شود.

گام اول: نرمالیزه کردن ماتریس تصمیم‌گیری

برای نرمالیزه کردن از رابطه زیر استفاده می‌شود. به دلیل محدودیت حجمی، مقاله ماتریس نرمالیزه شده آورده نشده است.

$$r_{ij}(x) = \frac{x_{ij}}{\sqrt{\sum_{i=1}^m x_{ij}^2}} \quad i = 1, \dots, m ; j = 1, \dots, n$$

گام دوم: محاسبه ماتریس نرمالیزه وزین

طبق رابطه زیر ماتریس نرمالیزه شده در وزن معیارها ضرب می‌شود. به دلیل محدودیت حجمی مقاله، ماتریسی نرمالیزه شده آورده نشده است.

$$v_{ij}(x) = w_j r_{ij}(x) \quad i = 1, \dots, m ; j = 1, \dots, n$$

گام سوم: تعیین نقاط ایدئال مثبت و منفی

اساس روش تاپسیس محاسبه میزان فاصله گزینه‌ها از ایدئال مثبت و منفی است؛ بنابراین در این مرحله راه‌حل ایدئال مثبت و منفی طبق رابطه‌های زیر تعیین

می‌شود.

$$A^+ = (v_1^+, v_2^+, \dots, v_n^+)$$

$$A^- = (v_1^-, v_2^-, \dots, v_n^-)$$

به‌طوری‌که:

$$v_j^+ = \{(\max v_{ij}(x) | j \in j_1), (\min v_{ij}(x) | j \in j_2)\} \quad i = 1, \dots, m$$

$$v_j^- = \{(\min v_{ij}(x) | j \in j_1), (\max v_{ij}(x) | j \in j_2)\} \quad i = 1, \dots, m$$

j_1 و j_2 به ترتیب مربوط به معیارهای مثبت و منفی است.

گام چهارم: محاسبه میزان فاصله از نقاط ایدئال مثبت و منفی

روش تاپسیس گزینه‌ها را بر مبنای میزان نزدیکی به ایدئال مثبت و دوری از ایدئال منفی رتبه‌بندی می‌کند؛ بنابراین در این مرحله محاسبه فاصله هر گزینه تا ایدئال مثبت و منفی بر اساس رابطه‌های زیر انجام می‌شود.

$$d_i^+ = \sqrt{\sum_{j=1}^n [v_{ij}(x) - v_j^+(x)]^2}, \quad i = 1, \dots, m$$

$$d_i^- = \sqrt{\sum_{j=1}^n [v_{ij}(x) - v_j^-(x)]^2}, \quad i = 1, \dots, m$$

گام پنجم: محاسبه میزان نزدیکی گزینه‌ها به ایدئال

در این مرحله میزان نزدیکی هر یک از گزینه‌ها نسبت به راه‌حل ایدئال بررسی می‌شود. هرچه این میزان به ۱ نزدیک‌تر باشد، بیانگر این است که آن گزینه فاصله کمتری از ایدئال مثبت و فاصله بیشتری تا ایدئال منفی دارد. جدول زیر میزان نزدیکی^۱ هر گزینه تا راه‌حل ایدئال و رتبه‌بندی آنها را نشان می‌دهد. با توجه به محدودیت حجمی مقاله فقط ۵ مانع با بیشترین امتیاز و ۵ مانع با کمترین امتیاز آورده شده است.

جدول ۵. رتبه‌بندی با در نظر گرفتن برابری عدد C

رتبه	Ci	موانع و چالش‌ها
۱	۰/۶۸	عدم تعریف واضح از مشارکت
۲	۰/۶۲۳	مشارکت صوری در فقدان کنترل و تعادل در دستگاه دولتی به‌جای مشارکت واقعی
۳	۰/۶۲	فقدان سیاستگذاری مشارکتی
۴	۰/۶۱۷	ساختارهای بوروکراتیک، تشریفات اداری و اقتدار سلسله‌مراتبی
۵	۰/۶۰۴	فقدان چارچوب نهادی مناسب و وجود نهادی ناپایدار و ناسازگار
۲۳	۰/۴۴۹	وجود انتظارات غیرواقع‌بینانه از مشارکت
۲۴	۰/۴۴۸	کوتاه‌مدت‌نگری و توجه به نتایج زودبازده و ملموس
۲۵	۰/۴۴۶	ناآشنایی برخی شهروندان با فناوری‌های جدید
۲۶	۰/۴۴۴	معماری و فضای دادگاه‌ها؛ عدم ایجاد فضایی برای تعامل و یادگیری
۲۷	۰/۴۴۲	موانع فکری مانند اصطلاحات یا زبان مورد استفاده قضات و وکلا و موانع زبانی در ارتباطات

مأخذ: همان.

۴. توضیح تفسیری جدول رتبه‌بندی

با توجه به فرمول ارائه شده برای بیان و همچنین رتبه‌بندی موانع و چالش‌های احصا شده مشخص شد که در خصوص دیدگاه کلان مواردی مانند عدم تعریف واضح از مشارکت، مشارکت صوری در فقدان کنترل و تعادل در دستگاه دولتی به‌جای مشارکت واقعی، فقدان سیاستگذاری مشارکتی، ساختارهای بوروکراتیک، تشریفات اداری و اقتدار سلسله‌مراتبی و فقدان چارچوب نهادی مناسب و وجود نهادی ناپایدار و ناسازگار اثرگذارترین عوامل بوده است و در حوزه قضایی عدم شفافیت فرایندهای دادرسی، معماری دادگاه‌ها و فضای دادگاه‌ها، تمرکز ضعیف و انتظارات غیرواقعی، موانع فکری مانند اصطلاحات یا زبان مورد استفاده قضات و وکلا بیشترین تأثیرگذاری در برقراری نامناسب ارتباطات داشته که زمینه‌ساز مشارکت است؛ بنابراین باید در

به‌کارگیری سیاست‌های مناسب با توجه به در نظر گیری پیشینه فکری و فرهنگی مردم برای مشارکت سیاست‌گذاری‌های مناسب در این خصوص انجام شود.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شده با بررسی مقاله‌های موجود در زمینه مشارکت و حکمرانی مشارکتی در نظام قضایی، موانع مشارکت مردم و نخبگان شناسایی و رتبه‌بندی شود. از این‌رو با جمع‌آوری اطلاعات از پایگاه‌های علمی معتبر و پالایش آنها نهایتاً ۲۷ مانع شناسایی و در ۶ مقوله و در دو سطح کلان و خرد دسته‌بندی شدند. در سطح کلان، موانع شامل ساختاری، مدیریتی، نگرشی و فرهنگی و اجتماعی بوده و در سطح خرد شامل مدیریتی، نگرشی، حقوقی و قانونی، و شناختی و ارتباطی است. موانع مدیریتی می‌تواند عدم حمایت از سازمان‌های مردم‌نهاد باشد. سازمان مردم‌نهاد در حوزه قضایی شوراهای فعال در زمینه خط‌مشی‌گذاری هستند که این شوراها غالباً فاقد اختیار لازم و منابع برای اجرای نتایج فرایندهای مشارکتی هستند. برای حل این مسئله می‌توان به ایجاد زمینه‌های مشترک برای سیاست‌گذاری با حضور و همکاری مستمر طیف وسیعی از ذی‌نفعان در سطوح مختلف سیاست‌گذاری، مدیریتی، اجرایی، کاربران نهایی، کارکنان خط مقدم قضایی و نهادهای مردمی پرداخت؛ زیرا در این صورت سبب پیشگیری از درگیری‌های مداوم مشروعیت‌بخشی این قوانین و پذیرش افراد درگیر در تصمیم‌گیری می‌شود که اولویت آنها نیز در نظر گرفته شده است و اجرای آنها نیز اثربخش‌تر خواهد بود.

از موانع دیگر مدیریتی فقدان قواعد مدنی و فراگیر است. در همین راستا باید فرایند طراحی و اجرای قوانین و سیاست‌گذاری در حوزه قضایی به فرایندی یکپارچه تبدیل شود و از ایجاد واحدهای مجزا و جدا جلوگیری شود که سبب از دست رفتن

منابع و ناکارایی نتایج می‌شوند. به‌منظور بهینه‌سازی این فرایند مشارکتی، همچنین باید از قدرت بوروکرات‌های سطح خیابان حکمرانی و کارکنان اجرایی قضایی کاسته و راه‌های افزایش اعتماد شهروندان و مشارکت آنان تسهیل شود. می‌توان از بازدیدهای غیررسمی به‌منظور شناسایی موانع مشارکت مردم و نظارت مستمر نیز بهره برد. از آن جهت که یکی از موانع مؤثر وجود ساختارهای بوروکراتیک، تشریفات اداری و اقتدار سلسله‌مراتبی است؛ بنابراین ایجاد راهبردهای ارتباطی مؤثر، تقویت پایگاه داده از طریق ساختاردهی و توسعه سیستم اطلاعات گسترده و یکپارچه بین شهروندان و مسئولان قضایی نیز راهکارهای ساختاری به‌منظور تسهیل فرایند مشارکت است. دیجیتال‌سازی فرایندهای قضایی برای افزایش شفافیت و مشارکت عمومی و ایجاد شبکه‌های اطلاع‌رسانی و برنامه‌های مشورت و تبادل اطلاعات به‌صورت آنلاین و ایجاد پروژه‌های مشارکتی به‌منظور افزایش همکاری و شناسایی و اولویت‌بندی مسائل که می‌تواند با سرنوشت نهادهای قضایی و کشور ارتباط مستقیم داشته باشد از دیگر راهکارهای ساختاری برای از میان برداشتن موانع شناسایی شده است. همچنین نخبگان با ایجاد سازوکارهای بهینه و آرایش قدرت در بوروکراسی‌های دستگاه حکمرانی معطوف به نهادها و دستگاه‌های اجراکننده قوانین در قوه قضائیه می‌شوند و با قوه مجریه که بخشی از شاکله دولت و نظام حکمرانی است، می‌توانند زمینه‌های بهبود رابطه دولت، جامعه و افزایش مشارکت را فراهم آورند.

در سطح خرد موانع حقوقی قانونی تبیین‌کننده موانعی است که در اثر وجود قوانین دست‌وپاگیر حقوقی و قضایی به‌وجود آمده تا سدی بر سر راه مشارکت مردم و نخبگان در نظام قضایی باشد. یافته‌ها حاکی است که در این دسته از موانع، طبق قوانین مصوبه و وجود قدرت تصمیم‌گیری قضایی در سمت‌های بالاتر این نهاد، مردم نقش اندکی در اداره و اعلام نظرشان در خصوص روندهای تصمیم‌گیری در دادگاه‌ها دارند و دادگاه‌ها را

قضات و افرادی اداره می‌کنند که حساسیت اندکی به نظر عموم دارند و بنابراین خواستار مشاوره عمومی نیستند. اگرچه در مورد تصویر عمومی ضعیف دادگاه‌ها نگرانی وجود دارد، اما برای تغییر این تصویر از منظر در نظر گرفتن حقی قانونی برای مردم و نخبگان، تلاش چندانی انجام نشده و از این‌رو دادگاه‌ها فاقد مشاوران عمومی و نخبه‌ای هستند که به صورت قانونی و مستمر در اداره و تصمیم‌گیری این نهادهای قضایی مشارکت داشته باشند. مشاورانی که می‌توانند به ایجاد پاسخگویی به نگرانی‌های عمومی و سازمانی کمک کنند؛ چراکه در برخی از نقاط جهان آموزش افراد غیرمتخصص و همچنین وکلا برای میانجیگری پرونده‌های ارجاع شده به دادگاه، از حل‌وفصل اختلاف‌ها به جای انجام فرایند دادرسی حمایت می‌کنند.

شاید تا حدودی به نخبگان حقوقی و افراد نزدیک به سواد قضایی اجازه درگیری در تصمیمات در سطح خرد نهادهای قضایی داده شده باشد؛ اما جای تعجب نیست چراکه ماهیت شغل و قوانین حرفه قضایی تاحدی نخبگانی و فارغ از عموم جامعه و نخبگان غیرقضایی است؛ اما این امر برای اجرایی‌سازی و تحقق حکمرانی مشارکتی در سطح جامعه کافی نیست. ترس از به مخاطره افتادن استقلال قضایی نیز توسعه مشارکت با مردم، حتی در امور اداری را کاهش می‌دهد. این عوامل دیگر نباید مانع توسعه روابط نزدیک‌تر بین دادگاه‌ها و عموم مردم شود. برای تحقق این امر باید طرز تلقی و نگرش مردم و به‌ویژه نظام قضایی به مشارکت تغییر و اصلاح یابد. مشارکت مردم شاید در ابتدای امر، چالش برانگیز به نظر رسد اما به خلق ارزش‌هایی مانند اعتماد می‌شود که هسته اصلی سرمایه اجتماعی در جامعه است. با توجه به چالش‌های بیان شده مشخص است که به‌رغم فواید حکمرانی مشارکتی و مشارکت مردم و نخبگان در نظام قضایی برای اجرای آن با چالش‌ها و مشکلات عدیده‌ای مواجه خواهیم بود که پیشنهاد برای اجرای این طرح‌های حکمرانی مشارکتی این است که ابتدا از بحث‌های

سطح کلان و سیاستگذاری و تدوین خط‌مشی‌ها برای پیاده‌سازی حکمرانی مشارکتی در دستگاه قضایی شروع کرده و با زمینه‌سازی و ایجاد فرهنگ مشارکتی و تعیین علمی دقیق برنامه‌ها و ابزارهای آن و مشارکت دادن نخبگان و افراد فعال در جهت رسیدن به مدلی در این خصوص تلاش شود.

در تشریح موانع شناختی ارتباطی می‌توان بیان داشت که عدم دسترسی به اطلاعات و اینترنت، دسترسی محدود به آموزش ابتدایی حقوقی، نابرابری جنسیتی و فقدان امکانات ابتدایی در میان شهروندان، همچنین نبود راه‌های ارتباطی و مشارکت فقرا و محرومان در امور قضایی می‌تواند مشارکت شهروندان را با چالش‌های بسیاری روبه‌رو کند. از لحاظ شناختی نیز مواجهه با پیچیدگی، ناآگاهی و عدم اطلاعات راه‌های مشارکت و حق هر فرد در خصوص درگیر بودن در تصمیمات و موانع مشارکت و راهکارهای رفع آن، باعث شده حتی بسیاری از حامیان، مشارکت شهروندان را به‌سمت عدم اجرایی‌سازی مشارکت سوق دهد. در برخی موارد، سطوح پایین‌تر تحصیلات نه‌تنها بر توانایی (ظرفیت) مشارکت تأثیر می‌گذارد، بلکه بر اعتماد به نفس افراد برای «اظهار نظر» به‌ویژه در میان گروه‌های اقلیت (مانند زنان، اقلیت‌های قومی و دیگران) اثرگذار است. از این‌رو اگرچه مشارکت مردم در نظام قضایی از اهمیت خاصی برخوردار است، اما به‌دلیل لزوم آشنایی حداقلی با مسائل حقوقی، سازمان‌های مردم‌نهاد که دارای اعضای آشنا به حقوق و قوانین هستند می‌توانند واسطه مناسبی میان مردم و نظام قضایی باشند. البته پیشرفت‌هایی در زمینه رفتار با قربانیان و شاهدان انجام گرفته و مدیریت دادگاه‌ها با روش‌هایی بهبود یافته که زمان رسیدگی به دعاوی حقوقی را تا حدودی کاهش می‌دهد، به‌طوری‌که چنین برنامه‌هایی، اگر بودجه و کارکنان کافی داشته باشند، تصویر عمومی دادگاه‌ها را بهبود خواهند بخشید. هم مردم و هم کارکنان نظام قضایی برای ایجاد ارتباطی پایدار و مؤثر نیازمند آموزش

هستند. عدم درک نقش دادگاه‌ها، احترام عمومی به قضات و آرای صادره را کاهش داده، همچنین افزایش هزینه دادرسی، همراه با تأخیر در حل و فصل اختلاف‌های مدنی، موجب ناراحتی مردم شده است. با این اوصاف، برخی از اعضای نظام قضایی، درخصوص لزوم مشارکت مردم در نظام قضایی، سؤال‌ها و ابهام‌های جدی دارند.

از طرفی، یکی از دلایل عدم مشارکت شهروندان در امور حکمرانی و قضایی وجود موانع فرهنگی و اجتماعی است. از عوامل مؤثر و به‌وجود آورنده این موانع را می‌توان عدم توجه به تنوع گسترده مشارکت‌کنندگان، شرایط، ویژگی‌های فرهنگی و ساختاری و نیازهای ارتباطی آنان، عدم ارزیابی صحیح زمینه‌ای که مشارکت در آن صورت می‌گیرد و همچنین عدم توجه به بستر فرهنگی و اجتماعی برشمرد. یکی از راه‌های رفع این موانع، ارتقای ظرفیت و توانمندسازی مردم و ایجاد شرایط مناسب اجتماعی - اقتصادی برای کسب آزادانه اطلاعات، آموزش، دانش و درک و بهره‌مندی از ارزش‌های فرهنگی و دارایی‌های فرهنگی شهروندان است. درخصوص ارتباط میان فرهنگ و نظام قضایی می‌توان گفت کارکنان حوزه قضایی باید از آموزش مستمر بهره‌برده و متناسب با نیازها و خواسته‌های همه مردم از ظرفیت‌ها و حساسیت‌های فکری مردم آگاه باشند. اتخاذ سیاست همکاری براساس اصل برابری فرهنگ‌ها، احترام متقابل، درک و اطمینان و تقویت صلح و ایجاد شرایط مناسبی که مردم را قادر می‌سازد تا نقش فعال و فزاینده‌ای در ساختن آینده جامعه خود ایفا کنند و مسئولیت‌ها و وظایفی را برعهده گیرند و در این فرایند حقوق خود را اعمال کنند نیز می‌تواند راهگشای مناسبی برای رفع موانع فرهنگی و نگرشی باشد. دادگاه‌ها باید برابری فرهنگ‌ها، از جمله فرهنگ‌های اقلیت‌های ملی و خارجی را به رسمیت بشناسند. در این خصوص می‌توان به اقدام‌های زیر اشاره کرد:

ترویج تمرکززدایی از فعالیت‌ها و تشویق توسعه مراکز محلی و توجه ویژه به مناطق

حاشیه‌ای یا کم‌برخوردار و همچنین تشویق، گسترش و تقویت شبکه مؤسسه‌های فرهنگی و هنری نه‌تنها در شهرهای بزرگ بلکه در شهرهای کوچک‌تر، روستاها و محله‌های شهری. تشویق به راه‌اندازی امکاناتی که به بهترین وجه با نیازهای کاربران سازگار است و ترکیب امکانات مورد استفاده برای فعالیت‌های فرهنگی با امکاناتی که برای کارهای اجتماعی و آموزشی طراحی شده‌اند. تشویق مبادلات بین منطقه‌ای و بین‌جوامعی؛ ایجاد محرک برای ابتکارات منطقه‌ای یا محلی هم با ارائه منابع لازم به تصمیم‌گیرندگان در سطوح مناسب و هم با به اشتراک گذاشتن کارکرد تصمیم‌گیری با نمایندگان سایر طرف‌های علاقه‌مند به حل مشکلات فرهنگی. اعمال تدابیر ویژه برای گروه‌های محروم خاص و برای محیط‌هایی با شرایط فرهنگی نامناسب. ایجاد ساختارهای مشورتی در سطوح محلی، منطقه‌ای و ملی و گرد هم آوردن نمایندگان گروه‌های حرفه‌ای و اجتماعی مربوطه که در تعیین اهداف و راه‌ها و روش‌های فرهنگی مشارکت خواهند داشت.

تلاش مقامات مربوطه در راستای اقدام‌هایی که به سازمان‌های فرهنگی - اجتماعی، اتحادیه‌های کارگری و سایر سازمان‌های کارگری برای مزدبگیران یا خوداشتغال‌ها (کشاورزان، صنعتگران و غیره) در اجرای آزادانه سیاست‌ها یا پروژه‌های فرهنگی کمک می‌کنند تا آنها را قادر سازد از تمام ثروت ارزش‌های فرهنگی بهره‌مند شوند و در حیات فرهنگی جامعه مشارکت فعال داشته باشند.

توسعه فرهنگی با تکنولوژی‌های نوین در بستر فضای مجازی و استفاده از رویکردهایی همچون ساخت آگهی تلویزیونی و انیمیشن که باید از طریق قرار دادن افراد در تماس با یکدیگر و خدمت به‌عنوان حلقه ارتباطی بین مردم، اثر هنری و هنرمند و بین نهادهای عمومی و فرهنگی به‌عنوان واسطه اطلاعات، ارتباطات و بیان عمل کنند. برگزاری مناسبت‌های ارتباطی مانند نشست‌ها، مناظره‌ها، اجراهای

عمومی، فعالیت‌های گروهی و جشنواره‌ها به‌منظور تشویق گفتگو و تبادل مداوم ایده‌ها بین افراد، مردم، هنرمندان خلاق و تولیدکنندگان محتواهای فرهنگی و استفاده گسترده از رسانه‌های جمعی و بصری به‌منظور ارائه الگوها در بخش‌های بزرگی از جامعه و در صورت لزوم، سنت‌های شفاهی که رسانه‌ها مطمئناً می‌توانند در جمع‌آوری آنها کمک کنند. مشارکت فعال مخاطبان با توانمند ساختن آنها در ایفای نقش در انتخاب و تولید برنامه‌ها، از طریق ایجاد جریان دائمی ایده‌ها بین مردم، هنرمندان و تولیدکنندگان محتواهای فرهنگی.

با توجه به ضرایب و رتبه‌بندی انجام گرفته از موانعی که بیشترین تأثیر را بر عدم پیاده‌سازی مشارکت مردم و نخبگان دارند می‌توان دریافت که اکثر آنها از زیرساخت‌های ساختاری و مدیریتی نشئت گرفته و جزئی از آن چالش‌ها هستند. از این رو برای پیاده‌سازی مشارکت مردم و نخبگان پرداختن به سطح کلان و سیاستگذاری و به تبع آن تأثیراتش بر ساختار و نحوه مدیریت ضرورت دارد.

توصیه‌های زیر می‌تواند به ایجاد یک دستگاه قضایی مشارکتی و پاسخگوتر کمک کند:

۱. دادگاه‌ها باید نگاه مثبت‌تری به مشارکت شهروندان داشته باشند و مزایایی را که مشارکت عمومی با ساختار مناسب می‌تواند برای اجرای عدالت به ارمغان آورد، به رسمیت بشناسند: الف) چگونه محدودیت‌های منطقی را بر عملکرد هیئت‌های شهروندی وضع کنند؛ ب) چه زمانی و چگونه شهروندان را به‌طور مؤثر در فرایند تصمیم‌گیری درگیر کنند؛ و از همه مهم‌تر ج) رفتار با عموم مردم با صراحت و احترام به نقش آنها باشد. همان‌طور که بیان شدن ترس از به مخاطره افتادن استقلال قضات در وظایف خود، اگرچه قابل درک است، اما عموماً بی‌اساس است. شهروندان مسئول، انتظار ندارند که بر تصمیمات قضات در مورد حقایق یک پرونده یا نحوه اعمال قانون تأثیر گذارند. حفاظت از

تمامیت و استقلال قوه قضائیه برای همه شهروندان مهم است. رؤسای دادگاه‌ها می‌توانند با بررسی تجربه کشورهای دیگر در مشارکت شهروندان و تطبیق مدل‌های موفق برای نیازهای خود شروع کنند.

۲. برنامه‌های مشارکت عمومی می‌تواند از طرق مختلف اعمال شود. دستور کار اجلاس‌های عمومی، بیان قوانین و مقررات دادگاه و نظرسنجی‌های افکار عمومی، تنها با یک تماس تلفنی امکان‌پذیر است. حتی اگر برنامه‌های برجسته هنوز مورد ارزیابی قرار نگرفته باشند، مشاوره و راهنمایی از قضات، مدیران و سایر افرادی که تلاش کرده‌اند مشارکت عمومی را تقویت کنند و موفق شده‌اند، در دسترس است.

۳. نوآوری باید تشویق شود. اگرچه برنامه‌های موفق در برخی دادگاه‌ها وجود دارد، اما مشارکت شهروندان در دادگاه‌ها گسترده نیست. این بدان معناست که فضایی برای ایده‌های جدید وجود ندارد. رؤسای دادگاه باید ابتکار عمل را به‌دست گیرند و جلساتی را با جامعه ترتیب دهند و به نمایندگان مردم اجازه دهند تا در مورد چگونگی مشارکت مردم بحث کنند. بهترین ابتکارات ارائه شده در چنین بحث‌ها را می‌توان براساس یک پروژه، در یک دوره آزمایشی محدود اجرا کرد.

۴. برای مشارکت طبقات و گروه‌های مختلف مردم باید نهادهایی تشکیل و در راستای احقاق حقوق جامعه مورد نظر خود تلاش کنند. این گروه‌ها و نهادهای مردمی در قالب تشکلهایی که می‌تواند مشارکت مردم را در نظام قضایی تسهیل کند فعالیت خواهند داشت. این نهادها علاوه بر صنوف مختلف می‌توانند نماینده گروه‌های مختلف در جامعه (زنان، کودکان بزهکار و آسیبدیده، دانشجویان، بسیجیان و ...) باشند. برای جلب مشارکت مردم باید به تمامی

گروه‌های علاقه‌مند اجازه فعالیت در چارچوب قانون داده شود.

۵. آگاه‌سازی عموم مردم از فعالیت‌های نظام قضایی به‌ویژه دادگاه‌ها و شفاف کردن فرایند دادرسی، یکی از الزامات جلب مشارکت مردم است. همچنین شیوه‌های مشارکت باید از طریق رسانه‌های عمومی به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی مربوط به نظام قضایی تشریح و چارچوب قانونی مشارکت نهادهای مردمی ترسیم و اطلاع‌رسانی شود.

درنهایت برای تحقیقات آتی باید هریک از مقوله‌های به‌دست آمده به‌طور اخص در سطح کلان و خرد به‌صورت مطالعه موردی، بررسی شود تا با تعیین معیارهای دقیق برای آن به وزن‌دهی شاخص‌های به‌وجود آورنده آن چالش پرداخته شود.

منابع و مآخذ

۱. الوانی، سیدمهدی و سیدروح‌اله قرشی (۱۳۹۴). مشارکت عمومی و نظارت همگانی، تهران، انتشارات دانش‌های بنیادی.
۲. جمشیدی، علیرضا (۱۳۸۷). «رویکرد مشارکتی در سیاست جنایی ایران»، رساله دکتری دانشگاه شهید بهشتی.
۳. حاجی یوسفی، امیرمحمد و محمدعلی طالبی (۱۳۹۶). «موانع مشارکت در چالش میان فرهنگ سیاسی و حکمرانی خوب از دید مدیران ارشد جمهوری اسلامی ایران»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال دوازدهم، ش ۱.
۴. دستورالعمل نحوه مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضائیه (۱۳۹۸).
۵. رستمی، ولی (۱۳۸۶). «مشارکت مردم در فرایند کیفری (بررسی سیاست جنایی کشورهای غربی)»، مطالعات حقوق خصوصی (حقوق)، ۳۷ (۲).
۶. روستایی صدآبادی، حمید و هادی مرسی (۱۴۰۱). «رویکرد حمایتی حقوق کیفری ایران در قبال بزه‌دیدگان اسیدپاشی (با تأکید بر قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن مصوب ۱۳۹۸/۷/۲۱)»، مجلس و راهبرد، ۲۹ (۱۰۹).
۷. شیدائیان، مهدی، سیدجعفر اسحاقی و زهرا رجایی (۱۳۹۸). «بررسی نقش شفافیت قوه قضائیه در توسعه سرمایه اجتماعی ایران»، دومین همایش ملی سرمایه اجتماعی و توسعه پایدار، قم.
۸. صانعی، سعید، سیدحسن حسینی و سیدمهدی سیدزاده ثانی (۱۴۰۱). «توسعه سیاست کیفری سخت‌گیرانه در اصلاحیه قانونی تحدید مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر»، مجلس و راهبرد، ۲۹ (۱۰۹).
۹. کراتین، جیمز آل (۱۳۹۴). راهنمای مشارکت عمومی: گرفتن تصمیمات بهتر با مشارکت شهروندان، ترجمه ناصر برک‌پور، تهران، مؤسسه نشر شهر.
۱۰. میرجلیلی، سیدمحمدعلی (۱۳۹۴). «بررسی موانع مشارکت‌های مردمی در نهادهای تربیتی دینی»،

اولین همایش ملی تربیت دینی، راهی به سوی تعالی، میبید، <https://civilica.com/doc/524374>

۱۱. وروایی، اکبر (۱۳۹۴). «نقش نظارت سازمانی در پیشگیری از جرائم و تخلفات کارکنان نیروی انتظامی»،

فصلنامه نظارت و بازرسی، ش ۲۸.

12. Asefa, E. (2018). "An Evaluation of Shared Governance in Public Universities in Kenya: Students Lens", *International Journal of Educational Administration, Policy Studies*, 10 (11).
13. Ben-Ruwin, M. (2010). "The Corporatization of Shared Governance: The Corporate Challenge, the Academic Response", AAUP Shared Governance Conference, Workshops.
14. Borucka-Arctowa, M. (1976). "Citizen Participation in the Administration of Justice: Research, Policy in Poland", *Zur Soziologie des Gerichtsverfahrens (Sociology of the Judicial Process)*.
15. Brusati, L., P. Fedele, M. Ianniello and S. Iacuzzi (2018). "Outcome-based Performance Management in the Public Sector: What Role for Inter-organizational ICT Networks?", *Outcome-Based Performance Management in the Public Sector*.
16. Busenberg, G.J. (2007). "Citizen Participation and Collaborative Environmental Management in the Marine Oil Trade of Coastal Alaska", *Coastal Management*, 35 (2-3).
17. Callahan, K. (2006). *Elements of Effective Governance: Measurement, Accountability, Participation*, Routledge.
18. Campbell, M.L. and K. Teghtsoonian (2010). "Aid Effectiveness and Women's Empowerment: Practices of Governance in the Funding of International Development", *Signs: Journal of Women in Culture and Society*, 36 (1).
19. Christie, N.V. (2018). "A Comprehensive Accountability Framework for Public Administrators", *Public Integrity*, Vol. 20, No. 1.
20. Coghlan, D. and T. Brannick (2014). "Doing Action Research in Your Own Organization", Sage, Thousand Oaks, CA.
21. Davis, K.N. (2010). "Exploring the Level of Public Participation in Planning: A Case Study Approach", Doctoral Dissertation, The University of Alabama.
22. Denhardt, J., L. Terry, E.R. Delacruz and L. Andonoska (2009). "Barriers to Citizen Engagement in Developing Countries", *Intl Journal of Public Administration*, 32 (14).
23. Edelenbos, J. (1999). "Design and Management of Participatory Public Policy

- Making”, *Public Management an International Journal of Research and Theory*, 1 (4).
24. Edelenbos, J., A. Van Buuren and N. Van Schie (2010). “Knowledge Synchronisation: Interactive Knowledge Production between Experts, Bureaucrats and Stakeholders”, In *Knowledge Democracy: Consequences for Science, Politics, and Media*, Berlin, Heidelberg: Springer Berlin Heidelberg.
25. Elena, S. and A. Pichón-Rivière (2014). “Recomendaciones Para Implementar Una Política de Datos Abiertos en el Poder Judicial”, *Buenos Aires: CIPPEC*.
26. Falavigna, G. and R. Ippoliti (2022). “Financial Constraints, Investments, and Environmental Strategies: An Empirical Analysis of Judicial Barriers”, *Business Strategy and the Environment*, 31(5).
27. Gaete, R.A. (2008). “Aplicaciones de La Responsabilidad Social a La Nueva Gestión Pública (Applications of Social Responsibility to the New Public Administration)”, *Documentos y Aportes en Administración Pública y Gestión Estatal*, Vol. 8, No. 11.
28. Gazley, B. (2017). “The Current State of Interorganizational Collaboration: Lessons for Human Service Research and Management”, *Human Service Organizations: Management, Leadership and Governance*, 41 (1).
29. Ianniello, M., S. Iacuzzi, P. Fedele and L. Brusati (2019). “Obstacles and Solutions on the Ladder of Citizen Participation: A Systematic Review”, *Public Management Review*, 21(11).
30. Jacobson, J. and P. Cooper (2020). “Participation in Courts and Tribunals: Concepts, Realities and Aspirations”, *Policy Press*.
31. Jessop, B. (2007). *State Power: A Strategic-relational Approach*, Cambridge, Polity.
32. Khayitboeva, V. (2021). “The Impact of Green Marketing on Consumer Purchase Behaviour and Customer Satisfaction in Istanbul”, *International Journal of Science and Research*, 10 (6).
33. Lau, P.H. and K. Ali (2019). “Citizen Participation in Crime Prevention: A Study in Kuching, Sarawak, Malaysia”, *Journal of Criminological Research, Policy, Practice*.
34. Longenecker, R., E.M. Hawes and C.P. Page (2021). “Cultivating Healthy Governance in Rural Programs”, *Journal of Graduate Medical Education*, 13 (2).
35. Luciano, E., G. Wiedenhöft and F. Santos (2018). “Political Science Proceedings of the 19th Annual International Conference on Digital Government Research: Governance in the Data”, No. 49. <https://doi.org/10.1145/3209281.3209376>.

36. Mahmood, Q. and C. Muntaner (2020). "State-society Nexus in Brazil, Venezuela, its Effect on Participatory Governance Efforts in Health, Other Sectors", *International Journal for Equity in Health*, 19 (1).
37. Malleson, K. (2003). "Justifying Gender Equality on the Bench: Why Difference Won't do", *Feminist Legal Studies*, 11 (1).
38. Martin, R.L. (2009). *The Design of Business: Why Design Thinking is the Next Competitive Advantage*, Harvard Business Press.
39. McGuire, M. (2006). "Collaborative Public Management: Assessing What We Know and How We Know It", *Public Administration Review*, 66.
40. McKeever, Gráinne (2020). "Barriers to Participation for Litigants in Person in Remote Court Hearings", Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3609885> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3609885>
41. Mesa-Lago, C. and K. Müller (2002). "The Politics of Pension Reform in Latin America", *Journal of Latin American Studies*, 34 (3).
42. Michelle, C. and Kuku Williams (2015). *The Relationship between Organizational Governance, Faculty Governance in Higher Education: A National Study of Shared Governance*, Thesis in College of Education, Human Development.
43. Moerane, M.T.K. SC. (2003). "The Meaning of Transformation of the Judiciary in the New South African Context", *South African Law Journal*, 120.
44. Moyson, S., S. Van de Walle and S. Groeneveld (2016). "What do Public Officials Think About Citizens? The Role of Public Officials' Trust and Their Perceptions of Citizens' Trustworthiness in Interactive Governance", In *Critical Reflections on Interactive Governance*, Edward Elgar Publishing.
45. Nicholson, D. (2011). "Demography, Discrimination, Diversity: A New Dawn for the British Legal Profession?", *International Journal of the Legal Profession*, 12 (2).
46. Offenbacher, B.S. (2004). "Overcoming Barriers to Effective Public Participation", In A. Donati, C. Rossi and C.A. Brebbia (eds), *Brownfield Sites II: Assessment, Rehabilitation, Development, Gateshead: WIT*.
47. Ofrasio, A. (2020). "Examining the Shared Governance Model in Higher Education", From: <https://www.azeusconvene.com/articles/examining-the-shared-governance-model-in-higher-education>.
48. Peters, M.A. and R.G. Britez (2008). *Open Education, Education for Openness*, Sense Publishers
49. Platteau, J.P. (2007). "Pitfalls of Participatory Development", (Mimeo) Background

Paper Written for the World Public Sector Report 2007, United Nations.

50. Rehman, S.U., S. Kraus, S.A. Shah, D. Khanin and R.V. Mahto (2021). "Analyzing the Relationship Between Green Innovation and Environmental Performance in Large Manufacturing Firms", *Technological Forecasting and Social Change*, 163, 120481.
51. Rhodes, R.A.W. (1996). "The New Governance: Governing Without Government", *Political Studies*, XLIV, 3.
52. Rubel, M.R.B., D.M.H. Kee and N.N. Rimi (2021). "The Influence of Green HRM Practices on Green Service Behaviors: The Mediating Effect of Green Knowledge Sharing", *Employee Relat: Int. J.* 57.
53. Rubin, F.R. (1985). "Citizen Participation in the State Courts", *The Justice System Journal*, 10, 292.
54. Sandelowski, M., J. Barroso and C.I Voils (2007). "Using Qualitative Metasummary to Synthesize Qualitative and Quantitative Descriptive Findings", *Research in Nursing and Health*, 30 (1).
55. Santiadi, Kukuh (2019). "Expanding Access To Justice Through E-court In Indonesia' 1 (1)", *Prophetic Law Review*, 75.
56. Scheede-Bergdahl, C., E.M. Minnella and F. Carli (2019). "Multi-modal Prehabilitation: Addressing The Why, When, What, How, Who and Where Next?", *Anaesthesia*, 74.
57. Slaev, A.D., A. Kovachev, B. Nozharova, D. Daskalova, P. Nikolov and P. Petrov (2019). "Overcoming the Failures of Citizen Participation: The Relevance of the Liberal Approach in Planning", *Planning Theory*, 18 (4).
58. Songa, C.M., J.H. Ndeda and G. Ouma (2015). "Total Column Ozone Variability and Trends Over Kenya Using Combined Multiple Satellite-based Instruments", *Applied Physics Research*, 7 (5), 87.
59. Stout, A. and A.G. Barto (2010, August). "Competence Progress Intrinsic Motivation", In 2010 IEEE 9th International Conference on Development and Learning, IEEE.
60. Sudiarawan, Kade, G. Wairocana and B. Hermanto (2020). "Are there Obstacles after the Administrative Court Absolute Competence Extension of Indonesia?", *Varia Justicia*, Vol. 16, No. 2.
61. Sun, J., S.F. Cahan and D. Emanuel (2009). "Compensation Committee Governance Quality, Chief Executive Officer Stock Option Grants, and Future Firm Performance", *Journal of Banking and Finance*, 33 (8).

62. Svensson, A.B. (2019). "The Fuzzy Concept of Collaborative Governance: A Systematic Review of the State of the Art", *Central European Journal of Public Policy*, 13 (2).
63. Thorne, S., S.R. Kirkham and K. O'Flynn-Magee (2004). "The Analytic Challenge in Interpretive Description", *International Journal of Qualitative Methods*, 3 (1).
64. Tījūnaitienė, R., B. Neverauskas and S. Balčiūnas (2009). "Motivation Expression of Citizen Participation in Organizations of Citizen Society", *Engineering Economics*, 61 (1).
65. Turner, B.S. (2006). *The Cambridge Dictionary of Sociology*, Cambridge, Cambridge University Press.
66. Venkatesh, V., A. Rai and P. Setia (2019). "Governance ICT4D Initiative Success: A Longitudinal Field Study of Ten Villages in Rural India", *MIS Quarterly*, Vol. 43, Iss. 4.
67. Walle, S. and S. Groeneveld (2016). *Theory, Practice of Public Sector Reform*, New York, Routledge.
68. Weiss, J. (2020). "Managing Performance, Strategy: Managerial Practices in German Local Governments", *Public Performance and Management Review*, Vol. 43, No. 5.
69. Wempe, B. (2009). "Extant Social Contracts, The Question of Business Ethics", *Journal of Business Ethics*, Vol. 88.
70. Wilkerson, W.D. (2008). *A Phenomenological Study: The Characteristics of US Federal Government African American Female Senior Executives*, University of Phoenix.
71. Xiaodong, L., L. Xiaoping and F. Feng (2019). "Research on Citizen Participation in the Implementation of Public Policy in Big Data Age", *Journal of Physics: Conference Series*, Vol. 1168, Iss. 3.
72. Yang, K. and S.K. Pandey (2011). "Further Dissecting the Black Box of Citizen Participation: When Does Citizen Involvement Lead to Good Outcomes?", *Public Administration Review*, 71 (6).
73. Yuan, H., L. Zou and Y. Feng (2023). "How to Achieve Emission Reduction Without Hindering Economic Growth? The Role of Judicial Quality", *Ecological Economics*, 209, 107839.
74. Zhang, Y. and Y. Liao (2011). "Participatory Budgeting in Local Government: Evidence from New Jersey Municipalities", *Public Performance and Management Review*, 35 (2).

مطالعه تأثیر میزان دین‌داری بر احساس امنیت اجتماعی:

فرا تحلیل پژوهش‌ها در بازه زمانی ۱۳۸۷ الی ۱۴۰۰

طاها عشایری^{*}، طاهره جهان‌پرور^{**}، حسین مؤمنی^{***} و فائزه رقمی^{****}

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۱۱	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۳	شماره صفحه: ۴۷۵-۵۱۰
-------------------	--------------------------	-------------------------	---------------------

دین نوعی ابزار کنترل اجتماعی قوی (غیررسمی) است که با آموزش رفتارهای بهنجار؛ اخلاق مدارانه و پیوند گروه‌های هم‌کیش و هم‌بیمان در یک جامعه سالم و مطلوب (آرامنی)، ناامنی را کاهش و احساس امنیت اجتماعی را افزایش می‌دهد. بنابراین در این پژوهش با روش فراتحلیل کمی و جامعه آماری ۳۴ سند انتخاب شد که به روش نمونه‌گیری عمدی (مقالات مرتبط با فراتحلیل) ۲۷ پژوهش در بازه زمانی سال‌های ۱۳۸۷ الی ۱۴۰۰ با رعایت ملاک ورود و خروج مورد مطالعه قرار گرفت و به موضوع تأثیر میزان دین‌داری بر احساس امنیت اجتماعی پرداخت.

نتیجه مطالعه نشان می‌دهد بین مؤلفه‌های دین‌داری عاطفی (۰/۳۷)؛ دین‌داری تجربی (۰/۳۶)؛ دین‌داری اعتقادی (۰/۳۰)؛ دین‌داری مناسکی (۰/۱۸) و دین‌داری پیامدی (۰/۱۹) و احساس امنیت شهروندان رابطه مستقیم و معناداری وجود داشته به طوری که میزان دین‌داری بر احساس امنیت اجتماعی تأثیر مستقیم و معناداری دارد و اثر کلی آن برابر با ۰/۳۷ است. با افزایش میزان دین‌داری شهروندان؛ احساس امنیت اجتماعی نیز افزایش می‌یابد.

کلیدواژه‌ها: احساس امنیت اجتماعی؛ سرمایه اجتماعی مذهبی؛ فراتحلیل؛ میزان دین‌داری

* استادیار دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی (نویسنده مسئول)؛

Email: t.ashayeri@uma.ac.ir

** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، دانشکده علوم اجتماعی، ارتباطات و رسانه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد

Email: jparvar@yahoo.com

تهران مرکزی؛

*** کارشناس ارشد دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران؛

Email: hosainmomeny@yahoo.com

**** دانشجوی کارشناسی جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی؛

Email: faezeraghmi@gmail.com

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال سی و یکم، شماره یکصد و هجدهم، تابستان ۱۴۰۳

doi: 10.22034/MR-2022.5450.5198

مقدمه

امنیت قدمتی به وسعت تاریخ بشر دارد و سابقه آن هم‌زمان با مفهوم اجتماع و جامعه است. مفهوم اصطلاحی امنیت در بعد عینی آن فقدان تهدید علیه ارزش‌های حاکم در جامعه و در بعد ذهنی آن همان احساس امنیت است. احساس امنیت در امان بودن جان، مال، هویت و ارزش‌های خود از تهدید، صدمه، آسیب و نبود دغدغه تأمین نیازهای معقول حال و آینده است. دین‌داری و سرمایه اجتماعی از منابع نامشهود تأمین‌کننده امنیت اجتماعی هستند (امین بیدختی، ۱۳۹۲). باورهای مذهبی از نگاه اسلام، منشأ دینی داشته و شامل باور به اصول و عقاید مذهبی (خدا، قیامت و نبوت) است. به‌علاوه، باورهای مذهبی مجموعه‌ای نگرش، باور و رفتارهای مرتبط با کنش‌های دینی است که مجموعه این موارد در انسان سبک زندگی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Yeary et al., 2012). باورهای اسلامی، اشاره به محرمات و اعتقادات اسلامی برگرفته از قرآن کریم و منابع دینی دارد که طبق آن هر شخص خدا را به‌مثابه داننده و ناظر بر همه کنش و اعمال روزمره دنیوی خود در نظر می‌گیرد (سوره علق، آیه ۱۱) و فرد مطمئن است که اعمال آنها به‌صورت روزمره ثبت شده و آنها تنبیه یا مورد پاداش قرار خواهند گرفت (Yeary et al., 2012).

مطالعات نشان داده‌اند که باورهای مذهبی، با بهبود رفاه اجتماعی مرتبط است و توانایی جامعه را برای مبارزه با مسائل منفی زندگی؛ مسائل اجتماعی، کثرت‌فشاری، شکاف اجتماعی و تضاد طبقاتی افزایش می‌دهد. این کارایی جمعی، به دلیل حمایت اجتماعی است که مذهب به آن اعتبار عملی می‌بخشد. در واقع، سرمایه اجتماعی و حمایت اجتماعی؛ فضای دنج و قابل دفاعی را برای محیط انسانی ترسیم می‌کنند. مناطقی که میزان دین‌داری پایین بوده یا الحادگرایی رایج است، با سبک زندگی بی‌معنا و احساس بیگانگی مواجه‌اند و به منابع کمی از سرمایه اجتماع برخلاف

مناطق مذهبی دسترسی دارند. حمایت اجتماعی ناشی از اجتماع مذهبی، با فراخوانی جامعه برای کاهش نگرانی‌ها و رفع مشکلات به ارتقای رفاه اجتماعی به کمک می‌آید؛ به طوری که سلامت اجتماعی را تقویت می‌کند. سرمایه اجتماعی مذهبی، یکی از مهم‌ترین گونه سرمایه اجتماعی است که تضمین‌کننده سلامت اجتماعی است (Allen, 2007).

دور کیم با مطالعه درباره دین، بر این تأکید کرد که دین با ایجاد حس معنا و هدف در زندگی، باعث کاهش از خودبیگانگی و افزایش احساس امنیت می‌شود. از طرفی با تقویت انسجام اجتماعی و ثبات در تعامل اجتماعی، روابط انسانی را تنظیم و آنها را به همدیگر وابسته نگه می‌دارد (Moberg, 2008). همچنین دین نقش کنترل اجتماعی را بازی می‌کند. دین به مردم یاد می‌دهد که رفتارهای اخلاقی را رعایت کنند و به آنها آموزش می‌دهد که عضو مفید و خوب جامعه شوند (Morris, 1984). دین‌داری، در جامعه با اتصال گروه‌های هم‌ایمان و هم‌کیش، تعامل اجتماعی را افزایش می‌دهد، مناسک و مراسم‌های مذهبی، نوعی کنش متقابل نمادینی است که در آن همه گروه‌ها در آیین دینی با هم وحدت پیدا می‌کنند و در غم و شادی هم شریک می‌شوند (Emerson, Monahan and Mirola, 2011).

دین در جامعه کارکرد مفیدی دارد، مهم‌ترین آن، سرمایه اجتماعی (احساس امنیت و آرامش) است. در این معنا، امنیت اجتماعی در رأس هرم نیازهای بشری قرار گرفته و ضروری‌ترین شرط رسیدن به نیازهای مادی و معنوی است (خسروشاهی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۹). امنیت اجتماعی ناظر بر توانایی پاسداشت یا دفع تهدید از عنصری است که افراد یک جامعه را به همدیگر مرتبط می‌سازد (نویدینیا، ۱۳۸۵: ۴۰). احساس امنیت از مهم‌ترین نیازهای بشری و عنصری سرایت‌کننده است و در کنش‌های متقابل افراد دائماً تولید و انتشار می‌یابد (قربان‌زاده سوار، ۱۳۸۷). دین

نقش مهمی در تأمین احساس آرامش جمعی و فردی داشته و یکی از مکانیسم‌های کنترل غیررسمی اجتماع از گرایش به نابهنجاری اجتماعی، بزه و ایجاد ناامنی در اجتماع است (ذوالفقاری، عشایری و اسماعیلی، ۱۳۹۹: ۶۹).

در میان ادیان زنده جهان؛ دین اسلام توجه ویژه‌ای به امنیت اجتماعی دارد. در طول تاریخ، دین و دین‌داری همواره نقش مثبتی در برقراری امنیت اجتماعی در جامعه داشته است. احساس امنیت مفهومی درونی و ذهنی است به طوری که من درون خود این احساس را داشته باشم که امنیت دارم و تهدید نمی‌شوم، حال ممکن است این احساس با امنیت و ایمنی تناسب داشته باشد یا نداشته باشد (احمدی، ۱۳۸۵: ۲۷۳). دین یکی از عوامل مهم شکل‌دهنده ارزش‌ها و باورهای مردم در جوامع مختلف بوده (علیزاده، ۱۳۸۵: ۲۵۴) و به دلیل قابلیت درونی‌سازی رفتارها می‌تواند با هنجارسازی در جامعه، زمینه ارتقای رفتارهای شهروندی را فراهم کند و به افزایش احساس امنیت کمک کند (باقری و مهدوی، ۱۳۹۷: ۵۳). امنیت در معنای عینی، فقدان تهدید نسبت به ارزش‌های کسب شده و در معنای ذهنی یعنی فقدان هراس از اینکه ارزش‌های مزبور مورد حمله قرار گیرد (بوزان، ۱۳۷۸: ۸۶).

از شاخصه‌های امنیت اجتماعی بعد ذهنی و درونی آن است که از آن به «احساس امنیت اجتماعی» یاد می‌شود. این احساس که از تجربه‌های مستقیم و غیرمستقیم از شرایط و اوضاع محیط پیرامونی ناشی می‌شود از یک‌سو، بر روابط اجتماعی که برآیند و تولید اجتماعی است اثر گذاشته و از سوی دیگر از لحاظ ذهنی و روانی، زمینه‌ها و بسترهای شکل‌گیری آن روابط را تحت تأثیر قرار می‌دهد (بیات، ۱۳۸۸: ۱۷). در این باره حضرت علی (ع) در حدیثی می‌فرماید: «بدترین مکان برای سکونت جایی است که ساکنان آن امنیت نداشته باشند» (شهیدی، ۱۳۹۷: ۱۰۵) و امام صادق (ع) همچنین در خصوص احساس امنیت می‌فرماید: «امنیت، عدالت و فراوانی نعمت از

اموری هستند که عموم مردم بدان نیاز مبرمی دارند» (حسینی دشتی، ۱۳۹۷: ۵۲۳). دین‌داری نقش مهمی در احساس امنیت شهروندان داشته (نقدی، ۱۳۸۵: ۱۱) و در این باره؛ دورکیم کارکرد دین را نه تنها در هم‌بستگی و روابط اجتماعی مهم دانسته بلکه در حل و فصل معضلات اجتماعی، ایجاد یگانگی و وحدت بین ساکنان اجتماع حائز اهمیت می‌داند. وجود دین موجب ثبات، استمرار و پایداری جامعه می‌شود. دین به مثابه عنصر نهادی نقش مهمی در افزایش احساس امنیت و آرامش اجتماعی بین خانواده و اعضای اجتماع و گروه قومی دارد. دین با دعوت به انجام مناسک جمعی، انسان را از تفرق، بی‌تفاوتی و فردگرایی منع کرده و نسبت به اهداف جمعی و پذیرش مسئولیت اجتماعی متعهدتر می‌کند. کاهش ناامنی محیطی، مبارزه با بی‌نظمی اجتماعی و ممانعت از فعالیت خرده فرهنگ بزهکاران و مزاحمان خیابانی در سایه دین می‌تواند به آسان‌ترین روش صورت گیرد. بر این اساس هدف اصلی پژوهش عبارت است از:

- بررسی و برآورد اثر میزان دین‌داری بر احساس امنیت اجتماعی،
- مطالعه تأثیر مؤلفه‌های دین‌داری بر احساس امنیت اجتماعی،
- برآورد اندازه اثر متغیرهای تعدیل‌گر بر احساس امنیت اجتماعی.

۱. مبانی و رویکردهای نظری

امنیت:^۱ امنیت به معنای آن است که مردم ترس و بیمی نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع خود نداشته و به هیچ‌وجه حقوق آنها به مخاطره نیفتد و هیچ عاملی حقوق مشروع آنها را تهدید نکند (زنجانی، ۱۳۷۴: ۵۴۸). مفهوم امنیت اجتماعی را اولین بار، باری بوزان در سال ۱۹۹۸ به کار برد. امنیت اجتماعی عبارت است از همه

اقدام‌هایی که به‌موجب آن اقشار مختلف مردم در محیطی آرام بتوانند فعالیت‌های اجتماعی خود را انجام دهند (آرون، ۱۳۸۸: ۶۲۵). امنیت به‌معنای اطمینان، عدم خوف، در امان بودن و نهراسیدن آمده است؛ یعنی از احساس امنیت (حالات و موقعیت‌های ذهنی) تا ایمنی و اطمینان خارجی (موقعیت‌های عینی و برونی) در این واژه نهفته است (مؤذن‌زاده جامی، ۱۳۸۴: ۱۹۹). امنیت به مفهوم مصونیت از تعرض و تصرف اجباری (صدیق سروسستانی، ۱۳۷۶: ۱۱۵)، فقدان ترس و نگرانی اجتماعی فرد از تهدیدهای محیطی (نیازی، عشایری و منتی، ۱۳۹۶) و فقدان هراس از به‌مخاطره افتادن، رهایی انسان از اضطراب، بیم و خطر (شاهرخی، گروسی و میرزایی، ۱۳۸۶: ۲۸)، نداشتن دلهره و دغدغه، رهایی از خطر، تهدید و اضطراب اجتماعی است (ماندل، ۱۳۷۹: ۴۴).

احساس امنیت: ۱ احساس امنیت پدیده‌ای روان‌شناختی - اجتماعی است که ابعاد گوناگونی دارد. این احساس ناشی از تجربه‌های مستقیم و غیرمستقیم افراد از شرایط و اوضاع محیط پیرامونی است که به‌صورت‌های گوناگون آن را تجربه می‌کنند. به‌لحاظ روان‌شناسی احساس امنیت سازه‌ای چندبعدی است و در شرایط اجتماعی و افراد مختلف به‌گونه‌های متفاوت ظهور یافته و به اشکال مختلف نیز قابل‌سنجش و اندازه‌گیری است (بیات، ۱۳۸۷: ۴). احساس امنیت دارای پنج بعد اساسی است:

- احساس امنیت جانی: یعنی تضمین جسم و جان افراد در مقابل خطرات و آسیب‌هایی که مانع ادامه حیات آنان می‌شود.
- احساس امنیت مالی: به‌معنای تضمین دارایی‌های خانواده از سرقت و دزدی و اطمینان خاطری که از تأمین نیازهای مادی و مالی خانواده حاصل می‌شود.
- احساس امنیت اخلاقی: عبارت است از تضمین اصول و الگوهای اخلاقی در روابط و مناسبات افراد مانند اعتماد، صداقت، حسن نیت، سعه‌صدر،

خیرخواهی و غیره.

- احساس امنیت عاطفی: بیانگر اطمینان از آنکه دیگران ما را دوست دارند و بود و نبودمان برایشان اهمیت دارد. دردها و مصائب ما آنان را نیز دچار اندوه و غم می‌کند.

- احساس امنیت شغلی: یعنی افراد ضمن کار و انجام وظیفه و دریافت حقوق و مزد از امکانات لازم برای بهبود شرایط و پرورش خویش برخوردار باشند (دلور، ۱۳۹۴: ۴۷).

دین‌داری: دین عبارت است از نظامی همبسته از باورها و اعمال مربوط به امور لاهوتی و ماورایی، این باورها و اعمال همه‌کسانی را که پیرو آنها هستند در یک اجتماع اخلاقی واحد به نام کلیسا یا امت متحد می‌کنند (دورکیم، ۱۳۸۳: ۶۳). از نگاه تایلور^۱ (۱۹۷۱)، دین همان اعتقاد به موجودی معنوی است که بر ما اعمال نظارت می‌کند. رادکلیف براون^۲ (۱۹۴۵)، دین را معادل و وسیله پیوستن به قدرتی می‌داند که مافوق جامعه انسانی است و آن را نیروی معنوی یا اخلاقی تعریف می‌کند (افشانی و جعفری، ۱۳۹۵: ۱۹۸). یینگر^۳ (۱۹۷۵) نیز دین را نهاد یا سازمانی از باورها، اعتقاد و مناسکی جمعی می‌داند که انسان را نسبت به جامعه و محیط خود متعهدتر می‌کند (توسلی، ۱۳۸۹: ۷۲). دین‌داری و حضور در مناسک جمعی، ایجادکننده سرمایه مذهبی است، سرمایه مذهبی گونه‌ای از سرمایه اجتماعی است. این سرمایه به ارتباط میان افراد، شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای متقابل و اعتماد متقابلی اشاره دارد که از اجتماع برمی‌خیزد (Putnam, 2000: 19). سرمایه‌های دینی، ایجادکننده

1. Taylor

2. Radcliff Brown

3. Yinger

یک جامعه بزرگی^۱ است که امنیت می‌آفریند. این سرمایه کمک کاربردی و عملی به زندگی ملی و محلی است که با گروه دینی ایجاد می‌شود (Baker and Skinner, 2006: 9). این جامعه با شبکه‌ای از اعتماد، راهنمایی و حمایت جمعی شکل گرفته است (Baker and Miles-Watson, 2008).

دین به‌مثابه ضرورت زندگی بشر نقش مهمی در نظم اجتماعی دارد به‌طوری‌که با کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی در جامعه به‌صورت نیروی حیات‌بخش و سعادت‌پرور عمل می‌کند و با خصلت اجتماعی پیروان خود را دورهم جمع کرده و با ایجاد پیوندهای مشترک و انسجام اجتماعی موجبات احساس سعادت و خوشبختی را فراهم می‌آورد و با تأثیر گذاشتن بر اعمال فردی، جهان‌بینی خاصی به فرد می‌دهد و احساس رضایت از زندگی در او ایجاد می‌کند. از این‌رو، فرد دین‌دار با الهام از آموزه‌های دینی احساس امنیت زیادی در مقابل رخدادهای خطرناک دارد که فرد غیردین‌دار فاقد آن است (پورا احمد و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰). دین یکی از نهادهای مهم در تأمین احساس امنیت اجتماعی است. دین، دین‌داری، ایمان به خدا، انسان را به اجرای قوانین و دوری از بزهکاری و ناهنجاری‌های اخلاقی دعوت می‌کند (ابراهیم‌زاده آملی، ۱۳۸۴: ۵۷). در واقع، ایمان و دین‌داری انسان را از درون متحول می‌سازد و نیروی محرکه‌ای قوی به‌سوی خوبی‌ها و ترک زشتی‌ها در نهاد او قرار می‌دهد و هر آن با هشدار به او از گرایش و میل به زشتی‌ها و ارتکاب جرم باز می‌دارد (سلطانی و سلطانی، ۱۳۹۵: ۲۷).

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش درباره دین‌داری و احساس امنیت اجتماعی در دو بخش خارجی و داخلی ارائه شده است.

۲-۱. پژوهش‌های خارجی

بکر و اسمیت^۱ (۲۰۱۰)، در پژوهشی با عنوان «معنویت، مذهب، سرمایه اجتماعی: شناسایی مؤلفه‌ها و ارتباط آن با ایمان مبتنی بر انگیزش و مشارکت در جامعه مدنی» نشان می‌دهند که مذاهب اسلام، بودا، کاتولیک، آنگلوساکسون و عیسوی که باورهای مذهبی دارند و به مناسک مذهبی اقدام می‌کنند، احساس امنیت زیادی نسبت به گروه بی‌ایمان دارند. مذهب، سایبانی معنوی تلقی می‌شود که با ایجاد اتحاد و پیوندهای جمعی، ترس، ناامنی و استرس را دور می‌کند.

کارولین و همکاران^۲ (۲۰۰۹)، در پژوهشی با عنوان «امنیت اجتماعی در شبکه‌های مذهبی» مطرح می‌کنند که دین با ایجاد گروه‌های خودجوشی که هم‌کیش و هم‌آیین هستند، سرمایه مذهبی تولید می‌کند، این گروه در مکان مذهبی، ایام خاص و اعیاد مذهبی، با گردهمایی، انسجام و سرمایه اجتماعی خود را نشان می‌دهند و از این منبع آرامش و امنیت اجتماعی خود را تغذیه می‌کنند.

اسمیت (۲۰۲۲)، در مطالعه‌ای با عنوان «کارکردهای مذهب در جامعه انسانی» به این اشاره می‌کند که جامعه‌شناسان و روان‌شناسان به اهمیت دین در جوامع انسانی پرداخته‌اند. روان‌شناسی بر نقش دین در کاهش استرس، افسردگی، افزایش سلامت معنوی و روانی، کاهش مرگ‌ومیر و جامعه‌شناسان بر بعد جمعی آن یعنی امنیت اجتماعی، مبارزه با بزه و بزهکاری، سرمایه اجتماعی و تعهد اجتماعی تأکید می‌کنند. لنگیت^۳ (۲۰۲۲) در مطالعه‌ای با عنوان «مذهب و جرم با رویکرد پیشگیرانه در کنیا» به این نتیجه رسید که در پنج دهه اخیر، مطالعه درباره ارتباط بین مذهب و جرم در بین محققان با اقبال بیشتری روبه‌رو شده است. مذهب با ارائه نقش بازدارنده

1. Baker and Smith

2. Carolin, Peleikis and Thelen

3. Langat

در قالب بایدها و نبایدها به مردم، آنها را از رفتارهای مجرمانه بازمی‌دارد. نتایج این پژوهش با مطالعه روی ۱۲۵ نفر نشان داد که مذهب در حفظ نظم اجتماعی و تقویت ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی در جامعه باعث پیشگیری از جرم می‌شود، در سایه این اتحاد اجتماعی، امنیت اجتماعی شکل می‌گیرد. همچنین با افزایش مذاهب مختلف (ناهمگونی مذهبی)، میزان ناامنی اجتماعی افزایش می‌یابد.

سالواتر و روبین^۱ (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان «تأثیر مذهب بر رفتارهای مجرمانه در دوران بلوغ» نشان می‌دهند که جوانان با ورود به دوران بلوغ، سبک زندگی جدیدی را تجربه می‌کنند، در اثر این هیجان و تجربه جدید، احتمال گرایش به رفتارهای مجرمانه وجود دارد که در این میان الگوهای مذهبی، می‌تواند تأثیر بازدارنده و حمایتی از فرد در برابر بزهکاری داشته باشد. مذهب به‌مثابه کنترل اجتماعی بر رفتارهای جوانان عمل می‌کند.

۲-۲. پژوهش‌های داخلی

دین‌داری در جامعه ایرانی به‌دلیل مذهب شیعه؛ نقش مهمی در احساس امنیت اجتماعی، پیشگیری از جرم و مبارزه با بزهکاری اجتماعی داشته است. در این باره پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته است که مطابق بررسی از منابع علمی (نور مگزی، مگ ایران، ایرانداک، علم‌نت)، اولین پژوهش را در سال ۱۳۸۷ قربان‌زاده سوار انجام داد و بعد از آن آمار تحقیق‌ها در این زمینه روند افزایشی داشته است. آخرین پژوهش در حوزه دین‌داری و امنیت به سال ۱۳۹۹ برمی‌گردد که ابراهیم‌پور و همکاران (۱۳۹۹) و رفیعی، مداحی و سیار خلیج (۱۳۹۹) انجام داده‌اند. بر این اساس پژوهش‌های نویسندگانی از جمله اکبری شهبانی و ابراهیم‌پور (۱۳۹۷)، سفیری، رجب‌لو و قلی‌زاده (۱۳۹۷)؛ شهیدی (۱۳۹۷)؛ عبدی زرین و همکاران (۱۳۹۷)؛

1. Salvatore and Rubin

جعفری و جعفری (۱۳۹۶)؛ طالبی و رضانی (۱۳۹۶)؛ سلطانی و سلطانی (۱۳۹۵)؛ شاطریان و همکاران (۱۳۹۵)؛ پورسعدی، محمدپور و عباس‌زاده (۱۳۹۵)؛ جهانبخش گنجه، باقری‌نیا و جعفری (۱۳۹۵)؛ هاشمی‌زهی، میری و حافظ‌رضازاده (۱۳۹۵)؛ عبدالمحمدی و همکاران (۱۳۹۵)؛ افشانی، ذاکری‌هامانه و عسگری‌ندوشن (۱۳۹۴)؛ حاجی‌زاده‌میمندی، سعید و واصف‌بنگجه (۱۳۹۴)؛ فتاحی و همکاران (۱۳۹۴)؛ منصور، علوی و یادگارنژاد (۱۳۹۴)؛ اسدی و همکاران (۱۳۹۳)؛ امین‌بیدختی (۱۳۹۲)؛ شایگان (۱۳۹۲)؛ هاشمیان‌فر، دهقانی و اکبرزاده (۱۳۹۲)؛ امین‌بیدختی و شریفی (۱۳۹۱)؛ پوراحمد و همکاران (۱۳۹۱)؛ کردی و کوهساری (۱۳۹۰)؛ رستمی (۱۳۸۹) و قربان‌زاده سوار (۱۳۸۷) در قلمرو جغرافیایی؛ فرهنگ‌ها، مکان‌ها و در بازه زمانی متفاوت از هم به این موضوع پرداخته‌اند که نشان می‌دهد میزان دین‌داری نقش مستقیمی در افزایش احساس امنیت اجتماعی داشته است. با توجه به ماهیت پژوهش و مسئله اصلی تحقیق؛ مطالعات داخلی در بازه زمانی ۱۴۰۰-۱۳۸۷؛ در ادامه مورد ارزیابی قرار گرفته است.

۲-۳. نقد و نوآوری پژوهش

درباره تأثیر میزان دین‌داری بر احساس امنیت اجتماعی، تحقیقات زیادی انجام گرفته و از جمله ۲۷ پژوهش معتبر در سایت نور مگز، پایگاه علمی ایران، ایراندک و مگ ایران شناسایی شده‌اند. تمامی این تحقیقات دارای آثار ارزشمندی بوده و مهم‌ترین مشکل آن، فقدان اجماع درباره میزان تأثیر کلی تحقیقات انجام گرفته بر احساس امنیت اجتماعی است. فراتحلیل حاضر در پی پاسخ به همین کاستی است تا اندازه اثر کلی ۲۷ پژوهش، میزان تأثیر متغیرهای تعدیلگر (زمینه‌ای) بر احساس امنیت را برآورد کرده و راهکارهای لازم را ارائه کند.

۴-۲. نقش دین‌داری در احساس امنیت اجتماعی

فرهنگ حاکم بر جامعه و شاخص‌های آن، بنیان الگوهای موجود در یک سبک زندگی خاص را تشکیل می‌دهند، ولی روشن است که خود فرهنگ نیز از عوامل متعددی سرچشمه می‌گیرد که مهم‌ترین آن، دین و آموزه‌های دینی است. به همین دلیل است که بسیاری از محققان اجتماعی و دین‌پژوهان اذعان داشته‌اند که دین و سبک زندگی امنیت‌محور، دو مقوله‌ای هستند که ارتباط وثیقی میان آنها برقرار است. به بیانی دیگر، سبک زندگی هر فرد و جامعه متأثر از باورها (جهان‌بینی) و ارزش‌های حاکم بر آن فرد و جامعه است. به طوری که اگر جهان‌بینی مادی و ارزش‌های لذت‌گرایانه بر جامعه حاکم باشد، نوع خاصی از سبک زندگی شکل خواهد گرفت، همان‌طور که اگر جهان‌بینی الهی و ارزش‌های کمال‌گرایانه و سعادت‌محورانه در جامعه گسترده باشند، نوع دیگری از سبک زندگی متناسب با این ارزش‌ها و باورها توسعه خواهد یافت (شریفی، ۱۳۹۱؛ افشانی و عباس‌نژاد، ۱۳۹۸: ۳۰).

پیوند میان دین و سبک زندگی شکل‌دهنده سبک‌های زندگی دینی است که متناسب با شرایط هر جامعه‌ای شکل می‌گیرد و از سبک‌های مهم و اثرگذار در زیست فردی و اجتماعی جوامع گوناگون و شاکله اصلی نظم و امنیت اجتماعی است. آموزه‌های دین به‌عنوان ابزارهای جامع‌هدایت و راهبری بشر، در بسیاری موارد حاکم بر ارزش‌ها، باورها و هنجارهای لازم برای جهت‌دهی و الگو بخشی به رفتار و کنش انسانی در محیط جمعی است. از نگاه رابرتسون اسمیت^۱، دین را نباید وسیله‌ای برای تکریم و نجات ارواح تلقی کرد؛ بلکه باید آن را طریقه‌ای در صیانت و رفاه جامعه قلمداد کرد. وی مذهب را تنها یک ترس مبهم و فرزندهراس و وحشت نمی‌داند؛ بلکه آن را حافظ مقررات، نوامیس و نظم اخلاقی جامعه می‌داند و آنچه برای او مهم

1. Robertson Smith

است عملکردهای دین است و نه باورداشت‌ها. دین دو کارکرد تنظیم‌کنندگی (کنترل و سازمان‌دهی رفتارها) و برانگیزاننده (ترغیب‌کننده به نظم جمعی و هنجارهای اجتماعی) دارد. تنظیم‌کننده رفتار فردی برای خیر همگان یا برای گروه و برانگیزاننده احساس مشترک برای وحدت اجتماعی که از طریق مناسک مذهبی انجام می‌شود (همیلتون، ۱۳۷۷: ۱۷۰).

به‌زعم گیرتس^۱ دین مجموعه‌ای از نمادهاست. دین از طریق صورت‌بندی مفاهیمی درباره نظم کلی وجود، این کارها را انجام می‌دهد. به‌نظر او آدمیان به چنین مفاهیمی نیازمندند (یوسف‌زاده، ۱۳۸۸: ۹۴). آنها به این نیاز دارند که جهان را معنادار و سامان‌مند ببینند، آنها نمی‌توانند جهان را به‌عنوان یک مجموعه با هرج‌ومرج و بی‌نظم تحمل کنند. برگر^۲ نیز کارکردی معنابخش برای دین قائل بوده است. دین کوشش جسورانه‌ای است برای آنکه سراسر گیتی انسان معنادار شود و از این طریق بر بی‌هنجاری‌ها و ناملایمت‌هایی چون رنج، مرگ، شر و بی‌عدالتی فائق می‌آید (هاشمیان‌فر، دهقانی و اکبرزاده، ۱۳۹۲: ۵۷).

کنت به‌عنوان بنیان‌گذار علم جامعه‌شناسی از نخستین افرادی بود که به نقش و جایگاه دین در اجتماع نظر داشت. وی به ضرورت و کارکرد انسجام‌بخشی دین که می‌تواند وفاق و اشتراک اخلاقی را در جامعه پدید آورد اذعان دارد که حتی در دوره اثباتی، بنیاد نظم اجتماعی از دین است (شجاعی‌زند، ۱۳۸۸). براساس نظر دورکیم^۳ دین در چهار کارکرد عمده به‌عنوان نیروهای اجتماعی انضباط‌بخش، انسجام‌بخش، حیات‌بخش و خوشبختی‌بخش طبقه‌بندی شده است (ویلیم، ۱۳۸۶: ۲۱). بر این اساس به باور دورکیم، دین نظام یکپارچه برای اعمال و عقاید به چیزهای مقدس است (کوزر، ۱۳۷۳: ۱۹۷).

1. Geertz

2. Berger

3. Durkheim

دین به‌عنوان یک پدیده سراسر جمعی وسیله‌ای است که انسان‌ها را به یکدیگر پیوند می‌دهد، در واقع چیزی جزء نیروی جمعی جامعه بر افراد نیست. دین نظام فکری است که افراد جامعه با آن خودشان را باز نمایی می‌کنند و روابط مهم و صمیمانه‌شان را با جامعه از این طریق بیان می‌کنند (علیزاده‌ا قدم و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۱). بر این اساس دور‌کیم مذهب را مظهر همبستگی اجتماعی می‌داند که هیچ دین دروغینی وجود ندارد. وی دین را به‌مثابه حقیقتی می‌داند که کیفیتی مختص خود دارد؛ به این معنا که نمایش‌ها یا نمادهای دینی نه توهم محض هستند و نه جانشین پدیده‌های دیگر (مثل نیروهای طبیعی) می‌شوند، بلکه آنها در اذهان افراد وجود دارند تا از محرک‌های خودمداران ممانعت کنند و فرد را به طریقی تحت انضباط درآورند که بتواند به‌طور عینی به واقعیت بیرونی بپردازد. این نمایش‌های مشترک با توانایی‌شان در جهت دادن و مهار انگیزش شخصی، آن اموری هستند که وجود جامعه را ممکن می‌سازد (نوروزی و فولادی سپهر، ۱۳۸۸: ۱۴۳).

۵-۲. جمع‌بندی نظری

بررسی نتایج نظری و پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که با افزایش میزان دین‌داری و مؤلفه‌های آن احساس امنیت اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. دین‌داری در جامعه، با کاهش انگیزه‌های فردگرایی، فرهنگ جمع‌گرایی، مسئولیت‌پذیری، اتحاد و حساسیت جمعی و دفاع جمعی از کیان یک ملت و محیط را رقم می‌زند. مناسک دینی، با آفرینش نظام معنایی و آن‌جهانی، بقای بشری را دوام بخشیده و برای زندگی امن و زیست‌پذیر جمعی، نوع‌دوستی و تأمین امنیت جمعی را شکل می‌دهد. زنده بودن دین، برگزاری آیین‌های دینی و مراسم‌های مذهبی در سطح محلات و فرامحلی به جاری شدن حیات اجتماعی کمک می‌کند و با ایجاد شبکه‌های قوی (سرمایه اجتماعی

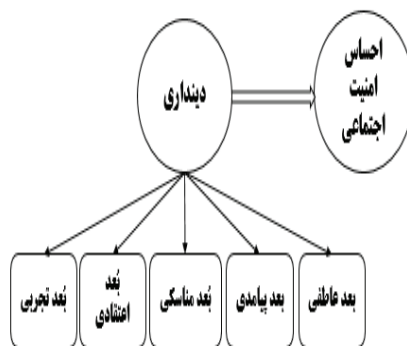
مذهبی)، چشم طبیعی نظارت‌گر بسترهای فردگرایی، جرم، بی‌نظمی و آشفتگی را نادیده می‌گیرد. در این میان، اجتماع دینی و جریان یافتن آن در میان شهروندان، ضمن کاهش اختلاف‌های اجتماعی به انسجام، تعاون و همبستگی گروهی در محیط منجر می‌شود. کارکردهای اصلی دین‌داری در احساس امنیت اجتماعی است، یعنی جهانی فارغ از تهدید، خطر، ترس و اضطراب که به میزان دین‌داری شهروندان وابسته است، هر اندازه شهروندان دین‌دارتر باشند، به همان اندازه احساس امنیت بیشتری می‌کنند. جامعه دینی و افزایش گروه‌های برگزارکننده مناسک دینی در جامعه باعث می‌شود هرگونه تخلف، بزهکاری و رفتاری خلاف هنجارهای مدنی، برچسب و انگ منفی بخورند و این شرایط به فرسایش هویت فرد منجر می‌شود. این داغ‌ننگ ناشی از طرد شدن و خروج از شبکه‌های اجتماعی، از افزایش خرده‌فرهنگ‌های بی‌نظم‌کننده جلوگیری می‌کند چراکه مجرمان جامعه از محیط امن و دارای اتحاد اجتماعی، دوری می‌کنند.

دین‌داری، به حفظ جمع‌بودگی و پیوند اجتماعی گروه‌ها با یکدیگر و ترمیم پیوندهای ضعیف افراد و دعوت به مشارکت آنها به شبکه‌های اجتماعی مذهبی، محیطی سالم و فرد را نسبت به نظم، امنیت، رعایت اخلاق و مدنیت ترغیب می‌کند و ضمن کاهش انزوای اجتماعی فرد و دعوت آن به جمع و گروه‌های شبکه‌ای، آنها را به عرصه عمومی می‌کشاند و وظیفه، تکلیف، مسئولیت اجتماعی در سایه دین‌داری تقویت می‌شود. دین با برانگیختن وجدان جمعی، پویایی جامعه را در مبارزه با گروه‌های خطرناک و غیراخلاقی حساس می‌کند و از شکل گرفتن جامعه بی‌سازمان ممانعت می‌کند. فضا و میدان اجتماعی دینی که در آن، نوع‌دوستی به دلیل مجاورت، نزدیکی، احساس عاطفه و پیوندهای معنوی پررنگ‌تر شده نوعی تعصب اجتماعی به محیط و امنیت به‌بار می‌آورد. کارکرد مثبت دین‌داری در امنیت اجتماعی، از طریق

پیوستن ساکنان به اجتماع و حضور در شبکه‌های مذهبی و محلی است. سرمایه اجتماعی که در مناسک دینی نمایان می‌شود، با کاهش فردیت، پیوندهای عاطفی-اخلاقی با دیگران پدیدار می‌شود که در عنصر امنیت مشترک‌المنافع هستند. روح انسجام، سرمایه اجتماعی، احساس تعلق و تشکیل گروه‌های مرجع مثبت، به مقاصد اخلاقی-امنیتی جامعه کمک می‌کند.

۶-۲. مدل نظری پژوهش

شکل ۱. مدل نظری تحقیق



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

۳. روش پژوهش

روش انجام تحقیق از نوع فراتحلیل کمی است که محقق با استفاده از مرور ادبیات و تحقیقات صورت گرفته در بازه زمانی ۱۳۸۷ الی ۱۴۰۰، با محوریت دین‌داری و احساس امنیت، با سرچ کلیدواژه «دین و امنیت، عوامل مؤثر بر احساس امنیت، دین‌داری و احساس امنیت اجتماعی» تعداد ۳۴ پژوهش را شناسایی و بعد

از غربالگری و تفکیک پژوهش‌های دین‌داری و احساس امنیت، ۲۷ پژوهش به‌عنوان حجم نمونه در بازه زمانی سال‌های ۱۳۸۷ الی ۱۴۰۰ قرار گرفتند. این تعداد پژوهش به روش عمدی - غیراحتمالی بعد از ارزیابی روشی، اعتبار پژوهش، مواردی از جمله حجم نمونه، روش پژوهش، ضرایب همبستگی، سطح معناداری، سال پژوهش، نویسندگان و سایر متغیرهای توصیفی دسته‌بندی و وارد فاز تحلیل شده و اندازه اثر نهایی هر پژوهش و اثر نهایی کل با فرمول فیشر و کوهن برآورد شده است. برای تشخیص همگنی یا ناهمگنی تحقیقات فوق، از نمودار کیفی، آزمون Q استفاده شده و بعد از اثبات فرض ناهمگونی بین مطالعات از متغیر تعدیلگر (زمینه‌ای) برای سنجش میزان اثر آن بر احساس امنیت اجتماعی استفاده شده است.

جدول ۱. خلاصه پیشینه پژوهش (فراتحلیل)

نویسنده	حجم نمونه	شیوه نمونه‌گیری	استان	هویت قومی	جامعه آماری
ابراهیم‌پور و همکاران (۱۳۹۹)	۳۸۴	خوشه‌ای	آذربایجان شرقی	آذری	شهروندان
رفیعی، مداحی و سیار خلج (۱۳۹۹)	۳۸۴	خوشه‌ای	سیستان و بلوچستان	بلوچ	شهروندان
اکبری شهبایی و ابراهیم‌پور (۱۳۹۷)	۳۸۰	تصادفی ساده	آذربایجان شرقی	آذری	دانشجویان
سفیری، رجب‌لو و قلیزاده (۱۳۹۷)	۳۷۶	تصادفی ساده	آذربایجان شرقی	فارس	دانشجویان
شهمیدی (۱۳۹۷)	۳۷۶	تصادفی ساده	استان مرکزی	فارس	دانشجویان
عبدی زرین، فقیهی و ضمیری (۱۳۹۷)	۵۵۶	خوشه‌ای	قم	فارس	دانشجویان
جعفری و جعفری (۱۳۹۶)	۳۸۴	تصادفی ساده	لرستان	لر	دانشجویان
طالبی و رضانی (۱۳۹۶)	۵۰۶	تصادفی ساده	اصفهان	فارس	شهروندان
سلطانی و سلطانی (۱۳۹۵)	۶۴	تصادفی ساده	ایلام	بلوچ	دانشجویان

نویسنده	حجم نمونه	شیوه نمونه‌گیری	استان	هویت قومی	جامعه آماری
شاطریان و همکاران (۱۳۹۵)	۳۸۴	تصادفی ساده	اصفهان	فارس	شهروندان
پورسعدی، محمدپور و عباس‌زاده (۱۳۹۵)	۳۷۷	تصادفی ساده	آذربایجان شرقی	آذری	دانشجویان
جهانبخش گنجی، باقری‌نیا و جعفری (۱۳۹۵)	۳۶۸	تصادفی ساده	تهران	فارس	دانشجویان
هاشمی‌زهی، میری و حافظ رضازاده (۱۳۹۵)	۱۰۰	تصادفی ساده	چهارمحال بختیاری	لر	جوانان
عبدالحمیدی و همکاران (۱۳۹۵)	۶۰۰	تصادفی ساده	تهران	فارس	شهروندان
افشانی، ذاکری‌هامانه و عسگری ندوشن (۱۳۹۴)	۲۴۶	خوشه‌ای	یزد	فارس	شهروندان
حاجی‌زاده میمندی، سعید و واصف ینگجه (۱۳۹۴)	۳۸۵	خوشه‌ای	کرمان	فارس	شهروندان
فتاحی و همکاران (۱۳۹۴)	۳۸۴	خوشه‌ای	کرمانشاه	کرد	شهروندان
منصوری، علوی و یادگارنژاد (۱۳۹۴)	۳۸۴	تصادفی ساده	کرمان	فارس	شهروندان
اسدی و همکاران (۱۳۹۳)	۳۳۴	تصادفی ساده	آشتیان	فارس	دانشجویان
امین بیدختی (۱۳۹۲)	۳۳۴	طبقه تصادفی	سمنان	فارس	دانشجویان
شایگان (۱۳۹۲)	۴۰۰	خوشه‌ای	تهران	فارس	دانشجویان
هاشمیان‌فر، دهقانی و اکبرزاده (۱۳۹۲)	۴۰۰	تصادفی ساده	مازندران	فارس	دانش‌آموزان
امین بیدختی و شریفی (۱۳۹۱)	۳۳۴	طبقه تصادفی	سمنان	فارس	دانشجویان
پوراحمد و همکاران (۱۳۹۱)	۴۰۰	تصادفی ساده	لرستان	لر	شهروندان
کردی و کوهساری (۱۳۹۰)	۳۰۰	تصادفی ساده	گلستان	فارس	شهروندان
رستمی (۱۳۸۹)	۴۰۰	خوشه‌ای	تهران	فارس	دانش‌آموزان
قربانزاده سوار (۱۳۸۷)	۳۰۰	تصادفی ساده	قم	فارس	دانشجویان

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

۴. یافته‌های پژوهش

- ۶۲ درصد (۱۷ مورد) از پژوهش به روش تصادفی؛ ۳۰ درصد (۸ مورد) خوشه‌ای و ۸ درصد (۲ مورد) طبقه‌ای صورت گرفته است.
- جامعه آماری ۴۱ درصد (۱۱ مورد) از پژوهش را شهروندان؛ ۴۸ درصد (۱۳ مورد) دانشجویان؛ ۸ درصد (۲ مورد) دانش‌آموزان و ۳ درصد (۱ مورد) را جوانان تشکیل می‌دهند.
- به لحاظ گروه قومی؛ ۱۱ درصد (۳ مورد) از پژوهش را قوم آذری و لر؛ ۶۷ درصد (۱۸ مورد) فارس؛ ۸ درصد (۲ مورد) قوم بلوچ و ۳ درصد (۱ مورد) را قوم کرد تشکیل داده است.
- به لحاظ سطح توسعه استان‌ها؛ ۲۶ درصد (۷ مورد) از پژوهش در استان توسعه‌یافته؛ ۶۳ درصد (۱۷ مورد) در مناطق در حال توسعه و ۱۱ درصد (۳ مورد) در مناطق کم‌توسعه اجرا شده است.
- در این قسمت، به اندازه اثر تک‌تک مطالعات، اثر نهایی پژوهش، همگنی / ناهمگنی تحقیق و متغیرهای تعدیلگر اشاره شده است.

جدول ۲. اندازه اثر پژوهش

گزارش آماری					نویسندگان و سال
sig	Z	upper	lower	Effect size	
۰/۰۰۰	۴/۹۸۱	۰/۱۰۲	۰/۰۹۹	۰/۲۳۴	ابراهیم‌پور و همکاران (۱۳۹۹)
۰/۰۰۲	۳/۰۳۰	۰/۲۵۰	۰/۰۵۵	۰/۱۵۴	رفیعی، مداحی و سیار خلیج (۱۳۹۹)
۰/۰۰۲	۳/۰۵۰	۰/۲۵۱	۰/۰۵۶	۰/۱۵۵	اکبری شهبانی و ابراهیم‌پور (۱۳۹۷)
۰/۰۰۰	۶/۷۸۷	۰/۴۲۸	۰/۲۴۷	۰/۳۴۱	سفیری، رجبیلو و قلیزاده (۱۳۹۷)
۰/۰۰۰	۶/۳۸۷	۰/۳۹۶	۰/۲۱۹	۰/۳۱۰	شهیدی (۱۳۹۷)
۰/۰۰۰	۴/۰۵۸	۰/۳۰۰	۰/۱۰۸	۰/۲۰۶	عبدی زرین، فقیهی و ضمیری (۱۳۹۷)

گزارش آماری					نویسندگان و سال
sig	Z	upper	lower	Effect size	
۰/۰۰۰	۶/۷۶۵	۰/۳۵۵	۰/۲۰۲	۰/۲۸۰	جعفری و جعفری (۱۳۹۶)
۰/۰۰۰	۸/۰۶۱	۰/۴۷۳	۰/۳۰۳	۰/۳۹۱	طالبی و رمضانی (۱۳۹۶)
۰/۰۰۰	۱۳/۴۸۹	۰/۶۹۱	۰/۵۶۱	۰/۶۳۰	سلطانی و سلطانی (۱۳۹۵)
۰/۰۰۰	۱۰/۳۷۵	۰/۴۶۷	۰/۳۳۲	۰/۴۰۲	شاطریان و همکاران (۱۳۹۵)
۰/۰۰۰	۵/۹۵۲	۰/۳۶۵	۰/۱۹۱	۰/۲۸۰	پورسعدی، محمدپور و عباسزاده (۱۳۹۵)
۰/۰۰۰	۱۰/۰۳۱	۰/۵۴۷	۰/۳۹۱	۰/۴۷۳	جهانبخش گنجه، باقری نیا و جعفری (۱۳۹۵)
۰/۰۰۰	۲۲/۷۴۵	۰/۷۶۶	۰/۶۹۱	۰/۷۳۱	عبدالمحمدی و همکاران (۱۳۹۵)
۰/۰۰۰	۹/۶۰۱	۰/۱۴۳	۰/۰۱۸	۰/۲۸۷	هاشمی زهی، میری و حافظ رضازاده (۱۳۹۵)
۰/۰۰۰	۷/۸۳۲	۰/۴۵۵	۰/۲۸۶	۰/۳۷۴	افشانی ذاکری هامانه و عسگری ندوشن (۱۳۹۴)
۰/۰۰۰	۶/۹۱۲	۰/۴۲۶	۰/۲۴۸	۰/۳۴۰	حاجی زاده میمندی، سعید و واصف ینگجه (۱۳۹۴)
۰/۰۰۱	۳/۴۷۹	۰/۲۷۴	۰/۰۷۸	۰/۱۷۸	فتاحی و همکاران (۱۳۹۴)
۰/۰۰۰	۹/۴۳۴	۰/۵۲۰	۰/۳۶۹	۰/۴۵۳	منصوری، علوی و یادگارنژاد (۱۳۹۴)
۰/۰۰۰	۶/۹۱۲	۰/۴۲۶	۰/۲۴۸	۰/۳۴۰	اسدی و همکاران (۱۳۹۳)
۰/۰۰۰	۸/۹۷۷	۰/۵۰۸	۰/۳۴۵	۰/۴۳۰	هاشمیان فر، دهقانی و اکبرزاده (۱۳۹۲)
۰/۰۰۰	۵/۴۳۲	۰/۳۸۵	۰/۱۸۹	۰/۲۹۰	شایگان (۱۳۹۲)
۰/۰۰۰	۹/۴۷۱	۰/۵۸۰	۰/۲۳۶	۰/۲۱۷	امین بیدختی (۱۳۹۲)
۰/۰۰۰	۱۰/۴۴۶	۰/۵۵۳	۰/۴۰۲	۰/۴۸۱	بیدختی و شریفی (۱۳۹۱)
۰/۰۰۰	۷/۵۳۲	۰/۴۴۳	۰/۲۷۳	۰/۳۶۱	پوراحمد و همکاران (۱۳۹۱)
۰/۰۰۰	۴/۳۸۳	۰/۳۸۶	۰/۱۵۴	۰/۲۷۴	کردی و کوهساری (۱۳۹۰)
۰/۰۰۰	۷/۱۱۲	۰/۲۹۸	۰/۱۰۰	۰/۱۲۶	رستمی (۱۳۸۹)
۰/۰۰۰	۱۰/۶۸۹	۰/۵۱۴	۰/۲۱۳	۰/۱۸۸	قربانزاده سوار (۱۳۸۷)

نتایج فوق نشان می‌دهد دین‌داری در پژوهش عبدالمحمدی و همکاران (۱۳۹۵) با مقدار ۰/۷۳ و جهانبخش گنجه، باقری‌نیا و جعفری (۱۳۹۵) با مقدار ۰/۴۷ بیشترین تأثیر و در پژوهش رفیعی، مداحی و سیار خلیج (۱۳۹۹) و اکبری شهابی و ابراهیم‌پور (۱۳۹۷) با مقدار ۰/۱۵ و فتاحی و همکاران (۱۳۹۴) با مقدار ۰/۱۷ کمترین تأثیر را بر احساس امنیت در بین تمامی تحقیقات داشته است.

۴-۱. تأثیر مؤلفه‌های دین‌داری بر احساس امنیت اجتماعی

جدول ۳. اثر کل مؤلفه‌های دین‌داری بر احساس امنیت اجتماعی

گزارش آماری					مؤلفه دین‌داری
sig	Z	upper	lower	Effect size	
۰/۰۰۰	۴/۳۵۱	۰/۳۷۷	۰/۱۰۰	۰/۳۰۱	بُعد اعتقادی
۰/۰۰۰	۹/۴۰۱	۰/۵۶۰	۰/۲۰۲	۰/۱۸۹	بُعد مناسکی
۰/۰۰۰	۱۱/۷۰۲	۰/۷۲۲	۰/۳۴۶	۰/۳۷۲	بُعد عاطفی
۰/۰۰۰	۳/۲۲۱	۰/۲۸۹	۰/۱۶۱	۰/۱۹۲	بُعد پیامدی
۰/۰۰۰	۵/۱۱۰	۰/۲۰۱	۰/۱۸۷	۰/۳۶۱	بُعد تجربی
۰/۰۰۰	۸/۸۶۶	۰/۴۴۲	۰/۲۹۴	۰/۳۷۰	اثر کلی

مأخذ: همان.

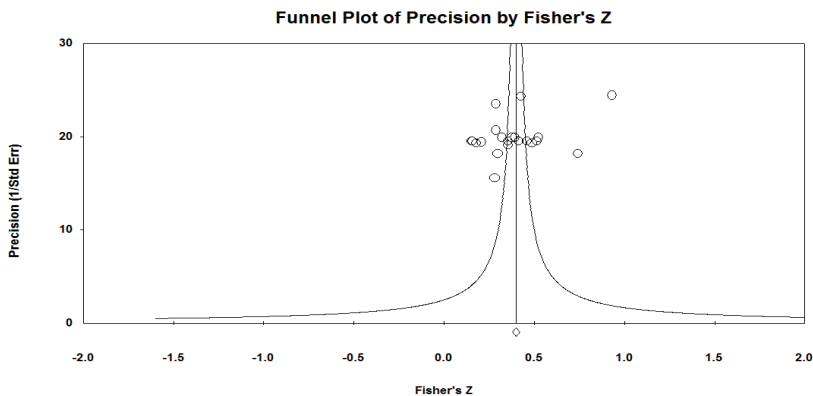
نتایج تأثیر مؤلفه‌های دین‌داری در پنج بعد فوق نشان می‌دهد که مؤلفه بعد عاطفی با مقدار ۰/۳۷ و بعد تجربی با مقدار ۰/۳۶۱ بیشترین؛ بعد مناسکی با مقدار ۰/۱۸۹ و بعد پیامدی با مقدار ۰/۱۹ کمترین تأثیر را بر احساس امنیت شهروندان داشته و در این میان بعد اعتقادی با مقدار ۰/۳۰ تقریباً تأثیر متوسطی در مقایسه با سایر مؤلفه‌های دین‌داری بر احساس امنیت اجتماعی شهروندان داشته است. نتایج فوق نشان می‌دهد که در مجموع ۲۷ پژوهش توانسته‌اند ۰/۳۸ و ۰/۳۷ از واریانس

احساس امنیت اجتماعی را تبیین کنند، به اندازه یک میزان تغییر در میزان دین‌داری، ۳ دهم تغییرات در احساس امنیت رخ می‌دهد و با افزایش میزان دین‌داری، متغیر احساس امنیت اجتماعی به همین مقدار نیز افزایش می‌یابد.

۲-۴. نمودار کیفی (بررسی میزان همگنی و ناهمگنی پژوهش)

در رگرسیون اگر مقدار فیشر و نحوه پراکندگی اطراف خط نشان می‌دهد که مطالعات تا چه اندازه همگن هستند، مطابق پراکندگی نقاط اطراف خط شیب، مطالعات فوق همگن نیستند. به دلیل تفاوت‌های جغرافیایی، زمان پژوهش نویسندگان یا نوع جامعه آماری مورد تحقیق، اختلاف و واریانس وجود دارد. در این نمودار، در صورت عدم سوگیری انتشار، مطالعات انجام شده به صورت متقارن در اطراف اندازه اثر ترکیبی توزیع می‌شوند.

نمودار ۱. رگرسیون برای میزان همگنی و ناهمگنی پژوهش



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

۴-۳. آزمون Q

در صورت همگنی مطالعات، از اندازه ثابت استفاده می‌شود و نتایج حاصل از تصادفی در شرایط ناهمگنی، قابلیت تعمیم بیشتری نسبت به مدل ثابت دارد. آزمون برای همگنی و ناهمگنی مطالعات به کار می‌رود. دو فرض اساسی مطرح می‌کند:

فرض صفر: بین مطالعات تحت بررسی تفاوت معناداری وجود ندارد.

فرض خلاف: بین مطالعات تحت بررسی تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۴. آزمون Q

وضعیت همگنی مطالعات			
Q-value	df	p-value	i-squared
۳۲۳/۴۴۷	۲۶	۰/۰۰۰	۹۳/۸۱۷

مأخذ: همان.

با توجه به نتایج مدل می‌توان با اطمینان ۹۹ درصد گفت که فرض صفر مبتنی بر همگن بودن مطالعات رد شده و فرض ناهمگونی (عدم همگنی) پژوهش‌ها تأیید شده است. معنادار بودن $Q=۳۲۴$ نشان از وجود ناهمگنی است. مقدار مجذور i دارای مقداری بین ۱۰۰-۰ است و ناهمگنی را به صورت درصدی نشان می‌دهد. هرچه به ۱۰۰ نزدیک‌تر، نشان‌دهنده ناهمگنی بیشتر اندازه‌های اثر پژوهش اولیه است. مقدار $۹۳/۸۱$ مؤید تغییرات کل مطالعات به ناهمگنی بین پژوهش مربوط است. بر این مبنا باید از اثر تصادفی برای تحلیل استفاده کرد.

۴-۴. تفاوت احساس امنیت اجتماعی بر حسب قومیت پژوهش‌ها

جدول ۵. تفاوت احساس امنیت اجتماعی بر حسب قومیت پژوهش‌ها

تصادفی			هویت قومی
sig	z-value	اندازه ترکیبی	
۰/۰۰۰	۸/۴۶۲	۰/۴۵۱	فارس
۰/۰۰۰	۶/۱۰۰	۰/۱۷۹	آذری
۰/۰۰۰	۶/۹۱۲	۰/۳۴۰	کرد
۰/۰۰۱	۳/۳۹۵	۰/۲۱۹	بلوچ
۰/۰۰۰	۵/۳۷۳	۰/۳۳۹	لر
۰/۰۰۰	۱۴/۶۵۵	۰/۲۶۹	اثر کل

مأخذ: همان.

با توجه به نتایج در تأثیر دین‌داری بر احساس امنیت، هویت قومی تأثیر معناداری داشته است، در این میان هویت قومی فارس با ۰/۴۵ بیشترین و هویت قومی آذری با مقدار ۰/۱۷ کمترین تأثیر را به‌عنوان میانجی بر احساس امنیت داشته است. به‌ترتیب میزان تأثیر هویت قومی کرد برابر با ۰/۳۴؛ لر برابر با ۰/۳۳ و قوم بلوچ برابر با ۰/۲۱ بوده است.

۴-۵. تفاوت احساس امنیت اجتماعی بر حسب جنسیت پژوهش‌ها

جدول ۶. تفاوت احساس امنیت اجتماعی بر حسب جنسیت پژوهش‌ها

تصادفی			جنسیت
sig	z-value	اندازه ترکیبی	
۰/۰۰۰	۳/۸۷۳	۰/۴۰۰	زن
۱۰/۰۰	۵/۹۹۱	۰/۳۸۱	مرد
۰/۰۰۰	۶/۴۸۱	۰/۳۵۵	اثر کل

مأخذ: همان.

همان‌طور که در جدول آمده است بین جنسیت و احساس امنیت اجتماعی، رابطه معناداری وجود دارد و مقدار اثر کلی آن برابر با ۳۵ درصد است. در این میان، میزان دین‌داری زنان (۰/۴۰) بیشتر از مردان (۰/۳۸) است.

۴-۶. تفاوت احساس امنیت اجتماعی بر حسب جامعه آماری پژوهش‌ها

جدول ۷. تفاوت احساس امنیت اجتماعی بر حسب جامعه آماری پژوهش‌ها

تصادفی			گروه مورد بررسی
sig	z-value	اندازه ترکیبی	
۰/۰۰۰	۹/۲۳۱	۰/۳۷۸	شهروندان
۰/۰۰۰	۷/۵۵۸	۰/۲۶۸	دانشجویان
۰/۰۰۰	۳/۴۰۱	۰/۲۴۱	دانش‌آموزان
۰/۰۰۰	۱۰/۷۳۲	۰/۲۲۶	اثر کل

مأخذ: همان.

جامعه آماری مورد بررسی نشان می‌دهد شهروندان با ۰/۳۷ بیشترین و دانش‌آموزان با ۰/۲۴ کمترین تأثیر را به‌عنوان متغیر میانجی بر احساس امنیت داشته‌اند.

۴-۷. تفاوت احساس امنیت اجتماعی بر حسب سطح توسعه استان‌های جامعه آماری پژوهش‌ها

جدول ۸. تفاوت احساس امنیت اجتماعی بر حسب سطح توسعه استان‌های

تصادفی			استان
sig	z-value	اندازه ترکیبی	
۰/۰۰۰	۱۶/۹۲۴	۰/۲۶۷	توسعه‌یافته
۰/۰۰۰	۱۰/۴۸۶	۰/۳۸۰	در حال توسعه
۰/۰۰۰	۲۵/۱۸۷	۰/۴۴۳	کم توسعه
۰/۰۰۰	۷۰/۶۶۳	۰/۳۸۹	اثر کل

مأخذ: همان.

یافته‌ها نشان می‌دهد تأثیر میزان دین‌داری بر احساس امنیت از طریق سطح توسعه استان‌های مورد بررسی معنادار بوده و مقدار آن برابر با ۰/۳۸۹ است. بر این اساس میزان دین‌داری در استان‌های کم‌توسعه با ۰/۴۴ و در حال توسعه با ۰/۳۸۰ بیشترین تأثیر و در استان‌های توسعه‌یافته با ۰/۲۶۷ کمترین تأثیر را بر احساس امنیت اجتماعی به‌عنوان متغیر میانجی داشته است.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

احساس امنیت اجتماعی، از اساسی‌ترین و نیازهای پایه‌ای جامعه انسانی محسوب می‌شود که در کنش متقابل، میان افراد تولید و توسعه می‌یابد. پایه اصلی این امنیت

جمعی؛ داشتن تعلق جمعی و عنصر کنترل‌کننده‌ای است که در قالب سرمایه جمعی بازتعریف می‌شود. دین‌داری از مهم‌ترین ابزار و روش کنترل اجتماعی غیررسمی در جامعه است که کارکرد اجتماعی آن تأمین امنیت اجتماعی و مبارزه با بی‌نظمی محیطی است. دین‌داری، نقش مهمی در زندگی جمعی افراد ایفا کرده و نظم اجتماعی را سامان‌دهی می‌کند و از طریق سازوکارهای سرمایه اجتماعی (پیوند اجتماعی، انسجام، تعلق اجتماعی و اعتماد اجتماعی) به سلامت اجتماعی (کاهش بزهکاری، پیشگیری از جرائم خشن، کاهش ناامنی و ...) کمک می‌کند. در اصل از کارکردهای اجتماعی میزان دین‌داری، کاهش هزینه‌های اجتماعی در سالم‌سازی محیطی از طریق پیوندهای اجتماعی و استحکام مناسبات اجتماعی است.

این پژوهش، ۲۷ سند پژوهشی را درباره اهمیت میزان دین‌داری بر احساس امنیت اجتماعی در بازه زمانی سال‌های ۱۳۸۷ الی ۱۴۰۰ به روش پیمایشی (کمی) مورد مطالعه قرار داده است که درنهایت با انجام فراتحلیل می‌توان گفت بین دین‌داری و احساس امنیت اجتماعی رابطه معناداری وجود داشته و اثر کلی آن برابر با ۰/۳۷ است. به این معنا که با تقویت میزان دین‌داری در جامعه؛ احساس امنیت اجتماعی افزایش می‌یابد. همچنین دین‌داری با ایجاد احساس مسئولیت اجتماعی و داشتن تعهد در قبال محیط زندگی، سلامت محیطی، دفاع از حریم هموعان خود؛ نقش بازدارنده، پیشگیرانه و کنترل‌کننده را در برابر بزهکاری و رفتارهای مجرمانه دارد. دین‌داری در جامعه با تولید سرمایه اجتماعی مذهبی؛ ساکنان محیطی را در یک شبکه پیوند می‌دهد و برای جامعه مطلوب، سالم و بهنجار ترغیب می‌کند. نوعی احساس وظیفه و تعهد برای حفظ آرامش جمعی است. درحقیقت نوعی از پیمان جمعی را شکل می‌دهد که اعضای شبکه مذهبی به‌دلیل باور و اعتقاد به رسالت دینی؛ در برابر بزهکاری و ناامنی اجتماعی واکنش نشان می‌دهند و دفاع جمعی را از محیط امری حیاتی تلقی می‌کنند.

میزان دین‌داری به‌عنوان مهم‌ترین ابزار در تقویت احساس امنیت و مقابله با عوامل ناامن‌کننده جامعه در بین تمامی اقوام ایرانی، مورد توجه است. پایبندی جامعه سوای گروه قومی، ساختار جغرافیایی و زبان قومی به دین اسلام و مناسک آن از جمله مشارکت در پیاده‌روی اربعین حسینی، تاسوعا - عاشورا، شب‌های قدر و سایر مناسبت‌های مذهبی، رفتارهای پرخطر را کاهش می‌دهد و با ایجاد حس کنترلی (شرم و حیا) و همچنین حساسیت جامعه به امور محیطی، به تقویت نظم امنیت اجتماعی کمک می‌کند. دین‌داری و انجام مناسک دینی و حضور در اجتماعات مذهبی (سرمایه اجتماعی مذهبی)، با ایجاد شرم و حیا، رفتارهای غیراخلاقی را کاهش می‌دهد. این نتایج با یافته‌های مطالعاتی بکر و اسمیت (۲۰۱۰)، کارولین و همکاران (۲۰۰۹)، اسمیت (۲۰۲۲)، لنگیت (۲۰۲۲)؛ سالواتر و روبین (۲۰۱۸)؛ اکبری شهبابی و ابراهیم‌پور (۱۳۹۷)؛ سفیری، رجب‌لو و قلیزاده (۱۳۹۷)؛ شهیدی (۱۳۹۷)؛ عبدی زرین، فقیهی و ضمیری (۱۳۹۷)؛ جعفری و جعفری (۱۳۹۶)؛ طالبی و رمضانی (۱۳۹۶)؛ سلطانی و سلطانی (۱۳۹۵)؛ شاطریان و همکاران (۱۳۹۵)؛ پورسعدی، محمدپور و عباس‌زاده (۱۳۹۵)؛ جهانبخش گنجه، باقری‌نیا و جعفری (۱۳۹۵)؛ هاشمی‌زهی، میری و حافظ‌رضازاده (۱۳۹۵)؛ عبدالمحمدی و همکاران (۱۳۹۵)؛ افشانی، ذاکری‌هامانه و عسگری‌ندوشن (۱۳۹۴)؛ حاجی‌زاده میمندی، سعید و واصف‌ینگجه (۱۳۹۴)؛ فتاحی و همکاران (۱۳۹۴)؛ منصوری، علوی و یادگارنژاد (۱۳۹۴)؛ اسدی و همکاران (۱۳۹۳)؛ امین‌بیدختی (۱۳۹۲)؛ شایگان (۱۳۹۲)؛ هاشمیان‌فر، دهقانی و اکبرزاده (۱۳۹۲)؛ امین‌بیدختی و شریفی (۱۳۹۱)؛ پوراحمد و همکاران (۱۳۹۱)؛ کردی و کوهساری (۱۳۹۰)؛ رستمی (۱۳۸۹)؛ قربانزاده سوار (۱۳۸۷) همسو بوده و آنها را تأیید می‌کند.

با توجه به اینکه ۲۷ پژوهش را محققان در زمان، مکان، جامعه آماری و قومیت

و استان متفاوت انجام داده‌اند دارای سوگیری انتشار و ناهمگنی است، برای بررسی وجود ناهمگنی از آزمون Q و نمودار کیفی استفاده شده و مقدار ($i\text{-squared}=93/817$)؛ ($p\text{-value}=0/000$) و ($Q\text{-value}=323/447$) نشان‌دهنده ناهمگنی بین تحقیقات است. برای این منظور باید از متغیرهای تعدیلگر و میانجی بین میزان دین‌داری و احساس امنیت استفاده کرد. جهت بررسی تعدیلگر، متغیر هویت قومی، جامعه آماری و سطح توسعه استان وارد فرایند تحلیل شدند. نتایج نشان می‌دهد که هویت قومی به‌عنوان میانجی تأثیر معناداری بر احساس امنیت اجتماعی داشته است، در این میان هویت قومی فارس با مقدار $0/45$ بیشترین و هویت قومی آذری با $0/17$ کمترین تأثیر را به‌عنوان متغیر میانجی بر احساس امنیت داشته است. از بین جامعه آماری مورد بررسی، شهروندان با $0/37$ بیشترین و دانش‌آموزان با $0/24$ کمترین تأثیر را به‌عنوان متغیر میانجی بر احساس امنیت داشته‌اند.

نتایج نشان می‌دهد تأثیر میزان دین‌داری بر احساس امنیت از طریق سطح توسعه استان‌های مورد بررسی معنادار بوده و مقدار آن برابر با $0/38$ است. بر این اساس دین‌داری در استان‌های کم‌توسعه با $0/44$ و در حال توسعه با $0/38$ بیشترین تأثیر و در استان‌های توسعه‌یافته با $0/26$ کمترین تأثیر را از احساس امنیت به‌عنوان متغیر میانجی داشته است. هرچه سطح استان‌های مورد بررسی از کم‌توسعه به سمت در حال توسعه و توسعه‌یافته حرکت می‌کند، نقش دین‌داری در احساس امنیت نیز کاهش می‌یابد، می‌توان نتیجه گرفت که در استان‌های سنتی از جمله کم‌توسعه و در حال توسعه، دین‌داری به‌عنوان حلقه پیوندی بین گروه‌های مذهبی، شهروندان و آفریننده سرمایه اجتماعی، تأثیر زیادی در تأمین امنیت اجتماعی داشته و این وضعیت در استان‌های توسعه‌یافته به دلیل فردگرایی، مدرنیته، سبک زندگی مدرن و ناهمگونی اجتماعی برعکس بوده و نقش دین‌داری در این استان‌ها کاهش یافته است.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. آرون، ریمون (۱۳۸۸). *مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه پرهام باقر، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۳. ابراهیم‌پور، داوود، اصحاب حبیب‌زاده و زینب خاله اوغلی چرن‌دایی (۱۳۹۹). «مطالعه عوامل اجتماعی مرتبط با احساس امنیت اجتماعی در میان حاشیه‌نشینان و غیرحاشیه‌نشینان شهر تبریز»، فصلنامه *مطالعات امنیت اجتماعی*، ش ۶۴.
۴. ابراهیم‌زاده آملی، عبدالله (۱۳۸۴). «آثار دین‌داری در زندگی فردی و اجتماعی»، *مجله مریبان*، سال پنجم، ش ۱۷.
۵. احمدی، علی (۱۳۸۵). *امنیت و احساس امنیت*، تهران، انتشارات آشنایی.
۶. اسدی داوودآبادی، محمدحسین، علی احمدی، ملیحه خسروبیگی و سمیه کرم‌آشتیانی (۱۳۹۳). «بررسی رابطه بین دین‌داری و نگرش نسبت به امنیت اجتماعی (مطالعه موردی دانشگاه آزاد آشتیان در سال ۱۳۹۲)»، فصلنامه *دانش انتظامی مرکزی*، سال چهارم، ش ۱.
۷. افشانی، سیدعلیرضا و حسین عباس‌نژاد (۱۳۹۸). «دین‌داری و انزوای اجتماعی شهروندان شهر مشهد»، *مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان*، ش ۲۳۱۸۵، ۱۴ (۲).
۸. افشانی، سیدعلیرضا و زینب جعفری (۱۳۹۵). «رابطه دین‌داری و امید به آینده در بین دانشجویان دانشگاه یزد»، فصلنامه *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، سال ششم، ش ۱۹.
۹. افشانی، سیدعلیرضا، راضیه ذاکری هامانه و عباس عسگری ندوشن (۱۳۹۴). «نقش دین‌داری در تبیین میزان احساس امنیت اجتماعی شهروندان یزدی»، *مجله مطالعه اجتماعی ایران*، دوره ۹، ش ۱.
۱۰. اکبری شهبابی، ثریا و داوود ابراهیم‌پور (۱۳۹۷). «رابطه دین‌داری با احساس امنیت اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز»، *مجله مطالعات جامعه‌شناسی*، سال دهم، ش ۳۹.
۱۱. امین بیدختی، علی‌اکبر و نوید شریفی (۱۳۹۱). «بررسی نقش مداخله‌گرایانه سازه سرمایه اجتماعی در

رابطه بین دین‌داری و احساس امنیت اجتماعی»، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال اول، ش ۳.

۱۲. امین بیدختی، علی‌اکبر (۱۳۹۲). «دین‌داری و سرمایه اجتماعی حامی امنیت اجتماعی»، مطالعات امنیت اجتماعی، دوره ۴، ش ۳۳.

۱۳. باقری، علیرضا و مطهره مهدوی (۱۳۹۷). «تأثیر خود پنداره دینی بر احساس امنیت و رفتار شهروندی در شهرستان ساری»، فصلنامه مطالعات حفاظت و امنیت انتظامی، سال سیزدهم، ش ۴۷.

۱۴. بوزان، باری (۱۳۷۸). مردم، دولت‌ها و هراس‌ها، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۱۵. بیات، بهرام (۱۳۸۷). «تبیین جامعه‌شناختی احساس امنیت در بین شهروندان تهرانی»، نامه علوم اجتماعی، ش ۳۵.

۱۶. _____ (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی احساس امنیت، تهران، انتشارات امیرکبیر.

۱۷. پوراحمد، احمد، محمود عیوضلو، محبوبه حامد، داوود عیوضلو و فرشته رضایی (۱۳۹۱). «بررسی رابطه دین‌داری و احساس امنیت در فضاهای شهری و روستایی»، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال اول، ش ۱.

۱۸. پورسعدی، پروین، ابراهیم محمدپور و محمد عباس‌زاده (۱۳۹۵). «مطالعه تأثیر عملکرد پلیس و دین‌داری بر احساس امنیت اجتماعی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه آزاد تبریز)»، دانش انتظامی آذربایجان شرقی، سال ششم، ش ۴ (پیاپی ۲۳).

۱۹. توسلی، غلامعباس (۱۳۸۹). نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، سمت.

۲۰. جعفری، سلیمان و افسانه جعفری (۱۳۹۶). «بررسی نقش اعتقادات دینی بر امنیت اجتماعی (مطالعه موردی: زنان شهر کرمان)»، فصلنامه دانش انتظامی، سال ششم، ش ۱۳.

۲۱. جهانبخش گنجه، صادق، محسن باقری‌نیا و نیما جعفری (۱۳۹۵). «بررسی نقش اعتماد اجتماعی و دین‌داری در پیش‌بینی احساس امنیت»، پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، سال نهم، ش ۴.

۲۲. حاجی‌زاده میمندی، مسعود، زهرا سعید و وحید واصف ینگجه (۱۳۹۴). «بررسی رابطه بین دین‌داری و احساس امنیت شهروندان کرمان»، فصلنامه دانش انتظامی کرمان، سال ششم، ش ۱۴.
۲۳. حسینی، محمدباقر (۱۳۹۵). «بررسی تأثیر دین‌داری بر احساس امنیت اجتماعی (مطالعه موردی: دانش‌آموزان دختر راهنمایی ناحیه یک شهر شهرکرد)»، کنفرانس بین‌المللی مدیریت و اقتصاد در قرن ۲۱.
۲۴. حسینی دشتی، سیدمصطفی (۱۳۹۷). معارف و معاریف دایره المعارف جامعه اسلامی، تهران، انتشارات سپیدموی اندیشه.
۲۵. خسروشاهی، لیلیا، مهرداد نوابخش، ابراهیم متقی و نوروز هاشم‌زهی (۱۳۹۸). «طراحی مدل تبیین عوامل فرهنگی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی در شهر کرمان»، مطالعات میان‌فرهنگی، سال چهاردهم، ش ۴۰.
۲۶. دلاور، علی (۱۳۸۴). راهنمای آزمون اندازه‌گیری احساس امنیت ناجا، تهران، دفتر تحقیقات کاربردی معاونت طرح و برنامه ناجا.
۲۷. دورکیم، امیل (۱۳۸۳). صور بنیانی حیات دینی، ترجمه باقر پرهام، تهران، انتشارات مرکز.
۲۸. ذوالفقاری، علی، طاها عشایری و صدیقه اسماعیلی (۱۳۹۹). «تبیین نقش مؤلفه‌های دین‌داری در میزان احساس امنیت اجتماعی»، فصلنامه امنیت ملی، دوره ۱۰، ش ۳۸.
۲۹. رستمی، فاطمه (۱۳۸۹). «بررسی میزان دین‌داری و احساس امنیت دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه و پیش‌دانشگاهی شهر تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام‌نور استان تهران.
۳۰. رفیعی، حسن‌رضا، جواد مداحی و حامد سیار خلیج (۱۳۹۹). «رابطه دین‌داری و رسانه‌های جمعی با احساس امنیت در شهر زاهدان»، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، ش ۶۲.
۳۱. زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۴). امنیت، تهران، دانشگاه تهران.
۳۲. سفیری، خدیجه، علی رجیلو و صغری قلیزاده (۱۳۹۷). «رابطه بین دین‌داری و احساس امنیت اجتماعی در شبکه‌های مجازی»، نشریه پلیس زن، سال دوازدهم، ش ۲۸.

۳۳. سلطانی، اختر و پرستو سلطانی (۱۳۹۵). «بررسی تأثیر ابعاد دین‌داری بر احساس امنیت اجتماعی دانشجویان (مطالعه موردی: دانشجویان رشته روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام)»، فصلنامه دانش انتظامی/ایلام، سال پنجم، ش ۲۰.
۳۴. شاطریان، محسن، سیدسعید حسینی‌زاده آرانی، ایوب سخایی و محمدرضا حسینی (۱۳۹۵). «میزان دین‌داری و امنیت؛ بررسی و سنجش ارتباط میان میزان دین‌داری و احساس امنیت اجتماعی در میان ساکنان مناطق حاشیه‌ای شهر کاشان»، دوفصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، دوره ۳، ش ۷.
۳۵. شایگان، فریبا (۱۳۹۲). «دین‌داری و احساس امنیت اجتماعی»، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ش ۱۵.
۳۶. شاهرخی، احسان، سعیده گروسی و جلال میرزایی (۱۳۸۶). «بررسی رابطه اجتماعی و احساس امنیت (مطالعه موردی دانشجویان دختر دانشگاه آزاد جیرفت)»، فصلنامه دانش انتظامی، دوره ۹، ش ۲.
۳۷. شجاعی‌زند، علیرضا (۱۳۸۸). «تبارشناسی تجربه دینی در مطالعات دین‌داری»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره ۲، ش ۶.
۳۸. شریفی، احمدحسین (۱۳۹۱). *آداب و سبک زندگی اسلامی*، تهران، نشر آفتاب توسعه.
۳۹. شهیدی، عباسعلی (۱۳۹۷). «بررسی رابطه عمل به باورهای دینی با احساس امنیت اجتماعی»، فصلنامه پژوهش‌های اعتقادی-کلامی، سال هشتم، ش ۳۱.
۴۰. صدیق سروستانی، رحمت‌اله (۱۳۷۶). *عوامل و موانع اجتماعی امنیت در ایران*، تهران، نشر وزارت کشور.
۴۱. طالبی، ابوتراب و محمد رضانی (۱۳۹۶). «بررسی رابطه دین‌داری با احساس امنیت اجتماعی (مورد مطالعه: ساکنان شهر کاشان)»، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، ش ۵۲.
۴۲. عبدالمحمدی، امیر، مهرداد نوابخش، منصور حقیقتیان و محمد رضوی (۱۳۹۵). «بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی با تأکید بر ابعاد دین‌داری (مورد مطالعه: شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر تهران)»، پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، سال نهم، ش ۴.
۴۳. عبدی زرین، سهراب، علی نقی فقیهی و محمدرضا ضمیری (۱۳۹۷). «نقش دین‌داری در سلامت روان

- هویت یابی و امنیت اجتماعی دانشجویان قم»، فصلنامه مطالعات ملی، سال نوزدهم، ش ۳.
۴۴. علیزاده‌اقدام، محمدباقر، سعید سلطانی بهرام و آرمان احمدی (۱۳۹۲). «بررسی پدیده آنومی اجتماعی در بین شهروندان حاشیه‌نشین شهر تبریز»، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال سوم، ش ۲.
۴۵. علیزاده، عبدالرضا (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی معرفت، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴۶. فتاحی، شهرام، طیبه زارعی، جعفر احمدپور پرویزیان و پروانه امیری (۱۳۹۴). «بررسی ارتباط بین دین‌داری و احساس امنیت اجتماعی در بین جوانان (نمونه مورد مطالعه: جوانان ۱۸ تا ۲۹ سال کرمانشاه)»، فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال نهم، ش ۳ (پیاپی ۳۰).
۴۷. قربان‌زاده سوار، زهرا (۱۳۸۷). «بررسی تأثیر دین‌داری بر احساس امنیت اجتماعی جوانان (قم)»، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام.
۴۸. کردی، حسین و هادی کوهساری (۱۳۹۰). «دین‌داری و احساس امنیت اجتماعی (مطالعه موردی: آزادشهر)»، فصلنامه دانش انتظامی گلستان، دوره ۲، ش ۷.
۴۹. کوزر، لوئیس (۱۳۷۳). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.
۵۰. ماندل، رابرت (۱۳۷۹). چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۵۱. منصوری، احمد، سعید علوی و امین یادگارنژاد (۱۳۹۴). «رابطه بین دین‌داری و احساس امنیت اجتماعی در شبکه‌های مجازی (مورد مطالعه: دانشجویان دختر دانشگاه‌های شهید بهشتی و الزهرا)»، دو فصلنامه مطالعات پلیس زن، سال دوازدهم، ش ۲۸.
۵۲. مؤذن‌زاده جامی، محمدهادی (۱۳۸۴). «تأملی بر مفهوم نظم و امنیت و عوامل مرتبط با آن»، فصلنامه امنیت اجتماعی، ش ۱.
۵۳. نقدی، اسداله (۱۳۸۵). «حاشیه‌نشینی، پیدایش، مسائل و راهکارها»، اولین همایش بین‌المللی طراحی

شهر، اصفهان.

۵۴. نوروزی، فیض‌اله و سارا فولادی‌سپهر (۱۳۸۸). «بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان ۲۹-۱۵ ساله

شهر تهران و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن»، فصلنامه راهبرد، سال هجدهم، ش ۵۳.

۵۵. نویدنیا، منیژه (۱۳۸۵). «تحلیل رابطه امنیت اجتماعی و هویت ایرانی»، فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی،

سال دوم، ش ۳.

۵۶. نیازی، محسن، طاها عشایری و رستم منتی (۱۳۹۶). جامعه‌شناسی ترس از جرم، تهران، نشر

جامعه‌شناسان.

۵۷. ویلم، ژان پل (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی ادیان، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، تبیان.

۵۸. هاشمی‌زهی، سودابه، غلامرضا میری و معصومه حافظ رضازاده (۱۳۹۵). «عوامل مؤثر بر احساس امنیت

شهروندان در توسعه شهری (مطالعه موردی: بافت‌های فرسوده شهر سراوان)، همایش ملی بافت‌های

فرسوده و تاریخی شهری.

۵۹. هاشمیان‌فر، علی، حمید دهقانی و فاطمه اکبرزاده (۱۳۹۲). «تأثیر دین‌داری و رسانه‌های جمعی بر

احساس امنیت اجتماعی دانشجویان»، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال دوم (پیاپی

۵)، ش ۱.

۶۰. همیلتون، ملکم (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر تبیان.

۶۱. یوسف‌زاده، حسن (۱۳۸۸). بررسی تحول آرا پیتر برگر درباره دین و عرفی شدن، قم، انتشارات مؤسسه

آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

62. Allen, R. (2007). *The Bonding and Bridging Roles of Religious Institutions for Refugees in a Non-gateway Context*, Ethnic and Racial Studies.

63. Baker, Chris and Hannah Skinner (2006). *Faith in Action the Dynamic Connection Between Spiritual and Religious Capital*, Manchester, William Temple Foundation.

64. Baker, Chris and Jonathan Miles-Watson (2008). "Exploring Secular Spiritual Capital; An Engagement in Religious and Secular Dialogue for a Common Future", *International Journal of PublicTheology* 2 (4).

65. Baker, Christopher and Smith Greg (2010). "Spiritual, Religious and Social Capital

- Exploring their Dimensions and their Relationship with Faith-based Motivation and Participation in UK Civil Society”, www.wtf.org.uk
66. Carolin, Leutloff-Grandits, Anja Peleikis and Tatjana Thelen (2009). “Social Security in Religious Networks Pages”, Bibliog., Index ISBN 978-1-84545-576-7 \$135.00 / £99.00 / Hb / Published (June 2009) <https://doi.org/10.3167/9781845455767>
67. Emerson, M.O., S.C. Monahan and W.A. Mirola (2011). *Religion Matters: What Sociology Teaches Us About Religion in Our World*, Upper Saddle River, NJ: Prentice Hall.
68. Langat, Kathryn C. (2022). *Religion and Crime: Exploring the Link towards Crime Prevention in Bungoma County, Kenya*.
69. Moberg, D.O. (2008). “Spirituality and Aging: Research and Implications”, *Journal of Religion, Spirituality and Aging*, 20.
70. Morris, A. (1984). *The Origins of the Civil Rights Movement: Black Communities Organizing for Change*, New York, NY: Free Press.
71. Putnam, Robert (2000). *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*, New York, Simon and Schuster.
72. Salvatore, Christopher and Gabriel Rubin (2018). “The Influence of Religion on the Criminal Behavior of Emerging Adults”, Department of Justice Studies, Montclair State University, Montclair, NJ 07043, *USA Religions*, 9 (5), 41; <https://doi.org/10.3390/re19050141>
73. Smith, Ryan A. (2022). “This Special Issue Belongs to the Section ‘Religions and Health/Psychology/Social Sciences’ ”, A Special Issue of Religions (ISSN 2077-1444).
74. Yeary, Karen Hye-cheon Kim, Songthip Ounpraseuth, Page Moore and Zoran Bursac (2012). “Religion, Social Capital and Health”, *Review of Religious Research*, 54 (3).

مفهوم‌پردازی تحرک بدنی در کتاب‌های درسی مقاطع

پایه نوآموزان کم‌توان ذهنی

سعید یوسفی* و زهرا اصغری**

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۶	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۸	شماره صفحه: ۵۴۶-۵۱۱
-------------------	--------------------------	-------------------------	---------------------

پژوهش حاضر با راهبرد تحلیل محتوای کیفی همه کتاب‌های درسی مقاطع پیش‌دبستانی و ابتدایی نوآموزان کم‌توان ذهنی را به تعداد ۴۶ عدد و ۷۶۶۴ صفحه با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودی‌ای ۲۰۲۰ مورد تحلیل قرار داده است. مؤلفه‌های تحرک بدنی در سه مقوله اصلی آموزش برای فعالیت‌های بدنی، آموزش با فعالیت‌های بدنی و رفتارهای کم‌تحرکی استخراج شد که در مجموع شامل ۱۶ مقوله فرعی یک، ۵۴ مقوله فرعی دو و ۱۰ مقوله فرعی سه است. مطالب تحرک بدنی با استفاده از خوشه‌های درسی مختلف به صورت صریح و ضمنی ارائه شده است، ولی با وجود این نکات مثبت شکاف‌هایی نیز در مورد فعال ماندن در خانه زمان همه‌گیری کرونا، فعالیت بدنی معلولان، فعالیت‌های ورزشی در خارج از مدرسه، کاهش رفتارهای کم‌تحرکی، مدت زمان مطلوب فعالیت‌های ورزشی و غیره در کتاب‌های درسی نوآموزان کم‌توان ذهنی شناسایی شد. بر همین اساس باید در کتاب‌های درسی نوآموزان کم‌توان ذهنی از متخصصان ورزش معلولان برای ارائه اطلاعات در مورد فعالیت‌های بدنی و رفتارهای کم‌تحرکی بهره گرفت. همچنین به موضوع‌های تحرک بدنی در همه پایه‌های تحصیلی پرداخت و از برنامه‌های فعالیت بدنی با درس بیشتر و در خوشه‌های درسی مختلف استفاده کرد.

کلیدواژه‌ها: نوآموزان؛ کتاب‌های درسی؛ تحرک بدنی؛ ورزش؛ کم‌توان ذهنی

* دانش‌آموخته دکتری مدیریت بازاریابی و رسانه ورزشی، دانشکده تربیت بدنی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران؛
Email: saeed_yuosefi@yahoo.com

** استادیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛
Email: daffodil@pnu.ac.ir

مقدمه

معلولیت یک موضوع بهداشت عمومی و حقوق بشر جهانی است و در حال حاضر ۱/۵ میلیارد نفر در سراسر جهان با معلولیت زندگی می‌کنند (سازمان بهداشت جهانی^۱، ۲۰۲۰). معلولیت علل متفاوتی دارد که کم‌توانی ذهنی یکی از شایع‌ترین علل آن به‌شمار می‌رود. براساس تعریف انجمن آمریکایی^۲ (۲۰۱۳)، کم‌توانی ذهنی یک اختلال رشدی است که با هوش بهر پایین و رفتارهای سازشی (شامل مهارت‌های عملی، مفهومی و اجتماعی)، مشخص می‌شود و این ناتوانی قبل از سن ۱۸ سالگی است. ناتوانی ذهنی به‌عنوان کاهش قابل توجه توانایی در درک اطلاعات جدید یا پیچیده و یادگیری و به‌کارگیری مهارت‌های جدید است که دامنه وسیعی از مهارت‌های عملی و اجتماعی روزانه را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Luckasson and Schalock, 2013)، که قبل از بزرگسالی شروع می‌شود و برای همیشه روی روند رشد تأثیر می‌گذارد. افراد دارای معلولیت در دسترسی به خدمات بهداشتی با موانعی روبه‌رو هستند و تبعیض و نقض حقوق (World Health Organization, 2020) را تجربه می‌کنند که به حاشیه راندن اجتماعی، اقتصادی و بهداشتی منجر می‌شود (مجمع عمومی سازمان ملل متحد^۳، ۲۰۲۰).

بنابراین افراد کم‌توان ذهنی به‌عنوان یکی از دسته‌های معلولیت برای جلوگیری از به حاشیه رانده شدن، در گذر از دوران کودکی به بزرگسالی باید رفتارهای اجتماعی، اقتصادی و بهداشتی را آموزش ببینند. یکی از موضوع‌های مهم بهداشتی برای افراد کم‌توان ذهنی، آموزش رفتارهای سلامت با تأکید بر افزایش فعالیت‌های بدنی و کاهش کم‌تحرکی است. یافته‌ها در این زمینه نشان می‌دهد کودکان و نوجوانان دارای

-
1. World Health Organization
 2. American Psychiatric Association
 3. United Nations General Assembly

ناتوانی ذهنی، سطوح بالاتری از رفتار بی‌تحرک نسبت به جمعیت عمومی همسالان دارند (Agiovlasitis et al., 2020). اکثر تحقیقاتی که فعالیت بدنی کودکان و نوجوانان کم‌توان ذهنی را اندازه‌گیری کرده‌اند، موافق هستند که کودکان با ناتوانی ذهنی، روزانه سطوح فعالیت بدنی بسیار کمتری از مقدار توصیه شده (Kampasova and Valkova, 2021) و فعالیت بدنی کمتری نسبت به همسالان سالم خود دارند (Einarsson et al., 2015).

یوان^۱ و همکاران (۲۰۲۱) نیز نشان دادند، تنها ۱۷/۴ درصد از کودکان و نوجوانان دارای ناتوانی ذهنی توانستند به توصیه ۶۰ دقیقه فعالیت بدنی متوسط تا شدید روزانه دست یابند و ۷۶/۱ درصد از کودکان و نوجوانان دارای ناتوانی ذهنی بیش از دو ساعت در روز فعالیت‌های کم‌تحرک داشتند. این در حالی است که شواهد قابل توجهی وجود دارد که فعالیت بدنی تأثیرات مثبتی بر سلامت جسمی و روانی-اجتماعی کودکان و نوجوانان کم‌توان ذهنی دارد (Kapsal et al., 2019)؛ مشهدی، (۱۳۹۴). بر همین اساس راهنماهای بالینی گوناگونی بیان می‌کنند که میزان مشخصی از فعالیت بدنی برای حفظ سلامتی مورد نیاز است (Albright et al., 2000). حتی با توجه به ویژگی‌های افراد کم‌توان ذهنی تأثیرات مثبت فعالیت بدنی برای کودکان و نوجوانان کم‌توان ذهنی بسیار مهم‌تر از همسالانشان است (Kampasova and Valkova, 2021). برعکس این حالت (میزان مشخصی از فعالیت بدنی برای حفظ سلامتی) نیز یعنی فعالیت بدنی متوسط تا شدید ناکافی، همراه با سطح بالای رفتار کم‌تحرک ممکن است کودکان و نوجوانان دارای ناتوانی ذهنی را در معرض تهدیدهای سلامت قرار دهد (Liu et al., 2020). رفتار بی‌تحرک به‌طور فزاینده‌ای به‌عنوان عامل خطر مستقل برای مرگ زودرس و بسیاری از بیماری‌های

مزمّن و غیرواگیر از جمله بیماری‌های قلبی عروقی، دیابت نوع دو و برخی سرطان‌ها شناخته شده است (Melville et al., 2017). علاوه بر این، مبتلا به این بیماری‌ها به نوبه خود می‌تواند بیشتر باعث کاهش فعالیت بدنی و طولانی شدن ناکافی بودن فعالیت بدنی متوسط تا شدید در افراد دارای ناتوانی ذهنی شود (Yuan et al., 2021). به خوبی شناخته شده است که افراد دارای معلولیت بیشتر از افراد بدون معلولیت مشکلات سلامتی دارند (Pančocha, 2006: 83). بنابراین افراد کم‌توان ذهنی برابر یا بیشتر از افراد سالم، برای داشتن سلامتی و تندرستی و پیشگیری از امراض و مرگ‌ومیر زودرس، نیاز به سلامت جسمی و فعالیت بدنی دارند (مشهدی، ۱۳۹۴؛ Kampasova and Valkova, 2020; Carty et al., 2021). ولی به نظر می‌رسد سطح فعالیت بدنی در افراد مبتلا به کم‌توانی ذهنی پایین است (Stanish et al., 2019)، به طوری که احتمال عدم فعالیت بدنی در افراد کم‌توان ذهنی دو برابر بیشتر است که از جمله دلایل آن ناآگاهی از رفتارهای سالم^۱ و موانع اجتماعی محیطی است (Grumstrup and Demchak, 2017; Rimmer and Rowland, 2008).

آن^۲ و همکاران (۲۰۱۹) در مطالعه خود مطرح می‌کنند که نوجوانان دارای ناتوانی‌های ذهنی و رشدی فاقد آگاهی و درک برای جلوگیری از مشکلات وزن هستند از این رو آموزش شیوه‌های ارتقای سلامت در بین این افراد از جمله انجام فعالیت‌های بدنی کافی و کاهش رفتارهای کم‌حرکی یعنی زندگی فعال‌تر ضروری است. همچنین بیان می‌کنند، شیوه‌های ارتقای سلامت باید در مدارس برای نوجوانان دارای ناتوانی‌های ذهنی و رشدی ارائه شود. به طوری که هوارد^۳ و همکاران (۲۰۰۶)، نیز بیان می‌کنند نوآموزان کم‌توان ذهنی در گذر از دوران کودکی به بزرگسالی، باید

1. Lack of Awareness in Healthy Behaviors

2. An

3. Heward

مهارت‌های مورد نیاز از جمله مراقبت‌های بهداشتی و مراقبت از خود را با برنامه درسی مدرسه بیاموزند. بنابراین یکی از روش‌ها برای آموزش و ارتقای آگاهی فعالیت‌های بدنی و شیوه‌های سلامتی در بین افراد کم‌توان ذهنی در مدارس از طریق برنامه‌های درسی است.

مویاماتا^۱ و همکاران (۲۰۱۴) در تحقیق خود نشان دادند که محتوای کتاب‌های درسی آموزش ابتدایی در اسپانیا، مرتبط با مهارت‌های حرکتی، بازی‌ها و فعالیت‌های ورزشی مرتبط بودند، در حالی که متأسفانه بیان بدن، سلامتی و دانش بدن کمتر رایج بود. بوتهل و نیر^۲ (۲۰۱۴)، نیز کتاب‌های درسی تربیت بدنی را بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۲ تجزیه و تحلیل کردند و وجود کلیشه‌ها و پیش‌داوری‌ها را در کتاب‌های نویسندگان برزیلی و اسپانیایی برجسته کردند. آنها در مورد تیپ بدنی که در تصاویر کتاب‌های درسی آمده بود به این نتیجه رسیدند که کلیشه‌ها، تعصبات و تبعیض‌ها با توجه به جنسیت، سن، قومیت، نژاد و الگوهای بدنی غالب هستند. ویدال و مارتینز^۳ (۲۰۱۷) نیز در تحلیل چگونگی نمایش بدن‌ها در کتاب‌های درسی تربیت بدنی متوسطه اسپانیایی نشان دادند، تنها ۱۰ درصد از عکس‌ها بدن معلولیت را در فعالیت‌های بدنی به تصویر می‌کشند. همچنین بدن‌های دارای معلولیت به‌طور کامل درگیر فعالیت‌های ورزشی تطبیقی بودند، در حالی که بدن‌های بدون معلولیت در حوزه‌های مختلف فعالیت بدنی مشغول بودند.

رودریگز و همکاران^۴ (۲۰۲۲) در پژوهشی با مرور کتاب‌های درسی و مواد آموزشی تربیت بدنی در محتوای بین‌المللی، مطالب آموزشی کتاب‌های درسی را شامل مهارت‌های حرکتی و فعالیت‌های ورزشی در مقایسه با کارهای مربوط به بیان

1. Moya Mata et al.

2. Botelho and Neira

3. Vidal and Martinez

4. Rodríguez et al.

بدن، دانش و سلامت نشان دادند. همچنین بسیاری از مقالات نابرابری آشکار در حضور مرد در مقابل زن، فعالیت‌های متفاوت برای مردان و زنان، حضور کم معلولان و سالمندان در تصاویر، حضور کم محیط طبیعی در منابع آموزشی، یک نابرابری واضح را در حضور چهره مرد در مقابل چهره زن را نشان می‌دهند. همچنین بیان می‌کنند به‌طور کلی، کتاب‌های درسی به‌سختی می‌توانند تنوع علایق و نیازها را برآورده کنند و معمولاً واقعیتی را منعکس می‌کنند که هیچ ربطی به بافت دانش‌آموزان ندارد.

با توجه به مطالب ذکر شده این مطالعه به استخراج مؤلفه‌های تحرک بدنی و کم‌حرکی در کتاب‌های درسی نوآموزان کم‌توان ذهنی در مقطع پیش‌دبستانی و ابتدایی پرداخته است. از این رو برخی از مشکلات احتمالی تحرک بدنی و کم‌حرکی در کتاب‌های درسی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی آشکار شده که با قرار دادن تحرک بدنی به‌شکل مناسب در کتاب‌های درسی آنها می‌توان این موارد را اصلاح کرد. بر همین اساس سؤال‌های اصلی در این تحقیق به این گونه است: تحرک بدنی در پایه‌های تحصیلی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی چگونه است؟ تحرک بدنی در خوشه‌های درسی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی چگونه است؟ کدام موضوع‌های تحرک بدنی در محتوای کتاب‌های درسی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی آمده است؟

۱. روش‌شناسی

روش تحقیق این پژوهش کیفی است که با راهبرد تحلیل محتوای کیفی و هدف کاربردی انجام شده است. تحلیل محتوای کیفی شامل مجموعه‌ای از روش‌ها برای تحلیل سیستماتیک متون و رسانه‌هاست. تحلیل محتوای کیفی به تفسیر پدیده‌ها و معانی نهفته در متون و تصاویر کمک می‌کند. بر همین اساس به‌منظور پی بردن

مفهوم پردازشی تحرک بدنی در کتاب‌های درسی مقاطع پایه نوآموزان کم‌توان ذهنی — ۵۱۷

به وضع موجود و نیز ارائه تصویر روشن از اطلاعات صریح و ضمنی^۱ تحرک بدنی در کتاب‌های درسی نوآموزان کم‌توان ذهنی به تحلیل کیفی کتاب‌های درسی نیاز است. برای جمع‌آوری داده‌ها، کل کتاب‌های درسی نوآموزان کم‌توان ذهنی مقاطع پیش‌دبستانی و ابتدایی بررسی شده است؛ یعنی جمع‌آوری داده‌ها از همه کتاب‌های درسی این کودکان (در مقاطع پیش‌دبستانی و ابتدایی) در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ انجام شده است.

وزارت آموزش و پرورش، کودکان با بهره‌های ۵۰ تا ۷۰ را به‌عنوان کودکان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر در نظر گرفته و می‌پذیرد، در حال حاضر در کشور ۶۰۱۷۰ نوآموز کم‌توان ذهنی وجود دارد که از این تعداد ۶۲ درصد یعنی ۳۷۳۰۵ نفر پسر و ۳۸ درصد یعنی ۲۲۸۶۵ نفر، دختر هستند. تحصیلات ابتدایی این نوآموزان از ۷ سالگی شروع می‌شود و شش سال ادامه دارد. کتاب‌های درسی ویژه‌ای برای دانش‌آموز کم‌توان ذهنی وجود دارد که در وزارت آموزش و پرورش سازمان ویژه‌ای به نام سازمان آموزش و پرورش استثنائی مسئولیت مدیریت مدارس مربوطه، تربیت معلم و تولید محتوای آموزشی شامل کتاب‌های درسی برای دانش‌آموزان و معلمان را برعهده دارد.

از این‌رو برای جمع‌آوری داده‌ها، نسخه‌های الکترونیکی کتاب‌های درسی از طریق وبسایت وزارت آموزش و پرورش (که همه کتاب‌های درسی را در آن آپلود کرده بود) دانلود شد. به این ترتیب ۴۶ عنوان کتاب درسی مورد استفاده برای نوآموزان کم‌توان ذهنی مقطع پیش‌دبستانی و ابتدایی تهیه شد. تمامی نسخه‌های الکترونیکی کتاب‌های درسی نوآموزان وارد نرم‌افزار مکس کیودی‌ای^۲ ۲۰۲۰ شد. سپس بازبانی،

1. Explicit and Implicit

2. MAXQDA 2020

کدگذاری و تفسیر صورت گرفت و در نهایت نقشه مکس براساس نتایج تحلیل‌ها ترسیم شد.

تحلیل داده‌ها در فرایند کدگذاری باز^۱ انجام شد به این ترتیب که مطالب کتاب‌های درسی چندین بار با دقت مورد مطالعه قرار گرفت و سپس اطلاعات، کلمات کلیدی، تصاویر و متن‌های صریح و ضمنی مربوط به تحرک بدنی در کتاب‌های درسی به عنوان کدها فهرست شد و در ادامه مطالعه با روش کدگذاری محوری، کدها را مقوله‌بندی^۲ کرده تا کدهای مشابه در یک مقوله^۳ قرار گیرد. سپس مشخصات و ابعاد^۴ هر مقوله مشخص شد و کدها و داده‌ها برای یافتن شباهت‌ها و تفاوت‌ها با هم مقایسه شدند. در نهایت با توجه به نتایج، مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها^۵ توسعه یافتند.

همان‌طور که قبلاً بیان شد واحدهای مطالعه در این پژوهش کل کتاب درسی نوآموزان کم‌توان ذهنی در مقاطع پیش‌دبستانی و ابتدایی شامل کتاب‌های سوادآموزی، ریاضی، فارسی خوانداری، فارسی نوشتاری، علوم، دینی، قرآن و اجتماعی بود که از ۴۶ کتاب درسی در شش کتاب درسی یعنی قرآن پایه ششم، پنجم، چهارم، سوم، ریاضی سوم و دینی پنجم اطلاعات، کلمات کلیدی، تصاویر و متن‌های صریح و ضمنی مربوط به تحرک بدنی یافته نشده است. فراوانی کتاب درسی نوآموزان کم‌توان ذهنی در مقاطع پیش‌دبستانی و ابتدایی در جدول ۱ نشان داده شده است.

-
1. Open Coding Process
 2. Categories
 3. Single Category
 4. Dimensions
 5. Subcategories

جدول ۱. کتاب درسی نوآموزان کم‌توان ذهنی در مقاطع پیش‌دبستانی و ابتدایی

مقاطع	پایه	فراوانی کتاب	تعداد صفحات	کتاب درسی
پیش‌دبستانی	مقدماتی	۲	۲۲۷	شناخت مفاهیم ریاضی و زبان برقراری ارتباط و سوادآموزی
ابتدایی	اول	۱۰	۱۲۵۶	ریاضی سه جلد، فارسی خوانداری و نوشتاری سه جلد، علوم سه جلد
	دوم	۶	۵۳۷	ریاضی، فارسی خوانداری و نوشتاری، علوم، دینی و قرآن
	سوم	۷	۶۶۴	ریاضی، فارسی خوانداری و نوشتاری، علوم، دینی، قرآن و اجتماعی
	چهارم	۷	۶۹۸	ریاضی، فارسی خوانداری و نوشتاری، علوم، دینی، قرآن و اجتماعی
	پنجم	۷	۷۰۵	ریاضی، فارسی خوانداری و نوشتاری، علوم، دینی، قرآن و اجتماعی
	ششم	۷	۶۳۱	ریاضی، فارسی خوانداری و نوشتاری، علوم، دینی، قرآن و اجتماعی
مجموع		۴۶	۷۶۶۴	

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

به‌منظور افزایش قابلیت اتکا (پایایی) از کاربرد ابزار توافق بین کدگذاران استفاده شده است. این ابزار امکان مقایسه کدگذاری دو فرد را به‌وجود می‌آورد که مستقل از یکدیگر، سند مشابهی را کدگذاری می‌کنند. از این‌رو به کمک این ابزار دو محقق از تیم تحقیقاتی، داده‌ها را کدگذاری کرده است و محل انطباق یافتن و نیافتن بخش‌ها کدگذاری شده است و دو محقق درباره موارد اختلاف به بحث و تبادل نظر پرداختند و توافق‌ترین گزینه‌ها انتخاب شد تا بر قابلیت اتکا کدگذاری افزوده شود. درنهایت پس از اصلاحات درصد توافق به کمک نرم‌افزار ۸۶ درصد توافق به‌دست آمده است.

۲. یافته‌های تحقیق

یافته‌های پرسش اول: تحرک بدنی در پایه‌های تحصیلی نوآموزان کم‌توان ذهنی چگونه است؟

جدول ۲. انواع مطالب تحرک بدنی به تفکیک پایه‌های تحصیلی

مطالب پایه	تصویر واقعی	تصاویر کار تونی	تصاویر تکراری	تصویر و شعر	تصویر و متن	فقط متن	مجموع مطالب	نسبت به صفحات
پیش	۰	۳۰	۰	۲	۰	۷	۳۹	۰/۱۴
اول	۵	۶۴	۴۲	۰	۹	۰	۱۲۰	۰/۰۹
دوم	۱	۹	۸	۰	۳	۰	۲۱	۰/۰۴
سوم	۱	۱۳	۴	۰	۱۲	۰	۳۰	۰/۰۴
چهارم	۱	۲۷	۸	۱	۱۷	۵	۵۹	۰/۰۸
پنجم	۸	۱۵	۳	۰	۶	۰	۳۵	۰/۰۵
ششم	۱۶	۱۲	۶	۰	۱۳	۵	۵۲	۰/۰۸
مجموع	۳۲	۱۷۳	۷۱	۳	۶۰	۱۷	۳۵۶	۰/۰۷

مأخذ: همان.

اطلاعات حاصل از جدول ۲ انواع مطالب و نسبت مطالب به تعداد صفحات در پایه‌های تحصیلی را نشان می‌دهد. با توجه به شرایط نوآموزان کم‌توان ذهنی و مقطع تحصیلی استفاده از تصاویر در کتاب‌های درسی نسبت به متن بیشتر بوده است. به طوری که در مطالب مربوط به تحرک بدنی ۱۷ مورد فقط متن، ۲۷۶ مورد فقط تصویر و در ۶۳ مورد تصویر و متن بوده است. میزان مطالب تحرک بدنی نیز در بین پایه‌های تحصیلی با توجه به نسبت مطالب به صفحات در بیشترین مقطع پیش‌دبستانی و در کمترین پایه‌های دوم و سوم بوده است.

جدول ۳. کدهای تولید شده برای مؤلفه‌های کم‌تحرکی و تحرک بدنی به تفکیک

پایه‌های تحصیلی

تحرک بدنی			نسبت به صفحات	کم‌تحرکی	مؤلفه‌ها پایه
نسبت به صفحات	آموزش با فعالیت بدنی	آموزش برای فعالیت بدنی			
۰/۱۸	۳۳	۸	۰/۰۵	۱۳	پیش
۰/۰۸	۵۲	۵۹	۰/۰۰۸	۱۱	اول
۰/۰۷	۱۵	۲۴	۰/۰۱	۷	دوم
۰/۰۷	۲۵	۲۳	۰/۰۱	۸	سوم
۰/۱۳	۳۶	۵۸	۰/۰۰۸	۶	چهارم
۰/۰۹	۲۸	۳۹	۰/۰۱	۸	پنجم
۰/۱۵	۱۶	۸۱	۰/۰۰۰۴	۳	ششم
۰/۱۱	۲۰۵	۲۹۲	۰/۰۱	۵۶	مجموع

مأخذ: همان.

اطلاعات حاصل از جدول ۳ میزان کدهای تولید شده نسبت به صفحات در هر پایه برای تحرک بدنی در مقطع پیش‌دبستانی بیشترین و در پایه تحصیلی دوم و سوم کمترین بوده است. همچنین برای رفتارهای کم‌تحرکی در بین پایه‌های تحصیلی با نسبت تعداد صفحات بیشترین کد در مقطع پیش‌دبستانی و کمترین کد در پایه تحصیلی ششم تولید شده است.

یافته‌های پرسش دوم: تحرک بدنی در محتوای کتاب‌های درسی نوآموزان

کم‌توان ذهنی چگونه است؟

جدول ۴. انواع مطالب تحرک بدنی به تفکیک کتاب‌های درسی

نوع مطالب پایه	تصویر واقعی	تصاویر کارتونی	تصاویر تکراری	تصویر و شعر	تصویر و متن	فقط متن	مجموع مطالب	نسبت به صفحات
اجتماعی	۵	۸	۴	۰	۱۷	۲	۳۷	۰/۱۰
دینی	۰	۳	۰	۰	۳	۱	۷	۰/۰۲
ریاضی	۲	۳۵	۱	۰	۲	۵	۴۵	۰/۰۳
علوم	۲۴	۵۱	۱۳	۰	۱۰	۱	۱۰۰	۰/۱۳
قرآن	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۰/۰۰۴
فارسی خوانداری	۰	۳۸	۹	۱	۲۰	۴	۷۳	۰/۱۰
فارسی نوشتاری	۱	۲۷	۴۵	۰	۸	۲	۸۳	۰/۰۹
سوادآموزی	۰	۹	۰	۲	۰	۲	۱۳	۰/۱۰
مجموع	۳۲	۱۷۳	۷۱	۳	۵۹	۱۷	۳۵۶	۰/۰۷

مأخذ: همان.

اطلاعات حاصل از جدول ۴ نشان می‌دهد انواع مطالب مربوط به تحرک بدنی در ۶ نوع: تصاویر واقعی، تصاویر کارتونی، تصاویر تکراری، فقط متن، تصویر / متن و تصویر / شعر رصد شده است. همچنین نسبت مطالب مربوط به تحرک بدنی به کل صفحات در یک کتاب درسی محاسبه شده که نشان می‌دهد در کدام شاخه چقدر موضوع تحرک بدنی اهمیت داشته است. میزان مطالب تحرک بدنی در بین شاخه‌های درسی با توجه به نسبت مطالب به صفحات در بیشترین شاخه علوم و در کمترین شاخه قرآن بوده است.

جدول ۵. کدهای تولید شده برای مؤلفه‌های کم‌حرکی و تحرک بدنی به تفکیک

شاخه‌های درسی

تحرک بدنی			نسبت به صفحات	کم‌حرکی	مؤلفه‌ها خوشه
نسبت به صفحات	آموزش با فعالیت بدنی	آموزش برای فعالیت بدنی			
۰/۰۵	۵۷	۱۵	۰/۰۰۸	۱۲	ریاضی
۰/۱۸	۵۱	۸۵	۰/۰۱	۸	فارسی خوانداری
۰/۰۷	۱۹	۵۵	۰/۰۱	۱۰	فارسی نوشتاری
۰/۱۹	۴۸	۹۸	۰/۰۱	۱۱	علوم
۰/۱۴	۱۸	۳۵	۰/۰۲	۱۰	اجتماعی
۰/۰۳	۶	۳	۰/۰۰۴	۱	دینی
۰/۰۴	۵	۱	۰/۰۳	۴	سوادآموزی
۰/۰۰۴	۱	۰	۰	۰	قرآن
۰/۰۸	۲۰۵	۲۹۲	۰/۰۱	۵۶	مجموع

مأخذ: همان.

اطلاعات حاصل از جدول ۵ نشان می‌دهد، میزان کدهای تولید شده برای مقوله تحرک بدنی در بین خوشه‌های درسی در علوم، فارسی خوانداری، اجتماعی بیشترین و در قرآن، دینی و سوادآموزی کمترین بوده است. همچنین میزان کدهای تولید شده برای رفتارهای کم‌حرکی بیشترین کد در اجتماعی تولید شده است.

جدول ۶. بخش‌های اختصاصی مربوط به ورزش در مطالب درسی

موضوع‌های	تعداد صفحات	عنوان بخش	پایه	خوشه درسی
فواید ورزش، ورزش مورد علاقه، انواع ورزش، ایمنی در ورزش	۵	سالم و قوی باش	اول	علوم
حفاظت از محیط زیست، هوای پاک، ورزش در طبیعت	۳	گردش در کوه	سوم	فارسی خوانداری
اتاق ورزش، فواید ورزش، ورزش مورد علاقه، کلمات ورزشی	۴	ورزش و سلامتی	چهارم	فارسی خوانداری
پرچم و سرود ملی، تیم ملی، ورزش معلولان، تلاش و کوشش	۴	یک روز در ورزشگاه	پنجم	فارسی خوانداری
فواید ورزش، بهداشت و ایمنی در ورزش، ورزش‌های مناسب	۹	ورزش و سلامتی	ششم	علوم
پوریا ولی، کشتی، جوانمردی، برنده شدن، مدال گرفتن	۵	پهلوانان بزرگ	ششم	فارسی خوانداری

مأخذ: همان.

همان‌گونه که اطلاعات حاصل از جدول ۶ نشان می‌دهد در بین کتاب‌های درسی فقط در دو خوشه درسی فارسی خوانداری و علوم بخش‌های اختصاصی برای ورزش بوده است که در مجموع ۳۰ صفحه به صورت اختصاصی برای فعالیت‌های ورزشی بوده است.

یافته‌های پرسش سوم: کدام موضوع‌های تحرک بدنی در محتوای کتاب‌های

درسی نوآموزان کم‌توان ذهنی آمده است؟

جدول ۷. موضوع‌های تحرک بدنی در کتاب‌های درسی نوآموزان کم‌توان ذهنی

مقوله اصلی (دفعه کدگذاری)	مقوله فرعی ۱ (دفعه کدگذاری)	مقوله فرعی ۲ (دفعه کدگذاری)	مقوله فرعی ۳ (دفعه کدگذاری)
	۱. تشویق به ورزش (۱۳)	۱. مهم بودن ورزش (۲)	
		۲. ورزش حیوانات (۶)	
		۳. بهزیستی با ورزش (۱)	
		۴. توصیه به ورزش (۳)	
		۵. ثبت‌نام در ورزش (۱)	
الف) آموزش برای فعالیت‌های بدنی (۲۹۲)	۲. رفتارهای اجتماعی (۴۸)	۱. رفتارهای اخلاقی (۹)	
		۲. ورزش با هر معلولیت (۸)	
		۳. کمک به همدیگر (۱۱)	
		۴. برابری جنسیتی (۱۷)	
		۵. نابرابری‌های جنسیتی (۳)	
	۳. رقابت در میداين (۳۶)	۱. تشویق شدن (۵)	
		۲. مسابقه (۱۴)	
		۳. برنده شدن (۱۷)	
	۴. ورزش در اوقات فراغت (۱۴)		
	۵. فواید مشارکت ورزش (۲۸)	۱. بیماری و سلامتی (۱۴)	
		۲. قوی شدن بدن (۵)	
		۳. یادگیری بهتر (۱)	
		۴. شادی و نشاط (۶)	
		۵. چاقی و تناسب اندام (۲)	

مقوله اصلی (دفعه کدگذاری)	مقوله فرعی ۱ (دفعه کدگذاری)	مقوله فرعی ۲ (دفعه کدگذاری)	مقوله فرعی ۳ (دفعه کدگذاری)	
لف) آموزش برای فعالیت‌های بدنی	۶. بهداشت و ایمنی (۴۹)	۱. قبل از فعالیت (۵)		
		۲. بعد از فعالیت (۴)	۱. زمان و مکان مناسب (۱۳) ۲. وسایل شخصی (۷) ۳. حین اجرا (۲۰)	
		۷. انواع ورزش‌ها (۴)		
		۸. خودآزمایی مطالب (۱۰۰)	۱. رفتارهای درست (۸) ۲. فواید ورزشی (۲۰) ۳. انواع ورزش‌ها (۱۷) ۴. ورزش‌های مورد علاقه (۱۲) ۵. ایمنی و بهداشت (۱۲) ۶. کلمات ورزشی (۲۸) ۷. اندام‌های در ورزش (۳)	
	۱. مفاهیم ریاضی (۶۲)	ب) آموزش با فعالیت‌های بدنی (۲۰۵)	۱. مفاهیم فضایی و اندازه (۳۳)	
			۲. اعداد لاتین و فارسی (۱۳)	
			۳. نوشتن و خواندن ساعت (۷)	
۴. قیمت وسایل (۴)				
۵. اعمال ریاضی (۳)				
۶. شکل‌های هندسی (۲)				
۲. مفاهیم اجتماعی (۳۲)		۱. برنامه‌ریزی (۸)		
		۲. شناخت خود (۵)		
		۳. محله و همسایه (۷)		
		۴. پرچم و سرود ملی (۱۲)		

مقوله اصلی (دفعه کدگذاری)	مقوله فرعی ۱ (دفعه کدگذاری)	مقوله فرعی ۲ (دفعه کدگذاری)	مقوله فرعی ۳ (دفعه کدگذاری)
	۳. مفاهیم اخلاقی (۷)	۱. اعمال صالح (۲)	
		۲. خدای دانا و توانا (۵)	
ب) آموزش با فعالیت‌های بدنی (۲۰۵)	۴. مفاهیم علوم (۷۷)	۱. علوم زیستی (۳۰)	۱. جانوران (۲)
			۲. گیاهان (۳)
			۳. حفاظت از محیط (۱۴)
			۴. مراقبت (۴)
			۵. بدن (۷)
	۲. علوم زمین (۳۹)	۱. طبیعت (۱۹)	
		۲. فصل‌ها و آب و هوا (۲۰)	
		۳. علوم فیزیکی (۶)	
	۵. مفاهیم فارسی (۳۹)	۱. رنگ‌ها (۱)	
		۲. نشانه‌ها (الفبا) (۹)	
۳. می‌توانم بخوانم (۷)			
۴. می‌توانم بنویسم (۲)			
۵. دستور زبان (۱۰)			
	۱. بازی‌های غیرفعال (۱۲)		
ج) رفتارهای کم‌تحرکی (۵۶)	۲. وسایل الکترونیکی (۲۷)	۱. کار با رایانه (۲)	
		۲. بازی با پلی‌استیشن (۱)	
		۳. تماشای تلویزیون (۲۰)	
		۴. سینما رفتن (۴)	
	۳. حمل‌ونقل غیرفعال (۱۷)	۱. کارهای روزمره (۶)	
		۲. رفت و آمد مدرسه (۱۱)	

همان‌گونه که در جدول ۷ مشخص است مؤلفه‌های تحرک بدنی در کتاب‌های درسی نوآموزان کم‌توان ذهنی در سه مقوله اصلی استخراج شده است که در مجموع شامل ۱۶ مقوله فرعی یک، ۵۴ مقوله فرعی دو و ۱۰ مقوله فرعی سه است.

الف) آموزش برای فعالیت‌های بدنی: بیشترین مطالب صریح و ضمنی مرتبط

با تحرک بدنی در کتاب‌های درسی نوآموزان کم‌توان ذهنی برای این مقوله استخراج شده است و شامل هشت مقوله فرعی یک و ۲۸ مقوله فرعی دو و سه مقوله فرعی سه است. زیرمقوله‌های تولید شده برای این مقوله اصلی تشویق به ورزش، رفتارهای اجتماعی، رقابت در میادین، ورزش برای اوقات فراغت، فواید مشارکت ورزش، بهداشت و ایمنی انواع ورزش‌ها و خودآزمایی مطالب است. مقوله مورد توجه، استفاده از مطالب متنوع برای آموزش فعالیت‌های ورزشی است. به نظر می‌رسد هدف از آوردن این عناصر در کتاب‌های درسی بیشتر تشویق مستقیم و غیرمستقیم نوآموزان برای انجام دادن فعالیت‌های ورزشی و رفتارهای مناسب در فعالیت‌های ورزشی است.

ب) آموزش با فعالیت‌های بدنی: بعد از آموزش برای فعالیت‌های بدنی بیشترین

مطالب صریح و ضمنی مرتبط با تحرک بدنی در کتاب‌های درسی نوآموزان کم‌توان ذهنی برای آموزش با فعالیت‌های بدنی استخراج شده که شامل پنج مقوله فرعی یک، بیست مقوله فرعی دو و هفت مقوله فرعی سه است. مقوله مورد توجه در اینجا استفاده از موضوع‌های تحرک بدنی برای آموزش مطالب درسی است که در هر پنج شاخه درسی نوآموزان کم‌توان ذهنی یعنی مفاهیم علوم، ریاضی، فارسی، دینی و قرآن استفاده شده است.

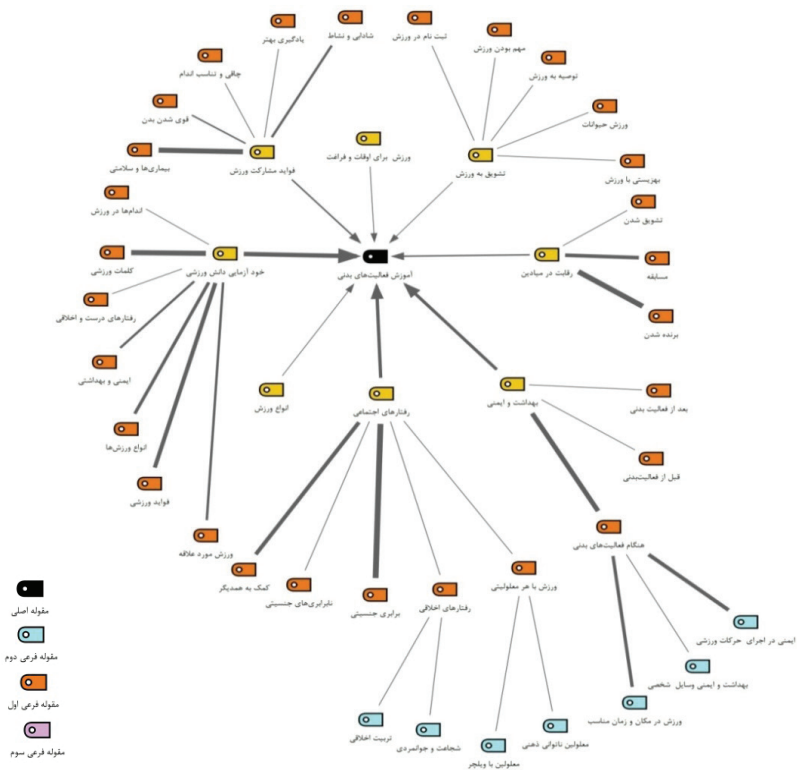
ج) رفتارهای کم‌تحرکی: برای رفتارهای کم‌تحرکی بدنی در کتاب‌های درسی

نوآموزان کم‌توان ذهنی سه مقوله فرعی یک و شش مقوله فرعی دو آمده است.

هدف از آوردن این مطالب در کتاب‌های درسی بیشتر جنبه آموزشی داشته ولی به‌صورت غیرمستقیم نشان‌دهنده انجام رفتارهای کم‌تحرکی در مطالب درسی بوده است.

پس از کدگذاری کیفی به کمک نرم‌افزار مکس کیودی‌ای و نوار ابزار مکس‌مپ نقشه زیر با مقوله‌های اصلی و فرعی ترسیم شد که نشان‌دهنده موضوع‌های تحرک بدنی در برنامه‌های درسی نوآموزان کم‌توان ذهنی است. قطر خط‌های سیاه که از مقوله‌های اصلی به مقوله‌های فرعی کشیده شده‌اند، نشان‌دهنده میزان کدگذاری هریک از مقوله‌های در کتاب‌های درسی بوده است.

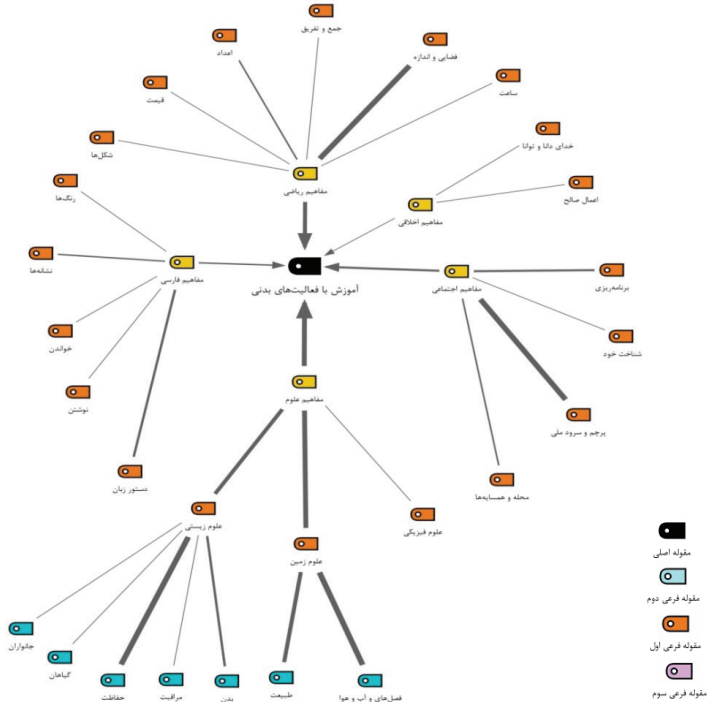
نمودار ۱. نقشه زیرمقوله‌های آموزش برای فعالیت بدنی



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

همان‌گونه که در نمودار ۱ مشخص است به مقوله آموزش برای فعالیت بدنی زیرمقوله‌های ورزش خودآزمایی، رفتارهای اجتماعی و بهداشت و ایمنی، در مقوله فرعی رقابت در ورزش زیرمقوله‌های برنده شدن و مسابقه، در مقوله بهداشت و ایمنی زیرمقوله هنگام فعالیت بدنی در خود این زیرمقوله ایمنی در اجرا ورزش و ورزش در زمان و مکان مناسب، در مقوله فواید مشارکت ورزشی زیرمقوله‌های بیماری و سلامتی، شادابی و نشاط و قوی شدن بدن، در مقوله خودآزمایی دانش ورزشی زیرمقوله‌های کلمات ورزشی، فواید ورزشی و انواع ورزش‌ها و در مقوله رفتارهای اجتماعی برابری جنسیتی و کمک به همدیگر بیشتر پرداخته شده است.

نمودار ۲. نقشه زیرمقوله‌های آموزش با فعالیت‌های بدنی



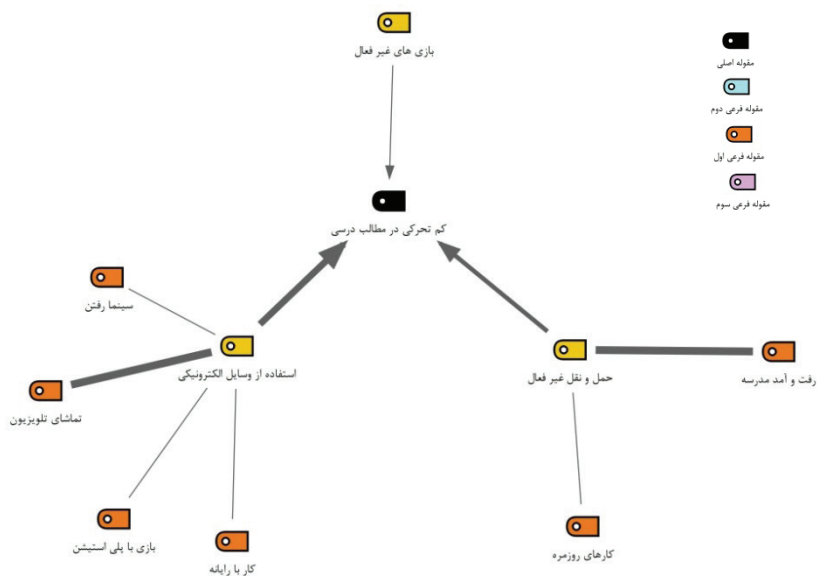
- مقوله اصلی
- مقوله فرعی دوم
- مقوله فرعی اول
- مقوله فرعی سوم

مأخذ: همان.

مفهوم پردازی تحرک بدنی در کتاب‌های درسی مقاطع پایه نوآموزان کم‌توان ذهنی — ۵۳۱

همان‌گونه که در نمودار ۲ مشخص است به مقوله مفاهیم علوم، ریاضی و اجتماعی، در مقوله مفاهیم علوم زیرمقوله‌های علوم زمین و علوم زیستی، در زیر مقوله علوم زمین زیر مقوله آب و هوا و طبیعت، در زیر مقوله علوم زیستی حفاظت از محیط زیست، در مقوله مفاهیم اجتماعی زیرمقوله‌های پرچم و سرود ملی و در مفاهیم ریاضی زیرمقوله‌های فضایی و اندازه بیشتر پرداخته شده است.

نمودار ۳. نقشه زیرمقوله‌های رفتارهای کم‌تحرکی



مأخذ: همان.

همان‌گونه که در نمودار ۳ مشخص است به مقوله استفاده از وسایل الکترونیکی زیر مقوله تماشای تلویزیون و حمل و نقل غیرفعال زیرمقوله رفت و آمد مدرسه در کتاب‌های درسی بیشتر پرداخته شده است.

۳. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

کتاب‌های درسی یکی از مهم‌ترین مواد آموزشی برای معلمان و دانش‌آموزان مدارس هستند (Seddighi et al., 2021) و با توجه به اهمیت نقش کتاب در امر تعلیم و تربیت انجام مطالعات و بررسی‌های علمی و تخصصی در زمینه کتاب درسی بسیار مهم است (تازیکی، مرادی و قاسم‌زاده، ۱۳۹۹) و با تحلیل درست و منطقی کتاب‌های درسی، می‌توان در جهت شناخت برخی مشکلات تحصیلی و یادگیری دانش‌آموزان گام برداشت و به انجام اقدام‌های اساسی برای رفع نواقص، کاستی‌ها و قرار دادن اصولی مفاهیم برنامه درسی در کتاب‌ها دست زد (Dogbey, 2010). نویسندگان مختلف نیز نیاز به مطالعه و تحلیل ویژگی‌های کتاب‌های درسی در تربیت بدنی را برجسته کرده‌اند (Rodríguez et al., 2022; Moya Mata et al., 2014). بر این اساس با ابزار تحلیل محتوای کیفی اطلاعات ضمنی پنهان و صریح تحرک بدنی در کتاب‌های درسی نوآموزان کم‌توان ذهنی در متون و تصاویر کتاب‌های درسی بررسی شده است. نتایج به‌دست آمده حاکی از آن بود که در کل هفت سال تحصیلی، در مجموع از ۴۶ کتاب ۴۰ کتاب درسی، اطلاعات مربوط به تحرک بدنی را در محتوای خود با استفاده از محتوای شعر، داستان، تصویر و خودآزمایی ارائه می‌دهند. مطالب ارائه شده در خصوص تحرک بدنی در کتاب‌های درسی نوآموزان کم‌توان ذهنی در ۹۵ درصد همراه با تصاویر واقعی و کارتونی بوده است و فقط در ۵ درصد فقط متن بوده است، این نشان می‌دهد در کتاب‌های درسی اکثر مطالب مربوط به تحرک بدنی همراه با تصاویر بوده است که این از نکات مثبت کتاب‌های درسی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی بوده است، همان‌طور که هدایتی (۱۳۹۹) مطرح کرده است کودکان به‌طرز باور نکردنی پاسخگوی تصاویر هستند. ولی متأسفانه در بیشتر موارد تصاویر استفاده شده از کیفیت و تناسب مناسبی برخوردار نبوده است، به‌طوری‌که حتی

در برخی تصاویر چهره‌های شخصیت‌های استفاده شده اصلاً قابل تشخیص نبوده و در برخی تصاویر از یک شخصیت چندین بار با تغییر رنگ لباس و یا راست‌چین و چپ‌چین کردن استفاده شده بود. خصوصاً در پایه‌های پایین‌تر این موارد بارزتر بود و با افزایش پایه‌های کیفیت تصاویر بهتر شده بود.

بنابراین برای تأثیرگذاری بیشتر مطالب تحرک بدنی باید کیفیت تصاویر استفاده شده در محتوای تحرک بدنی توسط مؤلفان مورد بازبینی قرار گیرد. همچنین به‌صورت میانگین در هر پایه تحصیلی نسبت به تعداد مجموع صفحات کتاب‌های هر پایه تحصیلی هفت‌دهم درصد مطالب به محتوای (متن و تصاویر)، ضمنی و صریح تحرک بدنی اختصاص داده شده است که با افزایش پایه‌های تحصیلی محتوای مربوط به تحرک بدنی در برخی پایه‌ها به‌غیر از پایه ششم کاهش پیدا کرده است. بیشترین کاهش در پایه‌های تحصیلی دوم، سوم و پنجم بوده که نشان‌دهنده اهمیت پایین تحرک بدنی در این پایه‌های تحصیلی بوده است و در مقطع پیش‌دبستانی نسبت به ابتدایی تحرک بدنی اهمیت بیشتری داشته است که بیشتر از محتوای ضمنی تحرک بدنی برای آموزش مفاهیم درسی استفاده شده بود. بر این اساس می‌توان گفت روند مشخصی برای پرداختن به موضوع‌های ورزشی در پایه‌های تحصیلی وجود نداشته است و برحسب نیاز برای آموزش مطالب درسی از محتوای تحرک بدنی در کتاب‌های درسی استفاده شده است.

در بین خوشه‌های درسی نیز در خوشه علوم بیشترین مطالب به محتوای ضمنی و صریح تحرک بدنی نسبت به تعداد صفحات اختصاص داده شده است که نشان‌دهنده اهمیت تحرک بدنی در این خوشه درسی بوده است. کمترین مطالب نیز در کتاب‌های درسی قرآن و دینی بوده است که نشان‌دهنده اهمیت پایین تحرک بدنی و یا عدم داشتن ارتباط بین مطالب آموزشی این شاخه‌های درسی با تحرک بدنی است که از

شش کتاب درسی بدون مطالب تحرک بدنی چهار کتاب قرآن در پایه‌های تحصیلی مختلف بوده است. با توجه به مطالب تحرک بدنی رصد شده محقق محتوای مطالب کتاب‌های درسی را در سه مقوله اصلی آموزش برای فعالیت‌های بدنی، آموزش با فعالیت‌های بدنی و رفتارهای کم‌تحرکی مقوله‌بندی کرده است.

در مقوله آموزش برای فعالیت‌های بدنی به‌طور صریح و مستقیم از مطالب درسی برای آموزش فعالیت‌های بدنی به نوآموزان کم‌توان ذهنی استفاده شده است. به‌طوری‌که در خوشه‌های درسی علوم، فارسی خوانداری و نوشتاری بخش‌های اختصاص به موضوع‌های تحرک بدنی پرداخته بودند. در خوشه‌ای علوم فصل علوم زیستی پایه‌های اول و ششم در بخش ورزش و سلامتی مطالبی را درباره فواید ورزش، ورزش مورد علاقه، انواع ورزش‌ها، ورزش‌های مناسب و ایمنی و بهداشت در ورزش ارائه شده است. در فارسی خوانداری پنجم نیز در فصل بهداشت در بخش ورزش و سلامتی اطلاعاتی در مورد اتاق ورزش در مدرسه، فواید ورزش، ورزش مورد علاقه و کلمات ورزشی ارائه داده است. باین حال، فواید جسمانی و عاطفی مشارکت ورزشی هنوز باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد، زیرا می‌تواند به افزایش آگاهی و انجام فعالیت‌های ورزشی در بین نوآموزان کم‌توان ذهنی کمک کند. این نتایج با پژوهش مویاماتا و همکاران (۲۰۱۴) که نشان دادند محتوای غالب در کتاب‌های درسی تربیت بدنی را مهارت‌های حرکتی، بازی‌ها و فعالیت‌های ورزشی در مقابل بخش‌های مربوط به بیان بدن، سلامت و دانش بدن است، همسو است. این درحالی‌که با توجه به ویژگی‌های دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی باید فعالیت‌های بدنی و ورزشی ویژه برای آنها در مطالب کتاب‌های درسی به‌همراه فواید فعالیت‌های بدنی و ورزشی ارائه شود. در کتاب فارسی خوانداری پایه سوم در فصل طبیعت نیز بخشی با عنوان گردش در کوه ارائه شده است که اطلاعاتی در مورد حفاظت از محیط زیست، هوای پاک

و فعالیت‌های بدنی در طبیعت به نوآموزان انتقال می‌دهد که این اطلاعات می‌تواند برای تشویق نوآموزان برای ورزش در طبیعت خصوصاً پیاده‌روی در کوه مفید باشد که از نقاط قوت کتاب‌های درسی است. همچنین در اکثر مطالب رصد شده، محیط انجام فعالیت‌های بدنی و ورزشی در طبیعت بوده است. ولی مویاماتا و همکاران (۲۰۱۷)، در تحلیل کتاب‌های درسی ابتدایی تربیت بدنی در کشور اسپانیا نشان دادند که حضور تصاویر مربوط به فعالیت‌های ورزشی در محیط طبیعی همچنان بسیار کم است که با نتایج پژوهش حاضر ناهمسو است.

در کتاب فارسی خوانداری پایه پنجم نیز در فصل آموزش نهادها بخشی به معرفی ورزشگاه اختصاص داده شده است که اطلاعاتی در مورد پرچم و سرود ملی، تیم‌های ملی، ورزش معلولان و رسیدن به پیروزی با تلاش و کوشش ارائه داده است که می‌تواند عرق ملی در بین نوآموزان را افزایش دهد و آنها را با مکان‌های ورزشی آشنا سازد. همچنین در فارسی خوانداری در فصل نام‌ها و یادها در بخش پهلوانان بزرگ داستان پوریا ولی با کشتی‌گیری هندی ارائه شده است که اطلاعاتی در مورد کشتی، اخلاق و جوانمردی، برنده شدن و مدال گرفتن را به نوآموزان انتقال می‌دهد، که این اطلاعات می‌تواند در آموزش رفتارهای اخلاقی، از خودگذشتگی، شجاعت و جوانمردی و نیز آشنایی با پهلوانان کشور و قرار دادن آنها به‌عنوان الگو کمک کند. ولی متأسفانه اطلاعات در مورد پهلوانان و قهرمان فقط داستان پوریای ولی طی هفت سال تحصیلی است و از ورزشکاران و قهرمان المپیک هیچ مطالبی ارائه نشده است. از پژوهش‌های همسو با این نتایج می‌توان به پژوهش زهره‌وندیان و همکاران (۱۳۹۷)، در تحلیل کتاب‌های درسی دوره ابتدایی مدارس دانش‌آموزان عادی نشان دادند در مورد آموزش المپیک، در پایه‌های اول، دوم، سوم و پنجم هیچ توجهی به المپیک و آموزش فلسفه آن نشده است و تنها در پایه چهارم به المپیک و اصول آن

به صورت تصویری یا نوشتاری پرداخته شده است، اشاره کرد. همچنین از موارد مهم دیگر در موضوع‌های ورزشی، ورزش معلولان است که ارائه تصویری از معلولیت در کتاب‌های درسی می‌تواند باعث ارتقای اعتماد به نفس و انگیزه این گروه شود (Seddighi et al., 2021). بنابراین پرداختن به ورزش معلولان در کتاب‌های درسی ضروری است. ولی باین حال، ورزش معلولان در کتاب‌های درسی نوآموزان کم‌توان ذهنی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این نتایج همسو است با یافته‌های پژوهش‌های گنزاله و ری^۱ (۲۰۲۲) که نشان دادند حضور افراد دارای معلولیت در کتب تربیت بدنی هم از نظر فراوانی و هم از نظر تنوع بسیار محدود است. مارتینز و مولینا^۲ (۲۰۱۶) که افزایش محتوای فعالیت‌های بدنی معلولان در کتاب‌های درسی تربیت بدنی را نشان دادند و تابواس^۳ و همکاران (۲۰۱۲)، عدم تعادل معناداری بین افراد دارای معلولیت و افراد بدون معلولیت در تصاویر کتاب‌های درسی تربیت بدنی عمومی متوسط اسپانیا را مطرح کردند و مطالعه هاردین و هاردین^۴ (۲۰۰۴) که در کتاب‌های درسی تربیت بدنی عمومی معمولاً عکس‌های افراد دارای معلولیت نیست.

با توجه به مطالب گفته شده درباره تحرک بدنی در کتاب‌های درسی نوآموزان کم‌توان ذهنی، موضوعی که در این کتاب‌ها مغفول واقع شده است انجام فعالیت‌های بدنی در خانه است، این در حالی که نوآموزان کم‌توان ذهنی نیاز به یادگیری و اجرای فعالیت‌های بدنی در محیط خانواده و مدرسه دارند، تا فعالیت بدنی آنها را افزایش داده و از رفتارهای کم‌تحرکی جلوگیری کند، ولی فقط در یک مورد به انجام فعالیت‌های ورزشی زنگ ورزش در خانه پرداخته شده است و حتی در مواردی

1. González and Rey

2. Martínez and Molina

3. Táboas

4. Hardin and Hardin

توپ‌بازی در خانه را به‌عنوان رفتارهای نادرست معرفی کرده‌اند، این در حالی که با توجه به ویژگی‌های خاص نوآموزان کم‌توان ذهنی و همچنین همه‌گیری کرونا که شاید انجام فعالیت‌های بدنی در سالن‌ها و باشگاه‌های ورزشی را با مشکلاتی برای این افراد همراه کند، آموزش‌های صریح و ضمنی برای انجام فعالیت‌های ورزشی در خانه باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد، تا بدین طریق نوآموزان انجام فعالیت‌های بدنی را در خانه یاد بگیرند و اجرا کنند.

در مجموع می‌توان گفت این مقوله اطلاعاتی در مورد فواید مشارکت ورزشی، انجام فعالیت‌های ورزشی در وقت‌های آزاد، تشویق مستقیم و غیرمستقیم به مشارکت ورزشی، رعایت اصول اخلاقی در انجام فعالیت‌های بدنی، انجام فعالیت‌های ورزشی حتی در صورت داشتن معلولیت، شرکت در مسابقات ورزشی و رسیدن به پیروزی و مدال با تلاش و کوشش، رعایت موارد بهداشتی و ایمنی در فعالیت‌های بدنی، معرفی انواع رشته‌های انفرادی و تیمی و خودآزمایی مطالب ورزشی مورد توجه بوده است. همان‌طور که مشخص است مطالب مرتبط با فعالیت‌های ورزشی در کتاب‌های درسی از تنوع بیشتری برخوردار بوده است، ولی میزان توجه و اهمیت آنها در مطالب درسی یکسان نبوده است. به‌طوری‌که از بین مطالب ذکر شده در بالا بیشتر به خودآزمایی نوآموزان از مطالب آموزشی و آموزش ایمنی و بهداشت در فعالیت‌های بدنی به‌خصوص ایمنی در حمل‌ونقل فعال (پیاده‌روی در خیابان و رفت‌وآمد به مدرسه)، پرداخته شده است.

علاوه بر موارد بالا مطالب تحرک بدنی در خوشه‌های درسی علوم، فارسی، دینی، قرآن، ریاضی و اجتماعی با توجه به موضوع کتاب نیز ارائه شده بود که محققان این‌گونه مطالب را آموزش با فعالیت‌های بدنی مقوله‌بندی کرده‌اند که در ادامه چند نمونه از آن مطالب ذکر شده است. در کتاب دینی مفهوم پیامبر (ص)، به‌عنوان

بهترین راهنما با مطالب داشتن راهنما برای گردش در طبیعت آموزش داده شده است، در کتاب ریاضی آموزش با فعالیت‌های بدنی در طول برنامه درسی ارائه شده بود، که معلم نوآموز را فرامی‌خواند و از او می‌خواهد توپ‌ها را در سبدهای دور یا نزدیک پرتاب کند که در این آموزش نوآموز از حالت سکون در کلاس بلند شد و حرکت می‌کند و با پرتاب توپ حتی مهارت‌های بنیادی نیز در او تقویت می‌شود. در این زمینه سزابوری^۱ و همکاران (۲۰۲۰)، با استفاده از رویکردی به نام فعالیت بدنی در سراسر برنامه درسی^۲ که معلمان کلاس ابتدایی هر روز ۲ یا ۱۰ دقیقه درس آکادمیک فعال بدنی^۳، به دانش‌آموزان ارائه می‌دادند، توانستند فعالیت بدنی متوسط تا شدید را در کلاس‌های مدرسه ابتدایی افزایش دهند.

دونلی^۴ و همکاران (۲۰۱۳) نیز برنامه‌ای با عنوان فعالیت بدنی در سراسر برنامه درسی ایجاد کردند که در آن معلمان کلاس‌های درس مختلف آکادمیک یا دروسی مانند ریاضی، هنرهای زبان، جغرافیا، تاریخ، املا، علوم و بهداشت را با استفاده از فعالیت بدنی ارائه دادند که تجزیه و تحلیل حاکی از پیشرفت‌های معناداری در خواندن، ریاضی و املا بود. همان‌طور که مشاهده می‌شود با فعالیت بدنی در سراسر برنامه درسی احتمال دستیابی به افزایش فعالیت‌های بدنی در کنار پیشرفت‌های تحصیلی وجود دارد، ولی متأسفانه در کتاب‌های درسی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی فعالیت بدنی در طول برنامه درسی فقط محدود به پایه پیش‌دبستانی بود و در پایه‌های بالاتر ارائه نشده است که با توجه به تأثیر این روش تدریس در کاهش نشستن‌های طولانی و پیشرفت‌های تحصیلی باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد. همچنین در تمام

1. Szabo-Reed

2. Physical Activity Across the Curriculum

3. Physically Active Academic Lessons

4. Donnelly

خوشه‌های درسی از فعالیت‌های بدنی در آموزش مطالب درسی استفاده شده است، ولی میزان آنها در خوشه‌های درسی متفاوت است.

یکی از مقوله‌های اصلی که از تحلیل کتاب‌ها استخراج شده است رفتارهای کم‌حرکی بود که بسیاری از محققان بین فعالیت بدنی ناکافی و رفتار بی‌حرک تفاوتی قائل نمی‌شوند (Melville et al., 2017). این در حالی است که شبکه تحقیقاتی رفتاری کم‌حرک^۱ (۲۰۱۲) رفتار بی‌حرک را به‌عنوان فعالیت‌هایی در ساعات بیداری با مصرف انرژی مساوی یا کمتر از ۱/۵ واحد متابولیک تعریف کرده است که این میزان مصرف انرژی در حالت نشسته یا درازکش مانند تماشای تلویزیون و زمان صرف شده در سفر با ماشین اتفاق می‌افتد. اوون^۲ و همکاران (۲۰۱۱)، نیز رفتار بی‌حرک را به چهار حوزه خاص تماشای تلویزیون، سایر رفتارهای متمرکز بر صفحه نمایش در محیط‌های خانگی، نشستن در محل کار و نشستن در اتومبیل یا وسایل نقلیه عمومی تقسیم کرده‌اند. از این‌رو، رفتار بی‌حرک از فعالیت بدنی ناکافی متمایز است و فعالیت بدنی ناکافی رعایت نکردن دستورالعمل‌های فعالیت بدنی است (Melville et al., 2017). در کتاب‌های درسی نیز بیشتر رفتارها کم‌حرکی تماشای تلویزیون و حمل‌ونقل غیرفعال در کارهای روزمره و مدرسه (نشستن در ماشین)، بوده است که به‌صورت ناخودآگاه در افزایش این رفتارهای در بین نوآموزان می‌تواند تأثیر داشته باشد. ولی خوشبختانه نتایج تحلیل‌های کیفی از کتاب‌های درسی نوآموزان کم‌توان ذهنی حاکی از آن بود که این رفتارهای کم‌حرکی در کتاب‌ها کمتر ارائه شده است و مطالب ارائه شده بیشتر برای آموزش بوده است. این نتایج با یافته‌های پژوهش‌های مارتینز و مولینا (۲۰۱۶) که نیاز به کاهش عادی‌سازی رفتارهای

1. Sedentary Behaviour Research Network

2. Owen

بی‌حرکی را در کتاب‌های درسی تربیت بدنی نشان می‌دهند، ناهمسو است همچنین در زمینه میزان فعالیت‌های بدنی کافی سازمان بهداشت جهانی پیشنهاد می‌کند که کودکان و نوجوانان بین پنج تا ۱۷ سال توصیه‌های حداقل ۶۰ دقیقه فعالیت بدنی متوسط تا شدید را رعایت کنند و درعین حال کم‌حرکی را به کمتر از دو ساعت در روز محدود کنند (World Health Organization, 2020). در این حالت کودکان و نوجوانان می‌توانند از افزایش هم‌زمان فعالیت بدنی متوسط تا شدید و محدود کردن رفتار بی‌حرک، مزایای مرتبط با سلامت بیشتری کسب کنند (Shen et al., 2020). بنابراین برای رسیدن به توصیه حداقل ۶۰ دقیقه فعالیت بدنی طی روز نوآموزان باید به انجام فعالیت‌های بدنی حتی در خارج از مدرسه بپردازند، ولی در کتاب‌های درسی تأکید بیشتر بر انجام فعالیت‌های ورزشی در زنگ ورزش بوده است و کمتر به انجام فعالیت‌های ورزشی در خارج از مدرسه توجه شده است.

افراد کم‌توان ذهنی مشکلات سلامتی بیشتری دارند، برای همین برابر یا بیشتر از افراد سالم، برای داشتن سلامتی و تندرستی و پیشگیری از امراض و مرگ‌ومیر زودرس، به سلامت جسمی و فعالیت بدنی نیاز دارند (Carty et al., 2021؛ مشهدی، ۱۳۹۴). همان‌طور که ذکر شد افزایش فعالیت بدنی می‌تواند به کاهش این خطرات و در نتیجه سلامتی کمک کند، ولی با وجود فواید افزایش فعالیت‌های بدنی و کاهش رفتارهای کم‌حرکی به نظر می‌رسد که سطح فعالیت بدنی در افراد مبتلا به کم‌توانی ذهنی پایین است که ناآگاهی از فواید مشارکت ورزشی (Carty et al., 2021; Hansen et al., 2021) و علاوه بر آن، ناتوانی بر فرصت مشارکت در فعالیت‌های ورزشی آنها تأثیر می‌گذارد (Carty et al., 2021). برای همین در بین افراد دارای ناتوانی ذهنی، به‌منظور توسعه آگاهی سلامتی^۱ از جمله مشارکت در فعالیت

بدنی مناسب و افزایش میزان زمان فعالیت بدنی روزانه^۱ باید آموزش داده شود. در این بین کتاب‌های درسی مدرسه خصوصاً در سنین پایه برای انتقال رفتارهای سلامتی به افراد دارای ناتوانی‌های ذهنی به‌عنوان یک منبع آموزشی مهم هستند. محتوای فعالیت بدنی کتاب‌های درسی به افزایش آگاهی سلامتی، یادگیری فعالیت‌های بدنی و رفتارهای کم‌حرکی دانش‌آموزان ابتدایی ناتوان ذهنی کمک می‌کند و در زمینه‌های خاص، تنها فرصت برای دانش‌آموزان برای افزایش آگاهی سلامتی، یادگیری فعالیت‌های بدنی و رفتارهای کم‌حرکی است (DeJesus et al., 2022).

بنابراین محتوای فعالیت بدنی کتاب‌های درسی به دانش‌آموزان ابتدایی ناتوان ذهنی این امکان را می‌دهد که با اشکال مختلف فعالیت بدنی و ورزش آشنا شوند و مهارت‌های تمرین آنها را پرورش دهند که این امر می‌تواند آنها را به فعالیت بدنی در محیط‌های خارج از مدرسه تشویق کند. همچنین از طرفی شرکت در فعالیت بدنی و کاهش رفتارهای بی‌تحرک در دوران ابتدایی مهم است زیرا این رفتارها می‌توانند تا نوجوانی و بزرگسالی ادامه داشته باشند و با پیامدهای مثبت در زندگی بزرگسالی از جمله مزایای سلامت متابولیک، سلامت درک شده، فعالیت بدنی و آمادگی قلبی تنفسی همراه باشد. برعکس این موضوع یعنی نداشتن الگوهای رفتاری سالم در دوران کودکی و نوجوانی، الگوهای رفتاری ناسالم جایگزین و تا بزرگسالی نیز ادامه داشته باشد (کمیته مشورتی دستورالعمل‌های فعالیت بدنی^۲، ۲۰۰۸). بنابراین باید آموزش‌های لازم برای رسیدن به مدت زمان مطلوب انجام فعالیت‌های ورزشی در طول هفته برای کسب سلامتی در مطالب درسی پایه و ابتدایی بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

1. Increase the Amount of Daily Physical Activity Time
2. Physical Activity Guidelines Advisory Committee

درنهایت با وجود نکات مثبت، شکاف‌هایی نیز در تحرک بدنی در کتاب‌های درسی نوآموزان کم‌توان ذهنی شناسایی شد که شاید محتوای کتاب‌های درسی در افزایش فعالیت‌های بدنی و کاهش رفتارهای کم‌حرکی در بین نوآموزان تأثیر کمتری داشته باشد. براساس نتایج به‌دست آمده پیشنهاد می‌شود اداره کل نظارت بر نشر مواد آموزشی با توجه به اهمیت فعالیت‌های بدنی و کاهش رفتارهای کم‌حرکی در بین دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی در گروه مؤلفان کتاب‌های درسی نوآموزان کم‌توان ذهنی از متخصصان ورزش معلولان برای ارائه اطلاعات در مورد فعالیت‌های بدنی و رفتارهای کم‌حرکی در کتاب‌های درسی استفاده شود، تا به محتوای فعالیت‌های ورزشی ویژه و دانش سلامتی برحسب ویژگی‌های این دانش‌آموزان در خوشه‌های درسی مختلف بیشتر پرداخته شود تا بتوان شاهد افزایش دانش سلامتی و آگاهی آنها از فعالیت ورزشی بود چراکه با افزایش دانش سلامتی و آگاهی از فعالیت ورزشی ویژه می‌توانند سبب افزایش فعالیت‌های بدنی و کاهش رفتارهای کم‌حرکی حتی در خارج از مدرسه شود.

منابع و مآخذ

۱. تازیکی، طیبه، آسیه مرادی و سوگند قاسم‌زاده (۱۳۹۹). «تحلیل محتوای کتاب‌های فارسی دوره دوم ابتدایی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی براساس الگوی ویلیام رومی»، نشریه کودکان استثنایی، ۲۰ (۳).
۲. زهره‌وندیان، کریم، نصراله سجادی، اسفندیار خسروی‌زاده و فرشته ابراهیمی (۱۳۹۷). «بررسی میزان توجه به ورزش و آموزش المپیک در کتب درسی دوره ابتدایی مدارس»، نشریه مدیریت ورزشی، ۱۰ (۱).
۳. مشهدی، محمد (۱۳۹۴). «تأثیر ورزش در دانش‌آموزان با کم‌توانی ذهنی»، تعلیم و تربیت استثنایی، ۶ (۱۳۴).
۴. هدایتی، فرشته (۱۳۹۹). «آموزش و پرورش شور، شوق، چالاک‌گی، پویایی، اخلاق، رنگ، انگیزه، امید، حرکت را دریاب که فردا دیر است»، نشریه رویکردی نو بر آموزش کودکان، ۲ (۱).
5. Agiovlasis, S., P. Choi, A.T. Allred, J. Xu and R.W. Motl (2020). "Systematic Review of Sedentary Behaviour in People With Down Syndrome Across the Lifespan: A Clarion Call", *Journal of Applied Research in Intellectual Disabilities*, 33.
6. Albright, A., M. Franz, G. Hornsby, A. Kriska, D. Marrero, I. Ullrich and L.S. Verity (2000). "American College of Sports Medicine Position Stand", Exercise and Type 2 Diabetes, *Medicine and Science in Sports and Exercise*, 32 (7).
7. American Psychiatric Association (2013 May 22). "Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders (DSM-5)", American Psychiatric Pub.
8. An, J., K.D. DuBose, J.T. Decker and L.E. Hatala (2019). "A School-based Mentoring Program Developing Healthy Behaviors of Adolescents With Intellectual and Developmental Disabilities: A Pilot Feasibility Study", *Disability and Health Journal*, 12 (4).
9. Botelho, R.G. and M.G. Neira (2014). "Análisis de Libros de Texto en Brasil y en España: una Introducción al Tema en el área de Educación Física", *Movimento*, 20 (2).
10. Carty, C., H.P. Van der Ploeg, S.J. Biddle, F. Bull, J. Willumsen, L. Lee, K. Kamenov and K. Milton (2021). "The First Global Physical Activity and Sedentary Behavior Guidelines for People Living With Disability", *Journal of Physical Activity and*

Health, 18 (1).

11. de Jesus, G.M., R.H. de Oliveira Araujo, L.A. Dias, A.K.C. Barros, L.D.M. dos Santos Araujo, and M.A.A. de Assis (2022). "Attendance in Physical Education Classes, Sedentary Behavior, and Different forms of Physical Activity Among Schoolchildren: A Cross-Sectional Study", *BMC Public Health*, 22 (1).
12. Dogbey, J.K. (2010). *Concepts of Variable in Middle-Grades Mathematics Textbooks During four Eras of Mathematics Education in the United States*, University of South Florida.
13. Donnelly, J.E., J.L. Greene, C.A. Gibson, D.K. Sullivan, D.M. Hansen, C.H. Hillman ... and R.A. Washburn (2013). "Physical Activity and Academic Achievement Across the Curriculum (A+ PAAC): Rationale and Design of a 3-year, Cluster-randomized Trial", *BMC Public Health*, 13 (1).
14. Einarsson, I.Ó., A. Ólafsson, G. Hinriksdóttir, E. Jóhannsson, D. Daly and S.A. Arngrímsson (2015). "Differences in Physical Activity Among Youth With and Without Intellectual Disability", *Med Sci Sports Exerc*, 47 (2).
15. González-Palomares, A. and A. Rey-Cao (2022). "The Representation of Disability in Physical Education Textbooks in Spain", *Sport in Society*, 25 (8).
16. Grumstrup, B. and M. Demchak (2017). "Obesity, Nutrition, and Physical Activity for People With Significant Disabilities", *Research, Advocacy and Practice for Complex and Chronic Conditions*, 36 (1).
17. Hansen, E., H. Nordén and M.L. Ohlsson (2021). "Adolescents with Intellectual Disability (ID) and Their Perceptions of, and Motivation for, Physical Activity and Organised Sports", *Sport, Education and Society*, 28 (1).
18. Hardin, B. and M. Hardin (2004). "Distorted Pictures: Images of Disability in Physical Education Textbooks", *Adapted Physical Activity Quarterly*, 21 (4).
19. Heward, William L. and L. Wood Charles (2006). "Exceptional Children: An Introduction to Special Education", Pearson Education/Merrill/Prentice Hall.
20. Kampasová, J. and H. Válková (2021). "Analysis of Developmental Trends in Physical Activity, BMI and Muscles in Children and Adolescents With Mild-to-Moderate Intellectual Disability", *Heliyon*, 7 (7), e07457.
21. Kapsal, N.J., T. Dicke, A.J. Morin, D. Vasconcellos, C. Maïano, J. Lee and C. Lonsdale (2019). "Effects of Physical Activity on the Physical and Psychosocial Health of Youth With Intellectual Disabilities: A Systematic Review and Meta-analysis", *Journal of Physical Activity and Health*, 16 (12).
22. Liu, Y., Y.Q. Yuan, M.J. Wang, F.Y. Han, G.J. Wen, J.Z. Zhang and etal. (2020). "The Level of Physical Activity Among Children With Intellectual Disability in

- Jinan”, *Chinese Journal of School Health*, 41.
23. Luckasson, R. and R.L. Schalock (2013). “Defining and Applying a Functionality Approach to Intellectual Disability”, *Journal Intellect Disabil Res*; 57 (7).
24. Martinez-Bello, V. and J. Molina-Garcia (2016). “Representation of Physical Activity Domains and Sedentary Behaviours in Physical Education Textbooks: An Image Analysis”, *South African Journal for Research in Sport, Physical Education and Recreation*, 38 (2).
25. Melville, C.A., A. Oppewal, L.S. Elinder, E. Freiburger, M. Guerra-Balic, T.I. Hilgenkamp and M. Gine-Garriga (2017). “Definitions, Measurement and Prevalence of Sedentary Behaviour in Adults With Intellectual Disabilities—A Systematic Review”, *Preventive Medicine*, 97.
26. Moya-Mata, I., L. Ruiz-Sanchís, J.M. Ruiz and C.R. Ros (2017). “Sports Activities in the Natural Environment: Its Representation in Physical Education Textbooks in Primary School”, *Sportis. Scientific Journal of School Sport, Physical Education and Psychomotricity*, Vol. III, No. 3.
27. Moya-Mata, I., C.R. Ros and C.M. Royuela (2014). “Los Contenidos de Educación Física a Través de Las Imágenes de Los Libros de Texto de Educación Primaria”, *Apunts Educación Física y Deportes*, (118).
28. Owen, N., T. Sugiyama, E.E. Eakin, P.A. Gardiner, M.S. Tremblay and J.F. Sallis (2011). “Adults’ Sedentary Behavior: Determinants and Interventions”, *American Journal of Preventive Medicine*, 41 (2).
29. Pančocha, K. (2006). *Speciálně Pedagogická Dimenze Závislostního Chování*, Masarykova Univerzita.
30. Physical Activity Guidelines Advisory Committee (2008). *Physical Activity Guidelines Advisory Committee Report*, Washington, D.C.
31. Rimmer, J.H. and J.L. Rowland (2008). “Health Promotion for People With Disabilities: Implications for Empowering the Person and Promoting Disability-friendly Environments”, *American Journal of Lifestyle Medicine*, 2 (5).
32. Rodríguez Rodríguez, J., D. Álvarez-Seoane, V. Arufe-Giráldez, R. Navarro-Patón and A. Sanmiguel-Rodríguez (2022). “Textbooks and Learning Materials in Physical Education in the International Context: Literature Review”, *International Journal of Environmental Research And Public Health*, 19 (12), 7206.
33. Seddighi, H., H. Sajjadi, S. Yousefzadeh, M.L. López, M. Vameghi, H. Rafiey and H.R. Khankeh (2021). “Representation of Disasters in School Textbooks for Children With Intellectual Disabilities in Iran: A Qualitative Content Analysis”, *International Journal of Disaster Risk Reduction*, 53, 101987.

34. Sedentary Behaviour Research Network (2012). "Standardized Use of the Terms "Sedentary" and "Sedentary Behaviours", *Appl Physiol Nutr Metab*, 37.
35. Shen, H.J., J. Yan, J.T. Hong, C. Clark, X.N. Yang and Y. Liu (2020). "Prevalence of Physical Activity and Sedentary Behavior Among Chinese Children and Adolescents: Variations, Gaps, and Recommendations", *International Journal of Environmental Research and Public Health* 17.
36. Stanish, H.I., C. Curtin, A. Must, S. Phillips, M. Maslin and L.G. Bandini (2019). "Does Physical Activity Differ Between Youth With and Without Intellectual Disabilities?", *Disabil Health Journal*, 12 (3).
37. Szabo-Reed, A.N., R.A. Washburn, J.L. Greene, L.T. Ptomey, A. Gorczyca, R.H. Lee ... and J.E. Donnelly (2020). "Physical Activity Across the Curriculum (PAAC3): Testing the Application of Technology Delivered Classroom Physical Activity Breaks", *Contemporary Clinical Trials*, 90, 105952.
38. Táboas-Pais, M.I. and A. Rey-Cao (2012). "Disability in Physical Education Textbooks: An Analysis of Image Content", *Adapted Physical Activity Quarterly*, 29 (4).
39. United Nations General Assembly (2020). "Sport for Development and Peace Sport: A Global Accelerator of Peace and Sustainable Development for All", Report of the Secretary-General. A/75/155. New York, NY: United Nations General Assembly.
40. Vidal-Albelda, B. and V.E. Martinez-Bello (2017). "Representation of Bodies With and Without Disabilities in Secondary School Physical Education Textbooks", *Sport in Society*, 20 (7).
41. World Health Organization (2020). "WHO Guidelines on Physical Activity and Sedentary Behaviour", Available at: <https://apps.who.int/iris/handle/10665/336656>.
42. Yuan, Y.Q., J.N. Ding, N. Bi, M.J. Wang, S.C. Zhou, X.L. Wang, ... and G. Roswal (2021). "Physical Activity and Sedentary Behaviour Among Children and Adolescents With Intellectual Disabilities During the COVID-19 Lockdown in China", *Journal of Intellectual Disability Research*.

فرم اشتراک

خوانندگان محترمی که مایل به اشتراک هستند می‌توانند حق اشتراک خود را به شماره حساب شبا ۵۴۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۰۰۰۹۰۱۰۰۱۰۸۲، نزد بانک مرکزی به نام درآمد متفرقه خزانه وزارت دارایی واریز و اصل سند بانکی را به همراه برگ تکمیل شده اشتراک به نشانی دفتر فصلنامه ارسال فرمایند.

بهای اشتراک: درخواست سالانه ۴ شماره ۱۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال + هزینه پستی هر شماره ۵۰۰,۰۰۰ ریال. ضمناً برای مشترکین قبلی تا اتمام حق اشتراک آنها فصلنامه به نرخ سابق ارسال خواهد شد.
نشانی: تهران، خیابان پاسداران، روبه‌روی پارک نیاوران (ضلع جنوبی)، پلاک ۸۰۲، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر امور مشترکین.

فرم درخواست اشتراک

به پیوست حواله بانکی به مبلغ ریال ارسال می‌شود، خواهشمند است
به تعداد ۴ یا ۸ شماره فصلنامه مجلس و راهبرد را به نام
به نشانی زیر ارسال فرمایید:
نام و نام خانوادگی: شغل: تحصیلات:
نشانی:
کد پستی: تلفن: دورنگار:
E-mail:.....

شیوه‌نامه نگارش مقاله

۱. ساختار مقاله باید مطابق یک روش علمی شناخته شده باشد و چکیده، کلیدواژه‌ها، مقدمه، متن ساختارمند، نتیجه‌گیری و منابع و مأخذ نیز داشته باشد و روش تحقیق شامل موضوع تحقیق، اهداف تحقیق، فرضیه‌ها یا سؤالات تحقیق و ادبیات موضوع به صورت مختصر ولی روشن و در حد امکان در بخش مقدماتی (مقدمه مقاله) ارائه شود.
۲. چکیده حداکثر دارای ۳۰۰ واژه و دربردارنده عنوان و موضوع مقاله، روش تحقیق و مهم‌ترین نتایج و فهرستی از کلیدواژه‌ها (حداکثر ۱۰ واژه) باشد و به طور جداگانه ضمیمه مقاله شود و در پاورقی رتبه دانشگاهی، دانشگاه محل خدمت و پست الکترونیکی مؤلف (نویسنده مسئول) و دیگر همکاران احتمالی ارائه شود.
۳. ارسال ترجمه انگلیسی عنوان مقاله، چکیده و کلیدواژه‌ها نیز همراه مقاله ضرورت دارد.
۴. مقاله در قالب صفحه A4 با رعایت فضای مناسب در حاشیه‌ها و میان سطرها حروفچینی شود و درج فرمول‌ها با استفاده از نرم‌افزار MahtType ضروری است.
۵. ارسال مقاله از طریق ثبت نام در سایت فصلنامه به آدرس <http://nashr.majles.ir> انجام شود.
۶. حجم مقاله ارسالی باید بین ۳۰۰ تا ۸۰۰ کلمه باشد (۱۰ تا ۱۵ صفحه قطع A4 با احتساب چکیده‌های فارسی و انگلیسی).
۷. مقاله ارسالی نباید در هیچ مجله داخلی یا خارجی چاپ و یا به سایر مجلات فرستاده شده باشد.
۸. فصلنامه مجلس و راهبرد در اصلاح و ویرایش مقالات آزاد است.
۹. در مقابل اطلاعات، آمارها و هرگونه ادعایی، منبع به صورت درون‌متنی آورده و در پایان نیز مرجع کامل آن ذکر شود. این بند شامل جدول‌ها و نمودارها نیز می‌شود.
- منابع فارسی: نام خانوادگی مؤلف، سال نشر؛ صفحه؛ مثال (فرهادی، ۱۳۷۶: ۶۵).
- منابع لاتین: صفحه؛ سال نشر، نام خانوادگی مؤلف؛ مثال (Smith, 1995: 18).
- در صورت تکرار پی در پی (بدون فاصله) منابع، به ذکر کلمه «همان» با شماره صفحه و در لاتین "Ibid." نیز به همین ترتیب اکتفا شود.
- چنانچه از نویسنده‌ای در یک سال بیش از یک اثر منتشر شود آن آثار، با ذکر حروف الفبا پس از سال انتشار، از یکدیگر متمایز شوند.
۱۰. ذکر معادل غیرفارسی واژه‌های تخصصی، اسامی افراد یا مکان‌ها در پاورقی ضروری است.
۱۱. در پایان مقاله، فهرست الفبایی منابع فارسی و لاتین (کتابنامه) به صورت زیر ارائه شود (ابتدا منابع فارسی و عربی و سپس منابع لاتین) همچون مثال‌های زیر:
الف) کتاب: نام خانوادگی و نام نویسنده (تاریخ چاپ). نام کتاب به صورت ایتالیک، نام مترجم، محل انتشار، نام ناشر، شماره چاپ، جلد
ب) مقاله مندرج در مجلات: نام خانوادگی و نام نویسنده (سال انتشار). «عنوان مقاله»، نام نشریه به صورت ایتالیک، دوره نشریه، شماره نشریه.

چکیده انجمنی مقالات

Conceptualization of Physical Activity in Textbooks for Elementary School Students With Intellectual Disability

Saeed Yousefi and Zahra Asghari

In the current study, quantitative content was used to analyze all textbooks of preschool and elementary school for students with intellectual disability. 46 textbooks and 7664 pages were analyzed using MAXQDA 2020. Components for physical activity were extracted in three main categories including education for physical activities, education via physical activities, and sedentary behaviors. They include subcategory 1 (16 components), subcategory 2 (54 components), and subcategory 3 (10 components). Materials on physical activity has presented clearly and implicitly using course clusters. Despite these positive points, in the above-mentioned textbooks some gaps were identified regarding being active while staying at home during the COVID-19 epidemic, the disabled's physical activity, physical activities outside of school, reducing sedentary behaviors, the optimal time for physical activities, etc. Accordingly, to provide information on physical activities and sedentary behaviors in textbooks for students with intellectual disability, experts in parasports should help. Subjects on physical activity should be dealt with in all educational grades and programs on physical activity should be used in course clusters.

Keywords: *Elementary School Students; Textbooks; Physical Activity; Exercise; Intellectual Disability*

Studying the Effect of Religiosity on the Feeling of Social Security: A Meta-analysis of Studies in 2008-2021

Taha Ashayeri, Tahereh Jahanparvar, Hossein Momeni and Faezeh Raghmi

Religion is a type of tool for social control that reduces insecurity and increases the feeling of social security by training ethical and normal behaviors and binding groups with the same religion and beliefs in an ideal society. In this research, a quantitative meta-analysis was applied. The population consisted of 34 documents. 27 pieces of research in 2008-2021 were selected (articles related to meta-analysis) using purposeful sampling by observing inclusion and exclusion criteria. The findings indicate that there is a direct significant relationship between emotional religiosity (%37), experiential religiosity (%36), belief religiosity (%30), ritualistic religiosity (%18), and consequential religiosity (%19), and citizens' feeling of security. Religiosity has a direct significant influence on the feeling of security. Its overall effect is %37. With an increase in religiosity, the feeling of security increases.

Keywords: *The Feeling of Social Security; Religious Social Capital; Meta-analysis Religiosity*

Identifying and Ranking the Barriers to People's and Elites' Participation in Judicial System

Hamid Reza Nematollahi, Mostafa Maleki, Mahdi Abdolhamid and Masomeh Sarvandi

In developed judicial systems that are managed based on components of constitutional law, beneficiaries participation that helps resolving the conflicts in judicial and legal institutions is one of important factors to prove governmental efficiency. But this participation encounters challenges that prevent people's and elites' participation. Using a mixed research method and at first by meta synthesis method, this study aims at presenting a comprehensive classification of main barriers to people's and elites' participation in judicial system and then these barriers are ranked using TOPSIS method. The data are cross-sectional. By collecting data from authentic scientific databases and sanitizing them, 78 articles were selected as main articles to extract the findings. By analyzing the findings, 27 barriers were identified and classified in 5 categories and two macro and micro levels. In macro level, the barriers include structural, managerial, attitude, cultural, and social barriers and in micro level, the barriers include managerial, attitude, legal, cognitive, and communication barriers. Based on their effects, barriers are ranked as follows: lack of a clear definition of participation, superficial participation instead of meaningful participation due to a lack of control and balance in the government system, bureaucratic structures, paperwork, and hierarchical structures. Barriers with less effects include citizens' unfamiliarity with new architectural technologies and courts' environment, lack of space for interaction and learning, and intellectual barriers such as language used by judges and lawyers.

Keywords: *Participatory Governance; Barriers to Participation; Mixed Research Method; Governance; Judicial System*

Analyzing the Objectives of the Public-private Participation in Civil Historical Monuments (A Multi-case Study)

Neda Zarandian, Mohammad Reza Farzin and Ali Asghar Shalbafian

Historical monuments are one of the main sources in different cities of Iran that help ecodynamics. The public sector is responsible for conservation and exploitation of them. While this sector does not have enough technical and financial resource. hence according to other countries patterns public private participation has formed to conserve, restore, and exploit historic monuments in recent years. The motivations and approaches of both parties have not been specified. The current study aimed at investigating the experiences of four buildings in different cities In Iran to specify the purposes. this can lead to make policies and approaches by both public and private sectors in participation contracts. In this case study, they were collected by investigating the documents, observations, and interviews. the interviews. 27 individuals were selected purposefully were interviewed, the obtained data were analyzed using MAXQDA 10. Systematic review was also used to investigate the previous studies -as external experiences- accordingly, 40 articles were selected and their content was analyzed using thematic analysis and MAXQDA 10 software.

The results show that providing cost of conservation and restoration, providing tourism infrastructures, modeling for private sector, conservation of building, regeneration of historical texture, Identity, economic benefit, and creating job or objectives of public sectors. , whereas social prestige, investment in tourism,, increasing social capital, creating tourist destinations financial benefits personal interests and showing Iranian hospitality are considered by the private sector. Considering showing an inclination to protect historical buildings as the national capital for the public sector and making an effort to provide public interest by the private sector, two key solutions should be considered: observing conservation and restoration standards by the private sector and starting supportive funds of investment by the public sector.

Keywords: *Urban Economics; Public-Private Participation; Tourism; Tourism and Development*

Investigating the Effect of Macroeconomic Policies and Their Instability on the Capital Structure of Listed Companies in Tehran Stock Exchanges

Mehdi Khoramabadi

Based on financial theories, capital structure is affected by different factors. Recognizing these factors is of high importance in evaluating and determining the optimal capital structure. Accordingly, the objective of this paper is to investigate the effect of macro-economic policies and their instability on capital structure of listed companies in Tehran Stock Exchanges. Hence, macro-economic policies and their instability and the effect of each factor on financial leverage as the index of capital structure were investigated and tested. The sample consisted of 206 listed companies in Tehran Stock Exchanges in 2011-2019. Static (multiple linear regression) and dynamic (autoregressive Distributed Lag (ARDL))models were used to analyze the data. The obtained results from static models show that money supply, government spending and government spending volatility have a significant negative impact and rate of inflation and money supply volatility have a significant positive impact on financial leverage of companies. Considering the obtained results from dynamic models, money supply, exchange rate and money supply volatility have a positive impact and government spending rate of inflation, exchange rate volatility, government spending volatility and inflation volatility have a negative impact on financial leverage of companies in the long term. In situations in which companies are uncertain about time, content, and the possible effect of the related decisions on economic policies and their instability, investigation of economic policy consequences and uncertainty seems significant. The results show the significance of the stability of economic policy in the business environment and decisions related to financing.

Keywords: *Financial Leverage; Capital Structure; Financing; Macro-economic Policies; Uncertainty of Macro-economic Policies*

Understanding the Legal Nature of Riverbed and Crimes Caused by Its Transfer

Rasoul Ahmadzadeh, Zahra Mashayekhi and Rahim Golzadeh

Rivers are vital arteries on the earth and they are national properties. Factors such as illegal assignment of riverbeds and illegal change of land use cause the ecosystem to be a serious hazard. Currently, in the ordinary laws, in the form of lease contracts, exploitation of riverbeds for temporary cultivation is allowed. Constructing buildings and any encroachments in riverbeds are allowed with the permission of the Ministry of Energy. Transfer of ownership of riverbeds to individuals without any effective supervision cause many problems and crimes that cannot be overlooked. This study addresses a question: what is the place of the riverbed in the property laws system and what legal framework of transfer can be applied to analyze its criminal effects? Using library research and by investigating the nature of rivers in the property laws system, it was concluded that the exploitation of riverbeds as national properties should be done with the permission of the government and without transferring benefits by granting the lease.

Keywords: *Riverbed; National Properties; Illegal Land Use Change; National Lands Seizure; Environmental Crimes*

Investigating the Trend of Scientific Production in Collective Decision-making Method in Web of Science (WoS)

Sayed Mohsen Mirbagheri, Ataollah Rafiei Atani and Mohammad Reza Parsanejad

Using co-word analysis, the current study aims to investigate the trend of published research in the collective decision-making method as one of the most practical methods in different contexts of participatory governance. This study makes it possible to investigate the main topics of studies by studying published documents, combining metrics, and determining subject trend in decision-making. Using a quantitative approach and scientometrics techniques, this study aims at investigating scientific production in collective decision-making field in Web of Science as a reference database until August, 2022 (53 years ago). VOSviewer software and Excel were utilized to analyze the data and to present the charts. The distribution of publications rate in different countries and how they are distributed in authentic journals were investigated. 5173 keywords were found by investigating 1494 publications. The findings showed that the number of publications in this field has increased and the published keywords have changed from insects (such as bees and ants) to humanities fields (such as governance, participation, coordination, and cooperation). Because of the multiple challenges of the world's governance systems in effectively managing communities, tensions, and disorders created in the relations between people and the government, participatory governance has attracted a lot of attention from the scientific community. The findings show that applying collective decision-making is an important method in participatory governance.

Keywords: *Collective Decision-making; Participatory Governance; Co-word Analysis; Tracing Research Trends*

Community as an Economic Organizing Beyond the Duality of the State and the Market

Sayed Mohammad Hosseinifard, Abolghasem Tohidinia and Elyas Naderan

Some economists support the free market and list the advantages of the market such as high motivation, competition, and optimal resource allocation via price system, and the disadvantages such as inefficiency and corruption. Also, some economists support the government and express market failures and the necessity of government intervention. Using a descriptive-analytical method, the failures of the market and the state are explained and community is introduced as an institution that can be a complementary for the market and the state and in some cases it does not have their failure. There is a false duality in debates between the supporters of the market and the state and the community as an economic organization has received less attention. This study investigates the importance of social groups (community) in promoting economic cooperation in situations that are instances of Prisoner's Dilemma and are not self-interest in line with social efficiency. Considering social bonds in Iran and different types of active social groups in the public sector, this capacity should be paid more attention to and be used to promote economic cooperation.

Keywords: *Institution; Community; Economic Organizing; Market Failure; Trust*

Analyzing the Legal Aspects of Content Contracts and Digital Services Emphasizing Consumer Rights Protection

Sajad Janmohammadi, Rahmatollah Janmohammadi and Mina Hosseini

Digital content and services are data that are concluded and offered in the form of content contracts and digital services between sellers and consumers. It should be noted that consumers of digital products are not meant to purchase online to be subject to the Electronic Commerce Rules. On one hand, regulations of Electronic Commerce Law date back to a decade ago and certainly it cannot cover all new technical and legal aspects in this field. Online shopping is just one of methods to receive digital services and content. Accordingly, receiving digital services and content is not merely online shopping and there is an absolute generality and peculiarity relation between them. When a book is bought online, it is not a digital content but it is an online shopping. Using a descriptive-analytical method, the objective of this study is to answer the following question: considering novelty, what are the legal and technical dimensions of digital services and content contracts? In most modern legal systems such as the European Union, consumers of digital services and content are legally protected as the weaker contractual party. In this regard, Iran's legal system should insert regulations in Electronic Commerce Law regarding the imperative responsibilities of producers of digital services and content to protect consumer rights as the weaker contractual party.

Keywords: *Content Contract; Digital Services; Digital Content; European Union*

Examining Mitigating Factors of Criminal Liability in the Measure of Justice

Ahmad Haji Dehabadi and Ahmad Rahimi

The legislation requires observing some requirements among them the measure of justice as “the spirit of the law” has an important place. Among the range of criminal laws, due to its effect on the application or non-application of punishment, the necessity of this measure in “mitigating factors of criminal liability” is of double importance. Hence, observing the measure of justice in enacting these regulations is of high importance. Considering the significance of the measure of justice, this descriptive-analytical research using library data aims at addressing the examination of mitigating factors of criminal liability from the perspective of justice. Accordingly, mitigating factors of criminal liability as an example of criminal laws are put under the microscope of justice as a special legislation indicator and examine the foundations of the Islamic Penal Code 2013 critically. The obtained results prove that the performance of criminal legislators in cases such as “not accepting ignorance of the law”, “pursuing and maintaining mentally ill patients”, the gender-specific difference in punishment”, and “not accepting reluctance in murder” is far from what it should be.

Keywords: Measure of Justice; Legislation; Mitigating Factors of Criminal Liability; Injustice

Analyzing the Contribution of the Effective Factors on Iran's Population Aging Using Shapley Value

Reza Maboudi, Mohammad Hassan Fotros and Zeinab Dareh Nazari

Population aging is one of the important phenomena in demographic changes whose effects on social and economic variables are considerable. Accordingly, using the Shapley Value, the current study aimed at investigating the contribution of the effective factors on Iran's population aging in 1970-2020. The obtained results show economic production, life expectancy, mortality rate, and fertility rate have the greatest contribution. Calculation of the contribution of the effective factors on population aging based on age structure transition indicate that in the first stage of transition (1970-1995) encouraging policies for having children and increasing trend of migration have made net rate of migration and fertility have the most contribution in population aging. In the second stage of transition (1996-2010) child mortality decreases by increasing in health level. As a result, infant mortality rate has the most contribution in population aging. But implementing population control policy reduces the contribution of fertility rate in population aging. In the third stage of transition (2011-2020), net migration rate and child mortality rate have the most contribution in population aging due to migration and improvement of treatment methods. In this stage, the contribution of fertility rate and child mortality rate increases than the previous stage. Hence, adopting appropriate policies such as increasing fertility rate, creating socio-economic infrastructures, taking care of the elderly, and increasing the elderly's health level to prevent adverse effects of population aging is necessary.

Keywords: *Population Aging; Fertility Rate; Life Expectancy; Mortality Rate; Shapley Value Approach*

Requirements for Establishing a Quality Assurance System in Iran Higher Education and Research System

Mahdi Mahdi

The quality of higher education and research system to create necessary mechanisms to evaluate it is one of the main issues in this field. By investigating evaluation measures and activities done in the past and analyzing and pathology of the current situation, the current study was done to present strategies for modifying and completing the quality assurance system of higher education and research system. To identify the best experiences, a comparative study of quality assurance systems in four countries including the U.S.A, France, China, and Turkey was done, too. After that a survey on rules and upstream documents and then a pathology of done evaluation activities by institutions in charge of higher education were done. Validity and reliability of the study were confirmed using a comparative study and experts' opinions. Nine main disadvantages were identified. Dispersion of evaluation and governmental activities, weakness of the scientific and professional approach, dominance of control approach, not continuity of evaluations, individualism in evaluations, low transparency of evaluation activities, paying not enough attention to different beneficiaries of higher education and research system, low effectiveness of evaluation activities. Finally, to address the above-mentioned disadvantages, some suggestions were put forward: establishing a national quality assurance system for higher education, contributing different beneficiaries, changing an input-based approach to an output-base one, public publication of evaluation results and utilizing them as a policy instrument, creating a national system for information on higher education and research and membership in international quality assurance systems.

Keywords: *Higher Education; Quality Assurance; Validation; Ranking*

Social Security Organization and Challenges of Business Activists

Mohammad Reza Maleki and Yaser Bagheri

The social security is one of achievements of development and business activists bear an important part of burden of economic development. Hence, in long term both sectors (the social security and business activists) would encounter some problems. This issue necessitates the interaction between them. The purpose of this study is to recognize challenges of the interaction relying on entrepreneurs' viewpoints. Experts in social security field and business activists were interviewed. The qualitative data were analyzed. The findings show that the main challenges for interacting with the social security organization are as follows: weakness of processes related to incorporation of a company, problems related to present list of insurance, lack of unity in procedure and transparency in calculating insurance premiums for contractual agreements, weakness of processes and structures related to insurance inspection, lack of enough attention to branches and votes by boards, reconsideration of votes by Administrative Court of Justice, weakness of administrative, financial, and legal structures and process of account settling. Therefore, it has been tried to consider both exogenous and endogenous factors in solutions.

Keywords: *Contracts; Entrepreneurs; The Social Security Organization; Tripartism; Business*

Presenting the Evaluation Pattern of Economics Governance in Iran Using International Evaluation Indexes

Gholam Reza Tavakoli, Amin Moeinian, Ahad Rezayan Ghayebashi and Ehsan Tahmaseb

As the most important component in orienting governments toward citizens' lives, economic governance has been paid attention by experts and citizens. On one hand, governments success and economic components should be measured in institutional context of each country considering social and political requirements. On the other hand, overlaps in economic issues have made it possible to utilize common metrics in international indicators to evaluate economic performance. Therefore, in the current study, among 13 basic indicators, four indicators including Legatum Prosperity index, ease of doing business index, competitiveness, and rule of law were selected and studied closely inspired by multi-case studies and experts' opinions. Economic pillars of the mentioned indicators were investigated. Using the output of this stage and the quantitative and the qualitative results, relationship and significance of related metrics to Iran's strategic goals from the experts' viewpoint were explored and extracted among the above-mentioned indicators using a structural equation model in Lisrel software. Accordingly, the evaluation pattern of economic governance in five main axes including economic quality, economic infrastructure, investment environment, business conditions, and market has been designed in 20 pillars. Finally, the main model of the study for developing economic policies leads to four proposes to be implemented for policy making.

Keywords: *Evaluation; Economic Governance; Economic Indicators; Prosperity Indicator; Competitiveness Indicator*

Lessons from Privatization of State-owned Enterprises in Iran

A Case Study of Raja Passenger Train Company, Iran Airtour Airlines, Haft Tappeh Sugarcane Agro-industrial Company and Al Mahdi Aluminum Complex

Ali Nasiri Aghdam, Ali Jafari Shahrestani, Elham Gholami and Zeinab Piroozrahi

The purpose of this study is to evaluate lessons from privatization in Iran. For this purpose, a case study method was utilized and four companies including Raja Passenger Train Company, Iran Airtour Airlines, Haft Tappeh Sugarcane Agro-industrial Company and Al Mahdi Aluminum Complex were investigated. The main idea of this research is that transition to market system is a systemic process rather than a mere assignment of ownership from government-owned parent companies to non-governmental owners. Based on the findings, privatization can be successful when 1. In classification of state-owned companies, paying attention to nature and functions of a company is more important than the place of the company or its activity in Principle 44 of the Constitution. 2. Cooperation between privatization organization and relevant parent companies is better than a contrast that has been predicted in clause (1) article (18) of general policies of Principle 44. 3. Increasing companies' commitment to assignment (such as imposing a new workforce on a company) should be criminalized, 4. The ceding board should be authorized, and 5. The implementation method of the transfer (such as issuing a transfer act before setting the price, issuing calls for transfer without ensuring transparency of financial statements, or disqualification of managers of strategic and large-scale companies that transfer as a block) should be revised.

Keywords: *State-owned Enterprises; Privatization; Transition to Market System; Principle 44 of the Constitution; Case Study*

English Abstracts

Majlis & Rahbord

Scientific Quarterly
Vol. 31, No. 118, summer 2024

118

Publisher: Majlis Research Center

Director in Charge: Negahdari, B.

Editor-in-Chief: Sobhani, H.

Managing Editor: Khoei, S. M.

Editorial Board:

Beygzade, E. (Professor, Faculty of Law, Shahid Beheshti University)

Davoodi, P. (Professor, Faculty of Economic and Political Sciences, Shahid Beheshti University)

Golami, A. (Associate Professor, Faculty of Islamic Studies and Law, Imam Sadiq University)

Jabalamehi, M.S. (Professor, Faculty of Industrial Engineering, University of Science and Technology of Iran)

Jahan, A. (Associate Professor, Faculty of Industrial Engineering, Islamic Azad University Semnan)

Naderan, E. (Associate Professor, Faculty of Economics, University of Tehran)

Nasrollahi, M.S. (Associate Professor, Faculty of Islamic Studies and Communication, Imam Sadiq University)

Rahai, A. (Professor, Faculty of Civil and Environmental Engineering, Amirkabir University of Technology)

Sadeghy Moghadam, M.H. (Professor, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran)

Sharifi, A.H. (Professor, Faculty of Philosophy, Imam Khomeini Education and Research Institute (RA))

Sharifzadeh, M.J. (Associate Professor, Faculty of Islamic Studies and Economics, Imam Sadiq University)

Sobhani, H. (Professor, Faculty of Economics, University of Tehran)

Taiebnia, A. (Professor, Faculty of Economics, University of Tehran)

Editorial Advisory Board: Abbasi Shavazi, M.J.; Abolqasemi, M.; Afrasiabi, H.; Afshani, S.A.; Ahmadi, V.; Amiri, H.; Amirnejad, Q.; Ansari, B.; Arabi, S.M.; Arashpour, A.; Bagherabadi, F.; Baghoumian, R.; Barkhordari dorbash, S.; Hamidi, M.; Hayati, A.A.; Imani Khoshkho, M.H.; Jabalamehi, F.; Karimi Moughari, Z.; Khabiri, M.; Mahdavi Zahed, M.; Mahmoudi, A.H.; Mahmoudian, H.; Majidpour, M.; Matofi, A.; Mehrara, M.; Momeni, F.; Mortazavi, M.; Mirzaei, M.; Namamian, P.; Nematollahi, M.; Qureshi Khorasegani, M.S.; Rahiminejad, I.; Razmahang, M.; Rojuee, M.; Rouhani, S.A.; Sepehrdoust, H.; Shaterian, M.; Shirkavand, S.; Sobhani, H.; Yarmohamadian, N.

According to Letter No 3/27-958, Dated 14 March 2012 of the Ministry of Science, Research and Technology the Quarterly has been Accredited as a Scientific - Research Journal.

Majlis Research Center:

No. 802, Southern of Niavaran Park, Pasdaran St. Tehran, Iran

Office: +9821-75183283

Fax: +9821-75183186

Subscription: +9821-75183149

nashr.majles.ir

mrcmag@majles.ir

rc.majles.ir

Editor: Amin Eskandari, Sh.

Layout: Sardari, B.

• The Views Expresse in Majlis & Rahbord are those of the Authors and not Necessarily those of the Editors or MRC.

• All or Parts of the Articles in this Quarterly maybe Freely Quoted our Reprinted, but Acknowledgment is Requested.

Price:2500000 RL